

بر مناسبت پنجاه و پنجمین سال تاسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان

# بسوی جامعه نوین

مجموعه بیانیه ها و پیام های رفیق سیرک کارمل

(سال ۱۳۶۲)

بازتاب و تدوین و ویرایش: محمد قاسم آسمانی

بازپخش: انتشارات دهرچم جنوری ۲۰۱۹



یاد آور ضرورین:

سپاس فرموده، از رفیق دکتر تطیفه توخی که متن چاپی کتاب را غرض

تدوین و دیجیتال در اختیار نشرهت را پرچم قره دلاوند.

شناسنامه کتاب:

عنوان: به سوی جامعه نوین. (مجموعه بیانیها و پیامهای رفیق

ببرک کارمل منشی عمومی حزب دموکراتیک خلق

افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک

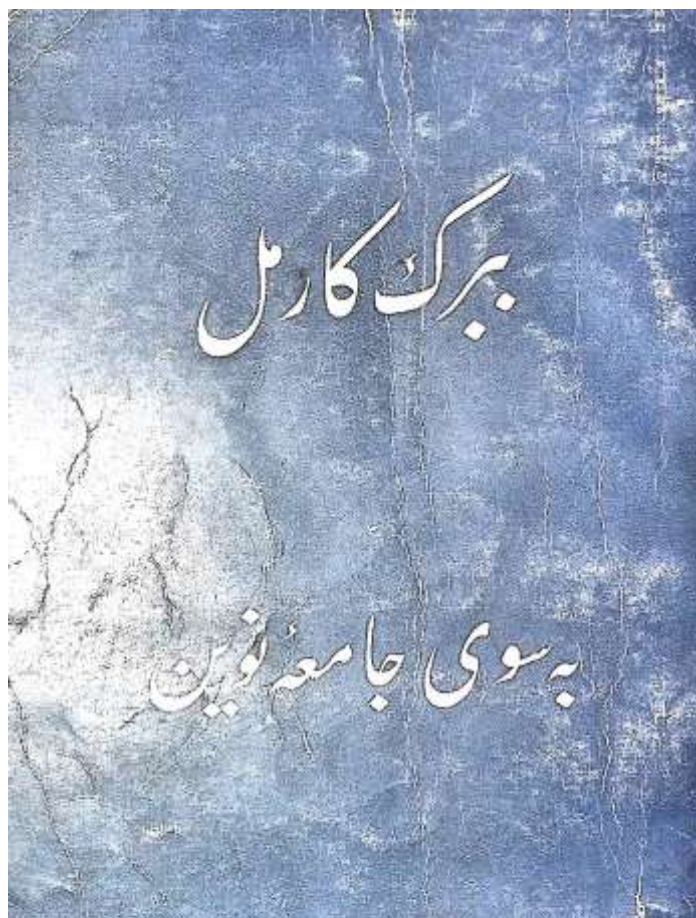
افغانستان سال ۱۳۶۲)

چاپ نخست: موسسه نشراتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

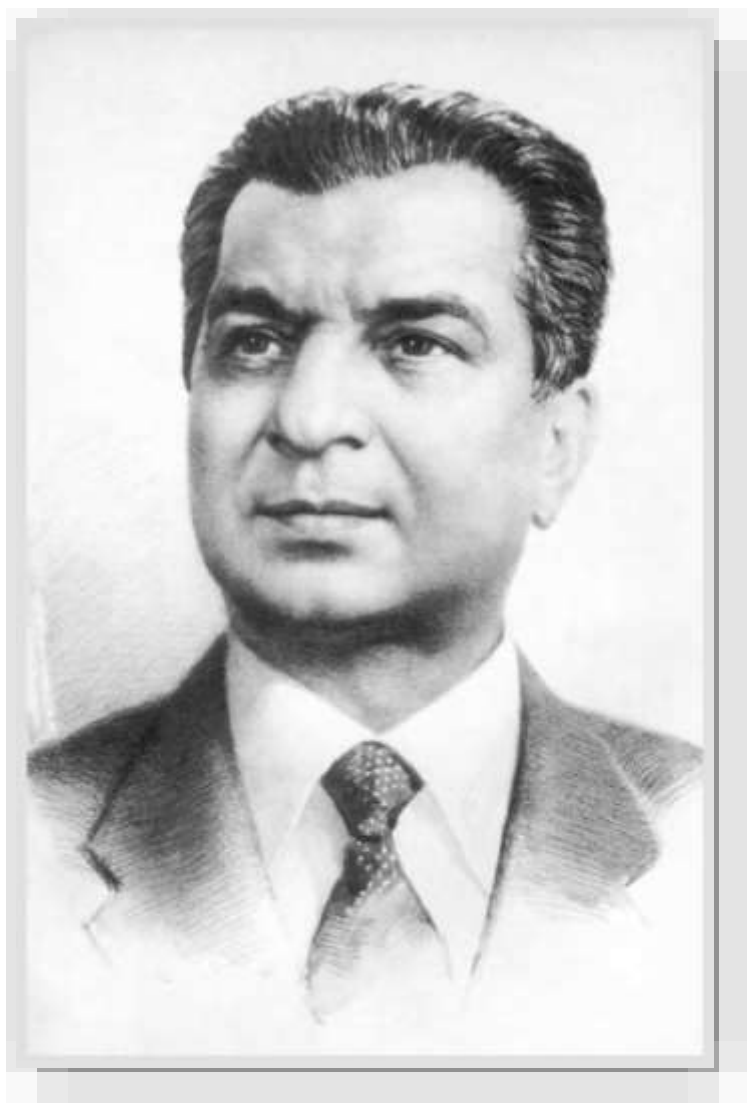
کابل عقرب ۱۳۶۲

باز تایپ و تدوین دیجیتال: قاسم آسمایی

بازپخش: انتشارات راه پرچم جنوری ۲۰۲۰



روی جلد چاپ نخستین



## تذکر کوتاه

صفحه انترنیتی راه پرچم افتخار دارد که در راستای باز نشر و پخش اسناد، مدارک و نشرات بیانگر کار و پیکار جمهوری دموکراتیک افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان، باردیگر مجموعه بیانیه‌ها، مصاحبه‌ها و گذارش‌های رفیق بربک کارمل در پلینوم‌های کمیته مرکزی و نخستین کنفرانس حزبی را با عنوان «بسوی جامعه نوین» در دنیای انترنیت همگانی می‌سازد.

در پیدا کردن و همگانی ساختن اسناد، مدارک و نشرات دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ما را یاری رسانید. همگانی ساختن چنین مدارک و نشرات یک دین و مکلفیت ما است.

گردانندگان صفحه انتر نیتی راه پرچم

ایمیل:

[rahparcham@gmail.com](mailto:rahparcham@gmail.com)

آدرس ما در انترنیت:

<http://rahparcham.org>

درباره این مجموعه

با سقوط دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، خصومت و عناد دشمنان و مخالفین بین‌المللی، منطقوی و داخلی آن با مردم وطن و حزب ما، ننتها فروکش نکرد بلکه برای تخریب آرمان‌ها، اهداف و دستاوردهای دولت دموکراتیک و ویرانی وطن و کشتن مردم، شیوه‌های به مراتب ویرانگری را بکار بردند. "جهادی‌های پایین شده از کوه"، هم‌مانند نیروهای ویرانگر چنگیزی با غصب موسسات دولتی و عامه آنچه را که قابل انتقال بود "غنیمت دانسته" به تصرف شخصی و تنظیمی خویش درآوردند و آنچه را که غیرقابل انتقال بود؛ شکستند و نابود ساختند. بزرگترین جفای تنظیم‌های جهادی، تسلیم دادن اسناد محرم ادارات دولتی به کشورهای پاکستان و ایران بود.

حامیان بین‌المللی "مجاهدین"، در آغاز خواستند با برجسته ساختن موجودیت قوای شوروی، مسئولیت جنگ و ویرانی کشور را متوجه جمهوری دموکراتیک افغانستان ساخته و برهمه دستاوردهای بیش از یک دهه دولت دموکراتیک خط بطلان بکشند و پیروزی دست پرورده‌های خویش را جشن بگیرند.

در مرحله بعدی وسایل ارتباط جمعی وابسته به آنها بشمول نویسندگان، تحلیل‌گران و ژورنالیستان مخالف دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان خواستند با سکوت و خاموشی در مورد اقدامات آبادانی و سازندگی در جمهوری دموکراتیک افغانستان، آنرا از اذهان مردم محو سازند. آنان حین نوشتن مطالب و تحلیل‌ها، پیرامون وضع و حوادث افغانستان تلاش داشتند تا از جمهوری داوود به دولت اسلامی ساخته شده از جانب آنها، خیز بزنند و چنین تلقین نمایند که گویا در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ - ۱۹۹۲ هیچ کاری مثبتی در افغانستان صورت نگرفته است و تنها دوره سیاه بگیر و ببند حفیظ الله امین را سمبول و نمونه همه این مدت دانسته اند.

خوشبختانه گذشت زمان و داوری تاریخ، بی‌طرفانه است و با سپری شدن هر ماه و هر سال، رویدادهای دهه هشتاد میلادی قرن گذشته از جنگ تا آبادانی و سازندگی، بیشتر

و خوبتر وضاحت یافته و می‌یابد و مردم طی بیست و شش سال گذشته با چشم خویش می‌بینند و با پوست و گوشت خود احساس میکنند که همسایه‌های به ظاهر دوست و مدعی داشتن تاریخ، فرهنگ، زبان و دین مشترک، چرا و برای کدام منظور تنظیم‌های جهادی را ایجاد کرده و ارتجاع عرب و جهان‌خواران بین‌المللی، روی کدام انگیزه‌ها و اهداف، بر آنها سرمایه‌گذاری کرده و امکانات بی‌حساب پول، سلاح و اطلاعات را در اختیار آنها قرار داده و در سطح بین‌المللی از آنها حمایت سیاسی و تبلیغاتی میکردند و مدعیان "اسلام و آزادی" چه جنایاتی را در مقابل مردم و وطن مرتکب شده و میشوند؟

در راستای توضیح اهداف، خواست‌ها و عملکرد جمهوری دموکراتیک افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در عرصه‌های گوناگون، بازپخش مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و گذارش‌های رفیق بېرک کارمل رئیس شورای انقلابی و منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان کمک می‌نماید تا تصویر از کار و پیکار یک دوره از تاریخ کشور بدست آید و زمینه دسترس برای مشتقان بررسی بی طرف حوادث کشور فراهم گردد. قاسم آسمایی



## فهرست

۱. بیانیه رادیوتلوویزیونی به مناسبت آغاز سال نو ۱
۲. بیانیه شفاهی در فابریکه خانه سازی شهر کابل ۵
۳. بیانیه هنگام دیدار از حربي پوهنتون ۱۷
۴. بیانیه به مناسبت پنجمین سالگرد انقلاب ثور ۳۱
۵. پیام به اسامبله جهانی صلح پراگ ۴۰
۶. گزارش به پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ۴۳
۷. بیانیه اختتامیه در پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی ج.د.خ.ا ۶۷
۸. بیانیه در ضیافت اولانباتور ۷۰
۹. بیانیه رادیو تلوویزیونی به مناسبت شصت و چهارمین سالگرد استرداد استقلال کشور ۷۵
۱۰. پیام به مناسبت روز بین‌المللی سواد ۸۱
۱۱. بیانیه افتتاحیه در جلسه نوبتی شورای انقلابی ج.د.ا ۸۵
۱۲. پیام به مناسبت سومین سالگرد تأسیس سازمان پیشاهنگان ج.د.ا ۸۹
۱۳. سخنرانی هنگام بازدید از پوهنتون هوایی و مدافعه هوایی ۹۲
۱۴. پیام به مناسبت تجلیل از بیستمین سالگرد تأسیس انستیتوت پولیتخنیک ۹۹
۱۵. پیام به مناسبت سی و هشتمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد ۱۰۲
۱۶. سخنرانی در جلسه سراسری منشیان سازمان‌های اولیه اردوی ج.د.ا ۱۰۵
۱۷. پیام به کنفرانس سراسری نویسندگان جوان ۱۳۱
۱۸. پیام به جلسه سراسری شخصیت‌های ملی واجتماعی ۱۳۵

- ۱۳۹ . سخنرانی در گردهمایی شخصیت‌های ملی و اجتماعی
- ۱۵۵ . صحبت با نماینده‌گان کنفرانس سراسری نویسندگان جوان ج.د.ا
- ۱۶۸ . فشرده سخنرانی در جلسه کارمندان رهبری حزبی و دولتی
- ۲۰۱ . سخنرانی هنگام دیدار با قوماندانان گروه‌هایی مدافع انقلاب
- ۲۱۰ . بیانیه هنگام دیدار از پرورشگاه وطن
- ۲۴ . سخنرانی در جلسه وسیع هیات رهبری و قوماندانان قوای مسلح ج.د.ا  
۲۱۳
- ۲۴۲ . سخنرانی در نخستین جلسه پخته کاران کشور
- ۲۶ . بیانیه در جلسه فوق‌العاده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک  
افغانستان  
۲۵۲
- ۲۷ . بیانیه در سیمینار تطبیق اصلاحات ارضی و آب در جمهوری  
دموکراتیک افغانستان  
۲۷۶
- ۲۸ . درباره تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب و تحکیم هر چه بیشتر حاکمیت  
دولتی  
۲۸۸
- ۲۹ . بیانیه اختتامیه در جلسه نوبتی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک  
افغانستان  
۳۲۲



بیانیه رادیوتلوویزیونی به مناسبت آغاز سال نو  
شام ۲۹ حوت ۱۳۶۱

## سال نورابه امید صلح سراسری وطنی و پیروزی های جدید در پیکار انقلابی خلق های خوداستقبال می کنیم

هموطنان عزیز!

اجازه دهید، که سال نو، جشن باستانی نوروز و جشن دهقان را از صمیم قلب به شما کارگران، دهقانان، اهل کسبه، روشنفکران، مردان و زنان زحمتکشی که در راه ساختمان جامعه پیشرفته و تأمین زندگی نوین و سعادت مند برای تمام مردم خود و شگوفانی وطن محبوب مان افغانستان قهرمان و انقلابی مشغول کار و پیکار هستید، به شما منسوبین قوای مسلح قهرمان کشور عزیز، به شما علما و روحانیون شریف و تمام متحدین وطنپرست که با کلام معتبر خود مردم را به کار و دفاع از انقلاب تشویق می کنید از صمیم قلب تبریک بگویم.

امسال تجلیل از روز عنعنوی دهقان و آغاز سال نو نه تنها به مثابه ادامه سنت پسندیده مردم آزاده و قدردانی از کار و عرق ریزی دهقانان زحمتکش کشور ما برگزار می شود، بلکه بعد از تدویر پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان باید فرصتی باشد که دهقانان و تمام زحمتکشان کشور ما با تدابیر حزب و دولت انقلابی خود با اتحاد و برادری در جهت بهبود شرایط زندهگی و کار خود بهتر و ثمربخش تر آشنا شوند و در جهت باروری تمام زمین ها و بلند بردن سطح حاصلدهی در سالی که آغاز می شود به سعی و تلاش تجدید پیمان نمایند.

تحول اوضاع در طول سال گذشته با وضاحت می رساند که سال نو برای تمام خلق کشور ما سال پیروزی های نو و قاطع خواهد بود. در طولی سالی که گذشت ضربات

مرگباری بر پیکر ضد انقلاب وارد گردید. نقطه قابل توجه درین است که این ضربات تنها از طریق قوای مسلح دلیر و نیروهای مردم وارد نگردید، بلکه در عرصه سیاسی نیز ما شاهد جلب هرچه بیشتر زحمتکشان و بخصوص دهقانان به اهداف انقلاب و در کنار حزب و دولت بودیم. دهقانان و سایر زحمتکشان کشور ما هرچه بیشتر به حقانیت انقلاب پی می‌برند، از نیات شوم و ضد ملی دشمنان انقلاب هرچه بیشتر آگاهی می‌یابند و به دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌پیوندند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ازین گرایش همه‌گانی استقبال گرم می‌کنند و در سال آینده نیز تمام سعی و کوشش خود را در جهت جلب و وسیعتر توده‌های مردم به سوی انقلاب به کار خواهند انداخت.

در طول سال گذشته علی‌الرغم تلاش‌های خاینانه ضد انقلاب، سطح حاصلات زراعتی در کشور بالا رفت. در کارخانه‌ها، کشتزارها، مؤسسات و ادارات کار و عرق ریزی زحمتکشان کشور ما ثمرات خوبی ببار آورد. پیشرفت‌هایی که همین اکنون در زمینه کشت بهاری به مشاهده می‌رسد نشان می‌دهد که در سال آینده حاصلات زراعتی بیشتر خواهد بود و دهقانان ما مصمم اند که سال ۱۳۶۲ را به سال واقعاً پربرکت و سال فراوانی مبدل سازند. دولت وسایل و امکانات وسیعی را جهت کمک به دهقانان زحمتکش کشور تدارک نموده و ماشین آلات زراعتی، کود کمیاب، ادویه زراعتی و تسهیلات مالی و مادی لازم را برای استفاده دهقانان شریف کشور ما تهیه دیده است.

آغاز سال ۱۳۶۲ در فاصله نزدیک زمانی با ششمین بهار انقلاب در کشور ما قرار دارد، این بهار نو مژده دهنده فصل تازه‌یی در حیات جامعه افغانی و آینده سعادت بار مردم ماست.

در حالی که فضای روان بخش بهاری در کشور ما مسلط می‌گردد، متأسفانه ابرهای تیره تشنج هنوز دورنمای صلح و آرامش بشری را تاریک نگه داشته است. تلاش‌های آتش افروزان و جنگ طلبان امپریالیستی در جهت تدارک فاجعه بنیادبر انداز تصادم هسته‌یی با حلول بهار جدید، نه تنها روبه کاهش ننهادند بلکه در حال یک اوج گیری تازه است.

امپریالیزم جهانخوار در رأس امپریالیزم ایالات متحده امریکا و متحدان آنها، از هیچ عملی برای آتش زدن به خرمن هستی بشریت دریغ نمی‌ورزند و روز به روز ساحة تجاوزات خود را وسیعتر می‌سازند.

در سالی که در پیش داریم ایالات متحده امریکا تلاش خواهد کرد تا نصب راکت‌های جدید پرشنگ را در اروپا تکمیل کند و نیروهای تجاوز سریع خود را با قوماندانی جدید مرکزی که بخش وسیعی از قاره ما را فرا می‌گیرد تقویت و تکمیل نماید، بنابراین با این اوج تازه در آماده‌گی نیروهای اهریمنی جنگ باید مبارزات جنبش جهانی صلح نیز در سال نو اوج نوی به خود بگیرد. مبارزه برای صلح و پیکار همه نیروهای مترقی و دموکراتیک در پیوند با جامعه سوسیالیستی و در رأس اتحاد شوروی، به مثابه ضمانت محکم برای ادامه هستی بشری، در سال نو نیز مانند سال‌های گذشته، جلو افسار گسیخته‌گی و آتش افروزی آن نیروهای مدنیت سوز را خواهد گرفت. خلق‌های جهان در سالی که در پیش است امیدوار آرامش بیشتر هستند، طالب آن اند تا افق کره زمین تجلی‌گاه تابش تازه‌یی از صلح و امنیت، آرامش همه‌گانی و برابری باشد. صلح يك پدیده تقسیم ناپذیر است و نمی‌توان جزیره‌یی از رفاه را در گوشه‌یی از سیاره خود منزوی از مصائب و آلام سایر مناطق ایجاد کرد. باید در سال نو نیز در جهت ایجاد شرایط عینی برای دیتانت و صلح همه‌گانی تلاش ورزید و با شعار صلح برای همه بشریت به استقبال سال نو رفت.

تحقق خلع سلاح عام و تام، توقف تولید جنگ افزارهای هسته‌یی، کاهش متقابل وسایل انتقال سلاح‌های ذره‌وی از طریق مذاکرات، ایجاد مناطق فاقد سلاح‌های ذره‌وی، انحلال پایگاه‌های تجاوزنظامی و بالاخره از میان بردن تدریجی زرادخانه‌های تباہی دسته جمعی، خلع سلاح عام و تام، همه و همه شرایط عینی صلح واقعی و قابل اتکاء می‌باشند، که امیدوارم با تلاش‌های پیگیر اردوگاه صلح قسمتی ازین آرزوی بزرگ بشریت در سال نو تحقق یابد و تکیه گاه آرامش‌بخش تازه‌یی برای بشریتی که متوحش از فاجعه يك درگیری جدید جنگی جهان سوز می‌باشد ایجاد گردد.

جمهوری دموکراتیک افغانستان در سال جدید نیز در همه مجامع بین‌المللی و با همه امکاناتی که دارد در راه تأمین این آرمان بزرگ از هیچ کوششی دریغ نخواهد

کرد و به مثابه بخش جداناپذیری از بشریت مترقی و صلحدوست، نسبت به این نیاز مبرم همه ساکنان سیاره ما علاقمند خواهد بود. جمهوری دموکراتیک افغانستان برخلاف اتهامات بلندگویان امپریالیستی نه تنها عامل تشدید تشنج در منطقه و جهان نبوده بلکه عامل مهمی برای تحکیم صلح جهانی و آرامش منطقه است. ما به ارائه پیشنهادهای مشخص و سازنده خود، وظایف خود را برای حل مسایل و قضایای اطراف افغانستان انجام داده ایم و تلاش‌های ما برای حل این مسایل از راه مذاکره در سال جدید نیز ادامه خواهد یافت.

هموطنان عزیز!

اجازه دهید، سال نو را به امید صلح سراسری وطنی، آشتی، برادری و برابری، صلح واقعی جهانی و پیروزی در کار و پیکار انقلابی تمام هموطنان خود برای ایجاد يك جامعه نوین، شگوفان، مستقل و وارسته، آزاد و سربلند و پیروزی اردوگاه ترقی و صلح برای آرامش و رفاه بشری آغاز کنیم و بهار نو را به اندیشه نو، انرژی تازه و ابعاد وسیعتر کار و مبارزه در جهت تحقق اهداف انسانی انقلاب خود در یکپارچه‌گی و وحدت همه اقشار و طبقات ملی و دموکراتیک، استقبال نماییم.

در فرجام سال نو، بهار نو را به تمام مردمان جهان به تمام خلق‌های مسلمان به برادران پشتون و بلوچ نیز شادباش می‌گوییم و برای شان صلح، آزادی و ترقی را آرزو می‌نماییم.

## کارگران مانه تنهار تولید، بلکه در دفاع مسلحانه از انقلاب نیز پیشگام اند!

رفقا، دوستان، کارگران قهرمان فابریکه خانه سازی شهر کابل!

جای مسرت بزرگ است که من خود را در میان کارگران پر افتخار فابریکه خانه سازی می بینم و احساس مباهات می کنم.

رفقا و دوستان کارگر!

نکته مسرت بخش دیگر اینکه ما در آستانه پنجمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور قرار داریم، انقلابی که بر اساس اراده مردم زحمتکش، طبقه کارگر جوان افغانستان و به کمک اردوی قهرمان افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی پیشاهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان به پیروزی رسیده است. در آستانه چنین رویدادی افتخار داریم که با شما کارگران زحمتکش، وطنپرست، دلیر، شجاع و قهرمان ملاقات می نمایم.

مایه خوشی و افتخار دیگر اینست که فابریکه خانه سازی شهر کابل یکی از عالیترین مظاهر کمک انترناسیونالیستی و دوستی افغان - شوروی است. این فابریکه، در واقعیت امر هدیه اتحاد شوروی، برای حل بزرگ ترین مشکل که عبارت از تأمین خانه و مسکن برای همه هموطنان می باشد، اهدا شده است و از آن نه تنها کارگران قهرمان فابریکه خانه سازی شهر کابل سپاسگزار خواهند بود بلکه تمام کسانی که از تولیدات فابریکه خانه سازی یعنی مکاتب، ساختمان ها و پل ها برخوردار می گردند نیز قدردانی خواهند نمود. به این مناسبت حزب و دولت برای فابریکه خانه سازی شهر کابل اهمیت و ارزش فراوانی قایل است. قبل از اینکه بر پاره‌یی از نقاط مشخص فابریکه اشاره کنم اجازه دهید، در باره حزب شما



یعنی حزب طبقه کارگر و زحمتکشان افغانستان، راجع به وضع کشور، راجع به دولت بعد از انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین آن و بعض مسایل دیگر تماس بگیرم.

دوستان و رفقای گرامی مطلع هستند که از حیات حزب ما هجده سال و چند ماه می گذرد و در سیزده ساله گی، حزب ما بنابر داشتن قدرت و نیروی معنوی و مادی کارگری موفق شد که ظلم و ستم رژیم‌های استبدادی اعیان و اشراف، سلاطین، سرداران، سودخواران، ددمنشان و گماشته‌گان امپریالیزم را برانداخته و قدرت فیودالی را، از لحاظ سیاسی، با به دست گرفتن حاکمیت سیاسی سرنگون سازد. البته به همه‌گان معلوم است (بخصوص به رفقای کارگر و همه زحمتکشان) که صاحبان امتیازات عالی مادی و معنوی، کسانی که قدرت و ثروت را به دست دارند و قدرت حاکمه به دست شان است زود از منافع خود نمی‌گذرند. آنان در برابر انقلابات آزادی‌بخش مردم، انقلاب زحمتکشان وحشیانه مقاومت می‌کنند و این مقاومت در واقع پیکار و مبارزه طبقاتی به شمار می‌رود.

نیروهای ارتجاعی، استبدادی و استعمارگران از خود متحدین شیطانی در عرصه بین‌المللی نیز دارند و آن عبارت است از: ارتجاع بین‌المللی، امپریالیزم بین‌المللی در رأس امپریالیزم جهان‌خوار و خون آشام ایالات متحده امریکا. علی‌الوصف تمام مقاومت وحشیانه ارتجاع و امپریالیزم و تحمیل جنگ اعلان نشده علیه انقلاب و مردم افغانستان باز هم ما می‌بینیم که مردم افغانستان، مردم زحمتکش افغانستان، تحت رهبری ح.د.خ.ا، این نیروی رهبری کننده و پیشاهنگ طبقه کارگر جوان و همه زحمتکشان افغانستان به مبارزات شجاعانه برخاسته اند و بزرگترین باندهای صادر شده از خارج، تروریست‌ها، قطاع‌الطریق‌ها و آدمکشان را در اطراف و اکناف کشور محو و نابود ساخته اند.

بهترین مظهر آن، خود کارگران فابریکه خانه سازی شهر کابل است که چگونه شجاعانه و دلیرانه از فابریکه خود، از جان و خانواده‌های خود، از انقلاب خود، از وطن و مردم خود با تشکیل نیروهای مدافعان خودی و ملکی و سپاهیان انقلاب به صورت قهرمانانه و با شهامت دفاع می‌نمایند. زهی افتخار به شما کارگران شجاع، قهرمان، زحمتکش و دلیر!

## رفقا و دوستان کارگر!

در طی مدت سه سال و چند ماه اخیر، ما تحت رهبری حزب توانستیم که پایه‌های اساسی اجتماعی انقلاب، حزب و دولت را در داخل کشور ایجاد نماییم.

آغاز این مرحله با تشکیل سازمان‌های اجتماعی و توده‌یی صورت گرفته است. همه شما اطلاع دارید که در فابریکه شما، در اینجا، اتحادیه صنفی س.د.ج، سازمان دموکراتیک زنان تشکیل شده و تحت رهبری حزب، کار سازمانی، کار تولیدی، کار سیاسی، کار اجتماعی را به پیش می‌برند، سازمان‌های اجتماعی ما اعم از اتحادیه‌های صنفی، اتحادیه کوپراتیف‌های دهقانی که اینها همه نیروهای بزرگی اجتماعی هستند و امروز سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، اتحادیه‌های نویسندگان، هنرمندان، ژورنالیستان، جرگه‌های قومی و قبیله‌وی، شوراهای روحانی و مذهبی، جرگه‌های مختلف دیگر اجتماعی با در نظر داشت ترکیب و خصوصیات جامعه از لحاظ ملیت‌ها اقوام و قبایل و اتحاد و همبستگی تمام خلق‌های افغانستان، در جبهه ملی پدروطن متشکل اند. طوری که به ما گزارشی داده اند، در فابریکه خانه سازی شهر کابل نیز کمیته جبهه ملی پدروطن وجود دارد. در جبهه ملی پدروطن، غیر از سازمان‌های اجتماعی افراد نیز بدون تبعیض با حق مساویانه شرکت دارند یعنی هر تبعه افغانستان بالاتر از سن شانزده می‌تواند عضو جبهه ملی پدروطن باشد. تمام این سیستم وظایف انقلابی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، دولتی، اداری و فرهنگی خود را تحت رهبری حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان یعنی حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان ایفا می‌نماید.

## رفقا و دوستان!

به اطلاع شما می‌رسانم، امروز تعداد اعضای حزب ما یعنی حزب پیشاهنگ طبقه کارگر به نودهزار تن رسیده است که این یک پیروزی بزرگ از لحاظ رشد و تکامل حزب ماست. خصوصیت با ارزشی که حزب از لحاظ کمیت و کیفیت خود کسب کرده و همچنین آنچه که با اهمیت تلقی می‌گردد و مسأله حیاتی برای حزب است اینست که در ششماه سال ۱۳۶۱ در حدود ۴۷-۴۸ فیصد در بعض ساحات ۵۰ فیصد زحمتکشان یعنی کارگران و دهقانان زحمتکش عضویت حزب را حاصل نموده اند این موفقیت بزرگی برای طبقه جوان کارگر افغانستان که حزبش گام به

گام و روز به روز خصوصیت واقعاً کارگری را کسب می‌نماید و واقعاً به حیث نیروی رهبری کننده می‌تواند جامعه نوین را که در آن تمام اشکال و انواع ظلم و استثمار از بیخ و بن محو گردد، ایجاد نماید و این نقش بزرگی تاریخی را طبقه کارگر افغانستان به رهبری حزب خود ایفا کرده و ایفا می‌کند.

برای نخستین بار کنفرانس سرتاسری حزب برگزار گردید. برنامه عمل حزب تدوین و تصویب شد. پلینوم‌های کمیته مرکزی منظمأ دایر گردید و هر پلینوم مهمترین و بزرگترین مسایل جامعه را مطرح ساخت و در راه حل و فصل آن سعی عملی فراوان مبذول داشت. آخرین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا که پلینوم یازدهم است تصمیم گرفت جنبش اقتصادی و جنبش تولیدی را در کشور سازمان دهد و آنرا سرعت بخشد. تمام صنایع، فابریکه‌ها و مؤسسات ساختمانی، تولیدی و تمامی مؤسسات تولیدی ما چون فابریکه قهرمان خانه سازی شهر کابل در رشد تولید سعی فراوان مبذول دارد. همچنین شما به خاطر دارید که دو سه هفته قبل سران باندهای مسلح، داوطلبانه به دولت پیوستند. این در حقیقت يك نوع پیروزی خاص است که در بسیاری انقلاب‌های جهان و کشورهای جهان به صورت نادر و بسیار کم واقع شده است. این امر ناشی از موفقیت‌های با اهمیت تعقیب خط مشی و سیاست اصولی حزب و دولت است که هم اکنون نیز باندهای زیادی سلاح به زمین می‌گذارند و به دولت می‌پیوندند.

دوستان، رفقا!

ما معترف هستیم که هنوز در فراراه ما مشکلات عظیم و دشواری‌های بزرگ موجود است. ما به اراده مردم، به اتحاد، وحدت و اتفاق همه زحمتکشان افغانستان، به اتکای طبقه کارگر جوان افغانستان و زحمتکشان، با تعقیب خط مشی اصولی، اعتقاد راسخ داریم که بر تمام دشواری‌ها و مشکلات غلبه خواهیم کرد.

راه ما و انقلاب ما برحق است، برای اینکه بر اساس عدالت اجتماعی و از بین بردن استثمار فرد از فرد استوار می‌باشد و از لحاظ قانونمندی پیروزی انقلاب يك امر قطعی و مسلم است. هیچ نیروی شیطانی در جهان، نه قدرت‌های بزرگ امپریالیستی در رأس امپریالیزم امریکا، نه شوونیزم چین، نه ارتجاع منطقه، نه ارتجاع پاکستان نظامیگر، نه ارتجاع ایران و ارتجاع بین‌المللی هیچگاه قدرت آن را نخواهند داشت که در برابر انقلاب افغانستان دایم مقاومت نشان بدهند. آنان

محکوم به این هستند که باید سر تسلیم در برابر مردم افغانستان، انقلاب افغانستان، استقلال و آزادی افغانستان فرود بیاورند. درفش انقلاب ما در اهتزاز است. تأثیرات آن روز تا روز وسعت پیدا می‌نماید.

همان طوری که ضد انقلاب، نیروهای ارتجاعی، ستمگران و استثمارگران داخلی از خود دوستان شیطانی بین‌المللی دارند و به پشتیبانی آنان دزدان، قطاع‌الطریقان و آدمکشان را در خارج از کشور در پاکستان تربیت می‌کنند و مسلح می‌سازند و ما نیز بر اساس ارادهٔ مردم خود دوستان پر قدرت در عرصهٔ بین‌المللی داریم، کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های کارگری، دموکراتیک، آزادی‌بخش ملی و اجتماعی در تمام جهان و در رأس دوست بزرگ، مدافع نیرومند صلح، ترقی، آزادی و دوست صدیق افغانستان اتحاد شوروی با ماست. به این جهت هیچ نیروی جهانی و ارتجاعی نمی‌تواند در برابر انقلاب ما، مردم ما، کشور ما، وطن ما مقاومت نماید.

چنانکه قبلاً گفتم، اعتراف می‌کنم مشکلات و دشواری‌های فراوانی پیش رو داریم. یکی از این مشکلات این است که بنابر ترور و وحشت و شرایط جنگ اعلان نشده، هنوز ما موفق نیستیم که کاملاً به آرزوهای تمام زحمتکشان و مردم افغانستان جواب مثبت بدهیم و خواست‌های زحمتکشان را تأمین نماییم و واقعاً حزب و دولت در خدمت مردم به صورت عام و تام قرار گیرد. ما هنوز به این درجهٔ تکامل بنابر دشواری‌های تحمیل شده نه رسیده‌ایم؛ لذا هنوز هم در حزب ما، حکومت ما، دولت ما بخصوص در دستگاه ادارهٔ ما، عناصر کهنه با اندیشه‌های کهنه، اندیشه طبقات ستمگر وجود دارند. ما قادر نشده‌ایم که واقعاً باز تأکید می‌ورزیم که به صورت کامل و عام و تام در خدمت زحمتکشان خود باشیم و به تمام خواست‌های آنها پاسخ کامل بدهیم. البته دوش به دوش هم یکجا با هم باید این مسایل و مشکلات را حل و فصل کنیم.

در عرصهٔ بین‌المللی چندی قبل در دهلی هفتمین کنفرانس سران دول و یا حکومت‌های غیرمنسلك دایر گردید. امپریالیست‌ها و تمام ارتجاع مذبوحانه تلاش ورزیدند که در موضوع اطراف افغانستان سر و صدای بسیار وسیع به راه اندازند و مبالغه آمیز افکار را علیه افغانستان بگردانند و لیکن بنابر سیاست صلحجویانه ما تمام سعی و تلاش آنها نقش بر آب گردید. بهبود وضع جاری داخلی کشور کمک

می‌کند که دشمنان در عرصه بین‌المللی شکست بخورند.

خوب این موضوعات بسیار کلی بود که لازم دیدم اشاریهی به آن بکنم، برای اینکه معمول است در میتنگ‌های زحمتکشان بخصوص در زیر سقف فابریکه‌های کارگران نه تنها راجع به آن فابریک حرف زد بلکه به پروبلم‌های کشور، سیاست داخلی و خارجی کشور نیز باید تماس گرفت.

راجع به فابریکه قهرمان شما و شما رفقای کارگر بعضی یادداشت‌ها نزد من موجود است به صورت فورمولبندی شده و به اختصار از آن یادآوری می‌نمایم. راجع به بعضی پروبلم‌های شما هم تماس گرفته می‌شود. خوب اول اینکه فابریکه خانه سازی يك فابریکه بخش دولتی در اقتصاد است، نکته دیگر اینکه امتیاز این فابریکه در آنست که این فابریکه در حقیقت مظهر دوستی انترناسیونالیستی افغان - شوروی است که ما برای آن ارزش فراوانی قایل هستیم.

رفقا!

کلکتیف شما يك نمونه عالی است چون طبقه جوان کارگر افغانستان از لحاظ کار و تولید، از لحاظ سیاسی، اجتماعی و طبقاتی رشد می‌کند و شعورش رو به تکامل و رو به ارتقا است در حقیقت، شما رفقای کارگر نمونه و سرمشق برای تمام زحمتکشان و کارگران کشور به شمار می‌روید، مثلاً دو بار فابریکه شما مفتخر به دریافت درفش افتخاری کار در مسابقات کار سال ۱۳۶۱ شده است که در نوع مؤسسات تولیدی و ساختمانی در حقیقت طراز اولست و در سطح اول و مقدم قرار گرفته که می‌تواند نمونه و سرمشق برای دیگر مؤسسات ساختمانی و تولیدی کشور باشد. در فابریکه خانه سازی تلاش پرثمری صورت می‌گیرد تا پلان دولتی در بریگادها و شاپ‌های تولیدی عملی گردد.

رفقای کارگر!

این همه در اثر زحمات شما، آبله‌های کف دست شما برای هموطنان تان و همشهریان تان ایجاد و تولید گردیده است که يك بار دیگر درین ساحه از تمام کارگران زحمتکش از صمیم قلب ابراز شکران و سپاسگزاری می‌نمایم.

رفقا و دوستان!

طوری که رفیق رئیس فابریکه خانه سازی به من گزارش داد واقعاً مدل‌های که در گذشته ساخته شده و یا در آینده ساخته می‌شود بسیار عالی است و در سطح کشورهای پیشرفته قرار دارد مخصوصاً پروژه انتری ده منزله و دوازده منزله که کار آن آغاز گردیده نقش با اهمیت در تأمین زندگی مردم و شهریان کابل دارد.

ایجاد یک کابل نو، پایتخت افغانستان انقلابی کار تاریخی را ایجاد می‌کند، که این را نه تنها نسل موجود بلکه فرزندان ما و شما و نسل‌های آینده با افتخار یاد خواهند کرد و هموطنانی که خانه‌های مسکونی را دریافت می‌کنند، به خوبی درک خواهند کرد و همیشه فکر خواهند نمود که منازل شان حاصل چه رنج‌ها و زحمات کارگران فابریکه خانه سازی شهر کابل است. باعث خرسندی است که کلکتیف شما همیشه کارهای خلاق و بزرگی را ایفا می‌کند، مانند مسابقات کار، نتیجه گیری روزانه، کمک به مکاتب و همکاری متقابل و دوستی با قطعات محدود قوای دوست. اینجا به من گزارش دادند که يك پارك به كمك قطعات محدود دوستان شوروی ما ساخته شده است این همه نمونه دوستی بزرگ ماست که ثبت تاریخ می‌گردد.

برای نخستین بار در افغانستان، مشابه به کشورهای پیشرفته‌یی مثل اتحاد شوروی اساس ابتدایی و نمونه وی کوی کارگری یا قصبه کارگری را شما ایجاد کرده اید! ما باید یک کامپلکس یا مجتمعی از قصبه‌های کارگری را بسازیم. شما پیشاهنگان ساختمان قصبه کارگری هستید، چیز بسیار دلچسپ در یادداشت‌های من اینست که وقتی که همراه کارگران این فابریکه مذاکره می‌نمودم از قیافه و چهره‌شان طوری معلوم می‌شد که اینها به فابریکه خود به کار خود عشق دارند و این هم یکی از نمونه‌های عالی روحیه کارگری و پرولتری به شمار می‌رود و حتی چیز دلچسپ این است که از بعض خانواده‌ها چند نفر باهم يك جای در فابریکه کار می‌کنند من قبلاً با رفقا صحبت کردم که ما تدابیر اتخاذ می‌کنیم که برای کارگران جوان خود شرايطی را آماده بسازیم که در آینده از میان آنان بزرگترین و قوی‌ترین شخصیت‌ها و رهبران حزبی و دولتی و انجیران بزرگ تبارز نماید.

بر اساس همکاری میان مقامات رهبری حزبی و اداری فابریکه، تأمین ارتباط دایمی و نزدیک آنان با فرد فرد از رفقای کارگر حتی اطلاع حاصل کردن از وضع

خانواده‌ها و مشکلات کارگران، یکی از عوامل مهم پیروزی فابریکه خانه سازی شهر کابل به شمار می‌رود.

رفقا!

مسلماً که اتحاد شوروی نه تنها اکنون، بلکه بعد از انقلاب اکتوبر و حصول استقلال افغانستان تا به امروز کمک‌های بزرگ و عظیمی در عرصه‌های اقتصادی، تخنیکی، کلتوری، تعلیم و تربیه، اعزام متخصصین، اعمار ساختمان‌ها، پروژه‌های زراعتی و تجارتی و دفاع از استقلال ما نموده است. قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در کار روزمره حتی در کار «حشر»، که اصطلاح ماست در سوبوتنیک یا کار داوطلبانه سهم می‌گیرند. بخصوص در فابریکه خانه سازی کمک رفقای متخصص شوروی نقش با اهمیت و با ارزشی را ایفا می‌نماید و این، کمال موفقیت و پیروزی شماست. در حال حاضر فکری کنم که چهل و پنج متخصص اتحاد شوروی مثل برادر، رفیق، استاد و معلم در تمام بخش‌های فابریکه با شما همکاری می‌کنند جای آنست که از رفیق سرمشاور که همکار خوب فابریکه است تقدیر و یادآوری شود.

رفقا!

کلکتیف شما با وفاداری کامل به انقلاب ملی و دموکراتیک ثور عمل می‌کند. شما نه تنها در تولید پیش قدم هستید بلکه در دفاع مسلحانه از انقلاب نیز به حیث سپاهیان انقلاب قهرمانانه رزمیده اید. شادباد روح رفقای جوان فابریکه خانه سازی که در این راه شهید شده اند. من امروز در برابر عکس‌های شان احترام بجا آوردم. به این جهت فریضه ما و شماست که خاطرات رفقای شهید فابریکه خود را جاودان به خاطر داشته باشیم. ما هرگز آنان را فراموش نمی‌کنیم و نه باید فراموش کنیم.

خوب رفقا! این جهات خوب و عالی فابریکه شماست، خاصیت احزاب کارگری است که در عین زمانی که جهات مثبت کار خود را توضیح می‌دهند کمبودها، نواقص و ضعف‌های خود را نیز برجسته ساخته مورد انتقاد قرار می‌دهند و جهت رفع آنها پیشنهادها ارائه می‌کنند.

تا جایی که من گزارش‌ها را مطالعه کرده ام دیده می‌شود که در بعض شاپ‌ها دسپلین کار و تولید ضعیف است. امروز در جهان مظهر دسپلین تنها و تنها برای

تمام افشار و طبقات جامعه، طبقه کارگر است.

طبقه کارگر نمونه دسپلین کار و تولید است. حزب از آن الهام می‌گیرد و دولت از آن می‌آموزد. دسپلین آگاهانه باید در سراسر کشور به وجود بیاید (اگر با من موافق نباشید، می‌توانید بگویید که در این یافته برای من اطلاعات نادرست رسیده است) در کامیونات ضایعات وقت کار وجود دارد. یعنی کاری که باید در (۲) ساعت اجرا شود شاید (۴) ساعت را دربر گیرد. گاهی دیده می‌شود که این ضعف‌ها و نواقصی در تمام دستگاه‌ها و مؤسسات، فابریکات و ادارات موجود است، تنها به این فابریکه متوجه بوده نمی‌تواند. من به رفقای حزبی باید خاطر نشان بسازم که هنوز اعضای حزب اعم از کارمندانی که در اینجا کار می‌کنند و هم رفقای کارگر ما به صورت سرمشق، عالیترین نمونه کار را در میان کارگران دیگر از خود نشان نداده‌اند. در حالی که در همه جا حزبی‌ها در تمام مشکلات چه در عرصه جنگ و نبرد، چه در عرصه آموزش، تعلیم و تربیت، چه در اداره، چه در فابریکه و کار تولیدی و چه در مزارع همیشه همان طوری که پیشاهنگ می‌گویند پیشرو و نمونه می‌باشند. فکر می‌کنم که اکثریت رفقای کارگر با من هم عقیده خواهند بود، اگر این نقص وجود دارد باید رفقای حزبی برای رفع آن بکوشند. خوب باز هم توجه اداره مؤسسه، سازمان حزبی و اتحادیه صنفی شما را در زمینه تربیه کادرهای کارگری که ضعیف است، معطوف می‌سازم. آنها باید به نحوی از انحاء کوشش کنند که در حدود (چهارصد، پنجصد) نفری را که از تشکیل کارگران شما کم است تکمیل شود. کارمندان مسؤول فابریکه کمتر به پروژه‌های ساختمانی سر می‌زنند. آنان باید با تمام پروژه‌ها پیوند و تماس نزدیک و ارگانیک داشته باشند.

وظایف ما چه هست؟

کلکتیف فابریکه ما وظایف بزرگی را به خاطر حل مسأله مسکن در شهر کابل، پیش رو دارد. باید با سرعت بیشتر پروژه ساختمانی بی‌بی مهر و را که مکروریان سوم و پروژه منحصر به فرد انتری نیز جزء آن است، اعمار کرد. درین ساحه توجه دستگاه فابریکه را به نمایندگی از حزب و دولت معطوف می‌دارم که در این عرصه وظایف خود را جدی تعقیب کنند. باید مطالعه شود و من هم مطالعه می‌کنم که بعض مشکلات قصبه مسکونی کارگری باید رفع شود. کار بخارخانه جدید را باید در سال ۱۳۶۲ به انجام رسانید. می‌توانیم در سال ۱۳۶۲ بخارخانه جدید تصفیه



خانه را فعال بسازیم تا در موسم سرما مردم از گرمای آن مستفید گردند. باید کار تصفیه خانه بی‌بی مهرو را نیز در موعد معینه به انجام برسانیم. باید به کیفیت خانه‌هایی که شما آباد می‌کنید توجه بیشتر شود و آماده‌گی انجیرری ساختمانی آنها بهبود یابد.

این مایه افتخار و خوشی است که در فابریکه خانه سازی، زنان کارگر ما و زحمتکشان ما با شور و شوق کار می‌نمایند، به گمانم دو روز و یا یک روز قبل مصاحبه دو زن کارگر را من خواندم که در آنجا کلمات بسیار عالی و مترقی افاده شده بود. زن دیگر نمی‌تواند جزء افزار منزل باشد. حالا زنان باید در کار اداری، تولیدی، ساختمانی و دفاع از انقلاب و ساختمان جامعه نوین افغانستان دوش به دوش مردان با حقوق مساوی کار نمایند و زحمت بکشند.

در اتاق دوستی فابریکه بر اصطلاح «شاگرد»، تبادل نظر کردیم. که چطور می‌توان از نظر حقوق و جلب آنان در فابریکات و پرورش و تربیت آنان در کورس‌ها و مکاتب حرفه‌وی (که باید تنظیم و ایجاد گردند) به نتیجه رسید. من از رفقا و کارمندان مسؤل خواهش می‌کنم که بیشتر به پروژه‌های ساختمانی به شاپ‌ها و بریگادها سر بزنند. من یقین دارم که شما رفقای نیستید که برای پشت میز آفریده شده باشید. سروکار شما با کار روزمره تولیدی است باید همیشه در تمام اطراف و اکناف، گوشه و کنار مربوط به دستگاه و فابریکه پیوندی قوی، نزدیک و ارگانیک داشته باشید.

ریاست فابریکه، سازمان اولیه حزبی و اتحادیه صنفی باید بیشتر به تخنیک بی خطر ساختن (یعنی خطرات ناشی از کار و ماشین) توجه کنند، تا صحت و سلامتی و جان کارگران ما هنگام کار در مصئونیت کامل قرار داشته باشد یعنی حفظ جان فرد، فرد کارگر ما، کارگر زحمتکش افغان جزء مسؤولیت سنگین دستگاه اداری فابریکه حزب و دولت است. یک نکته دیگر که توجه کارمندان اداری، حزبی و اتحادیه صنفی را به آن جلب می‌نمایم این است که باید مسأله سوادآموزی هرچه سریع‌تر، بهتر و زودتر سازمان داده شود. هر رفیقی که سواد دارد می‌تواند و باید بتواند که از سه الی پنج رفیق، دوست، برادر و کارگر خود را سواد بیاموزاند. نکته بی که بیشتر هم خاطر نشان ساختم این است که ریاست مؤسسه و دستگاه سازمان حزبی و اتحادیه صنفی باید چنان فضای عالی واقعی را به وجود بیاورند

که هر کارگر فابریکه خود را صاحب فابریکه احساس کند و چنان فضایی به وجود بیاورد که هر کارگر، هر پارچه دستگاه و فابریکه را جزء خانه و منزلش بداند.

همین جا یکی از رفقای کارگر با من صحبت می‌کرد گفت که ما در سابق رئیس دستگاه فابریکه را دیده نمی‌توانستیم. حالا رهبران حزبی و دولتی می‌آیند. این کمال موفقیت است، کمال خوشی است. این از آن خاطر است که ایدیولوژی ما حکم می‌کند، این از آن جهت است که شما صاحب فابریک هستید. ما باید در نزد کارگران خود یعنی صاحبان فابریک بیایم.

نکته مهم، مسأله بهبود تولید، صرفه جویی در کار و وسعت دادن ابتکار است که باید بهتر و بهتر شود، این روحیه و احساس مخصوصاً باید در میان اعضای حزب و سازمان جوانان و اتحادیه‌های صنفی قوی‌تر گردد.

پلینوم یازدهم وظایف بزرگی را در زمینه حل مسأله اقتصاد ملی در برابر همه ما قرار داده است.

رفقا!

باید تلاش‌های بزرگی به خاطر کشف منابع جدید تولید به راه انداخته شود. بگذار هر عضو حزب، هر کارگر و کارمند غیرحزبی حداقل یک پیشنهاد (ولو کوچک باشد) در مورد بهبودی پروسه تولید ارائه نماید.

رفقا، دوستان، کارگران فابریکه خانه سازی شهر کابل!

وقت شما را شاید بیشتر گرفته باشم، صحبت من ختم است. در اخیر جای اینست که رفقای که سؤالات و پیشنهادهای داشته باشند، می‌توانند در فضای کارگری، آزاد و دموکراتیک مطرح سازند. لیکن چند نکته را که به من گزارش داده شده و اطلاع گرفتم جزء خواست‌های شماست، من آن را یادآوری می‌کنم.

راجع به قانون کار و کارگر ما وقتاً فوقتاً تذکراتی داده ایم طوری که من در فابریکه جنگلک با رفقا و دوستان کارگر جنگلک صحبت کردم اظهار می‌دارم که قانون مترقی و عادلانه کار و کارگر به کمک و مشوره خود کارگران و اتحادیه‌های صنفی کارگران در حال تدوین می‌باشد که در آن بسیاری پروبلم‌ها، مشکلات، خواست‌ها و دشواری‌های کارگران ما از لحاظ قانونی حل و فصل می‌گردد.

البته کارگران زحمتکش ما می‌دانند که ما در شرایط جنگی اعلان نشده قرار داریم. امکانات دولت از لحاظ مالی و پولی و با خرابی‌ها و عقب مانده‌گی‌های بسیار زیادی که از گذشته برای ما به میراث مانده و اینکه ما باید به تمام مردم افغانستان و زحمتکشان افغانستان کمک‌های لازمه به عمل بیاوریم، برای مدتی شکیبایی و تحمل کارگری را ایجاب می‌کند.

همین مسأله مطرح بحث است که حقوق تقاعد کارگران مانند مامورین باشد. ما باید تمام امکانات را همه جانبه مطالعه کنیم. در حدود امکانات مالی و پولی و عواید دولت ما باید راه حلی جستجو بکنیم. کارگرانی که در سکتور یا بخش دولتی کار می‌کنند و یا مختلط و همچنین کارگرانی که در تشبثات خصوصی کار می‌کنند، باید با آنان مشترکاً این مسایل حل شود. راجع به جبران خساره که از معاشات کارگران وضع نگردد و اینکه هرگاه در جریان کار یک کارگر زخمی می‌گردد نظر به احکام قانون، اداره مکلف است آنرا تا سرحد صحت کامل تداوی نماید. این نکات را هم از نظر پرنسپ و اصول و هم از لحاظ امکانات یادداشت کردیم و من به مقامات مربوط خاطر نشان خواهم ساخت که باید در رابطه با این مسایل جدی به نفع کارگران تصمیم بگیرند. مسأله معافیت مالیات سالانه معاشات کارگران و مامورین و معافیت مالیات اطفال که گفته شد بسیار کم است این هم از موضوعاتی است، که مطالعه می‌گردد و راه حل آنرا جستجو می‌کنیم. راجع به بیمه صحتی که از خواست‌های دیرینه جنبش کارگری جوان افغانستان قبل از انقلاب ثور بود، این را هم به صورت جدی تحت غور و مطالعه می‌گیریم.

راجع به قصبه مسکونی کارگری که باید به کمیته دولتی پلان گذاری خاطر نشان شود اینرا ما باهم تبادل نظر کردیم کارگران عزیز و محترم شما می‌دانید که میلیون‌ها جمعیت افغانستان در چه شرایط ناگوار زندگی می‌کنند. در حدود امکانات مادی و در حدود عواید مالی و پولی دولت، به شما اطمینان می‌دهم که از هیچ گونه کمک به تمام طبقه کارگر جوان افغانستان و زحمتکشان دریغ نخواهد شد.

تشکر رفقا.

## اردوی دلیر و شجاع مایه‌ی تکیه‌گاه نیرومند انقلاب ماست

رفقای گرامی، منسوبین محترم اردوی قهرمان!

قبل از همه درود و شادباش‌های گرم و انقلابی خویش را به شما استادان، افسران، محصلان، سربازان و کارمندان حربی پوهنتون، این کانون بزرگی تربیت افسران جوان و قوماندانان آینده طراز نوین و توده‌ی قوای مسلح پرافتخار جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز می‌دارم.

رفقا!

برای من جای مسرت زیاد است که در آستانه‌ی تجلیل از پنجمین سالگرد پرشکوه انقلاب ثور امکان میسر شد تا از حربی پوهنتون دیدن و با شما ملاقات نمایم.

انقلاب ثور که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان با اشتراك مستقیم افسران، خردضابطان و سربازان قهرمان و پشتیبانی وسیع توده‌های مردم کشور ما به پیروزی رسید، پایه‌های تسلط جابرانه و خونبار رژیم فرتوت سلطنتی فیودالی و جمهوری اشرافی و قلابی را درهم ریخت و فصل نوینی را در تاریخ پرافتخار وطن محبوب مان افغانستان گشود. انقلاب ثور به صورت خود به خودی نه بلکه بر مبنای تیوری علمی انقلابی و مطابق به قانونمندی‌های عام انقلابات اجتماعی و تلفیق خلاقانه این قانونمندی‌ها با خصوصیات جامعه ما به دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسید.

بنابراین اهدافی را که انقلاب ثور خاصه مرحله نوین و تکاملی آن اعلام کرد و وظایفی که در روند تکامل آن به منصفه اجرا گذارده می‌شود ناشی از شرایط عینی

جامعه است و در سرلوحه این اهداف رهایی انسان زحمتکش از چنگال بیرحم استثمار، ستم، بی‌عدالتی، فقر و عقب مانده گی نقش بسته است.

بر علاوه باید در نظر داشت که مسأله آهنگ رشد پروسه انقلابی و تحقق تحولات و ابعاد و عمق این تحولات مربوط به تناسب نیروهای جامعه است. ازینرو باید خاطر نشان ساخت که پایان بخشیدن به عقب مانده گی و نیل به اهداف و وظایف انقلابی ثور زمان معین و مساعی آگاهانه تمام مردم را می‌طلبد.

به تاسی از اهداف انقلاب و مقدم بر همه مطابق به وظایف عمده آن یعنی محور مناسبات فرتوت فیودالی، اعتلای سطح اقتصاد ملی و ارتقای سطح زنده گی مردم و رشد فرهنگ اقوام و قبایل مختلف ساکن کشور و دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی، قدرت نوین مردمی از همان نخستین روزهای انقلاب اقدامات گسترده را جهت تأمین رفاه زحمتکشان، ترقی اجتماعی، دموکراسی و عدالت اجتماعی رویدست گرفت. در نتیجه بعد از پیروزی انقلاب در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی تغییرات و دگرگونی های عمیق رخ داد. به تسلط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فیودالان بزرگ، سودخوران، سرداران و بیروکرات های فاسد پایان داده شد. اصلاحات دموکراتیک ارضی آغاز یافت. سکتوردولتی و پلان گذاری در اقتصاد و رجحان دادن به رشد سکتور دولتی اهمیت فوق العاده کسب نمود. منابع اقتصادی به طور کاملتر و مؤثرتر در امر عمومی ترقی و ارتقای سطح رفاه مادی زحمتکشان و تحکیم قدرت دفاعی کشور مورد استفاده قرار گرفت. بعد از انقلاب دوصد و نود و شش هزار هکتار زمین به دهقانان کشور توزیع گردید. یازده میلیون دهقان از پرداخت سود و سلم و گروهی رهایی یافتند. به تعداد هفتصد و شصت هزار فامیل دهقان از پرداخت جرایم مالیاتی بالغ بر ۸۲۲ میلیون افغانی معاف گردید. این اقدامات و یکمده اقدامات دیگر به منظور حمایه دهقانان زحمتکش صورت گرفت. در عین زمان به مقایسه سال اول انقلاب حجم محصولات زراعتی افزایش یافت. به طور مثال اگر حجم محصولات ناخالص زراعتی در سال ۱۳۵۷ به ۸۲،۱ میلیارد افغانی میرسید در سال ۱۳۶۱ این رقم معادل به ۸۶،۱ میلیارد افغانی رسیده است.

همچنان تحولاتی در ساحات صنایع، انرژی، ترانسپورت، تجارت و غیره رخ داده

است مثلاً از آغاز انقلاب ثور تا نیمه سال ۱۳۶۱ تولیدات صنعتی از قبیل گاز طبیعی و کاندنسات به ارزش بیش از سی و چهار، میلیارد افغانی، نفت خام، سمنت، محصولات فلزی، پخته و منسوجات نساجی و سایر رشته های صنایع به دهها میلیارد افغانی رسیده است. با در نظر داشت اینکه اتحاد شوروی قیمت خرید گاز را به اندازه قابل ملاحظه‌یی بالا برده است. عایدات به دست آمده از فروش گاز چهل فیصد صادرات کشور ما را احتوا می‌کند.

در اقتصاد کشور ما تجارت سهم مهمی داشته و حجم دوران اموال پرچون و تجارت دولتی، مختلط و کوپراتیوی در سال ۱۳۶۱ به «۱۳،۹» میلیارد افغانی رسیده که نسبت به سال ۱۳۵۸ رشد (چهل و هشت) فیصد را نشان می‌دهد. تجارت خارجی نیز نقش قابل ملاحظه‌یی را در اقتصاد کشور ما دارد.

روابط تجارتي و اقتصادی ما با اتحاد شوروی بزرگ و سایر کشورهای سوسیالیستی عالی است. با همکاری اتحاد شوروی در کشور عزیز ما در حدود (۱۷۰) پروژه اعمار گردیده و یا در حال اعمار است. امروز زیادتز از نصف تولیدات سکتور دولتی ما توسط مؤسساتی تهیه می‌گردد که به کمک اتحاد شوروی در افغانستان اعمار گردیده است. تبادل اموال بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی در پنج سال اخیر از سطح پیش‌بینی شده دو برابر افزایش یافته است. حجم تجارت طرفین در سال‌های ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۵ سه چند افزایش خواهد یافت.

همچنان در عرصه اجتماعی به موفقیت‌های شایانی نایل آمده ایم که افزایش معاش کارگران و پنجاه فیصد تزئید در ماکولات سیصد هزار کارمند دولتی درین جمله شامل است. سیستم نوین تعلیم و تربیه که جوابگوی مقتضیات عصر ماست ایجاد شده و در زمینه امحای بی‌سوادی برنامه‌های وسیع رویدست گرفته شده که نتایج مطلوبی از آن حاصل آمده است. فعلاً سی و هفت هزار کورس سوادآموزی در کشور ما فعال بوده و در آن بیش از ششصد هزار نفر به کسب سواد مشغول اند.

در اردوی قهرمان ما از پیروزی انقلاب ثور به بعد زیادتز از چهل هزار سرباز با سواد گردیده و به جامعه تقدیم شده اند و در حدود شصت هزار سرباز در (۲۲۸۰) کورس سوادآموزی شامل می‌باشند. بر طبق مشی مردمی، حزب ما و دولت انقلابی ما به بهبود شیوه فعالیت ارگان‌های صحت عامه، تحصیلات عالی و

مسلکی، بالا بردن سطح فعالیت رادیو تلویزیون سینماها و ارگان‌های دیگر توجه روزافزون معطوف کرده است و با وجود دشواری‌های موجود مسایل مربوط به تأمینات مادی و معنوی مردم با در نظر داشت امکانات اقتصادی کشور حل می‌گردد. شرایط هر چه مساعدتر خارجی برای تعمیق و تکامل موفقانه انقلاب ملی و دموکراتیک ما فراهم می‌گردد. علی‌الرغم یورش متقابل امپریالیزم، ارتجاع جهانی و منطقه در همه جبهات اعم از سیاسی، ایدیولوژیک، اقتصادی و همچنان نظامی باز هم ما با رضایت خاطر نشان می‌سازیم که پروسه حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان آغاز گردیده است. درینجا کشور‌های سوسیالیستی، در رأس اتحاد شوروی و همه نیروهای انقلابی جهان، کمک بسیار بزرگ انترناسیونالیستی را به ما مبذول می‌دارند ما در نبرد و پیکار خویش تنها نیستیم. همه اینها برای ما مایه خوشبینی، شور و شغف و اطمینان انقلابی را نسبت به آینده بیار آورده است.

باید خاطر نشان ساخت که همکاری سیاسی و دیپلماتیک افغانستان انقلابی و کشور‌های سوسیالیستی دارای اهمیت فوق‌العاده است. در حال حاضر این همکاری دارای پایه‌های مستحکم حقوقی به شکل معاهدات دوستی و همکاری می‌باشد.

در مورد تحکیم و رشد مناسبات برادرانه دوستی و همکاری عنعنوی با اتحاد شوروی بزرگ باید توضیح کرد که دوستی افغان شوروی دارای ریشه‌های عمیق تاریخی بوده و از بوته آزمایش زمان پیروزمندانه بدر آمده است. مناسبات با بسیاری از کشور‌های در حال رشد و مخصوصاً هند، سوریه، جمهوری دموکراتیک یمن، ایتوپیا، لیبیا و غیره با موفقیت رشد می‌یابد. در عرصه بین‌المللی پیروزی‌های زیاد نصیب ما گردیده است چنانچه شرکت فعال جمهوری دموکراتیک افغانستان در کار هفتمین کنفرانس جنبش عدم انسلاک در دهلی مبین این حقیقت است. شما اطلاع حاصل کردید که با موضع‌گیری اصولی جمهوری دموکراتیک افغانستان پیشقدمان امپریالیزم به شکست رسوایی آمیز مواجه گردیده و تلاش‌های دشمنانه شان به ناکامی پیوسته است.

با پیروزی انقلاب ثور که ما در آستانه پنجمین سالگرد باشکوه و پر جلال آن قرار داریم اساس‌های سیستم نوین اجتماعی - سیاسی در کشور انقلابی ما گذاشته شد. بنیاد این سیستم قبل از همه بر پایه اتحاد آگاهانه عمده‌ترین نیروهای اجتماعی جامعه یعنی کارگران و دهقانان استوار است. این اتحاد را همه زحمتکشان، همه

وطنپرستان واقعی و تمام فرزندان شایسته وطن ما پشتیبانی می‌نمایند. سیستم نوین اجتماعی - سیاسی کشور ما در حقیقت پاسخی به ضرورت انجام قوی کار و پیکار خسته‌گی ناپذیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جهت تسریع پروسه بهتر سازی تمام ساحات زندگی مردم افغانستان، دموکراتیزه ساختن عرصه‌های گوناگون زندگی مادی و معنوی و همچنان جدیت به منظور تحکیم هرچه فزونتر ارتباط حزب با توده‌های وسیع مردم است.

حزب ما هسته مرکزی سیستم جدید اجتماعی - سیاسی کشور را می‌سازد و به حق نقش نیروی رهبری کننده و هدایت کننده را در جامعه ما ایفا می‌کند. اعتبار و نفوذ حزب روز تا روز افزونی می‌یابد. حزب ما از لحظه ایجاد خویش، مدافع منافع اساسی زحمتکشان بوده و هست. و از هنگامی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حزب حاکم مبدل گردیده است، همیشه این حکم تیوری علمی انقلابی را مدنظر داشته که مردم سازنده تاریخ اند و انقلاب خود محصول ایجادگری توده‌های زحمتکش است.

طی سال‌های بعد از انقلاب حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه حزب حاکم آزمایش‌های فوق‌العاده دشوار و سنگین را از سر گذشتانده و گام به گام تجارب اعمار حزبی و دولتی را فرا گرفته است.

اکنون در حزب ما سی کمیته ولایتی، دو کمیته لوی ولسوالی و هفتاد کمیته شهری و ناحیه‌وی، یکصد و چهارده کمیته ولسوالی و علاقه‌داری و بیشتر از دو هزار سازمان اولیه وجود دارد.

شما به خاطر دارید که در لحظه انقلاب حزب ما در حدود هجده هزار عضو داشت. امروز تعداد اعضای حزب به رقم بیشتر از هشتاد هزار عضو اصلی و آزمایشی می‌رسد. این نیروی بزرگی است.

ترکیب اجتماعی حزب به طور پیگیر و دایمی بهبود می‌یابد. اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز حزب ما را به حیث پیشاهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان تعریف می‌کند، بنابراین اکنون توجه اساسی به جلب و پذیرش کارگران، دهقانان و سربازان پیشرو و آگاه به حزب معطوف گردیده است. به منظور حصول همین هدف هم کنفرانس سرتاسری حزب شرایط جدید را که حاوی امتیازات معین



در هنگام پذیرش این گروه‌هایی زحمتکشان به حزب است تصویب نمود.

تدابیری که حزب درین جهت اتخاذ نموده است همین اکنون نتایج محسوسی را ببار آورده است. در ترکیب اعضای آزمایشی که در جریان شش ماه اول سال ۱۳۶۱ به حزب پذیرفته شده است چهل و هفت اعشاریه هفت فیصد شان کارگر و دهقان اند. و در بعض از ولایات چون بدخشان، بلخ، هرات و غیره این رقم به بیش از پنجاه فیصد می‌رسد که خود نتایج خوبی است. در قوای مسلح نیز پذیرش به حزب به طور فعال صورت می‌گیرد و چهل و نه فیصد اعضای جدید آزمایشی حزب قبل از خدمت در اردو، خاندوی و خاد، کارگر و یا دهقان بوده است. البته در این امر نباید به افراط گرایید و نباید در برابر ورود بهترین نماینده‌گان روشنفکران وطنپرست و سایر اقشار اجتماعی به حزب موانع ایجاد نمود.

رفقا!

رابطه عمیق و گسست‌ناپذیر با زحمتکشان و توده‌های وسیع خصوصیت انفکاک‌ناپذیر حزب واقعاً انقلابی را می‌سازد. در این امر نیرو و شکست‌ناپذیری حزب نهفته است. در کشور ما می‌توانیم چنین رابطه نزدیک با زحمتکشان و نیروهای مترقی ایجاد شده و دائماً رشد و بهبود می‌یابد. فعالیت این میکانیزم از طریق جبهه ملی پدروطن، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های دموکراتیک جوانان و زنان افغانستان، سازمان‌های دهقانان و سایر سازمان‌های اجتماعی تحقق می‌پذیرد. به این ترتیب کار بسیاری برای ایجاد سیستم سیاسی جدید که خدمت به مردم و منافع آنان را دربر دارد صورت گرفته است.

بدون شك بسیج کلیه نیروها در جبهه ملی پدروطن تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به نفع تأمین صلح سراسری وطنی و پیشرفت جامعه بوده و تشکیل آن به معنی گام جدیدی در امر یکپارچه‌گی و برادری وسیع‌ترین نیروهای اجتماعی و ملی کشور بر مبنای دموکراتیک و بر پایه احترام و تحکیم حقوق و آزادی‌های اجتماعی آنان است.

تشکیل جبهه نشان داد که حزب و دولت انقلابی ما قادر به تأمین موفقانه اتحاد تمام نیروهای ملی و وطنپرست به خاطر اعمار جامعه نوین در افغانستان می‌باشد. همچنان تأثیر و نفوذ حزب در نهاد تمام اعضای سازمان‌های اجتماعی جبهه ملی

پدر وطن تقویت یافته و به خاطر تربیت سیاسی فعال آنها با روحیه وفاداری به آرمان‌های انقلاب ثور گام‌های سریع بر داشته شده است.

حزب ما در عین زمان طبق تصامیم نهمین پلینوم کمیته مرکزی در جهت جلب هرچه بیشتر پشتیبانی کامل، کار پیگیر را در میان توده‌ها شروع نموده و فعالیت خود را عمیقاً به توده‌ها تشریح کرده و به توده‌های عظیم مردم پیوسته است.

رفقا!

در نتیجه اقدامات و تدابیر گوناگون حزب، دولت و قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان روند عادی شدن اوضاع در کشور به طور دائمی ادامه می‌یابد. نیروهای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان که می‌توان گفت از نو ایجاد شده اند قابلیت محاربه‌ی خویش را ارتقا می‌بخشند. گروه‌هایی مقاومت و دفاع خودی فعالانه عمل می‌نمایند. ارگان‌های خاد و خارندوی دسایس و توطئه‌های ضد انقلاب را افشا و خنثی ساخته و از اعمال تروریستی شان جلوگیری می‌کنند. اکنون دیگر نه ده‌ها بلکه صدها گروه مسلح که قبلاً در صف ضد انقلاب قرار داشتند به مذاکره با دولت پرداخته و در سنگر انقلاب قرار می‌گیرند و هزاران فردی که فریب تبلیغات دشمن را خورده بودند به کار صلح‌آمیز باز می‌گردند. بر عناصر ضد انقلاب ضربات هرچه کوبنده‌تر وارد می‌شود. پیروزی همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و وطنپرست ناگزیر و حتمی است.

با اینهم ما می‌دانیم در تعدادی از ولسوالی‌ها، علاقه‌داری‌ها و قریه‌ها هنوز زحمتکشان اهمیت پیروزی انقلاب ثور و مزایای را که دولت انقلابی و دموکراتیک فراهم می‌آورد کاملاً احساس و لمس نکرده اند. انقلاب باخود نه تنها باید اثر سیاسی و اخلاقی بیار آورد بلکه موجبات بهبود کیفی سطح زندگی زحمتکشان را نیز باید تأمین کند. البته در نتیجه فعالیت ضد انقلاب مسلح و مداخلات آشکارا از خارج در اجرا و عملی ساختن پلان‌های ما موانع جدی وجود دارد.

در بعضی از مناطق کشور زحمتکشان هنوز امر خلاصی و رهایی از چنگ باند‌های ضد انقلاب و تحکیم پایدار حکومت انقلابی را که بتواند از آنان دفاع نماید و زندگی عادی و تحولات ضرور بنیادی را به نفع آنان تأمین کند، آرزو و انتظار دارند. باید با صراحت گفت که بنابر يك سلسله عوامل و علل عینی و ذهنی چون

کار سازمانی و سیاسی غیرکافی کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی، ضعف رعایت دسپلین حزبی در امر تحقق دستورهای حزب که متأسفانه هنوز نتوانسته ایم در بعضی از ساحات و مناطق که باندهای ضد انقلاب محو شده‌اند و یا در حال محو شدن می‌باشند مجموع تدابیر مطروحه حزب را عملی سازیم و تثبیت نماییم.

ما این نواقص را در کار خود می‌بینیم، بررسی و تشریح می‌کنیم و با جدیت عمل برای رفع آن مبارزه می‌کنیم. کار و فیصله‌های پلینوم‌های نهم و دهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان شاهد گویا و قانع‌کننده آنست. البته در این راه هنوز مشکلات و دشواری‌های فراوان وجود دارد. درینجا می‌توان از عقب‌ماندهگی شدید اقتصادی که از رژیم‌های گذشته به میراث مانده است، سطح بلند بی‌سوادی در میان مردم، پراکنده‌گی و دوری مناطق و محلات مختلف و ملیت‌های مختلف از هم و تلقینات و بقایای ذهنی گذشته یادآوری نمود. هنوز کمبود کارمندان مجرب، ماهر، تعلیم یافته و آبدیده مخصوصاً در محلات احساس می‌شود. هنوز در همه جا سطح یکسان و بلند احساس مسئولین سازماندهی، تقاضا و مطالعه جدی نسبت به اجرای وظایف و دستورهای حزب وجود ندارد.

درست نخواهد بود که تهدید دایمی را که از خارج متوجه دولت ماست نادیده بگیریم. امپریالیزم جنگ اعلان‌ناشده علیه مردم ما را توسعه می‌دهد.

در سال ۱۹۸۲ سنای ایالات متحده امریکا توسعه کمک نظامی و مالی به ضد انقلاب افغانستان را تصویب نمود. راهی که مردم افغانستان انتخاب نموده‌اند و آرزوی که ما برای رفع عقب‌ماندگی و فقر در کشور خود در دل می‌پرورانیم برای امپریالیست‌ها غیر قابل تحمل است و می‌خواهند چرخ تاریخ را به عقب برگردانند. به این منظور دشمنان انقلاب ثور، اجیران فروخته شده تا کاخ نشینان قصر سفید و طراحان پنتاگون و «سیا» همه و همه به تلاش خویش برای وارونه جلوه دادن اهداف و وظایف حزب و دولت انقلابی و حقایق کشور ما ادامه می‌دهند و مذبحانه میکوشند تا با استفاده از تمام وسایل و ذرایع موانعی را در راه رشد جنبش انقلابی وطن ما و در راه تأمین صلح و ثبات در منطقه به وجود آورند.

امپریالیزم امریکا بیش‌رمانه مناطق مختلفه جهان را به نام (ساحه منافع حیاتی) خویش و خود را به نام «مدافعین آزادی و اسلام» اعلام نموده و رژیم‌های ضد مردمی و ضد انقلابی را در منطقه و جهان حمایت و پشتیبانی می‌نماید. امپریالیزم

امریکا در تبنانی با هژمونیزم، پاکستان را به مرکز تربیه عناصر ضد انقلاب افغانستان مبدل ساخته است. نظر به معلومات موثق و اشنگتن قصد دارد که در سال جاری بیش از صد میلیون دالر را از طریق کانال های رسمی جهت مسلح ساختن و تربیه عناصر ضد انقلاب افغانستان به مصرف برساند و طبق معلومات به دست آمده امریکا و همدستان آن تا حال جمعاً يك میلیارد دالر را در جنگ اعلان نشده علیه کشور انقلابی ما به مصرف رسانیده اند. همچنان در پهلوی استفاده از اسلحه عادی، امپریالیزم امریکا تسلیم دهی بم های دستی کیمیای را توسعه داده و طرز استفاده از اسلحه کیمیای ساخت امریکا را به عناصر ضد انقلاب افغانستان در قلمرو پاکستان می آموزاند. باید دانست که قصر سفید و پنتاگون تنها به دادن اسلحه اکتفا ننموده بلکه نیروهای خارجی را به صورت روز افزون مستقیماً در حملات علیه کشور انقلابی ما انسجام می بخشند. به این ترتیب امپریالیزم بین المللی در رأس امپریالیزم امریکا با همدستی ارتجاع منطقه و اجیران فروخته شده به آرزوی آند تا وضع متشنج را در وطن انقلابی ما در سرحدات کشور مقدس ما حفظ نموده تخریب کاری، آدمکشی، قطاع الطریقی و ترور را به طور دوامدار سازمان بدهند و زندهگی عادی و آرام مردم زحمتکش رنجیده ما را مختل سازند.

درین شرایط، وظیفه درجه يك و مهم عبارت است از دفاع مسلحانه از دستاوردهای انقلاب ثور، حاکمیت دولتی و تمامیت ارضی جمهوری دموکراتیک افغانستان به اجرای این وظایف عظیم تاریخی قبل از همه به دوش قوای مسلح و خاصاً به عهده اردوی قهرمان ماست. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان دفاع از انقلاب را وجیبه عالی و پرافتخار اردوی نوین خود دانسته و آنرا به مثابه نیروی اساسی و منظم در سرکوبی دشمنان انقلاب و عادی شدن وضع در کشور می شمارد. ما بارها گفتیم که اردو شمشیر بران انقلابی مردم زحمتکش ماست که دست و پای دشمنان طبقاتی را قطع می کند و سد راه اعمال وحشیانه شان می گردد.

واقعاً اردوی ما در ثبات اوضاع کشور نقش عمده را ایفا کرده است و تکیه گاه مستحکم حزب و دولت انقلابی ما در جلوگیری از توطئه های دشمنان انقلاب می باشد. اردو در تأمین امنیت راه ها، مؤسسات بزرگ دولتی و تولیدی و تحکیم قدرت ارگان های محلی دولتی با سایر ارگان های امنیتی کشور همکاری می نماید. اردوی ما توانسته است که باندهای مسلح ارسال شده از خارج را سرکوب کند،

صلح و امنیت توده‌های زحمتکش ما را به تدریج تأمین نماید.

اردوی دلیر و شجاع ما با روح پیکارجویی و کار انقلابی، جسورانه و شجاعانه ضربات قاطع و فیصله‌کن را بر باندهای ضد انقلاب وارد آورده است چنانچه در جریان فعالیت‌های محاربه‌ی قطعات و جزوات‌های اردو در سال ۱۳۶۱ که منسوبین قهرمان حربی پوهنتون نیز در آن سهم داشته بودند ضربات مرگباری بر ضد انقلاب وارد آوردند؛ چنانچه در ده‌ها ولسوالی و علاقه‌داری قدرت دولتی توسعه و تحکیم یافته است. بیش از نه هزار میل سلاح مختلف‌النوع خفیفه، هشتاد و دو میل دشکه، بیش از سه صد میل راکت انداز، زیاده‌تر از پنجاه میل هاوان، زیاده‌تر از یک‌هزار مین هاوان، در حدود پنج هزار مین ضد تانک، بیش از دو هزار بم دستی در حدود سه تن مواد انفلاقیه، در حدود صد دیپوی مهمات، اعاشه، ادویه و صدها قلم وسایط و تجهیزات دیگر به دست ما افتاده است. همچنان بیش از دو هزار سلاح خفیفه، زیاده‌تر از یک‌صد و چهل میل سلاح ثقیله، بیش از دو صد عراده وسایط و یک صد و شصت و چهار دیپوی مواد اعاشه، مهمات و غیره‌شان تخریب و از بین برده شده است.

در عین زمان چنانکه قبلاً اشاره نمودم در اثر مساعی مشترکه ارگان‌های مختلف حزبی و دولتی و فعالیت قوای مسلح ما تا اواخر سال ۱۳۶۱ ده‌ها هزار تن از افراد فریب خورده که سیاست انسان دوستانه و مدبرانه حزب و دولت انقلابی ما را درک نموده، از مخاصمت مسلحانه علیه دولت انقلابی ما دست کشیده و همراه با مقادیر زیاد سلاح، خود را به مقامات دولتی تسلیم نموده اند. عده زیادی اقوام و قبایل کشور عزیز ما نیز به حقانیت اهداف انقلاب ثور و مرحله نوین آن پی برده و پشتیبانی همه جانبه خویش را، از قدرت مردمی و سیاست حزب و دولت اعلام داشته و می‌دارند. فعلاً در قبایل حاشیه سرحد قطعات ملیشه و قطعات داوطلبان قبایلی تأسیس گردیده و سلاح به دست در تحکیم سرحدات و تأمین امنیت ساحه بودباش خویش فعالانه می‌رزمد.

رفقا!

موفقیت‌هایی که ما در سرکوبی دشمنان انقلاب به دست آورده ایم به آسانی میسر نگردیده است بلکه این همه تا حدود زیادی نتیجه کار و پیکار انقلابی متداوم منسوبین اردو بخصوص کادرهای ورزیده افسران است که اکثریت آنان ازین

مؤسسه تحصیلات عالی عسکری فارغ شده اند. ایشان مسؤولیت عظیم و پرافتخار خویش را در مقابل وطن، مردم و انقلاب آگاهانه درک کرده اند. آنان در اجرای وظایف انقلابی خویش مقام خاص و نقش ارزنده داشته نیروی رهبری کننده اردو را تشکیل داده اند. در تحکیم حاکمیت انقلابی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور، در دفاع از حاکمیت دولتی و حفظ منافع توده‌های میلیونی ما سهم فعال و قابل توصیف گرفته اند. افسران ما در جریان وظایف از خود ابتکار و فعالیت بیشتر نشان داده و تمام معلومات عسکری و تجارب علمی خود را متوجه پیشبرد موفقانه عملیات محاربه‌وی باز هم مؤثرتر و نابودی هرچه زودتر باندهای ضد انقلاب ساخته اند. و از همین جهت است که نیروی سیاسی کمیته مرکزی و هیات رئیسه شورای انقلابی سهم منسوبین اردو و بخصوص افسران را در حل وظایف دفاع از انقلاب به طور عالی ارزیابی نموده و به منظور قدردانی و تجلیل از مقام شامخ و ارزنده قهرمانانی که در جبهات گرم و در جنگ رویاروی با نوکران اجیر شده ارتجاع و امپریالیزم جنگیده و قربانی داده اند ترفیعات فوق‌العاده، نشان‌ها و مدال‌های جمهوری دموکراتیک افغانستان را منظور داشته اند. چنانچه بعد از مرحله نوبین انقلاب ثور تا حال برای منسوبین اردو بیش از چهار هزار و هفتصد نشان و مدال توزیع و به بیش از یازده هزار افسر و خردضابط رتبه فوق‌العاده داده شده است که قسمت اعظم آنان جوانانی هستند که ازین مؤسسه عالی تعلیمی به اردو تقدیم شده اند.

رفقا!

این افتخار بس بزرگی است اما موفقیت‌های به دست آمده نباید شما را مغرور سازد، زیرا علی‌الرغم آن وضع امروز اردو نمی‌تواند رهبری حزب و دولت انقلابی ما را کاملاً قناعت بخشد. عملیات انجام شده تأیید می‌نماید که در مبارزه مؤثر علیه عناصر ضد انقلاب باید به نیروی مستحکم نظامی اتکا کرد.

لذا مطالبات کمیته مرکزی و شورای انقلابی از اردوی قهرمان ما به سطحیست که باید به اسرع وقت به حیث سپر مطمئن دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن و به خدمتگزار واقعی مردم زحمتکش ما مبدل گردد پس درین شرایط عملی ساختن این وظایف مقدس زیادتیر از همه به دوش کیست؟ اگر دقیق و علمی توضیح گردد این وظایف خطیر از همه اولتر به دوش قوماندانان، کارکنان سیاسی و هیأت استادان

حربی پوهنتون است. پس بر شماست که پیوسته محصلان خویش را آگاهی و شعور انقلابی داده، دانش علمی، سیاسی، محاربه‌وی و مسلکی آنان را ارتقا داده و اوصاف يك افسر انقلابی، يك نظامی ورزیده و مجرب اردوی قهرمان ما را در وجود آنها رشد دهید.

در شرایط کنونی ارتقا و تقویۀ دوامدار احضارات محاربه‌وی مطمئن اردوی یکی از زمره جدی‌ترین مطالبات کمیته مرکزی و شورای انقلابی است لذا دانستن عمیق عناصر و عوامل احضارات محاربه‌وی وظیفه میرم افسران ماست. بنابراین شما استادان محترم در تشریح و تطبیق آن نقش عمده دارید. باید از تلاش‌های شباروزی هیأت سوق و اداره حربی پوهنتون در امر آماده ساختن کادرهای ورزیده نظامی و وطنپرست تقدیر و تحسین به عمل آید. حربی پوهنتون از پیروزی انقلاب ثور تا حال بیش از پنجهزار افسر را به اردو تقدیم داشته است. درین مؤسسه عالی نظامی افسران فن حرب را با استفاده از همه امکانات مادی و علمی از بهترین متخصصین و استادان داخلی و ورزیده ترین متخصصین اتحاد شوروی فراگرفته و دوره پراتیک و ستاژ را در مراکز تعلیمی سپری می‌نمایند.

استادان حربی پوهنتون با سرسپردگی کامل، با تقوی سیاسی و روحیه عالی انقلابی وظایف مقدس خویش را به پیش می‌برند کمیته مرکزی حزب و شورای انقلابی به مقام والای هر يك از شما استادان به نظر احترام و قدر نگریسته و زحمات شما را فراموش نمی‌کنند.

اما به خاطر باید داشت که با این ارزیابی عالی رهبری حزبی و دولتی از کار شما، وظایف هیات سوق و اداره و استادان حربی پوهنتون پرمسئولیت‌تر و مهم‌تر می‌گردد. شما باید در عملی ساختن دستورها و رهنمودهای حزب و دولت تا آخرین قدرت و امکانات خویش رزمیده و آنرا سرمشق حیات خویش قرار دهید. بنابراین از همه اولتر تقویۀ کار سیاسی را در جهت رشد آگاهی عالی سیاسی، ایجاد روحیۀ انقلابی و خصوصیات عالی معنوی محصلین، پرورش آنان با روحیۀ وطنپرستی و دوستی انترناسیونالیستی، تحکیم و توسعه دوستی عنعنوی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی منظم تر سازمان بدهید. مداومین شما باید عمیقاً بدانند که به برکت کمک‌های برادرانه و بی شایبه اتحاد شوروی کبیر و حزب کبیر لنینی آن، اردوی ما اسلحه و تخنیک محاربه‌وی مدرن را که برای دفاع از انقلاب ثور و

پیشبرد فعالانه عملیات محاربه‌وی ضروریست در اختیار دارند آنان باید بدانند که اتحاد شوروی به وطن انقلابی ما نه تنها در ساحات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، کلتوری و فرهنگی کمک‌های فراوان نموده بلکه نظر به اقتضای منافع ملی کشورما، اتحاد شوروی در تربیه افسران فداکار و وطنپرست و ایجاد يك اردوی مدرن کمک‌های شایان نموده است.

همچنان اتحاد شوروی نظر به تقاضای مکرر دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به خاطر دفاع از حاکمیت دولتی و استقلال ملی ما قطعات محدود نظامی خود را به کشور ما اعزام نموده و امروز در کنار افسران و سربازان شجاع ما در مقابل تجاوزات نیروهای طاغوتی و اهریمنی ارتجاع و امپریالیزم، وظایف انترناسیونالیستی خویش را موفقانه و پیروزمندانه انجام می‌دهند.

ما به این دوستی و برادری خویش افتخار داشته باور کامل داریم که شما در راه تکامل، توسعه همه جانبه و تحکیم آن کار و پیکار مینمایید. همچنان موقع را مغتنم شمرده تشکرات عمیق قلبی خویش را به مشاورین و استادان محترم برادر شوروی که در تمام شرایط در پهلوی شما قرار داشته و از هیچ نوع کمک و همکاری دریغ نمی‌ورزند ابراز می‌دارم و اطمینان کامل دارم که ایشان با مساعی خستگی‌ناپذیر خویش نقش ارزنده و قابل ستایش خود را در تربیه افسران جوان وطن ما تبارز داده و می‌دهند.

در عین زمان افسران باید دشمنان طبقاتی خود را شناخته و پلان‌های شوم امپریالیزم بین‌المللی در رأس امپریالیزم امریکا و شرکای جرمش را در وجود باندهای ضد انقلاب داخلی درک کنند و تمام آموزش و پرورش و پخته‌گی سیاسی آنان متوجه آماده‌گی کامل غرض سرکوبی عناصر ضد انقلاب گردد.

احضارات محاربه‌وی اردو را می‌توان در صورت فراگیری ماهرانه سلاح و تخنیک محاربه‌وی دست داشته و استعمال مؤثر آن از طرف منسوبین اردو تأمین نمود. لذا تعلیم و آموزش عالی سلاح و تخنیک محاربه‌وی و مؤثریت استعمال آن از همه اولتر به دوش استادان ماست زیرا به هر اندازه که سطح تعلیم و تربیه افسران ما عالی باشد به همان اندازه می‌توان از اسلحه و تخنیک محاربه‌وی که شرط مهم ارتقای احضارات محاربه‌وی محسوب می‌گردد استفاده کرد و این موضوع با سطح دانش تخنیکی و استعدادهای میتودیک افسران ارتباط دارد.



قوماندانان و کارکنان سیاسی وظیفه دارند تا روحیه و احساسی نگهداری و مواظبت از سلاح و تخنیک محاربه‌ی را به افسران و مادونان منحیث وظیفه یومی و انضباطی و وظیفه و وطنپرستی تفهیم بدارند تا آنان این عمل را جزء عادت خود ساخته و درین امر احساس مسؤولیت نمایند.

باید خاطر نشان ساخت که مردم و اردو متحد و یکپارچه و مشترکاً وظایف سرکوبی دشمنان را انجام می‌دهند. زیرا وظایف دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور از تمام زحمتکشان افغانستان و بخصوص از افسران اردو می‌طلبد تا مقاومت نیروهای ارتجاعی را مسلحانه سرکوب کنند. ازینرو افسران ما باید زیادتیر در میان توده‌ها رفته اهداف نجیبانه اردو و مبارزه عادلانه و مقدس اردو را در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به زحمتکشان تشریح کرده و با سازمان دادن ملاقات‌های صحبت‌ها و جلسات پیوندهای اردو و مردم را وسیعتر سازند.

بنابراین شما وظیفه دارید تا طبق تصامیم نهمین پلینوم کمیته مرکزی کار در میان توده‌ها را به محصلان بیاموزانید و از همین اکنون ایشان را عادت بدهید که درین پروسه خطیر انقلابی سهم ارزنده بگیرند.

رفقا! ما شاهد پیکار و تلاش عظیم افسران اردوی انقلابی خویش هستیم که سند فراغت را از مؤسسات عالی نظامی حاصل و با افتخار و سربلندی وظایف و مکلفیت‌های خود را به خاطر آینده درخشان وطن ما ایفا کرده و می‌کنند. اما با این همه موفقیت‌ها، مردم زحمتکش ما، حزب پرافتخار ما و بشریت مترقی در انتظار آنند تا پیروزی‌های بزرگ نصیب اردوی ما شود. رسیدن به این هدف طالب کار و پیکار خستگی‌ناپذیر افسران و بالوسیه کار و پیکار شما دوستان و رفقااست تا اینکه هر یک از شما در اجرای وظایف روزمره و تربیه افسران با روحیه انقلابی و وفاداری به وطن، حزب و انقلاب، با قابلیت استعمال ماهرانه سلاح و تخنیک محاربه‌ی با روحیه دفاع قاطعانه از دستاوردهای انقلاب ثور، با روحیه همبستگی و وحدت تمام ملیت‌ها و اقوام کشور، با روحیه وفاداری به انترناسیونالیزم و همبستگی با تمام نیروهای مترقی جهان در رأس با اتحاد شوروی بزرگ نمونه و مثال باشید. و بدینترتیب رسالت‌ها و مکلفیت‌های تاریخی خویش را سرفراز و پرافتخار انجام دهید.

فرخنده باد پنجمین سالگرد شکوهمند انقلاب ثور!

به پیش در راه تربیه افسران انقلابی، وطنپرست، مردمی و انترناسیونالیست!

بیانیه به مناسبت پنجمین سالگرد انقلاب ثور

۶ ثور ۱۳۶۲

## پیروزی انقلاب ما حکم قاطع تاریخ است

رفقای گرامی، مهمانان محترم!

اکنون که جمهوری دموکراتیک افغانستان رسماً و به طور وسیع پنجمین سالگرد انقلاب پیروزمند ثور را تجلیل می‌نماید، اجازه دهید، به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان به همه خلق آزادی دوست و غرور آفرین افغانستان، به کارگران و دهقانان، به پیشه وران و روشنفکران، به روحانیون و وطنپرست و کارفرمایان ملی، به همه مدافعان پرافتخار وطن، سربازان، خردصابان، افسران و جنرالان اردو، ارگان‌های امنیتی و خاندوی به مناسبت این سالجشن خجسته قلباً و صمیمانه تبریک بگویم.

همچنان اجازه دهید، تبریکات آتشین را به همه ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور کثیرالمله ما به همه وطنپرستان واقعی وطن محبوب مان افغانستان انقلابی تقدیم بدارم.

انقلاب ثور که حزب دموکراتیک خلق افغانستان الهام دهنده و سازمان دهنده آنست حادثه قانونمندی بود که راه ترقی، خوشبختی، شگوفانی و تحولات بنیادی انقلابی را در برابر مردم افغانستان گشود. انقلاب ما نتیجه رشد و تعمیق بحران عمومی سرمایه داری است که سرآغاز آن را انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بنیاد گذاشت.

استراتژی پر نبوغ لنین راه‌ها و اشکال تکامل روند انقلابی جهانی را که انقلاب افغانستان در دوران معاصر یکی از حلقه‌های آن می‌باشد علماً معین ساخته است.

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور برای آن به پیروزی رسید که آرمان‌های زحمتکشان کشور را در شرایط تشدید تضادهای طبقاتی و پروبلم‌های اجتماعی - اقتصادی و در شرایط سعی و تلاش مردم افغانستان برای تغییر بنیادی و فوری جامعه، انعکاس می‌داد.

پنج سال در زنده‌گی هر جامعه‌یی مدت زمان کوتاه است. اما از لحاظ غنای حوادث ما درین سال‌ها، دهه‌ها را پشت سر گذاشته و در روند تکامل انقلابی تجارب عظیم تاریخی اندوخته ایم. پیروزی انقلاب حقانیت مشی عمومی اصولی حزب ما را، این پیشاهنگ انقلابی مردم در شرایط جامعه عقب‌مانده فیودالی و بیروکراتیک، به اثبات رسانید.

همچنان تجربه پنج سال تکامل انقلابی به اثبات رسانید که حزب دموکراتیک خلق افغانستان با تبدیل شدن به حزب حاکم توانایی رهبری جامعه و مردم را دارد و علی‌الرغم شرایط فوق‌العاده دشوار قادر به تأمین پیروزی نهایی است.

درین زمان باید اعتراف کرد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعد از پیروزی انقلاب نتوانست از اشتباهات برکنار بماند. در مسیر فعالیت آن نه تنها ارتقا و اعتلا بلکه سقوط نیز دیده شده است. اشتباهات و انحرافات از مشی اصولی و علماً تنظیم شده موجب کندی رشد فزاینده انقلاب گردید و صدمه معین را به جامعه و حزب رسانید. اما حزب دموکراتیک خلق افغانستان توانست این اشتباهات را رفع کند و از بوته آزمایش‌ها از لحاظ سیاسی- ایدیولوژیک و سازمانی آگاه تر، یکپارچه تر و استحکام یافته تر بدر آید.

تحکیم مواضع حزب دموکراتیک خلق افغانستان، افزایش نفوذ آن بر توده‌های وسیع خصوصیت ممیزه حیات سیاسی و اجتماعی امروزی جامعه را تشکیل می‌دهد. روز تا روز مبانی نظام نوین سیاسی که در نتیجه پیروزی انقلاب ثور پی ریزی شده و پاسخگوی منافع اساسی قشرها و گروپ‌های وسیع اهالی، همه اقوام و ملیت‌ها، همه نیروهای ملی و وطنپرست کشور است، استحکام می‌یابد. پایه خلل ناپذیر نظام نوین را اتحاد کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان کشور تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌سازد.

حزب در فعالیت مجدانه خویش بر نیروهای وسیع اجتماعی که در جبهه ملی

پدر وطن متحد شده اند تکیه دارد.

حزب با گذشت هر روز نقش خود را به مثابه نیروی رهبری کننده جامعه در امر دفاع از انقلاب و تحکیم حکومت مردمی با موفقیت بیشتر ایفا می‌نماید. در شهرها، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها، سازمان‌های حزبی و اجتماعی ایجاد می‌گردد. رابطه اعضای سازمان‌های حزبی و اجتماعی با مردم توسعه و تحکیم می‌یابد. کار تبلیغی- ترویجی و توضیحی که توسط این سازمان‌ها به پیش برده می‌شود در زمینه ارتقای شعور توده‌های مردم نتایج مطلوب را بیار می‌آورد.

ارگان‌های محلی و قدرت مردمی در ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها به نوبه خود میتوذهای کار را در رابطه با مردم بهبود بخشیده و با گذشت هر روز اعتماد بیشتر مردم را کسب می‌نماید.

رفقا!

هر قدر ما در باره حزب و تحکیم صفوف آن صحبت کنیم، باز هم این مسأله همیشه مبرم و قابل توجه است، زیرا حزب نیروی رهبری کننده و هدایت دهنده در همه امور کشور ما می‌باشد. بنابراین ما باز هم از همه اعضای حزب دعوت قطعی برای تحکیم وحدت ایدیولوژیک و سازمانی درونی به عمل می‌آوریم. وفاداری به مشی ایدیولوژیک، سیاسی و وحدت حزب مهمترین مسایلی است که رهبر پرولتاریای جهان لنین بزرگ همیشه بر آنها تأکید می‌کرد. وحدت برای حزب چون هوا برای انسان ضرور است. ما درک می‌کنیم که اگر حزب از لحاظ وحدت صفوف خویش استحکام نداشته باشد ممکن نیست مبارزه مؤثر را در مقیاس سراسر کشور از پیش برد. بنابراین کمیته مرکزی ح.د.خ.ا در آینده نیز تدابیر مشخص و مؤثر را برای تأمین وحدت کامل و ارگانیک صفوف حزب اتخاذ خواهد کرد.

رفقا!

مشی عمومی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مبتنی بر اجرای تحولات عمیق اجتماعی- اقتصادی و تحقق دایمی این مشی با پشتیبانی هر چه وسیعتر از جانب اقشار وسیع مردم کشور مواجه می‌گردد. تجربه ما ضرورت تلفیق مبارزه علیه ضد انقلاب را به خاطر تأمین شرایط صلح آمیز زندگی در سراسر قلمرو کشور با اجرای وظایف مبرم اقتصادی به اثبات می‌رساند. در جریان این مدت، بلافاصله

بعد از پیروزی انقلاب و مخصوصاً در مرحله کنونی آن، گام‌های مهمی در جهت تحقق تحولات ملی دموکراتیک، تحکیم حکومت انقلابی، تأمین یکپارچه‌گی و اشتراك فعال مردم در اعمار حیات نوین برداشته شده است.

هدف عالی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه نیروی هدایت دهنده و رهبری کننده جامعه ما عبارتست از ارتقای سطح رفاه مادی و فرهنگی توده‌های زحمتکش افغانستان یعنی زمین و آب به دهقانان، برابری حقوق برای همه ملیت‌ها و اقوام، صلح و آرامش به همه خانواده‌های مردم پرافتخار ما. هیچ چیزی شریفانه تر از این اهداف و وظایف حزب ما وجود ندارد.

مسایل رشد اقتصادی کشور اهمیت حیاتی و فوق‌العاده دارد. حل این مسایل برای توسعه پایه اجتماعی رژیم انقلابی و تجربه اجتماعی و سیاسی علیه نیروهای ضد انقلاب حایز اهمیت بزرگی می‌باشد. توجه جدی به مسایل رشد اقتصادی در عین زمان به معنی توجه به سرنوشت انقلاب، به مسایل توسعه پایه اجتماعی آن و به نیازمندی‌های امروز و فردای مردم نیز است. به این ترتیب رشد کشور و بازسازی مؤسسات اقتصادی ملی که به وسیله باندیت‌ها تخریب شده به همان اندازه وظیفه تأخیرناپذیر است که مبارزه با ضد انقلاب.

بررسی مسایل اقتصادی در یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان شاهد توجه حزب به این مسایل است و تحقق عملی آنها انعکاس نیازمندی‌ها، ضرورت‌ها و خواست‌های توده‌های وسیع زحمتکش خواهد بود.

در هنگام ارزیابی مردم از نتایج و مزایای انقلاب، جریان رشد اقتصادی تعیین کننده خواهد بود. بنابراین حزب و حکومت رسیدن به افزایش قابل ملاحظه تولید صنعتی و زراعتی را در جریان سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۶۳ به مثابه یکی از مهمترین وظایف مطرح ساخته اند.

خوشبختانه کمک‌های عظیم و همه جانبه اقتصادی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی مانند گذشته به رشد بخش‌های مختلف اقتصاد ما مساعدت می‌کند. حزب ما و مردم ما ازین کمک برادرانه و بی‌شایبه سپاسگزار اند.

حزب و دولت توجه بزرگی را به بهبود دائمی شرایط زندگی و کار کارگران معطوف می‌دارند. طی سال‌های اخیر دستمزد کارگران افزایش قابل ملاحظه یافته

و ساختمان منازل مسکونی برای کارگران در نزدیکی مؤسسات شان در مقیاس وسیع پیش برده می‌شود. مصرف مواد غذایی ماموران و کارمندان دولتی که با قیمت‌های نازل و امتیازی تأمین می‌گردد پنجاه فیصد افزایش یافته است. دولت منابع قابل ملاحظه‌یی را به منظور خریداری مواد غذایی و محروقات برای کمک به مردم کشور و استقرار قیم تخصیص داده است. علی‌الرغم دشواری‌های ناشی از جنگ اعلان نشده نیروهای امپریالیستی و ارتجاعي و افزایش مصارف دفاعی و امنیتی کشور، باز هم دولت منابع قابل ملاحظه را برای اجرای برنامه‌های اجتماعی در ساحات صحت عامه، تعلیم و تربیه، مبارزه با بی‌سوادی و رشد فرهنگ‌های ملی خلق‌ها اختصاص می‌دهد.

یکی از وظایف درجه يك حزب و دولت کمک به دهقانان زحمتکش و اجرای اصلاحات ارضی و آب که برای دهقانان کشور ما اهمیت حیاتی دارد می‌باشد. ما با صراحت و قاطعیت اظهار داشته ایم که درین جهت به پیش خواهیم رفت.

رفقا!

زنده‌گی حکم معروف تیوری علمی انقلابی را در باره آنکه بدون اشتراك فعال توده‌های مردم روند انقلابی نمی‌تواند موفقانه رشد نماید به اثبات رسانیده است. متکی بر این اصل حزب برای جلب توده‌های وسیع مردم به امر دفاع از آرمان‌ها و اهداف انقلاب مساعی بزرگی را به عمل می‌آورد. با گذشت هر روز اعتماد و اعتقاد مردم نسبت به مشی انقلابی حزب و دولت افزایش می‌یابد. فریب خورده‌گان حقانیت انقلاب را درک می‌کنند. روند پیوستن گروه‌هایی مسلح به دولت سرعت می‌یابد. تدویر جلسه سران قبایلی گروه‌هایی مسلح که به دولت پیوسته اند درین اواخر در کابل حادثه استثنایی است که فقط در شرایطی امکان می‌یابد که اهمیت انقلاب کاملاً درک گردد. اکنون در کشور روند تقویت سیستم دفاع از انقلاب که قشر‌های وسیع مردم را دربر می‌گیرد در جریان است. گروه‌های مدافعین انقلاب، شبکه دفاع ملی، گروه‌هایی ملیشه سرحدی و قطعات داوطلب متشکل از نماینده‌گان اقوام و قبایل، گروه‌هایی امنیتی همراه با نیروهای مسلح کشور قدرت نظامی انقلاب را می‌سازند.

قدرت محاربه‌وی نیروهای مسلح قهرمان کشور به طور دوامدار تحکیم و بهبود حاصل می‌کند که نقش هرچه فزاینده را در امر دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن

ایفا می‌نمایند.

حزب و حکومت در آینده نیز از همه امکانات برای تحکیم قدرت دفاعی کشور، قابلیت محاربه‌ی اردوی پرافتخار، خاندوی و ارگان‌های امنیتی افغانستان استفاده خواهند کرد.

رفقا!

انقلاب ما دشواری‌های دارد، اما دورنمای درخشان آینده را نیز نوید می‌دهد. ما خوب می‌دانیم که چه کارهایی را باید امروز و فردا انجام داد. در برنامه عمل حزب مصوب کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان اهداف و وظایف مشخص در امر رفع دشواری‌های اجتماعی-اقتصادی در مرحله نوین انقلاب ملی و دموکراتیک تعیین و در برابر ما مطرح گردیده است و ما همه آنچه را که به مردم مسلمان و نجیب خویش وعده داده ایم به سر خواهیم رسانید. ما به جدی‌ترین صورت همه اصول و معیارها مخصوصاً آنهایی را که عنعنات، رسوم و عادات مردم ما را مدنظر می‌گیرند رعایت خواهیم کرد. همیشه با احترام عمیق نسبت به دین مقدس اسلام برخورد خواهیم کرد و در امر اعمار جامعه نوین اصول اسلامی، عدالت اجتماعی، برادری و برابری را جداً رعایت خواهیم نمود.

اساس کار ما را منافع مردم، همه اقوام و قباایل کشور تشکیل می‌دهد. ما در آینده نیز به طور استوار در راه تأمین تساوی حقوق همه ملیت‌ها و قباایل کشور جهت رشد ملی و فرهنگی خواهیم رفت و به تدریج جهات حل واقعی و اصولی مسأله ملی در جمهوری دموکراتیک افغانستان را مشخص ساخته به تحقق مستقیم آن خواهیم پرداخت.

اجرای موفقانه وظایفی که در برابر ما قرار دارد وابسته به تأمین صلح و امنیت در سراسر کشور است. اما ارتجاع و امپریالیزم در رأس امپریالیزم ایالات متحده امریکا در تبنانی با هژمونیزم چین، پاکستان را به تخته خیز تجاوزگری مبدل ساخته و به مداخله و تجاوز نظامی علیه کشور ما ادامه می‌دهد.

جنگ اعلان نشده، زنده‌گی و کار صلح آمیز مردم ما را مختل ساخت. اما مردم افغانستان اکنون چهره واقعی دشمنان یعنی عناصر ضد انقلابی را که از خارج فرستاده می‌شوند و حامیان امپریالیستی و ارتجاعی آنان را به خوبی می‌شناسند.

مردم هر چه فعالتر در جهت دفاع از انقلاب که ضامن منافع امروز و فردای آنهاست قرار می‌گیرند. اکنون ما به مرحله سرکوب قطعی ضد انقلاب و محو کامل باندتیزم وارد شده ایم. ما قادر هستیم از انقلاب، از منافع مردم خود و وطن خود دفاع قاطعانه نماییم و همچنین آماده هستیم در این راه قربانی های جدید را متحمل گردیم. انقلاب ما شکست ناپذیر است و خصوصیت بازگشت ناپذیر دارد. این واقعیت را حتی دشمنان ما درک می‌کنند. اما امپریالیزم نمی‌خواهد به این ساده گی به مداخلات و تجاوزات خود به جنگ آشکار و رسوای روانی علیه کشور ما خاتمه دهد.

رژیم نظامی پاکستان نقش تخته خیز تجاوز را ایفا نموده و خود فعالانه و مستقیماً در آن سهم می‌گیرد بنابراین مانع حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان می‌گردد.

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان با ابراز آمادگی برای حل و فصل سیاسی صادقانه و به طور سازنده در این راه می‌رود. همراه با این، جمهوری دموکراتیک افغانستان کوچکترین نوسان را در مبارزه علیه ضد انقلاب اجازه نه خواهد داد. سرکوب قطعی و کامل مقاومت ضد انقلاب فرستاده شده از خارج و قطع مداخلات و تجاوزات امپریالیستی و ارتجاعی در کشور ما ناگزیر است.

سیاست و مبارزه ما از پشتیبانی عمیق انترناسیونالیستی همه نیروهای مترقی گیتی، سیستم جهانی سوسیالیستی، در رأس دوست بزرگ و برادر ما اتحاد شوروی بزرگی برخوردار است. مناسبات و همکاری بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی به مرحله عالی کیفی ارتقا نموده و به مناسبات همبسته گی برادرانه انقلابی مبدل شده است.

امروز ما امتنان عمیق و صمیمانه خود را به کشور شوراها، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در رأس رفیق یوری ولادیمیریویچ اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به خاطر کمک عظیم، بی نظیر و همه جانبه به جمهوری دموکراتیک افغانستان و به مردم ما ابراز می‌داریم. مناسبات ما با کشورهای سوسیالیستی تا حد عالی مناسبات برادرانه است و ما از این تریبون سپاسگزاری و امتنان قلبی خود را به همه کشورهای سوسیالیستی به خاطر پشتیبانی و کمک شان به جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز می‌نماییم.



بین ما و هند و بعض کشور های مترقی عرب مناسبات دوستانه و تفاهم عالی برقرار شده است. مناسبات دوستانه ما با هند یکبار دیگر در جریان کنفرانس هفتم سران دول و یا حکومت کشورهای غیرمنسلک در دهلی به اثبات رسیده. هر دو کشور از جمله بنیان گذاران و اعضای وفادار جنبش عدم انسلاک به شمار می‌روند. جمهوری دموکراتیک افغانستان نقش رهبری کننده هند را در جنبش عدم انسلاک قدردانی نموده آنرا به حیث عامل مهم به نفع صلح در سراسر جهان ارزیابی می‌کند.

ما طرفدار رشد مناسبات عادی و دوستانه ایجاد حسن تفاهم و احترام متقابل با همه کشورها و به درجه اول با کشورهای همسایه و کشورهای عربی و مسلمان هستیم.

جمهوری دموکراتیک افغانستان با تقبیح قاطعانه سیاست ماجراجویانه و میلیتاریستی امپریالیزم و قبل از همه امپریالیزم امریکا را که تهدید جدی به میان آمدن جنگ هسته‌یی را بار آورده است، از سیاست و ابتکارات صلح آمیز اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی با قاطعیت حمایت می‌نماید.

به مناسبت حادثه سیاسی مهم در زنده‌گی کشور ما یعنی پنجمین سالگرد انقلاب ثور از این تریبون عالی درودهای برادرانه و گرم خود را به همه نیروهای صلحدوست، به همه بشریت مترقی، به همه کشورهای عضو جنبش عدم انسلاک و به همه کشورهای دوست اسلامی می‌فرستیم. ما مهمانان خارجی را که برای اشتراک در جشن پنجمین سالگرد پرافتخار انقلاب ثور ما تشریف آورده اند، صمیمانه درود و شادباش می‌گوییم.

اشتراک مهمانان گرامی در این جشن بزرگ مردم افغانستان، شاهد احساسات عالی دوستی، همبستگی و پشتیبانی مردمان و دول، مترقی و صلحدوست همه جهان نسبت به مردم آزادی دوست و وطن ماست.

ما قاطعانه اعلام می‌داریم که برای استقرار صلح و دفاع از انقلاب خود به طور خسته‌گی ناپذیر مبارزه خواهیم کرد. به نماینده‌گی از حزب و دولت از این تریبون یکبار دیگر به همه زحمتکشان، به همه اقوام و قبایل کشور اعم از پشتون‌ها، تاجک‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، نورستانی‌ها، پشه‌یی‌ها و سایر اقوام کشور به مناسبت پنجمین سالگرد انقلاب پیروزمند ثور تبریکات قلبی خود را ابراز می‌داریم و برای همه شان موفقیت‌های بزرگ را در تحقق اهداف و

آرمان‌های انقلاب در جهت اعمار جامعه نوین، شگوفان و پیشرفته در کشور آرزو می‌کنیم.

با تجلیل از پنجمین سالگرد انقلاب ثور، ما خاطره قهرمانانی را که در مبارزه به خاطر آرمان‌های عالی انقلاب شهید شده اند، احترام و یاد آوری می‌کنیم.

افتخار بر قهرمانانی که در راه انقلاب شهید شده اند!

رفقای گرامی همسنگر، کارگران، دهقانان زحمتکش، روشنفکران مترقی، روحانیون با وجدان، وطنپرستان دلیر، به همه شما به مناسبت پنجمین سالگرد انقلاب پیروزمند ثور تبریک می‌گوییم.

زنده باد انقلاب ما!

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این نیروی الهام دهنده و سازمان دهنده انقلاب ما، نیروی رهبری کننده و هدایت دهنده جامعه ما!

ما پیروز می‌شویم!

پیروزی انقلاب ما حکم قاطع تاریخ است!

## بازره به خاطر صلح و پیکار علیه جنگ هستی اساسی ترین مسأله دوران ماست!

به نمایندهگان محترم اسامبله جهانی صلح پراگ!

تدویر اسامبله جهانی برای صلح و زندهگی علیه خطر جنگ هستهیی را به همه نمایندهگان خلق‌های صلح‌دوست جهان که در این گردهمایی پر اهمیت بین‌المللی اشتراك دارند و از طریق آنها به تمام آنانی که به خاطر صلح و زندهگی می‌رزمد شادباش می‌گویم.

اسامبله جهانی صلح پراگ در زمانی دایر می‌گردد که بشریت صلح خواه با نگرانی عمیق به سوی آینده می‌نگرد و از خطر وقوع يك فاجعه هولناك اتمی در هراس است. زیرا امپریالیزم به سرکردهگی امپریالیزم ایالات متحده امریکا با پیروی از سیاست جنگ طلبانه و ماجراجویانه در صدد آنست تا مواضع از دست رفته خویش را دوباره به دست آورد. بر بخش وسیعی از جهان سیطره غارتگرانه خود را تأمین نماید و به اصطلاح سر کرده گی جهانی ایالات متحده امریکا را احیا کند. سرکردهگی که در گذشته جز اسارت و تاراج خلق‌های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، جنگ، خونریزی و ویرانی، عقب‌ماندهگی شدید اجتماعی و اقتصادی و فقر، گرسنگی، بی‌سوادی و مرض چیزی به خلق‌ها ببار نیاورده است. در اوضاع و احوال کنونی امپریالیزم امریکا می‌کوشد تا این سرکردهگی را دوباره بر مردمان جهان با تهدید به نابودی بشریت و تمدن آن به وسیله سلاح‌های مرگبار امحای جمعی، با مداخلات مستقیم و پنهانی در امور داخلی کشورها و با اعلام بسیاری از مناطق جهان به عنوان مناطق منافع حیاتی خویش تحمیل کند.

ایالات متحده امریکا به خاطر نیل به این هدف شوم راکت‌های برد متوسط پرشنگ ۲ و کروزر را در اروپای غربی جابجا می‌کند. به تولید صدها راکت قاره پیمای ام ایکس با هزار سرگلوله هسته‌یی متوسل می‌گردد. پایگاه‌های نظامی خود را که همین اکنون به بیش از یک‌هزار و پنجصد پایگاه می‌رسد با سلاح‌های مدرن هسته‌یی تجهیز و تقویت می‌کند. سردمداران ماجراجوی پنتاگون طرح‌های غیرمسئولانه و بسیار خطرناک جنگ هسته‌یی از قبیل جنگی محدود و دراز مدت هسته‌یی را تدارک دیده اند. طراحان جنگ «محدود» هسته‌یی حتی پیشبینی می‌کنند که در صورت وقوع چنین جنگی تنها چهارصد میلیون انسان کشته خواهد شد. این محاسبه بسیار غیر انسانی و در عین حال دور از واقعیت است. در واقعیت امر در صورت وقوع چنین جنگی صحبتی از محدود باقی ماندن آن در میان نخواهد بود و تمام تمدن و هستی بشریت نابود خواهد شد.

اداره ریگن در مقابل پیشنهادهای مشخص و عملی کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد شوروی سوسیالیستی که تحقق آنها بدون تردید در امر تحکیم صلح و دینتانت، قطع مسابقات تسلیحاتی، استقرار مناسبات بین‌المللی متکی بر اصول همزیستی مسالمت آمیز و تفاهم متقابل نقش تعیین کننده را ایفا می‌کند با پیشنهادهای غیرواقعبینانه و غیرعملی و عوام‌فریبانه مانند به اصطلاح راه حل صفر که به معنی خلع سلاح یک‌جانبه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی می‌باشد پاسخ داده مذاکرات ژنیو را دربارهٔ تحدید سلاح‌های استراتژیژیک نرهوی به بن بست میکشاند.

در چنین وضعی که تمام دستاوردهای تاریخی بشریت و هستی آن در اثر سیاست جنگل طلبانه امپریالیزم مواجه با جدی‌ترین خطر یعنی خطر درگیری هسته‌یی می‌باشد همه خلق‌های جهان به دفاع از ابتدایی ترین حق خود یعنی حق زندهگی بپا خاسته اند. چنین صلح در تمام قاره ها به جنبش عظیم و گسترده توده‌یی به خاطر دفاع از هستی بشریت و علیه جنگ مبدل گردیده است. صلح نیاز میرم زمان ما و همه خلق‌های جهان است. اکنون در برابر بشریت وظیفهٔ میرم تر، مقدس تر و حیاتی تر از حفظ صلح وجود ندارد.

اسامبلهٔ جهانی صلح پراگ که در نوع خود بزرگ ترین گردهمایی نیروهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه سراسر جهان می‌باشد بیانگر این حقیقت است که مبارزه

به خاطر صلح و زنده‌گی علیه خطر جنگی هسته‌یی به اساسی‌ترین و عمده‌ترین مسأله دوران ما مبدل شده است.

اسامبله جهانی صلح پراگ بدون تردید در امر تحکیم وحدت نظر و عمل و هماهنگ ساختن

فعالیت‌های همه نیروهای صلح‌دوست جهان صرف نظر از نظریات، عقاید سیاسی و ایدیولوژیک آنها و همچنان در امر تحکیم صلح و لگام زدن به تمایلات ماجراجویانه جنگ طلبی محافل امپریالیستی مؤثریت بزرگی خواهد داشت.

اجازه دهید، به نماینده‌گی از مردم افغانستان انقلابی که در شرایط دشوار مداخلات و جنگ اعلان نشده امپریالیستی به خاطر صلح می‌رزمند و به نماینده‌گی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیروزی‌های هرچه بزرگتری را در کار شریفانه اسامبله جهانی صلح پراگ به خاطر نجات بشریت از سانحه هولناک تصادمات ذره‌وی و ایجاد فضای تفاهم و برادری در سراسر سیاره زیبای ما آرزو کنم.

گزارش به پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
(درباره وضع در کشور و وظایف مبرم حزب و قدرت دولتی)

۱۲ سرطان ۱۳۶۲

## بدون وحدت، حزب وجود ندارد و بدون حزب یکپارچه، پیروزی ممکن نیست.

رفقا!

بیروی سیاسی حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان عقیده دارد که زمان آن فرا رسیده است تا ما راهی را که بعد از کنفرانس سرتاسری حزب طی نموده ایم، مورد ارزیابی قرار دهیم و وظایف تأخیر ناپذیری را که در برابر حزب و دولت قرار دارد فورمولبندی نماییم.

قبل از همه باید گفت که زنده‌گی صحت و حقانیت نتیجه گیری‌ها و احکام برنامه عمل، و فیصله‌های کنفرانس سرتاسری حزب را به طور عام و تام به اثبات رسانید. کمیته مرکزی حزب ما، بیروی سیاسی و دارالانشاء آن، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، ارگان‌های محلی حزبی و دولتی، مشی عمومی حزب را که در کنفرانس فورمولبندی شده است با پیگیری تحقق بخشیده و بر اساس آن به عادی ساختن بیشتر اوضاع در کشور نایل آمده اند.

راه طی شده و وضع موجود چگونه ارزیابی می‌گردد و خصوصیات اساسی آنها چیست؟

قبل از همه باید گفت که ضد انقلاب در تلاش برای تغییر جریان تکامل انقلابی کشور ناکام شده است. مردم هرچه بیشتر اهداف مترقی انقلاب ما را درک نموده به دشمنان وطن پاسخ دندان شکن می‌دهند. مردم از حکومت خود پشتیبانی می‌نمایند زیرا این حکومت، حکومت عدالت و صلح است که همه وطنپرستان افغانستان

خواستار آن اند. ضد انقلابیون نمی‌توانند این واقعیت‌ها را با موجی از دروغ، افترا و تهمت بیوشانند.

بر علاوه ما همیشه تأکید نموده ایم که با انقلاب ثور و به دست گرفتن و قدرت دولتی کارهای را برای حل پروبلم‌های اساسی مردم و وطن انجام داده ایم. اکنون ما با رضایت خاطر می‌توانیم بگوییم که بازسازی و رشد مؤسسات و پروژه‌های صنعتی و زراعتی تا حد زیادی به عرصه مقدم فعالیت حزبی و دولتی پیش کشیده می‌شود که در این امر عامل مهم پیروزی کامل و نهایی ما نهفته است.

درینجا باید به طور خاص خاطر نشان ساخت که در زنده‌گی اجتماعی - سیاسی ما عامل نوین یعنی سیستم گسترده سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی ایجاد شده فعالیت می‌نماید و نقش آن دائماً ارتقا می‌یابد. همین سازمان‌ها و کمیته‌ها سیاست حزب را در عمل پیاده نموده رابطه حزب را با مردم تحقق می‌بخشند. باید گفت که اکثریت این سازمان‌ها و کمیته‌ها و جایب عالی خود را درست درک کرده اند، هرچه مؤثرتر و مشخص تر کار می‌نمایند و واقعاً هم مهمترین مسایل زنده‌گی ولایات، شهرها، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها را بررسی و حل می‌کنند.

اینکه امپریالیزم و ارتجاع موفق نگردید افغانستان انقلابی را در عرصه جهانی تجرید نماید نیز اهمیت اصولی دارد. باید قدرت همبستگی انترناسیونالیستی توطئه‌های نیروهای دشمن را نقش بر آب ساخت. این همبستگی تنها به کمک نظامی و اقتصادی خلاصه نمی‌گردد. برای ما نیروی نمونه دوستان ما در اعمار جامعه نوین تجربه عظیمی که آنان اندوخته اند، مشوره‌های خردمندان و بموقع شان اهمیت واقعاً حیاتی دارد.

رفقا!

بدون کم بها دادن و نادیده گرفتن آنچه که به دست آمده است باید با صراحت بگوییم که هنوز در برابر حزب و کشور وظایف پیچیده و دشواری در جهت تأمین شرایط صلح آمیز زنده‌گی و ارتقای سطح رفاه مردم، قرار دارد. آیا همه اقدامات لازم را برای اجرای این وظایف متقابلاً مرتبط انجام داده ایم؟

با صراحت و وضاحت کامل می‌توان گفت: نه، واضحاً که همه اقدامات لازم صورت نگرفته است. هم زنده‌گی و هم اوضاع کشور چیزی به مراتب بیشتر را

می‌طلبد. دستورهای حزب که در فیصله‌ها و تصامیم کنفرانس سرتاسری و پلینوم‌های نهم، دهم و یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس یافته متوجه این امر است.

ضمناً باید گفت که این فیصله‌ها و تصامیم نیز کاملاً اجرا نشده است. فقدان کفایت یکپارچه‌گی و سازماندهی خود ما، عدم کفایت، سختگیر بودن در مطالبات نسبت به خود، سرعت عمل و دسپلین غیرکافی و نظائر آن، عوامل موجد این وضع و مانع اجرای کامل این وظایف است. در این باره تاکنون بارها صحبت نموده ایم. اما هنوز مبارزه لازم با نواقص صورت نمی‌گیرد. امر انقلاب خواهان آنست که به طور قطعی به این نواقص خاتمه داده شود. اکنون مهم است که توجه سراسر حزب، حکومت و ارگان‌های قدرت دولتی به امور مشخص معطوف و متمرکز گردد.

بیروی سیاسی طرح گسترده پلان تدابیر جهت اجرای مهمترین و میرم ترین وظایفی را که در برابر وطن قرار دارد، ترتیب نموده است. امروز ما باید این سند را به طور عمیق و همه جانبه بررسی کرده، بعد تمام حزب و همه وطنپرستان را برای عملی ساختن این تدابیر تأخیرناپذیر بسیج نماییم. از آن جایی که اعضای کمیته مرکزی طرح تدابیر مذکور را با خود دارند، اجازه دهید، بالای مهمترین جوانب کاری که باید انجام یابد، صحبت نمایم.

رفقا!

تحکیم و تکامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و ارتقای نقش آن در جامعه و دولت محتوای عمده حیات سیاسی کشور ما را ساخته و می‌سازد. ما با رضایتمندی، خاطرنشان می‌سازیم که حزب دموکراتیک خلق افغانستان هرچه بیشتر به سازمانده و رهبری کننده واقعی توده‌ها مبدل می‌گردد.

در این امر خدمات و تلاش‌های سراسر حزب و همه سازمان‌ها و کمیته‌های آن تجلی می‌یابد. کارزار گزارش‌دهی که برای نخستین بار در حزب ما صورت گرفت به طور روشن و قانع کننده این مسأله را نشان داد. این کارزار بر غنای تجربه نوین کار حزب افزود، چهارچوب دموکراسی درون حزبی را توسعه بخشیده امکان داد تا فعالیت کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی به طور انتقادی ارزیابی گردد.



اکنون در حزب ما در حدود بیش از نود هزار عضو اصلی و آزمایشی وجود دارد. در طی سال ۱۳۶۱ تعداد اعضای حزب تقریباً سی و پنج فیصد افزایش یافته و این افزایش ادامه دارد. این امر شاهد ارتقای اعتبار و اتوریته حزب و استحکام بیشتر روابط آن با توده‌هاست. اکنون در صفوف حزب ما نمایندگان بیش از سی قوم و ملیت وجود دارند. شصت و پنج فیصد اعضای حزب دارای سنین تاسی سال می‌باشند. نیروهای نو و جوان دایم صفوف حزب را تکمیل می‌کنند و آینده نیز مربوط به آنان است. در سال ۱۳۶۱ در حدود سی و یک هزار نفر جدید به عضویت آزمایشی حزب پذیرفته شده‌اند. در بین آنان کارگران، شانزده اعشاریه نه فیصد و دهقانان سی و سه اعشاریه سه فیصد را می‌سازند. اما هنوز کارگران و دهقانان در مجموع حزب بیست و هشت اعشاریه چهار فیصد اعضای آنرا تشکیل می‌دهند و این رقم را باید افزایش بیشتر بخشید. ترکیب حزب هرچه بیشتر باید ترکیب اهالی زحمتکش کشور را منعکس سازد. کمیته مرکزی به این مسأله اهمیت درجه یک را قایل است. همه مسائل مربوط به ساختمان و تکامل حزب در دهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب به طور سیاسی و دقیق مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت.

چند روز قبل بیروی سیاسی گزارش احصائیه وی سال ۱۳۶۱ را مورد تأیید قرار داده در مورد این مسأله مصوباتی را تصویب نمود. در رابطه با این موضوع لازم می‌شمارم سه نکته مهم را خاطر نشان سازم:

نخست اینکه ما باید در آینده نیز متوجه رشد کمی حزب باشیم. باید به مسایل انتخاب شایسته‌ترین، آگاه‌ترین، فعال‌ترین و وفادارترین افراد به انقلاب، برخورد هرچه دقیق‌تر و هرچه جدی‌تر صورت گیرد.

دوم اینکه، در حال حاضر در سازماندهی پذیرش دهقانان، پیشه‌وران و بعضی دیگر از گروه‌هایی زحمتکشان به حزب دشواری‌های معین به وجود آمده است. واقعاً هم دهقان و یا پیشه‌ور چگونه می‌تواند به حزب شامل گردد در صورتی که در آنجا سازمان اولیه حزبی و اشخاص معرفی کننده وی به حزب وجود نداشته باشند؟ بنابراین باید توجه جدی به ایجاد سازمان‌های حزبی در قرا یا سازمان‌های منطقه‌ای یعنی سازمان‌هایی که در محلات زیست زحمتکشان فعالیت نماید، معطوف گردد.

باید بیروی سیاسی در این مورد تصاویب لازم را به عمل آورد. سوم اینکه،

کمیته‌های حزبی باید توجه بیشتر را به بهبود ترکیب کیفی صفوف حزب، افزایش تعداد کارگران، دهقانان، سربازان و پیکار جویان گروه‌هایی مدافعین انقلاب در پذیرش به حزب معطوف سازند. اکنون مسأله تنظیم سنجیده شده و پلان شده ترکیب کمی و کیفی حزب در دستور روز قرار می‌گیرد.

رفقا!

چنانچه شما می‌دانید، ما در این پلینوم نیز باید به مسأله تحکیم وحدت صفوف حزبی باز هم پردازیم. یکپارچه‌گی صفوف حزبی تقویت می‌یابد. این واقعیتی است که در نتیجه کار طولانی و پیگیر همه سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی و همه اعضای حزب در جهت رفع بقایای مبارزات فراکسیونی به میان آمده است. ولی باز هم چنانکه در دهمین پلینوم خاطر نشان گردید، ما هنوز هم به وحدت ارگانیک نایل نشده ایم. این هم واقعیت است. تا هنوز هم ما به شکایات بیشماری از جهت فعالیت فرکسیونی برمی‌خوریم که در عقب آن عدم آرزو و عدم توانایی برای تنظیم کار مشترک و روابط دوستانه و رفیقانه نهفته است.

اما اکنون به ماهیت قضیه می‌پردازیم. «فراکسیون» و «فراکسیون بازی» که اکثر در باره آن صحبت می‌کنند، چیست؟ «فراکسیون» عبارت از يك بخش مجزای حزب سیاسی است که دارای پروگرام سیاسی خویش بوده و این پروگرام با احکام اصولی و اساسی پروگرام همه حزب ضدیت دارد. در همه احزاب انقلابی این اصطلاح را چنین درک می‌کنند. اکنون واقعیت موجود حزب خویش را ارزیابی می‌کنیم.

برنامه عمل و اساسنامه حزب برای همه ما مشترک است. همه سازمان‌های حزبی برای رعایت و اجرای این اسناد کار می‌کنند. اعضای حزب ما در درک و تفسیر این اسناد تفاوت نظر و اختلاف ندارند. پس دلیل چیست؟ مسأله برسر اینست که مظاهر موجود طایفه پرستی، خانواده پرستی، گروه بازی، محافل گرم رفاقت بازی شخصی، مقام پرستی و عدم اعتماد متقابل در بین حزب به وحدت آن لطمه وارد می‌کند. این وضع ناشی از عقب‌مانده‌گی و عدم پخته‌گی سیاسی بعض رفاقت که با استفاده از اعتبار شخصی و مقام رسمی، گروهی از افراد وفادار به خود و یا به اصطلاح ناراض را به دور خویش جمع نموده آنان را در جریانات درون حزبی به نفع تمایلات و علاقمندی‌های شخصی خود می‌کشانند.

افرادی که منافع، علاقمندی‌ها و خواست‌ها و ادعاهای شخصی خود را در برابر حزب قرار می‌دهند، نمی‌خواهند و قادر نیستند کار دوستانه و با نظم را سازمان دهند و آرزو ندارند تابع دسپلین حزبی باشند، چنین اشخاص در شرایط کنونی و در ماهیت امر به مثابه فراكسیون بازان می‌باشند. آنان مانع اجرای مؤثر و هدفمند رسالت عالی حزب به مثابه نیروی رهبری کننده و هدایت کننده جامعه می‌گردند آنان نباید در حزب ما جا داشته باشند. موقف کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در رابطه با این مسأله با وضاحت و صراحت کافی در فیصله‌های دهمین پلینوم آن انعکاس یافته است و در برابر سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی وظایف روشن مطرح شده است. به این معنی که با عمل خویش وحدت صفوف حزبی را تحکیم بخشیده با کار تربیتی و هنگامی که لازم باشد به وسیله تدابیر سازمانی تا سرحد اخراج از حزب بالای اخلاگران وحدت حزبی تأثیر اندازند.

شش ماه از پلینوم دهم گذشته است و امروز مجبوریم اعتراف نماییم که تعداد زیادی از سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی، بسیاری از کارمندان مسؤول حزبی فیصله‌های دهمین پلینوم را به مثابه برنامه عاجل و پیکارجویانه عمل نپنداشته و نسبت به آن از خود عکس‌العمل ضعیف، تنبلی، برخورد سطحی و فورمالیته نشان داده و نتیجه گیری‌های عملی جدی نکرده اند. در نتیجه، وضع یا اصلاً بهبود حاصل نکرده و یا بهبودی بسیار بطی صورت گرفته است. با این وضع نمی‌توان سازش نمود!

باید نقش و مسؤولیت کمیسیون‌های کنترل و نظارت کمیته‌های حزبی و شعبات سیاسی و کمیسیون کنترل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارتقا یابد. کمیته‌های حزبی در همه سطوح تا سرحد کمیته مرکزی و همچنان نیروی سیاسی و دارالانشاء کمیته مرکزی حزب باید به این مسأله به طور مشخص تر و جدی‌تر بپردازند.

به یاد داشته باشیم که: بدون وحدت، حزب وجود ندارد و بدون حزب یکپارچه، پیروزی ممکن نیست.

اکنون درباره بعضی از مسایل مربوط به سیاست کادرها صحبت می‌کنیم. اهمیت این مسأله روشن است، زیرا حزب نقش رهبری کننده خویش را در جامعه از طریق کادرها عملی می‌سازد.

قبل از همه می‌خواهم درباره ضرورت، بهبود و تکمیل بیشتر کار انتخاب و جابجا ساختن کادرها صحبت کنم، خاطر نشان می‌سازم که این کار باید تکمیل و بهبود یابد و دائماً به طور پلان شده بهتر گردد. اما باید گفت که ما در این عرصه بارها و به کثرت، نه با پیشنهادها و شیوه‌های درست و نضج یافته، آماده شده و مستدل، بلکه با تبدلات و تغییرات عجولانه، بدون سیستم و سنجش افراد بر می‌خوریم.

البته تغییر و تبدیل کادرها يك ضرورت است و در شرایط کنونی هنگامی که ما با کمبود کادرهای مجرب و آماده مواجه هستیم، مجبوریم افراد را بالا کشیده و خصوصیات عملی و سیاسی آنان را مستقیماً در جریان کار آزمایش کنیم. ما باید رفقای جوانی را که در جریان کار عملی شایسته‌گی خویش را به اثبات رسانیده اند، با جرأت و دلیری پیش بکشیم، در عین زمان نباید فراموش کرد که در سیاست کادرها باید استقرار وجود داشته باشد. یعنی به افراد فرصت و زمان لازم داده شود تا بدون شتاب زده‌گی و عجله غیرمعقول، کار محوله را فرا گیرند. از جانب دیگر باید به طور دائمی و گسست‌ناپذیر با دلسوزی و مواظبت برای ایجاد ذخیره کادرهای که در آینده بالا کشیده خواهند شد، کار کرد. بر علاوه در سیاست کادرها رفتار غیراصولی مجاز نیست. اشخاصی که نمی‌توانند امور محوله را اجرا نمایند باید تنزیل مقام یابند و به کاری گماشته شوند که از عهده آن برآمده بتوانند.

تعقیب پیگیر و دائمی اصل انتخاب و جابجا ساختن کادرها بر اساس خصوصیات عملی و سیاسی شان شرط ضرور یکپارچه‌گی حزب و افزایش مؤثریت همه فعالیت آن است.

در عرصه کار با کادرها ضرورت است تا خصوصیات جامعه افغانی ما، سنن و عادات ملی، فرهنگی و مذهبی آن هرچه بهتر و بیشتر مدنظر گرفته شده و هرچه کاملتر مورد استفاده قرار گیرد. در محلات باید حتماً نماینده‌گان ملیت و قومی که اکثریت را در آن محل می‌سازد به کار حزبی و اداری پیش کشیده شوند. باید با دلیری بیشتر بر متنفذین و معتمدین محل و روحانیون که از انقلاب و دولت پشتیبانی می‌کنند تکیه صورت گیرد و افراد محترم و منجمله حتماً نماینده‌گان زحمتکشان به اشتراک در اداره امور هرچه وسیع تر جلب گردند. به این اشخاص باید اعتماد صورت گیرد و مقامات پر مسؤولیت در ارگان‌های قدرت محلی سپرده شود.

برعلاوه ما باید در تحقق سیاست کادرها، پیش کشیدن کادرهای جدید، جوان و انقلابی را با کار پرحوصله، دقیق، درست، پیگیر و دوامدار برای تجدید تربیت کادرها و متخصصان سابق که در دستگاه دولتی ما کار می‌نمایند، به طور معقول تلفیق دهیم. ما درباره شکستن آبی ماشین دولتی نه، بلکه درباره دگرگون ساختن تدریجی آن تحت کنترل حاکمیت انقلابی دموکراتیک خود سخن می‌گوییم.

طرز کار دستگاه دولتی، برخورد و روابط کارمندان آن نسبت به زحمتکشان، نباید مانند گذشته باشد. افراد باید در هر مؤسسه دولتی فضای علاقمندی و دلسوزی، توجه و مواظبت نسبت به نیازمندی‌ها و تقاضاهای خود را احساس نمایند. کمیته‌های حزبی وزارت خانه‌ها، ادارات و مؤسسات باید ایجاد چنین فضا را وظیفه و وجیبه خویش بشمارند. درین باره چندین بار صحبت شده است. اما تأثیرات واقعی کمیته‌های حزبی بالای وضع در ارگان‌های دولتی هنوز غیرکافی است.

شعبات کمیته مرکزی و کمیته‌های حزبی وزارت‌خانه‌ها و ادارات وظیفه دارند این کار را با پیگیری و هدفمندی پیش ببرند. این کار اهمیت بزرگ سیاسی دارد همیشه باید حرف‌های رهبر پرولتاریای جهان را به یادداشت که می‌گفت: «رهبران انقلابی وظیفه دارند اعتماد بی‌پایان توده‌های مردم را با برخورد رفیقانه و مواظبت در رفع و ارضای نیازمندی‌های آنان حل کنند.»

رفقا!

ما با تحلیل اوضاع کشور و راه‌های عادی ساختن بیشتر آن با روشنی و صراحت، ضرورت استحکام حاکمیت انقلابی را به مثابه عامل عمده تأمین صلح و ترقی وطن احساس می‌کنیم. اساسی‌ترین امر در سیاست «عبارتست از ساختمان قدرت دولتی»

ما دائماً امر تحکیم قدرت دولتی را مورد توجه و مواظبت قرار داده ایم. در مرکز، در ولایات و در اکثریت ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها ارگان‌های قدرت دولتی ایجاد شده و فعال اند.

علی‌الرغم همه نواقص در فعالیت جاری، مهم اینست که این ارگان‌ها وجود دارند و اصولاً قادر به اجرای وظایف خویش می‌باشند. ارتقای سطح تأثیرات حزبی بالای این ارگان‌ها و رهبری آنها به وسیله حزب به امر اجرای وظایف ارگان‌های

موصوف هرچه بیشتر مساعدت خواهد کرد. اما به نظر من در کار ساختمان دولتی عدم تناسب معین بین وضع در مرکز و در محلات به وجود آمده است. ایجاد، اعمار، رشد و تکامل ارگان‌های محلی قدرت دولتی و واضحاً با مطالبات زنده‌گی و اوضاع واقعی تناسب ندارد. من درین باره در پلینوم‌های قبلی نیز صحبت کرده ام اما تدابیری که درین مدت عملی شده است، کافی نمی‌باشد امروز ضرورت است که ارگان‌های مرکزی و ولایتی حزبی و دولتی به طور جدی و با پشت کار قطعی به تقویت ارگان‌های محلی قدرت دولتی بپردازند. در رابطه با این امر ضرور می‌شمارم نکات ذیل را خاطر نشان سازم:

**اول:** در شرایطی که کادرهای ما مخصوصاً در محلات هنوز تجربه کافی کار سازمانی و پلان‌گذاری را ندارند، تأمین و هماهنگی در اقدامات کمیته‌های حزبی، ارگان‌های قدرت دولتی، سازمان‌های توده‌یی و اجتماعی، اردو، خاندنوی و خاد اهمیت بخصوصی دارد. چنین هماهنگی قبل از همه برای حل مسأله اساسی یعنی استقرار و تحکیم پایدار حاکمیت انقلابی در محلات ضرور است. به موازات آن ایجاد هماهنگی امکان خواهد داد تا سایر مسایل محلی نیز به وجه بهتر حل گردد. برای تأمین همین مقصد نیز قرارگاه‌ها در زون‌ها و ولایات تشکیل شده اند. در ترکیب قرارگاه‌ها رؤسا و آمرین ارگان‌های فوق‌الذکر شامل می‌باشند. البته قرارگاه‌ها، ارگان‌ها و سازمان‌های محلی حزبی و دولتی را تعویض ننموده بلکه به فعالیت هرچه پلان شده و هدفمندتر این ارگان‌ها مساعدت کرده و آنها را به کار مشترک در حل مهمترین پروبلم‌های تأخیرناپذیر هدایت می‌کند. جلسات این قرارگاه‌ها باید به طور منظم دایر گردد. مهمترین امر درینجا تعداد جلسات نه، بلکه اثر بخشی و نتایج آنست. جلسات قرارگاه می‌تواند بنابر تقاضای هر یک از اعضای آن در صورت بروز مسایلی که اقدامات مشترک و هماهنگی را ایجاد کند، دایر گردد. رهبری کار قرارگاه، معمولاً باید از جانب آمر و یار رئیس ارگان محلی قدرت دولتی صورت گیرد.

البته، آنان موظف اند همه اقدامات خود را با کمیته‌های حزبی به توافق برسانند. زنده‌گی می‌آموزاند که چنین قرارگاه‌هایی در ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها نیز باید ایجاد شده و به مدرسه کار مشترک، توافق یافته و دوستانه مبدل گردند. شعبه دفاع و عدل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان موظف است در ظرف

کوتاه‌ترین مدت، مقررہ قرارگاه‌ها را طرح، ترتیب و جهت بررسی به بیروی سیاسی تقدیم کند.

**دوم:** در سیستم قدرت محلی دولتی، ارگان‌های اداره ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها حلقه با اهمیت را می‌سازند. چنین اهمیتی ناشی از آنست که این ارگان‌های قدرت، کثیرالعدده ترین بخش دستگاه دولتی را تشکیل می‌دهند. در اعماق توده‌های مردم کار نموده حلقه اتصال مرکز با محلات به شمار رفته و رابطه متقابل سیاست عمومی دولت را با منافع محلات عملی می‌سازند.

ریاست عمومی ارگان‌های محلی قدرت دولتی و اداره، شعبه تشکیلات کمیته مرکزی حزب، کمیته‌های حزبی ولایتی حزب و والیان ولایات باید به تکمیل ارگان‌های محلی در ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها با کادرهای وفادار به انقلاب، کمک مشخص، بموقع و مؤثر نمایند و به رفقایی که در ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها کار می‌کنند، توجه درجه یک را معطوف سازند. باید نقش و مسؤلیت ریاست عمومی ارگان‌های محلی قدرت دولتی و اداره در حل مسایل مربوط به کادرها هم در مرکز و هم در سطوح پایین تر ارتقا نماید.

**سوم:** پیروزی قطعی انقلاب ما بدون پشتیبانی فعال اکثریت اهالی کشور ناممکن است و این اکثریت را دهقانان تشکیل می‌دهند. قریه و قشلاق جایی است که حکومت انقلابی باید مستقیماً در آنجا وجود داشته توده‌های دهقانان را به امر بهبود زندهگی خودشان جلب نماید.

نماینده عنعنوی دولت در قریه و قصبه، قریه دار است که به وسیله اهالی انتخاب می‌گردد. در حال حاضر مقصد در اینست که مقامات دولتی در ولسوالی و علاقهداری باید به طور عاجل، فوری و قاطع تلاشی ورزند که در همه قریه‌ها قریه دار انتخاب گردد. لازم است که با این قریه داران روابط و تماس‌های پایدار و محکم ایجاد گردد و اختیارات و صلاحیت‌های شان بموقع به رسمیت شناخته شود. به قریه داران مذکور در حل مسایل تأخیرناپذیر مربوط به کمک به اهالی قریه مساعدت فعال و عملی با علاقمندی صورت گیرد. کاملاً روشن است که رهبری ولسوالی و علاقهداری نباید اجازه دهند که قدرت در قریه به دست فیودال‌ها، ضد انقلابیون و یا دست نشاندهگان شان افتد. ارگان‌های قدرت دولتی در ولایات،

ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها باید از اشکال عنعنوی خود گردانی به نفع عادی ساختن اوضاع و تقویت و تحکیم نفوذ دولت در محلات استفاده کنند.

حاکمیت انقلابی باید در اشکال عادی و قابل درک برای مردم تبارز نماید. و شورای انقلابی باید مسأله را عمیقاً مورد مطالعه قرار داده اقدامات تقنینی مناسب را اجرا کند. همهٔ امور مربوط به ایجاد و تحکیم حاکمیت انقلابی در محلات باید با در نظر داشت و محاسبهٔ خصوصیات و عنعنات محلی صورت گیرد. بر علاوه لازم است تا در مناطقی که قبایل ساکن اند، کار عمیق با پیگیری هرچه بیشتر از گذشته صورت گیرد. باید برای قبایل برنامهٔ روشن و مؤثر همکاری و رشد مبتنی بر علاقمندی متقابل و طویل‌مدت هردو جانب، طرح گردد. اساس‌های اصولی سیاست ما در این عرصه در برنامهٔ عمل حزب، فیصله‌های پلینوم‌های کمیتهٔ مرکزی و یک سلسله اسناد حکومت طرح گردیده است. این سیاست باید با در نظر داشت تجربه موجود و خواست‌های مشروع طرف مقابل عملی گردد. ما معتقدیم که منافع قدرت انقلابی و منافع قبایل نمی‌توانند با هم مطابقت نداشته باشند.

ما علی‌القاعده طرز زنده‌گی عنعنوی و ادارهٔ قبایل افغانستان و سهم آنها را در تاریخ و دفاع از استقلال وطن قبول داشته مورد احترام قرار می‌دهیم. اما، باید گفت که امروز در حفظ و تحکیم حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان، در ترقی اقتصادی و بهبود عمومی وضع زنده‌گی در کشور همه و وطنپرستان و همه قبایل ذینفع و ذیعلاقه اند. به نظر ما یگانه اساس طبیعی مناسبات با قبایل را وفاداری آنان به وطن، اشتراك شان در حفظ سرحدات مقدس آن و همکاری صادقانه با حاکمیت انقلابی تشکیل می‌دهد. درین امر ما سهم آنان را در این مناسبات می‌بینیم.

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان از جانب خود بعد ازین نیز مساعدت‌های مادی و معنوی را در جهت بهبود زنده‌گی قبایل، تأمین آنان از لحاظ اموال و کالاهای ضروری، رساندن کمک‌های تخنیکی طبی، و ترنری و ایجاد شرایط برای آموزش و پرورش اطفال و نوجوانان شان در مؤسسات تعلیمات متوسط و عالی جمهوری دموکراتیک افغانستان و خارج از کشور مبذول خواهد داشت.

ما تصمیم داریم که به منظور استفاده بهتر از منابع موجود در جهت مساعدت اقتصادی به قبایل دریافته هماهنگی اقدامات همه وزارتخانه‌ها، ادارات و ارگان‌های دولتی در محلات، بهبود اساسی را به وجود آوریم. ضرور است تا کار کمیسیون



هماهنگی کار با قبایل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور قطعی بهبود یابد. به نظر، زمان آن فرا رسیده است که منابع خاص مالی و مادی برای حل عملی مسایل اقتصادی در مناطق قبایلی تخصیص داده شود.

در عرصه سیاسی مفید خواهد بود اگر توافقاتی که با قبایل به امضا می‌رسد دارای نیروی حقوقی بوده و در آن هم وجایب و تعهدات حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و هم وجایب و تعهدات قبایل منجمله در حفظ و حراست سرحدات دولتی مدنظر گرفته شود. لازم است که ریش سفیدان و بزرگان قبایل به کار در ارگان‌های محلی دولتی هرچه وسیعتر جلب گردند و برایشان حیثیت مامور دولتی را قابل شده معاش منظم تعیین گردد. به نظر ما باید با اعتبارترین و مشهورترین افراد شان را در ترکیب شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و جبهه ملی پدروطن شامل سازیم.

فکر می‌کنم که در ظرف دو سال آینده تدویر جرگه‌های قبایلی و همچنان آماده‌گی برای تشکیل جرگه عالی با اشتراک مشران قبایل پشتون ساکن افغانستان مثلاً در سال ۱۳۶۴ ممکن خواهد شد. همه این اقدامات امکان خواهد داد تا مجموع مسایل مربوط به مناسبات میان قبایل و قدرت انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان را بر مبنای استوار بر قرار ساخته و حل متقابلاً مفید آنرا تأمین نمود.

رفقا!

همه کار در عرصه استقرار و استحکام قدرت دولتی در محلات باید با اتکا بر اهالی و جلب منتفدین، ریش سفیدان، روحانیون و افراد محترم، مشهور، شایسته و وطنپرست صورت گیرد. بعضاً هنگام حل مسایل اداری مثل اینکه ما می‌ترسیم تا از سنن و نظمی که مردم به آن عادت نموده و می‌توان گفت که خود مردم آنرا در زمان گذشته به میان آورده است، استفاده نماییم. در عین زمان باید به یادداشت که حزب انقلابی برده سنن گذشته نیست. حزب با پشتیبانی از سنن پسندیده و اتکا بر این سنن آنها را مملو از محتوای نوین می‌سازد، درینجا چه چیزی مدنظر ماست؟

اصل مقصد در آنست که اشکال سنتی سازماندهی زنده‌گی و قدرت دولتی در دهها مطابق به نیازمندی‌های انقلاب عیار شده و به حل پروبلم‌های موجود در برابر مردم و وطن مساعدت کند. یکی از مهمترین وظایف کمیته‌های حزبی و اُسوالی‌ها،

علاقه‌داری‌ها و سازمان‌های حزبی دهات نیز همین است. این وظیفه باید با پیگیری، صبر و حوصله و شکیب، بدون شیوه‌های خشک اداری، با توضیح ماهیت تصامیم و تدابیر اتخاذ شده به دهقانان، انجام داده شود. چندی قبل دارالانشاء کمیته مرکزی مصوبه‌یی را در باره ارتقای نقش و تحکیم بیشتر کمیته‌های حزبی ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها به تصویب رسانید. در مصوبه تدابیری در جهت این امر مدنظر گرفته شده است که این حلقه‌های اساسی حزب از لحاظ سیاسی قدرت انقلابی را در محلات تحکیم نمایند و ارتباط آنرا با توده‌ها توسعه و استحکام بخشند. حین اجرای این وظایف کمیته حزبی باید نقش رهبری کننده سیاسی را ایفا نموده نماینده‌گان حکومت محلی را کمک و پشتیبانی و در وقت لزوم تصحیح کند.

در همه این امور اهمیت تبلیغ و ترویج حزبی بسیار بزرگ است. من اکنون در باره تمام مجموعه پروبلم‌های که مربوط این عرصه فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌گردد، صحبت نمی‌کنم. چنانکه شما می‌دانید نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان کار ایدیولوژیک و تبلیغاتی حزب را در مجموع به طور مفصل ارزیابی نموده فیصله‌های لازم را در مورد اتخاذ کرد، ولی به صراحت اعلام می‌دارم که جریان اجرای این فیصله‌ها و تصامیم به هیچ وجه مطابق به مطالبات اوضاع کشور نیست.

توده‌های وسیع اهالی و مردم در محلات درباره محتوای واقعی تصامیم و اقدامات ما هنوز هم به حد کافی و بموقع اطلاع کامل حاصل نمی‌کنند.

نهادهای ایدیولوژیک حزب و دولت باید وظایف مطروحه پلینوم نهم را در عمل اجرا نمایند. مهمترین و تأخیر ناپذیرترین وظایف در این ساحه در پلان تدابیر که نزد شما وجود دارد، طرح شده است.

باید خاطر نشان سازم که اقسام و اشکال کار ایدیولوژیک باید متوجه توده‌های وسیع مردم بوده و به آنان کمک کند تا اوضاع را درک نموده به اشتراک کننده‌گان فعال و آگاه روند انقلابی مبدل گردند.

عمده‌ترین وسیله درینجا کار مستقیم، بلاواسطه و رو در رو با مردم، صحبت و مفاهمه کارمندان حزبی و دولتی همه سطوح با آنان و کار خستگی‌ناپذیر توضیحی و تبلیغی در محلات است. حرف زنده، صریح و راست حزب باید در همه جا،

دائماً و به طور مؤثر بلند گردد. تا وقتی که به این امر نایل نشده ایم نمی‌توانیم در عقول و قلوب توده‌های مردم نیز جا بگیریم.

در این امر نقش سازمان‌های توده‌یی - اجتماعی بسیار بزرگ و پر از مسؤلیت است. در مدت سپری شده هر یک از آنها، اتحادیه‌های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، کوپراتیف‌ها، اتحادیه‌های روشنفکران مبتکر و غیره توسعه و تحکیم یافته است. جبهه ملی پدروطن به مثابه سیستم واحد متشکل از چنین سازمان‌ها و به مثابه وسیعترین و توده‌یی‌ترین این سازمان‌های ایجاد شده رشد می‌یابد. با ابراز رضایت از کاری که صورت گرفته است، می‌خواهم در مورد دو مسأله اصولی صحبت نمایم:

**اول:** سازمان‌های توده‌یی بخش انفکاک ناپذیر و متشکله سیستم سیاسی جامعه ماست. در آخرین تحلیل وظیفه اساسی این سازمان‌ها تحکیم همین سیستم سیاسی با وسایل و طرق مختص به آنست، به طور مشخص این حرف ما چه مفهوم دارد؟ این بدان معنی است که سازمان‌های اجتماعی - توده‌یی باید مطابق با منافع مردم زنده‌گی نمایند، در میان توده‌ها کار کنند و آنان را از لحاظ سیاسی تنویر نمایند، سازمان دهند و در امر تکامل و دفاع از انقلاب جلب کنند. فعالیت این سازمان‌ها باید متوجه توسعه پایه‌های اجتماعی رژیم انقلابی، تجرید و محو ضد انقلاب، بازسازی و بهبود کار مؤسسات اقتصادی، تحکیم هر چه بیشتر یکپارچه‌گی حزب و تحکیم حاکمیت انقلابی زحمتکشان کشور باشد. اگر ما فعالیت سازمان‌های اجتماعی را از موضع این یگانه نظر درست ارزیابی کنیم، باید اعتراف نماییم که اکثریت آنها به اجرای این وظایف آغاز نکرده و در مجموع هنوز از چارچوب فورم و شکل گیری تشکیلاتی خویش خارج نشده اند. در حالی که وقت آن فرا رسیده تا این سازمان‌ها با جرأت بیشتر، با قاطعیت بیشتر و با مؤثریت بیشتر نقش خویش را در جامعه و سهم خود را در تحکیم سیستم سیاسی انقلابی ارتقا و افزایش بخشند.

**دوم:** نیروی سازمان‌های اجتماعی در تأثیر حزب و رهبری حزبی بالای آنهاست. این امر جهت گیری درست اقدامات و اعمال سازمان‌های ذکر شده و هماهنگی لازم بین آنها را تأمین می‌کند. باز هم خاطر نشان می‌سازم که تنها موجودیت خود به خود سازمان‌های اجتماعی کافی نیست، بلکه لازم است که این سازمان‌ها مشترکاً و متفقاً باهم کار نمایند. آنها باید مانند انگشتان دست گره خورده باشند.

کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی باید دائماً از فعالیت اتحادیه‌های صنفی، کوپراتیف‌ها، سازمان‌های جوانان و زنان و جبهه ملی پدروطن اطلاع و معلومات عمیق داشته و همیشه از اعضای حزب که در این سازمان‌ها کار می‌کند درباره وضع و سطح فعالیت آنها باز پرس جدی به عمل آورند.

رفقا!

مسایل رشد اقتصاد همیشه در مرکز توجه حزب و قدرت انقلابی قرار داشته است. پلینوم قبلی یعنی یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی وقف این مسأله شد و اکنون کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی به اجرای فیصله‌ها و تصامیم این پلینوم آغاز نموده اند. زنده‌گی شاهد آنست که وظیفه مطروحه از جانب پلینوم کاملاً واقعینانه و عملی می‌باشد. مثلاً در صورت اجرای پلان مطروحه در سال ۱۳۶۲ نسبت به سال ۱۳۵۷ در تولید انرژی برق به اندازه سی و سه فیصد، استخراج گاز طبیعی، ده فیصد، تولید سمنت، یازده فیصد، منسوجات پشمی، شش فیصد و آرد گندم به اندازه سی و هشت فیصد، افزایش به عمل خواهد آمد. امسال کمپاین کشت بهاری با موفقیت سپری شده حاصلات بهتر از سال‌های گذشته انتظار برده می‌شود. وظیفه آنست که اکنون کمیته‌های حزبی، ارگان‌های محلی قدرت دولتی، همه وزارت خانه‌ها، ادارات و سازمان‌های اجتماعی، زمینه کار منظم و دوستانه همه زحمتکشان را فراهم آورده اجرای وظایف و اهداف مطروحه را به طور بلاقید و شرط تأمین نمایند.

من ازین فرصت استفاده نموده به نمایندگی از بیروی سیاسی از آن عده رؤسا و آمرین وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و ولایات که تدابیری را جهت استفاده مؤثرتر از نیروهای تولیدی و تأمین کار بلاوقفه مؤسسات انرژی، آبیاری، ترانسپورت و مخابرات طرح و عملی نموده اند، ابراز امتنان می‌کنم.

در عین زمان نمی‌توان یادآور شد که در بعض ولایات در طرح و عملی ساختن تدابیر ناشی از تصامیم پلینوم کندی صورت می‌گیرد. این امر بسیار مهم است که از منابع و امکانات محلی استفاده کاملتر به عمل آید. بدون انتظار دستور مقامات بالایی در امر بازسازی مؤسسات تخریب شده و به انجام رساندن پروژه‌های که اعمارشان آغاز شده است، ابتکار، پیگیری و پشتکار نشان داده شود.

باید به اشکال مختلف کوپراسیون و همکاری توجه بیشتر معطوف گردد. این امر وسیله مهم فعال تر ساختن زنده‌گی اقتصادی در محلات است. بیروی سیاسی به طور خاص در مورد این مسأله سندی را تصویب نموده که برای عملی ساختن آن باید کمیته‌های حزبی، ارگان‌های قدرت دولتی و سازمان‌های اجتماعی کار بسیار جدی را انجام دهند.

لازم است تا کار در جهت جلب امکانات و وسایل سرمایه خصوصی و ایجاد همکاری عملی و مفید با آن به شرط اجرای بلاقید و شرط و جایی که در برابر دولت قرار می‌گیرد بهتر سازمان داده شود. باید در مدت کوتاه اقدامات مخصوص تقنینی و تدابیر دیگر در جهت فعال ساختن سکتور خصوصی و جلب آن به رشد اقتصاد کشور طرح و اتخاذ گردد.

ناگزیرم درباره پروبلم انتقال بارها و اموال به ولایات و ولسوالی‌ها به طور اخص یاد آوری نمایم. این امر مهم و حیاتی است ولی آنرا به طور بسیار بد و به مشکل انجام می‌دهیم. چاره فقط یکی است: اردو، څارندوی و خاد باید محافظت مطمئن قطارهای ترانسپورتی را سازمان داده و وسایل ترانسپورتی خود را در امور انتقال مهمترین اموال و بارها سهیم ساخته و پلان مشترک انتقالات ماهانه را ترتیب و در عمل تحقق بخشند.

اکنون درباره مسأله بسیار مهم یعنی اصلاحات ارضی - آب صحبت کنیم. ما به این مسأله توجه زیاد مبذول می‌داریم، در باره آن زیاد سخن می‌گوییم، ولی به طور بسیار غیرقناعت بخش عملی می‌گردد. درین جا هم علل عینی و هم ذهنی وجود دارد. بدون پرداختن به جزئیات فقط می‌خواهم بگویم که در ظرف دو سه ماه آینده مدارك قانونی موجود و نافذ و پراتیک تحقق اصلاحات مورد تحلیل و ارزیابی عمیق قرار گرفته تغییرات لازم در آنها به وجود خواهد آمد.

اما امر عمده یکی است و آن همیشه عبارتست از منافع توده‌های زحمتکش دهقانی در وجود قوانین و اسناد تقنینی مربوط به اصلاحات ارضی - آب که باید جداً در جریان اجرای این اصلاحات تأمین گردد.

جهت گیری ضد فیودالی اصلاحات باید با صراحت و وضاحت بیشتر تبارز نموده در عمل با پیگیری بیشتر تحقق پذیرد. همچنان ضرورت است تا جانب مالی این

امر نیز از ریشه تغییر یابد. مثلاً، اکنون دهقانی که بیست و یک تا بیست و پنج جریب زمین یعنی در حدود نصاب قانونی دارد برای ثبت حصول سند رسمی باید بیشتر از بیست هزار افغانی بپردازد. این بخش از قوانین سابق اقتباس شده و میراث مانده است. این مسأله را نیز باید به نفع دهقانان زحمتکش حل و فصل نمود. به طور عموم باید به این امر نایل آمد تا طرق، میتودها، طرز العمل و همه میکانیزم اجرای اصلاحات ارضی - آب با ماهیت دموکراتیک آن کاملاً مطابقت داشته باشد برای دهقانان از نزدیک قابل درک و فهم باشد و شرایط خاص زمینداری و آبیاری در ولایات مختلف کشور را مدنظر گیرد. دارالانشاء کمیته مرکزی حزب باید کنترل بسیار جدی را بر فعالیت وزارتخانه‌ها و اداراتی که در این کار اشتراک دارند برقرار سازد.

رفقا!

ما وظایف تأخیرناپذیر خویش را در عرصه‌های اعمار دولتی، اقتصادی و فرهنگی در شرایط بسیار دشوار و پیچیده اجرا می‌نماییم.

در مدتی که از کنفرانس سرتاسری حزب سپری شده است، امپریالیزم و ارتجاع منطقه فشار را بر سرحدات ما افزایش داده و مداخلات را در امور داخلی ما توسعه بخشیده است. بخشی از اهالی کشور بنا بر ترس و فریب ضد انقلاب هنوز هم در تردد قرار دارند و یا به طرفداری از این نیروها ادامه می‌دهند به همین سبب عرصه فعالیت صفوف حزب و حاکمیت انقلابی در بعضی از ولسوالی‌ها موقتاً محدود شده است.

در چنین شرایط حزب، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و همه وطنپرستان مجبور اند توجه بخصوصی را به استحکام نیروهای مسلح معطوف سازند.

دفاع از انقلاب و وطن و جبهه مقدس ماست. در شرایط جنگ اعلان ناشده تحمیلی، خدمت در صفوف قوای مسلح و مساعدت و کمک همه جانبه به آن وظیفه و جبهه شریفانه همه سازمان‌های حزبی، دولتی و اجتماعی کشور و همه وطنپرستان است. بهترین فرزندان وطن باید در صفوف نیروهای مسلح قرار داشته و در دفاع از استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و تحولات انقلابی اشتراک ورزند.

ما به موفقیت‌های مهمی در امر دفاع از وطن و تحکیم نیروهای مسلح خویش نایل شده ایم. سربازان و افسران قهرمان اردو، خارندوی و کارمندان خاد ضربات نیرومندی بر باندهای مسلح ضد انقلاب، اجنت‌های امپریالیزم و ارتجاع منطقه که از خارج اعزام می‌گردند وارد ساخته اند. در ظرف پنج ماه اخیر تعداد زیادی از اشرار از بین رفته، مقادیر بزرگ سلاح و مهمات به دست آمده و تعداد زیاد پایگاه‌ها و نقاط اتکای ضد انقلاب محو شده است، اکنون در افغانستان دیگر کدام باند مسلحی که باند بزرگ دشمن حساب شود، وجود ندارد.

نیروهای مسلح ما با همه وسایل ضروری برای اجرای وظایفی که در برابر شان قرار دارد، مجهز می‌باشند. امور سازمانی آنها بهبود حاصل نموده و مهارت جنگی، قدرت آتش و سطح تجهیز تخنیک‌ی آنها افزایش یافته است. کادر افسران و قوماندانان ما رشد و پخته‌گی حاصل نموده اند، کارمندان سیاسی پر افتخار ما حرف حقیقت، حرف حزب را در میان توده‌های سربازان برده، روابط اردو، خارندوی و خاد را بازحمتکشان و وطنپرستان کشور تحکیم می‌بخشند. در همه این موفقیت‌ها کمک بزرگ و واقع‌بی‌نظیر متحد بزرگ و پر توان ما، دوست و برادر ما اتحاد شوروی وجود دارد.

اکنون اجازه دهید تا بالای بعضی از مسایل کلیدی ساختمان نظامی و قبل از همه بالای آن مسایلی که برای همه بخش‌های نیروهای مسلح ما مشترک و عام است، صحبت کنیم. تقویت رهبری حزبی نیروهای مسلح، ارتقای سطح فعالیت جنگی از دو، خارندوی و خاد در مبارزه با باندهای ضد انقلاب موضوع مورد توجه همیشگی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان است.

ما بر این رهنمایی رهبر پرولتاریای جهان متکی می‌باشیم که: سیاست اداره نظامی مانند همه ادارات و مؤسسات دیگر بر اساس رهنمودها و دستورهای عامی که از طرف حزب در وجود کمیته مرکزی و تحت کنترل مستقیم آن داده می‌شود، عملی می‌گردد. پیروی دقیق از این حقیقت ضامن پیروزی ما و یگانه راه درست دفاع از وطن محبوب ماست.

وزارتخانه‌های دفاع و داخله، ریاست عمومی خدمات اطلاعات دولتی، کمیته‌های ولایتی حزبی و ارگان‌های دولتی در محلات باید تدابیر همه جانبه را برای اجرای بلاقید و شرط مشی حزب در جهت تحکیم نیروهای مسلح اتخاذ نمایند.

در رابطه با این موضوع می‌خواهم خاطر نشان سازم که بین ادارات و مؤسسات نظامی، بین همه انواع و صفوف قوای مسلح، بین اردو، خاندوی و خاد و همچنان بین آنها و قطعات نظامی و طنپرستان که برای نخستین بار در کشور ما ایجاد شده است، باید مناسبات درست همکاری و عمل متقابل رزمی به وجود آید. این امر بسیار مهم است.

برای ما نه تنها تقویت و تحکیم نیروهای مسلح ضرور است، بلکه ایجاد هماهنگی دقیق و عمل متقابل و همکاری بین آنها هم از لحاظ اپراتیفی و هم از لحاظ عمومی سیاسی نیز مطرح می‌باشد. تنها به این ترتیب می‌توانیم سیستم مطمئن دفاع از وطن را ایجاد نماییم که بر ارتباط ارگانیک اردو و مردم استوار بوده و به وسیله نیروی تأثیر و نفوذ حزبی با هم جوش خورده باشد.

با تدابیر مشخصی که در ساحه نظامی از طرف بیروی سیاسی برای سال جاری طرح شده است و نسخه آن نزد شما موجود می‌باشد، نیز باید از این موقف و موضع برخوردار نبود. چنانکه می‌بینید این سند سیستم گسترده‌ی از تدابیر را برای تأمین جلب و احضار در اردو و خاندوی، بهبود تأمینات مادی، تحکیم قوای سرحدی، تقویت محافظت مؤسسات اقتصادی و قبل از همه مؤسسات همکاری افغان شوروی را که حیثیت مؤسسات کلیدی را در اقتصاد ما دارد و همچنان ارتقای سطح آمادگی جنگی قطعات نظامی و طنپرستان را در بر می‌گیرد.

در تمام فعالیت جهت تحکیم نیروهای مسلح نقش مهم را تقویت بیشتر کار حزبی سیاسی و تربیتی با منسوبین آن ایفا می‌نماید.

لازم است تا رشد دایمی پخته‌گی سیاسی سربازان و افسران، وفاداری آنان به امر انقلاب و مردانه‌گی و شجاعت شان در جنگ، تأمین گردد. این امر در فعالیت ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی قوای مسلح جهت عمده را تشکیل می‌دهد. بنابر این هم باید توجه دایمی به تحکیم سازمان‌های حزبی نمود و هم تعداد هر چه بیشتر سربازان و خردضابطان را به حزب پذیرفت. زیرا هنوز هم در میان آنان تعداد اعضای حزب کم است. نباید فراموش کرد که تقویت کار حزبی سیاسی مهمترین عامل تحکیم دسپلین و احضارات محاربه‌وی است.

ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی نیروهای مسلح باید در امر تحکیم روابط



با سازمان‌های حزبی منطقه‌وی از خود ابتکار و پافشاری بیشتر نشان دهند. در عین زمان سازمان‌های حزبی و ارگان‌های محلی دولتی، سازمان‌های اجتماعی به نوبه خویش وظیفه دارند کار وسیع سیاسی و سازمانی را جهت بهبود تربیت نظامی و طنپرستانه جوانان و آماده ساختن ایشان برای خدمت در نیروهای مسلح گسترش دهند ضمناً باید گفت که هنوز پیشرفت این کار قناعت‌بخش نیست. پلان مخصوصی که برای این مسأله طرح شده و مقصد از آن هماهنگ ساختن مساعی سازمان‌های دولتی، حزبی و اجتماعی در این بخش است، به صورت بطی عملی می‌گردد، باید به این وضع خاتمه داده شود.

رفقا!

منافع اساسی مردم ما و خواست و تمایل آنها برای قطع خونریزی و استقرار صلح پایدار حکم می‌کند که نیروهای مسلح ما استحکام بیشتر یابد. اکنون ما به این هدف بسیار نزدیک شده ایم. صدها گروه و گروه مسلح که در گذشته مصروف جنگ برادرکشی و در سنگر دشمنان واقعی وطن بودند، اکنون سلاح به زمین گذاشته به مذاکرات با قدرت انقلابی پرداخته و به کار صلح آمیز و اعمار جامعه برگشته اند و در بسیاری موارد اینها با حصول ایقان به حقانیت حزب، انقلاب و دولت ما و بی‌فایده بودن مقاومت به صفوف نیروهای مسلح پیوسته و اشتباهات گذشته خود را جبران می‌کنند. در اوضاع و احوالی که برتری نیروهای ما و ناگزیر بودن پیروزی ما برای هر کسی که چشم دارد هر چه بیشتر روشن و ثابت می‌گردد. لازم می‌شمارم نکات آتی را خاطر نشان سازم:

قبل از همه، تحکیم نیروهای مسلح ما به هیچ وجه به این معنی نیست که ما تصمیم داریم در آینده نیز بر نیروی نظامی اتکا کرده مسایل مربوط به عادی ساختن اوضاع کشور را تنها با میتودهای نظامی حل نماییم به هیچ وجه چنین نیست.

پیروزی کامل و قطعی انقلاب بر ضد انقلاب در افغانستان در نتیجه تلفیق و استفاده منطقی و معقول از اشکال، میتودها و وسایل مسالمت آمیز و غیره مسالمت آمیز به وسیله قدرت انقلابی حاصل می‌گردد. ما قاطعانه طرفدار طریق مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز می‌باشیم شاهد این موقف ما اندیشه صلح و آرامش سراسری ملی در افغانستان است که به وسیله حزب طرح شده و کنفرانس سرتاسری حزب ما آن را تأیید نموده است. این اندیشه مبتنی بر دعوت برای قطع خونریزی و

خودداری از استعمال سلاح هنگام حل و فصل اختلافات موجود است. عمل ما نیز شاهد این مدعای ماست: اعلام عفو برای کسانی که از مبارزه مسلحانه علیه وطن و انقلاب دست کشیده اند، برخورد انسانی نسبت به کسانی که بنابر تهدید، تخویف و یا فریب ضد انقلاب به این مبارزه کشانیده شده اند و بالاخره تعداد زیاد موافقات با سرکردهگان گروه‌هایی مسلح قبلی که همیشه از طرف حاکمیت انقلابی ما رعایت شده و اطمینان آنرا به برتری و پیروزی نهایی حق و عدالت بر باطل و دروغ به روشنی نشان می‌دهد. در آینده تا جایی که با ما مربوط است، به این راه رجحان خواهیم داد.

اما مطلب درینجاست که انتخاب راه‌ها، میتودها و وسایل مبارزه به خاطر عادی ساختن اوضاع و استقرار صلح کامل تنها مربوط به ما نیست. اگر نیروهای خصم جنگ را بر ما تحمیل می‌کنند، ما باید این چلنج را پذیرفته و در این جنگ برنده شویم.

هدف عمده ساختمان نظامی ما تأمین دفاع مطمئن از استقلال و تمامیت ارضی وطن محبوب ماست. همه تدابیری که به منظور تحکیم نیروهای مسلح اتخاذ می‌گردد نیز متوجه همین امر است. این تدابیر اجباری می‌باشد. این پاسخ ما به جنگ اعلان نشده و مداخله وسیع و سازمان یافته در امور داخلی ماست.

اکنون در جهان وظیفه مهمتر از دفاع از صلح، این بزرگترین ارزش برای همه بشریت و در آخرین تحلیل حفظ حیات در سیاره ما، وجود ندارد. به همین سبب کاملاً قانونمند است که در این روزها جنبش ضد جنگ، مبارزه علیه سیاست غیرمنطقی و تجاوزکار آنها امپریالیزم در همه قاره‌ها و کشورها گسترش بی‌نظیر یافته و صدها و صدها میلیون انسان را جلب کرده است. در پیشاهنگ این مبارزه به خاطر صلح جامعه کشورهای سوسیالیستی به سرکرده‌گی علمبردار صلح - اتحاد شوروی قرار دارد. مظهر درخشان قاطعیت و تصمیم به خاطر دفاع از صلح در کره زمین، چنانکه می‌دانید اسامبله جهانی «به خاطر صلح و زنده‌گی علیه جنگ هستوی» بود که چند روز قبل در پراگ تشکیل گردید. هیأت نماینده‌گی جمهوری دموکراتیک افغانستان که از لحاظ ترکیب و تعداد خود وسیع بود در این اسامبله در امر مشترک مبارزه به خاطر صلح سهم شایسته خود را ادا نمود.

جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه کشور دارای حاکمیت و غیرمنسک در آینده نیز سیاست فعال صلح، تحکیم و رشد همکاری بین‌المللی را تعقیب خواهد کرد. ما مناسبات دوستی برادرانه و همبستگی انقلابی را با همسایه بزرگ شمالی خود اتحاد شوروی، با سایر کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای مترقی جهان تحکیم و تقویت بخشیده و در آینده نیز خواهیم بخشید.

ما با افتخار و غرور به حق خاطر نشان می‌سازیم که انقلاب ما و جمهوری دموکراتیک افغانستان از پشتیبانی و شناسایی هرچه بیشتر در عرصه بین‌المللی برخوردار می‌گردد. تنها در ظرف سال گذشته با سه کشور دیگر، نیکاراگوا، گرینادا و لاووس مناسبات دیپلماتیک را برقرار ساختیم. امروز کشور ما با تقریباً هفتاد کشور مناسبات دیپلماتیک دارد. همچنان روابط بین‌المللی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با تقریباً پنجاه حزب کمونیستی، کارگری و دموکراتیک - انقلابی، جنبش‌ها و سازمان‌های آزادی‌بخش ملی با ثمربخشی رشد می‌یابد.

ما آماده هستیم روابط و همکاری متقابلاً مفید و متساوی‌الحقوق را با همه کشورهای بدون در نظر داشت نظام اجتماعی و سیاسی آنها، بر مبنای اصول همزیستی مسالمت‌آمیز برقرار کنیم و رشد دهیم. این موقف در رابطه با کشورهای همسایه پاکستان، ایران و چین نیز صدق می‌کند. اما متأسفانه استفاده فعال از قلمرو این کشورها به غرض تجاوز مسلحانه به افغانستان انقلابی و مداخله آشکار در امور داخلی کشور ما، ادامه دارد. سازمان دهنده و الهام‌بخش عمده جنگ اعلان نشده علیه مردم و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان عبارت از ایالات متحده امریکاست. اداره ریگن عملاً مداخله بیشرمانه در امور داخلی کشور ما را به سطح سیاست دولتی ارتقا داده است.

این وقایع و سایر وقایع منفی، اوضاع اطراف افغانستان و وضع منطقه را در مجموع جداً وخیم می‌سازد. ما اعتقاد عمیق داریم که راه واقعی حل و فصل اوضاع اطراف افغانستان در پیشنهاد های صلح جمهوری دموکراتیک افغانستان مؤرخ ۲۶ ثور ۱۳۵۹ (مطابق چهارده می ۱۹۸۰) و ۲ سنبله ۱۳۶۰ (۲۴ اگست ۱۹۸۱) نشان داده شده است.

زمان، مبرم بودن و واقعی بودن این پیشنهادها را نشان داد. ما بارها گفته ایم و باز هم تکرار می‌کنیم که راه دیگری به جز حل همه پروبلم‌های موجود در پشت

مذاکره وجود ندارد.

مؤثرترین طریقه حل مسایل مربوط به اوضاع اطراف افغانستان، تأمین صلح و استقرار در منطقه مذاکرات جدی و عملی با حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان است. تا جایی که به ما مربوط است ما حاضر به اینکار هستیم و قاطعیت سیاسی و حسن نیت لازم را برای آن داریم.

رفقا!

وظیفه عمده پلینوم ما اینست که بر اساس تحلیل عمیق و بحث و بررسی جدی، همه جانبه و عملی پلان کامپلکس تدابیر جهت حل پروبلم‌های تأخیرناپذیر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دفاعی را طرح و تصویب کند. در نهایت، این پلان کامپلکس همه امور در عرصه عادی ساختن اوضاع و استقرار صلح و آرامش سراسری ملی در کشور در این مرحله است.

تعمیل این پلان وظیفه مقدس همه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی، شورای وزیران، وزارت‌خانه‌ها و ادارات ارگان‌های قدرت دولتی در محلات است. در این حال بسیار مهم است که کار دوستانه و مشترک سازمان داده شود، زیرا تنها همکاری همه روزه ارگان‌های حزبی و دولتی در کار می‌تواند اجرای پلان را در مجموع تأمین نماید.

کمیته‌های حزبی موظف اند که بر اجرای این پلان کنترل جدی و شدید را برقرار ساخته و از کسانی که بدون ابتکار فعالیت می‌نمایند و در بخش خود به نتایج مشخص و قابل لمس نایل نمی‌گردند، بازپرسی جدی و اصولی به عمل آورند.

عمده اینست که اکنون همه توجه به کار سازمانی پرتحرک و زنده تمرکز یابد. ارگان‌های حزبی و دولتی ما اکثراً تصامیم بسیار اتخاذ می‌نمایند، اما بسیج انسان‌ها برای تحقق بدون قید و شرط و کنترل بالای اجرای این تصامیم چیزهاییست که ما هنوز نتوانسته ایم کاملاً تأمین کنیم. این وضع ما را مکلف می‌سازد تا طرز کار و فعالیت خود را، دایماً بهبود و تکمیل نماییم و اصل بهتر کار کردن، انقلابی کار کردن و مشخص کار کردن را بیاموزیم.

رفقا!

اجازه دهید، برای همه تان موفقیت در اجرای وظایف عالی و پر مسؤولیت آرزو کنم.

حزب ما - حزب دموکراتیک خلق افغانستان علی‌الرغم دشواری‌ها به پیش می‌رود!

ما پیروز می‌شویم!

راه پیروز

## بیانیه اختتامیه در پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی ج.د.خ. رفقا!

پلینوم ما به کار خود پایان می‌بخشد. این پلینوم در زنده‌گی حزب دارای اهمیت زیاد است، زیرا تجربه و نتایج کار حزبی و دولتی ما را بعد از کنفرانس سرتاسری حزب ارزیابی انتقادی نمود و تعمیم بخشید. این امر نیز مهم است که پلینوم از کارزار بزرگ سیاسی یعنی جلسات گزارش‌دهی سازمان‌های اولیه حزبی و کمیته‌های حزبی درباره کار انجام یافته در اجرای فیصله‌های کنفرانس، نتیجه‌گیری می‌کند. این کارزار مرحله مهمی در تحکیم حزب ما، پرتحرک شدن حیات حزبی و تشدید فعالیت سازمان‌ها و ارگان‌های حزبی بود. برای حزب همیشه مهم است که هریک از سازمان‌های حزب و هر عضو حزب بتوانند آراء، نظریات، طرز تفکر و پیشنهادهای خویش را نسبت به هر مسأله مربوط به کار خودشان و یا کار حزب در مجموع صادقانه ابراز نمایند. این مظهر پخته‌گی سیاسی حزب دموکراتیزم آن، رابطه واقعی آن نه تنها با توده حزبی بلکه با توده‌های وسیع مردم و خود زنده‌گی، می‌باشد. ما در آینده نیز پراتیک تشکیل جلسات گزارش‌دهی را بهبود خواهیم بخشید تا عقل جمعی حزب راه پیشرفت ما را روشن سازد.

باید بگویم که کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کمیته‌های حزبی، ارگان‌های سیاسی نیروهای مسلح نتایج کارزار گزارش‌دهی را تعمیم بخشیده و کار زیادی را برای تحقق عملی پیشنهادهای و تذکرات انتقادی اعضای حزب انجام داده‌اند. ضمناً باید با صراحت و روشنی بدانیم که کار عمده هنوز در پیش رو است. محتوا و جهات اساسی آن که همه عرصه‌های فعالیت حزبی و دولتی را دربر گرفته و نظریات و پیشنهادهای سازمان‌های حزبی را مدنظر می‌گیرد در «پلان تدابیر در زمینه بهبود کار سازمانی و سیاسی حزب و قدرت دولتی در روشنی وظایف وضع کنونی جمهوری دموکراتیک افغانستان» انعکاس یافته است. اکنون امر عمده بسیج همه حزب برای اجرای این وظایف است. کار برای اجرای آنها آزمایش جدی توانایی ما برای عمل مشترک، دوستانه، منظم و متفق است. قبل از همه این مطلب به عرصه روابط درون حزبی مربوط می‌گردد. اجرای وظایف مطروحه باید حزب را به هم جوش داده وحدت آنرا تحکیم و تقویت بخشد.

همه این روایت مشهور مردمی را می‌دانند که يك تیر را حتی طفلی هم می‌تواند

بشکنند، اما دسته‌یی از تیرها را پهلوانی هم نمی‌تواند بشکند. اما متأسفانه در عمل این روایت در همه جا و به وسیله همه کس مدنظر گرفته نمی‌شود. بر علاوه باید گفت که نقش رهبری حزب در جامعه و دولت به معنی قوماندانی نه بلکه رهبری واقعاً سیاسی است. این چنین رهبری شامل طرح همه جهات اساسی کار سیاسی و سازمانی، تربیت و جابجا ساختن کادرها، بسیج و یکپارچه ساختن همه زحمتکشان و همه وطنپرستان برای اجرای وظایف مطروحه است. هیچ يك از ارگان‌های دولتی، هیچ يك از سازمان‌های اجتماعی، هیچ يك از اعضای حزب در هر مقامی که باشد، حق ندارد خود را در برابر عقل و اراده جمعی حزب قرار دهد. وقت آن فرا رسیده است که ما هم این قانون خدشه ناپذیر زنده‌گی هر حزب حاکم و بالغ انقلابی را درك نموده بیاموزیم و مراعات نماییم.

ارگان‌های قدرت دولتی، سازمان‌های اجتماعی - توده‌یی باید در چارچوب مشی عمومی واحد حزب که برای همه شان حتمی است، عمل نمایند و اینها تیرهای راستی اند که باید به هدف اصابت نمایند. حکومت مردمی حکم می‌کند که تیر کج به هدف و منزل نمی‌رسد.

در باره يك چیز دیگر نیز می‌خواهم صحبت کنم، ما باید بزرگترین توجه را به ارگان‌های حزبی و دولتی در محلات معطوف داریم. اکنون عمده است تا سازمان‌های حزبی و ارگان‌های قدرت دولتی و سازمان‌های اجتماعی در ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها ابتکار بیشتر، پشت کار بیشتر و مسؤولیت بیشتر در اجرای وظایف مطروحه نشان دهند.

می‌خواهم یکبار دیگر خاطر نشان سازم که همه ارگان‌ها و سازمان‌های مرکز باید مساعی خود را متوجه بهبود کار سازمان‌های تحت اثر در محلات سازند. زیرا بدون قدرت پایدار در محلات و بدون پشتیبانی توده‌های وسیع زحمتکشان از این قدرت نمی‌توان از اجرای واقعی و بدون قید و شرط وظایف انقلاب مطمئن بود.

رفقا ما باید بیاموزیم که در همه امور برخورد عمیق و تحلیل علمی را با صراحت و وضاحت در امر سازماندهی تصامیم اتخاذ شده، تلفیق دهیم. مثال و نمونه روشن برای ما کار و فیصله‌های پلینوم اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در ماسکو دایر گردید و بیانیه دوست بزرگ ما، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر

شوروی سوسیالیستی رفیق یوری ولادیمیریچ اندروپوف در این پلینوم است. به من اجازه دهید تا با استفاده از تریبون عالی دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حزب کمونیست لنینی اتحاد شوروی، به همه احزاب انقلابی برادر اطمینان دهم که ما امر انقلاب ثور را به سرحد پیروزی کامل رسانده و سهم شایسته را در امر تحکیم دوستی افغان شوروی و پیروزی امر صلح در سراسر جهان ادا خواهیم کرد.

پیروزی از آن حزب ما، از آن خلق ماست!

ما پیروز می شویم!



## دوستی برادرانه میان کشورهای ما از چشمه زلال ایدئولوژی واحد طبقه کارگر و اشتراک منافع جنبش انقلابی جهانی منشأ می‌گیرد

رفیق گرامی یوم جاگین تسدنبال!

رفقای عزیز منگولیا!

اجازه بدهید، نخست مراتب سپاسگزاری‌های عمیق کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شخص خود را به مناسبت دعوت برادرانه حزب انقلابی مردم منگولیا از هیأت حزبی و دولتی کشور ما ابراز بدارم. ما به دوستی بزرگ برادرانه میان خلق‌های ما می‌بالیم و متیقن هستیم که سفر کنونی هیأت ما گام با اهمیت نوینی در جهت تعمیق و توسعه این دوستی برادرانه خواهد بود.

دوستی برادرانه موجود میان کشورهای ما از چشمه زلال ایدئولوژی واحد طبقه کارگر، از اشتراک منافع حیاتی در جنبش انقلابی جهانی و از وظایف مشترک انترناسیونالیستی منشأ می‌گیرد.

ما در جریان مسافرت خویش در کشور زیبای منگولیا به مذاکرات وسیع و همه جانبه در جهت تقویت هرچه بیشتر روابط موجود میان کشورهای ما که از آزمون زمان پیروز بدر آمده و به یکی از فکتورهای مهم تحکیم صلح جهانی و تقویت مواضع جنبش‌های انقلابی بخصوص در قاره آسیا مبدل گردیده است پرداختیم.

تجربه بیشتر از شصت سال کار و پیکار مردم قهرمان منگولیا به خاطر امحای عقب ماندگی فیودالی و گذار به جامعه سوسیالیستی پیشرفته از هر جهت برای

مبارزین افغانستان دارای اهمیت اصولی می‌باشد.

رفقای عزیز!

آن طوری که کشور شما بعد از انقلاب جولای ۱۹۲۱ به مشکلات و موانع ناشی از مداخلات و تجاوزات نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی مواجه بود امروز کشور ما نیز در مقابله با جنگ اعلان‌نشده امپریالیستی قرار دارد. شما بر موانع بزرگی غلبه حاصل گردید. ما نیز به اتکای حقانیت راه انقلاب خود، به اتکای سیاست واقع‌بینانه، با انعطاف و اصولی خود و به اتکای دوستان پرتوان بین‌المللی خود در رأس اتحاد شوروی بزرگ این دژ شکست‌ناپذیر صلح و سوسیالیسم بر همه مشکلات غلبه حاصل خواهیم کرد. تجربه سه سال و نیم اخیر نشان داد که راهی را که حزب و دولت انقلابی ما بر پایه تحلیل دقیق و واقع‌بینانه علمی از وضع کنونی جامعه ما برگزیده است مورد پذیرش مردم قرار گرفته و پروسه انقلابی در کشور به طور بی‌سابقه‌ای اعتلا یافته است.

ما، در کار ساختمان جامعه نوین در کشور خود همواره از تجارب غنی منگولیا در قبال مسایل ملی، در ساحه زراعت، صنعت و غیره استفاده به عمل می‌آوریم. تجربه درخشان منگولیای سوسیالیستی از این جهت نیز که بر گفتار داهیانة لنین کبیر مبنی بر گذار جوامع فیودالی از طریق راه رشد غیر سرمایه‌داری به جامعه عادلانه سوسیالیستی، صحه گذاشت، برای ما در کار ساختمان جامعه نوین دارای اهمیت عالی می‌باشد. راهی را که امروز ما برگزیده ایم و با انقلاب ملی و دموکراتیک ثور سال ۱۳۵۷ آغاز یافت راه دگرگونی‌های عمیق بنیادی دموکراتیک با سهمگیری قاطع و روشن اجتماعی و ساختمان جامعه نوین می‌باشد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور ما مجهز با تیوری انقلابی علمی نقش رهبری‌کننده جامعه و دولت را به عهده دارد. حزب ما به تدریج به حزب بزرگ توده‌یی مبدل می‌گردد و تمام ساحات زندهگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه را به خاطر سعادت و رفاه زحمتکشان و به خاطر ترقی و پیشرفت همه‌گانی احتوا می‌کند. همین اکنون نزدیک به صد هزار نفر از بهترین نماینده‌گان طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران مترقی و متعهد، کسبه‌کاران، خرده بورژوازی شهر وده، نماینده‌گان تمام اقوام، قباایل و گروه‌هایی ملی ساکن کشور ما، نماینده‌گان تمام مذاهب و ادیان وحتی نماینده‌گان بورژوازی

ملی در حزب ما به خاطر بازسازی ملی کشور گردهم آمده اند.

کنفرانس سرتاسری حزب ما که در ماه مارچ سال ۱۹۸۱ تدویر یافت یکی از نقاط عطف تکامل کیفی و اعتلای پرستیژ ملی و بین‌المللی حزب ما را تشکیل می‌دهد. درین کنفرانس یکبار دیگر مواضع اصولی حزب ما از لحاظ ایدیولوژیک و تئوریک در قبال مرحله کنونی جنبش انقلابی کشورها صراحت یافت و رهنمای نیرومند عملی و تیوریک در وجود برنامه عمل حزب در مرحله کنونی مورد تصویب نماینده‌گان حزب قرار گرفت. به پیروی از خط برنامه عمل حزب ما، مردم کشور ما به پیروزی‌های بزرگی نایل آمده اند. پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب ما که همین چندروز قبل تدویر یافت یکبار دیگر جوانب عملی تطبیق اندیشه‌ها و تصامیم کنفرانس سرتاسری حزب و برنامه عمل را مورد ارزیابی قرار داده رهنمودهای لازم را صادر نمود.

رفقای عزیز!

انقلاب ما در وضع کنونی جهان نمی‌تواند به صورت مجرد و مجزا از مجموع پروسه انقلابی عصر ما بدون پیوند ارگانیک با ارگان عمده آن رشد کند. امروز بیشتر از هر وقت دیگری پیروزی انقلابات اجتماعی بسته‌گی به نیرومندی اردوگاه صلح و سوسیالیزم و تناسب نیروها در مقیاسی جهانی دارد.

ارتجاع امپریالیستی در هم پیوندی نزدیک با ارتجاع محلی از ایجاد هیچ نوع موانع، به راه انداختن توطئه‌ها و دسایس و مداخله صریح در امور داخلی کشورهای جهان دریغ نمی‌ورزد. بنابراین در شرایط امروزی انجام انقلاب اجتماعی ناگزیر به مبارزه رویاروی با امپریالیزم منجر می‌گردد. ما مردم افغانستان این واقعیت را با گوشت و پوست خود با تجربه روزمره خود دریافته ایم.

اگر مداخلات، تجاوزات و دسایس امپریالیزم امریکا علیه کشور و انقلاب ما وجود نمی‌داشت، کشور ما به پیروزی‌های به مراتب عظیم‌تر از امروز نایل می‌آمد و مسلماً ناآرامی‌های کنونی پیرامون کشور ما وجود نمی‌داشت. معذالک ما معتقد هستیم که امروز امپریالیزم، هژمونیزم و ارتجاع منطقه در مقابله با انقلاب ما مهره‌های اساسی و امکانات قبلی خود را از دست داده دست به مانور می‌زند و خواهان ادامه وضع در منطقه ما می‌باشد. تدویر هفتمین کنفرانس سران دول و یا

حکومات کشورهای غیرمنسلك در دهلی نو نشان داد که آنطوری که امپریالیزم آرزو داشت نه تنها کشور ما در انزوای سیاسی قرار ندارد، بلکه از پرستیژ و اعتبار لازم بین‌المللی نیز برخوردار است. کنفرانس دهلی شکست تلخی بود که طعم آنرا امپریالیزم با یاران خود چشیدند. ما در پیشنهادهای مؤرخ چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ خویش کشورهای همسایه پاکستان و ایران را به مذاکره پیرامون حل اختلافات و ایجاد روابط همسایه‌گی نیک دعوت نمودیم. ما تمام راه‌های عملی بیرون رفت از وضع کنونی را درین پیشنهادها مطرح ساختیم.

در اثر سیاست صلحجویانه ما و مساعی نیک سرمنشی سازمان ملل متحد حکومت پاکستان حاضر شد از طریق نماینده سرمنشی ملل متحد با ما به مذاکره بپردازد. ما اینرا يك قدم مثبت ارزیابی می‌کنیم ولی معتقدیم که در راه صلح باید با جرأت و قاطعیت پیش رفت. نباید از مذاکرات مستقیم که مؤثریت بالاتر دارد ظفره رفت. ما یقین کامل داریم که بالاخره مسؤولین امور در پاکستان و ایران ندای عقل سلیم را لبیک خواهند گفت و از دشمنی با مردم ما که بعد از قرن‌ها تلخکامی و مذلت بالاخره نعمت آزادی و امکانات خوشبختی خود را یافته اند، دست خواهند کشید. همچنان امیدواریم

خلق‌های کشورهای مذکور با مبارزه پیگیر و هوشیارانه خویش علیه امپریالیزم نخواهند گذاشت توطئه‌ها، سنگ اندازی‌ها و شانتاژ امپریالیزم امریکا مانع تأمین صلح در منطقه ما گردد.

رفقای عزیز!

طوری که می‌دانید دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان از پیشنهادهای صلح جمهوری مردم منگولیا پشتیبانی قاطع و صریح خویش را در اولین فرصت اعلام داشته است. ما تلاش‌های شریفانه کشور شما را مبنی بر تحکیم صلح در آسیا و جهان با دیده سپاس می‌نگریم. در واقع این موضع‌گیری جمهوری مردم منگولیا ناشی از احساس مسؤولیت عمیق رهبران آن در قبال یکی از میرمترین مسایل روز یعنی مسأله صلح می‌باشد. به جاست در اینجا پیروزی بزرگ اسامبله صلح پراگ را به مثابه یکی از حوادث بزرگ سیاسی دهه حاضر شادباش بگوییم.

رفقای عزیز!

امپریالیزم جهانی به سرکرده‌گی امپریالیزم امریکا که با موجودیت ریگن در رأس اداره آن بیشتر از هر وقت دیگری هارتر شده، نیات تجاوز کارانه خود را بی پرده تر از هر وقت دیگری برملا می‌سازد. لگام زدن به تمایلات جنگ طلبانه امپریالیزم مقدس ترین وظیفه بشریت و مستلزم نیرومندی اردوگاه صلح و سوسیالیزم می‌باشد. ما معتقدیم که موضع‌گیری اتحاد شوروی در قبال مسایل مربوط به صلح جهانی و تخفیف و پایان بخشیدن به مسابقات تسلیحاتی که یکبار دگر به وسیله رفیق ولادیمیرویچ یوری اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ارائه گردیده، یگانه الترناتیف و شریفانه ترین برخورد در قبال تمام بشریت می‌باشد. ما پشتیبانی قاطع و کامل خود را از این سیاست شریفانه انسانی یکبار دگر درین محفل پرشکوه ابراز می‌داریم.

رفقای عزیز!

اجازه بدهید، جام خود را به نام دوستی برادرانه و بزرگی افغان - منگولیا، به نام صلح، آزادی، ترقی و عدالت اجتماعی، به خاطر پیروزی اندیشه‌های انسان دوستانه عصرما که در ایدیولوژی دورانساز طبقه کارگر تجلی یافته است و به خاطر صحت و سلامتی رفیق گرامی یومجاگین تسدنبال و سایر رفقای حاضر بالا کنم.

بیانیهٔ رادیو تلویزیونی به مناسبت شصت و چهارمین سالگرد استرداد استقلال

کشور

۲۸ اسد ۱۳۶۲

پیروزی خلق مابرا امپریالیزم استعمارگر انگلیس نیروی تکان دهنده بی بود در مبارزات استقلال طلبانه

## ملل استعمارزده قارهٔ آسیا

هموطنان شریف، خواهران و برادران عزیز! اجازه دهید، به مناسبت شصت و چهارمین سالروز پرافتخار و غرورآفرین تحصیل استقلال سیاسی افغانستان که در نتیجه قیام مسلحانه ملی ۱۹۱۹ خلق افغانستان علیه نیرومندترین دولت استعماری وقت یعنی امپریالیزم انگلیس به دست آمد مراتب شادباش‌ها و تبریکات کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و شخص خود را به شما تقدیم بدارم.

استقلال وطن محبوب ما که یکی از حلقه‌های سیاه زنجیر اسارت استعماری را در این گوشهٔ جهان در هم شکست، نه تنها رویداد عظیم در سرنوشت تاریخی خلق‌های افغانستان به حساب می‌آید بلکه اثر بزرگی را در امر بیداری آسیا که با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر آغاز گردیده بود بجا نهاد.

خلق افغانستان برای بار نخست در قاره آسیا درفش استقلال و آزادی را بر فراز کشور زیبای خود به اهتزاز در آورد. این پیروزی عظیم بر امپریالیزم استعمارگر انگلیس به نمونهٔ درخشان و عالی پیکار خلق‌ها به خاطر تعیین سرنوشت و به نیروی تکان دهنده در مبارزات استقلال طلبانه ملل استعمارزدهٔ قاره آسیا بخصوص خلق‌های مسلمان مبدل گردید. کمک‌های برادرانه دولت جمهوری جوان شوراهای تحت رهبری دوست بزرگ خلق‌های افغانستان و تمام ملل شرق و مسلمان ولادیمیر ایلیچ لنین به کشور ما در نخستین روزهای دشوار بعد از حصول استقلال

نمونه بارز دوستی طراز جدید در مناسبات میان خلق‌ها، دولت‌ها و ملل به شمار می‌آید.

هموطنان عزیز! امپریالیزم تجاوزگر انگلیس در برابر استقلال افغانستان که به بهای جان‌های شریف هزاران تن از بهترین فرزندان وطن ما به دست آمده موزیانه راه توطئه‌ها، دسایس و حيله‌ها را در پیش گرفت و به مداخلات خود در کشور ما به شیوه‌های جدید ادامه داد. دولت انگلیسی با استفاده از عقب‌ماندگی کشور و توصل به ننگین‌ترین وسایل تحریک تعصبات، خرافات، اغتشاشات و بی‌نظمی‌ها به وسیلهٔ عمال خویش دولت جوان امانی را به شکست مواجه نموده دولت دست‌نشانده خود را در وجود یکی از عمال شناخته شده و محیل استعمار بر وطن ما تحمیل کرد.

تجربهٔ تاریخی این دوره برای مردم افغانستان در شناخت دوستان و دشمنان مردم و وطن محبوب ما حایز اهمیت بزرگ تاریخی است. مردم افغانستان علی‌الرغم اختناق و استبداد حاکم در کشور به مبارزات دلیرانه خویش برای سرنگونی سیادت طبقات استثمارگر جبار ادامه دادند. حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه وارث بهترین سنن انقلابی مبارزات آزادی‌بخش زحمتکشان کشور ما در پیوند قانونمند با نهضت انقلابی جهانی به وجود آمد. حزب ما توانست مبارزات مردمان زحمتکش ما را سمت دهد و با به پیروزی رساندن انقلاب ثور نه تنها آرمان‌های استقلال طلبانه مردم ما را تحقق بخشید بلکه راه دگرگونی‌های بنیادی را در برابر خلق‌های ستمدیدهٔ وطن ما گشود.

دشمنان دیرینه سعادت و آزادی مردم ما، ارتجاع منطقه و امپریالیزم جهانی در رأس امپریالیزم امریکا در تبنانی با رهبری مرتد پکن جنگ اعلان نشدهٔ بی‌رحمانه‌یی را علیه انقلاب و مردم ما به راه انداختند. فیودال‌ها، مرتجعین و بیروکرات‌های فاسد، جبار و چپاولگران دیروز، آدمکشان و مزدوران حرفه‌یی را در آنسوی سرحدات کشور ما تربیت و مسلح نموده و به منظور خرابکاری، گشتار کودکان، زنان و کهن سالان، به آتش کشیدن مکاتب، مساجد و شفاخانه‌ها و تخریب پل‌ها، پایه‌های برق، سرک‌ها و دگر تأسیسات عام‌المنفعه به کشور انقلابی ما اعزام می‌دارند ولی مردم ما در وحدت عمل برادرانه در برابر همه تجاوزات، توطئه‌ها و مداخلات ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم چون دژ پولادین از وطن آزاده و

دستاورد‌های انقلاب ثور و مرحله نوین آن شجاعانه دفاع می‌کنند، ما در این پیکار برحق به خاطر آینده خوشبخت نسل‌های بعدی و شگوفان سازی وطن تنها نیستیم و همه بشریت مترقی در رأس اتحاد شوروی بزرگ این مدافع راستین صلح و ترقی اجتماعی در کنار ما قرار دارد.

هموطنان گرامی! چندی پیش پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان جهت ارزیابی راه طی شده پس از کنفرانس سرتاسری حزب و فورمولبندی وظایف تأخیر ناپذیری که در برابر حزب و دولت انقلابی ما قرار دارد، دایر گردید. زندگی و تجربه شخصی ما در طول یکسال و نیمی که از برگزاری کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌گذرد صحت و حقانیت نتیجه‌گیری‌ها و احکام کنفرانس را که در برنامه عمل حزب منعکس گردیده به اثبات رسانیده است.

با خوشنودی اظهار می‌داریم که حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان علی‌الرغم دشواری‌ها و موانع ایجاد شده از جانب ضد انقلاب و ارتجاع بین‌المللی، با اشتراك و پشتیبانی فعال توده‌های مردم در زمینه عادی شدن اوضاع در کشور و تأمین صلح سراسری به پیروزی‌های بزرگی دست یافته است. حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه نیروی رهبری کننده جامعه به صورت متداوم رشد و تحکیم یافته وحدت و یکپارچه‌گی آن تقویت می‌یابد و رابطه همه جانبه آن با توده‌های مردم افزایش می‌یابد.

تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان سیستم نوین سیاسی انقلابی ما به صورت هرچه مطمئن تر رشد می‌نماید. کار ارگان‌های قدرت دولتی چه در مراکز و چه در محلات مؤثرتر و ثمربخش‌تر می‌گردد. کمیته‌های حزبی، ارگان‌های دولتی، جبهه ملی پدروطن و سازمان‌های اجتماعی، به مسایل اقتصادی از آن جمله احیا و اعمار پروژه‌های تولیدی و سازماندهی امور انتقالات ترانسپورتی به صورت بهتر و مشخص تر دست به کار شده اند. در نتیجه سعی و جدیت حزب، دولت و مردم آثار تهدید مواجه شدن اقتصاد کشور به رکود، رفع گردیده است. سطح معین تولیدات صنعتی و زراعتی و تأمین احتیاجات عامه با وجود مشکلات عظیم حفظ گردیده که در زمینه کمک‌ها و همکاری‌های بی‌شائبه اقتصادی اتحاد شوروی دوست بزرگ و متحد ما مؤثر بوده است.



مسائل رشد اقتصادی و تأمین نیازمندی‌های مردم زحمتکش کشور در مرکز توجه حزب و دولت قرار دارد.

پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وقف این امر گردید. ما امیدواریم تطبیق پلان ۱۳۶۲ در زمینه با موفقیت توأم باشد. با تحقق این برنامه همانگونه که در دگر اسناد هم به آن تأکید نموده ایم وضع رشد اقتصادی کشور تقویت یافته و به صورت مشخص در زمینه‌های مختلف منجمله در تولید انرژی برق سی و سه درصد، گاز طبیعی ده درصد، سمنت یازده درصد، منسوجات پشمی شش درصد، آرد و گندم به اندازه سی و هشت درصد، افزایش به عمل خواهد آمد.

مسأله اصلاحات ارضی و آب که حل درست آن اثر تعیین کننده بر تمام پروسه تکامل اقتصادی و اجتماعی کشور می‌گذارد از اهم مسائل است که توجه اساسی حزب و دولت را به خود معطوف داشته است. تصامیم مشخص و عملی در این ارتباط اتخاذ شده است که بدون تردید اجرای درست آن و سهیم ساختن هر چه بیشتر توده‌های دهقانی در این پروسه، حل کامل این امر بزرگ اجتماعی را تسریع می‌بخشد. ضد انقلاب و ارتجاع بین‌المللی نتوانستند جریان تکامل انقلاب افغانستان را به سوی ترقی همه جانبه که از برکت انقلاب به وجود آمده است تغییر دهند. حزب و دولت انقلابی ما به خاطر تحکیم پیروزی‌های به دست آمده، تقویت قوای مسلح، جلب توده‌های وطنپرست در امر دفاع از انقلاب و تحکیم حاکمیت انقلابی در محلات، به صورت پیگیر و هدفمند کار می‌نمایند.

هموطنان عزیز!

مردم ما که در طول چند سال اخیر آماج بدترین انواع مداخلات و تجاوزات مسلحانه ارتجاع و امپریالیزم قرار گرفته است بهتر از هر کسی واقف به این امر است که در جهان وظیفه شریفانه تر و مهمتر از دفاع از صلح پایدار جهانی و مبارزه به خاطر کاهش تشنج بین‌المللی خلع سلاح و مخصوصاً خلع سلاح هسته‌یی و متوقف شدن مسابقات تسلیحاتی در هر دو عرصه سلاح‌های عادی و هسته‌یی وجود ندارد. جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه کشور صلح‌دوست و غیرمنسلک، پیوسته سیاست فعال تحکیم صلح و رشد همکاری‌های بین‌المللی را تعقیب کرده و همواره

نقش شایسته و لازم را در جبهه جهانی مبارزه علیه امپریالیسم و جنگ و به خاطر صلح و امنیت بین‌المللی ایفا خواهد کرد.

ما مناسبات دوستی و برادرانه و همبستگی انقلابی با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و همه نیروهای مترقی جهان را برای منافع حیاتی خلق و کشور خود يك وظیفه اساسی جدی و عدول ناپذیر می‌دانیم. پرستیژ کشور ما در عرصه بین‌المللی به صورت روز افزون اعتلا می‌یابد و نیروهای نوینی از صفوف مبارزان راه صلح، آزادی و ترقی در جهان در کنار ما قرار می‌گیرند. در عرصه دیپلماتیک، امروز کشور ما با نزدیک به هفتاد کشور جهان دارای مناسبات است. ما آماده هستیم روابط همکاری متقابلاً مفید و متساوی‌الحقوق را با همه کشورها بدون در نظر داشت نظام سیاسی و اجتماعی آنها بر مبنای اصول همزیستی مسالمت آمیز، احترام به حق حاکمیت و استقلال ملی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر برقرار کنیم و توسعه دهیم.

این موقف در رابطه با کشورهای همسایه پاکستان، ایران و چین نیز صدق می‌کند اما متأسفانه استفاده فعال از قلمرو ایران و پاکستان به انواع گوناگون تجاوز مسلحانه به افغانستان انقلابی و مداخله آشکارا در امور داخلی کشور ما ادامه دارد.

سازمان دهنده و الهام‌بخش عمده جنگ اعلان نشده، علیه مردم و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، ایالات متحده امریکاست. اداره ریگن عملاً مداخله بیشرمانه در امور داخلی کشور ما را به سطح سیاست دولتی ارتقا داده است. این وضع ناشی از مداخلات و تجاوزات امپریالیستی اوضاع اطراف افغانستان و منطقه را در مجموع جداً وخیم می‌سازد. ما اعتقاد عمیق داریم که راه واقعی حل فصل اوضاع اطراف افغانستان در پیشنهادی صلح جمهوری دموکراتیک افغانستان مؤرخ چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ نشان داده شده است.

ما بارها گفته ایم و باز هم تکرار می‌کنیم که بایست همه پروبلم‌های موجود را در پشت میز مذاکره مستقیم حل کرد. دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در این زمینه بارها تصمیم قاطع خود و حسن نیت لازم را نشان داده است.

هموطنان خواهران و برادران!

شصت و چهار سال از قیام قهرمانانه ملت غیور ما بر علیه استعمار خونین انگلیس میگذرد. در این سالروز پرافتخار یکبار دگر به تجدید پیمان در مبارزه علیه امپریالیزم یعنی همان دشمن دیرینه خلق و وطن ما می‌پردازیم.

در فرجام يك بار دگر به مناسبت سالروز استرداد استقلال وطن محبوب مان به همه هموطنان، به تمام فرزندان دلیر و راستین وطن و به همه خواهران و برادران عزیزی که در گوشه و کنار وطن، در کشتزارها، فابریکها و سنگرهای نبرد، به خاطر دفاع از انقلاب، وطن و اعمار افغانستان شگوفان تلاش می‌ورزند، درودهای گرم و شادباش‌های قلبی خود را می‌فرستم.

افتخار بر قیام ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی بیست و هشت اسد سالروز پرغرور آزادی وطن.

زنده باد مردم آزاده و شرافتمند افغانستان!

دروود آتشین به روان پاک شهدای راه آزادی و استقلال وطن پرافتخار ما.

پیام به مناسبت روز بین‌المللی سواد

۱۷ سنبله ۱۳۶۲

## باید مبارزه با بی‌سوادی را به جنبش همه‌کافی ملی مبدل سازیم!

هموطنان شریف و زحمتکش!

به مناسبت هفدهم سنبله روز بین‌المللی سواد به شما خواهران، برادران، استادان، معلمان و آموزگاران که قهرمانان و فداکاران به امر شریف روشنگری و تعمیم سواد اشتغال دارید در هر کجای کشور که هستید بهترین شادباش‌ها و دروهای خویش را می‌فرستم.

در این فرصت، لازم میدانم از آن آموزگاران، معلمان و روشنگران شهیدی یاد کنم که جان‌های پاک‌شان را در نبرد دشوار نور علیه ظلمت و گسترش سواد در کشور نثار کرده‌اند.

بدون شك جامعه شگوفان آینده ما این مبارزان دلیر را که خون‌های پاک‌شان فقط به «جرم» روشنگری و گسترش سواد به وسیله پاسداران جهل و تاریکی ریخته شده است هرگز از یاد نخواهد برد.

تعمیم و گسترش سواد در کشور با اصول مرامی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیوند ریشه‌یی دارد و این امر سنگ بنای سیاست فرهنگی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را تشکیل می‌دهد. در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دگر اسناد حزبی و دولتی مبارزه برضد بی‌سوادی در صدر وظایف حزب و دولت قرار داده شده است.

برای ما تعمیم و گسترش سواد در اوضاع و احوال کنونی رشد پروسه انقلاب در کشور نه تنها از آن جهت اهمیت دارد که دشمن به مشکل می‌تواند فرد آگاه و باسواد را بفریبد و او را در برابر روند پیشرونده انقلابی در کشور قرار دهد بلکه از این جهت نیز حایز اهمیت است که ساختمان جامعه آینده فقط به وسیله افراد آگاه، باسواد

و تحصیل کرده میسر است.

هموطنان عزیز!

بی‌سوادی میراث شوم و گران باری است که از گذشته به میراث گرفته ایم غلبه بر این ارثیه نامیمون کار دشوار، همه‌گانی و پرحوصله‌یی را می‌طلبد. بعد از پیروزی انقلاب ثور و مرحله نوین و تکاملی آن گام‌های بسیار مهم، ارزنده و عملی در این راه برداشته شده است.

کمیسسیون مرکزی دولتی امحای بی‌سوادی به فعالیت در عرصه مبارزه با بی‌سوادی شکل منسجم‌تر و منظم‌تری اختیار کرد.

باید با رضایت خاطر نشان سازم که مبارزه بر ضد بی‌سوادی در کشور به يك جنبش ملی مبدل می‌گردد. در این رابطه می‌توان با مسرت به کارهای انجام شده نگریست.

مبارزه با بی‌سوادی جزء مهمترین وظایف حزبی تمامی سازمان‌ها و اعضای حزب قرار گرفته است. سازمان‌های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن و قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان مبارزه علیه بی‌سوادی را پیگیرانه به پیش می‌برند.

پدیده بسیار ارزنده در این مورد گسترش مبارزه علیه بی‌سوادی در کارخانه‌ها روستاها و در مراکز تجمع زحمتکشان می‌باشد که پدیده‌یی فوق‌العاده عالی است. با مسرت می‌توان اظهار داشت که همین اکنون در حدود سی و شش هزار کورس سوادآموزی با بیش از هفتصد هزار سوادآموز در کشور فعال می‌باشد. که این ارقام به مقایسه سال قبل هشت در صد افزایش را نشان می‌دهد.

اینها همه نشانه‌های بسیار خوبی است ولی به هیچوجه بسنده نبوده و جوابگوی نیازهای بسیار عاجل در زمینه نیست.

همپا با تحکیم فزاینده حاکمیت انقلابی و تأمین امنیت در کشور امکانات جذب تعداد هرچه بیشتر سواد آموزان فراهم می‌گردد باید تعمیم و گسترش فعالیت سوادآموزی در کشور را با روند تحکیم قدرت دولتی در روستاها هماهنگی ساخت.

از نظر کیفی فعالیت سوادآموزی نباید صرفاً در محدوده آموزش ساده سواد منحصر

بماند باید به طور جدی به کیفیت آموزش نیز توجه کرد. تعمیم سواد باید با تعمیم اندیشه‌های صلح، ترقی، امید به آینده و نفرت از جنگ، استثمار، ارتجاع و امپریالیزم توأم باشد. باید مبارزه با بی‌سوادی را به جنبش همه‌گانی ملی مبدل سازیم. در این رابطه با وجود کارهای ارزشمندی که حزب، سازمان‌های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن، قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان و مؤسسات دولتی انجام داده اند. با آنهم کارهای انجام شده قناعت‌بخش، بسنده و به طور شاید و باید منظم نیست. کمیته‌های حزبی، سازمان‌های اجتماعی، قوای مسلح و مؤسسات دولتی باید شعاری را که پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در برابر اعضا و سازمان‌های حزبی و کلیه وطنپرستان قرار داده با دقت، پشتکار و پیگیری عملی نمود. در اسناد پلینوم نهم آمده است که هر فرد با سواد باید سالی پنج نفر بی‌سواد را باسواد سازد.

با تأسف باید گفت که این وظیفه مقدس به طور لازم انجام نشده است این شعار باید در سرلوحه کار و پیکار تمام اعضا و سازمان‌های حزبی، سازمان‌های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن، قوای مسلح و کلیه وطنپرستان قرار گیرد. کمیته‌های حزبی و مؤسسات دولتی جداً وظیفه دارند تا از اجرای این شعار به حیث مهمترین وظیفه حزبی و دولتی خویش نظارت کنند.

خواهران و برادران زحمتکش!

تصادفی نیست که در جنگ اعلان ناشده ارتجاع و امپریالیزم بر ضد مردم و میهن ما استادان، معلمان، شاگردان مکاتب و مراکز تعلیمی اولین اهداف اعمال جنایتکارانه و خرابکارانه آنها قرار گرفته است. ضد انقلاب تاکنون در حدود دوهزار مرکز تعلیمی را ویران کرده و یا به آتش کشیده است. تعداد زیاد معلمان وطنپرست از طرف ضد انقلاب شهید شده اند.

در عرصه جهانی نیز عامل عمده بی‌سوادی امپریالیزم می‌باشد. همین اکنون صدها میلیون کودک در جهان از امکانات تحصیل محروم اند و این در حالیست که بنابر مشی نظامی‌گرانه امپریالیزم و در رأس امپریالیزم جنایت پیشه ایالات متحده در هر دقیقه يك میلیون دالر و در هر سال بیش از هشتصد هزار میلیون دالر صرف مسابقات تسلیحاتی می‌گردد.

ما در حالی که از روز بین‌المللی سواد تجلیل به عمل می‌آوریم یادآور می‌شویم که مبارزه بر ضد فقر و بی‌سوادی در جهان از مبارزه بر ضد امپریالیزم و مبارزه در راه صلح و خلع سلاح جدایی‌ناپذیر است.

در عرصه کشور ما نیز مبارزه بر ضد فقر، بی‌سوادی و غلبه بر عقب‌مانده‌گی جزء لاینفک مبارزه با ضد انقلاب، امپریالیزم و ارتجاع می‌باشد.

در اخیر یکبار دگر پیروزی‌های هر چه بیشتر تمام وطنپرستان را در امر نابودی کامل سریع بی‌سوادی خواهانم.

به پیش در راه جنبش ملی همه‌گانی مبارزه با بی‌سوادی.

پیروز باد صلح در جهان.

## ارگان‌های محلی قدرت دولتی توسط مردم ایجاد گردیده و همه جانبه در خدمت مردم قرار خواهند داشت

اعضای محترم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان! رفقا، دوستان!

در خلال مدت بین اجلاسیه گذشته و فعلی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان دایر گردید که فیصله‌های آن حایز اهمیت خاص اجتماعی و سیاسی می‌باشد.

در اسناد پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان هم‌زمان با سایر مسایل راجع به پروبلم‌های استحکام قدرت دولتی، تکامل سازمان و فعالیت ارگان‌های قدرت دولتی و در قدم اول ارگان‌های محلی قدرت دولتی توجه بیشتر مینول گردیده است. با استفاده از فرصت می‌خواهم تأکید نمایم که فعالیت و ایجاد ارگان‌های محلی دموکراتیک قدرت دولتی یکی از وظایف پر اهمیت سیاسی مرحله فعلی محسوب می‌گردد. ارگان‌های محلی قدرت دولتی که در امر ایجاد و فعالیت آن توده‌های وسیع مردم اشتراک خواهند کرد در پهلوئی سایر ارگان‌های دولتی جهت تأمین حل وظایف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش بارز را ایفا خواهند کرد. این ارگان‌ها که توسط مردم ایجاد گردیده و همه جانبه در خدمت مردم قرار خواهند داشت و در فعالیت خویش متکی به مردم خواهند بود. فیصله‌های ارگان‌های عالی قدرت دولتی و اداره سایر ارگان‌های مرکزی دولتی که در نهایت امر جهت ارتقای سطح زندهگی مادی و فرهنگی توده‌های مردم زحمتکش سمت داده شده اند از طریق آنها در حیات پیاده می‌گردد.

به منظور ایجاد پایه‌های استوار حقوقی ارگان‌های محلی قدرت دولتی و فعالیت بعدی آن هیأت رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در خلال مدت دوره بین اجلاسیه ها، امور تدوین مسوده قانون ارگان‌های محلی قدرت دولتی و



اداره جمهوری دموکراتیک افغانستان را به صورت منظم تحت نظر قرار داده و فعلاً کار تدوین مسوده قانون مذکور ادامه دارد. در عین زمان کار بالای مسوده‌های سایر قوانین که با ایجاد و تشکیل ارگان‌های محلی قدرت دولتی و فعالیت بعدی آن در ارتباط است ادامه دارد.

اعضای محترم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان!

برای شما خوب معلوم است که حزب دموکراتیک خلق افغانستان در وجود کمیته مرکزی آن و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در موقف حل و فصل صلح آمیز وضع کشور عزیز قرار دارند ولی جنگ اعلان نشده که از طرف امپریالیسم امریکا و ارتجاع منطقه بر کشور ما تحمیل گردیده و دسایس دایمی ضد انقلاب خارجی و داخلی از ما تقاضا می‌نماید تا احضارات محاربه‌وی و قابلیت رزمندگی قوای مسلح پرافتخار جمهوری دموکراتیک افغانستان را بیش از پیش تقویت بخشیم.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به این موضوع همیشه توجه خاص مبذول می‌دارند. به این ارتباط فعلاً در جهت تکامل طرز العمل امور ذاتیه افسران قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان ضرورت مبرم موجود است. لذا در خلال مدت بین دوره‌های اجلاسیه، هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان جریان تدوین مسوده قانون امور ذاتیه افسران قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان همیشه تحت نظر هیأت رئیسه شورای انقلابی قرار دارد.

اکنون ترتیب مسوده قانون مذکور انجام پذیرفته است که در آینده مورد تصویب هیأت رئیسه شورای انقلابی قرار خواهد گرفت. احکام این قانون، طرز العمل دقیق خدمت افسران قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان را از آغاز فعالیت شان الی سوق به تقاعد بیان می‌دارد. بر علاوه با انفاذ این قانون سایر قوانین پراکنده در زمینه لغو خواهد شد.

کمال اطمینان دارم که قانون مذکور و تطبیق بلاانحراف جهت تحکیم قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان یعنی در راه انجام یکی از وظایفی که پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در بخش استحکام قدرت

دفاعی کشور پیش‌بینی نموده مساعدت خواهد کرد.

در پلینوم کمیته مرکزی تذکر به عمل آمده که باید در هر مؤسسه دولتی در برابر نیازمندی‌ها و خواهش‌های مردم غمخواری و توجه خاص مبذول گردد.

هیأت رئیسه شورای انقلابی از اتباع کشور عرایض و شکایات متعدد در یافت می‌کند و آنها را مورد بررسی عمیق قرار می‌دهد.

عرایضی که جهت حل و فصل به سایر ارگان‌های دولتی راجع می‌گردد، هیأت رئیسه آنرا تحت نظر خود قرار می‌دهد. بر علاوه در مقر هیأت رئیسه شورای انقلابی مستقیماً با اتباع ملاقات صورت می‌گیرد این يك امر مهم سیاسی است.

رفقا، دوستان، در اینجا می‌خواهم به دو نکته اشاره نمایم:

اول اینکه يك قسمت عرایضی و شکایات اتباع که به هیأت رئیسه ارائه می‌شود باید در محل مربوط و در سایر ارگان‌های دولتی مورد حل و فصل قرار گیرد. این حقیقت باعث تشویش است که نه در همه جا و نه همیشه نیازمندی‌ها و خواهش‌های اتباع کشور مورد توجه قرار می‌گیرد. حتی بعض اوقات تصامیمی که در مورد عرایض یا شکایات اتباع توسط بعض ارگان‌های دولتی اتخاذ گردیده مخالف قوانین موضوعه می‌باشد. باید علیه چنین پدیده‌ها شدیداً مبارزه کرد زیرا به حیثیت قدرت دولتی ما خدشه وارد می‌سازد.

دوم - هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید عرایض و شکایات وارده را مورد بررسی عمیق، صحیح و درست قرار دهد. همچنین در تحلیل منظم آن بذل مساعی نماید. در صورتیکه به ارتباط کدام موضوع مشخص عرایض یا شکایات زیاد واصل گردد این امر گواه آنست که در فعالیت بخش‌های علیحده دستگاه دولتی ما کدام سکنه‌گی جدی وارد گردیده یا قانونی که مراودات مربوط را تنظیم می‌نماید، ناقص است. لذا هیأت رئیسه شورای انقلابی باید این موضوع را در نظر داشته باشد و حتماً در نظر می‌گیرد.

اعضای محترم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان!

پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به امر ضرورت تحکیم قدرت انقلابی بخصوص تأکید می‌ورزد. رعایت اصل قانونیت انقلابی در

امر فعالیت ارگان‌های حفظ حقوق درین زمینه نقش ارزشمندی را ایفا می‌نماید. در خلال مدت بین دوره‌های اجلاسیه، هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالیت محکمه اختصاصی انقلابی و څارنوالی اختصاصی انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان را مورد مطالعه قرار داد. طوری که مشاهده گردید این دو ارگان در مبارزه علیه جنایات ضد امنیت داخلی و خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان به صورت مثبت کار وسیع را انجام می‌دهند و در عین زمان واضح گردید که ارگان‌های مذکور همیشه از صلاحیت‌های که اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و قوانین موضوعه در اختیار شان قرار داده در جهت تحقق همه جانبه و مکمل آن در مورد جنایات و تحت مجازات قانونی قرار دادن مجرمین به قدر کافی استفاده نمی‌کنند. آنها باید از اصل قانونیت انقلابی جداً پیروی نمایند.

اقداماتی که از طرف هیأت رئیسه شورای انقلابی به منظور مطالعه منظم فعالیت ارگان‌های تحت اثر شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک، افغانستان و اخذ تدابیر در امر تحکیم سازمان و فعالیت این ارگان‌ها که از طرف هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت گرفته يك امر دارای اهمیت فراوان پنداشته شده و باید به صورت پیگیرانه ادامه داده شود.

رفقا، دوستان!

اینجانب در این صحبت خود راجع به بعض از موضوعات مهمی که با اسناد و فیصله‌های پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارتباط مستقیم دارد تذکرات مختصری ارائه نمودم. تقاضا می‌نمایم که اسناد پلینوم دوازدهم مورد مطالعه دقیق قرار گیرد و سعی فراوان در عملی ساختن آن مبذول گردد. همراه با آن هیأت رئیسه شورای انقلابی در حدود صلاحیت خویش سایر مسائل را نیز مورد بررسی و حل و فصل قرار داده است.

پیام به مناسبت سومین سالگرد تاسیس سازمان پیشاهنگان ج.د.ا.  
۳ میزان ۱۳۶۲

## مواظبت از کودکان و نوجوانان یکی از فعالیت‌های عمده حزب و دولت را تشکیل می‌دهد

کودکان، نوجوانان و پیشاهنگان عزیز!

صمیمانه‌ترین شادباش‌های خود را به مناسبت جشن سه ساله گی سازمان پیشاهنگان افغانستان به شما تقدیم می‌کنم. سازمان پیشاهنگان افغانستان، که با توجه حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایجاد گردیده، به مثابه یک بخش مهم در سیستم تعلیم و تربیه کودکان و نوجوانان کشور ما به شمار می‌رود. سازمان پیشاهنگان افغانستان برای تحقق آرمان‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تحت رهنمایی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، یکجا با مکاتب، خانواده‌ها و دگر سازمان‌های اجتماعی و دولتی، در تربیت ایدئولوژیکی و رشد همه جانبه کودکان و نوجوانان سهم فعال گرفته است.

ما مسروریم که اکنون در صفوف سازمان پیشاهنگان بیش از شصت هزار نوجوان بسیج گردیده و با مفلر سرخ پیشاهنگ که مزین با رنگ‌های درفش ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد، به مثابه پیشاهنگی همیشه آماده یکجا با برادران و خواهران بزرگ خویش در ساختمان جامعه نوین کار می‌کنند. مفلر پیشاهنگ نشانه وحدت انقلابی اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و پیشاهنگان می‌باشد. این سمبول ضمانت مطمئن است برای یکپارچه‌گی و آینده ما.

مواظبت از کودکان و نوجوانان یکی از فعالیت‌های عمده حزب و دولت را تشکیل می‌دهد. همه روزه مکاتب جدید، کودستان‌ها، کاخ‌ها و اردوگاه‌های پیشاهنگ به خاطر رشد و تکامل هر چه بیشتر فعالیت‌های شما ایجاد می‌گردد.

اگر دشواری‌های ناشی از ادامه جنگ اعلان نشده و تجاوزات ضد انقلاب نمی‌بود، امکانات زیادتری برای استراحت، تفریح، آموزش و پرورش شما میسر می‌شد. حزب و دولت در آینده هم به خاطر اینکه کودکان کشور انقلابی ما باسواد و صحتمند بوده و زندگی خوشبخت داشته باشند از هیچ وسیله دریغ نمی‌کنند به همین سبب است که پدران و برادران بزرگ شما علیه دشمنان خوشبختی و سعادت شما شجاعانه رزمیده‌جان‌های عزیز خود را از دست می‌دهند.

حزب و دولت فرزندان، برادران و خواهران کوچک این قهرمانان را هیچگاه از توجه و مراقبت جدی دور نگذاشته و برای آنها زندگی مرفه آماده ساخته و پرورشگاه‌های وطن را در تمام ولایات کشور گسترش می‌دهند.

زنده‌گی در فضای صلح که نیاز تمام بشریت است. مادران برای فرزندان شان زنده‌گی در صلح و آرامش می‌خواهند. امروز امپریالیزم جنایتکار امریکا بیش از هر وقت دگر صلح را تهدید می‌نماید شما هم باید بیش از پیش به خاطر صلح مبارزه کنید. آسمان همیشه صاف و خورشید درخشان بدون صلح نمی‌تواند وجود داشته باشد. برای تأمین صلح امروز اتحاد شوروی بزرگ و تمام اردوگاه صلح به صورت جدی مبارزه می‌نمایند. اینرا هیچگاه انسان زحمتکش روی زمین فراموش نمی‌کند.

جای خوشی است که همه ساله برای شما زمینه استراحت و آموزش در اردوگاه های کشورهای دوست سوسیالیستی بخصوص اتحاد شوروی بزرگ، دوست و پشتیبان خلق کشور ما مساعد می‌گردد.

حزب و دولت ما از پیشاهنگان اتحاد شوروی سپاسگزار اند که شما را همیشه به آغوش گرم به مهمانی می‌پذیرند. ما مبارزه می‌کنیم تا برای همه شما زنده‌گی میسر شود که نمونه آنرا در حیات پیشاهنگ اتحاد شوروی بزرگ می‌بینید.

ما آرزو داریم تا شما همه خوشبخت بزرگی شوید و مانند انسان‌های واقعی صادقانه در راه تحقق آرمان‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و انقلاب ثور برزمید، وطن خود را دوست داشته باشید و همه آنهایی را که به خاطر رفاه مردم کار می‌نمایند احترام نمایید.

## پیشاهنگان عزیز!

برای اینکه زنده‌گی ما بیشتر خوب گردد باید بهتر و بیشتر بیاموزیم و کار نماییم به همین سبب است که بزرگ سالان می‌گویند: بیاموزید تا بدانید، بیاموزید تا بتوانید بیاموزانید، تا به خاطر خوشبختی مردم خویش و صلح در روی زمین مبارزه کنید. در پایان هر يك شمارا به آغوش فشرده، صحت‌مندی، موفقیت و پیروزی‌های بزرگ همه تانرا در تحصیل، کار و فعالیت‌های وطنپرستانه خواهانم.

سخنرانی هنگام بازدید از پوهنتون هوایی و مدافعه هوایی  
۴ میزان ۱۳۶۲

## وحدت حزب، مردم و قوای مسلح ما ضامن پیروزی انقلاب ما است

رفقا، فرزندان عزیز وطن!

امروز در حیات پوهنتون هوایی و مدافعه هوایی کشور ما، یک روز پرافتخار، یک روز سرور و شادمانی است این پوهنتون به اردوی قهرمان و آزادی‌بخش ما، گروه بزرگ پیلوتان جوان را تقدیم می‌دارد.

اجازه دهید، از طرف بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و از جانب خود پایان موفقانه تحصیل و پیوستن تانرا تحت درفش گلگون به خدمت شرافتمندانه نظامی شاد باش بگویم.

شما دوره تحصیل را به پایان رسانیدید و در شرایط دشواری که وطن عزیز ما افغانستان انقلابی قرار دارد دلیرانه رهسپار قطعات قوای هوایی قهرمان می‌شوید تا با تمام فداکاری و ایثار از انقلاب، از مردم و از سرزمین و فضای مقدس کشور خود از جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بی هراس دفاع کنید.

رفقا و دوستان!

در اوضاع و احوال کنونی بشریت و تمدن بشری در مرحله خطیر و فوق‌العاده حساسی قرار دارد و جهان را جنگ هسته‌یی تهدید می‌کند. نسبت به تمام سیر تاریخ مسأله دفاع فعال از صلح امریست اساسی عمده و حیاتی. حکم تاریخ آنست که باید قوای مسلح دفاعی نیرومندی داشته باشیم.

رسالت این وظیفه عظیم به درجه اول به عهده شماست. شما اطلاع دارید که حلقه‌های ارتجاعی امپریالیستی قبل از همه ایالات متحده امریکا تلاش می‌نمایند تا

موازنه نیروهای ستراتیژیک جهانی را که تقریباً به سطح مساوی رسیده است بر هم زنند و تفوق نظامی را بر اتحاد شوروی، این دژ نیرومند صلح و کشور های عضو پیمان وارسا حاصل نمایند.

آنها زیر عنوان «خطر نظامی اتحاد شوروی» ذخایر سلاح ذره‌وی را به حدی افزایش می‌بخشند که نظیر آن در تاریخ بشریت دیده نشده است و در نقاط مختلف جهان تصادمات نظامی را به راه انداخته و به راه می‌اندازند.

رئیس جمهور امریکا ریگن با بی‌شرمی و تلاش زیاد در رابطه با طیاره کوریای جنوبی که از جانب واشنگتن غرض اجرای ماموریت جاسوسی به خاک اتحاد شوروی تجاوز نموده بود فتنه گرانه استفاده وسیع خاینانه می‌نماید.

اهداف تجاوز کارانه امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا در مناطق مختلفه کره زمین از لبنان و نیکاراگوا تا چاد و افغانستان، روز تا روز آشکار و بی‌پرده تر ظاهر می‌گردد.

تحت شعار عوام‌فریبانه دفاع از اسلام، ایالات متحده امریکا و همدستان او از خاک پاکستان طی چندین سال به اینطرف تجاوزات شان را علیه مردم ما ادامه می‌دهند.

مانند گذشته از طریق سرحدات به جمهوری دموکراتیک افغانستان باندهای ضد انقلاب، سلاح و مهمات نظامی انتقال و صادر می‌گردد، بنابر کمک‌های وسیع پولی و نظامی به باندهای ضد انقلابی، ارتجاع بین‌المللی تلاش می‌ورزد تا وضع متشنج در کشور حفظ شده، اقتصاد مملکت صدمه دیده و در راه تأمین اهالی کشور ما از ناحیه مواد اولیه موانع ایجاد کنند. هم‌زمان به آن ضد انقلاب تلاش می‌ورزد تا از طریق تبلیغات دروغین، فریب دادن مردم، استفاده سوء از عقاید مذهبی آنان و ایجاد ترس و وحشت تأثیرات منفی شان را بالای مردم نجیب افغانستان حفظ نمایند و انقلاب ما را به شکست و ناکامی مواجه سازند ولی دشمنان ما این آرزوی پلید را با خود به گور خواهند برد. انقلاب ما شکست ناپذیر است.

البته باز هم مکلفیت تاریخی و انقلابی داریم تا بیداری اردو و مردم خود را وسیعاً ارتقا بخشیم. مردم ما از بیدادگری وحشیانه اشرار به جان آمده و جداً خواهان زنده‌گی صلح آمیز و آرزومند امنیت بوده و امحای هرچه زودتر باندهای جنایتکار را می‌طلبند.



تأمین زندهگی آرام، امحای کامل ضد انقلاب در کشور، دفاع مطمئن از انقلاب اینها همه وظایف مبرم و درجه يك ماست.

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان دفاع از انقلاب ثور را وظیفه درجه يك حزب، همه مردم افغانستان و وظیفه پرافتخار و مقدس قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار داده است. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اردو را به مثابه سازمان یافته‌ترین و عمده‌ترین نیروی سرکوب دشمنان و استقرار وضع در مملکت می‌شمارد.

در قطار سایر نیروهای قوای مسلح، قوای هوایی و مدافعه هوایی که به برکت کمک‌های بی‌شایبه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به واسطه سلاح و تخنیک مدرن محاربه‌وی مجهز گردیده نقش عمده و با اهمیتی را در دفاع از انقلاب ثور و دستاوردهای آن بازی می‌نماید.

قوای هوایی و قطعات مدافع هوایی ما عبارت از طیارات شکاری، شکاری بمبارد مافوق سرعت صوت که در هر نوع شرایط جوی قابلیت اجرای وظایف را دارند. طیارات و هلیکوپترهای ترانسپورتی و هلیکوپترهای حمایه امنیتی، قوت‌های زمینی و کامپلکس‌های مدرن، راکت دافع هوا، همه اینها با سلاح مدرن که وسایل اتوماتیک دشمن را به سرعت کشف نموده و با اداره آتش قوی مجهز اند و مصنونیت پروازها را در هر نوع شرایط تضمین می‌نمایند. برای اداره و استعمال چنین تخنیک پیچیده و مغلط، افسران ما باید دارای دانش عالی، ملکه و ممارست خوب بوده و همچنان از کیفیت عالی مورال سیاسی و محاربه‌وی و عشق به انقلاب، به مردم و به وطن برخوردار باشند.

در حل این وظیفه پر مسؤولیت از جمله نقش عمده به عهده افسران است که در پوهنتون هوایی و مدافعه هوایی آبدیده‌گی لازم ایدیاوژیکی، سیاسی و دانش عمیق علوم اجتماعی، نظامی و مسلکی را حاصل نموده و اکنون مؤظف اند که از این دانش، در کار عملی خویش استفاده نمایند.

ما متیقین هستیم که شما وظایف تانرا با افتخار و شرافت وطنپرستانه با روحیه انترناسیونالیستی ایفا مینمایید.

رفقا، جوانان شجاع وطن!

شما هنگامی به قطعات قوای هوایی می‌پیوندید که سال تعلیمی رو به اختتام است. نتایج احضارات محاربه‌وی و تعلیم و تربیه مسلکی پرسونل نشان داد که مهارت جنگی افسران، خردضابطان و سربازان قوای هوایی و مدافعۀ هوایی قهرمانانه ارتقای قابل ملاحظه‌یی یافته است.

نقش قوای هوایی و مدافعۀ هوایی ما چه در آغاز انقلاب ثور و چه اکنون در دفاع از انقلاب و وطن، ثبت زرین تاریخ کشور ماست.

با وجود آن زندگی در برابر نیروهای قوای هوایی و مدافعۀ هوایی وظایف جدی‌تر، حیاتی‌تر و مشکل‌تری را قرار می‌دهد. حل آنها از شما و از همه منسوبین قوای هوایی و مدافعۀ هوایی نه تنها دانش بلکه انضباط آهنین و آگاهانه، وحدت و همبسته‌گی، شجاعت و مردانه‌گی، متانت، ابتکار و خلاقیت فراوان در مبارزه با ضد انقلاب را خواستار است.

رفقای عزیز!

آرزومندم که شما پیشقدم ترین اشخاص در فراگرفتن امور نظامی باشید تا به حیث نمونه و مثال در وظیفه و زنده‌گی روز مره، ارتقای قابلیت محاربه‌وی قطعات و جزواتام‌ها، اشتراك مساعی با قوای زمینی، استحکام بیشتر دسپلین و نظم عسکری، تحت رهبری حزب قهرمانان و شهیدان ما حزب دموکراتیک خلق افغانستان، با وحدت عام و تام یاری رسانید.

رفقا!

ثروت عمدۀ اردوی ما پرسونل ممتاز و بی‌نهایت وفادار به امر حزب و مردم است. وحدت حزب، مردم و قوای مسلح ما ضامن پیروزی انقلاب ماست. بنابراین نخستین وظیفۀ شما اینست که پیگیرانه و هدفمند با استفاده از تمام نیرو و توان خویش همیشه در امر آموزش و پرورش مادونان به مثابه مربی و برادر مهربان توجه نموده نیازمندی‌ها و خواست‌های آنها را تشخیص دهید و از آنها چون انقلابیون واقعی و وطنپرست و خدمتگزار مردم زحمتکش رسیده گی نمایید.

ختم تحصیل در این کانون تعلیمی یکی از گام‌های نخستین در راه کسب مهارت عالی نظامی است. امور نظامی در حالت سکون باقی مانده نمی‌تواند. سلاح و تخنیک هر روز در حال انکشاف است. فن حرب به طور دوامدار تکامل می‌یابد. در اردو اشخاص جدید شامل می‌شوند. بنابراین دانش کسب شده در پوهنتون به هر اندازه که عمیق و همه جانبه باشد نباید به آن اکتفا کنید. لازم است تا همیشه دانش خویش را با دستاوردهای نوین علوم نظامی و پراتیک و تیوری انقلابی غنا بخشید. جهان‌بینی علمی خود را وسعت داده سطح دانش سیاسی و فرهنگی خود را ارتقا دهید، قسمی که بنیان گذار جهان‌بینی علمی گفته است: «در علم جاده هموار و سهل‌العبور وجود ندارد» تنها کسانی می‌توانند که به قلل شامخ پیروزی‌ها دست یازند که بدون ترس و هراس از خم و پیچ‌های راه علم با قدرت بازوان و زانوهای نیرومند در جاده‌های سنگی آن گام‌های استوار بردارند.

موضوع آماده ساختن کادر افسران و مؤسسات تعلیمی نظامی تحت مواظبت همیشه‌گی حزب ما قرار دارد. به برکت این مواظبت است که با گذشت هر سال کیفیت و سطح آماده‌گی افسران ارتقا یافته، تعداد فارغان با تحصیلات عالی و متوسط افزایش می‌یابد و نهادهای تعلیمی مؤسسه نظامی تکامل می‌نماید. فراغت از پوهنتون نه تنها يك حادثه مهم و پر ارزش برای آنانست که تحصیل را به پایان می‌رسانند بلکه برای قوماندانان، کارکنان سیاسی و تمام هیات استادان نیز روز پر خاطره و فراموش ناشدنی محسوب می‌شود.

آنها نه تنها به محصلین دانش لازم آموخته اند بلکه هم به مثابه پدر و برادر بزرگ از آنان مواظبت نموده اند و باید مواظبت نمایند.

من با رضایت کامل خاطر نشان می‌سازم که در ارتقای قابلیت محاربه‌وی قطعاعات و جزوتام‌های هوایی و مدافعه هوایی کلکتیف شما نقش ارزنده بی دارد. پس از پیروزی انقلاب ثور از این پوهنتون ۲۴۴ تن پیلوت، ۹۴۴ تخنیکر و ۵۳۵ تن پیلوت و تخنیکر هلیکوپتر پر فارغ گردیده است. در این امر زحمات و خدمات صادقانه قوماندانی و آمریت سیاسی پوهنتون قابل یادآوریست.

حالآنکه این رقم در مقایسه با بیست و دو سال قبل از انقلاب که جمعاً يك صد و سی و پنج پیلوت، پنجصد و هشتاد و هفت تخنیکر و پنجصد و سی و پنج نفر مستعجل فارغین را احتوا می‌نمود، بهترین بیانگر شرایط انقلاب و کار و پیکار

رفقای متعهد حزبی و استادان وطنپرست ما می‌باشد.

در امر تربیت و پرورش محصلان، کار و فعالیت مدیر تدریسات پوهنتون، قوماندان پوهنځی راکت و توپچی دافع هوا، قوماندان پوهنځی لوژستیک و استادان پوهنتون که می‌توان دانش و تجربه آنان را سرمایه علمی پوهنتون نامید قابل قدر می‌باشد.

در اثر زحمات آنها و دگر افسران کیفیت پروسه تعلیمی در پوهنتون به مراتب ارتقا یافته و نهادهای تعلیمی خوب ایجاد شده که امکان آماده ساختن متخصصین ورزیده را میسر گردانیده است.

اجازه دهید، به نماینده‌گی از شما، بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و از طرف خود به استادان شما پیلوتان جوان، به مناسبت فراغت تان از پوهنتون صمیمانه تبریک گفته مراتب امتنان قلبی خود را از کار و فعالیت خسته‌گی ناپذیر همه شان ابراز بدارم. اطمینان و ایقان راسخ دارم که آنان در آینده نیز کیفیت پروسه تربیه‌وی و تعلیمی را ارتقا داده و علوم و فنون عسگری را مصرانه انکشاف می‌دهند.

همچنان از برادران خود، مشاورین اتحاد شوروی فرزندان صدیق وطن لنین کبیر به خاطر تلاش‌های خسته‌گی‌ناپذیر شان که در امر پرورش و آموزش شما جوانان نقش قاطع داشته اند ابراز امتنان نموده موفقیت‌های مزیدی را برایشان آرزو می‌نمایم. دوستی و برادری افغان شوروی خدشه ناپذیر و جاویدان است.

رفقا! به خاطر به دست آوردن نتایج عالی در امتحانات نهایی، ۳ رفیق به دریافت مدال‌های دولتی و دوازده تن دگر از فارغان به اخذ تحایف مفتخر گردیده اند. اجازه دهید، آنان را به خاطر دریافت مدال‌های دولتی و تصدیق نامه‌های ممتاز تبریک گفته سعادت و موفقیت‌شان را در وظایف مهم شان که برای وطن و انقلاب ما با ارزش است آرزو نمایم.

همچنان لازم است تا میتود تدریس را همه جانبه تکامل بخشید از هر دقیقه زمان تدریس استفاده ثمربخش‌تر نمود و به همین ترتیب کار علمی و تحقیقاتی را در پوهنتون به صورت همه جانبه توسعه بخشید، تغییرات در قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان و اردوهای مترقی جهان بخصوص علوم و فنون اردوی

قهرمان شوروی را عمیقاً مطالعه نموده، انکشاف امور نظامی و پیش‌بینی کرده و همه جانبه پروسهٔ تعلیمی را تکامل بخشید.

اجازه دهید، با معرفی و تقدیم شما به صفوف رزمندگان قوای هوایی قهرمان ما ابراز اطمینان نمایم که شما پیلوتان جوان اعتماد حزب و مردم خود را با افتخار و سربلندی گرامی‌کنیدداشت و با کار و پیکار انقلابی خویش، افتخارات عنعنوی منسوبین قوای هوایی و مدافعه هوایی را در کمال سربلندی حفظ خواهید کرد.

با اطمینان و اعتماد راسخ اعلام می‌دارم که شما در امر سرکوبی دشمنان انقلاب، ایجاد جامعهٔ نوین و در راه حفظ صلح و دفاع از هوا و زمین وطن افغان‌ها نقش عمده را ایفا خواهید کرد.

رفقای عزیز در این امر بزرگ و مهم پیروزی‌های بیشترش ما را از صمیم قلب آرزو می‌نمایم.

زنده باد قوای زمینی و هوایی اردوی قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان!

زنده باد انقلاب!

پیام به مناسبت تجلیل از بیستمین سالگرد تأسیس انستیتوت پولیتخنیک  
۲۱ میزان ۱۳۶۲

## انستیتوت پولیتخنیک کابل نمونه بارز همکاری دوستانه افغان- شوروی است

استادان، محصلان، اسپیرانت‌ها، کارگران، کارمندان و فارغ التحصیلان انستیتوت  
پولیتخنیک!

تبریکات قلبی و صمیمانه خود را به مناسبت بیستمین سالروز بنیادگذاری انستیتوت  
پولیتخنیک کابل که به تاریخ ۲۱ میزان ۱۳۶۲ مطابق ۱۳ اکتوبر ۱۹۸۳ رسماً  
تجلیل می‌گردد به شما ابراز می‌دارم.

انستیتوت پولیتخنیک کابل که به کمک اتحاد شوروی بنا یافته نمونه بارز همکاری  
دوستانه افغان شوروی که توسط و. ای. لنین پی ریزی گردیده است، می‌باشد.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برادر در تمام شؤون زنده‌گی و از  
جمله در عرصه تحصیلات عالی پیوسته به کشور ما کمک‌های زیادی مبذول داشته  
و مبذول می‌دارند. هزاران تن از محصلان افغانستان در مؤسسات تحصیلات عالی  
اتحاد شوروی در سطوح مختلف تحصیل می‌نمایند و عده هم به ادامه تحصیلات  
ماستری و اسپیرانتوری مشغول اند. برای مؤسسات تحصیلات عالی و مسلکی،  
تخنیک‌ها و مکاتب مسلکی و تخنیکی حرفه‌وی ما بهترین استادان مؤسسات  
تحصیلات عالی و کمیته تعلیمات دولتی حرفه‌وی شوروی جهت تدریس علوم  
مروجه و تخنیک پیشرفته اعزام می‌گردند تا کادرهای ملی ما از تجارب و اندوخته  
های علمی آنان مستفید شوند.

انستیتوت پولیتخنیک کابل از آغاز کار خویش بیش از دو هزار متخصص را تربیه  
نموده که در عرصه‌های مختلف اقتصاد ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان

مصروف فعالیت می‌باشند. در میان این متخصصان آمرین مؤسسات صنعتی و کارکنان ارگان‌های حزبی و دولتی شامل اند.

فارغ‌التحصیلان انستیتوت پولیتخنیک کابل همراه با تمام هم‌میهنان خویش در حل پرابلم‌های اقتصاد ملی و بهتر ساختن سطح زنده‌گی مردم افغانستان و دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور فعالانه سهم می‌گیرند. کار انستیتوت پولیتخنیک کابل به خاطر تربیه متخصصان مطابق به پروگرام درسی تا سطح ماستری و همچنین آغاز ماستری شبانه جهت ارتقای سویه تحصیلی انجیران لیسانس و همچنان تربیه کادرهای ورزیده پداگوژیک و علمی که از طریق تعلیمات اسپیرانتوری انجام می‌یابد مایه امیدواری‌های بیشتر ماست.

با در نظر داشت ضرورت مبرم کشور به کادرهای ملی تأسیس پوهنخی آماده‌گی که محصلان آن پس از ختم آموزش، به مؤسسات تحصیلات عالی و تخنیک‌های اتحاد شوروی معرفی می‌شوند گامیست سودمند. انکشاف پوهنخی آماده‌گی به حیث یک واحد مستقل تحصیلی در چهارچوب وزارت تحصیلات عالی و مسلکی و تأسیس شعبه آماده‌گی کارگری برای فرزندان زحمتکش‌شان که نسبت مشکلات اقتصادی موفق به انجام تعلیمات متوسط نگردیده اند از اقدامات مهم دگری است که توسعه و انکشاف بیشتر آن موجب می‌شود تا سهم فرزندان کارگران و دهقانان در مؤسسات تحصیلات عالی افزایش یابد.

استادان انستیتوت پولیتخنیک کابل جهت انکشاف تحقیقات علمی و بلند بردن مؤثریت تحقیقات با مؤسسات صنعتی رو به انکشاف و تحکیم پیوند‌های مبتکرانه علمی با اکادمی علوم جمهوری دموکراتیک افغانستان سعی بارزی را به عمل آورده اند. انستیتوت مسائل اساسی مربوط به بهبود شیوه‌های تربیت متخصصان مورد ضرورت توسعه تحقیقات علمی و ارتقای مؤثریت استفاده از کادرهای انجیری را با وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات صنعتی متفقاً حل می‌نماید.

بر اساس فعالیت‌های انجام شده می‌توان گفت که انستیتوت پولی تخنیک کابل در بین مؤسسات تحصیلات عالی کشور مؤسسه نمونه و کانون اساسی تربیه کادرهای ملی انجیری افغانستان می‌باشد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اطمینان کامل دارد که مسؤلین

وزارت تحصیلات عالی و مسلکی از طریق انستیتوت پولی تخنیک و دگر مؤسسات تحصیلات عالی و مسلکی در آینده نیز در حل مسایل بهبود تربیه متخصصان ورزیده و وفادار به آرمان‌های انقلاب ثور مساعی ارزشمندی به عمل آورده و درفش این مؤسسه را به حیث مؤسسه تحصیلات عالی پیشقدم جمهوری دموکراتیک افغانستان و نشانه نیرومند دوستی افغان - شوروی جهت تربیه کادرهای ملی انجیری بر افراشته خواهند داشت.

برای شما موفقیت‌های علمی شایان جهت بهبود هرچه بیشتر امر تربیت کادرهای ملی برای کشور عزیز ما جمهوری دموکراتیک افغانستان آرزو نموده صحت و سعادت شما را خواهانم.



## ج.د.ا از بل سچ کوششی در راه تطبیق آرمان‌های صلح سازمان ملل متحد می‌کند

با برگزاری سی و هشتمین سالگرد تأسیس ملل متحد در سراسر جهان مسرت دارم از جانب حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و زحمتکشان کشور صلح‌دوست ما و شخص خود صمیمانه‌ترین تمنیات را به همه نیروهای صلح، آزادی و دموکراسی و ترقی اجتماعی ابراز بدارم. تأسیس سازمان ملل متحد امسال در شرایطی تجلیل می‌گردد که اوضاع بین‌المللی به خاطر احیای سیاست جنگ سرد و تشدید تشنج در مناسبات بین‌المللی توسط محافل ماجراجوی امپریالیستی به میزان بی‌سابقه به وخامت گراییده و صلح این حق مسلم و بلا تردید انسانی در معرض خطر جدی قرار گرفته است.

سی و هشت سال قبل هم‌زمان با سرکوبی فاشیزم و ملیتاریزم این هولناکترین دشمن تمدن بشری سازمان ملل متحد به مثابه میرمترین ضرورت صلح و امن بین‌المللی بنیاد گذاشته شد و شماری از کشورها از طریق امضای منشور آن سازمان متعهد گردیدند تا بشریت را از خطر جنگ ایمن نگه دارند. تاریخ سی و هشت سال موجودیت این سازمان جهانی گواه روشن این واقعیت است که کشورهای صلح‌دوست عضو سازمان ملل متحد، به رغم تمام مساعی امپریالیزم جنگ طلب، صادقانه تلاش ورزیده اند تا اهداف انسانی منشور این سازمان تحقق پذیرد و جهان از خطرات ناشی از سیاست‌های امپریالیستی، هژمونیتی، صهیونیستی، اپارتاید و تبعیض نژادی نجات یابد.

تأمین صلح پایدار جهانی یکی از مسایل مرکزی در اهداف منشور سازمان ملل متحد است. این امر بزرگ زنده‌گی انسان اکنون با سیاست ماجراجویانه و

غیرمسئولانه کشور های امپریالیستی مخصوصاً محافل جنگ طلب ایالات متحده آمریکا که بر سیاست گرایش سریع احیای جنگ سرد، مسابقات تسلیحاتی، تسلیحات هسته‌یی، تشدید تنش بین‌المللی، مقابله نظامی و سیاست زورگویی تأکید می‌ورزند به خطر جدی مواجه گردیده است.

پروگرام نصب مر می‌های ذر موی امریکایی از نوع کروزر و پرسنگ -۲ در اروپای غربی نشانه بارز سیاست ماجراجویانه‌یی است که با عکس‌العمل شدید نیروهای صلح و ترقی در سراسر جهان و بخصوصی در اروپای غربی رو به رو گردیده است.

از اینرو وظیفه سازمان ملل متحد در قبال مسأله جنگ و صلح نسبت به هر زمان دگر دشوارتر و مهمتر گردیده است. ما در حالی که مساعی سازنده و مثبت کشورهای صلح‌دوست سازمان ملل متحد را در امر تأمین صلح جهانی و خلع سلاح تأیید می‌کنیم پیروزی مزید این سازمان جهانی را در امر تحقق اهداف منشور ملل متحد آرزو می‌نماییم.

امیدواریم تلاش‌های سازمان ملل متحد در راه خلع سلاح کامل و ایجاد مناطق فاقد سلاح ذر موی و زون‌های صلح به نتایج مثبت انجامیده و امر تأمین صلح پایدار جهانی تحقق یابد. جلوگیری از فاجعه هسته‌یی اولین و مبرمترین وظیفه‌یی است که در برابر جامعه بین‌المللی قرار دارد. در این مورد پیشنهاد‌های سازنده و واقع‌بینانه اتحاد شوروی دربارهٔ تحدید اسلحه هسته‌یی در اروپا و اعلام اینکه اتحاد شوروی اولین کشوری خواهد بود که اسلحه هسته‌یی را به کار برد، تشویق و نگرانی آن کشور در مورد استفاده از فضای خارجی برای اهداف نظامی و پیشنهاد‌های اخیر آن کشور در این یافته با پشتیبانی قاطع جامعه بین‌المللی رو به رو گردیده است.

جمهوری دموکراتیک افغانستان در حالی که خواستار قطع کامل اقدامات غارتگرانه کشورهای امپریالیستی از کشورهای رو به انکشاف است باور دارد که برقراری نظم نوین اقتصادی بین‌المللی می‌تواند منافع کشورهای کم رشد را تأمین نماید. تجدید مساعی در عالیترین سطح به خاطر تقویت همکاری جهانی در ساحه رشد و انکشاف اقتصادی که مسأله عمده را در کار سازمان ملل متحد تشکیل می‌دهد از اهمیت خاص برخوردار است.

جمهوری دموکراتیک افغانستان به تاسی از سیاست ضد استعماری خود امیدوار است تا سازمان ملل متحد بتواند در راه رهایی خلق‌های تحت استعمار و اپارتاید مانند نامیبیا و تحقق حق انکارناپذیر خلق‌های عرب فلسطین که از طرف امپریالیزم و صهیونیزم غصب گردیده است گام‌های مؤثری بردارد.

جمهوری دموکراتیک افغانستان با سیاست مبتنی بر قضاوت آزاد در امور بین‌المللی، دوستی و همکاری مشترک و مثمر، صلح و همزیستی مسالمت آمیز با همه کشورهای جهان همیشه در فعالیت‌های سازمان ملل متحد سهم مثبت و فعال گرفته و در راه برآورده شدن آمال و اهداف انسانی این مؤسسه جهانی از هیچ‌گونه مساعدت دریغ نورزیده است در حالی که یکبار دگر همکاری فعال خویش را در تعمیم اهداف و ارتقای نقش و مؤثریت سازمان ملل متحد اعلام می‌دارد مجدداً تأکید می‌کند که: از بذل هیچ کوششی در راه تطبیق آرمان‌های صلح این سازمان جهانی مضایقه نخواهد نمود.

سخنرانی در جلسه سراسری منشیان سازمان‌های اولیه اردوی ج.د.ا  
۲۲ عقرب ۱۳۶۲

اردوی ما تنها در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌تواند آرمان‌های بزرگ مردمی و

وطنی انقلاب‌شور را به سر رساند

رفقا!

نخست رضایت‌مندی خود را از اشتراك شما در کار جلسه ابراز می‌دارم و شادباش‌های بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به شما اشتراك‌کنندگان این نخستین جلسه سراسری منشیان سازمان‌های اولیه حزبی اردو اظهار می‌کنم و موفقیت شما را در کار با ثمر جهت ارتقای نقش سازمان‌های حزبی در زنده‌گی اردو و بسیج اعضای حزب برای حل موفقانه وظایف مطروحه در برابر قوای مسلح آرزو می‌نمایم.

رفقای عزیز!

امروز جهان ما، بشریت و تمدن بشری در لحظه حساس بود و نبود، مرگ و زنده‌گی قرار دارد. امروز مانند آن زمانی که فاشیسم سیاه هتلری در ۱۹۳۹ دست به تجاوز و حشیانه در برابر جهان مترقی زد، امپریالیسم بین‌المللی در رأس امپریالیسم امریکا و اداره ریگن نیز کره زمین ما را، سیاره ما را، خانه ما را، خانه بشریت و تمدن بشری را تهدید به جنگ جهانسوز می‌نماید.

امروز تمام نیروهای صلح‌دوست جهان و تمام نیروهای مترقی در يك صف استوار، در جبهه عظیم جهانی دفاع از صلح، علیه جنون جنگ طلبانه امپریالیسم امریکا قرار دارند و برای نجات بشر قهرمانانه می‌رزمند. در رأس این نیروهای بزرگ صلح، نیروی عظیم اتحاد شوروی قرار دارد.

درین مرحله حساس، حزب ما، دولت ما، مردم ما و در مرکز ثقل آن قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان و بخصوص اردوی قهرمان افغانستان وظیفه سنگینی را در این منطقه جهان، درین سنگر دفاع از صلح و امنیت ملی، منطقه‌ی جهانی به عهده دارند. توجه نمایید که اداره ریگن، دست به چه اعمال ددمنشانه زده و می‌زند. امپریالیزم امریکا از منطقه کارابین، امریکای مرکزی و در مجموع امریکای لاتین تا بحر اطلس، اروپا، بحیره مدیترانه، شمال افریقا، شاخ افریقا، شرق نزدیک، شرق میانه، جنوب آسیا، در خلیج، در بحر هند، در جنوب شرق آسیا و در شرق دور، يك خط شیطانی جنگی تجاوزگرانه را ایجاد کرده است. امروز ریگن با نصب راکت‌های پرشنگ ۲ و کروز در اروپا تمام تمدن بشری را با تهدید جنگ هسته‌یی مواجه ساخته است. اتحاد شوروی در يك سنگر با سایر کشورهای سوسیالیستی مصمم به دفاع از صلح جهانی است. تحقق پیشنهادهای صلح آمیز اتحاد شوروی توازن قوا را در جهان حفظ می‌کند. ولی این امپریالیزم امریکاست که می‌خواهد این توازن را برهم زند، با تجاوز مسلحانه جنبش‌های آزادی‌بخش خلق‌های جهان را سرکوب نماید، و جنگ نامقدس صلیبی را علیه اتحاد شوروی، این دژ مستحکم صلح و امنیت، ترقی اجتماعی و عدالت بشری، آغاز نماید.

ما ازین تربیون، توافق عام و تام خود را با ارزیابی رفیق یوری ولادیمیریچ اندروپوف از وضع موجود جهانی و ابتکارات دارای اهمیت تاریخی که وی از جانب اتحاد شوروی مطرح ساخته اعلام می‌داریم. این ابتکارات شاهد روشن سیاست بلانحرف صلحجویانه حزب کمونیست اتحاد شوروی و حکومت شوروی است.

می‌توان پرسید که چرا ما درین جلسه پرشکوه سراسری کارکنان سیاسی و نماینده‌گان ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان به این مطلب تماس می‌گیریم.

نخست از همه اینکه کارکنان سیاسی و حزبی ما در اردوی قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان باید آگاهی درست از وضع جهانی داشته باشند. ما در کنار وظایف ملی و منطقه‌ی، وظایف مقدس انترناسیونالیستی را نیز به عهده داریم. من امیدوارم که ریاست عمومی امور سیاسی اردو تمام سازمان‌های حزبی و تمام اعضای حزب را در اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره مسایل جهانی

و نقشه‌های سیاه، خاینانه و تجاوز کارانه امپریالیزم، در رأس امپریالیزم امریکا و اداره ریگن در جریان و روشنی قرار دهد و در درجه اول منشیان سازمان‌های اولیه را به اوضاع و احوال جهان به خوبی آشنا سازد.

سؤال ساده، امریکا چرا به گرینادا یعنی يك کشور کوچکی که در حدود ( یکصد و بیست هزار) نفوس دارد تجاوز کرد؟

هدف امریکا و متحدین ناتوی آن از توطئه‌ها و دسایسی که در شرق نزدیک، شرق میانه، در لبنان و دیگر نقاط جهان که قبلاً تذکر دادم به پیش می برد، چیست؟ ما باید درباره سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم در تمام نقاط جهان آگاهی حاصل کنیم و عمیق و با ارائه حقایق و ارقام به طور مفصل توضیح نماییم تا موقف و پیشنهادهای اتحاد شوروی را تمام اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان عموماً، در قوای مسلح و بخصوص در اردو عمیقاً درک کنند. در غیر آن مشکل است که موقف اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان در عرصه ملی، منطقه و جهان تثبیت گردد.

رفقا اطلاع دارند که در ویانا در سال ۱۹۷۹ سران اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا معاهده سانت دوم را امضا نمودند. در آنوقت محافل امریکایی و در رأس آنها کارتر اعتراف کردند که توازن قوا در جهان موجود است یعنی توازن نیروهای تاکتیکی، اوپراتیفی و استراتیژیک میان کشورهای سوسیالیستی در رأس اتحاد شوروی و کشورهای سرمایه داری در رأس امپریالیزم امریکا و همدستان آن در ناتو وجود دارد، ولی از آنجا که محافل حاکم و کامپلکس های انحصارات نظامی - صنعتی امریکا فشار وارد کردند معاهده سانت ۲ از طرف مجلس نمایندگان امریکا تصویب نشد. از آنزمان تاکنون اگر ما پروسه پیشنهادهای صلح آمیز اتحاد شوروی را مطالعه کنیم به وضاحت دیده می‌شود که امپریالیزم امریکا برای يك جنگ هسته‌یی نه تنها علیه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی، بلکه در واقع علیه تمام بشریت و سیاره ما تدارک می بیند.

در مورد کشور خود حرف می زنیم: قبل از همه باید یادآور شد که وظیفه حزب ما بخصوص قوای مسلح ما خاصناً اردوی قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان اینست تا درك نمایند که مرحله نوین انقلاب ثور یعنی چه؟

اگر ما حقیقت مرحله نوین انقلاب ثور را عمیقاً و مطابق به حقایق سرسخت درك نکنیم در آن صورت وظایف دفاع از انقلاب ثور را درست انجام داده نخواهیم توانست.

رفقا!

این حقیقی است تکان دهنده که قبل از مرحله نوین انقلاب ثور نقشه محیلانه ارتجاع و امپریالیزم این بود که از موضع افغانستان دست به تجاوز زدیلانه بزنند. افغانستان قبل از مرحله نوین انقلاب ثور در لبه يك پرتگاه وحشتناك قرار گرفته بود. اکنون در برابر ما این وظیفه قرار داد که نیروهای خود را بسیج کنیم و در راه آرمانهای مقدس انقلاب ثور قهرمانانه برزمیم. بخصوص در راه انقلاب ثور و دوره‌های فازها و مراحل تکاملی آن بخصوص ضرور است که اردوی قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان برزمد، زیرا در فاش انقلاب ثور را حزب به کمک شما نمایندهگان قهرمان مردم افغانستان در پیوند با خلق به پیش می برد. به این مناسبت وظایف شما در دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور سنگین و مقدس است. مرحله نوین انقلاب ثور ادامه انقلاب ثور است.

قبلاً گفتیم که افغانستان در برابر پرتگاه وحشتناکی قرار گرفته بود، توطئه‌یی بود از طرف امپریالیزم امریکا و به کمک دستیاران و متحدان آن یعنی تمام ارتجاع بین‌المللی و منطقه‌یی، از مصر و عربستان سعودی گرفته تا پکت ناتو و تا هژمونیزم پکن و این توطئه در وجود پاکستان و ایران متبازر گردید. اینها چه پلانی داشتند؟ من به صورت مختصر و فورمولبندی شده برای شما اعلام می‌دارم که آنها می‌خواستند پدروطن ما را، وطن آبا و اجداد و نیاکان ما را از روی نقشه کره زمین محو سازند و یا اینکه، چرخ انقلابی افغانستان را به عقب به طرف قرون وسطی سوق دهند.

نقشه تجزیه افغانستان مطرح بود، شما حزبی‌ها باید از لحاظ تاریخ کشورتان و از لحاظ وظایف سنگین انقلابی تان تشخیص دهید که ستراتیژی انگلیس‌ها در مورد افغانستان چه بود؟ بعد از تجزیه نیم قاره هند، ستراتیژی پاکستان چه بود و چه هست و در آینده چه خواهد بود؟ آنها امروز با پشتیبانی امپریالیزم امریکا و بخصوص اداره ریگن پلان‌های شومی در مورد کشور ما دارند. همچنان باید به

تاریخ ملی کشور خود رجوع کنیم که شوونیزم ایران همیشه در سیر تاریخ چه هدف استراتژیکی در مورد افغانستان داشته است.

من امیدوارم که مقامات امور سیاسی ما در زمینه تاریخ ملی کشور به رفقای حزبی، جوانان اردوی ما و به افسران ما اطلاعات کافی بدهند.

اگر مسأله را ساده بسازیم این حقیقت سرسخت است که نقشه استراتژیک آنها اشغال مناطق پشتون‌های ما تا خط هندو کش بوده است و همچنین محافل شوونیزم ایران همیشه هدف اشغال قسمت‌های غربی افغانستان را داشته اند. نقشه دگری نیز بعد از ظهور ارتداد مائوئیزم در چین تدوین شده است که براساس آن یک قسمت افغانستان جزء نقشه امپراتوری چین قرار می‌گیرد. این بود نقشه دشمنان ما قبل از مرحله نوین انقلاب ثور.

تحریکات و توطئه صورت می‌گرفت تا یک افغانستان نام نهاد و به نام در کابل به مثابه دولت دست نشانده قرون وسطایی موجود باشد و در دست سیاه امپریالیزم امریکا قرار گیرد. آنان می‌خواستند که در افغانستان پایگاه سرکوب تمام جنبش منطقه و پایگاه ضد شوروی، ضد صلح و ضد سوسیالیزم را ایجاد کند. این بود نقشه سیاه دشمنان، ولی پیروزی انقلاب ثور در افغانستان، پیروزی نیروی پر تحرکی در منطقه است که می‌تواند در فش و مشعل جنبش انقلابی را در منطقه و در ساحه وسیعی بر افراشته نگاه دارد. اینرا دشمنان ما تشخیص داده اند. امپریالیزم از نیروهای ضد انقلاب و ارتجاع داخلی، از نیروها و عناصر فیودالی و تمام طبقات و اقشار ستمگر، از سلطنت طلبان و بیروکرات‌ها و تمام اقشار ارتجاعی که در یک جبهه نامقدس علیه انقلاب ما متحد شده اند، استفاده می‌کند.

رفقا!

قبل از مرحله نوین انقلاب ثور مردم و کشور ما با دشواری‌های بزرگی مواجه بودند و انقلاب ما در معرض سقوط و استقلال ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور مورد تهدید جدی قرار گرفته بود. طوری که خواست رهبر زحمتکشان جهان و بنیاد گذار اتحاد شوروی و بنیادگذار دوستی افغان شوروی و. ای. لنین بود هر وقتی که افغانستان به مشکلات مواجه گردیده از کمک‌های بی شایبه و برادرانه اتحاد شوروی برخوردار گردیده است. در آن زمان نیز اتحاد شوروی بر اساس



قرارداد دوستی، همکاری و حسن همجواری بین دو کشور بموقع به کمک ما شناخت. من اینرا از تربیون بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به جهانیان اعلام داشته ام. اگر اتحاد شوروی و کمک به هنگام آن نمی بود امروز افغانستان انقلابی، استقلال افغانستان و حاکمیت ملی افغانستان به حیث یک کشور غیر متعهد وجود نمی داشت. لهذا کمک به هنگام اتحاد شوروی با همبستگی تمام نیروهای حزب ما و اراده مردم ما موجب نجات کشور مان گردید.

رفقا!

من با وضاحت و صراحت لهجه به شما ابلاغ می دارم که اتحاد شوروی بزرگ به حیث یک کشور پهناور از غرب تا به شرق یک بر ششم قسمت جهان را دربر می گیرد و از منابع عظیم و بیکران برخوردار است و هرگز از نظر اقتصادی به افغانستان ضرورت ندارد. علاوه بر آن بنابر ماهیت نظام سوسیالیستی، اتحاد شوروی هیچگاه در برابر هیچ کشوری هدف استثمارجویانه چون سرمایه داری و امپریالیزم نداشته، ندارد و نخواهد.

به این مناسبت اتحاد شوروی کمک به افغانستان انقلابی را وظیفه انترناسیونالیستی خود میدانند. اتحاد شوروی بر اساس دوستی افغان شوروی به افغانستان کمک کرده است. چرا من به این نقطه تأکید می ورزم، زیرا که دشمنان ما از طریق وسایل اطلاعات جمعی خویش و بعضاً در داخل اردوی ما، دولت ما و مردم ما، در دهها شهرها تبلیغات خابانه دروغین، سیاه و ردیلانه برعکس حقیقت به راه انداخته اند. به این مناسبت ما باید مرحله جدید کمک اتحاد شوروی و دوستی اتحاد شوروی را نه تنها درک نماییم بلکه باید به حیث انقلابی های استوار، به حیث وطنپرستان افغان و انترناسیونالیست و دوستان صدیق دوست بی شایبه خویش اتحاد شوروی به این اصل معتقد باشیم و علیه هر نیرویی که در کشور ما ضد این آرمان ها عمل می کند با مشت آهنین چه با تبلیغات و چه با وسایل دگر جواب بدهیم.

رفقا!

چون قوای مسلح ما و خاصناً اردوی ما در پیوند با مردم است لهذا در کنار دگر وظایفی که بعداً آنها را خاطر نشان خواهم ساخت راهی را باید جستجو کند تا رفقای حزبی، منشیان و ارگان های سیاسی و سازمان های اولیه حزبی ما بتوانند پیوند

عمیق تر و ارگانیک تر با مردم داشت باشند.

درینجا موضوع دگری را متذکر می‌شوم. موضوعی که دشمنان ما ارتجاع و امپریالیزم از آن در حد نهایی استفاده می‌کنند عبارت از معتقدات مردم افغانستان است. چه معتقدات از لحاظ سنن و عنعنه، چه از لحاظ معتقدات مذهبی و دینی و چه معتقداتی که ناشی از عدم درک درست باشد.

لهذا این وظیفه حزب و دولت و دگر نیروهای انقلابی و وطنپرست، وظیفه حزبی‌هاست تا در کار تبلیغاتی در پیوند با مردم، با سلاح زبان، با روش درست، با در نظر داشت خصوصیات و روحیات مردم، حقایق را برای آنان بفهمانند. اگر این حقایق فهمانده نشود بنا بر خصوصیتی که مردم دارند فریب می‌خورند. آله و وسیله دشمن قرار می‌گیرند. نیروهای مسلح یک کشور بخصوص اردوی آن بدون داشتن اساس و پایگاه اجتماعی و مردمی، بدون پیوند با توده‌های مردم نمی‌تواند پیروزی به دست آورد.

رفقا!

باید این مسأله را تشخیص بدهید، درک کنید و به تمام اردو و قوای مسلح تعمیم دهید که قوای مسلح، بخصوص اردوی قهرمان ما، پسران و فرزندان صدیق و واقعی مردم خود اند. خصوصیت و کرکتر اردوی جدید و نوین انقلابی که به موازات رشد و تکامل جامعه به پیش می‌رود اینست که در خدمت زحمتکشان کشور می‌باشد.

ما باید چه در داخل اردو و چه در میان توده‌های مردم، سلاح تبلیغات، تبلیغات علیه تبلیغات ضد انقلاب، تبلیغات علیه تبلیغات ارتجاع و امپریالیزم را قویاً تقویه نماییم. و با صراحت باید گفت که نیروهای ارتجاعی ایرانی که امروز به طرف قرون وسطی روان هستند و ارتجاع سیاه پاکستان می‌خواهند زیر نام دین اسلام توده‌های شرافتمند افغانستان را فریب دهند و تحمیق کنند. اینجا غیرت و ننگ و وطنپرستانه لازم است تا در برابر چنین مداخلات دشمنان، استوار و با تصمیم آماده برای دادن قربانی جهت دفاع از ناموس وطن و مردم حاضر بود.

رفقا!

اعضای حزب و سایر نیروهای وطنپرست افغانستان علی‌الرغم پیچیده‌گی اوضاع با پیگیری و استواری، فیصله‌های کنفرانس سرتاسری و پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب را عملی می‌سازند. هرچند دشمنان، وحشت و دهشت ایجاد نمایند، باز هم پروسه انقلابی در افغانستان به پیش می‌رود. ضد انقلاب توانایی آنرا ندارد که جریان تکامل و حرکت پیشرونده کشور را تغییر بدهد. به همان پیمان‌ه‌ی که مردم بیشتر به اهداف انقلاب ما، انقلاب ثور پی می‌برند به همان اندازه پاسخ هرچه نیرومند تر و دندان شکن تر به دشمنان وطن می‌دهند.

رفقا!

راجع به اوضاع اقتصادی کشور می‌توان صحبت‌های فراوان کرد، هم جهات مثبت و هم جهات منفی. لیکن من نمی‌خواهم درین فرصت درباره تحلیل اوضاع اقتصادی کشور زیاد حرف بزنم، من به مسایلی تماس می‌گیرم که مستقیماً به وظایف شما تعلق می‌گیرد. نیروهای مسلح و بخصوص اردو چه در وقت جنگ و سفر و چه در وقت صلح و حضر در پهلوی دگر نیروهای کشور در امر ساختمان اقتصاد ملی کشور فعالانه سهم می‌گیرند.

شما در نظر بگیرید که قوای مسلح اتحاد شوروی چگونه در راه رشد اقتصاد ملی اتحاد شوروی فعالانه سهم می‌گیرند. چگونه در ساختمان سرك‌ها، بندها، پل‌ها، مکاتب، شفاخانه‌ها، کلخوزها و ساوخوزها سهم همه جانبه می‌گیرند و چه نقش خلاق‌ی را در رشد و تکامل اقتصاد اتحاد شوروی ایفا می‌نمایند. این هم یکی از وظایف جدی شما بخصوص رفقای منشی یعنی رفقای رهبری سازمان‌های اولیه حزبی است تا بتوانید رفقای حزبی اعم تربیه از جنرال و سرباز را با شیوه خاصی تربیه کنید، که در حدود امکانات به موازات مبارزه و جنگ با دشمنان به مردم کمک کنند. در هر حال باید نسبت به امکانات، بیشتر جد و جهد کرد.

وضع اقتصاد موجود ما چگونه است؟ به شما خاطر نشان می‌سازم که علی‌الرغم جنگ اعلان نشده ارتجاع و امپریالیزم و تخریب و سبوتاژ ضد انقلاب و باندیتیزم بنابر کمک‌های برادرانه اتحاد شوروی، رشد نسبی اقتصاد خود را در عرصه‌های صنعت، زراعت، تجارت، ترانسپورت و غیره و غیره تأمین نموده ایم. امروز

شاخص‌ها و ارقام بیانگر این است که ما در رکود اقتصادی قرار نداریم.

رفقا!

هرگاه شما اطلاعات دقیق داشته باشید می‌دانید که وضع کشور ما علی‌الرغم بزرگترین دشواری‌ها از لحاظ اقتصادی نسبت به پاکستان، ایران، برخی از کشورهای شرق میانه و بسیاری کشورهای دیگر بهتر است. ولی با این امر قانع نیستیم و حزب ما و دولت ما تمام سعی و مجاهدت به عمل می‌آورند و باید به عمل بیاورند تا هرچه بیشتر رشد اقتصادی جامعه توأم با حل مسایل ملی در کشور، توأم با رشد فرهنگ و معارف بر اساس انقلاب فرهنگی، ادامه یابد و پیگیرانه تعقیب گردد.

شما از جمله پیشاهنگان انقلاب هستید. شما باید منشیان آگاه و باشعور اردوی افغانستان باشید. با ارائه معلومات همه جانبه شما می‌توانید صفوف حزبی و غیرحزبی‌ها را نسبت به حقایق کشور تان آگاهی بدهید.

رفقا!

حزب و حکومت حین طرح تدابیر جهت تقویت و توسعه حاکمیت مردم توجه دایمی به مسایل مربوط به تحکیم قدرت دفاعی کشور و آماده‌گی رزمی قوای مسلح معطوف می‌دارند. ما زحمتکشی و کار نظامی را جزء متشکل کار عمومی دولت و حزب می‌شماریم و از آن قدردانی می‌کنیم. تنها طی سال جاری بیش از شش هزار نفر از منسوبین اردو مفتخر به اخذ نشان‌ها و مدال‌های جمهوری دموکراتیک افغانستان گردیده اند.

اردو شمشیر انقلابی مردم زحمتکش افغانستان است که پلان‌ها و توطئه‌های خاینانه دشمنان طبقاتی را نقش بر آب می‌سازد. قطعات و جزو تانک‌های اردو همراه با قطعات خاوندی، خاد و فعالین حزبی بارها وفاداری خود را به مردم، به وطن و به انقلاب ثابت کرده اند. افتخار به قوای مسلح ما، به اردوی قهرمان ما!

نیروهای مسلح ما به کمک اتحاد شوروی به همه وسایل لازم جهت اجرای کامل وظایف مطروحه مجهز و تأمین گردیده است. سطح سازماندهی آن بهبود یافته و مهارت جنگی، سطح تجهیز تخنیکی و قدرت آتش آن ارتقا حاصل نموده است و

کادرهای نوین رشد و تقوی یافته است.

در امر ساختمان نیروهای مسلح، نقش حزب دائماً افزایش می‌یابد. حزب، نقش رهبری کننده سیاسی خویش را در نیروهای مسلح از طریق قوماندانان و کارکنان سیاسی و سازمان‌های حزبی عملی می‌سازد. برای نخستین بار در تاریخ نیروهای مسلح کشور، انستیتوت کارکنان سیاسی ایجاد شده است، کمیته مرکزی حزب توجه دایمی را به تربیت و جابجا ساختن کادرهای سیاسی معطوف داشته و فعالیت کارکنان سیاسی را به مثابه حاملان خستگی‌ناپذیر سیاست حزب در اردو و به مثابه مربیان ایدیولوژیک و اخلاقی سربازان، عالی ارزیابی می‌نماید. امروز سازمان‌های حزبی اردو یک سوم همه اعضای اردو را در صفوف خویش دارند. حزب از طریق سازمان‌های اولیه به طور محکم با منسوبین اردو ارتباط داشته سربازان را با روحیه مردانه‌گی، شجاعت و وفاداری به اندیشه‌های انقلاب تربیت می‌کند.

رفقا!

امروز تعداد اعضای حزب به بیش از یکصد هزار نفر رسیده است. عمده اینست که ترکیب کیفی حزب بهبود یابد. شعور سیاسی ارتقا حاصل نماید و به حزب، شایسته‌ترین، فعال‌ترین، آگاه‌ترین و وفادارترین افراد جذب گردند. پذیرش کارگران، دهقانان، جوانان و زنان چه در داخل اردو و چه در خارج از آن اهمیت درجه اول کسب می‌کند.

رفقا! به يك اصل مهم و حیاتی دگر می‌پردازیم. همه پیروزی‌های جامعه ما به طور گسست‌ناپذیر با فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارتباط دارد. خاطر نشان می‌گردد که باید حزب هر چه بیشتر به سازمان دهنده و نیروی رهبری کننده توده‌ها مبدل گردد.

این قانون اساسی انقلاب ماست و اگر ما جریان و سمت عمده تکامل حزب خود را در مرحله کنونی انقلاب ثور مشخص سازیم، پس با استفاده از بیان یکی از بنیادگذاران تیوری انقلابی می‌توانیم بگوییم که حزب هر چه عمیقتر با مردم جوش می‌خورد. این جریان را باید در آینده نیز تقویت و تکامل بخشید. باید حزب پرولتریزه شود. انقلاب مادر مرحله تاریخی ملی و دموکراتیک قرار دارد، یعنی انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی در کشور ما نیروی عمده

را دهقانان تشکیل می‌دهند؛ اما علی‌الرغم آنکه طبقه کارگر ما جوان است نقش رهبری کننده را در وجود حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایفا می‌کند.

ما باید درک کنیم که اردوی ما با اردوی دیروز از لحاظ مضمون و ماهیت فرق دارد. اردوی دیروز تیپ سلطنتی و اشرافی داود بود. اردوی حامی منافع طبقات استثمارگر و ستمگر بود. ولی بعد از پیروزی انقلاب ثور در تحت رهبری ح.د.خ.ا و به کمک دوست صدیق مان اتحاد شوروی، اساس اردوی نوین، اردوی زحمتکشان در افغانستان ایجاد شده است.

رفقا!

هرگاه کارکنان سیاسی و حزبی اردوی ما بخصوص رهبران سازمان‌های اولیه بی که ارتباط و پیوند مستقیم با توده‌های سربازان، خردصابطان و افسران دارند، از یک جهت ماهیت طبقاتی اردوی ما را درک نکنند و از جهت دیگر تبلیغ نکنند، ما نمی‌توانیم بگوییم که اردوی ما مدافع زحمتکشان کشور است. اردوهای امپریالیستی و سرمایه داری در جوامع که طبقات استثمارگر حاکمیت دارند طوری که رهبر زحمتکشان جهان و. لینن می‌گوید در خدمت طبقات ستمگر و استثمارگر قرار دارد. اکنون شما مخصوصاً رفقای حزبی باید از لحاظ سیاسی این آگاهی و شعور قوی را داشته باشید تا درک کنید که بعد از این قوای مسلح ما و اردوی ما مربوط به زحمتکشان و در پیوند با زحمتکشان می‌باشد.

اگر این امر درک و تشخیص نشود، نمی‌توان گفت که ما اردوی طراز نوین داریم. اینست. مفهوم پرولتریزه شدن اردو در شرایط کشور ما، یعنی فرزندان کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان باید هرچه بیشتر به حیث سپاهیان و سربازان انقلاب کار کنند. بعداً در تز دیگری راجع به حزبیت اردو صحبت خواهیم کرد.

نکته مهم دیگر: تحکیم وحدت صفوف حزبی و تحکیم دسپلین، مشی انحراف ناپذیر کمیته مرکزی حزب به شمار می‌رود. این مطالبات از سازمان‌های حزبی اردو نیز جداً انتظار برده می‌شود.

رفقا! گفتیم دو اصل: وحدت و دسپلین.

ما در باره وحدت هم در سرتاسر حزب و هم در قوای مسلح، بخصوص در اردوی

خود، فراوان حرف زده ایم.

اما رفقا! اکنون من به شما خاطر نشان می‌سازم و شما هم حتماً آخرین فیصله بیروی سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را شنیده و یا مطالعه کرده اید. ما دگر نمی‌توانیم ضعف وحدت را بخصوص در اردوی جنگنده، قهرمان و خدمتگزار زحمتکشان، در اردوی طراز نوین خود تحمل کنیم.

وقت کم است. در زمانش باید تاریخ کامل و دقیق حزب ما نوشته شود و به دسترس همه رفقای حزب گذاشته شود. نوشتن تاریخ حزب، کار دقیق عینی و علمی را ایجاب می‌کند. این شرف حزب ماست که تاریخ حزب ما باید روی حقایق نوشته شود. به هر حال، از گذشته ما باید بیاموزیم و در آینده باید متوجه این مسأله باشیم.

رفقا!

با شما باید صریح حرف بزنم. رهبر پرولتاریای جهان و. ای. لنین می‌گوید که هیچگاه نباید حقایق را از حزب و مردم مخفی نگاه داشت. باید با صراحت به شما بگویم که کمیته مرکزی، بیروی سیاسی و حزب به صورت قاطع مصمم است که وحدت ارگانیک، وحدت اصولی و دسپلین آهنین را در حزب، در دولت و بخصوص در قوای مسلح خاصاً در اردوی قهرمان تأمین کند. اینست یکی از وظایف مبرم، حیاتی و مهم.

رفقا، منشی‌های سازمان‌های اولیه، از واحد بلوک تا به قول اردوها تا قوای زمینی و قوای هوایی و مدافعه هوایی!

ما باید وحدت حزبی، وحدت عموم حزبی‌ها و غیرحزبی‌های اردوی افغانستان، وحدت اردو و همه قوای مسلح افغانستان را با توده‌های مردم در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به صورت قاطع توأم با دسپلین آهنین تأمین کنیم.

رفقا!

متوجه باشید که به حیث افغان‌های وطنپرست و انقلابی، وفادار به مردم، به وطن، به انترناسیونالیسم پرولتری، به دوستی با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، صدیق و وفادار به حزب دموکراتیک خلق افغانستان مطابق به برنامه عمل، اساسنامه حزب و مصوبات پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق

افغانستان، ما باید درین سیستم مجتمع، تمام درك شعور، کرکتر و اخلاق خود را متمرکز بسازیم. بعد از مرحله نوین انقلاب ثور ما کارهای قابل توجهی انجام داده ایم.

رفقا!

توجه کنید، وقتی که وحدت وجود داشت برای نخستین بار در تمام سیر تاریخ ملی افغانستان حزبی برای خدمت به زحمتکشان ایجاد گردید. همان حزبی که در مدت کوتاه سیزده سال عمر خود تمام نهادهای کهن را در افغانستان دگرگون ساخت و شیرازه و اساسات جامعه نوین افغانی را پی‌ریزی کرد. این کار آسان و سهل نبود. البته افتخار به شمشیر بران اردوی افغانستان وقتی که بعد از انشعاب وحدت صورت گرفت، انقلاب ثور پیروز گردید. در مرحله نوین که وحدت تأمین شد، پیروزی مرحله تکاملی و نوین انقلاب ثور به دست آمد.

ببینید رمز پیروزی در چیست؟ از همه اولتر در وحدت یکپارچه حزب است: وحدت ایدیولوژیک، وحدت سیاسی یعنی تاکتیکی و استراتژیک، وحدت سازمانی و وحدت گروه رهبری از بالا به پایان، این رمز مهم پیروزی ما به شمار می‌رود.

اینجا هیچ امتیازی برای این و آن نیست. همه ما افغان، همه ما مدافع آرمان انقلاب ثور، همه ما مجهز با ایدیولوژی پیشرو عصر مان، همه ما خدمتگار خلق‌های آزاده و زحمتکش افغانستان، همه دوستان صدیق اتحاد شوروی، همه اعضای یک حزب (حزب دموکراتیک خلق افغانستان) هستیم، همه ما به یک آرمان، به یک وطن، به یک مردم، به مثابه وطنپرستان و انترناسیونالیستان صدیق معتقد هستیم، همه ما در یک خانه و یک جای زنده‌گی می‌کنیم، می‌رزیم، کشور شگوفان و نوین خود را می‌سازیم و سعادت زحمتکشان کشور خود را تأمین می‌کنیم، پس اصطلاح پرچمی و خلقی برای چه؟

رفقا! درین راه مبارزه سرسخت نمایید. یک حزب، یک آرمان، یک اردوی قوی و نیرومند. در غیر آن باید بدانید صریح به شما می‌گویم - کسی که آگاهانه و شعوری یا غیرشعوری این مسایل را دامن می‌زند در خدمت دشمنان افغانستان، دشمنان آزادی و استقلال کشور ما، دشمنان سرزمین مقدس افغانستان قرار می‌گیرد. این اخطار و اعلام جدی است که به شما رفقای حزبی و منشیان که رهبری حزبی



اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان را تشکیل داده اید، ابراز می‌نمایم.

رفقا!

البته به این باید معترف بود که یک‌عده رفقای ما ناآگاهانه یا در تحت تأثیر تبلیغات دشمن و یا بعض عناصر جاه طلب، خودخواه، مقام پرست و چوکی پرست شاید تحریکاتی را در داخل حزب به وجود بیاورند ولی در هر مقامی که باشند ما باید آنان را تشخیص دهیم، آنان را باید افشا کنیم تا نقش منفی را در راه وحدت اردوی ما و حزبی‌های ما در اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان تعمیل کرده نتوانند. این شما هستید، شمشیر اردوی افغانستان است که انقلاب ثور را به پیروزی رساند همان طوری که به دژ استبداد یورش بردید امروز نیز ضامن حفظ اردو و وحدت نیروهای مسلح افغانستان هستید.

رفقا!

چهارسال از مرحله نوین انقلاب ثور گذشت. بر اساس اصول قوانین و قواعد انقلابی ما دگر نمی‌توانیم به شیوه و میتود دیروز کار کنیم. ما باید اوراق اندیشه‌های دیروز را طوری که رهبر پرولتاریای جهان می‌گوید حریق کنیم و آنچه را که لازم است در آرشیف بگذاریم. ما با تصمیم قاطع نوین وارد کارزار عظیم انقلابی نوین میگردیم. هر نیرویی که در برابر ما مقاومت کند به نیروی شمشیر شما و بازوی شما (اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان) خاصناً و عموماً قوای مسلح آنرا به جایش خواهیم نشاند.

نکته‌یی که باید رفقا در ساحه وحدت متوجه آن باشند اینست که بعض گروه‌هایی جدا شده از حزب دموکراتیک خلق افغانستان در داخل حزب ما یا مستقیماً و یا غیرمستقیم داخل شده اند. آنها نباید در تحت تبعیض و تمایز اردوی ما قرار گیرند. باید با آنها که اعضای جدید حزب هستند و از گروه‌هایی دگر داخل حزب شده اند، برخورد عادلانه و درست صورت بگیرد.

رفقا!

در حزب ما عموماً و بخصوص در قوای مسلح و خاصناً در اردوی قهرمان ما به مثابه نیروی اساسی دفاع از انقلاب، کشور، سرزمین، و مردم وقتی که از وحدت

می‌گوییم و می‌خواهیم مبارزه سرسخت را علیه تمام انحرافات و اشتباهات و اشتباهاتی که جبران ناپذیر باشد، علیه تمام گرایش‌های ضد وحدت، علیه انحرافات ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی، علیه تمام انواع اپورتونیزم راست و چپ، رویونیوزم راست و چپ، علیه ناسیونالیزم محلی و علیه شوونیسم و دگر پدیده‌های انحرافی، محل پرستی‌ها، خویشاوندی‌ها، رفاقت‌بازی‌ها، محافل و جرگه‌های گرم شخصی، علیه فساد و سوء استفاده از بودجه دولت به راه اندازیم، طوری که رهبر پرولتاریای جهان ولادیمیر ایلیچ لنین همیشه تأکید می‌ورزید باید بدانیم که بدون دسپلین آهنین نه اردوی پرولتاریا می‌تواند نیرومند باشد و علیه تجاوزات امپریالیستی و طبقات ستم‌گر بجنگند و نه يك حزب زنده و پر تحرک در پیوند با توده‌ها ایجاد شده می‌تواند. نقطه مهم، دسپلین آهنین است، بخصوص در اردو.

رفقا!

من این مسأله را در بیروی سیاسی مطرح ساختم. حزب ما برای چه تأسیس شد؟ قبلاً هم ما گفتیم که برای خدمت زحمتکشان و خلق زحمتکش کشور، لهذا نشود که به حیث يك اقلیت، حزب ما جای طبقات حاکم، ستمگر و استثمارگر دیروز را اشغال کند. ما باید در تمام شوون زنده‌گی خود در دولت، در فابریکه، در مکتب، در شفاخانه، در تمام ارگان‌های دولتی و حکومتی، در حزب و بخصوص در قوای مسلح و در اردوی قهرمان دسپلین آهنین را تأمین کنیم. رهبر پرولتاریای جهان لنین می‌گوید بدون دسپلین آهنین در اردو، اردو نمی‌تواند از آرمان‌های انقلاب دفاع کند. جهات اساسی که باید سعی جدی سازمان‌های حزبی اردو به آن معطوف گردد عبارتند از تحکیم و تقویت دایمی نیروهای مسلح، ارتقای قابلیت رزمنده‌گی قطعات و جزوات‌ها از پایین تا بالا و بهبود کیفیت آموزش و پرورش پرسونل.

در قابلیت رزمنده‌گی اردو نتایج فعالیت کثیرالجانب قوماندانان، قرارگاه‌ها، کارمندان سیاسی، سازمان‌های حزبی و منشیان آن و همه پرسونل اردو و توانایی آنان برای اجرای وظیفه اساسی یعنی دفاع مطمئن از دستاوردهای انقلاب ثور، تجلی و انعکاس می‌یابد.

قابلیت رزمنده‌گی نمی‌تواند خصلت مؤقتی و موسمی داشته باشد و یا در کدام سطح معین متوقف گردد. آن را باید دایماً و دایماً بهبود و تکامل بخشید. مهمترین جهت در امر تحکیم اردو عبارت از بهبود آماده‌گی سربازان برای عملیات نظامی و

ارتقای قابلیت جنگی قطعات و جزوتام‌ها.

آشنایی با وضع امور و جریان مبارزه با ضد انقلاب ثابت می‌سازد که بعضی از قطعات و جزوتام‌ها، قابلیت ضعیف جنگی از خود نشان داده اراده خود را بر اشرار تحمیل کرده نمی‌توانند.

رفقا!

نقطه ضعیف دگر ما در جنگ اعلان نشده‌یی که از طرف ارتجاع و امپریالیزم علیه ما تحمیل شده در اردوی ما چیست؟

ما در فاز و مرحله نوین قرار داریم و مواجه با يك جنگی خاص علیه باندیتیزم هستیم. باید رهبری اردوی ما هرچه زودتر تاکتیک جنگی را علیه تاکتیک باندیتیزم نه تنها فرا بگیرد بلکه باید بر اوضاع مسلط شود. این امر مهم جنگی است. ما مسؤولیت ملی، منطقه‌وی و جهانی را داریم که هرچه زودتر صلح و امنیت را در کشور خود در این سنگر نیروهای صلح و ترقی و آزادی جهان تأمین کنیم و سد فولادین و آئینی را در کشور خود و در منطقه خود علیه تجاوزات امپریالیزم جهانی، در رأس امپریالیزم امریکا و در برابر پاکستان و ارتجاع ایران ایجاد نماییم. به این مناسبت ممکن است تاکتیک‌های مختلف جنگی در کشور ما علیه انقلاب ما و وطن ما تحمیل گردد. ما باید با تحرک دینامیک و همه جانبه تاکتیک‌های جنگی را فرا بگیریم. ما باید از تمام شرایط توپوگرافی سرزمین و کشور خود، کوه‌ها، دریاها، مناطق سبز، جنگل‌ها، کوچه‌ها و شهرها با مهارت، کفایت، لیاقت و شایسته‌گی جدی اطلاع داشته باشیم. این وظیفه شما رفقای قوماندانان طراز نوین است.

رفقا! یکی از مسایل مهمی که از جمله وظایف رفقای حزبی، ارگان‌های سیاسی، سازمان‌های حزبی بخصوص گروه رهبری جوانان ما و منشیان سازمان‌های اولیه می‌باشد همکاری با قوماندانان قطعات و جزوتام‌ها به حیث معاونان آنهاست. باید در زمینه مسایل تخنیک نظامی توجه خاصی مبذول داشت. ما باید هر مرمی، هر قبضه تفنگ و تفنگچه تا به سلاح‌های ثقیل و بزرگ را جزء ناموس و شرف خود بدانیم این شعار افغان‌هاست که تفنگ را به مثابه ناموس خود تلقی می‌کنند. کسی که در برابر سلاح‌های محصول رنج زحمتکشان کوچکترین بی‌اعتنایی و سهل

انگاری کند و از آن حفاظت درست ننماید و آنرا به جایش به صورت موثر استعمال نکنند، در حقیقت امر به اساس ضرب المثل ما افغان‌ها، اجازه بدهید درشت حرف بزنیم، در برابر ناموس خود گویا بی‌اعتنایی کرده است. چطور است؟ تقدس سلاح پیش ما همین‌طور است یا نه؟ ( بلی همین‌طور است) به این نسبت است که بخصوص مسؤلیت رفقای حزبی و رهبران جوان ما در سازمان‌های اولیه که مستقیماً با سپاهیان سربازان، افراد، خردضابطان بریدمن‌ها و تورن‌ها تماس دارند و انساج واقعی اردو را تشکیل می‌دهند، اینست که باید برخورد سخت جدی، با مسؤلیت و با وجدان را درین مورد احساس کنند.

نکته دگر یا تز دگر کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان این است که موازی با ارتقای سطح مسؤلیت و مطالبات نسبت به کادرهای اردو، در آینده نیز توجه جدی به بهبود شرایط زندگی پرسونل، ساختمان منازل مسکونی برای افسران، تأمین حقوق تقاعد برای بازماندهگان شهدا و برای معلولان خواهد گردید. همه اینها مسایل بسیار مهمی است. اما بسیاری مسایل را می‌توان و باید مستقیماً در قطعات و جزوات‌ها حل نمود. مخصوصاً مسایل مربوط به بهبود اعاشه، خدمات طبی و غیره را. این امر بالای آگاهی سیاسی و مورال سربازان، خردضابطان و افسران، دسپلین آنان و برخوردشان در زمینه اجرای وظایف نظامی تأثیر مستقیم دارد. در این کار نیز سازمان‌های حزبی می‌توانند سهم بزرگی بگیرند.

رفقا!

قوماندانان، منشیان سازمان‌های اولیه حزبی اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان، کارکنان سیاسی و حزبی اردو!

شما می‌بینید که کار یک عضو حزب، کار سیاسی و حزبی یک عضو حزب در اردو (در اینجا بیشتر اردو مطرح بحث است با دو بخش دگر قوای مسلح صحبت علیحده داریم) کار سه - چهار ماده‌یی نیست که ساده باشد. بلکه کار شما کامپلکس یعنی مجمعی از وظایف است. یک کارکن سیاسی باید تجارب اردوی سرخ را چه یکی دو سال بعد از انقلاب اکتوبر و چه بخصوص در جریان جنگ کبیر وطنی بیاموزد. من امیدوارم که تمام این تجارب و کتاب‌های که به پشتو و دری ترجمه شده به دسترس تمام رفقای منشی‌های سازمان‌های اولیه اردوی ما گذاشته شود تا از آنها

استفاده نمایند و بدانند که وظیفه يك معاون سیاسی و جزوتام در اردو، ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی چه قدر عظیم، پر اهمیت، جدی، حیاتی و سازنده است. می‌توان گفت که اردو عبارت از يك جسم با قدرت بدنی و دماغی نیرومند که روح آنرا عناصر حزبی، کارکنان سیاسی و حزبی اردو تشکیل می‌دهند. يك کارکن سیاسی چه جوان و چه مجرب، کدام کارها را باید در مورد خود و چه وظایف را باید در جزوتام خود ایفا کند. باید این مطلب به شکل رهنمودها تدوین گردد تا روشن شود که یک منشی سازمان اولیه، ارگان سیاسی و ارگان حزبی چه وظایفی را در پیش روی خود دارد. این سند باید صورت مشخص تدوین شود و به تمام اعضای حزب در سراسر قوای مسلح ارسال گردد.

از جمله وظایف درجه اول کارکنان سیاسی و حزبی اینست که به معاونت و تحت ریاست و قوماندانی قوماندان‌های قطعات و جزوتام‌ها، یکجا دوش به دوش و در همکاری صادقانه و نزدیک یکپارچه و واحد با آنها، وظایف خود را انجام دهند و از جمله به معیشت و زندگی سربازان توجه معطوف بدارند.

رفقا! توجه کنید!

چه استعدادهایی از کشور ما، در اردوی ما جمع می‌شوند و در دست شما به طور امانت قرار می‌گیرند. آیا باید در برابر این فرزندان زحمتکش بی‌رحم بود؟ در اینجاست که باید توجه شما به زندگی شخصی آنان، به صحت شان، به مورال، معنویات و فرهنگ شان معطوف گردد. شما باید با آنها معاشرت انسانی، عاطفه‌وی اخلاقی داشته باشید. این یکی از مسایل جدی در برخورد قوماندانان و بخصوص در برخورد حزبیان است. توجه شما را به این نقطه جداً جلب می‌کنیم و می‌خواهم که شما موفق شوید و در قطعات، در جزوتام‌ها، در تولی و بلوک تان برخورد درست داشته باشید. رفقا دگر در حزب ما و کشور ما آقایی و اربابی، باداری و نوکری وجود ندارد و نباید وجود داشته باشد.

من به شما اطمینان می‌دهم که اگر برخورد درست، پیشامد درست و تبلیغ درست صورت می‌گرفت اکثریت ترخیصی‌ها در صفوف اردو باقی میماندند و ما در اردوی خود عناصر مجربی را می‌داشتیم.

موضوع دگر اینست رفقا که باید اندیشید که چگونه می‌توان در اردو مسأله امحای

بی‌سوادی را به نحو بهتر سازمان داد؟ این مسأله نه تنها برای اردو بلکه برای اقتصاد ملی و انقلاب فرهنگی کشور اهمیت به سزایی دارد. افغانستان نوین به افراد باسواد و قادر به درک درست اهداف و وظایف انقلاب و قادر به اشتراك فعال در تحقق آنها نیاز دارد.

رفقا!

اگر برخورد دلسوزانه وجود داشته باشد، در مدت دوره خدمت تحت بیرق افرادی را که سواد ندارند حتی به سطح سواد صنوف هشتم می‌توان رساند. باید ما انقلاب فرهنگی را در عرصه سوادآموزی در سراسر افغانستان به پیش ببریم درین قسمت قوای مسلح و خاصناً اردوی ما که از لحاظ کمی هم باید روز به روز تقویت گردد، نقش عمده‌یی خواهد داشت. اردوی ما باید از لحاظ کمیت تقویت شود. ما به يك اردوی پر قدرت از لحاظ کمی و کیفی به یک اردوی آگاه و باشعور به يك اردوی باسواد نیازمند هستیم. ما باید در برابر مداخلات امپریالیزم که به مثابه تخته خیز از پاکستان و ایران برای تجاوز به خاک مقدس افغانستان استفاده می‌نماید يك اردوی دندان شکن داشته باشیم با کمک دوستان شوروی ما، اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان نه تنها از لحاظ کیفیت، علم نظامی، تخنیک معاصر و تعلیم و تربیه نظامی، بلکه از لحاظ کمیت هم باید تقویت گردد.

افغانستان باید قدرت دفاع از خود را داشته باشد. البته دوستان شوروی با ما استند؛ اما در جبهه مقدم این افغان‌ها اند که باید از خاک مقدس خود دفاع کنند و دفاع می‌کنند.

رفقا! يك موضوع دگر:

مهمترین وظیفه سازمان‌های حزبی ارتقای همه جانبه سطح آگاهی سیاسی منسوبین نظامی است. رهبر پرولتاریای جهان و. ای. لنین می‌آموزاند در آنجایی که کار سیاسی در میان قوت‌ها، دقیق‌تر، پیگیرتر و با توجه بیشتر پیش برده می‌شود، بی‌انضباطی نبوده، بهترین نظم و معنویات و پیروزی‌های زیادتیر در آنجاست. باید تلاش نمود که هر سرباز، هر خردضابط و هر افسر اهداف انقلاب را به درستی و وضاحت درک نماید. وفاداری به انقلاب و امر حزب را باید در اردو پرورش داد و سعی نمود که منسوبین نظامی خصلت طبقاتی و ماهیت ضد مردمی اهداف

و فعالیت اشرا را بدرستی و وضاحت درك کنند. طوری که قبلاً توضیح دادم درین جهت باز و باید کار بسیار و بسیار را انجام داد.

پرنسیپ حزبیت و طبقاتی بودن، پرنسیپ عمده و اساسی است. راجع به طبقاتی بودن اردوی طرازنوین خود قبلاً توضیحات مختصری ارائه نمودم. اکنون اجازه دهید راجع به حزبیت، در درجه اول در میان رفقای حزبی در اردو حرف بزنم. علی‌الوصف اینکه حزب ما نمونه زنده، صریح و آشکار حزبیت است و بدون حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وحدت صفوف آن، پیروزی انقلاب ناممکن بود. اگر هم کودتایی بدون پیوند با حزب طرازنوین صورت می‌گرفت ولو اگر از طرف عناصر مترقی هم می‌بود، سرنوشت آن گنگ و مبهم می‌بود و اینرا تجارب جهانی ثابت کرده است.

رفقا!

بدون اینکه درباره نقش حزب به توضیح وسیع بپردازم باید گفت که ولادیمیر ایلیچ لنین در راه ایجاد حزب طرازنوین چون يك مخترع و منکشف خلاق کار کرد، حزب بلشویک‌ها را به وجود آورد و جهان را از بیخ و بن تکان داد، در برابر جهان کهن، جهان نوین را ایجاد کرد و از آن هنگام اهمیت حزب در سرلوحه وظایف درجه اول انقلابی قرار گرفت. بدون يك حزب انقلابی بدون يك حزب واحد و یکپارچه بدون دسپلین آهنین حزبی، امر انقلاب ناممکن است و ما نمی‌توانیم از امر انقلاب در برابر تجاوزات امپریالیستی دفاع کنیم و تا امپریالیزم، سرمایه داری و استثمار در جهان است، طوری که رهبر پرولتاریای جهان آگاهی می‌داد، همیشه خطر تجاوز دشمن موجود است. لهذا باید يك اردوی قوی در دفاع از آرمان‌های انقلاب، در دفاع از صلح، در حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش خلق‌ها و سوسیالیزم ایجاد کرد. لیکن اردوی بدون روح نیرومند حزبیت، اردوی بی روح و بی روان است و هر آن ممکن است که در دست نیروهای منحرف و ارتجاعی قرار گیرد. لذا آن اردویی واقعاً پیروزمند است که با تمام وفاداری و صداقت در کنار حزب خود قرار گیرد. امروز اردوی ما تنها در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌تواند آرمان‌های بزرگ مردمی و وطنی انقلاب ثور را به سر رساند.

بدون حزبیت نمی‌توان پیکار و زنده‌گی کرد. لذا تقویه روحیه حزبیت و توضیح مفهوم حزبیت یکی از وظایف کارکنان سیاسی است که باید در سراسر اردو و

بخصوص نزد رفقای حزبی، سخت قوی و نیرومند باشد.

موضوع دگر اینکه سازمان حزبی در صورتی قادر به اجرای این وظایف محوله می‌گردد که زنده‌گی درون حزبی به صورت مداوم بهبود و تکامل یابد و فعالیتت گردد. باز اینجا در این تیزس تکرار می‌شود، اصل وحدت و دسپلین آهنین، قانون زنده‌گی ماست و باید باشد.

کار پذیرش به صورت عام و مخصوص پذیرش سربازان و خردضابطان و باز هم خاصتاً فرزندان زحمتکشان به حزب و در صفوف اردو باید بهبود یافته، ساختار سازمان‌های حزبی تکمیل گردد و بهبود یابد. واقعیت اینست که در بعض از تولی و بلوک‌ها هنوز سازمان اولیه حزبی وجود ندارد. باید نقش پیشاهنگ اعضای حزب در دفاع از انقلاب ثور، تحکیم دسپلین نظامی و فراگرفتن مهارت جنگی هرچه وسیعتر گردد. خلاصه عضو حزب مؤظف است در آموزش و انجام خدمات نظامی و در صحنه جنگی نمونه و مثال باشد. این کار به آنان امکان می‌دهد تا توده‌ها را به دنبال خود بکشانند. پیشوای زحمتکشان جهان می‌گوید: «وظیفه ما عبارت از حفظ ثبات، استواری و پاکی حزب ماست. ما باید سعی فراوان به خرچ دهیم تا نام مقدس و با اهمیت عضو حزب را بلند و بلند تر سازیم» به حیث مثال مسأله اکمال پرسونل اردو را نمونه می‌گیریم. کمیته‌های حزبی مؤظف اند تدابیر مشخصی را به منظور اجرای بلاقید و شرط خواست حزب برای اکمال بیشتر قطعات و جزو تام‌ها اتخاذ نمایند. درین رابطه هر سازمان حزبی، هر عضو حزب مؤظف است کار فعال را در میان سربازان ترخیصی برای خدمت داوطلبانه در اردو پیش ببرد. طوری که قبلاً خاطر نشان گردید، نه تنها باید تبلیغ کنند، بلکه باید خود در این کار نمونه باشند و از خود مثال نشان دهند. من فکر می‌کنم که ریاست عمومی امور سیاسی اردو و همه سازمان‌های حزبی باید کار وسیع را در این جهت گسترش دهند، سازمان دهنده چنین جنبش در میان اعضای حزب و سازمان جوانان باشند. چه کسی به غیر از اعضای حزب باید در صفوف مقدم دفاع از انقلاب قرار داشته باشد؟ کار و سازماندهی باید بهبود یابد و اجرای کامل تصامیم اتخاذ شده تأمین گردد. دسپلین حزبی در عمل تحکیم گردد و اجرای بلاقید و شرط مطالبات اساسنامه حزب، برنامه عمل، مصوبات پلینوم‌ها و دستورهای مقام رهبری وزارت دفاع یعنی رفقا وزیر دفاع و رئیس عمومی امور سیاسی مورد تطبیق قرار گیرد. رهبری



حزبی بر سازمان‌های سازمان د.ج.ا در اردو باید تقویت یابد. درین رابطه يك مسأله را برجسته می‌سازیم:

این مسأله عبارت از کار در واحد تولی‌ها و بلوک‌ها و بطریقه هاست. رفقا طوری که قبلاً خاطر نشان ساختیم در مجموع اردو، تولی‌ها با بطریقه‌های واحدهای اساسی و نساج مرگ و زنده‌گی اردو را تشکیل می‌دهند. تا کنون من فکر می‌کنم که مقامات رهبری وزارت دفاع ما و ریاست عمومی امور سیاسی اردوی ما و قوماندانان ما از جزو تام‌های قول اردو تا به پایان و معاونان حزبی و سیاسی و سازمان‌های اولیه، توجه دقیق و جدی خود را به جزو تام‌های تولی و بلوک معطوف نداشته‌اند و مسأله کار در تولی‌ها را سهل گرفته‌اند. از طریق تولی‌ها و بلوک هاست که شما به توده‌های بزرگی اردو پیوند حاصل می‌کنید و از طریق واحدهای جزو تام‌های تولی و بلوک است که شما در جنگ، پیروزی به دست می‌آورید و با مردم پیوند نزدیک را تأمین مینمایید. این بخصوص وظیفه سازمان‌های اولیه حزبی و کارکنان سیاسی و حزبی است که توجه خاص خود را به منظور کار در میان تولی‌ها، همه جانبه بسط و توسعه دهند. من توجه شما را به این امر معطوف می‌سازم که يك جنبش کار در جزو تام تولی‌ها از لحاظ سیاسی و حزبی جدا آغاز گردد.

نکته دگر با اهمیت مسأله سازمان دموکراتیک جوانان در اردو است.

رفقا! آینده کشور، حزب، قوای مسلح و اردو به فرزندان ما و به جوانان ما تعلق می‌گیرد. کوچکترین اغماض، سهل انگاری و بی‌اعتنایی در برابر جوانان (هدف من بالفعل در اردو است) به امر انقلاب شدیداً صدمه می‌زند. لذا وظیفه اعضای حزبی در میان سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان در اردو و سازمان‌های اولیه است که توجه جدی خود را به جوانان به حیث نیروی ذخیره برای حزب و اردو معطوف بدارند و به آنان کمک بفرستند تا از لحاظ شعور سیاسی، نظامی و حزبی به طور سالم رشد و تکامل نمایند و از لحاظ نیروی جسمانی و بدنی و از لحاظ نیروی دماغی و اجد رشد سالم گردند. لذا در یادداشت‌های شما، بخصوص شما رفقای منشی‌های سازمان‌های اولیه باید این مطلب ثبت گردد که توجه را بخصوص به سازمان جوانان معطوف بدارید. اکثر آنان فرزندان کارگران و دهقانان اند. کار اساسی شما در میان سربازان است. همان سربازانی که امروز اگر شعور حزبی و سیاسی می‌داشتند اکثریت آنان داوطلبانه به ادامه خدمت عسکری حاضر می‌بودند.

در اینجا کار صورت نگرفته است انتقاد جدی متوجه شما رفقا، منشی‌های سازمان‌های اولیه است. باید با سرعت به اساس پلانی که تاریخ آن باید تعیین گردد، رشد سریع را در جلب و جذب به وجود آوریم. البته هدف من در اینجا صرف کمیت نیست. در اینجا هم کیفیت کار، هم کیفیت رشد و تکامل سربازان مطرح بحث است. باید آن سربازانی که غالباً از خانواده‌های کارگران، دهقانان و زحمتکشان اند به حزب جلب و جذب شوند و همچنین در میان کارگران و دهقانان در میان سربازان يك رشد و جنبش برای شرکت در سازمان جوانان به وجود آید. این را شما باید جدی بگیرید.

موضوع دگر: نقش منشیان سازمان‌های اولیه حزبی باید کاملاً بر طبق نکات ذیل ایفا گردد:

فعال بودن سازمان حزبی تا حد زیادی و به درجه اول مربوط به منشی آن است. می‌توان گفت که منشی، کار دوستانه به هم مرتبط و دسته جمعی اعضای حزب را تأمین می‌کند و بالای اعضای حزب نه از طریق قدرت اداری و زورگویی و دادن فرمان و اقامتنی بلکه به وسیله اقناع عمیق ایدیولوژیک و حرف آتشین حزبی تأثیر خود را وارد می‌سازد. منشی سازمان حزبی بودن یعنی در همه جا و همیشه در صف مقدم قرار داشتن. منشی همیشه در انتظار همه قرار دارد. اعضای حزب و افراد غیرحزبی خود را با وی مقایسه می‌کنند. گام‌های خود را با منشیان حزبی موافق و برابر می‌سازند و از وی نمونه می‌گیرند. چهره واقعی کارمند حزبی باید دارای مشخصاتی چون نمونه بودن در حزبیت، پاکیزه کی اخلاقی، درستی و سطح عالی اندیشه و برخورد خلاق به امور، توجه به افراد و پرسونل، پشتیبانی دلسوزانه از همه کسانی که پیشرو اند و تحمل ناپذیری نسبت به نواقص و کمبودی‌ها باشد. البته این کار آسان نیست تجربه و دانش زیاد می‌خواهد. چنانچه پراتیک نشان می‌دهد رهبری بسیاری از سازمان‌های حزبی اردو کاملاً قادر به ابتکار است. در عین زمان واقعیت‌های دگری نیز وجود دارد که بعض منشیان از دشواری‌های ممکن شانه خالی می‌کنند و در جایی که باید باشند، حاضر نیستند، چنین منشیان به درجه اول به کمک رفقای بزرگتر احتیاج دارند و هر قدر وظایف دشوارتر در برابر سازمان‌های حزبی قرار گیرد به همان اندازه باید رهبری سازمان‌ها از جانب ارگان‌های سیاسی کاملتر و دقیقتر باشد. منشیان سازمان‌های اولیه و بخصوص معاونان قوماندانان تولی‌ها تا به قول اردوها و دگر صفوف مختلف اردوی ما باید

از تجربه کارکنان سیاسی بعد از انقلاب اکتوبر در اتحاد شوروی، که آنان را کمیسار سیاسی می‌نامیدند استفاده کنند که چگونه آنان چه در هنگام جنگ و چه در وقت سازنده‌گی صلح آمیز نقش‌های قهرمانانه بزرگی را ایفا کردند؟ ما يك كمبود و نقص دگر داریم که امیدوارم کمیته مرکزی به رفع آن بپردازد تا به رفقای اردوی خود از لحاظ حزبی کمک برسانیم. یعنی يك عده رهبران و کادرهای حزبی ملکی خود را به قطعات اعزام کنیم تا آنان به سازمان‌های حزبی اردو از لحاظ سیاسی، ایدئولوژیک و تبلیغاتی کمک نمایند. تا کنون به این امر، حزب ما توجه جدی مبذول نداشته است. طبق اطلاع ما از نیروهای خوب و سالم منشیان حزبی، کادرهای حزبی و ارگان‌های سیاسی برخوردار هستیم و يك عده در اتحاد شوروی تحصیل نموده اند، و وظیفه يك معاون سیاسی و يك منشی سازمان اولیه ساده نیست. آنان باید عمیقاً تیوری انقلابی را فرا گیرند، از تاریخ حزب خود، از تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی، آگاهی کامل حاصل کنند. آنان باید از تمام جنبش‌ها و جنگ‌های آزادیبخش، بخصوص در باره نقشی که کمیسارها و معاونان سیاسی اردوی سرخ در جنگ کبیر میهنی ایفا کردند آگاهی وسیع داشته باشند.

رفقا، هر عضو حزب، از معاون سیاسی در واحد تولی‌ها گرفته تا قول اردوها و اعضای سازمان اولیه باید علاوه بر درک دانش انقلابی، سیاسی حزبی، در تخنیک و در علم و فن نظامی نیز وارد باشد. معاون سیاسی باید بر تمام تاکتیک‌های جنگی، بالای تمام سلاح‌ها مسلط بوده و دارای قدرت جسمی کافی باشد. در اینجا بحث بر سر توانایی جسمی است. باید در برابر مشکلات و حوادث طبیعی اعم از آفتاب سوزان و زمستان‌های سرد مقاومت موجود باشد و در کوهنوردی و گذار در جنگل‌ها باید قدرت مقاومت داشت. راه مسلط شدن بر آن هم معلوم است. کارمندان سیاسی باید دوش به دوش افراد، افسران و قوماندانان واحدها و جزوتام‌ها علاوه بر دادن مشوره‌ها و نظریات تاکتیکی و سیاسی در کار و پیکار عملی نیز سهم بگیرند. همچنان هر معاون سیاسی و هر عضو حزب در پهلوی دانش و فهم تیوری انقلابی يك پيداگوگ قوی، يك روانشناس توانا و آگاه به روحیه مردم و سربازان باشد. باید معاونان دارای ابتکارات خلاق باشند و همیشه نسبت به همه عناصر حزبی از لحاظ شجاعت، دلاوری، صداقت، وفاداری به حزب و مردم و با روح و شور و شوق انقلابی مجهز به حرف‌های آتشین انقلابی باشند. باید هر معاون سیاسی قطعات و جزوتام‌ها از پایین تا به بالا، هر عضو حزب، هر کارکن سیاسی و

حزبی در صف مقدم جنگی و مبارزه قرار داشته باشد. باید در برابر اولین آتشی که از طرف دشمن صورت می‌گیرد سینه‌های معاونان سیاسی ما سپر فولادین باشد. همراه با این که بر سلاح، تاکتیک و تخنیک و معلومات عمومی مسلط باشد، هر کارکن سیاسی ما، هر عضو حزب و ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی ما باید از لحاظ سطح دانش، کرکتر، اخلاق و سجیه و از لحاظ کلتور و فرهنگی در سطح عالی قرار داشته باشد.

شما باید نمونه کلتور و فرهنگی باشید، مطلب از لباس‌های شیک نیست آنرا می‌توان با لباس‌های ساده، انجام داد. منظور غذاهای بسیار غنی نیست. مقصد از خانه‌های مزین نیست، مطلب از موتر و قصر و جاه و جلال نیست. کلتور و فرهنگ، هنر و ادبیات رشد معنوی را بار می‌آورد و آشنایی با آنها و درک عمیق و همه‌جانبه آنها باعث تبارز شخصیت عالی، اخلاقی هر فرد به مثابه عضو شایسته جامعه بشری می‌گردد. اینجاست که تأکید می‌شود وقتی يك کارکن سیاسی مجهز و مسلح با تمام خصوصیات لازم باشد ما می‌توانیم به صورت کامل يك اردوی طراز نوین انقلابی را ایجاد نماییم. با روحیه نیرومند حزبی در اردو، اطاعت از حزب و وفاداری به حزب می‌توان بزرگترین دشمنان را به زانو در آورد.

رفقا!

در اخیر باید بگویم که در مرحله پیچیده نوسازی انقلابی افغانستان، افتخار بزرگی دفاع مسلحانه از منافع عادلانه زحمتکشان نصیب اردوی قهرمان ما، خاندوی و خاد و همه نیروهای وطنپرست کشور گردیده است. حاضران این جلسه و هرکس که وطن و انقلاب برایش گرامی است باید بزرگی، شکوه و عظمت وظایف تاریخی را که در برابر حزب ما، در برابر مردم ما، در برابر وطن و سرزمین مقدس افغان‌ها و در برابر نیروهای مسلح پرافتخار ما قرار دارد با وضاحت، با مسؤولیت با وجدان، با شرافت، با وفاداری، با قربانی و با ایثار، درک و احساس نمایند. شما به حیث کارمندان رهبری سازمان‌های حزبی در برابر حزب و مردم به خاطر تربیت منسوبان نظامی و تحکیم و تقویت قوای مسلح مسؤول می‌باشید و جداً مسؤول می‌باشید. هر قدر در این مسؤولیت عالی باشد، هر کار شما فعالتر و پیگیر تر باشد، به همان اندازه وظیفه دفاع از انقلاب بهتر و پیروزمندان تر انجام خواهد گرفت. بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب ما اطمینان کامل و راسخ دارد و از طرف خود

هم اطمینان کامل و راسخ ابراز می‌دارم که سازمان‌های حزبی نیروهای مسلح ما همیشه گردان مطمئن رزمی حزب بوده و خواهند بود. اینها همه کارهای لازم را انجام خواهند داد که در آینده نیز سیاست حزب را، سیاست داخلی و خارجی حزب را، در اردو با پیگیری به طور فعال و شجاعانه تحقق بخشند و سهم شایسته بی‌را در راه تحکیم نیروهای مسلح انقلابی، قوای مسلح طراز نوین و وطنپرست افغانستان، قوای مسلح انترناسیونالیست جمهوری دموکراتیک افغانستان و در مبارزه برای سرکوب ضد انقلاب و علیه ارتجاع و امپریالیزم ایفا نمایند.

رفقا!

تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب واحد و یکپارچه در جبهه تقویه قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در راه مبارزه بی‌امان علیه ارتجاع و امپریالیزم، امپریالیزم جنگ طلب، ددمنش و وحشی امریکا، بر علیه ضد انقلاب و باندیتیزم، در راه صلح و امنیت داخلی، منطقه‌وی و جهانی به پیش!

رفقا!

همه نیروهای وطنپرست افغان، دوش به دوش، دست به دست هم، متحد و یکپارچه از يك سنگر به سنگر دگر پیروزمندان به پیش!

پیام به کنفرانس سراسری نویسندگان جوان

۲۳ عقرب ۱۳۶۲

## نویسنده‌گان جوان ما پاسداران کهنه‌های فرسنگی گذشته‌ما و ادامه دهنده‌گان بهترین سنن ادبی اند

جوانان انقلابی وطن!

از طرف کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و از جانب خود گرم‌ترین شادباش‌ها و صمیمانه‌ترین تبریکات را به شما نماینده‌گان کنفرانس سرتاسری نویسندگان جوان می‌فرستم.

نیروی بالنده و سازنده جوانان ما در روند دگرگونی‌های سترگ و ژرف انقلابی کشور و در امر ساختمان جامعه نوین جای بلند و پر درخشش دارد.

سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان به مثابه پیشاهنگ جوانان کشور نقش پراهمیت و مؤثر خود را در امر تشکل، پرورش و سازماندهی جوانان کشور به خاطر ارتقای سطح آمادگی آنان در انجام دگرگونی‌های انقلابی کشور به خوبی ایفا می‌کند.

عرصه فعالیت‌های این سازمان پس از انقلاب و بخصوص مرحله نوین تکاملی آن وسعت چشمگیری یافته است. هم اکنون ده‌ها هزار جوان وطنپرست ما که در صفوف این سازمان منسلک اند در راه حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب ثور و مرحله نوین و تکاملی آن و تحقق بخشیدن برنامه‌هایی که حزب و دولت انقلابی ما طرح کرده اند شجاعانه آماده مبارزه هستند. آنان با شور و شوق و عشق بی‌پایان به میهن و انقلاب کار و پیکار می‌کنند و جانبازانه در این راه به پیش می‌روند. حزب ما به گسست‌ناپذیر سنن انقلابی و انتقال انبوه تجارب نسل‌های گذشته به جوانان و نسل‌های آینده در مبارزات طبقاتی علیه استثمارگران اهمیت بزرگی قایل

است.

حزب ما با دقت و توجه، تجارب سیاسی و سازماندهی را در اختیار جوانان قرار داده از ابتکار و نوآوری‌های مثبت آنان استقبال می‌کند.

حزب ما همه جانبه تلاش می‌ورزد تا جوانان ما باسواد، صحتمند و پر نشاط باشند. استعداد‌های ارزشمند و توانایی‌های ایجادگرانه‌شان همه جانبه تبارز کند و نقش آنان در اعمار جامعه نوین ارتقا یابد. حزب ما مسؤولیت‌های بزرگ تاریخی را در قبال نسل رشد یابنده امروز و نسل‌های آینده متعهد است. آینده‌یی که بدون شك بسیار زیبا، غرور انگیز و شکوهمند خواهد بود. ما علی‌الرغم دشواری‌های موقت کنونی قاطعانه مصمم هستیم تا شرایط و امکانات لازم را برای کار، تحصیل، استراحت و شگوفانی استعداد‌های ایجادگر جوانان کشور فراهم سازیم. سیستم جدید آموزش مکاتب به مثابه شیوه دموکراتیک آموزش که متضمن فراگیری علم و دانش به زبان مادری هریک از فرزندان ملیت‌های ساکن جمهوری دموکراتیک افغانستان و فراگیری دانش مترقی است پس از مرحله نوین انقلاب ثور در عمل پیاده گردیده است. ایجاد امکانات تحصیلات عالی بدون کانکور برای فرزندان کارگران و دهقانان کشور یکی از برجسته‌ترین نمودهای سیاست فرهنگی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به شمار می‌آید. در کنار آماده‌سازی دگر یافته‌های مؤثر و سالم رشد معنوی جوانان ما اساس‌گذاری انجمن‌ها و کانون‌های جمعی پیوسته در نظر بوده و خواهد بود.

فعالیت تمامی این کانون‌ها باید در جهت پرورش سالم و همه جانبه جوانان سازمان یابد. باید قشر نوجوانان میهن را به مثابه یک ارتش وسیع، منظم، مجهز با جهان‌بینی علمی، سرشار از میهن پرستی و اعتقاد کامل به همبستگی بین‌المللی تربیه کرد. ارتشی که آرمان‌های زحمتکشان کشور را تحقق بخشد و در برخورد با پدیده‌های ارتجاعی آشتی ناپذیر باشد. ما ایجاد انجمن نویسندگان جوان افغانستان را که امروز توأم با مساعی خسته‌گی ناپذیر شما بنیاد گذاشته می‌شود در همین سمت ارزیابی می‌کنیم.

این انجمن اضافه بر وظایفی که قبلاً مشخص شد باید نسل جدید پیشگامان ادبیات و فرهنگ مترقی کشور را پرورش دهد. نویسندگان جوان، پاسداران گنجینه‌های فرهنگی گذشته ما و ادامه دهنده‌گان بهترین سنن ادبی ما هستند. آنان ستایش‌گران

کار و پیکار توده‌ها و تصویر آفرینان حماسه سترگ خیزش و خروش انقلابی آنها استند.

انجمن نویسندگان جوان میهن که در چارچوب اتحادیه نویسندگان افغانستان بنیاد می‌یابد با سازماندهی دقیق و درست کار خویش باید صفوف یکپارچه و نیرومند نویسندگان فردای ما را پرورش دهد. کار این انجمن باید مطابق روندهای انقلابی جامعه ما گسترش یابد. رشد استعدادهای جوانان هر یک از ملیت‌ها و اقوام کشور را تضمین نماید و در حفظ گنجینه‌های غنی ادبیات گذشته خلق‌های ما بکوشد.

جوانان انقلابی!

در شرایط کنونی که امپریالیزم جهانی در رأس امپریالیزم امریکا جنگ اعلان نشده را علیه انقلاب و مردم ما به راه انداخته است، دفاع از دستاوردهای انقلاب و وظیفه اساسی و مقدس هر جوان میهن ماست. باید کار روشنگرانه سیاسی را در میان توده‌های زحمتکش جامعه تقویت کرد و حقایق انقلاب را به گوش هر زحمتکش وطن رساند.

در اوضاع کنونی باید تمام نیرو را در امر بسیج مردم به خاطر دفاع از میهن و انقلاب متمرکز ساخت و سرشت ضد انقلاب را به هر هموطن خود افشا نمود.

امروز که امپریالیزم و اداره ریگن خطر جدی را متوجه صلح جهانی ساخته اند دفاع از امر صلح و وظیفه تأخیرناپذیر همه‌گان و بخصوص جوانان آگاه است. باید با تمام نیرو در داعیه بزرگ حفظ صلح جهانی سهیم شد و با همین روحیه به خاطر ایجاد صلح سراسری ملی رزمید. کشور انقلابی ما سهم شایسته خود را در عرصه بین‌المللی به خاطر حفظ صلح و لگام زدن به تلاش‌های جنون آمیز امپریالیزم امریکا گرفته و خواهد گرفت.

جوانان وطنپرست!

دوستی ما با اتحاد شوروی بزرگ، این مدافع راستین صلح و منافع زحمتکشان روز تا روز تحکیم و گسترش می‌یابد. باید این دوستی را که دگر به سطح برادری ارتقا نموده است، در ذهن و روان جوانان وسعت و عمق داد.



## جوانان انقلابی و وطنپرست!

کنفرانس شما بیانگر سطح عالی درك نویسندگان جوان ما از مسأله انقلاب ملی و دموکراتیک کشور و مظهر اراده و عمل جمعی شما در امر ساختمان فرهنگی نوین در میهن ماست. کنفرانس نشان‌دهنده آنست که نیروی سازمان یابنده نویسندگان جوان ما قادر خواهد بود تا ادبیات نوین فردای کشور را با اطمینان پی ریزی نماید و آنرا تکامل بخشد.

پیروزی‌های بیشتری برای هر يك از شما و همه جوانان رزمنده وطن آرزو می‌کنیم.

به پیش به سوی ادبیات نوین و انقلابی در کشور محبوب ما افغانستان!

پیام به جلسه سراسری شخصیت‌های ملی و اجتماعی  
۲۰ عقرب ۱۳۶۲

## کردهای شخصیت‌های ملی و اجتماعی نقش مؤثری را در تأمین صلح سراسری و وطنی ایفا خواهد کرد

هموطنان گرامی، دوستان عزیز!

اجازه بدهید، جلسه سرتاسری شخصیت‌های اجتماعی، سران و نماینده‌گان ملیت‌ها، اقوام و قبایل را در حمایت از سیاست انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در شرایط کاملاً نوین تاریخی، شرایط استقرار حاکمیت سیاسی زحمتکشان کشور ما که به منظور امر شریفانه دفاع از حاکمیت زحمتکشان دایر می‌گردد برای تمام وطنپرستان واقعی و صدیق کشور شادباش بگوییم. این جلسه بزرگ به صراحت مبرهن می‌دارد که راهی را که انقلاب ما در پیش گرفته است راه پیروزی ابدیال‌های سعادت و بهروزی انسان و راه صلح و امنیت برای انسان‌های جامعه ماست.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با به پیروزی رسانیدن انقلاب ثور و ایجاد دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه نماینده واقعی منافع و مصالح ملی کشور ما حلول مرحله کاملاً نوین را در مناسبات درونی جامعه ما و مناسبات بین‌المللی کشور ما به خاطر صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی اعلام نمود. امروز زحمتکشان جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور در شاهراه تابناک ترقی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته اند.

انقلاب ثور به سیادت سیاسی و طبقاتی ستمگران پایان داد و یکی از حلقه‌های سیاه زنجیر تسلط امپریالیسم را به سرکرده‌گی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا در این منطقه جهان درهم شکست و بنابراین خشم و غضب تمام دشمنان صلح و ترقی اجتماعی از امپریالیسم جهان خوار آمریکا و متحدین اتحادیه اروپای غرب تا

هژمونیزم چین و ارتجاع منطقه و عرب علیه انقلاب، مردم و وطن ما يك امر تصادفی نیست و جنگ اعلان ناشدهٔ تحمیلی آنها علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان نمودار نیت کین توزانه دشمنان رفاه و آرامش زحمتکشانشان جامعهٔ ماست.

تجربه سال‌های اخیر صحت این گفتار ما را کاملاً تایید نمود که جنگ اعلان نشده امپریالیستی علیه کشور ما بخشی از تعرض عمومی امپریالیزم علیه نیروهای صلح و ترقی اجتماعی در سراسر جهان است.

زنده‌گی به طرز درخشانی نشان می‌دهد که تلاش‌های امپریالیزم، ارتجاع منطقه و ضد انقلاب جنایتکار دایر بر متوقف ساختن چرخ تاریخ و پیشرفت مداوم انقلاب نجاتبخش ما به شکست افتضاح آوری مواجه گردیده است. انقلاب ما به نیروی عظیم و خلاقه انسان زحمتکش کشور ما و کمک دوستان مطمئن بین‌المللی و در قدم اول اتحاد شوروی، همسایه و دوست بزرگ کشور ما اتکا دارد. دوستی تاریخی بیشتر از شصت سال میان افغانستان و اتحاد شوروی نه تنها در مراحل دشوار تاریخ از بوته آزمایش زمان پیروزمندان بدرآمده بلکه با پیروزی انقلاب ثور و مرحلهٔ نوین تکاملی آن به بهترین نمونهٔ تاریخی دوستی، حسن همجواری و همکاری متقابل ارتقا نموده است.

جمهوری دموکراتیک افغانستان به تاسی از سیاست صلح خواهانه خویش پیشنهادهای مشخص و واقعینانه را برای حل و فصل معضلات موجود در منطقه ما به همسایه‌گان پاکستان و ایران ارائه نمود. ما در راه نیل به حصول توافق، گام‌های مثبت و اساسی را اتخاذ نموده و نیمه راه مربوط را پیموده ایم. یکبار دگر اعلام می‌داریم که به نفع خلق‌های و صلح در منطقه و جهان است که کشورهای همسایه نیمه راه مربوط خویش را ببیمایند.

امر صلح در منطقه ما پیوند ارگانیک با صلح جهانی دارد. با درک این موضوع ما مذاکرات غیرمستقیم ژنیو میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و پاکستان را که به وساطت نماینده سرمنشی ملل متحد دیگو کوردویز صورت می‌گیرد استقبال نمودیم. امیدوار هستیم در آینده جانب پاکستان به مذاکرات مستقیم که از لحاظ مؤثریت به مراتب مرجح‌تر است تن در دهد. مذاکرات موجود از طرف امپریالیزم جنگ افروز امریکا آشکارا تهدید می‌گردد، از تبلیغات سوء و دروغین گرفته تا ادامه ارسال سلاح و مهمات نظامی به ضد انقلاب افغانستان و مداخله مستقیم در

امور داخلی کشور ما از جانب این کشور و متحدین رنگارنگ آن دلیل روشن ضدیت ایالات متحده آمریکا با حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف جمهوری دموکراتیک افغانستان است. ما به مساعی خویش در راه ایجاد فضای تفاهم ادامه خواهیم داد.

ما عمیقاً معتقد هستیم که سیاست صلحجویانه ما پیروز شدنیست. ما در این راه مبارزه می‌کنیم زیرا امر صلح و کاهش تشنج بین‌المللی هنوز دشمنان کثیری دارد این دشمنان صلح جبهه واحدی تشکیل داده اند و علیه تمام دستاوردهای دیتانت در مناسبات بین‌المللی و همزیستی مسالمت آمیز عمل می‌کنند. اینها نیروهای استند که با صلح و ترقی اجتماعی، آزادی و استقلال و تساوی حقوق ملت‌ها می‌جنگند.

در اثر سیاست ماجراجویانه و ضد بشری این نیروهاست که سایه شوم و وحشتناک جنگ هسته‌ای بر سیاره ما بال گسترده است. مبارزه علیه این نیروهای ارتجاع بین‌المللی به سر کرده گی امپریالیزم آمریکا و در رأس رونالد ریگن وظیفه مقدس تمام انسان‌های شرافتمند سیاره ماست.

جمهوری دموکراتیک افغانستان نقش شایسته اش را در این مبارزه عظیم تاریخی در کنار نیروهای صلح و ترقی اجتماعی، در پیشاپیش اتحاد شوروی، ایفا نموده خواهد نمود.

دوستان عزیز!

ما عمیقاً معتقد هستیم که پیشنهادهای اتحاد شوروی که اخیراً توسط رفیق یوری اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی مطرح گردیده راه حل‌های واقعینانه و معقول را جهت تحکیم امر صلح و کاهش تشنج بین‌المللی دربر دارد. اکنون مسؤولیت تاریخی خطیر دفاع از صلح بر دوش تمام بشریت قرار دارد و باید به این امر بزرگی فعالانه کمک و مساعدت نمود. ما عقیده داریم که گردهمایی موجود شما رجال و شخصیت‌های محترم کشور ما که به خاطر دفاع از صلح و ترقی اجتماعی، دفاع از دستاوردهای انقلاب و حاکمیت زحمتکشان تدویر یافته است به مثابه نقطه درخشانی در تاریخ دوران اخیر کشور ما بجا خواهد ماند و نقش مؤثری را در امر تأمین صلح سراسری وطنی، تفاهم کامل ملی و سهمگیری همه‌گانی در

امر ساختمان افغانستان نوین ایفا خواهد نمود. پیروزی این گردهمایی و نتایج ناشی از آن یقیناً بزرگ است. سیاست صلح، تفاهم همکاری و خدمت به وطن و وطنداران سیاست پیروز شدنیست؛ جریان تاریخ چنین است.

## به خاطر استحکام استقلال ملی، ترقی اقتصادی و اجتماعی با خلق زحمتمش خود در یک جبهه ملی در وطن کام به کام به پیش می‌رویم

دوستان و هموطنان گرامی، شخصیت‌های برجسته ملی و وطنپرست افغانستان  
بر افتخار السلام علیکم!

نخست از همه موفقیت شما را در ایجاد جلسه یا جرگه ملی که از بخش قابل ملاحظه  
مردم افغانستان نماینده‌گی می‌کند، از صمیم قلب تبریک و شادباش می‌گویم.

برادران و هموطنان!

آوانی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان در وجود اولین کنگره خود در شرایط  
بسیار دشوار و استبداد سهمگین تأسیس گردید و آن هم در شرایط نیمه مخفی،  
رفقای ما تعهد سپردند که تمام زنده‌گی و حیات خود را وقف در راه خدمت خلق  
نجیب و شریف افغانستان و وطن ما افغانستان کنند و جان شیرین خود را درین راه  
قربان نمایند. از آن تاریخ تاکنون شما به نحوی از انحا از پیکار آزادی‌بخش مردم  
افغانستان در وجود حزب دموکراتیک خلق افغانستان که اعضای آن به مثابه  
برادران کوچک و فرزندان شما بوده اند آگاهی دارید از جمله آنچه که رفقای ما،  
حزب ما در راه خدمت به مردم افغانستان در برابر مردم افغانستان تعهد سپرده اند  
اینست که حقیقت را برای مردم خود بگویند. به این ترتیب وظایف وطنپرستانه و  
انقلابی خود را ایفا کنند.

دوستان بسیار محترم!

وقت ما کم است و من نمی‌توانم تمام حقایق را چه در باره گذشته تاریخ کشور و چه راجع به احوال و شرایط استبداد نادرشاهی - ظاهرشاهی این سلاطین ضد مردم افغانستان و دست نشاندهگان دشمنان داخلی و خارجی افغانستان، راجع به جمهوریت قلابی اشرافی محمد داود و همچنان دگر حقایق و مسایلی که در کشور ما موجود است وسیعاً در پیشگاه شما اعلام نمایم. ولی آنچه که نکات مهم اساسی و حیاتی است آنرا به شکل مختصر، مؤجز و فورمولبندی شده به پیشگاه شما تقدیم می‌دارم.

دوستان گرامی!

امروز سیاره ما در مرحله بی‌نهایت حساس مرگ و زنده‌گی قرار دارد. یا در این مرحله حساس تاریخ بشریت از امحا نجات می‌یابد، یا چنان فاجعه عظیم و بزرگی به وجود خواهد آمد که هیچ ملتی و کشوری در جهان سالم باقی نخواهند ماند. از آنجایی که ما افغان‌ها سوابق تاریخی درخشان و آزاده داریم و همیشه پدران و نیاکان ما صلح و امنیت را می‌خواستند تا فرزندان ما باید در قاره خود، در کشور خود و در وطن خود و همچنان در منطقه خود در صلح و آرامش زنده‌گی کنند، ضرورت این است که ما حقیقت جهانی را به صورت مشخص از اعماق روح و وجدان خود تشخیص دهیم و وظایف خود را در این منطقه و در کشور خود ایفا نماییم. اینجا شاید کسانی باشند انگشت شمار و در کشور ما کسانی هستند که با من هم عقیده نباشند، و لیکن چه باید کرد؟ وظیفه من این است که حقایق را به پیشگاه مردم خود بگویم.

تاریخ چنین آورد که در این مرحله حساس زنده‌گی ملی، منطقه‌وی و جهانی در کشور آزاده ما افغانستان پرغرور و پرافتخار این مسؤولیت بزرگی به دوش حزب و تا حدودی که صلاحیت به من اجازه می‌دهد به عهده من قرار بگیرد. لذا با روح وطنپرستی پرشور، با صلابت، با شجاعت و دلیری باید وظیفه خطیر ملی و تاریخی خود را انجام دهیم و گر نه به معنی این است که ما از زیر بار مسؤولیت شانه خالی می‌کنیم. عمدتاً این مسؤولیت به برادران بزرگ محترم ما مربوط است که باید دوش به دوش در يك جبهه ملی پدروطن قرار بگیریم. بدون هماهنگی،

توافق و وحدت سراسری ملی، بدون اراده توده‌های عظیم مردم افغانستان، يك حزب هرگز نمی‌تواند وظایف خود را به درستی به پیشگاه مردم خود و تاریخ ایفا کند.

برادران محترم! ما سعی کردیم و سعی می‌کنیم که در قضایای جهان که به سرنوشت بشریت تعلق می‌گیرد به صورت واقعینانه مطابق به حقایق سرسخت و عینی، روی حق و عدالت قضاوت و برخورد کنیم. ببینید هموطنان، اضلاع متحده امریکا در راس تمام کشورهای ارتجاعی اعم از اعضای پکت ناتو و دگران یعنی دول مرتجع در هر قاره جهان، در ملل جهان و هیأت‌های حاکمه مرتجع، مستبد، ستمگر و استثمارگر که به امپریالیزم امریکا تعلقیت دارند، قرار دارد.

وضع و نیت این کشور ما به همه‌گان و به شما برادران محترم صاحبان مطالعه، مشهود است که چه می‌کنند؟ روی حقایق ملل متحد و مراجع مؤثق بین‌المللی محاسبه کنیم که ایالات متحده تمام امریکای لاتین، امریکای وسطی، تمام افریقا، اروپای غربی، شرق نزدیک، شرق میانه، منطقه خلیج، بحر هند، جنوب آسیا و شرق آسیا تا به شرق دور را در يك زنجیر وحشتناک از نیروهای آدمکش مسلحانه مجهز ساخته با وحشتناک‌ترین سلاح‌ها، سلاح‌های هسته‌یی واقعی احاطه کرده است و آزادی تمام خلق‌های جهان و ملل را بخصوص خلق‌های و ملل مسلمان را تهدید به مرگ و امحا می‌کند. این یک حقیقت است. برادران گرامی شما همیشه رادیو می‌شنوید لازم نیست که به شرح جزئیات مطالب بپردازیم.

امروز در اثر تقویت و قدرت امپریالیزم امریکا، صهیونیزم که قبل از ایجاد آن در حدود پنجاه هزار نفوس در فلسطین داشت و حالا بیش از سه میلیون دارد، با وحشی‌ترین سلاح‌ها مجهز است. اسرائیل صریحاً مخالف اصول و اساس‌های مقدس اسلام است. همین يك نمونه کافیهست که چطور اسرائیل از طرف امپریالیزم امریکا بر ضد اعراب مسلمان و به منظور نفاق افکنی میان مسلمانان اعراب، تقویه می‌شود؟ برای يك افغان وطنپرست، مسلمان واقعی و صدیق همین يك مثال کافی خواهد بود که به حقایق نظام‌های بزرگی انحصارات سرمایه داری نظامی غرب و هیاهوی وحشیانه آنها آگاهی حاصل نماید.

خوب آنها چه می‌خواهند؟ طوری که زمانی می‌گفتند نفوذ و تسلط بریتانیای کبیر از



طلوع آفتاب در کره زمین تا غروب موجود است، اکنون می‌خواهند تمام کره زمین را تحت پاشنه آهنین غرب در رأس اداره جهانی آمریکا قرار دهند. باید به صراحت به شما بگویم که يك انسان دیوانه مثل هتلر وحشی و فاشیست در قدرت است. هتلر می‌خواست که با يك جنگ برق آسای چندین ماهه و یا حد اکثر یکسال، جهان را فتح کند، اما امروز امپریالیزم آمریکا و متحدین غربی آن از جنگ هسته‌یی یا از تهدید جنگ هسته‌یی سخن می‌گویند، که در این جنگی لحظات و دقیقه‌ها ارزش دارد. یعنی در چند ساعت می‌توان با نیروی وحشتناک هسته‌یی و یا ذره‌وی بیش از ده بار تمام جهان را محو کرد لیکن در این اندیشه نباید بود که در افغانستان چنین رخ نخواهد داد. تمام ملل و خلق‌های جهان تحت تهدید وحشتناک فاجعه مرگ قرار دارند. اکنون نه تنها بشریت بلکه تمدن و مدنیت بشری در خطر جدی است. به این جهت شما اطلاع دارید که در جنبش عظیم صلح کودکان، زنان، مردان و جوانان در سراسر جهان به شکل اعتراض علیه راکت‌های که به نام پرشنگ ۲ و کروز یاد می‌شود و می‌خواهند آنرا در بعضی مناطق اروپا نصب کنند شرکت دارد. این اراده مردم جهان است.

در رابطه با تبلیغات زهر آگین ضد شوروی دستگاه‌های جاسوسی انگلیس، آمریکا و بعداً محافل مرتجع پاکستان، ایران و همچنان چین در افغانستان باید یادآوری نمود. اگر یکبار با مغز سرد و سالم در باره این حقیقت که کدام کشور جهان در راه دفاع از بشریت از تمدن بشری و از صلح برخاسته است. بیندیشیم، جواب این خواهد بود که این یگانه قدرت در روی زمین اتحاد شوروی بزرگ است.

من از شما دوستان گرامی هموطن که پیوند نزدیک با توده‌های مردم دارید دعوت می‌کنم و حکومت تسهیلات را آماده می‌سازد که یکبار به اتحاد شوروی سفر کنید (شاید بعضی شما هم رفته باشند) و در اتحاد شوروی در مناطق اسلامی حقیقت اسلام را و آزادی خلق‌ها را اعم از ازبیک‌ها، ترکمن‌ها، تاجک‌ها، قزاق‌ها، قرغزها، آذربایجانی‌ها و غیره از نزدیک مشاهده کنید و آنگاه قضاوت نمایید که حقیقت چگونه است؟ پس نباید فریب تبلیغات دشمنان افغانستان را خورد که می‌خواهند ما را از دوستان ما تجرید کنند.

هموطنان، برادران گرامی!

باید به صراحت بگویم که فرزندان حزبی شما و سازمان‌های اجتماعی شما با جرأت، با شجاعت و بیباکانه سینه‌های خود را در برابر مرمی‌های دشمن سپر کرده‌اند ولی شما از برادران خود تان کسانی که پدر استند از فرزندان خود هم دفاع کنید، از وطن خود هم دفاع کنید، از مردم تان هم دفاع کنید. ما از شما تقاضای غیر قابل تحمل و قبول را نداریم. ما از شما خواهش می‌کنیم که فقط و فقط صرفاً حقایق را به سمع توده‌های مردم ما برسانید، مردم ما فوق‌العاده شریف، زحمتکش و نجیب‌اند ولی بنابر عوامل تسلط طولانی استعمار، ارتجاع و استبداد در کشور و عوامل استعمار خارجی عده‌ای از آنها فریب تبلیغات دشمنان را خورده‌اند. شما آنها را به راه راست و صراط‌المستقیم هدایت کنید. شما با زبان تان در این یافته کم کنید، صرف با بیان حقایق.

دوستان محترم!

می‌آییم راجع به حقیقت سرسخت کشور ما، نطق‌های دوستان را من هم مطالعه کردم هم از رادیو شنیدم. تقریباً صحبت‌های شان همه مطالب را احتوا می‌کرد. لیکن يك حقیقت دگر را که من وقتاً فوقتاً باریش سفیدان کشور خود مطرح ساخته‌ام یکبار دگر خاطر نشان می‌سازم. راجع به حقیقت انقلاب ثور، آرمان‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان فراوان و زیاد انتشارات شفاهی و کتبی صورت گرفته که در صحبت‌های شما نیز انعکاس داشته است لیکن حقیقتی را که من می‌خواهم ابراز کنم درباره‌ی مرحله‌ی نوین انقلاب ثور است. بنابر يك سلسله اشتباهات که در داخل صورت گرفت و تا حدودی انقلاب از مسیر درست یعنی از صراط‌المستقیم به طرف انحراف گرایید. ولی باید یادآوری کرد که چطور دشمنان افغانستان در کمین بودند و آماده‌گی قبلی داشتند و حد نهایی سوء استفاده را علیه کشور ما، مردم ما و انقلاب ما انجام دادند. ما باید دشمنان خود را در عرصه‌ی بین‌المللی، منطقه‌ی و ملی بشناسیم. یقین دارم که شما نسبت به ما چندین پیراهن بیشتر کهنه کرده‌اید این را بیشتر درک نموده‌اید. لیکن خوب ما هم سی و هفت سال حیات خود را در حیات سیاسی کشور گذرانده‌ایم. يك دشمن بین‌المللی است که قبلاً خاطر نشان شد. این دشمن غدار و جبار امپریالیستی و ارتجاعی بین‌المللی که نقشه‌های ستمگرانه و شیطانی خود را در وجود کی و زیر

نام کدام کشور علیه افغانستان انقلابی ما پیاده می‌کند؟

باید به صراحت بگویم که بعد از جمع شدن گلیم امپریالیزم انگلیس فرزند ناهل آن در وجود محافل حاکم و هیأت حاکم نظامیگر پاکستان تبارز کرد. هدف من خلق‌های مسلمان و شرافتمند پاکستان نیست. خلق‌های پشتون، بلوچ، سند و پنجاب نیست. هدف ما قدرت حاکم و هیأت حاکم نظامیگر دیروز وابسته به انگلیس و امروز وابسته با امپریالیزم امریکاست. یعنی نیروهای مرتجع پاکستان نه خلق پاکستان. همچنین در جناح غربی کشور، دیروز ایران شاهنشاهی وجود داشت با تأسف با وصفی که ما پشتیبانی قاطع و جدی از انقلاب اسلامی ایران نمودیم و دوستان محترم ما به خاطر دارند که در آوان روزهای اول مرحله نون من نامه بخصوص به خمینی ارسال کردم. به خاطر شما هست؟ باز هم می‌گویم هدف ما خلق‌های برادر ایران نیست. هدف ما همان محافظیست که دستور خود را از ساواک، سی. آی. ای امپریالیزم امریکا، ارتجاع و حتی دستگاه جاسوسی اسرائیل می‌گیرند. شما اطلاع دارید که در وقت شاهنشاه ایران ارتباط فوق‌العاده نزدیک میان شاهنشاه حاکم ایران و اسرائیل موجود بود. صرف نظر از آنکه امپریالیزم امریکا در آنجا يك قدرت اساسی ایجاد نموده بود. هنوز بقایای آن شدید در ایران موجود است که تحریکات را علیه افغانستان انقلابی دامن می‌زنند.

بعد از اطلاعات دقیق و مؤثق، قبل از شش جدی که من شخصاً در افغانستان در مخفیگاه بودم و با دوستان و رفقای خود ما دوباره وحدت حزب خود را تأمین کردیم، هم در عرصه ملی و هم در عرصه نظامی تصمیم گرفتیم که امین ناامین و نابکار را که غیرقانونی قدرت را غصب کرده و ظلم و ستم را در مورد مردم افغانستان روا می‌داشت باید سرنگون ساخت.

خوب دوستان محترم! حقیقت دگر چه بود؟ ما نقشه‌های محیلانه بی را می‌فهمیدیم و از سابق هم می‌دانستیم و اطلاعات مؤثق هم به دست آوردیم که چه پلان وحشتناک در مورد افغانستان هر آن و هر روز در حال پیاده شدن است. فقط يك اصل را برای شما می‌گویم همه ما اتباع افغانستان هستیم، همه فرزندان خلق‌های افغانستان هستیم، ما وطن خود را دوست داریم. به مردم خود و به وطن خود عشق داریم نه تنها عشق داریم، عشق به زبان، بلکه با آماده باش برای هرگونه قربانی. ما از نقشه بس خطرناکی اطلاع حاصل کردیم که در طول زمان دوره ظاهر شاه مطرح بود.

اگر به خاطر داشته باشید من در وقت رأی اعتماد مربوط به حکومت مرحوم داکتر ظاهر برایش اعلام کردم که تو آخرین تیر قانون اساسی است. برای اینکه توطئه‌های عظیم در کشور موجود است. به خاطر دارید؟ در آن وقت ما اطلاع داشتیم که چه پلان رذیلانه و خاینانه‌یی در مورد مردم ما، وطن ما، حاکمیت ملی کشور ما و تمامیت ارضی کشور ما در جریان طرح و تطبیق است. از يك طرف کودتای خود ظاهر شاه مطرح بود که باید علیه خود کودتا کند. کودتای به اصطلاح سردار ولی دامادش مطرح بود. کودتای میوندوال مطرح بود و دگر اجنت‌های امریکایی در پیوند با پاکستان و رژیم شاهنشاهی ایران. به هر حال طوری که خصوصیت همین سلسله دودمان بود که روی منافع خود برادر، برادر را کور کرده و همیشه افغانستان را در خاک و خون کشانیده اند و بالای مردم افغانستان ظلم و ستم روا داشته اند پس از میان خود شان بعداً داود به وجود می‌آید در اینجا شك نیست، ما اعتراف می‌کنیم که در مرحله اول داود را پشتیبانی کردیم برای اینکه سلطنت سرنگون شود برای اینکه یافته‌های اساسی برای يك انقلاب بعدی به وجود بیاید. ما می‌شناختیم که این آدم جاه طلب، خودخواه و خودسر در کشور ما موجود است.

به هر حال ما صادقانه از داود پشتیبانی می‌کردیم برای اینکه وعده کرد در افغانستان خدمت و کار می‌کند ولی بعداً ثابت شد که عین همان نقشه ارتجاع منطقه و امپریالیستی بود که وی هم در همان دام بسته شد. در آن وقت دگر راهی نبود برای نجات افغانستان جز سرنگونی تمام بقایای سلطنت نادرشاه، ظاهرشاه و داود. حزب ما این وظیفه تاریخی را اجرا کرد. برای جامعه ما در مرحله جدید عینی حلقه‌های توطئه و دسیسه بسته شده بود. من پیشتر به شما گفتم ما در پیشگاه مردم خود تعهد سپرده ایم که حقیقت را بگوییم.

خوب نقشه چه بود؟ اینجا کسانی هستند که راجع به تاریخ گذشته کشور می‌دانند دو بار انگلیس‌ها سعی کردند که افغانستان را اشغال کنند و جزء قلمرو استعماری خود و جزء نیم قاره قرار بدهند. هویت ملی افغانستان را از نقشه جغرافیایی جهان محو سازند و یا حداقل تا کوه هندوکش را باید اشغال کنند. کوه هندوکش به حیث سد دفاع مصالح و منافع امپراتوری انگلیس، وارث این پلان خاینانه علیه افغانستان کی بوده می‌تواند؟ جز محافل مرتجع و نظامیگر و حاکم پاکستان که همیشه با افغانستان مواجه بوده اند. علی‌الرغم اینکه افغان‌های ما وقت فوقتاً پاکستان را

پشتیبانی کرده اند. خوب به اراده خود البته و هر وقتی پاکستان در وضع خطرناک قرار داشته مردم افغانستان از وقت علیه پاکستان استفاده نکرده اند. خوب این هم سؤال تاریخ است.

همچنین تاریخ روابط افغانستان با سلاطین ایرانی به افغانها کاملاً معلوم است همیشه آنها آرزوی اشغال افغانستان را از سمت غرب، شمال غرب و جنوب غرب تا مناصف افغانستان داشته اند. آیا این صحیح نیست دوستان محترم؟

این نقشه، این پلان دوبار قبل از مرحله نوبین در دستور کار ارتجاع و امپریالیزم قرار داشته و با تأسف چین هم نقشه امپراتوری خود را طوری ساخته که يك بخش از افغانستان یعنی قسمت‌های بدخشان، تخارستان و قسمت‌های نورستان و بخش دگر باید طعمه چین باشد. این پلانی بود که در افغانستان پیاده می‌شد.

خوب دوستان گرامی و محترم! در این وقت که بنابر عوامل مختلف مردم ما در کوه‌ها و دره‌ها فرار کرده بودند قدرت مرکزی ضعیف شده بود و آنهم در دست يك ناکس و يك جلاذ قرار داشت و نیروهای ما ضعیف بود. شما توجه کنید مرا همکاری کنید. مشوره بدهید که در این طور احوال و اوضاع خطیری که بود و نبود افغانستان مورد سؤال قرار می‌گیرد و کسی که این اطلاع را حاصل می‌کند و امکانات دارد، آیا قیام نمی‌کند؟ آیا در این اوضاع و احوال ما با يك دوستی که سابق تاریخی دارد. از وقت استقلال کشور ما اولین کشوری بود که افغانستان را به رسمیت شناخت و کمک‌های بی‌غرضانه به افغانستان کرده و می‌کند آیا در آن وقت که ما از چار طرف از طرف دشمنان احاطه شده بودیم آیا به حکم وجدان اسلامی، انسانی، وطنی، افغانی، ملی و مقررات بین‌المللی قیام نمی‌کردیم، آیا حکم استقلال کشور ما، آزادی خلق‌های ما این نمی‌تواند باشد که ما باید کمک اتحاد شوروی را در این وقت حساس بود و نبود کشور ما می‌خواستیم، برای دفاع کشور ما، این را شما دقیق و با مسؤولیت وطنی ببینید و با هم ببینید. در چنین وضع حساس من یقین دارم چرا حقایق را باید نگفت حتی از طرف شما من حقایق را ابراز می‌دارم شاید در اندیشه بعضی از مردم افغانستان باشد که قطعات محدود اتحاد شوروی در افغانستان چرا هست؟

دوستان، هموطنان گرامی، با صراحت اعلام می‌دارم، بدون مخفی نگهداشتن از مردم افغانستان، تا که تمام آن علل و عواملی که موجب دعوت قطعات محدود اتحاد

شوروی به افغانستان شده کاملاً از بین نرود و محو نشود و استقلال ملی، حاکمیت ملی ما و تمامیت ارضی ما تضمین نگردد، قطعات محدود اتحاد شوروی در افغانستان هست. هر وقتی که تضمین به وجود آید در ظرف چند روز آینده يك نفر از سپاهیان شجاع، صلحدوست، انترناسیونالیست و دوست صدیق افغانستان در افغانستان نخواهد ماند.

این حرف ما از تریبون ملل متحد ابراز شده، به جهانیان در کنفرانس ژنیو گفته شده و در افغانستان هم تذکر داده شده است و من هم در بزرگترین تریبون‌های بین‌المللی این اراده مردم افغانستان را که اراده تاریخی مردم افغانستان است یکایک گفته‌ام. فقط کسی که معتقد با ما نیست این اراده را ندارد.

ما این وطن خود را با تمام فقر و بدبختی آن دوست داریم. رنج‌هایش را دوست داریم. همراه رنج و بدبختی آن می‌سازیم. یکجا زنده‌گی می‌کنیم. دشمنان ما این مسأله را بهانه گرفته‌اند. من در ماسکو بودم. در بیانیه‌های رهبران و در مطبوعات اتحاد شوروی خواندم که این ایالات متحده امریکا و وابسته‌گان آن است که باندهای مزدور را برای تخریب به افغانستان ارسال می‌دارد و جنگ اعلان ناشده‌یی را علیه افغانستان به پیش میبرد. برای اینکه قطعات محدود اتحاد شوروی در افغانستان باید باشد. یعنی این پلان هم پلان امپریالیزم و ارتجاع است که قطعات محدود اتحاد شوروی از افغانستان نرود. لذا چه می‌کنند؟ سعی می‌کنند که در افغانستان بحران هر قدر طول بکشد. صلح و امنیت سراسری کشور تأمین نگردد و افغانستان در شاهراه صلح و استقلال ملی، آزادی، دموکراسی، ترقی اقتصادی و اجتماعی، عدالت اجتماعی و برادری نایل نیاید چرا؟

برای اینکه آنها دشمن این آرمان‌ها هستند. آنها هرگز نمی‌خواهند طوری که در طول تاریخ خواسته‌اند که يك افغانستان مترقی، پیشرفته، مستقل، قوی و نیرومند در این منطقه ایجاد شود. اینها نمی‌خواهند که سطح زنده‌گی مردم افغانستان ارتقا یابد و مردم در سعادت و خوشبختی زنده‌گی کنند. برای اینکه این امر به نفع دستگاه استثماری سرمایه داری نظامی غرب و امپریالیزم نیست به نفع ارتجاع کشورهای مربوطه نیست.

دوستان گرامی! اصل علمی است که پروسه تکاملی تاریخ کسی بخواهد یا نخواهد به پیش می‌رود ممکن مؤقتاً آنرا متوقف و یا بطی ساخت ولی هرگز جلو پیشرفت

چرخ تاریخ گرفته نمی‌شود. هر قدرت و نیروی در جهان که در برابر چرخ تاریخ خود را قرار دهد خورد و خمیر و زوال خواهد شد. خوب این توطئه نقش بر آب شد.

حتی در این نقشه پلانی بود که جنگ منطقه‌ی آغاز گردد. پلان بود که ولو نیم جمعیت افغانستان محو شود آنها بر نقشه خود باید نایل آیند. این وحشتناک است. به هر حال به وقت و به حکم ضرورت تاریخی ملی، ما تمام نقشه‌های دشمن را نقش بر آب ساختیم.

من راجع به این که وضع داخلی کشور به چه منوال است حرف زیادی ندارم و شما همه برادران ما وضع را به پوست و گوشت تان لمس می‌کنید. مردم افغانستان هیچگاه چنین وحشت و دهشت را ندیده و نداشته بود. بیش از نود کمپ تربیت نظامی با معلمین که شما بارها شنیده اید در پاکستان وجود دارد. این حقایق است اسناد موجود است مؤثق است که معلمین امریکایی، چینیایی، انگلیسی، پاکستانی، مصری و حتی اسرائیلی، وحشیانه ترین شیوه آدمکشی را برای آنها تعلیم می‌دهند، برای آنها تعلیم می‌دهند که چطور اطفال را، چگونه مزارع را چگونه ریش سفیدان را، چگونه قریه‌ها را از بین ببرند چگونه پل‌ها را ویران نمایند، مکاتب و شفاخانه‌ها و حتی مساجد را بسوزانند. این است مسلمانی امریکایی اگر کسی می‌خواهد چنین اسلامی در افغانستان بیاید یعنی اسلام امریکایی که اعراب فلسطین را وحشیانه به قوت اسرائیلی سرکوب می‌کند. وقتی کسی که آرزوی چنین چیز را داشته باشد اجازه بدهید با تواضع بگویم هرگز آن شخص افغان نیست بهتر است خود را یا پاکستانی یا امریکایی اعلان کند چنین شخصی تبعه ما نیست. بفرمایند مهاجرت کنند به امریکا به هر جای دگر مردم افغانستان به چنین انسان‌های آدمکش و ضد وطن و ضد مردم اصلاً نیاز مند نیستند.

برادران!

علی‌الوصف اینکه دولت افغانستان از لحاظ قوای مسلح خود از لحاظ قدرت آتش خود نیرومند است لیکن ما سخت به سیاست انسانی، افغانی، ملی و دموکراتیک وفادار هستیم حتماً اطلاع حاصل می‌کنیم که فلان جا باندهاست ولی کوشش نمی‌کنیم که حملات بدون سنجش نماییم برای اینکه مردم بیچاره آسیب نبینند.

شما بهترین مظهر فرزندان افغان هستید که در اینجا به رسم ملی عنعنوی جرگه ملی را تشکیل داده اید برای همین منظور در بعض موارد ممکن است بعض از ما و شما با هم اختلاف نظر داشته باشیم لیکن یک چیز وجه مشترک میان ما و شما هست که آن استقلال کشور، حفظ نوامیس کشور است، تمامیت ارضی کشور است و صلح و امنیت در کشور است. از این جهت ما و شما را در یک جبهه در این مسأله حیاتی و زنده‌گی یکجا ساخته است. حقیقت را باید گفت که بعض تفاوت نظر موجود است ما شعار دموکراسی واقعی را در کشور خود داده ایم. روزی می‌رسد که بدون پیوند با دشمنان افغانستان، فرزندان افغانستان آزاد راجع به سرنوشت مردم افغانستان حرف بزنند و تصمیم بگیرند. هیچوقت یک حزب حق این را ندارد که مرام خود را بالای مردم جبراً تحمیل نماید. بلکه این اراده واقعی مردم است که راه آینده کشور خود را تعیین می‌نماید.

لطفاً برنامه عمل آنرا، اصول اساسی آنرا و فیصله‌های آنرا مطالعه بفرمایید و حتماً مطالعه نموده اید. برای اینکه شما نماینده‌گان شخصیت‌های ملی و اجتماعی مردم هستید. اشخاص آگاه هستید. ما در اینجا ابراز می‌کنیم که در سرلوحه اندیشه ما طوری که قبلاً و ضمناً خاطرنشان ساختم اصل صلح در جهان، در منطقه ما و صلح و امنیت در کشور عزیز ما وظیفه مبرم و درجه اول ماست. به این نسبت عفو عمومی صورت گرفت خود شما صحبت کردید. ما تمام مردم را که در گلیم کسانی که در پاکستان پرورش می‌یابند یا از طرف جناح‌های مرتجع آن تحریک می‌شوند و در مورد افغانستان مداخله می‌کنند محکوم نمی‌سازیم. ما حتی کسانی را که سلاح به دست گرفته اند و قبلاً مرتکب اعمال زشت، حتی جنایت شده اند چون فرزند کشور ما بوده اند و چون دشمن از آنها استفاده کرده و آنان را فریب داده بودند مورد عفو عمومی قرار داده ایم.

دوستان گرامی!

هیچگاه فراموش نمی‌کنم که آن کسانی که علیه مردم خود علیه ملکیت عامه، دارایی عامه، علیه دولت می‌رزمند باز هم فرزندان این کشور اند لیکن حیف که بنا بر تأثیرات رژیم‌های خاین و مستبد دیروزی اینها عقب‌مانده اند و معذرت می‌خواهم جاهل باقی مانده اند. ما حتی حقوق آنها را، آزادی آنها را و راه سعادت و خوشبختی آنها را به شیوه‌های برادرانه و دوستانه باید تفهیم نماییم خوب شعار ما، مرام ما



اصول ملی و دموکراتیک ما صلح است، استقلال کشور است، حفظ و تأمین آزادی خلق هاست. که هر کدام باهم تفاوت‌های دارند. هدف ما تأمین دموکراسی واقعی برای مردم است، ترقی اجتماعی و اقتصادی است و سرانجام نیل به برادری، برابری و عدالت واقعی اجتماعی است. خوب پیشتر عرض کردم که شاید تفاوت‌های نظری وجود داشته باشد. مگر کی همراه این اصول اختلاف دارد؟ گمان نمی‌کنم کسی در برابر این حقیقت، که در خدمت مردم باید قرار بگیرد، قرار داشته باشد و یا کسی بگوید که مخالف صلح استم، مخالف استقلال ملی استم مخالف آزادی خلق‌های کشور استم، مخالف دموکراسی واقعی برای مردم خود استم، مخالف ترقی اجتماعی و اقتصادی، برادری، برابری و سرانجام عدالت اجتماعی استم. پس اگر همین‌طور باهم صحبت کنیم سرانجام هیچ تفاوتی وجود ندارد. لیکن به حضور شما اعلام می‌دارم که وقتی که می‌گوییم خدمت به خلق و مردم، اولین اصل که باید رعایت شود معنویات است این که شخصی چه می‌کند؟ این از اسرار یک شخص است، چرا که ذهنیت و شرف و ناموس خانواده مصئون است. ما خانواده‌های خود را، کانون خانواده‌های خود را، ناموس خود را فوق‌العاده محترم حتی مقدس می‌شماریم. همچنان ملکیت شخصی خانواده‌ها را نه تنها سخت احترام می‌کنیم بلکه از آن قانوناً دفاع می‌کنیم. ما تمام امکانات خود را به کار می‌بریم که فرزندان هر خانواده، هر خانواده از زحمتکشان، کارگران، دهقانان و دگر اقشار و طبقات از لحاظ فرهنگی و کلتور، تعلیم و تربیه، مسلح و مجهز شوند، تا در شرایط تمدن معاصر جهان فرزندان افغان سر بلند باشند. ما فرزندان خانواده‌های کشور خود را از لحاظ بود و باش، منزل، از لحاظ صحت و جسم قوی شان که در برابر هرگونه مظالم مقاومت داشته باشند همچنین از لحاظ خوراک و پوشاک باید تأمین کنیم و تضمین نماییم. تمام اصول مرا می‌ما و اقدامات ما باید در این جهت باشد. لیکن در حرف نه بلکه در عمل.

خوب مردم ما در طول تاریخ دارای یک سلسله سنن، عنعنات، رسوم و خصوصیات خود بوده اند. ما باید تمام رسوم، خصوصیات، عنعنات و سنن را که مردم ما به آن معتقد هستند و از آن شاد می‌باشند نه تنها احترام بلکه جداً طرفداری نماییم هیچ چیزی با زور سرنیزه تحمیل نمی‌گردد. من و رفقای ما سخت کوشش می‌کنیم که خدمتگزار واقعی شما برادران محترم و تمام مردم زحمتکش افغانستان و وطن

باشیم. اینجا مدت‌ها قبل آقایی و باداری، نوکری و زیردستی برای ابد محو گردیده است.

اصل بسیار مهم چیست؟ اگر ما واقع صادقانه برای مردم خود خدمت می‌کنیم و باید خدمت کنیم مسأله مهم مسأله دین مقدس اسلام است. طوری که قبلاً عرض کردم ما نمی‌توانیم، قدرت آنرا نداریم که در قلوب و عقول اشخاص داخل شویم که آیا این شخص معتقد است یا نیست ما تفتیش عقاید نمی‌کنیم لیکن ما می‌گوییم اصول و ارزش‌های اساسی دین مقدس اسلام را نه تنها رعایت و احترام بلکه آنرا به سطح قانون و عمل تضمین می‌نماییم.

خوب آیا اکثریت نفوس کشور ما را کدام مردم تشکیل می‌دهند آیا دهقانان نیستند؟ خوب زمین داشتن و زمین داری کار بدی نیست. لیکن از زمین باید درست و به حد نهایی مفید به اقتصاد کشور استفاده شود. اگر ما بتوانیم که به صورت عادلانه برای هر خانواده سی جریب زمین درجه اول بدهیم آیا زندگی خانواده‌ها تأمین شده نمی‌تواند؟ شما موافقه دارید باقی زمین که می‌ماند برای میلیون‌ها توده دهقان که هر روز رنج می‌کشند و تحت استثمار قرار دارند و خانواده اش چقدر بدبخت است داده شود؟ شما از من بهتر با مردم در تماس هستید. من هم تا اندازه بی دیده ام در زندگی خود اصلاً یک بچه دهاتی استم. من از نزدیک به اعماق يك خانواده دهقان وارد استم. در خانه شان در زیر صندلی و لحاف صندلی بالای تنور خواب می‌شوند نان همانجا می‌خورند و صبح وقت ملا اذان که آنها برمی‌خیزند در مزرعه می‌روند طفل شان، زن شان، مادر شان در زمین کار می‌کنند و با چه رنجی حاصل می‌گیرند و شما خیر دارید که در سابق این حاصل چگونه تقسیم می‌شد؟ آیا حکم اسلام نیست که احتیاج آنها تأمین شود؟ آیا بگذاریم که میلیون‌ها انسان در رنج در بد بختی، در فقر، در فاجعه، در بی‌سوادی زندگی کنند و يك قشر کوچک محدود و آن هم ستمگر، حاکم بر سرنواشت کشور باشد؟ شما مرا رهنمایی کنید که آیا این حرف‌های من صحیح است یا نه؟

ببینید کارگران چه زحمت نمی‌کشند. دهقان، ما را نان می‌دهد، خانواده‌های ما را از لحاظ مواد غذایی تأمین می‌نماید و مواد اضافی آن در صنایع صنعتی به کار برده می‌شود.

کارگر ما در صنایع کار می‌نماید که ما از آن بهره می‌گیریم. پیشه‌وران شاگرد و

استاد و همه زحمتکشان ما تمام وسایل اولیه را تأمین می‌کنند. آیا ما از آنها دفاع کنیم؟ آیا تفاوت نظر در میان ما و شما وجود دارد؟ روحانیون که آنها تعلق می‌گیرند به معنویات کشور، مقصد من از روحانیون واقعی و صدیق است آنها بالای ما حق دارند، باید به نحوی زنده‌گی شان تأمین شود، کسانی که زنده‌گی متوسط دارند آنها حق حیات همیشگی در کشور دارند حیات شان باید تضمین شود هم چنین قشر تاجران ملی که به نفع افغانستان تجارت می‌کنند یا کسانی که صنایع را، اقتصاد افغانستان را رشد می‌دهند و یا قبایل ما که از سرحدات کشور دفاع می‌کنند و منافع کوچیان خود را که باید به نحوی از انجا تأمین بکنیم. آیا شما با من توافق دارید؟

من یقین دارم که همه فرزندان شما در مکاتب، فاکولته‌ها و یا در عسکری درس می‌خوانند باید حقوق متعلمان، محصلان، معلمان، انجیران، داکتران، اطبا و همه روشنفکران را تأمین کرد صلح، رفاهیت و زنده‌گی شان را ارتقا داد. آنها برای ما اختراعات می‌کنند در آینده اکتشافات می‌کنند. پست‌های اداره را به پیش می‌برند. متخصصان می‌شوند. آنها را باید در وظایف شان تربیه بکنیم. این حرف‌ها ساده است وقتی که ما می‌گوییم جبهه ملی پروطن، هدف از توضیح من این است که تمام کسانی که با افشار و طبقات ملی و دموکراتیک که من به آن اشاره کردم تعلق داشته باشند در جبهه ملی پروطن حق عضویت دارند و آنها همه حق شرکت مستقیم در اداره دولت افغانستان را دارند.

دوستان محترم!

تشویش دارم که وقتی زیادی را گرفته باشیم دردهای دل و آرمان‌ها زیاد است امیدوار هستم که باز هم با هم بنشینیم. لیکن تأکید باید ورزید که وقتی که خوب دقیق شویم میان ما و شما هیچگونه اختلاف و تفاوتی نیست. همه ما و شما در يك جبهه ملی پروطن برای ایجاد يك افغانستان دموکراتیک، نوین، پر قدرت پرنیرو، مرفه، سعادت‌مند و سربلند در جهان از سر و جان خود گذشته ایم. درین جبهه قرار داریم و به پیش می‌رویم. شاید حرفی در میان باشد که ما در وقتی که اپوزیسیون یا مخالف دولت‌های افغانستان بودیم به وسیله مبارزات سیاسی و اشکال مختلف مبارزه منجمله از پشت تریبون پارلمان می‌خواستیم که هرچه زودتر حقوق مردم افغانستان به آنها باید داده شود. در آنوقت آنها وحشیانه به منافع خود چنگ زده بودند. بعض وحشیانی که جز خون چیز دیگری را نمی‌دیدند. به هر حال شما امروز از مشکلات

ما آگاهی دارید. ما از يك طرف پروژه می‌سازیم و از طرف دیگر برخی از آن تخریب می‌شود مکتب می‌سازیم، بعض از آن تخریب می‌شود و غیره.

دوستان!

حزب و دولت بدون کمک و اتکای مردم افغانستان، بدون کمک شما و سایر اشخاص با صلاحیت میان مردم افغانستان و خدمتگزاران و ریش سفید مردم افغانستان کاری نمی‌تواند. پس بیاید هرچه زودتر و زودتر صلح و امنیت را تأمین کنیم. شما همه چیز را می‌توانید برای ما مشوره بدهید. ما به شما مشوره می‌دهیم. ما راه‌های را که می‌دانیم به شما می‌گوییم. باید بدانیم که این دشمن است، ارتجاع و امپریالیزم است که مانع سرعت کار ما و سد کار ما می‌شود این وظایف زمان معین را احتوا می‌کند. اینجا که باید صبر و تحمل و شکیبایی را که همیشه افغان‌ها داشته اند از دست ندهیم.

در اخیر با آرمان‌های واحد و مشترک در راه این اصل که صلح و امنیت در جهان، در منطقه ما و در شرایط کنونی در کشور ما تأمین شود و به خاطر استحکام استقلال ملی کشور و آزادی تمام خلق کشور بر اساس اصول برادری و برابری بدون تبعیض، بدون تسلط يك خلق بالای خلق دیگر و يك طبقه بالای طبقه دیگر و یا بر خورد برادرانه با تمام ملیت‌های افغانستان اعم از پشتون‌ها، تاجک‌ها، هزاره‌ها، ترکمن‌ها، نورستانی‌ها، بلوچ‌ها و سایر اقوام افغانستان باز هم در تحت شعار دموکراسی واقعی برای مردم، ترقی اقتصادی، اجتماعی و عدالت واقعاً اجتماعی، همه ما به اشتراک هم دوش به دوش در جبهه ملی پدروطن در جهت اجرای این اصول و وظایف ملی خود گام به گام برادرانه به پیش می‌رویم.

صحبت خود را ختم می‌کنم در اخیر پیشنهاد می‌کنم که اگر مورد قبول برادران محترم قرار گیرد که از هر ولایت يك نفر و از بعض شهرهای بزرگی يك يك نفر در حدود بیست و پنج - سی نماینده انتخاب کنند. ما در جریان امسال قانون ارگان‌های محلی قدرت دولتی را بر اساس اراده مردم افغانستان، بر اساس دموکراسی و عنعنه جرگه‌ها مورد تصویب قرار می‌دهیم و ما نیازمندیم که بعض مشوره‌های سودمند و ثمربخش برادران صاحب تجربه خود را در مناطق در محلات کشور به دست آوریم اگر چنین پیشنهادی مورد توافق قرار گیرد چنین رفقا انتخاب شوند و آنها چند روز به کابل باشند. يك هیأت تعیین می‌شود و اینها تبادل

نظر می‌کنند. نظریات شان یادداشت می‌شود و باز من هم سعی می‌کنم که فرصتی به دست بیاورم.

ما و شما باز هم با هم می‌بینیم البته شما نتایج صحبت خود را به سایر رفقا و ریش سفیدان و برادران بزرگ صاحبان تجربه که در خدمت مردم قرار دارند به اطلاع آنها می‌رسانید که این یک پیشنهاد بود. نکته دگری را که من می‌خواستم یکبار دگر تأکید بورزم تمام مردم افغانستان در جرگه‌ها و شوراهای محلی تا سطح ولایات شرکت بکنند. مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق نماینده‌گان خود، ما اینکار را در جریان سال در پیش روی خود داریم و در آینده نزدیک مورد تطبیق قرار می‌دهیم تا با پیروی از اصل دموکراسی واقعی مردم گام به گام سرانجام شورای کبیر اهالی یا شورای کبیر ملی یا لویه جرگه افغانستان تأسیس گردد.

صحبت با نماینده‌گان کنفرانس سراسری نویسندگان جوان ج.د.ا

۲۸ عقرب ۱۳۶۲

## نویسنده واقعی در موضع خلق، در موضع زحمتشان قرار دارد

رفقا و دوستان نویسندگان جوان ج.د.ا!

مقدم بر همه، بنابر تدویر پیروزمندانۀ کنفرانس سرتاسری نویسندگان و شاعران جوان ج.د.ا به شما و از طریق شما به تمام نویسندگان جوان و به اتحادیه ایجادگر شعرا و نویسندگان، به کمیته دولتی کلتور و از طریق شما به تمام اهل ادب، آرت و هنر از صمیم قلب شادباش های گرم و مراتب تبریکات خود را تقدیم می‌دارم.

رفقا و دوستان!

نویسندگان و شاعران جوان، جوانان بالنده آینده کشور پرافتخار ما افغانستان انقلابی و نوین!

اجازه دهید، که به پهلوهای دگر ادبیات و نویسنده گی بنابر وظیفه‌یی که بر عهده ما سپرده شده است تماس بگیرم. یقیناً شما به کمک نویسندگان پیشقدم، نویسندگان محترم و سابقه دار در تمام شوون و عرصه‌های ادبیات و نویسنده گی تماس وسیعی گرفته اید. لیکن من از موقف خود بعض جهات حیاتی را در عرصه ادبیات و نویسنده گی خاطر نشان می‌سازم. طرح مسأله عبارت از اینست که در اوضاع و احوال موجود و در دورنمای آینده کشور ما وظیفه اساسی نویسندگان و شاعران جوان مخصوصاً چه می‌باشد؟ این سؤال بس بزرگ، سازنده و رهگشای است که البته زمانی کوتاه نمی‌تواند که ما را فرصت دهد تا همه جانبه در باره وظایف عمده و اساسی آن عمیقاً حرف بزنیم و مسأله را تجزیه و تحلیل علمی کنیم.

معهدا بنابر گرفتاری‌های متعدد و مسؤولیت خطیری که به عهده ماست سعی می‌کنیم ارتجلاً خطوط اساسی وظایف نویسندگان و شاعران جوان را برجسته سازیم و آنرا فورمولبندی کنیم. نخست وظیفه اساسی نویسندگان جوان ما و تمام

اهل فرهنگی عبارت از این است که از همه اولتر باید بیاموزند. بدون آموزش و دانش عمومی فکر نمی‌کنم که ما قادر باشیم وظایف خطیر مردمی، توده‌یی و انقلابی خود را به درستی ایفا کنیم.

به این جهت وظیفه ماست که با آثار و مکاتب قدیم ادبیات آشنا شویم و آثار موجود ادبی را مورد مطالعه قرار دهیم و به عبارت دیگر مورد مطالعه شما جوانان نویسنده و شاعر قرار بگیرد.

بدون دانش عمومی مثل اینست که در تاریکی، در کوره راه قدم بزنیم. لیکن میتود فراگیری این دانش چه است؟ فکر می‌کنم که این دانش نه در پشت میز و مدرسه و مکاتب به دست می‌آید و نه با فراگرفتن لاطایلات و خرافات، بلکه همزمان با اینکه از دانش یا از مکاتب قدیم ادبیات و علم و فرهنگ بیاموزیم ما باید اندیشه و تفکر خود را با وظایف کنونی که در پیش روی ما قرار دارد توأم سازیم. بعضی اندیشه‌های است مبنی بر اینکه گویا که دانش سابق و کهنه به درد نمی‌خورد ما باید صرفاً دانش نوین را فراگیریم. پیروان این مکتب مرتکب اشتباه بزرگ می‌شوند اگر بگویند و چنین تلقین کنند که دانش بشری که در طول قرون متمادی به حیث گنجینه‌های عظیم بشریت به وجود آمده به درد نمی‌خورد و روی آن باید خط بطلان کشید. حال آنکه ما باید از این گنجینه گرانها استفاده کنیم و مکاتب و دانش قدیم را فرا بگیریم. يك نظر اجمالی به دانش یا مکاتب قدیم علم و فرهنگ می‌اندازیم. در این امر جای شک نیست که دانش و فرهنگ کهن در شرایطی به وجود آمده است که مثنی از طبقات ستمگر و استثمارگر حاکم بر سر نوشت میلیون‌ها انسان تحت ستم و استثمار بوده اند. نویسندگان، مربیان، اهل دانش اغلب در تحت تأثیر حاکم ستمگر و استثمارگر استعدادهای خود را به کار می‌بردند و یا در مکاتبی می‌نشستند که قسمت اعظم مسایل را که فرا می‌گرفتند، آنهم طوطی وار مشحون از مسایلی بود که آن به درد خلق‌ها نمی‌خورد. اینجا وظیفه نویسندگان ایجادگر است، نویسنده گانی که در خدمت مردم قرار دارند، تا به صورت انتقادی آثار و مکاتب گذشته گان را مورد تجزیه و تحلیل عمیق قرار دهند، آنچه کهنه است به زباله دان تاریخ بسپارند و آن قسمتی که درست، مفید و ثمربخش برای زحمتکشان خودی و جهان می‌باشد از آن استفاده نمایند. این میتود امروز در کشورهای پیشرو و مترقی جهان بخصوص در کشورهای سوسیالیستی در رأس اتحاد شوروی جداً و عمیقاً مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ما برای اینکه بتوانیم وظایف اساسی خود را در شرایط و اوضاع انقلابی کشور، برای فردای کشور و ساختمان جامعه نوین و مرفه اجرا کنیم لازم است که ما باید به آثار کلاسیک و ملی کشور خود ارج بگذاریم و آنرا برجسته سازیم. البته درینجا نویسندگان ورزیده و پرافتخار کشور ما و شعرای کشور ما موجود هستند و آنها این آثار را این شهکارهای نویسندگان و شعرای ملی ما را در سیر تاریخ برجسته کرده و برجسته می‌کنند. رفقا، نویسندگان و شعرای جوان ما باید آنرا به وجه نیکو فرا بگیرند. همچنان ما باید خود را با دانشی نوین مجهز و مسلح سازیم. قوی‌ترین سلاح برای انقلاب و توده‌ها آن چیز است که از دماغ نویسندگان جوان ما از لحاظ معنویات تراوش می‌کند. نباید این سلاح را به زمین گذاشت و در برابر آن بی اعتنا بود. حزب ما حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان وظیفه خود میداند که تمام شرایط مساعد را برای قدرت آفرینش و ایجاد نویسندگان و شعرای ما تدارک ببیند و باید تدارک ببیند.

رفقا و دوستان!

اصل واقعیت اینست که ادبیات پدیدهبی است مربوط به ایدئولوژی و همچنان ادبیات و نویسندگی پیوند و ارتباط عمیق به اصل سیاست دارد. ادبیات بدون ارتباط اساسی و ارگانیک با ایدئولوژی و سیاست هرگز در جهان وجود نداشته است، حتی دانشمندان پیشرو و مترقی می‌گویند که اگر بدیهیات هندسی هم با منافع طبقات حاکم استثمارگر در تضاد واقع می‌شد، محققاً آنرا رد می‌کردند. لیکن از ادبیات و نویسندگی و هنر طبقات حاکم استثمارگر به نفع خود وسیع استفاده کرده اند. امروز می‌بینید که امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا در یک جبهه نامقدس سیاه با متحدین خود یک جنگ ردیلانه وسیع ایدئولوژیک را به نفع امپریالیزم به نفع مجتمع یا کامپلکس انحصارات سرمایه داری و نظامی، علیه جنبش‌های آزادی‌بخش خلق‌های جهان، علیه صلح و سوسیالیزم به راه انداخته است. تمام استعدادهای بزرگ جهان غرب امروز در خدمت امپریالیزم و انحصارات قرار دارد که شما از طریق رادیوها، آثار و نوشته‌ها از آن اطلاع کافی دارید و باید اطلاع داشته باشید. خوب این پیوند ادبیات و نویسندگی با ایدئولوژی و سیاست است. اکنون که با قیام مسلحانه مردم افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان تمام نظام کهنه، نظام ددمنش و وحشی حاکم اعم از ملاکین فیودال، اعیان و اشراف، بیروکرات‌های فاسد و نماینده‌گان امپریالیزم محو گردیده و با ظهور انقلاب ثور



به مثابه انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی این نیروهای کهن و منسوخ، از میان رفته است بعد از قرون متمادی، برای نخستین بار حاکمیت سیاسی زحمتکشان اعلام گردید، لذا همان طوری که در جریان هفته‌ها و ماه‌ها در اثر انقلاب، انقلاب زحمتکشان، اندیشه‌های مردم به صورت انقلابی تغییر می‌یابد، از لحاظ شعور سیاسی، شعور طبقاتی و آرایش طبقاتی نیز دگرگونی رخ می‌دهد.

دیروز مکتب نویسندگان ما، شعرای ما هر آنچه بود، بود. ما جهات مثبت آنرا گرامی می‌پنداریم و در مرحله نوین انقلاب، کاملاً از اساس، از ریشه، از بیخ و بن وظایف اساسی نویسنده گان، شعرا و هنرمندان ما تغییر می‌یابد و باید تغییر بیابد و گرنه در آن صورت طوری که من در پیش روی نمایندگان شخصیت‌های اجتماعی و ملی ابراز داشتم و آنرا تکرار می‌کنم که چرخ تاریخ چه کس بخواد و یا نخواهد به پیش می‌رود. اکنون چرخ تاریخ در افغانستان نوین، چرخ تاریخ زحمتکشان افغانستان با تمام انرژی و تحرک خود علی‌الرغم جنگ اعلان نشده، علی‌الرغم فعالیت نیروهای ضد انقلاب، باندها و اشرار علی‌الرغم تلاش‌های طبقات منسوخ حاکم استثمارگر و ستمگر گذشته، علی‌الرغم تشبثات مذبحخانه سلطنت پرستان و شاه پرستان در تحت رهبری مستقیم سازمان جاسوسی امپریالیزم امریکا که می‌خواهند موانعی را در راه انقلاب زحمتکشان ما ایجاد کنند به پیش می‌رود. ممکنست در سیر تاریخ طوری که قبلاً افاده کردم چرخ پیش رونده تاریخ چند گاهی بطی پیش برود، و لیکن در هر حال پیش می‌رود و به سیر خود ادامه می‌دهد.

اما اوضاع و شرایط انقلابی با سرعت بی‌رحمانه و آشتی ناپذیر در برابر طبقات حاکم، جبار و ستمگر به پیش می‌رود. هر کسی اعم از اینکه سیاستمدار است یا نویسنده و شاعر اگر خود را با چرخ تاریخ انطباق ندهد و وظایف خود را در روند تکامل تاریخی جامعه تشخیص نکند در زیر چرخ پیش‌رونده تاریخ خورد و خمیر می‌شود، و به آنان جز ننگ و بدنامی چیزی دیگری در پیشگاه مردم باقی نخواهد ماند. به این مناسبت با پیروزی انقلاب شور که مرحله اول هدف استراتژیک ما بود، انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی آغاز شد. انقلاب در آغاز از لحاظ سیاسی پیروز گردید و بعد در عرصه‌های دگر شئون جامعه اعم از اقتصاد که دربر گیرنده زراعت، صنایع، انرژی، ترانسپورت، تجارت، مسایل مالی و ساختمانی و غیره و غیره می‌باشد حاکمیت حقیقی مردم به وجود آمد. درینجاست

که ما وظایف جدید انقلابی نویسنده‌گان و شعرای خود را باید برجسته بسازیم. درین اوضاع يك نویسنده موفق کی بوده می‌تواند؟ آیا نویسنده یی در پشت میز؟

خوب با اینکه نویسنده‌گان قصرهای بزرگ ندارند که بگویم در قصرها، همه آنان فرزندان طبقات متوسط و یا خرده مالک و یا اغلب از میان مردم و یا رنج مردم بیرون بر آمده اند. فردا لشکر نویسنده‌گان ما آیا در شهر کابل در خانه خود به مسایل نویسنده گی، شعر و ادب پردازند یا بیرون ازین محوطه‌ها؟ تجربه نویسنده‌گان انقلابی خدمتگزار و متعهد به مردم و زحمتکشان پیوسته چنین بوده است که همیشه نویسنده‌گان که همچنین بگویم نویسنده‌گان ما باید از پشت میزها و خانه‌های خود خارج شوند و به توده‌های مردم بیامی‌زند و پیوند یابند، جامعه را تشخیص دهند و انقلاب را درک کنند.

خوب بعض وقت تعجب ما را بار می‌آورد که بعض رفقای که من مستقیماً با آنان دوستی و آشنایی دارم، بعض آثار خوبی از حقیقت زندگی مردم ما حتی قبل از انقلاب ترسیم نموده اند. بارها در اندیشه من خطور کرده است که آیا آنها نزد مردم رفته، مردم را درک کرده اند و باز نوشته اند یا خیر؟

البته این سؤال تاکنون در نزد من موجود است لیکن به هر حال ما چنان آثار پر ارزشی در گنجینه نویسنده‌گان محترم خود داریم که آثار آنها تا حدودی در پیوند با مردم با جهت گیری در سمت ایدیولوژی مترقی و سیاست انقلابی افاده شده است. و لیکن کادر دیروز کافی نیست بخصوص برای نویسنده‌گان و شعرای جوان باید نویسنده‌گان سابقه دار و پرافتخار کشور که من به آنها احترام عمیق قایل استم به نویسنده‌گان جوان ما آموزش و پرورش جدی انقلابی بدهند و درین یافته مسؤولیت اتحادیه شعرا و نویسنده‌گان به مثابه يك سازمان اجتماعی، وظیفه کمیت دولتی فرهنگی و بخصوص س.د.ج.ا است که قویاً در پیوند با نویسنده‌گان و شعرای جوان ما باشند و با آنها همکاری بکنند. ما گفتیم که ادبیات از جمله نویسنده گی و شعر پردازی پدیده‌یی است که با ایدیولوژی ارتباط دارد ایدیولوژی ما، ایدیو- لوژی انقلاب ما، حزب ما، دولت ما بر اساس کدام طبقات بنا یافته یا ایدیولوژی کدام طبقه است؟

با بانگ رسماً اعلام داشته ایم و باز هم اعلان می‌داریم که ایدیولوژی ما ایدیولوژی طبقه کارگر است. خوب شاید بعض باشند که با ما توافق نداشته باشند، گمان می‌کنم

که اکنون مردم گام به گام تأثیر عظیم نجاتبخش و آزادی‌بخش ایدیولوژی پرولتاریا را درك کرده اند و درك می‌نمایند، فراگرفته اند و باز هم وسیعاً فرا می‌گیرند. ایدیولوژی پرولتاریا یعنی طبقه کارگر امروز چه ماهیت و خصوصیت دارد؟ این ایدیولوژی است که بر اساس آن نجات تمام زحمتکشان جهان و تمام خلق‌های تحت ستم و استثمار به مثابه قطب نما رهنمایی و رهبری می‌گردد.

رفقا و دوستان نویسنده، شاعر و تمام اهل فرهنگ این را می‌دانند و باید بدانند که نویسنده و شاعر انقلابی بدون پیوند به مبارزه طبقاتی نمی‌تواند آثار و شاهکار خلاق را به وجود آورد در این صورت بدون اینکه خود درك بکنند در حقیقت به نفع يك طبقه اقلیت حاکم ظالم و جبار قرار می‌گیرند.

خوب ما در اینجا باید این را تشخیص کنیم که ما حامی و مدافع کدام طبقه یا طبقات و اقشار اجتماعی هستیم. نویسنده جوان ما اگر این کلید اساسی را منحیث وظیفه اساسی خود درست، عمیق و علماً تشخیص ندهد، باز تأکید می‌کنم که به گمراهی خواهد رفت و اگر قوی‌تر حرف بزنم مرتد خواهد بود. انقلاب ثور از لحاظ خصلت، خصوصیات و ماهیتش نه تنها در داخل کشور بلکه در پیش دوستان و دشمنان اظهر من الشمس است. موضع انقلاب ما، حزب ما، دولت ما، حکومت ما و سازمان‌های اجتماعی ما روشن است بالعموم همه در موضع طبقات و اقشار زحمتکش کشور قرار دارند.

زحمتکشان کشور طالب نویسنده‌گان و شعری استند که در خدمت زحمتکشان باشند. آنچه به زبان می‌گویند آنچه از قلم شان تراوش می‌کند، با تمام انواع و اشکال ادبی باید انعکاس دهنده مصالح و منافع زحمتکشان در تمام عرصه‌ها باشد. این يك پهلوی مسأله است. امروز بیایید که ما وظایف اساسی نویسنده‌گان و شعری کشور را فور مولبندی شده مشخص بسازیم. توضیح آن در مطبوعات کشور وسیع صورت گرفته است. شما انتظار داشتید که چند حرفی از زبان من هم بشنوید. وظایف ما در عرصه ملی، منطقه‌ای و جهان عبارت از چیست؟ وظایف اساسی نویسنده‌گان و شعری عصر ما هم در عرصه ملی و هم در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی خاصه از لحاظ ایدیولوژی و سیاسی عبارت از این است که امروز که بشریت و تمدن بشری کره زمین، سیاره ما، خانه بشریت مورد تهدید جدی هلاکتبار و فاجعه عظیم جنگ قرار دارد، آنها از طرف نیروهای ارتجاع بین‌المللی و امپریالیستی

در رأس امپریالیزم امریکا خاصه در وجود اداره ریگن، برپا خیزند، نه در حرف و زبان بلکه در عمل باید منحيث وظيفه انسانی و بشری از صلح در کره زمین در منطقه و در کشور خود با تمام قهرمانی و حماسه آفرینی، با تمام شجاعت و دلآوری و از خودگذری عملاً دفاع نمایند.

خوب در این دفاع هم باید وظایف ما مشخص گردد. بدانیم که کدام نیروهای جهانی محو بشریت را در دستور روز قرار داده و با سلاح‌های دهشتناک، مرگزا و جهان سوز هسته‌یی یعنی راکت‌ها، امروز می‌خواهد بشریت را تهدید کند. خوب شما اطلاع کافی دارید از تحریکات امپریالیزم امریکا و اعضای پکت ناتو که امروز می‌خواهند و آغاز کرده اند که در اروپا راکت‌های پرشنگ ۲ و کروزر را نصب کنند. طوری که بارها خاطر نشان ساخته ام این تنها اروپا نیست که توسط این راکت‌ها محو می‌گردد بلکه این جنگ هسته‌یی، سراسر کره زمین را از جمله افغانستان را نیز دربر خواهد گرفت. این جاست وظيفه انسانی يك نویسنده توانای انقلابی و شجاع که چطور بتواند از امر صلح دفاع نماید. خوب این همه وظيفه نویسنده‌گان ماست که بیان نمایند کدام نیروها مدافع پر قدرت صلح در جهان اند؟

این مشهود و بی نیاز از اثبات و اظهر من الشمس است که این نیروی اتحاد شوروی است که در رأس به حیث دژ تسخیر ناپذیر مدافع صلح در اتحاد و همبستگی با سایر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای جنبش کارگری و جنبش آزادی‌بخش ملی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین و تمام نیروهای صلح‌دوست بشریت قرار دارد. طوری که شما می‌بینید در سراسر جهان نیروهای صلح عملاً در يك جبهه مقدس جهانی می‌رزمند و می‌خواهند صلح را دفاع نمایند. دفاع از صلح، یعنی دفاع از بشریت و تمدن بشری. لذا وظيفه عمده نویسنده‌گان و شعرای ماست که باید با تراوش قلم خود از صلح دفاع نمایند. و به جهانیان و مردم خود این امر را تفهیم بکنند که نیروی مدافع صلح در جهان دوست صدیق افغانستان اتحاد شوروی است. این امر باید وسیعاً افاده گردد، نه به صورت گنگ و مبهم البته با شیوه‌هایی که ادبیات یا شعر بیان می‌شود و این به قدرت نویسنده‌گان ما تعلق دارد. این میتود یا شیوه‌ها از مقام حزبی و دولتی دستور داده نمی‌شود و گفته نمی‌شود که به صورت قالبی و کلیشه‌یی نویسنده‌گان و شعرای ما باید چنین بنویسند یا چنین کنند. برای اینکه استعدادها را نباید محدود ساخت. نویسنده‌گی، شعر و ادب افق وسیع و بیکران دارد. اما این افق وسیع و بیکران به این معنی است که یک نویسنده از موضع

خلق، از موضع زحمتکشان، از موضع ایدیولوژی طبقه کارگر می‌تواند که خلاقیت، ابتکار و افق وسیع اندیشه و تفکر، نبوغ و استعداد خویش را به کار اندازد. خوب امروز باید امپریالیزم را در عرصه جهانی تشخیص بدهیم، همان نیروهای پلید، سیاه و کهنه، ارتجاع، استبداد، استعمار اعم از کهنه و نو را و تمام مظاهر امپریالیزم را اعم از فاشیزم، راسیزم، صهیونیزم، اپارتاید و تبعیض نژادی که در این جا و آنجای جهان تاکنون نیز مسلط هستند اما محکوم به شکست و زوال. همچنان نیروهای را که امروز نویسنده‌گان و شعرای ما در صف آن قرار دارند و آن عبارت از نیروهای صلح است. نیروهای استقلال ملی، آزادی خلق‌ها، ترقی اقتصادی و اجتماعی، عدالت واقعی اجتماعی و دموکراسی واقعی اجتماعی است این نیروها در برابر نیروهای سیاه تاریخ قرار دارند. نویسنده گان، بر مبنای این ملاک باید با پدیده‌های جهانی برخورد نمایند.

اکنون در عرصه ملی وظیفه چیست؟

امروز جنگ اعلان ناشدیمی علیه افغانستان عملاً ادامه دارد به بعض رفقا که مطالعه عمیق دارند، معلوم است وقتی که طبقات زحمتکش حاکمیت سیاسی خویش را استحکام می‌بخشند و طبقات ستمگر و استعمارگر را محو می‌سازند طبقات حاکم به زودی از منافع خود دست نمی‌کشند بلکه این طبقات به صورت متحدین طبیعی ارتجاع بین‌المللی، ارتجاع منطقه و امپریالیزم در يك صف علیه انقلاب قرار می‌گیرند. در این امر برای رفقا نویسنده‌گان جوان ما يك وظیفه حتمی است اکنون امر اساسی و اولی ما تأمین صلح و امنیت و به پیروزی رساندن نهایی انقلاب ملی و دموکراتیک در کشور است که ما باید آنرا به پیروزی نهایی برسانیم و تحول بعدی اجتماعی را ادامه بدهیم. امروز در کشور جنگ است. جنگی که بر ما تحمیل شده است. ما باید هرچه زودتر با این وضع خاتمه بدهیم، امنیت را در کشور تأمین نماییم تا بتوانیم در جهت ایجاد جامعه نوین به پیش برویم. در چنین شرایطی نویسنده‌گان جوان و بخصوص نویسنده‌گان محترم سابق ما بیشتر وارد استند که یک نویسنده چه وقت می‌تواند حماسه بیافریند؟ در شرایط و اوضاع جنگی انقلابی، جنگ عادلانه انقلابی، میدانم به من گزارش ندادند که چه کسانی از نویسنده‌گان و شعرای جوان ما در سنگرهای گرم مبارزه علیه باندیتیزم شرکت کرده اند، کی شرکت کرده است؟ (دست‌ها بلند می‌شود) تشکر تعداد کافیست. امیدوارم که این روحیه، قوی‌تر و نیرومندتر شود.

رفقا!

جنگ کبیر - میهنی اتحاد شوروی علیه فاشیزم هلنری را به خاطر داشته باشید  
حتماً آثار نویسندگان اتحاد شوروی را چه در هنگام انقلاب اکتوبر و چه در دوران  
جنگ داخلی و چه در وقت جنگ کبیر میهنی مطالعه کرده باشید. تمام نویسندگان  
که در باره انقلاب، جنگ داخلی و جنگ کبیر میهنی نوشته اند و از خود حماسه‌ها  
آفریده اند و قهرمانان بزرگ یا کرکترهای برجسته تاریخ را در داستان‌ها و آثار  
خود انعکاس داده اند، آنها حتی با رتبه‌های نظامی با سلاح نظامی دوش به دوش  
در سنگر با سپاهیان قرار داشته اند، می‌جنگیدند، یادداشت می‌کردند و آثار و  
شکارهای خود را برای بشریت که نام‌های شان جاودان است، به وجود آوردند یا  
خلق کردند.

در کشور ما نیز وضع و شرایط به گونه‌ی است که قدرت نویسنده‌گی شعر و  
ادب را در افغانستان به حداکثر ارتقا می‌دهد و قهرمانی‌های بزرگ ملی و اجتماعی  
را در افغانستان به وجود می‌آورد. نه اینکه از خود قهرمان ساخته‌گی و مصنوعی  
جعل کنیم. این قهرمانان واقعی را شما هر روز در سنگرهای گرم مبارزه به چشم  
دیده اید و به چشم خواهید دید و آنها را درک خواهید کرد. این قهرمانان باید وسیعاً  
در آثار ادبی و هنری ما، در تیاتر، در سینما، در نقاشی، در هیكل تراشی و غیره  
باید انعکاس یابد و اتحادیه هنرمندان ما هم باید متوجه این امر باشد. خوب نقطه  
دگر این است که باید شما رنج‌های قرون متمادی خلق‌های افغانستان را هم درک و  
تشخیص دهید. به خانه‌های دهقانان فقیر که هنوز بقایایش موجود است، حتی  
می‌توان گفت زیاد موجود است بروید، به فابریک‌ها و مزارع بروید و با کارگران  
از نزدیک ببینید و زنده‌گی کنید. شب را با آنها بگذرانید، با دهقانان یکجا زنده‌گی  
کنید با دگر اقتشار و طبقات زحمتکش کشور از آنها افسانه‌ها بشنوید، دردهای آنها  
را بشنوید، رنج و شکنجه‌هایی را که آنها از طبقات حاکم، از ملاکین فیودال از  
روحانیون مرتجع از اعیان و اشراف سلطنتی دیده اند یک بار لمس کنید، درک کنید،  
همدرد شوید، درد دل کنید و آنوقت آثار تان را بنویسید. در این عرصه می‌توان  
بسیار زیاد گفت، لیکن وقت ما کم است.

باید کار کرد. نویسنده‌ی بی که در پشت میز بنشیند به کار و مبارزه نپردازد، به کار  
تولیدی نپردازد و در کار دفاع از مردم با تمام قهرمانی و فداکاری مشغول نشود

نمی‌تواند نویسنده واقعی باشد. نویسنده‌گی جمع کار، جمع مبارزه، در نتیجه تولید، در نتیجه نویسنده‌گان بزرگ.

در يك اثر خواندم که گورکی چگونه مادر را نوشت؟ گورکی با قهرمان مادر که اسمش را فراموش کرده ام دوستی و ارتباط نزدیک داشت. به این مناسبت توانست شهکار مادر را به وجود بیاورد، علی‌هذاقیاس. ما تنها در این صورت است که می‌توانیم نویسنده‌گان بزرگ و شعرای بزرگ نه تنها در جامعه انقلابی خود پرورش کنیم، بلکه آنها را در ردیف نویسنده‌گان طراز اول جهان قرار دهیم. مسأله دگری که باید رفقا بیاموزند اینست که باید کرکتر و خصوصیات و ترکیب جامعه افغانستان را عمیق درک و تشخیص نمایند. از لحاظ طبقات اجتماعی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ اجتماعی، از لحاظ ملی در کشور ما طبقات مختلف زحمتکشان در جبهه ملی پدروطن در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک متحد شده اند باید متحدین را شناخت باید آن کسی را که ضد انقلاب است و دشمن می‌باشد شناخت و همچنان جامعه را باید از لحاظ ترکیب ملی تشخیص داد و درک کرد.

طوری که در جلسه نماینده‌گان شخصیت‌های ملی و اجتماعی ابراز داشتم ممکن است کسانی که هنوز شعور انقلابی آنها رشد و تکامل واقعی ننموده است برما انتقاد کنند و لیکن ما می‌گوییم، حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان علی‌الرغم جوان بودن و عقب مانده گی جامعه و وحشت ارتجاع و امپریالیزم و تلاش‌های ارتجاع سیاه، هیأت حاکم مرتجع نظامیگر پاکستان و یا جناح‌های ارتجاعی ایران به پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم امپریالیزم امریکا و ادامه مداخلات و تجاوزات علیه افغانستان، پیشاهنگ خلق و ابتکار را به دست گرفت. حتی ممکن است، بعض از دوستان هم انتقاداتی بکنند که ما به انتقادات به جای آنها گوش فرا می‌دهیم و به هم تصحیحات لازم را به وجود می‌آوریم و لیکن باید يك امر را به خاطر داشت که حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تمام سیر تاریخ نهضت آزادی خواهی افغانستان علی‌الرغم تمام وحشت استبداد و توطئه‌ها و دسایس، درفش انقلاب ثور، انقلاب خلق افغانستان و زحمتکشان افغانستان را برافراشت و انقلاب ملی و دموکراتیک را آغاز نهاد. این وظیفه انقلابی در سرنوشت آینده زحمتکشان کشور و ایجاد جامعه نوین در افغانستان چنان عظیم است که انتقادات می‌تواند تحت شعاع قرار گیرد.

ما حقایق را به پیشگاه مردم میگذاریم، همان طوری که نویسندگان جوان ما و شعرای ما حقیقت زندهگی را باید به پیشگاه مردم بگذارند.

نقطه‌ی که باید صحبت را به آخر برسانیم يك مسأله دگر است. آن نورم‌ها و موازین معنوی و اخلاقی اعم از اعضای حزبی و سازمان‌های اجتماعی بخصوص نویسندگان جوان ما می‌باشد. که هرگاه ما رشته‌های موازین اصولی معنویات و آداب را در دست نداشته باشیم، باز هم نمی‌توانیم وظایف اساسی نویسندگی یا حق نویسندگی را برای مردم بجا بیاوریم. موازین اساسی معنویات و اخلاق يك انقلابی پیشرو از کدام مرجع خاص صادر نمی‌گردد. این امر از نقش خود بشریت و طبقات زحمتکش و مبارزه طبقات به وجود می‌آید. به این مناسبت گفته می‌توانیم که انقلابیون پیشرو و مترقی صاحب عالی‌ترین موازین اخلاقی در سیر تکامل بشریت می‌باشد.

دفاع از صلح، از آزادی خلق، دفاع از زحمتکشان، وقف و فداکاری در راه زحمتکشان، کار در راه زحمتکشان، ایجاد زندهگی مرفه برای زحمتکشان، در تمام عرصه‌ها اعم از سیاسی، اجتماعی، کلتوری فرهنگی و غیره، ارتقای سطح زندهگی مادی و معنوی زحمتکشان و در پهلوی آن شجاعت، دلاوری، راستی، صداقت وفاداری به رفاقت، عشق به مردم و عشق به وطن، عشق به ایدیولوژی طبقه کارگر، همه و همه موازینی است که در کادر خصوصیات عظیم يك انقلابی اصیل وجود دارد.

البته ده‌ها اصل و موازینی هم است که جزء آیین اخلاق و معنویات هم نیست. ولیکن باز هم ملاک موازین اخلاقی چیست؟ باز هم تکرار می‌کنم بخصوص برای نویسندگان و شعرا که باید از موضع طبقات زحمتکش در برابر تمام پدیده‌ها برخورد کنند.

در بین عرصه هم می‌توان زیاد صحبت نمود. نویسندگان و شعرای سابقه دار و پرافتخار ما، اتحادیه نویسندگان و همچنین کمیته دولتی کلتور یا فرهنگ و بخصوص سازمان د.ج.ا مؤلف اند که اصول و موازین معنویات و اخلاق انقلابی، مترقی و پیشرو را تدوین نمایند. توضیحات دقیق نه تنها در دسترس نویسندگان جوان ما و سازمان‌های جدید که به نام انجمن‌ها به وجود می‌آید که آرزو و آرمان دیرین ما بود، گذاشته شود بلکه همچنین این موازین برای تمام سازمان‌های



اجتماعی جبهه ملی پدروطن و همچنین برای حکومت و حزب و اعضای آن ارائه گردد.

به صورت کلی عشق به صلح و يك انترناسیونالیست بودن، مبارزه با تمام انواع و اشکال ستم ملی در افغانستان و عشق به مردم و وطن داشتن این ها می‌توانند بخشی از اصول اساسی معنویات و اخلاق باشد. راجع به رشد و تکامل فرهنگی های ما باید توجه بخصوص داشت. به این مناسبت برای ما رشد و تکامل فرهنگی، ایجاد فرهنگ واقعاً توده‌یی و دموکراتیک، فرهنگی انقلابی، مترقی و پیشرو، فرهنگ نوین وظیفه ضرور است. به خاطر کدام هدف؟ به خاطر اینکه ما می‌رزیم. برای اینکه استثمار فرد از فرد در جامعه نوین، از ریشه و بیخ و بن محو و نابود گردد.

صحبت من در اینجا خاتمه می‌پذیرد و لیکن در اخیر صحبت یکبار دگر تأکید می‌ورزم که در فرهنگ‌های ملی کشور امانتی است، گنجینه ایست گرانها برای نویسندگان و شعرای ما که دست به دست نسل به نسل می‌گردد از نویسندگان يك مرحله به مرحله دگر و به جوان‌ها می‌رسد جوانانی که منحصت مجموع، سازنده گان جامعه نوین اند.

ما باید بدون تبعیض و تمایز، بدون برخورد ناسیونالیستی در برابر فرهنگ‌های ملی کشور و خلق‌های خود، با وجدان انقلابی و انترناسیونالیستی بر خورد کنیم. آنچه را که در فرهنگ های ملی کشور ما مفید است، عالی است، خوب است، ثمربخش به نفع خلق و زحمتکشان است باید رشد داد. آنچه منفی است، زشت است، به نفع طبقه استثمارگر و ستمگر است یا بوده است آنرا مورد انتقاد قرار دهیم. همچنان باید کلتور، ادبیات، و زبان های سایر ملیت‌ها، اقوام و قبایل را رشد و تکامل دهیم.

بسیاری از زبانها پر غناست. صرف در ارتباط به وظایف نویسندگان و شعرا حرف زدیم. این امر در اوضاع و احوال موجود بعد از نه تنها به سطح قانون و اصول برای حزب و دولت ما بلکه به صورت قاطع منحصت قانونمندی جامعه ما بدون تبعیض و تمایز یا سلطه يك فرهنگ بر فرهنگ دگران مورد تطبیق قرار داده می‌شود، این است یکی از اصول اساسی مرامی ما که باید جزء وظایف اساسی همه نویسندگان و شعرای جوان قرار بگیرد.

ما همه در يك جبهه وسيع فرهنگى ملى، در يك جبهه با نسل نويسندهگان و شعراى بزرگ ما، در يك جبهه با نويسندهگان و شعراى جوان ما، دوش به دوش در يك دست قلم و در دست دگر سلاح و در پيوند با تودههاى مردم در راه ساختمان جامعه نوين و مرفه وسعادت مردم، در راه محو تمام اشكال و انواع ستم و استثمار انسان از انسان و طبقه از طبقه يى، رفيقانه، صميمانه و دوستانه به پيش مى‌رويم.

## فاز نون باید فاز بهبود کار، فاز اقدام، عمل، تصمیم و اراده شکست ناپذیر انقلابی

### و فاز سازماندهی عالی باشد

رفقا!

در نتیجه پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور در افغانستان که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بنابر اراده مردم افغانستان و به اشتراک اردوی قهرمان ما صورت گرفت، برای نخستین بار در تاریخ کشور ما حاکمیت زحمتکشان استقرار یافت. از زمان پیروزی انقلاب ثور پنج سال و هفت ماه و از مرحله نون آن تقریباً چهار سال سپری شده است.

طی این مدت، علی‌الرغم دشواری‌ها، تجاوزات مسلحانه و مداخلات ارتجاعی-امپریالیستی، توطئه‌های دشمنان انقلاب و مقاومت طبقات استثمارگر سابق، ما به موفقیت‌های نایل آمده ایم.

من قبلاً گفته ام و بار دیگر خاطرنشان می‌سازم، که در دو دهه اخیر در کشور ما تعداد زیاد سازمان‌ها و گروه‌هایی وجود داشتند که شعار قیام مسلحانه و حتی جنگ پارتیزانی را مطرح می‌کردند. اما، فقط حزب ما بر پایه ارزیابی دقیق شرایط مشخص تکامل تاریخی جامعه و تعیین استراتژی و تاکتیک مبارزه انقلابی موفق گردید علی‌الرغم استبداد خشن سلطنتی، دسایس و توطئه‌های سی.ای.ای ایالات متحده آمریکا و دشواری‌های درونی و با استفاده از اشکال مختلف مبارزه، سرانجام به قیام مسلحانه دست یازیده سیادت سیاسی و طبقاتی استثمارگران را سرنگون سازد و حاکمیت زحمتکشان را استقرار بخشد. چنانکه بارها خاطرنشان ساخته ام انجام این رسالت، خدمت عظیم تاریخی حزب دموکراتیک خلق افغانستان است. مسلماً اگر اشتباهاتی که حزب و دولت مرتکب گردید، رخ نمی‌داد دستاوردهای ما

از این هم بزرگتر می‌بود. هنگامی که من در یکی از جلسات در باره اشتباهات حرف می‌زدم در چهره بعض از رفقا علایم و آثاری به مشاهده می‌رسید. اما باید خاطر نشان کرد که رشد پیروزمندانۀ پروسۀ انقلابی در کشور و به صورت کل حرکت ما به پیش، بدون ارزیابی و تحلیل دقیق و انتقادی جوانب مثبت فعالیت ما و هم نقایص، اشتباهات و انحرافات ممکن نیست. با آنکه، آنچه در مرحله اول انقلاب رخ داده دگر جزء تاریخ است، ما مؤظف هستیم از گذشته نتیجه گیری کنیم از اشتباهات خود درس عبرت بگیریم تا در آینده چنین اشتباهات تکرار نگردد. ما باید فعالیت خویش را در مرحله نوین انقلاب ارزیابی انتقادی نماییم.

لنین بزرگ، رهبر پرولتاریای جهان تأکید ورزیده است که تمام نهضت‌ها و جنبش‌های انقلابی، همه احزاب مترقی و انقلابی، بخصوص احزاب حاکم طبقه کارگر باید محتوای انقلاب را با اتکا بر تحلیل عمیق شرایط و اوضاع و احوال مشخص تاریخی تشخیص دهند. لنین می‌آموخت که: باید مشی عمومی، میتودها، اشکال و اسلوب کار حزب مطابق به هر مرحله معین تکامل تدوین و تنظیم گردد. تنها در آن صورت است که امر انقلاب و حزب به پیروزی قطعی می‌انجامد. عدم درک ماهیت و محتوای این یا آن مرحله تکامل انقلاب، برای حزب حاکم و دولتی که نماینده‌گی از زحمتکشان می‌نماید اشتباه عظیم است و حتی زیان جبران ناپذیر را به انقلاب وارد می‌کند. ما همیشه باید این (توصیه) را به یاد داشته باشیم.

اکنون با سپری شدن چهار سال از مرحله نوین انقلاب ثور، که واقعاً می‌توان گفت انقلاب شکوهمند ثور، ما اسناد مهم و معتبری مانند برنامه «عمل»، «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان»، تصامیم و فیصله‌های کنفرانس سرتاسری حزب، اسناد و مصوبات دوازده پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و ده‌ها سند حزبی و دولتی دگر را در اختیار داریم. این تصامیم قسماً تطبیق شده اند. اکنون وظیفه مبرم عاملانۀ ما اینست که تمام تصامیمی را که در این اسناد انعکاس یافته است، کاملاً تطبیق نماییم تا همه آنچه را که در صفحات کاغذ درج است، در عمل و پراتیک پیاده کنیم. ما وارد فاز نوین فعالیت خود می‌گردیم و باید بر پلکان جدید و عالیتر تکامل انقلابی بالا رویم. به دستور بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اینجانب در جلسه امروزی اعضای کمیته مرکزی، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، رؤسای سازمان‌های اجتماعی کشور، سایر کارمندان رهبری حزب و دولت،

منجمله اردو، خاندنوی و خاد باید واضح سازم که مضمون فانونین چیست؟ و مطالبات که این فاز مطرح می‌کند کدام است؟

قبل از اینکه به توضیح این مسأله بپردازم، می‌خواهم درباره بعضی از مسایل عمومی صحبت کنم.

يك نگاه کوتاه به اوضاع کنونی جهان: عمده‌ترین و اساسی‌ترین جهت در وضع بین‌المللی کنونی کدام است؟ البته، مبارزه به خاطر حفظ صلح پایدار جهانی و قطع مسابقات تسلیحاتی و بخصوص تسلیحات هستوی. کشورهای سرمایه‌داری غرب و نماینده‌گان کمپلکس جنگی صنعتی امپریالیستی و بخصوص در سال‌های اخیر اداره ریگن تلاش می‌ورزند با برهم زدن موازنه تقریبی نیروها به تفوق و برتری نظامی بر اتحاد شوروی دست یابند و ازین طریق با تهدید سلاح هستوی تسلط بلامنازع و کامل ایالات متحده امریکا را بر جهان تأمین کنند.

سیاست ماجراجویانه امپریالیزم امریکا عملاً در همه جا هم در اروپای غربی، جایی که امریکا علی‌الرغم اراده مردمان آن، به تمرکز راکت‌های جدید هستوی خود آغاز نموده است، هم در شرق میانه و نزدیک، در لبنان، در امریکای لاتین، جایی که ایالات متحده امریکا کشور کوچک گرینادا را اشغال نمود و برای تجاوز علیه نیکاراگوای انقلابی آماده‌گی می‌گیرد، در همه جا و همه جا کاملاً به طور مشهود و واضح دیده می‌شود. این سیاست ماجراجویانه مستقیماً علیه افغانستان نیز متوجه است.

شما، همه با اعلامیه قاطع و مصمم رفیق یوری ولادیمیرویچ اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در رابطه با آغاز تحقق پلان‌های جابجا ساختن راکت‌های جدید هستوی امریکا در اروپای غربی، آشنا شده اید. شما از اعلامیه‌های افغانستان درین موارد نیز اطلاع دارید. حزب ما، دولت و مردم افغانستان در اوضاع و احوال کنونی که جهان، بشریت و تمدن آن با تهدید جدی جنگ هستوی مواجه است، در پهلوی اتحاد شوروی و دگر نیروهای صلح‌خواه در جهان قرار دارد. پشتیبانی از صلح عمده‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه ماست و تمام سیاست خارجی ما متوجه اجرای این وظیفه است. موقف ما در باره دگر مسایل

بین‌المللی نیز به همگان روشن است. این موقف در «برنامه عمل» و سایر اسناد حزب و اعلامیه‌های حکومت انعکاس یافته است.

سؤال به میان می‌آید: آیا ما می‌توانیم مستقیماً به طور بلاواسطه صلح را در سرتاسر جهان تأمین نماییم؟ نه، در عمل و پراتیک ممکن نیست. آیا این بدان معنی است که ما هیچ راه تأثیر برای تخفیف تشنج اوضاع بین‌المللی را نداریم؟ چنین فکر کردن نادرست است. چنین راه‌ها و طرق وجود دارد. و عمده‌ترین آن و در قدم اول عبارت است از استقرار صلح و امنیت در عمل و نه در حرف در کشور خود ما، تقویت مبارزه با ضد انقلاب که آشکارا از جانب نیروهای ارتجاعی و در قدم اول نظامی‌گران پاکستان و مرتجعین دست راستی ایران پشتیبانی و از جانب امپریالیزم امریکا تمویل و تجهیز می‌گردند. امحای سریع و کامل ضد انقلاب نه تنها وظیفه داخلی ماست بلکه سهم عظیم جمهوری دموکراتیک افغانستان در امر تحکیم صلح و ثبات در منطقه، آسیا و حتی جهان خواهد بود. بر اساس احساس مسئولیت در برابر بشریت، بر اساس احساس مسئولیت ملی و تاریخی، بر اساس احساس انترناسیونالیستی و به مثابه وطنپرستان، ما نه تنها باید این وظیفه عظیم را به درستی درک نماییم بلکه به خاطر آن باید تمام خرده کاری‌ها و خرده گیری‌ها را کنار گذاشته همه دست به دست هم داده شهر به شهر، ده به ده، قریه به قریه، قشلاق به قشلاق در میان مردم رویم. ضرور است تا همه نیروهای خود را بسیج نموده، برای انجام موفقانه این وظیفه به طور خسته‌گی ناپذیر کار نماییم.

شما از توطئه‌ها و دسایس امپریالیزم و تبلیغات دروغین و تحریکاتی که در رابطه با «مسایل اطراف افغانستان» به راه انداخته شده است آگاهی کامل دارید. معهدا سیاست خارجی ما علی‌الرغم تمام مشکلات، به صورت استوار و با اطمینان به پیش می‌رود. فعالیت دیپلماتیک ما، نماینده‌گان جمهوری دموکراتیک افغانستان در محافل بین‌المللی، در کنفرانس سران کشورهای غیرمنسلك، در اسامبله عمومی سازمان ملل متحدو در دیالوگ غیر مستقیم در ژنیو به موفقیت‌های معین نایل آمده اند.

موقف افغانستان روشن و از پشتیبانی قابل ملاحظه بین‌المللی برخوردار است. موقف ما در دو اعلامیه پر انعطاف و ابتکاری حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان که نشر شده بیان گردیده است. پیشنهادهای مشخص ما متوجه آنست که

مداخله در امور داخلی افغانستان مستقل و آزاد از بیخ و بن قطع گردد. ما به صراحت اعلام داشته ایم که باید تضمین قوی و نیرومند بین‌المللی برای قطع و عدم تجدید تجاوز مسلحانه و مداخلات ارتجاع و امپریالیزم از خاک‌های پاکستان و ایران داده شود.

ما همچنان با صراحت اعلام داشته ایم که دروازه‌های افغانستان به روی تمام هموطنان ما که در نتیجه تحریکات ضد انقلاب، ارتجاع، امپریالیزم و نیروهای استعمارگر سابق و هر عامل دگر ترك وطن نموده اند، باز است. حزب و دولت کمک لازم را به آنان مبذول خواهند داشت. اما صریحاً باید گفت که این برخورد ما شامل رهبران ضد انقلاب و آن دشمنان مردم افغانستان که مستقیماً اجیران تیبیک سی. آی. ای ایالات متحده امریکا اند، نمی‌گردد.

ما هرگز این خابنین به وطن را به حیث اتباع افغانستان نمی‌شناسیم. آن‌های که به خارج از کشور پناه برده و برای خود پناهگاه بسته اند مانند ماران خطرناکی اند که در زیر سنگی کمین گرفته باشند. آنها هستند که از طریق زور، ظلم، تهدید، تطمیع و فریب، باندهای آدمکشان را تشکیل داده مخفیانه به جمهوری دموکراتیک افغانستان ارسال می‌دارند. آنها اهداف و اعمال شوم خویش را تحت شعار دروغین مبارزه به خاطر اسلام و آزادی پرده پوشی می‌کنند. اما در اینجا، در جمهوری دموکراتیک افغانستان هیچ تهدیدی متوجه اسلام و آزادی نیست. هدف واقعی این خابنین کاملاً چیز دگریست. آنها می‌خواهند قدرت را به دست گیرند تا افغانستان را به قرون وسطی باز گردانند، خلق ما را محکوم به تاریکی و بی‌سوادی و محروم از حقوق شان سازنده و زحمتکشان ما را اسیر یوغ استعمار جدید نمایند. فقط به خاطر همین اهداف شوم است که آنها خون هموطنان ما را می‌ریزند و در سرزمین باستانی و صلح خواه افغانستان تخم دشمنی، مرگ و ماتم را می‌پاشند. ما به این خائنان، مرتدان و وطن فروشان نفرین می‌فرستیم و به طور قاطع و صریح اعلام می‌داریم که حاضر به کوچکترین مصالحه با آنها نخواهیم بود.

در باره تلاش‌های تحریک آمیز و خصمانه برای برهم زدن دوستی صادقانه، تاریخی، برادرانه و سنتی افغانستان و اتحاد شوروی و ادعا برای خروج قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی که پیوسته آنها دامن می‌زنند باید گفت که ما این کوشش‌ها را به حیث مداخله صریح و بیشرمانه در امور داخلی خویش دانسته اجازه

نمی‌دهیم حق حاکمیت ما محدود گردد. این مسأله مربوط به امور داخلی است و بر اساس ارادهٔ مردم ما، حزب و حکومت ما و جانب اتحاد شوروی حل می‌گردد. قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی بر اساس معاهده دوستی، همسایه‌گی نیک و همکاری که پنجمین سالگرد عقد اندرین روزها هم در افغانستان و هم در اتحاد شوروی با شکوه و جلال تجلیل می‌گردد، به جمهوری دموکراتیک افغانستان دعوت شده اند. هنگامی که علل و عواملی که موجب دعوت قطعات محدود اتحاد شوروی گردیده است، از بین رود، آنها به وطن صلح‌دوست خود باز خواهند گشت.

اینست موقف اساسی ما در سیاست خارجی و در رابطه با «اوضاع اطراف افغانستان»

حالا به مسایل داخلی می‌پردازیم:

وظایف حزب و دولت در عرصه سیاست داخلی به طور کامل و روشن در «برنامهٔ عمل» بیان شده است. برای رسیدن سریع و موفقانه به اهداف مطروحه لازم است تا در قدم اول امنیت و صلح سراسری در کشور تأمین گردد.

برای نیل به این امر حلقه عمده عبارت از تحکیم هرچه بیشتر نیروهای مسلح اردو، خاندنوی و خاد است. حزب، حکومت، سازمان‌های اجتماعی و جبههٔ ملی پدروطن به کمک و پشتیبانی تمام مردم، همه ملیت‌ها، اقوام و قبایل افغانستان، وظیفه دارند بدون هراس از مشکلات تمام اقدامات ضروری را برای تقویت بیشتر نیروهای مسلح انجام دهند. ما باید استوار و مطمئن به پای خود ایستاده شویم و خود ما از کشور خود، خاک خود، انقلاب خود، مردم خود، حاکمیت ملی خود، استقلال ملی و تمامیت ارضی وطن خود دفاع نماییم. ما باید روح وطنپرستانه همه ملیت‌ها، اقوام و قبایل افغانستان را از نو بیدار سازیم. ما باید مدافعان قوی انقلاب سپاهیان نیرومند انقلاب و قطعات پرتوان ملیشای سرحدی داشته باشیم. ما باید غندها و دگر قطعات نیرومند و قوی سرحدی داشته باشیم تا از سرحدات کشور دفاع کنند.

ما برای تحقق آرمان‌های که انقلاب ثور به خاطر آن به پیروزی رسید تا آخر با فداکاری و وفاداری مبارزه خواهیم کرد. در هنگام انقلابات، جنگ‌های اعلان شده و یا اعلان نشده (در افغانستان جنگ اعلان نشده تحمیل گردیده است) همهٔ مردم و تمام ملت در مبارزه با دشمن بر می‌خیزند. البته ما هنوز در آن وضع قرار



نداریم، که شعار دهیم «همه به سوی جبهه نبرد!» اما عمل نکردن و یا درست کار نکردن برای افزایش کمی و کیفی بیشتر نیروهای مسلح را نیز حق نداریم. تاریخ مثال‌های زیادی از قهرمانی‌های توده‌بی را در مبارزه با دشمنان وطن به یاد دارد. به یاد داشته باشید که تجارب زیادی هم هست که ما می‌توانیم آنها را سرمشق بگیریم. از تجربه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر، از تجربه جنگ داخلی، جنگ کبیر میهنی مردم شوروی علیه فاشیزم هتلری را به صورت مشخص فرا بگیریم و بیاموزیم که چگونه بلشویک‌ها یا کمونیست‌ها توانستند مردم را متحد سازند و از سخت‌ترین و دشوارترین آزمایش‌ها موفق و پیروز بیرون آیند. آنها خود همیشه در صف مقدم و در قطار اول مبارزه قرار داشتند و توده‌های مردم را به دنبال خویش می‌کشاندند. همه رهبران حزبی و دولتی، منشی‌های کمیته مرکزی، منشی‌های سایر کمیته‌های حزبی و وزرا یا در جبهات بودند یا در ولایات، در فابریکه‌ها و در مزارع به خاطر پیروزی کار و مبارزه می‌کردند. در آنجا نیرو و قدرت واحد و دینامیک کار و پیکار تسلط داشت این نیروی واحد و اراده حزب و خلق، رهبران و توده‌های زحمتکش هر نوع دشواری‌ها حتی دشواری‌هایی را که غیرقابل رفع معلوم می‌شد از میان می‌بردند. هر يك از ما نیز باید به خاطر پیروزی قطعی بدون دریغ از صرف همه انرژی خود، کار و پیکار نماییم.

من با تأسف باید بگویم که بسیاری از کارمندان رهبری حزب، دستگاه دولتی، سازمان‌های اجتماعی و جبهه ملی پدروطن هم در مرکز و هم در محلات مسؤلیت خود را در برابر وضع در کشور، در ولایات منجمله در امر تحکیم هرچه بیشتر نیروهای مسلح کاملاً درک نمی‌کنند. ما نیروهای ذخیره برای تحکیم اردو، خاوندوی و خاد داریم. این نیروی ذخیره و اضافی هم در کابل و هم در ولایات موجود می‌باشد. در میان کارمندان دولت، در وزارت‌خانه‌ها و ادارات تعداد زیاد و اضافه از ضرورت وجود دارد که می‌توان آنان را به خدمت در نیروهای مسلح سوق داد. مثلاً در سیستم تعلیم و تربیه چنین افرادی وجود دارند که نه تنها تا هنوز آنان را حتی به ولایات هم که کمبود شدید معلم در آنجا احساس می‌گردد، نفرستاده‌اند.

ما نیروهای اضافی در حزب، سازمان جوانان و سایر سازمان‌های اجتماعی داریم چرا ما جلب و احضار به اردو را تقویت نمی‌بخشیم؟ آیا همه آنهایی که اکنون اسناد

معافیت از خدمت عسکری در دست دارند، اسناد مذکور را بر مبنای قانونی اخذ نموده اند؟

من از شما که به حیث کارمندان رهبری حزب و دولت ایفای وظیفه می‌کنید جداً آرزو می‌کنم که برخوردتان را با این پروبلم تغییر دهید. شما باید تدابیر مشخص را به منظور افزایش نیروهای مسلح از لحاظ کمیت اتخاذ نمایید. این مسأله مربوط به هر کدام از ماست.

رفقا می‌خواهم يك مطلب دگر را خاطر نشان سازم. هر دولت دارای نیروهای مسلح می‌باشد. داشتن نیروهای مسلح خصوصیت اساسی حاکمیت دولتی است و تحکیم نیروهای مسلح به معنی تحکیم این حاکمیت و قدرت است. اما درینجا يك سؤال اصولی مطرح است: این دولت چگونه دولت است و نیروهای مسلح آن چه وظایفی را انجام می‌دهند؟ دولت‌هایی وجود دارند که تعداد اردو و پولیس خویش را افزایش می‌بخشند، و آنها با جدیدترین سلاح‌ها برای سرکوبی جنبش دموکراتیک در داخل کشور خود و عملی ساختن اهداف تجاوز کارانه و مداخله مسلحانه در امور سایر خلق‌ها، مجهز می‌سازند. اینها دولت‌های ارتجاعی امپریالیستی اند که تظاهرات طرفداران صلح را پراکنده می‌سازند و اشتراک کنندگان آنها مورد تهدید، تعقیب، تضییقات، لت و کوب و فشار بی‌رحمانه قرار می‌دهند، اینها دول امپریالیستی و در رأس امپریالیزم امریکاست که «نیروهای عکس‌العمل سریع» را ایجاد می‌کنند و بحریه کشتی‌های جنگی و طیاره بردار خود را به سواحل بیگانه که هزارها کیلومتر دورتر از کشور خودشان قرار دارد، می‌فرستند. اینها تجاوز علیه یک کشور مستقل را تحقق می‌بخشند و در پی آن فرستادن نیروهای مسلح به کشورهای دگر را پلان می‌کنند.

ولی ما با تحکیم نیروهای مسلح اهداف کاملاً دگری را تعقیب می‌کنیم. هدف ما اینست که به مبتکرین جنگ اعلان نشده علیه افغانستان پاسخ شایسته بدهیم. باندهای ضد انقلاب را سرکوب قطعی نماییم و در سرتاسر کشور شرایط صلح آمیز را برای ادامه تحولات انقلابی به خاطر شگوفانی و سعادت زحمتکشان، ایجاد کنیم. بدیهی است که ما از سایر وسایل سیاسی و مسالمت آمیز برای تحکیم و توسعه

حاکمیت زحمتکشان نیز استفاده خواهیم کرد. چندی قبل بسیاری از رفقای حاضر در این جلسه، مسوده قانون ارگان‌های محلی قدرت دولتی و اداره جمهوری

دموکراتیک افغانستان، را دریافت داشتند. در آینده نزدیک اجلاسیه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان مسوده قانون مذکور را با در نظر داشت همه پیشنهادها، نظریات، تعدیل و تکمیل پیشنهادی، مورد بررسی قرار خواهد داد.

بعد از تصویب این قانون، ما در سال آینده کار بزرگ و عظیمی را برای ایجاد ارگان‌های حاکمیت زحمتکشان در ده‌ها، علاقه‌داری‌های ولسوالی‌ها و ولایات برمبنای دموکراتیک و با در نظر داشت سنن و عنعنات کشور آغاز خواهیم نمود. این کار عظیم با تأسیس ارگان عالی دولتی در کشور که حکومت را تعیین و قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان را تصویب می‌کند، تکمیل خواهد شد. همه اینها وظایفی است که عملاً نضج یافته است. حزب، حکومت، سازمان‌های اجتماعی و جبهه ملی پروطن به کمک و پشتیبانی مردم و در پیوند نزدیک و محکم با آنها باید این پلان‌ها را در عمل تحقق بخشند.

به طور مختصر درباره پروبلم‌های اقتصادی، اجتماعی، ملی، فرهنگی و برخی پروبلم‌های دیگر صحبت می‌کنیم. همه این مسایل در کنفرانس سرتاسری، در پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور مفصل بررسی شده است و ضرور نیست موقف ما در این جلسه در باره آنها به تفصیل تشریح گردد. امروز من آگاهانه می‌خواهم توجه شما را به یک موضوع متمرکز سازم: بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان من حیث مجموع از فعالیت کمیته‌های حزبی، وزارت خانه‌ها، ادارات و سازمان‌های اجتماعی یعنی از فعالیت کارمندان رهبری این اورگان‌ها در امر تحقق وظایف مطروحه راضی نیست.

رفقا، کارمندان اپرات دولتی، رهبری شعبات اقتصاد، زراعت، اصلاحات ارضی، کوپراتیف‌ها و تجارت کمیته مرکزی، رؤسای دیگر ادارات مربوط سکتور اقتصاد، کار بخش‌ها و رشته‌های اقتصادی ما قطعاً و قطعاً پاسخگوی مطالبات و آرمان انقلاب و مردم نیست. رشته‌های اقتصادی و در درجه اول زراعت، برای اینکه کشور ما کشور زراعتی است. باید هرچه بیشتر مواد غذایی برای مردم، موادخام برای صنایع، کالاها برای صادرات تهیه کند. باید به صنایع دستی مردم توجه جدی صورت گیرد.

اصلاحات ارضی که وظیفه و مرکز ثقل انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی

است، به کندی پیش می‌رود. برای حل مسأله آب از جانب ارگان‌های مربوط حزبی و دولتی قطعاً برخورد جدی صورت نگرفته و کار بسیار کم انجام یافته است. کار اتحادیه کوپراتیف‌های دهقانی به بهبود قابل ملاحظه‌ی نیاز دارد.

این تذکرات انتقادی به ساحات دگر فعالیت اقتصادی نیز وارد است. گرچه برای رشد و توسعه ترانسپورت به مثابه شاه‌رگ اقتصاد کشور کار زیاد صورت گرفته است، اما هنوز کاملاً در انجام وظایف موفق نیست. در مورد وضع تجارت گاهی برای من اطلاعات خوشبینانه و گاهی بدبینانه ارائه می‌دارند. اما آنچه که فعلاً در عرصه تجارت داخلی و خارجی صورت می‌گیرد واضحاً کافی نیست. باید توجه جدی به بهبود وضع پولی و مالی صورت گیرد. رهبری وزارت مالیه و مسؤولین بانک‌ها در رفع دشواری‌ها و بهبود وضع در ساحه پولی و مالی از خود ابتکار نشان نمی‌دهند.

باید به مسأله صرفه جویی و مبارزه با اسراف توجه جدی صورت گیرد. ما باید به آن نقطه برسیم که مصرف يك افغانی، يك پارچه نان، يك پارچه گوشت، يك متر تکه، يك قطره روغن و تیل و غیره و غیره را جداً محاسبه و کنترل نماییم. هر مرمی ما باید به سینه دشمن اصابت کند. ما انقلابیون، باید به دارایی‌های عامه و وسایل دولت برخورد دلسوزانه و با احتیاط داشته باشیم و از هرگونه مصرف اضافی و غیرمعقول جلوگیری کنیم. اسراف به مثابه مرض واگیر و بلایی است که اگر با آن مبارزه قاطع و بی‌امان صورت نگیرد همه تار و پود دولت و حزب را مصاب می‌سازد. باید ارگان‌های دولتی تفتیش و کنترل و کمیسیون کنترل حزبی را برای جلوگیری از این مرض فعال ساخت.

ما باید فیصله‌های پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را جداً اجرا کنیم. اقتصاد ما طی سال جاری و سال آینده باید به سطح سال ۱۳۵۷ برسد. وظیفه عمده در عرصه اقتصاد برای سال‌های نزدیک همین طور طرح شده است. اجازه بدهید، از رئیس کمیته دولتی پلان‌گذاری، وزرا و معاونین آنان، رؤسای شعبات کمیته مرکزی و سایر مسؤولین امور اقتصادی که در اینجا حاضرند بپرسیم: آیا وضع کنونی اقتصاد مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته؟ آیا تدابیری طرح و اتخاذ گردیده تا اجرای وظایفی که یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مطرح ساخته است تأمین گردد؟

رشد و تحکیم اقتصاد تأثیر مستقیم بالای حل همه پروبلم‌های حیات جامعه ما دارد. با تحکیم اقتصاد ما می‌توانیم پروگرام اجتماعی خود را سریع‌تر و کاملتر تحقق بخشیم و ارتقای سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم را تأمین کنیم. در این جهت باید کار بسیار بزرگ سازمان داده شود. منحصیث نمونه امحای بی‌سوادى و امثال می‌دهیم که یکی از قانونمندی‌های انقلاب‌های اجتماعى و مترقى است. در این ساحه، ما فوق‌العاده بطنى، کند و بی‌اعتنا حرکت می‌کنیم. من همه دلایل را دارم که بگویم احصائیه‌ها در مورد سوادآموزى غیردقیق و غیرواقعی است. همچنان ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که از وضع تعلیم و تربیه در مکاتب، مؤسسات متوسط مسلکی و مؤسسات مالی تعلیمی و خدمات صحی برای مردم راضی هستیم.

در عرص سیاست ملی حزب و سیاست آن در رابطه با روحانیون همه طرح‌های ما عملی نشده و گام‌های جدی، قاطع و مشهود در این ساحات بر نداشته ایم. حتی کار تبلیغی در میان روحانیون و توضیح حقیقت در باره انقلاب و موقف حزب را نتوانسته ایم به طور شایده و باید و لازم سازمان دهیم.

بسیاری از شما به مسایل و پدیده‌ها سطحی و مجرد بدون درك عمیق آنها برخورد نموده اید. این میتود و این طرز برخورد نادرست است و به طور قاطع باید آنرا ریشه کن ساخت.

رفقا!

برای موفقیت هر حزب سیاسی مسأله جلب متحدین به سوی خود اهمیت فراوان دارد. به عام‌ترین شکل، این متحدین عبارت از آن طبقات، قشرها و گروه‌هایی جامعه است که از سیاست حزب پشتیبانی می‌کند و یا می‌تواند پشتیبانی کند و علیه آن حزب و در ضدیت با آن قرار نمی‌گیرد. ما نمی‌خواهیم در مورد این موضوع با تفصیل حرف بزنیم، زیرا نیازمند وقت کافی است. اما در رابطه با آن می‌خواهم مطلب زیرین را خاطر نشان سازم. در نزد همه معیارهای برخورد درست نسبت به جلب مردم، نیروهای ملی و دموکراتیک، وطنپرست و مترقی جامعه به سوی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وجود ندارد. ما مؤظف هستیم حلقه متحدین خویش را وسیع بسازیم. نباید فقط به این اتکا کرد که این متحد دیروز چه روشی داشت، کی بود. امروز وی با شماست. از شما پشتیبانی می‌کند، شما را تأیید و

همراه و همگام با شما حرکت می‌کند از این ممیزه عمده در رفتار وی باید استفاده کرد. این شعار ما، تاکتیک و شیوه ماست.

به آنانی که «بیطرف» هستند، علیه ما سلاح بر نمی‌دارند، کار شکنی نمی‌کنند و با دشمن پیوند ندارند، نیز باید برخورد خوب و با رعایت داشت و آنان را به طرف خود جلب کرد. یکبار صلح و امنیت را در کشور تأمین کنید، در قلوب و عقول مردم به طور قطعی نفوذ کنید که مردم، حزب، حکومت و دولت را بپذیرند و همیشه با شما یکجا باشند و در آن وقت ما می‌توانیم با آنانی که هنوز از ما پشتیبانی نمی‌کنند، همراه و همگام با ما نمی‌روند به دور یک میز نشسته عدم تفاهم و اختلافات را حل نماییم. البته ما باید کار جلب متحدین را امروز پیش ببریم و پیش می‌بریم، اما در آنوقت مرحله دگر از تکامل انقلاب و شرایط دگری و مساعد تری خواهد بود.

مخصوصاً باید ضرورت برخورد درست با متخصصان غیرحزبی، کارمندان دستگاه دولت، انجمنیان و تخنیکران، معلمان و استادان مؤسسات تعلیمی، کارمندان طبی و غیره را خاطر نشان ساخت. اکثر آنان دستیاران و یاوران نیرومند شما اند، از شما در کارها و فعالیت‌های تان پشتیبانی می‌کنند. این افراد دانش، استعداد و قدرت خود را در خدمت حزب و دولت قرار داده اند. ما می‌دانیم که روشنفکرانی وجود داشتند که به وطن خیانت کردند و به غرب فرار نمودند. اما آنانی را که در افغانستان باقی مانده اند، نسبت به حکومت وفادارند و صادقانه و از روی وجدان زحمت می‌کشند. باید به حیث وطنپرستان احترام کرد. باید به آنان مطابق به دانش و تجربه شان امکانات کار و فعالیت در مقامات دولتی هم در مرکز و هم در ولایات مهیا گردد. هدف من عطف توجه شما به مسأله برخورد با مردم است. شما می‌دانید، خواننده آید که در وقت انقلاب، در وقت جنگ‌ها، در دشوارترین اوضاع و احوال، هنگامی که موضوع مرگ و زنده‌گی مطرح بوده حزب کمونیست اتحاد شوروی این شعار را به پیش کشیده است که:

«کمونیست‌ها به پیش!» حزبی‌ها همیشه هم در جنگ و هم در کار در صف اول قرار داشته اند. آنان پیشاهنگ بوده اند و توده‌های مردم به عقب شان آمده اند.

ضرور است که اعضای حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان در همه جا، در برخورد و رفتار خود، در کار، در اوضاع جنگی، در زنده‌گی شخصی باید

نمونه و ایدیال مردم و کشور خود باشند.

ما نمونه‌های تاریخی بسیاری در کشور خود، نمونه عیاران سیستان و هرات، نمونه جوانمردان کندهاری و کابلی را داریم. چنین گروه‌هایی شجاع و دلیر و نمونه‌ها برازنده در پکتیا و سایر مناطق کشور نیز وجود داشتند. ما در میان پدران، اجداد و نیاکان خود در تمام ملیت‌ها و اقوام افغانستان چنین نمونه‌های بزرگی را داشته ایم.

ما، حزبی‌ها از همه اول باید در تمام شؤون زندگی و مخاطرات و در تقوای زندگی و در حیات خصوصی خود در صف مقدم باشیم و به درجه اول سینه‌های خود را سپر دفاع از وطن و انقلاب سازیم. ما باید همه مردم را به دنبال خویش بکشانیم و در همه عرصه‌ها و حوادث زندگی چنین عمل نماییم.

خوب حالا اکثر يك بهانه را پیش می‌کشند و می‌گویند فلان کار نشده زیرا امنیت وجود ندارد. واقعاً شرایط صلح آمیز نه بلکه جنگ است و حزب متحمل تلفاتی می‌گردد. اما من از شما می‌پرسم و شما هم صریح و صادقانه بگویید: آیا هنگامی که انقلاب به پیروزی رسید ما در این فکر بودیم که همه چیز بدون قربانی انجام می‌یابد؟ انقلابی واقعی و عضو واقعی حزب با صداقت و از روی وجدان کار می‌کند و وظیفه خود را در شرایط گوناگون حتی وقتی که تهدید به زندگی شخصی و مرگ حتمی وجود دارد، انجام می‌دهد. در قاموس ما نباید کلماتی چون «نمی‌توانم» و «ناممکن» وجود داشته باشد. انقلاب ناممکن را ممکن می‌سازد.

من از آنچه که در بالا گفتم، می‌توانم این نتیجه‌گیری را کنم: جریان رشد حوادث در عرصه جهانی، وضع در داخل کشور و حزب، وظایف بزرگ و پیچیده بی که ما باید انجام دهیم از هر کدام ما وحدت، احساس هرچه بیشتر مسؤولیت، آگاهی، دسپلین پذیری، ابتکار، توانایی برای کار درست، صرف و وقف کامل دانش، استعداد، نیروهای معنوی و فزیکمی ما را می‌خواهد.

تحقق عملی این مطالبات محتوای فانونین را می‌سازد. این فاز که من در باره آن صحبت کردم واقعیت انقلابی ما را غنا بخشیده پیشرفت ما را سریع می‌سازد.

به این ترتیب رفقا، هدف جلسه امروز مطلع ساختن شما رفقا از مطالباتی است که بیروی سیاسی کمیته مرکزی به طور دایمی و پیگیر از همه کارمندان رهبری

حزب و دولت، از همه فعالین و سازماندهندگان کار ارگان‌های حزبی و دولتی می‌طلبید و اجرای آنرا جداً و قاطعانه می‌خواهد و خواهد خواست. این مطالبات نظر واحد و یگانه همه اعضای بیروی سیاسی و دارالانشاء کمیته مرکزی، موقف کارمندان رهبری ارگان‌های حزبی را انعکاس داده ناشی از خواست زنده‌گی، ناشی از خواست مردم، اراده مردم و ناشی از قانون انقلاب ماست.

اکنون درباره بعض مسائل و نکات مشخص که باید در فاز نوین مرحله نوین جدی و درست به آن توجه شود، اشاره می‌کنیم. من قبلاً گفتم که امروز توجه عمده خود را معطوف به کمبودها و نقایص می‌سازیم، بیایید فکر کنیم که چه کسی مسؤولیت دارد تا این نقایص و کمبودی‌ها را رفع کند؟ البته روشن است که حزب به مثابه نیروی رهبری کننده و هدایت کننده جداً مسؤولیت دارد. اگر نقایص وجود دارد، پس حزب در رهبری جامعه، سازمان‌های اجتماعی، مردم و انقلاب اشتباهات، نارسایی‌ها و عدم دقت‌هایی را مرتکب شده است. پس باید سوال عمده را این طور طرح کرد: برای اینکه از نقایص موجود در آینده میرا بود، برای رفع نارسایی‌ها و اقدامات نادرست باید به خود حزب توجه جدی و اساسی را معطوف نمود.

ما می‌دانیم که چه چیزی کلید حل همه پروبلم‌ها و حلقه اساسی و عمده است که با چنگ زدن به آن می‌توان تمام زنجیر را به دست آورد. با چنگ زدن به این حلقه ما می‌توانیم چون ماهیگیر. نیرومند و ماهر که با انداختن درست شست و جال زیاد ترین تعداد ماهی‌ها را می‌گیرد، مسایل دگر را حل کنیم. این حلقه عبارتست از مسأله وحدت حزب.

مسأله وحدت حزب، به مثابه مسأله مهم، درجه یک و حیاتی بارها در پلینوم‌های کمیته مرکزی و در کنفرانس سرتاسری حزب نیز مطرح شده است. امروز باز هم درباره وحدت ارگانیك و واقعی حزب صحبت می‌کنم. شما، به حیث کارمندان رهبری حزب می‌دانید که هنوز هم مواردی از اعتراف به ضرورت وحدت در حرف و نقض آن و حتی خیانت به وحدت در عمل به مشاهده می‌رسد.

سوال پیش می‌آید که چرا ما طی چهار سال مرحله نوین انقلاب درباره وحدت حرف می‌زنیم؟ بیایید تاریخ حزب خود را به یاد آوریم. بسیاری از شما شاهد همه مراحل تکامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بنیادگذاری و رشد آن بوده اید. شما جوانب ضعیف آنرا می‌دانید. در گذشته حزب به گروه‌های تقسیم شده بود و از



لحاظ سازمانی ناتوان و پارچه پارچه و آماده‌گی ایدیولوژیک اعضای حزب غیرکافی بود. در يك کلمه، چه چیزهایی که در حزب وجود نداشت. بعد از انقلاب و هم بعد از مرحله نوین بسیاری از این خصوصیات و جهات ضعیف در درون حزب، در وجود خود ما باقی ماند، زیرا نمی توانست فوراً و بلامعتلی از شعور، رفتار و اعمال ما ناپدید گردد. خوب با این وضع رهبری حزب در مرحله نوین چگونه باید برخورد می کرد؟ ما فکر می‌کنیم که زمان معین لازم بود تا بار سنگین اشتباهات گذشته، گمراهی‌ها، بدبینی‌ها و حتی در بعض حالات دشمنی‌ها و خصومت‌ها نسبت به یکدیگر به دور انداخته شود. توضیح با حوصله و میتود اقتناع و تجدید تربیت و سیله عمده ما در مبارزه به خاطر وحدت است.

برخی این موقف را درست درک نکرده اند. حتی افرادی هم آنرا، ناشی از ضعف رهبری دانستند. بعض فکر می‌کنند که رهبری فاقد صلاحیت و کفایت است. آنان حتی این فکر را در محافل خود و در صفوف حزبی تبلیغ کردند و تلاش ورزیدند افکار عامه را به این جهت سوق دهند. اینان در پرده وحدت، در حزب، انقلاب، دولت زحمتکش افغانستان و وظایف انترناسیونالیستی ما نقب گذاری می‌کنند.

ولی وجدان آنان به ایشان حکم نمی‌کند که این تدبیر و برخورد مدیرانه رهبری بود که چطور پارچه‌های حزب جمع گردد، به هم پیوند یابد، به صورت موزون و هماهنگی به هم جوش داده شود و تحکیم یابد و به آن نیروی تحرک جدید داده شود. رهبری برای ایجاد ارگان‌های قدرتمند و قادر به کار و متشکل رهبری کننده در مرکز و در محلات، برای ایجاد يك سیستم تشکیلاتی منظم در حزب و در دولت، برای تصویب «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» برای تدویر کنفرانس سرتاسری حزب، پیشبرد جلسات گزارش‌دهی در سازمان‌های اولیه حزبی، رشد و تکامل تدریجی دموکراسی درون حزبی کار، فعالیت وسیعی می کرد.

به يك کلمه، ما سعی می کردیم چگونه موازین اساسی يك حزب طراز نوین انقلابی در عمل پیاده گردد و حزب دموکراتیک خلق افغانستان نه به نام، بلکه در ماهیت و عمل چنین حزب واقعی باشد. از مشاورین و دوستان شوروی خود سپاسگزاریم که بسیار برادرانه و رفقانه تمام تجارب غنی خود را به دسترس حزب ما گذاشتند و کمک نمودند تا ما وسیعاً از آن استفاده کنیم.

در عین زمان ما باید امر انقلاب را به پیش می بردیم، صدها پروبلم پیچیده را که برای شما معلوم است حل می کردیم. اردوی واقعی قادر به دفاع از انقلاب را می ساختیم که در لحظه آغاز مرحله نوین انقلاب هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت در پایین ترین سطح قرار داشت. دوستان ما در این امر نیز به ما کمک کردند.

دشواری های دیگری نیز وجود داشت. اما اکنون حزب و دولت نیرو می گیرد و ما تجاری اندوخته ایم. همه اساس های لازم و دلایل را داریم تا سطح مطالبات و مسؤولیت افراد را در برابر اعمال، رفتار و کار شان ارتقا بخشیم. حالا دگر به موازات توضیح، اقتناع و تجدید تربیت خود مؤظف هستیم از تدابیر دگر اثربخشی بالای کسانی که وحدت در حزب را نقض می کنند تا سرحد مجازات و اخراج از حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز استفاده کنیم و استفاده می کنیم. این حرف های میان تهی نیست.

در مورد وحدت چی می گویند؟ «خلق» و «پرچمی» چیست؟ بیایید یکبار دگر با هم در این زمینه ببیندیم ما هیچوقت بین خود نگفته ایم که این چنین است و اندگر چنان. در همان بدو امر انقلاب مرحوم نورمحمد تره کی «مصاحبه مطبوعاتی در برابر ژورنالیست های خارجی درباره اصطلاح «خلق» و «پرچمی» جواب داد و گفت که برادر این یک چیز قابل قبول نیست و ما این طور چیزی را نمی شناسیم. حزب ما حزب دموکراتیک خلق افغانستان است «خلق» و «پرچم» ارگان های نشراتی حزب ماست. هر دوی آن به حزب ما متعلق است. منجمله رفیق بارق به حیث مدیر مسؤل جریده «خلق» به یاد دارند که بار اول کلمه «خلق» را من در مقاله «راه ها و وسایل» در جریده خلق به کار بردم.

بارق شفیع: «بلی همین طور است، شما نوشته بودید.»

پس رفقا بگویند، اگر من این اصطلاح را برای نخستین بار در ادبیات حزب خود استعمال کردم، آیا من خلقی اول نیستم؟ اما من جدی حرف میزنم بدون مزاح. اگر خلقی بودن به معنی تعلق به کدام بخش یا فرکسیون در حزب نه، بلکه به معنی رابطه و تعلق به همه خلق های افغانستان بدون تبعیض و تمایز اعم از پشتون ها، تاجک ها، ازبک ها، هزاره ها، ترکمن ها، نورستانی ها، بلوچ ها و غیره و غیره

است، به معنی مبارز راه سعادت همه مردم افغانستان است، در آن صورت افتخار می‌کنم و با غرور و سربلندی نام خلقی اول را قبول دارم.

اما اگر تحت کلمه «خلق» سکت، فرکسیون و گروه در حزب مد نظر باشد، در آن صورت با تمام نیرو و تا آخرین قطره خون علیه چنین سکتاریزم «خلق» که وحدت حزب را مختل می‌سازد، مبارزه خواهم کرد. درباره اصطلاح دگر یعنی «پرچمی» اگر منظور از خود اصطلاح باشد به تنهایی خود هیچ چیزی را بیان نمی‌کند. اگر کسی می‌گوید پرچمی هستم معنایش چیست؟ اگر پرچم خلقی نباشد می‌تواند سفید، سبز هر رنگی دگر حتی سیاه و از دشمن باشد. پس مسأله نه بر سر نام و اصطلاح بلکه روی محتوای مسأله است.

در اینجا چند نفر از مؤسسان حزب تشریف دارند، رفقا به یاد دارند. ما همه در مسایل عمده مواضع مشترك داشتیم. یکجا ارگان نشراتی خلق را ایجاد کردیم. و باهم مبارزات پارلمانی را پیش بردیم. در همه مراحل مبارزه، دشمنان مشترك و دوستان مشترك داشتیم. ما ایدیولوژی واحد، نقطه نظر مشترك در مورد مسایل بین‌المللی و ارزیابی همگون از وضع منطقه داشتیم. اتحاد شوروی دوست مطمئن حزب ما بوده اصول سازمانی ما یکسان بود. پس چه رخ داد؟ اختلافات درونی در نتیجه تحریک و تفتین دشمن به میان آمد و ما از هم جدا شدیم. در هر حال علت انشعاب و اختلافات در درون حزب، به اثر تحریکات عمال ارتجاع و امپریالیزم در درون حزب بود.

می‌خواهم خاطر نشان سازم که دشمنان ما از طریق رادیوهای غرب به کمک مرتجعین پاکستانی و مرتجعین دست راستی ایرانی اکنون نیز تلاش می‌ورزند با استفاده از اصطلاحات «خلق» و «پرچم» در حزب ما تفرقه و دوگانه‌گی را ایجاد کنند و از آن پشتیبانی نمایند. شرم و ننگ به آنانی که: تسلیم تفتین های دشمن شده و آرمان‌های مقدس و عظیم انقلاب ثور را فراموش می‌کنند.

من به شما با صراحت می‌گویم. آنانیکه خود را «خلق» می‌نامند و هم رفقای ناستواری که خود را «پرچمی» می‌خوانند اشتباهات زیاد کرده اند. درینجا کسی بر کس دگر رجحان ندارد.

شما می‌دانید، که درین اواخر کلمات «خلق» و «پرچم» را به خاطر اینکه تفسیر

نادرست و سوء صورت نگیرد، استعمال نمی کردیم. لیکن با درك اصولی، درست و حزبی چرا از استعمال آنها خود داری کنیم؟

اگر کسی مفهوم تفتین را در زیر این نام‌ها مستور نسازد باید گفت که هر دو اصطلاح از افتخارات حزب ما و بخشی از تاریخ آنست. و نباید هراس داشت که در مغز شیطنانی کسی در قبال ما افکار ناپاک به وجود می‌آید. و اگر در نزد کسی افکار نادرست به وجود می‌آید، مهم نیست هر کسی باشد، از جمله به اصطلاح «خلق» های سابق، یا «پرچمی» های سابق و یا از هر گروه و سکت پنهانی دگر که در حال تشکل است و یا موجود است، باز هم نیروهای اصولی و وفادار حزب باید تا آخر علیه آنها مبارزه کنند، رفقا شما با من موافق هستید؟

(از سالون «بلی!»)

رفقا! توجه کنید: ما با تأمین وحدت در حزب برای نخستین بار در تاریخ افغانستان جهان کهنه را عوض کردیم و بنیاد جامعه نوین را گذاشتیم. این کار ساده نبود. فقط وقتی که بعد از انشعاب، وحدت حزب تأمین شد، انقلاب ثور پیروز گردید. و اما مرحله نوین انقلاب؟ آیا پیروزی آن می‌تواند به حیث خدمت کدام شخصیت، کدام يك از شما، یا من به تنهایی حساب شود؟ مثلاً شما رفیق وطنجار در این مورد چگونه فکر می‌کنید؟

(رفیق وطنجار می‌ایستد و رو به طرف سالون نموده می‌گوید: «مرحله نوین انقلاب ثور به وسیله حزب دموکراتیک خلق افغانستان به میان آمد.»)

رفقا!

پس رمز پیروزی‌های ما در چیست؟ به درجه اول در وحدت عام و تام سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی از بالا تا پایین است. نه تنها کادرهای رهبری حزب و دولت بلکه تمام حزب در مجموع باید مسأله وحدت را فقط همین طور درك کنند. همه ما از آرمان‌های انقلاب ثور دفاع می‌کنیم، همه ما تیوری انقلابی علمی را رهنمای عمل قرار داده ایم. همه ما به مردم زحمتکش افغانستان خدمت می‌نماییم، همه ما اعضای حزب واحد، حزب دموکراتیک خلق افغانستان هستیم. ما همه وطنپرستان و انترناسیونالیستان وفادار و صادق هستیم، در خانواده واحد، در خانه واحد زنده‌گی می‌کنیم، زنده‌گی شگوفان و نوین را ایجاد می‌کنیم و به خاطر سعادت زحمتکشان

کشور خویش تلاش داریم.

رفقا! در این راه، در راه حزب واحد و هدف واحد، دلیر و فداکار باشید!

کسانی که آگاهانه یا غیرآگاهانه، شعوری یا غیرشعوری، عمدی و یا غیر عمدی آتش اختلافات را دامن می زنند، در اردوگاه دشمنان انقلاب، دشمنان آزادی و استقلال وطن و در خدمت دشمن قرار می گیرند. رفقا، من به شما مخصوص کادرهای رهبری جداً هشدار میدهم. امروز اعضای صفوف حزبی می گویند: «شما بین خود درست شوید، ما درست هستیم!» آیا رفقا این ننگ نیست؟ آیا شرم نیست صدای مردم را می شنوید که چه می گویند؟ من با زبان وطنی و عامه صحبت می کنم تا همه چیز روشن و قابل درک باشد.

رفقا! درباره يك جهت دگر مسأله وحدت باید حرف بزنیم. تعدادی از گروه هایی چپ و دموکراتیک در زمان های مختلف از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بیرون بر آمده اند اینها عبارتند از چندین گروه که بعض آنها سه سال قبل دوباره به حزب پیوست و برخی از آنها در پروسه پیوستن به حزب اند. حزب دموکراتیک خلق افغانستان مادر این گروه هاست و به همین سبب حزب دوباره فرزندان خود را جمع می کند و دست خود را برای کار و پیکار مشترک به خاطر انقلاب پیش می کند. بیروی سیاسی کمیته مرکزی معتقد است که همه آماده و قادر هستند تا دست به دست با ما در صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان حرکت کنند، باید مساعدت کنند و یار شوند. ما همیشه برخورد طبقاتی داریم، ما همیشه وحدت براساس طبقاتی را اساس قرار می دهیم ما می دانیم که این گروه ها نسبت به بعض پروبلم ها منجمله در مسأله ملی نظریاتی داشتند. ولی ما یقین داریم که در جهات عمده اهداف و موقف های ما با هم مطابقت دارد. اگر این رفقا از سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و از انقلاب ثور پشتیبانی می کنند و حاضرند با دشمنان آن پیکار کنند، ما با صمیمیت در يك راه با ایشان خواهیم رفت. در این رابطه می خواهم بگویم که به رفقای که از این گروه ها شامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان می گردند، باید برخورد عادلانه و درست صورت گیرد، به ایشان کمک و پشتیبانی لازم مبذول گردد، زیرا در سال های اخیر در زندهگی حزب تغییرات زیادی رخ داده و مهم است که این تغییرات درست و صحیح درک و هضم گردد.

رفقا!

به این ترتیب، در صورت وحدت واقعی و ارگانیک ما می‌توانیم تمام آرمان‌هایی را که توضیح نمودیم و همه آنچه را که پیش‌بینی می‌کنیم کاملاً تحقق بخشیم و واقعاً در خدمت مردم و وطن خود قرار گیریم.

مطالبه دگری که بیروی سیاسی در فانونین بهبود کار در برابر همه قرار می‌دهد، همانا تحکیم دایمی و همه‌جانبه‌دسپلین حزبی و دولتی است. این موضوع نیز جدید نیست. ما بارها و با تفصیل در مورد آن صحبت نموده ایم و امروز قصد ندارم باز هم اهمیت دسپلین و ضرورت آنرا برای حزب طرازنویین طبقه کارگر توضیح کنم. من درباره جنبه دگری صحبت می‌کنم. بیروی سیاسی و دارالانشاء کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور قاطع، پیگیر و جدی تحکیم عملی دسپلین را در حزب و دولت، در همه حلقه‌ها از بالا تا پایین خواهد خواست. و ای. لنین می‌گفت: اگر رهبری می‌خواهد دسپلین محکم را در حزب تأمین نماید باید از خود شروع کند. این رهنمایی به همه اشتراک‌کنندگان جلسه امروزی و آن کارمندان رهبری که در اینجا حاضر نیستند، مربوط می‌شود.

رهبران در هر مقام و منصبی که باشند باید نمونه بوده و از خود مثال دقیق بودن، مجری بودن و با دسپلین بودن در همه امور اعم از خرد و بزرگ را نشان دهند. اینکار نه تنها برای موفقیت کار خودشان، بلکه برای تربیت ارگان‌ها، ادارات و کارمندان تحت رهبری شان نیز مهم است. يك حقیقت ساده زندهگی به شما معلوم است، اگر رهبر یا آمر خود بی دسپلین باشد، افراد زیر دست وی نیز چنین می‌شوند. يك نتیجه وجود خواهد داشت و آن اینکه کار ارگان، موسسه یا سازمان مربوطه مختل و پراکنده و به ناکامی مواجه می‌گردد.

ما با جدیت و قاطعیت اعلام می‌داریم که بعد از این به هیچ وجه به بی مسئولیتی، بی مبالاتی، تغلل و شانه خالی کردن از اجرای فیصله‌ها و یا عدم اجرای آن و بی‌دسپلینی اجازه نمی‌دهیم و آنرا تحمل نخواهیم کرد. این مسأله نه تنها متوجه کارمندان رهبری بلکه ارگان‌ها و مؤسسات تحت رهبری شان نیز است. به اجرای قطعی، حتمی و جدی فیصله‌های اتخاذ شده و دستورهای ارگان‌های رهبری، پلینوم، بیروی سیاسی و دارالانشاء کمیته مرکزی توجه بخصوص مبذول می‌گردد. رهبری جمعی در حزب هرچه بیشتر معمول می‌گردد. امروز آن وضع دیروز نیست که

يك فرد حاكم باشد و اراده وی همه چیز را تعیین کند. در پلینوم‌های کمیته مرکزی که به طور منظم دایر می‌گردد، مهمترین پروبلم‌های تکامل انقلاب، حزب و مبرمترین وظایف مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فاصله بین پلینوم‌ها همه فعالیت روزمره و همه جانبه حزب را بیروی سیاسی و دارالانشاء رهبری می‌کنند. اجرای تمام تصمیم این ارگان‌ها برای همه حتمی است. متأسفانه تعداد زیاد مصوبات درست و قانع کننده اجرا نمی‌شوند. این یکی از مظاهر ضعف دسپلین است. بعضاً رفقا به عوض اینکه به سازماندهی امور مشخص پردازند، برای عدم فعالیت خود بهانه می‌جویند و دلایل می‌تراشند. بعضاً به انتقاد پنهانی و محفلی از تصمیم می‌پردازند و در نتیجه از تممیل آن جلوگیری می‌کنند. در میان ما آزادی کامل بیان، نظر، آرا و پیشنهاد تا هنگام اتخاذ تصمیم وجود دارد. بعد از اتخاذ تصمیم همه نیروها باید در جهت تحقق عملی آن متوجه گردند.

يك روز رفیق زیری گفت: «مادر جریان انقلاب قرار داریم و در حالت جنگ اعلان نشده هستیم در چنین اوضاع هر کس که بخواهد به آسانی می‌تواند قهرمان انتقاد شود.» رفقا اجازه بدهید، به چنین «قهرمانان» انتقاد که غیر شریفانه به نقایص انگشت می‌گذارند، ولی خود هیچ عملی برای رفع آن نمی‌کنند بگویم: جای شما در صفوف حزب ما نیست. سرانجام این شکل انتقاد فرکسیون و محفلی است و خصلت و خصوصیت فیودالی، بورژوازی و بیروکراتیک دارد. این خصوصیت احزاب بورژوازی است که فرکسیون‌ها و جناح‌های مختلف اجازه دارند بدون مسؤلیت حرف بزنند، و تحت نام «آزادی» در حلقه‌ها، شب نشینی‌ها و خوش‌گذرانی‌ها به سیاست زیر سقف و مباحثات خصوصی پردازند و باز بیایند و جانبداری‌ها کنند. این چنین رفتار برای حزب طراز نوی ن پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمتکشان از لحاظ اصول، اخلاق حزبی و دسپلین قطعاً مجاز نیست. بعض می‌خواهند رفاقت‌های شخصی، رفاقت‌های سابقه و جدید را به معامله مبدل سازند. از آن به غرض اهداف ناجایز خود استفاده کنند. به آنان هشدار داده می‌شود که هنوز وقت است اگر شرافتمندانه از این انحرافات دست بکشند این بدان معنی خواهد بود که آنان مفهوم فارتوین را درست درک کرده اند.

من جداً اخطار می‌دهم و دعوت می‌کنم که این خصوصیات و خصلت‌ها، سبیه و کرکتر تصحیح گردد. ما وظیفه داریم در وجود همه اعضای حزب دسپلین آهنین را تربیت کنیم و به این کار نایل خواهیم شد. و ای. لنین میگفت: «حزب وحدت

معین سازمانی است، و افرادی که از دسپلین این سازمان تبعیت نمی‌کنند، و آنرا مد نظر نمی‌گیرند، تصامیم آنرا می‌شکنند، به آن تعلق ندارند. این قاعده اساسی است. ما از این قاعده پیروی خواهیم کرد.

شرط دگر بهبود کار ما ارتقای سطح مسئولیت است. اصل مسئولیت یعنی پاسخ گویی کامل و همه جانبه به خاطر وظیفه سپرده شده. ما از این پرنسیپ به طور بلاانحراف پیروی خواهیم کرد.

بیروی سیاسی کیفیت و ارزش هر کارمند را نه بر اساس خدمات گذشته، نه بنا به طول مدت سابقه حزبی، نه بر اساس سطح مقام، بلکه بر اساس اجرای واقعی وظایف، توانایی برای سازماندهی امور و نیل به نتایج مشخص ارزیابی خواهد کرد. البته توانایی کار و اجرای وظایف یگانه معیار نیست. وفاداری به انقلاب، به حزب و سیاست آن، به دولت به مردم، به وطن و به انترناسیونالیسم و وفاداری به دوستی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نیز خصوصیات ضرور و مهم اند. درینجا تناقض نمی‌تواند وجود داشته باشد. اما، اگر عضو حزب و مخصوصاً کارمند رهبری نمی‌تواند وظایف مشخصی را انجام دهد، اگر او قادر به گرفتن نتایج عملی از کار نیست، پس با وجود وفاداری خود به حزب و انقلاب برای آن مقام و آن کار به درد نمی‌خورد. چنین برخوردی نسبت به همه کادرها، از کارمندان رهبری حزبی - دولتی تا منشی‌های سازمان‌های اولیه و آمران مؤسسات صورت خواهد گرفت. این برخورد باید هم در مرکز، هم در محلات، هم در مؤسسات ملکی و هم در نیروهای مسلح تحقق پذیرد.

ما تصمیم جدی گرفتیم که برای بهبود کار نسبت به ارزیابی، انتخاب، انتصاب و جایجا ساختن کادرها (که بعضاً به حیث يك بهانه برای خرده گیری‌ها، خرده کاری‌ها، گمراهی‌ها مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد) برخورد دقیق، اصولی و جدی صورت گیرد.

بیروی سیاسی جداً مصمم است که دگر به خودخواهی‌هایی این یا آن رفیق رحم نکند و هیچ امتیاز به کسی ندهد. آن کسی که امروز در موضع اصولی قرار دارد، می‌تواند نزدیک‌ترین دوست و یاور ما باشد، گرچه دیروز از هم جدا بودیم و در موضع غیر دوستانه قرار داشتیم.



بهترین دوست دیروز، اگر از اصول پا فراتر گذاشت، امروز دگر با ما نیست و از هم جدا هستیم. البته حرف بر سر مسایل جدی، بزرگ و اصولی است که در مورد آن معامله، مصالحه و کامپرومایز صورت گرفته نمی‌تواند. این دستور فانونین است.

رفقا!

همین هم بهترین ملاک برای دوستی و بهترین شکل دوستی، رفاقت حزبی و روابط متقابل است. آن کسانی که در جامه دوستی می‌خواهند برای اهداف غیر مجاز خود محافل و رفاقت‌ها را ایجاد کنند، نمی‌توانند دوستان واقعی باشند. این افراد نامطمئن اند. آن طوری که این افراد دوستان و هم‌زمان دیروزی خود را فراموش کرده اند، با دوستان جدید نیز چنین معامله خواهند کرد. ما و شما می‌دانیم که در کرکتر بعض چنین خصوصیات وجود دارد. راه مطمئن مبارزه با این خصوصیات وحدت حزبی، دسپلین و ارتقای سطح مسؤولیت است.

ما همه باید خود را وقف راه انقلاب و مردم کنیم. عضو حزب در هر وظیفه و مقامی که قرار دارد اگر کارگر، مدیر مکتب، آمر فابریکه، کارمند حزبی یا مامور دولت است، در داخل کشور یا در خارج قرار دارد، در همه جا او باید صادقانه و شریفانه و از روی وجدان انقلابی کار کند، در قدم اول منفعت کار را قرار دهد.

ولی با تأسف برای تان بگویم که بعض از رفقا که خدماتی هم برای حزب کرده اند، پیش من می‌آیند صریح، روشن و برهنه، امتیازات و مقام می‌خواهند. شما بگویید، آیا من می‌توانم با آنها موافقه کنم؟ البته، نه. ولی هنگامی که جواب رد می‌شنوند، تبلیغاتی بدتر از دشمن را به کار می‌اندازند، برای اینکه دشمن اینقدر از خصوصیات، مسایل و مناسبات درون حزبی اطلاع ندارد. اینها به صورت فعال این طرف و آن طرف می‌دوند، تلاش می‌ورزند یکی را و دیگری را به اصطلاح وطنی ما گپ دهند. خوب باز اینقدر شهامت ندارند که حقیقت را بگویند. حرف‌های خود را زیر نقاب اصولیت، و غیره و غیره پنهان می‌کنند. در برابر اینگونه افراد چه باید کرد؟ من فکر می‌کنم که این رفتار غیرشایسته و غیرشریفانه را نه تنها باید تقبیح کرد، بلکه فوراً و قاطعانه جلو آنرا گرفت.

حالا اوضاع جدید است. اینکه من با صراحت لهجه با شما در این موارد حرف

می‌زنم، شاهد شکل نوین مناسبات است. و این را باید تمام توده‌های حزبی و آهسته آهسته همه مردم درک کند. ما نمی‌توانیم در زیر سقف‌ها و اطاق‌های بسته، جامعه نوین را بسازیم.

اخیراً بیروی سیاسی بعضی اقدامات جدی را در برابر برخی رفقای حزبی که کارمندان رهبری حزبی و دولتی اند، به عمل آورده است. بیروی سیاسی معتقد است که این افراد از عهده وظایف سپرده شده بدر آمده نتوانستند. در آینده نیز در ارزیابی کار کادرها چنین برخورد جدی خواهیم کرد.

اخیراً رفیق کشتمند يك گزارش ریاست کنترل و تفتیش را به من ارائه نمود. در این گزارش فاکت‌هایی در مورد تخطی‌ها و سوء استفاده‌ها که در مؤسسات دولتی رخ داده درج است. چیزی که مخصوصاً مایه تأسف است، اینکه بسیاری از کسانی که در این سوء استفاده‌ها دست دارند، هنوز مجازات نشده اند. من متن کامل این گزارش را قرائت نمی‌کنم. اما شریفانه باید اعتراف کرد که جای شرم و خجالت است که در میان انقلابیون، اعضای حزب چنین افرادی هم وجود دارند. باید در برابر آنان شدیدترین و جدی‌ترین تدابیر جزایی هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ حزبی اتخاذ گردد. در حزب دموکراتیک خلق افغانستان جایی برای رشوه‌ستانی‌ها، سوء استفاده‌گران، محتکران و یا کسانی که در مقامات قرار دارند و اجازه می‌دهند که این جرایم صورت گیرد، وجود ندارد.

رفقا! فانونین باید فاز بهبود کار، فاز اقدام، عمل، تصمیم و اراده شکست ناپذیر انقلابی و سازماندهی عالی باشد. یکی از عمده‌ترین وظایف برای ما آموختن و فراگرفتن میتودها و طرق رهبری جامعه و دولت است. ما باید کاملاً بیاموزیم که چگونه با انرژی، درست، با آگاهی از امور، با قاطعیت دقیق و برش در کار وظایف خود را اجرا کنیم. ما باید میتودهای بیروکراتیک کار را که از خصوصیات کهنه اپرات دولتی قبل از انقلاب بود و متأسفانه تاکنون نیز دیده می‌شود، ریشه کن سازیم.

بیادام است، هنگامی که در اپوزیسیون قرار داشتیم شنیدیم که در وزارت پلان آنوقت يك متخصص خارجی می‌گفت: «در افغانستان خصوصیت عجیب وجود دارد. وقتی می‌کنید يك مسأله را حل کنید و به میرزا مراجعه می‌کنید، بدون درک مطلب می‌گوید، نمی‌شود. بگویید چرا؟ با سر به طرف بالا اشاره می‌کند که مقصدش از

امر بالاتر است». این متخصص می‌گفت، «من همین‌طور تعقیب کردم به مامور، به مدیر و بالاخره به رئیس و به وزیر مراجعه کردم. هر کس همین‌طور با سر به طرف بالا اشاره می‌کرد. خوب پیش صدر اعظم هم رفتم، او هم با کله خود به طرف بالا اشاره کرد. فکر کردم که بالاتر از این مقام است. شاید ضرور باشد به پادشاه مراجعه کنم. بعد از پافشاری زیاد پادشاه را دیدم. او هم سر خود را همین‌طور بالا کرد.» فکر می‌شود که لازم به توضیح نیست، این میتوذهای کار شایسته ما نیست. اما بعض چنین موقف‌های مضحک می‌گیرند و چیزی مشابه به آن از ایشان به نظر می‌رسد و جرأت، شهامت و قبول مسؤلیت به حدکافی در آنها وجود ندارد. این وضع مانع کار می‌گردد. برعکس بعض رفقا روی منافع شخصی و یا محفلی‌شان بسیار با جرأت و شهامت هستند. این افراد به غلط فکر می‌کنند که گویا قدرتی وجود ندارد که او را در جایش بنشانند. این انحراف و گمراهی خطرناک و مضر است و ما با صراحت اعلام می‌داریم که به این جوانب توجه زیاد خواهیم داشت.

می‌خواهم یکبار دگر تکرار کنم: اکنون زمان دگری است. رهبری حزب و دولت با میتوذهای ایجاد وحشت، رعب، ترور، وارد ساختن اتهامات ناروا و ترساندن از سر نیزه عمل نمی‌کند. ما رهبری جمعی و دموکراتیک و برخورد رفیقانه داریم. دروازه‌های اطاق‌های ما باز است و هر کدام از شماها می‌توانید با پیشنهادها، نظریات و تذکرات خود بیایید و مراجعه کنید. فقط این پیشنهادها و نظریات باید مستدل، سنجیده شده، معقول و واقعاً قابل تطبیق باشد. برای این کار ضرور است تا در امور خویش وارد باشید.

رفقا!

بعد از انقلاب ثور، حزب ما مسؤلیت سرنوشت کشور را به دوش گرفته است. در برابر ما وظایف نوین قرار گرفته است که در گذشته در باره آن به حد کافی فکر نکرده ایم. مطابق به آن، خصوصیات و خصلت کار نیز تغییر یافته است.

هیچکس از ما و شما قصد نداشت که وزیر، منشی کمیته ولایتی، والی، صدر اعظم و یا منشی عمومی‌گردد. در مقاماتی که اکنون ما قرار داریم از طرف حزب و انقلاب توظیف شده ایم. و همه ما، به شمول خودم باید دائماً بیاموزیم، تکامل و رشد کنیم تا وظایف خود را بهتر انجام داده بتوانیم. دانش و تجربه گذشته دگر کافی نیست. از جانب دگر توجه شما را به این واقعیت جلب می‌کنم. بسیاری از شما در

پست‌های تان تقریباً چهارسال به طور بلاوقفه کار می‌کنید. از لحاظ طول مدت تقریباً مطابق به زمان تحصیل در انستیتوت و یا پوهنتون است. گرچه حقیقت اینست که همه ما پوهنتون دگری یعنی پوهنتون زنده‌گی داریم. اما بیروی سیاسی معتقد است که وقت آن فرا رسیده تا از هرکدام پرسیده شود که: «درین مدت چه چیزهایی را آموخته‌ای؟ چگونه کار خود را بهبود می‌بخشی؟» ما عقیده داریم که دلایل و اساس‌های برای طرح چنین مسأله و بازپرسی جدی وجود دارد، زیرا بسیاری باید بیشتر می‌آموختند و فرا می‌گرفتند.

فقط يك نتیجه گیری می‌تواند وجود داشته باشید: کسیکه جداً به ارتقای سطح دانش تیوریک خود یعنی فراگرفتن علوم و غنا بخشیدن تجربه عملی خود نمی‌پردازد، در هر مقامی که باشد، از مطالبات و تقاضای زنده‌گی، انقلاب، مردم و پرورسه تکامل جامعه، حزب و کشور عقب می‌ماند. درین صورت او نمی‌تواند طوری که لازم است وظیفه سپرده شده را اجرا کند. طبعاً مقامات حزبی و دولتی مجبور خواهند بود که تصامیم لازم را در مورد وی تا سرحد سبکدوشی از وظیفه، بنابر عدم اجرای وظایف و به حیث شخصی فاقد صلاحیت، اتخاذ نمایند. هر کس باید متوجه این مطلب باشد.

لازم است که به آموزش و استفاده عملی از تجارب احزاب برادر به درجه اول حزب کمونیست اتحاد شوروی، تجارب اتحاد شوروی که در کوتاهترین مدت زمان از لحاظ تاریخی کشور عقب‌مانده را به کشور بزرگ و قدرتمند مبدل ساختند، جداً توجه گردد.

برای تکمیل صحبت‌های قبلی باید بگوییم که در صورت رهبری درست توده‌های انقلابی طی يك هفته، يك ماه و يك سال کارهایی را انجام می‌دهند که در شرایط دگر و غیرانقلابی برای آن ماه‌ها و سال‌ها ضرورت بود. انقلابیون و مبارزین واقعی باید دائماً از لحاظ دانش، تجربه کرکتر، سجدیه، اخلاق، خصلت، توانایی کار و دگر خصوصیات تحول و تکامل نماید.

رفقا!

بسیار مهم است که اصل ابتکار یا انسیاتیف رشد یابد. انقلاب همیشه خلاقیت، جستجوی راه‌های جدید، استفاده از اشکال و میتودهای جدید مبارزه و کار را

می‌طلبد. انقلاب به کار میکائیکی، مصنوعی، تقلیدی و لاشعوری ضرورت ندارد. برخورد آگاهانه، درک عمیق ماهیت حوادث و پدیده‌ها، غنا بخشیدن تجربه و برخورد با مسؤولیت و شجاعانه به امور لازم است. میتودها و اسلوب کار ما باید چنین باشد.

ما باید از دانش و تجربه دوستان و برادران خود مشاوران شوروی استفاده حداظم نماییم. لیکن مسؤولیت کار را کاملاً خود تان بپذیرید. شما شرایط، سنن، عنعنات و رسوم مردم، اقوام و قبایل کشور تانرا، کوه‌ها، دشت‌ها و دره‌های آنرا خوبتر می‌شناسید. لذا تلفیق هماهنگی دانش و تجربه رفقای شوروی با دانش و تجربه ما اجازه می‌دهد که یک‌دگر را غنا بخشیم کار مشترک را به سطح جدید و بلند تر ارتقا دهیم.

درباره رشد ابتکار باید در عرصه کار خود خوب وارد بود. وضع امور را تحلیل کرد و به بیروی سیاسی، دارالانشاء و شورای وزیران پیشنهادهای سنجیده شده و مستدل را ارائه داشت. این کار را چه کسی به غیر از اعضای کمیته مرکزی شورای انقلابی، وزرا، رؤسای شعبات کمیته مرکزی، مسؤولین جبهه ملی پدروطن، اتحادیه‌های صنفی، سازمان جوانان، سازمان زنان و مسؤولین سایر سازمان‌های اجتماعی باید انجام دهد؟

منحیث مثال مسایل حقوقی، وضع قانونگذاری و قانون در کشور را ببینید. تاکنون تعداد زیادی از قوانین کهنه که مطابق منافع و نیازمندی‌های طبقات استثمارگر و ستمگر چون زمینداران بزرگ، بورژوازی کمپرادور، بیروکرات های فاسد، اشراف سلطنتی و سایر اقشار طفیلی طرح شده بود بدون تعدیل و تغییر مورد استفاده قرار می‌گیرند. حقوق دانان و مقامات عدلی ما در این رابطه موقف غیرفعال دارند. لازم است که این وضع اصلاح گردد، و بدون شتابزده گی، با اطمینان، با سرعت و سنجیده شده قوانین و مقررات جدید مطابق به منافع انقلاب و مردم طرح و تدوین گردد.

رفیق کشتمند! در شورای انقلابی فیصله شده بود که قانون کار و کارگر باید تنظیم شود، کار آن به کجا رسیده است؟

(رفیق کشتمند: مسوده قانون طرح شده است.)

رفقا نباید تصویب این قانون را به تعویق انداخت دولت انقلابی باید بر اساس قوانین خود زنده‌گی کند. قوانین باید متکی به نیازمندی‌های انقلاب باشد، به آن کمک برساند نه اینکه مانع انقلاب گردد. یا اینکه مانع برای انقلاب ایجاد کند.

رفقا نسبت به کار خارنوالی عمومی، خارنوالی اختصاصی انقلابی و خارنوالی قوای مسلح می‌توان عمیقاً انتقاد نمود که قانونیت طوری که باید و شاید تطبیق نمی‌گردد.

رفقا!

بر علاوه من باید درباره جوانب از رفتار بعض از رفقا مخصوصاً کارمندان رهبری صحبت کنم که به اعتبار و اتوریتته حزب لطمه وارد کرده و پیوند آنرا با توده‌های زحمتکشان محکم نه، بلکه ضعیف می‌سازد. هر عضو حزب نمونه برخورد درست نسبت به مردم، نمونه خدمت واقعی به مردم و احترام با آن را از خود نشان دهد. من می‌شنوم که یک‌عده رهبران در برابر مردم چون شاهزاده گان، با غرور و تکبر برخورد می‌کنند. حتی در برابر رفقای خود چنین برخورد دارند. اگر برایش می‌گویند که توجه کن، با مردم متواضع باش و با انعطاف برخورد کن جواب می‌دهد: همین‌طور عادت کرده ام و کرکتر من همین‌طور است. اما حزب و انقلاب نمی‌توانند خود را مطابق و سازگار به کرکتر چنین افراد سازند برعکس خواهد بود و کسی که اینرا نتواند درک کند و یا درک می‌کند ولی اصلاح نمی‌شود از صحنه انقلاب و زنده‌گی سیاسی خارج خواهد شد.

ما و شما همه در خدمت مردم قرار داریم. مردم غرور و تکبر، گردن بلندی را نمی‌پذیرند! مردم فروتنی و تواضع را احترام می‌کنند. ما باید در برخورد و تماس با مردم خوشبینی ایجاد کنیم، نه اینکه آنان را از خود برانیم. ما وظیفه داریم در وجود همه اعضای حزب اخلاق نوین، خصوصیات انقلابی نوین و کرکتر نوین را تربیت کنیم. لازم است تا تضاد میان تکامل و پیشرفت حزب و انقلاب از یکطرف و رشد خصوصیات شخصی، اخلاقی، آگاهی، کرکتر و سجه از جانب دیگر، رفع گردد. لذا باید يك تغییر بنیادی و انقلابی را در درک خود، سجه خود، مغز خود، اندیشه خود و کرکتر خود ایجاد کنیم.

من مسؤولیت خود میدانم که صریح، واضح و جدی حرف بزنم. گرچه این حرف

کسی را برنجاند. این وظیفه من است. ما اعضای حزب به نام مردم، حزب و انقلاب باید با یکدیگر صریح، جدی و رقیفانه حرف بزنیم.

رفقا!

طرز تفکر، کردار، رفتار و شیوه زنده‌گی بسیاری عملاً با اوضاع، احوال و زمان انقلابی تطابق ندارد. بعض طوری زنده‌گی می‌کنند که گویا در کشور صلح و آرامش برقرار است و به طور عموم آسوده خاطر، بی خیال و بدون نگرانی اند و فکر می‌کنند وظیفه ما ختم شد، انقلاب کردیم. در حالی که علیه ما ضدانقلاب و امپریالیزم عمل می‌کند، جنگ اعلان نشده جریان دارد، باندیت‌ها، آدمکشی می‌کنند، مکاتب، مساجد، پل‌ها و مزارع و غیره و غیره را تخریب می‌نمایند. ما علیه بی‌پروایی‌ها، بی‌خیالی‌ها، مقام پرستی‌ها، خودخواهی و همه آنچه که مانع کار انقلابی می‌گردد و مبارزه بی‌امان و قاطع را اعلام می‌داریم. این خواست اساسنامه حزب است. هر کدام باید به نام سعادت و شگوفانی مردم افغانستان، به نام خوشبختی فرزندان و نسل‌های آینده آن بدون دریغ از صرف همه نیرو و کار کند.

چند حرفی هم درباره مناسبات متقابل اپرات‌های حزبی و دولتی: تاکنون ما از این جهت با مشکلاتی مواجه هستیم و اغلب این مشکلات موجب کندی و سکنه‌گی معین در کارها و اتخاذ تصمیمی که به حد کافی سنجیده شده نیست می‌گردد.

متأسفانه تا هنوز بعض کارمندان هم از لحاظ تیوری و هم از لحاظ پراتیک نمی‌دانند که چگونه مناسبات متقابل بین ارگان‌ها و اپرات‌های حزبی و دولتی درست و صحیح تنظیم گردد. غالباً امر عمده متکی بر منفعت و مفیدیت کار فراموش می‌گردد و ملاحظات و ملحوظات ناچیز و مربوط به حیثیت و پرستیژ شخصی پیش کشیده می‌شود. البته ما هنوز تجربه کافی نداریم، زیرا ایجاد اپرات حزبی فقط چهار سال قبل آغاز گردید.

حین بررسی این مسأله چه چیز را باید رهنمای عمل خویش قرار داد و به چه متکی بود؟ اپرات کمیته مرکزی ابزار کار کمیته مرکزی، بیروی سیاسی و دارالانشاء آنست. اپرات اجرای تصامیم و فیصله‌های بیروی سیاسی و دارالانشاء را تأمین می‌کند، اطلاعات و اصله به کمیته مرکزی را تحلیل می‌کند و تعمیم می‌دهد، وظایف سپرده شده و دستورهای کمیته مرکزی را انجام می‌دهد. به کمیته مرکزی در

انتخاب و جابجا ساختن کادرهای رهبری کمک می‌کند و از اجرای تصامیم کنترل می‌نماید. از طریق اپرات حزبی و به کمک آن مطالبات بیروی سیاسی و دارالانشاء برآورده می‌شود. پس کسانی که دستورها و توصیه‌های سپرده شده از طریق اپرات کمیته مرکزی را اجرا نمی‌نمایند. او دستور و مطالبات بیروی سیاسی و دارالانشاء حزب را انجام نمی‌دهد. ارزیابی دیگری جزء این نمی‌تواند و جود داشته باشد.

ارگان‌های حزبی و اپرات آن و ارگان‌های دولتی با اپرات آن کار واحد و مشترک را انجام می‌دهند. عین سیاست را تحقق می‌بخشند و از عین تصامیم و فیصله‌های حزبی پیروی می‌کنند. پس هنگام حل مسایل باید متکی بر منفعت کار بود نه بر ملحوظات ناشی از حیثیت و پرستیژ شخصی.

وزرا، معاونین شان و سایر کارمندان رهبری دولتی باید به کمیته مرکزی با کمال مسؤولیت، مسرت و افتخار به خاطر آنکه ایشان را به کمیته مرکزی دعوت نموده اند، بروند، بحث و مذاکره روی پروبلم‌ها در کمیته مرکزی، طرح نظریات مشترک و توافق شده در این یا آن مسأله، تدوین پیشنهادهای مشترک سنجیده شده و متوازن فقط به بالا رفتن هم حیثیت و پرستیژ ارگان‌های دولتی، وزارتخانه‌ها و ادارات و هم به بالا رفتن حیثیت و پرستیژ خود کمیته مرکزی کمک می‌کند. اما اگر تفاوت نظرها و اختلاف نظرها به وجود آید، در آن صورت بیروی سیاسی و دارالانشاء است که صلاحیت دارند تصمیم نهایی را اتخاذ کنند.

بعض رفقا آمدن به کمیته مرکزی را تنزیل مقام، حیثیت و پرستیژ می‌دانند. عجب حزبی‌هایی اند! از رفتن به کمیته مرکزی حزب خود خجالت زده می‌شوند و به پرستیژ شان بر می‌خورند! این حزبیست و ما آنرا تقبیح می‌کنیم. می‌خواهم جهت دگر را نیز خاطر نشان سازم. در اپرات کمیته مرکزی باید این موضوع را دقیق و به طور روشن بدانند که وزیران و دگر کارمندان رهبری دولت را حزب در مقامات شان تعیین و بیروی سیاسی یا دارالانشاء کمیته مرکزی تصویب نموده است و بسیاری از آنان اعضای کمیته مرکزی حزب اند. آنان کار پر مسؤولیت و دشوار را انجام می‌دهند. نباید به آنان به حیث زبردست اپرات کمیته مرکزی نگریست. نباید به آنان فرمان داد و نباید شورای وزیران را تعویض و تبدیل کرد. کاملاً لازم است که همه کارمندان اپرات کمیته مرکزی هنر و کلتور عالی برخوردار را از خود نشان دهند. ببینید حتی در صحبت تلفونی برای روشن ساختن کدام



قضیه، یا گرفتن اطلاع و یا ابراز کدام تقاضا می‌توان به اشکال گوناگون برخورد کرد. با لهجه خشک، عصبانی، غیرمطبوع و پر تکبر و یا رفیقانه، آرام، متواضع و دوستانه.

همه باید دیالکتیک این مناسبات متقابل را درک کنند و نباید از یکطرف باطرف دیگر تحریف و کجروی صورت گیرد.

درک درست این مسأله باید به همه کارمندان ارگان‌های حزبی و سیاسی دولتی تفهیم گردد تا از یکطرف رهبری حزب تأمین شود و از طرف دیگر مانع ابتکار وزارت، ریاست و اداره در رهبری و مدیریت همان رشته، مؤسسه، تصدی یا فابریکه نگردد. این وظیفه‌ی است که اجرای موفقانه آن وابسته به آگاهی انقلابی و وجدان کارمندان رهبری حزب و دولت می‌باشد. ما تردید نداریم که این وظیفه را انجام خواهیم داد و به تأمین کوردیناسیون و همکاری لازم، عمل مشترک و تفاهم و مناسبات متقابل رفیقانه و صمیمانه ولی اصولی نایل خواهیم آمد.

بیروی سیاسی و دارالانشاء بنوبه خود سطح مطالبات از شعبات کمیته مرکزی، از همه کارمندان اپرات آنرا ارتقا خواهد بخشید. در این جلسه مسئولین همه شعبات کمیته مرکزی و معاونان شان وجود دارند، آنان باید کار لازم را در شعبات خویش برای ارتقا سطح آمادگی و فعالیت مریبان و سایر کارمندان سازمان دهند. در سال جاری اپرات کمیته مرکزی از لحاظ تعداد کارمندان به حد قابل ملاحظه رشد یافت، اما هنوز نتیجه لازم احساس نمی‌گردد. باید پروبلم‌هایی که برای بررسی به جلسات بیروی سیاسی و دارالانشاء ارائه می‌گردد، عمیق تر مورد ارزیابی و مطالعه قرار گیرد. طرح بسیاری از اسناد و مصوباتی که شعبات کمیته مرکزی پیشنهاد می‌نمایند به حد کافی سنجیده شده و مستدل نمی‌باشد. بارها دیده شده که با وزارت خانه‌های ذی‌علاقه به طور مقدماتی راجع به يك پیشنهاد مشوره و توافق صورت نمی‌گیرد. اعضای بیروی سیاسی و دارالانشاء می‌دانند که تعداد مسایلی که بررسی آن به تعویق می‌افتد کم نیست، زیرا شعبات موفق نمی‌شوند آنرا به موقع تهیه کنند. گرچه از پلان کار بیروی سیاسی و دارالانشاء قبلاً آگاهی داشته می‌باشند. همه اینها نواقص جدی در کار مسئولین و اپرات کمیته مرکزی است.

ضروری است تا کار سازماندهی شعبات کمیته مرکزی در محلات، در ولایات تقویت یابد و به کمیته‌های حزبی ولایتی فعالیت کمک صورت گیرد. باید کار

آموزشی با کارمندان حزبی محلی بیشتر گردد و به آنان یاد داده شود که عملاً کار خویش را و اجرای تصامیم کمیته مرکزی و کمیته‌های محلی را چگونه سازمان دهند. کارمندان اپرات کمیته مرکزی، مانند سایر کارمندان حزبی نباید مانند مامورین اداری باشند که در عقب میزها نشسته اند، آنان باید سازماندهندگان مستقیم امور باشند.

رفقا! امروز ما موضوعات و مطالبات اساسی و عام فائزین بهبود کار را به اطلاع شما کارمندان رهبری ارگان‌های حزبی و دولتی، سازمان‌های اجتماعی و جبهه ملی پدروطن رسانیدیم. این مطالبات باید عمیقاً از جانب همه رفقای ما درک، تفهیم و هضم گردد و با آن برخورد آگاهانه و جدی صورت گیرد. کار باید مطابق به دستورهای بیروی سیاسی تجدید بنا یابد. مفهوم این مطالبات باید به همه ارگان‌های تحت رهبری اعم از سازمان‌های حزبی و دولتی، سازمان‌های اجتماعی و جبهه ملی پدروطن رسانیده شود و ابلاغ گردد. و از همین لحظه ما باید در روح خود يك انقلاب و تحول را بیاوریم.

فضا و اتموسفر جلسه امروزی باید به همه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی، به ارگان‌ها و ادارات دولتی، به همه سازمان‌های اجتماعی انتقال داده شود. همه باید به شکل رفیقانه بر اساس برخورد انقلابی، وطنپرستانه، بر اساس میتود و اسلوب فائزین و بر اساس برخورد جدید به غیر از طرز و نحوه بی که تاکنون بوده است کار و مبارزه کنند و فعالیت خود را سازمان دهند.

رفقا!

ما کاملاً و سخت اطمینان داریم که تحت رهبری حزب ما همه وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی در افغانستان موفقانه به سرانجام نهایی خواهد رسید. ما همچنان اطمینان داریم که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان تکامل بعدی انقلاب ثور تأمین می‌گردد و رسیدن به هدف نهایی استراتژیک یعنی ایجاد جامعه نوین فارغ از همه انواع و اشکال ستم و استثمار انسان از انسان تأمین خواهد شد.

ما دشواری‌ها، پروبلم‌ها و مشکلات زیاد داریم، اما هراسی نداریم. ما با تأمین ارتباط محکم با مردم، به کمک و پشتیبانی آن و به اشتراک فعال سازمان‌های

اجتماعی و جبهه ملی پدروطن می‌توانیم که آرمان‌های انقلاب را تحقق بخشیم و اهداف حزب را عملی کنیم. ما از حزب، مردم، سازمان‌های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن، نیروهای ملی، دموکراتیک، مترقی و وطنپرست کشور دعوت می‌کنیم که با مساعی و کار دوستانه، مشترک و متحد، زنده‌گی شگوفان و نوین را اعمار نمایند. با اطمینان و عزم راسخ، بدون هراس و تردید، دست به دست هم، دوش به دوش به پیش، به سوی پیروزی نهایی می‌رویم. تشکر

سخنرانی هنگام دیدار با قوماندانان گروه‌هایی مدافع انقلاب

۱۷ قوس ۱۳۹۲

و غنیمت در آنجا، و طلب است تا از کشتار، فابریکه، قریه، شهر و

ولایت خود جاننازاد و قربانان دفاع کنند

رفقا، دوستان، برادران و خواهران شجاع، نماینده‌گان گروه‌هایی پرافتخار مدافعان انقلاب شکوهمند ثور!

نخست از همه اجازه دهید، به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و شخص خود عمیق‌ترین، گرم‌ترین، انقلابی‌ترین و آتشین‌ترین دروهای گرم و شادباش‌های خود را به مناسبت بزرگترین فداکاری‌ها و قهرمانی‌های شما در سنگرهای مبارزه و پیکار علیه باندهای مسلح، این دشمنان مردم افغانستان، ابراز بدارم.

رفقا، دوستان، سربازان قوای مسلح ج.د.ا!

طوری که از نام پرافتخار شما معلوم و آشکار است شما در واقعیت امر مدافعان انقلاب هستید، درین اوضاع و احوال که کشور ما، وطن نیاکان و باستانی ما، مردم شرافتمند و زحمتکش ما به یک جنگ اعلان نشده از طرف ارتجاع منطقه و امپریالیزم بین‌المللی در تبنانی با هژمونیزم چین در رأس امپریالیزم جهانخوار و خون آشام امریکا مواجه است نقش شما در اجرای وظایف بسیار عظیم خطیر و نجاتبخش است.

رفقا! از دو جانب ما راجع به خصوصیات گروه‌هایی مدافعین انقلاب تماس می‌گیریم، یکی از لحاظ سنن و سوابق ملی و تاریخی کشور خود، دوم از لحاظ قانونمندی عام انقلاب.

نخست از لحاظ ملی و تاریخی، در تمام سیر تاریخ کشور ما بیش از دو هزار و ششصد سال قبل تهاجمات علیه سرزمین ما وجود داشته است حتی بسیار وقت‌های بوده است که شیرازه‌های قدرت‌های مرکزی و قوای منظم نظامی ما برهم خورده است. لیکن ما می‌بینیم و تاریخ ملی ما شاهد این حقیقت مسلم است که خود توده‌های عظیم مردم افغانستان با هم متشکل شده اند و گروه‌هایی دفاع از آزادی و استقلال کشور را تشکیل داده اند و جانبازانه و فداکارانه با تمام قهرمانی و شهامت علیه تجاوزات خارجی دست به مقاومت و مبارزه سرسخت زده اند. دور نرویم در تاریخ ملی کشور ما وقتی استعمار گران انگلیسی در افغانستان مداخله و تجاوز کرده اند چگونه نیروهای ملی یعنی از اعماق خود توده‌های مردم، قهرمان‌هایی ظهور کرده و در برابر بزرگترین قدرت استعماری و امپریالیستی از خاک مقدس خود، از وطن خود، از ننگ و ناموس خود، از شرافت ملی خود، از مردم خود دفاع نموده اند. ما در هر تجاوز نظامی استعمار انگریز می‌بینیم که چطور قدرت‌های مرکزی ضعیف بوده و چطور خود مردم آزاده افغانستان متشکل شده اند و از ده، قریه، خانه و کانون خانواده، از عنعنات و خصوصیات ملی خود دفاع کرده اند.

در جنگ سوم افغان و انگلیس در عهد شاه امان الله که استقلال کشور ما حاصل گردید توده‌هایی که از میان خود مردم متشکل شده بودند دوش به دوش قوای مسلح منظم علیه انگلیس ها مبارزه کردند و در قش و بیرق افغانستان را در جهان به اهتزاز آوردند.

برادران، خواهران هموطنان مدافع انقلاب مردم افغانستان!

توجه بفرمایید که در آنوقت در تمام کره زمین در طول تاریخ بعد از تحصیل استقلال یگانه دوست صدیق افغانستان که استقلال افغانستان آزاد و مستقل را به رسمیت شناخت اتحاد شوروی دوست صدیق مردم افغانستان بود. شما برادران و خواهران آزادی‌خواه وطن، شما مدافعین انقلاب اطلاع دارید که چند روز قبل جشن تجلیل باشکوه از دوستی افغان شوروی، قرارداد دوستی افغان شوروی که پنج سال قبل در زمان انقلاب انعقاد یافت سپری گردید که اساس این قرار داد، اساس و شیرازه دوستی افغان شوروی در واقعیت امر بعد از استقلال افغانستان در ۱۹۲۱، اولین قرار داد متسای‌الحقوق فی مابین افغانستان و روسیه شوروی بعد از انقلاب اکتوبر به دست ولادیمیر ایلیچ لنین پیشوای زحمتکشان که در آن وقت زنده بود

گذاشته شد و درین قرارداد به صراحت تذکر داده شده که این معاهده ضامن تحکیم، تأمین و استحکام استقلال افغانستان و جمهوری جوان شوروی می‌باشد.

اکنون که در سرنوشت تاریخ ملی کشور ما پس از انقلاب ثور و مرحله نوین آن باز هم همان دشمنان کهنه کار، غدار و ابلیس بزرگ در وجود محافل مرتجع نظامیگر پاکستان و جناح‌های مرتجع ایران به پیشوایی امپریالیزم امریکا در اتحاد با انگریزها و سایر متحدین مرتجع خود در اروپا و آسیا در تبنانی با توسعه طلبان چین دست مداخله و تجاوز را به افغانستان آزاد، مستقل، غیرمتعهد و انقلابی دراز می‌کنند و درین اوضاع و احوال خطیر که همیشه گفته ایم بود و نبود، مرگ و زنده‌گی، آزادی و اسارت افغانستان مطرح بود، باز همان دوست متعهد و صدیق ما اتحاد شوروی به کمک ما رسید. هر هموطن صدیق افغانستان، هر تبعه شرافتمند افغانستان، هر فرد وطنپرست، آزادی‌خواه و مترقی افغانستان باید که از دو نقطه تاریخ که من حرف زدم و آنرا با هم وصل نمودم به حقیقت آن پی ببرند. ما می‌گوییم باید پی ببرند. این اولین شرط بزرگ پیروزی انقلاب آزادی‌بخش تمام خلق‌های افغانستان به شمار می‌رود.

خواهران و برادران، مدافعان قهرمان انقلاب!

ما امروز وسایل تخنیکی و جنگی و قوای مسلح نیرومند داریم که می‌توانند از سرحدات کشور و از سرزمین کشور خود دفاع کنند و لیکن ما نه تنها به قوای منظم نظامی بلکه به قوای مدافعین انقلاب و وطن‌ضرورت و نیازمندی داریم که از جمله چنین يك نیرو، نیرو یا گروه‌هایی مدافعین انقلاب است یعنی شما نمایندگان گروه‌هایی مدافعین انقلاب آزادی‌بخش خلق‌های افغانستان. لذا حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان حکومت و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان توجه بخصوص به ایجاد، بسط، توسعه و تکامل گروه‌هایی مدافعین انقلاب ثور دارد.

اهمیت ارزش و تأثیرات شما گروه‌هایی مدافعین انقلاب را مردم ما آینده‌گان ما،

فرزندان ما عمیقاً احساس کرده و خواهند کرد. در شما، در وجود فرد فرد و گروه گروه شما در واقعیت امر اراده عمیق مردم افغانستان نهفته است. به این جهت وظیفه همه ما و شماست که باید نیروی مادی، معنوی و نظامی را باز هم پرقدرت تر و پر نیروتر سازیم.

راجع به نقش گروه‌هایی مدافعین انقلاب بخصوص در وقت و اوضاع و احوال انقلاب و در شرایطی که مردم ما مواجه به يك جنگی اعلان نشده و اوضاع خارجی ضد انقلابی در تیبانی با باندیتیزم در افغانستان استند می‌توان فراوان صحبت کرد. بیایید يك نگاه بسیار مختصر به انقلاب‌های جهان ببندازیم. تمام انقلاب‌های که در جهان رخ داده است (هدف ما انقلاب‌های آزادی‌بخش خلق‌های جهان است) بنابر اوضاع و احوال مراحل مختلف تاریخ، خصوصیتی علیحده داشته است بعضی وقت جنگ‌های عادلانه علیه تجاوزات دشمنان خارجی، بعضی وقت علیه دشمنان داخلی که بنابر خصوصیت ارتجاعی، ضد ایجاد يك دولت مترقی و رفاه مردم بوده اند به وجود آمده اند. قیام‌های آزادی‌بخش توده‌های مردم و زحمتکشان مراحل مختلفی را گذرانده است. باری متوجه می‌شویم به جنگ عادلانه‌یی که همانا جنگ در برابر نیروهای خارجی و مرتجع ضد انقلاب می‌باشد. شما قهرمانی‌ها، داستان‌ها و حقایق تاریخی را بعد از انقلاب کبیر اکتوبر شنیده باشید، که در آنوقت توده‌های زحمتکش روسیه و تمام اقوام و ملیت‌های روسیه قیام زحمتکشان را به وجود آوردند و تمام طبقات و اقشار جبار، ظالم استثمارگر و ستمگر را از بین بردند. حاکمیت به دست زحمتکشان افتاد. این مرحله تا حدودی سهل بوده و لیکن بعداً چهارده کشور امپریالیستی دست به تجاوز و مداخله به سرزمین روسیه زدند و می‌خواستند که انقلاب آزادی‌بخش زحمتکشان ملیت‌ها و اقوام روسیه آنزمان را از بین ببرند، اما نیروهایی بودند مرکب از کارگران، دهقانان، وطنپرستان و آزادی‌خواهان که باهم گروه‌هایی مدافعین انقلاب را تشکیل دادند که بعداً به نام قشون یا اردوی سرخ یاد کردند. در نتیجه يك کشور عقب‌مانده در جهان امروز تبدیل به یک کشور مقتدر و نیرومند و مدافع صلح، آزادی و ترقی گردیده است. از آن تاریخ یعنی از ۱۹۱۷ تا کنون ده‌ها کشور جدید در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین و در اروپا قیام‌ها و جنبش‌های استقلال طلبانه و آزادی‌خواهانه را آغاز کردند. در اروپا و آسیا یک‌عده کشورهای مترقی ایجاد شد. بسیاری از کشورها که قبلاً در تحت استعمار امپریالیزم و دیگر کشورها قرار داشت، آزاد گردیدند که امروز کشورهای مستقلی را تشکیل داده اند. اینها هم برای آزادی و استقلال خود جنگیدند. توده‌های مردم از آزادی و استقلال خود دفاع کردند. یا به عباره دیگر نیروهای مدافع آزادی، استقلال، ترقی و انقلاب بودند که از استقلال، آزادی و انقلاب ملی خود دفاع کردند. از آن جمله کشور پرافتخار ما، کشور آزاد و مستقل افغانستان نیز اولین کشوری بود در آسیا که استقلال و آزادی خود را

حاصل نمود. حالا باز هم حکم تاریخی و ملی ماست که از آزادی خود، از استقلال کشور خود، از سرزمین خود، از خاک خود، از وطن خود، از تمامیت ارضی کشور خود، از حاکمیت ملی کشور خود و از مردم خود در برابر سیاست های نظامی‌گرانه تجاوز خارجی یعنی ارتجاع و امپریالیزم باید دفاع بکنیم.

شما قهرمانی های بزرگ ویتنام را حتماً از اخبار، جراید و رادیوها شنیده باشید. ویتنامی ها پنجاه سال برای آزادی، استقلال و وحدت ویتنام جنگیده اند یعنی مرده شان جنگیده اند ازین هم ما باید بیاموزیم. امروز اعراب فلسطین، مسلمانان واقعی در کشورهای عربی علیه امپریالیزم امریکا و صهیونیزم، برای آزادی، استقلال و وحدت خود و فلسطین می‌رزمند. همچنین قهرمانی هایی که در کوبا صورت گرفت و در دگر کشورهای مترقی، همه تجربه بزرگی است که ما باید از تجارب آنها و بخصوص از تجربه اتحاد شوروی برای کشور خود بر اساس تاریخ گذشته خود که قبلاً خاطر نشان ساختم بیاموزیم و نیروهای پر قدرت مدافعین انقلاب خود را بسط و توسعه بدهیم و نیرومند بسازیم و در پیرامون و اطراف گروه‌هایی مدافعین انقلاب توده‌های بزرگ تر و بزرگتر مردم خود را جمع کنیم. خوب این تجربه بی است به اساس تجارب بین‌المللی و تجربه تاریخ کشور خود ما و شما می‌بینید که معنای مدافعین انقلاب چیست و اهمیت نجاتبخش آن چقدر وسیع، بزرگ و عظیم است؟

دوستان!

چرا مدافعین می‌گویم؟ و این نیرو برای چه مقصد در اوضاع خاص يك کشور به وجود می‌آید؟

بخصوص در شرایط کشور ما. حالا در میان راه سوم نیست. در برابر ما دو راه هست. يك راه به طرف ظلم و ستم، جبر و استعمار قدرت‌های شیطانی، طبقات و اقتدار حاکم سرنگون شده ستمگر و استعمارگر است یعنی دشمنان می‌خواهند توده‌های میلیونی دهقانان ما را، فرزندان ما، فرزندان رنج کشیده وطن را، خانواده آنان را، اولاد آنان را بچاپند. قیل از انقلاب ثور شما (بعض دهاقین در اینجا هستند) ظلم و ستم را که ارباب‌های بزرگ، خان‌های بزرگ، ملاکین بزرگ و فیودال‌های بزرگ در ارتباط به مقامات حکومتی، دولتی، اشرافی و سلطنتی بالای مردم تحمیل می‌کردند به خاطر دارید. مگر این حقیقت در تاریخ گذشته ما موجود نبوده؟ خوب



این يك راه هست که این راه به استعمار، ارتجاع، ظلم و استبداد می انجامد. این راه سیاه روزی و بدبختی است. راه شیطانی است. راه باطل است. یکی راه دگر هم هست و آن راه حق، راه صلح و امنیت و آرامش انسان. ما درین راه می‌رویم. راه صلح، آزادی، سعادت، امنیت، ترقی و استقلال کشور و راه رفاهیت مردم، راهی که مردم بتوانند با اطمینان زنده‌گی کنند. خانواده‌های خود را در خوشبختی ببینند. اطفال و کودکان خود را سعادتمند ببینند هم از لحاظ جسمی، مادی و معنوی. از لحاظ زمین، تعلیم و تربیه، منزل، خانه، سرک، برق و غیره وسایل تسهیلات زنده‌گی. یعنی به اصطلاح ما و شما آن راه شیطان است و این راه فرشته است. يك سؤال واقعی؟ راه شیطان، راه باطل یا راه فرشته، راه ظلم یا راه عدالت، کدام راه؟

حال ببینیم که انقلابی که در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اراده تاریخی مردم افغانستان و به کمک قوای مسلح و اردوی ما صورت گرفت، ازین دو راه کدام راه را انتخاب کرده است. بخصوص مرحله نوین آن؟ مسلماً راه حق را.

خوب رفقا، دوستان، خواهران، برادران و هموطنان!

یعنی هرگز آن عواملی را فراموش نکنید که مرتجعین، جباران و ظالمان داخلی در اتحاد نامقدس با ارتجاع منطقه، امپریالیزم و هژمونیزم دست به دست داده جنگ اعلان نشده و چنین آفتی را بالای مردم ما تحمیل کردند و گرنه در همان بدو امر انقلاب بعد از مدت کوتاهی می‌توانستیم که طی نزدیک به شش سالی که می‌رسد يك افغانستان دموکراتیک، جامعه نوین، سعادتمند و شگوفان را به مردم خود ایجاد کنیم لیکن به هر حال شما همه آگاهی دارید که راه حق راه هموار نیست راه پراز خارهای مگیلان است.

برای اینکه جامعه نو، خوشبخت و سعادتمند ساخت هیچگاه در جهان، در هیچ يك از انقلاب‌ها و جنبش‌ها شما دیده نمی‌توانید که راه هموار بوده باشد. همیشه پر از مد و جزرها، پر از دشواری‌ها و پر از مشکلات است که باید از اینها گذشت. به این مناسبت تحمل راه حق، انسان‌های با وقف در راه حق را می‌طلبد. بیایید تحت این اصل و شعار یکبار دگر اعلام بداریم که ما حق پرستان در راه حق که عبارت از ایجاد شرایط سعادتمند و خوشبخت برای فرزندان و نسل‌های آینده ماست با قبول هرگونه مشکلات و دشواری‌ها به پیش می‌رویم.

در فاش ما، در فاش حق است. قربانی و شهادت در راه حق عبارت از اینست که کسی که در راه حق شهید می‌شود، انسان ابدی و جاودان است. شما فرزندان قهرمان مردم افغانستان، شما فرزندان زحمت، زحمت مردم افغانستان افتخار دارید که در راه دفاع از آرمان‌های انقلاب، وطن و مردم خود جد و جهد و جهاد می‌کنید.

من راجع به آرمان‌های انقلاب، حزب ما، دولت ما و خواست‌های مردم ما حرفی نمی‌زنم زیرا این موضوع در تمام نشرات حزبی و دولتی ما توسط تمام رفقای ما که با شما در پیوند نزدیک اند وسیع تبلیغ گردیده است. لیکن در رسیدن به حق نباید اول دعوی فردی کرد. در اوضاع و احوال انقلاب و جنگ اعلان نشده در دفاع از مردم و وطن نمی‌گوییم که حقوق ما را بدهید. ما امروز حقوق فردی خود را در راه حق و سعادت مردم باید وقف کنیم و ما ایمان راسخ داریم به مردم خود، به وطن خود، به انقلاب خود. انقلاب ما علی‌الرغم تمام تلاش‌های نیروهای شیطانی باندهای ضد انقلاب به صورت قطع پیروز می‌گردد. از یک طرف تمام مردم افغانستان و توده‌های مردم افغانستان، تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل اعم از پشتون، تاجک، هزاره، ازبیک، ترکمن، بلوچ و نورستانی و غیره و غیره که همه با هم برادر اند همه یک وطن واحد مشترک دارند به نام افغانستان که دشمنان شان مشترک و دوستان شان یکی است. با این احساسی که مردم ما دارند و باید داشته باشند ما در واقعیت امر چنان یک مشت پولادین هستیم که می‌توانیم از انقلاب، مردم و وطن خود دفاع کنیم. یعنی وحدت تمام خلق‌های افغانستان ملیت‌ها، اقوام و قبایل عمده‌ترین ضامن پیروزی انقلاب ماست و چیزی که در گذشته کم داشتیم و امروز داریم این دوستی صادقانه و بی‌شایبه بزرگ‌ترین قدرت جهان یعنی اتحاد شوروی و نیروهای مترقی، آزادی‌خواه، دموکراتیک و صلح است که با ماست. پس اولین وظیفه ما به واسطه فکر، زبان و عمل ما عبارت از اینست که این حقیقتی را که شما با کف زدن‌های تان تأیید کردید به سراسر مردم افغانستان برسانید. درین شک نیست که بنابر تبلیغات زهر آگین، دروغین و شیطانی دشمنان کشور ما، مردم ما و انقلاب ما، یک عده از هموطنان ما معصومانه فریب خورده اند. هنوز حق را از باطل تفکیک نکرده اند و بعضی از آنها اجیر و مزدور دشمنان وطن ما شده اند که به نام باندها، قطاع‌الطریقان، آدمکشان و تروریستان یاد می‌شوند. آنان چه اعمالی را بنابر تحریکات، پرورش و تعلیمی که دشمنان یعنی معلمین امریکایی، انگلیسی، چینی، پاکستانی و ایرانی و غیره به آنان می‌دهند، اجرا می‌کنند؟ چطور آنان

هموطنان ما را فریب می‌دهند که در برابر برادران ما، مادران ما، خواهران ما و پدران ما از هیچ‌گونه وحشت، دهشت و ظلم دریغ نکنند؟ اینرا شما بهتر می‌دانید که چطور کشتزارهای ما را حریق می‌کنند؟ چگونه ثروت ملی افغانستان را غارت می‌کنند و به خارج می‌برند؟ چگونه سرک‌ها، پل‌ها، شفاخانه‌ها، مساجد، مکاتب و فابریکه‌های ما را مورد تخریب قرار می‌دهند و چگونه هموطنان ما را می‌کشند؟ حتی بر اطفال ما رحم ندارند. اینها فرزندان ناخلف وطن ما هستند. ببینیم وظیفه ما چیست؟ ما باید صلح و امنیت و آرامش را تأمین کنیم. با این وضع دگر نمی‌توان زنده‌گی کرد باید تمام اشرا، باندها، قطاع‌الطریقان، دزدان و آدمکشان را که در خارج افغانستان تربیه می‌شوند محو و نابود ساخت. این وظیفه اساسی شما مدافعین انقلاب است. و وظیفه ماست یعنی وظیفه مدافعین انقلاب است که از ده خود، قریه خود، علاقه‌داری خود، ولسوالی خود، از ولایت خود، از شهر خود، از کشتزارهای خود، از فابریکه‌ها، از پل‌ها، از سرک‌ها و جاده‌ها باید قهرمانانه، دلیرانه، بی‌هراس و بی‌ترس دفاع کنند.

در ساحه اقتصادی مهمترین مسأله، مسأله ترانسپورت و خطوط مواصلات و پل‌ها است. این عرصه باید حفظ شود، ترمیم شود، احیا شود و احداث شود.

مسأله بسیار مهم دگر که مرکز ثقل انقلاب ملی و دموکراتیک را تشکیل می‌دهد عبارت از اصلاحات ارضی و آب است.

اکنون که در يك دست ما سلاح است، در پهلوی سلاح آتشین ما يك سلاح بران است، ما به مردم باید حقیقت انقلاب را تبلیغ کنیم و راه سعادت مردم را نشان بدهیم. ما تا که توده‌های مردم را به خود مربوط نسازیم، یا هر گروه مدافعین در پهلوی خود مدافعین هموطن را نداشته، خانه‌های آنها برای شما باز نباشد و آنها با شما همکاری نکنند و از طریق آنها شما دشمن را کشف نکنید و آنها هم در دفاع قرار نگیرند، چه می‌شود؟ پیروزی ما قطعی است، لیکن زمان طولانی می‌شود. ولی نباید بگذاریم که زمان طولانی شود و هرچه زودتر صلح و امنیت سراسری کشور را تأمین کنیم. خوب نکته دگر دسپلین و انضباط است. مهمترین مسأله انضباط انقلابی و دسپلین انقلابی حتی دسپلین نظامیست. ما باید روحیه دسپلین نظامی و انقلابی را در خود داشته باشیم و فرا گیریم. بدون دسپلین نظامی و انقلابی باز هم زمان طولانی را دربر خواهد گرفت که ما صلح و امنیت را که هدف عمده ما در

شرایط کنونی هست تأمین کنیم. نکته دگر اینست که سلاح که برای ما داده می‌شود همیشه افغان‌ها می‌گویند که سلاح من به مثابه شرف و ناموس می‌باشد، ما باید سلاح خود را حفظ بکنیم، تا حد نهایی از آن استفاده درست بکنیم.

ما باید تعهد بسپاریم که در برابر مردم خدمتگار می‌باشیم. متواضع می‌باشیم، برخورد انسانی و برخورد درست می‌کنیم. عاطفه داشته به آنها کمک می‌کنیم. لذا برخورد ما با مردم ما، با خواهران ما با پدران ما و با فرزندان ما باید فوق‌العاده دلسوزانه، مهربانانه و با مروت باشد.

در پهلوی اینکه به آرمان‌های انقلاب سخت وفادار هستیم و آنرا تبلیغ می‌کنیم و در راه تطبیق و تحقق آن می‌رزمیم باید توجه کرد، که قانون جداً مراعات گردد. از اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، قوانین، مقررات، اصول و همه رهنمودها باید اطاعت کنیم و دوش به دوش با تمام قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، سازمان‌های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان وظایف انقلابی خود را ایفا نماییم. در اخیر باز هم به تأکید ابراز می‌دارم که ارتجاع و امپریالیزم به اشکال مختلف می‌خواهند که انقلاب ما را، حزب ما را، مردم ما را و قوای مسلح ما را بدنام بسازند و از جمله سعی می‌کنند که دوستی واقعی و بی‌شایبه افغان - شوروی را برهم بزنند.

به این مناسبت یکی از وظایف ما اینست که در میان مردم حقیقت دوستی افغان شوروی را ما باید به طور لازم تبلیغ کنیم، بفهمانیم.

رفقا! ما یکبار دگر تعهد می‌سپاریم که تمام زنده‌گی ما، جان ما، مال ما، حیات ما قربان دفاع از انقلاب آزادی‌بخش خلق‌های زحمتکش افغانستان و راه انقلاب ثور!

بیانیه هنگام دیدار از پرورشگاه وطن

۸ جدی ۱۳۶۲

## درف والا و مقدس حزب ما اینست تا کودکان رنجکشیده وطن در آینده خوشبخت باشند

فرزندان عزیز و محبوب!

کارمندان زحمتکش و محترم پرورشگاه وطن!

در این لحظات از يك سو احساس بسیار خوشی به من دست داده است که فرزندان وطن خود را در کانون پرورشگاه وطن با نشاط، با خرم و با خوشی می نگریم از جانب دیگر تأثرات عمیق به من دست داده است که دشمنان وطن، دشمنان شما فرزندان دلبنده، که ارتجاع، استبداد و امپریالیزم است چگونه پدران و مادران شما را در تحت شکنجه‌های وحشتناک قرار داده و آنان را شهید ساخته اند؟ لیکن طور که شما خود گفتید: شما بی پدر و بی مادر نشده اید، وطن بزرگ ما، وطن محبوب ما افغانستان انقلابی، هم پدر شماست و هم مادر شماست.

این قانون طبیعی است که اجداد و نیاکان، پدران و مادران وقتی به سن معینی می‌رسند بنابر حادثه‌یی از جهان در می‌گذرند، ولی آنچه که در وطن باقی می‌ماند به مثابه وارث نیاکان، اجداد، مادران و پدران ما، فرزندان آنان، دختران آنان و پسران آنان است. امروز وطن هم پدر و هم مادر شماست (و از نام پرورشگاه شما معلوم است که پرورشگاه وطن یاد می‌شود) و شما در واقعیت امر در آغوش گرم وطن قرار دارید.

فرزندان عزیز!

شاید بعداً خوب بفهمید اکنون ساده می‌توانید که یک حقیقت را بفهمید که حزب ما یعنی حزب پدران شما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان چرا تأسیس گردید؛ این حزب پدران شماست (طوری که اطفال و کودکان ما گفته اند ما قهرمان می‌شویم)

شما آینده‌گان و قهرمانان حزب تان هستید. بهترین فرزندان امم از دختر و پسر کسانی هستند که راه خوب و نیک پدران خود را در وجود حزب پدران خود تعقیب کنند یعنی شما ادامه دهنده‌گان راه پدران تان، یعنی راه حزب دموکراتیک خلق افغانستان هستید، ما می‌رویم، شما رشد می‌کنید، بزرگ می‌شوید و درفش حزب تانرا، درفش وطن تانرا و درفش گلگون و سرخ وطن تانرا بر افراشته نگه میدارید.

تکرار می‌کنم که چرا حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایجاد شد؟

هدف والا و مقدس حزب این بود و می‌باشد که باید فرزندان رنج‌کشیده ما در آینده خوشبخت و سعادت‌مند باشند یعنی شما فرزندان و قهرمانان آینده، خوشبخت، با سرور و خندان باشید. یکی از اهداف بزرگ و اساسی حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان همین بوده است.

حزب ما با قبول هرگونه فداکاری و قربانی به خاطر مبارزه علیه ظلم و ستم، علیه ظالمان یعنی آن کسانی که نه تنها پدران و مادران شما را تحت ظلم و شکنجه قرار داده بودند بلکه می‌خواستند بعد از آنکه پدران شما پیر و شکسته می‌شوند و یا می‌میرند، از شما به حیث نوکر و مزدور استفاده کنند، دست به قیام زد و انقلاب کرد.

انقلاب بر اساس اراده مردم زحمتکش ما و با مشاهده رنج‌ها و بدبختی‌های عظیم مردم وطن ما به پیروزی رسید. وقتی که من وطن می‌گویم در زبان ما چنین است که می‌گویند و شاید شما هم شنیده باشید که « پدروطن مادروطن ».

آرزو و یا آرمان و آمال بزرگ و مقدس انقلاب ما برای همیشه چه بوده است و چه خواهد بود؟ باز هم تکرار می‌کنم همان طوری که هدف‌ها و آرزوهای حزب ما، سعادت و خوشبختی و پرورش و تعلیم کودکان و فرزندان ما بود تنها و تنها بر اساس آرمان انقلاب ما می‌توانیم که فرزندان خود را سعادت‌مند سازیم. در اینجا حزب و انقلاب، دولت و حکومت را موظف می‌سازد که اولتر از همه باید غمخوار فرزندان ما باشد. چرا؟

اول اینکه فرزندان ما هستند. فرزندان پدر وطن و مادر وطن افغانستان هستند، افغانستان آینده و افغانستان مترقی. لذا دولت موظف است که فرزندان آینده ما را

برای آن افغانستان مترقی، آزاد، مستقل و پرافتخار و افغانستان جدید تربیت و پرورش کند و از شما غمخواری بکند. از شما حمایت بکند. صحت شما را تأمین نماید و شما در آینده بهترین افسران اردوی قهرمان قوای مسلح افغانستان، شما بهترین پیلوتان، بهترین داکتران، بهترین انجیران، بهترین استادان، پروفیسوران، معلمان، کارکنان در زراعت، در فابریک و در صنایع خواهید شد. اگر شنیده باشید که فرزندان مانند شما به آسمان ها پرواز کرده اند و شما هم پرواز خواهید کرد. شما انسان های قوی، با تعلیم، با تربیه، با تحصیلات عالی، بازنده گی مرفه با فامیل و خانواده آرام، با خانه شایسته و خوب خواهید شد و در وقت مریضی در وقت پیری تمام رفاهیت برای شما تأمین و میسر می شود و از یک نسل به دگر نسل باید فرزندان ما خوشبخت و سعادت مند باشند.

این از برکت حزب ما و انقلاب ماست. پس می گویم زنده باد حزب ما، انقلاب ما، پدر وطن ما، مادر وطن ما، افغانستان سر بلند و با افتخار!

شما فرزندان را در آغوش خود حمایه و تربیت می کنیم!

## فاز جدید انقلابی است در حیات حزبی و دولتی ما به خاطر به سر رسانیدن پروژه انقلاب ملی و دموکراتیک در کشور

رفقا!

امروز غرش توفانزای انقلاب خلق قهرمان افغانستان لرزه بر اندام ارتجاع منطقه، امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا و هژمونیزم چین انداخته است. اجازه دهید، يك نگاه مؤجّز به اوضاع جهان بیندازیم. اکنون اوضاع جهان بی‌نهایت وخیم است. هیچ‌گاهی در جریان سال‌های بعد از جنگ چنین خطر انفجار به وجود نیامده بود. علت این وضع مشی صریح و آشکارای تجاوزی و میلیتاریستی اداره ایالات متحده امریکاست. محافل ارتجاعی امپریالیستی امریکا و کشورهای ناتو ترتیبات نظامی بیسابقه‌یی را سریعاً و در مقیاس وسیع رویدست گرفته اند و به طور آشکار آماده‌گی برای يك جنگ جهانسوز می‌گیرند. پروگرام گسترش سلاح‌های کیفیت نوین، سلاح‌های ستراتیژیک هسته‌یی و تسلیحات عادی و کشاندن مسابقات تسلیحاتی به فضای کیهانی با شدت و سرعت از جانب پیمان ناتو عملی می‌گردد. هدف عمده این تشدید آماده‌گی‌های جنگی و توسعه ذخایر نظامی را، حصول برتری نظامی بر اتحاد شوروی و سایر کشورهای عضو پیمان وارسا و بعد تأمین تسلط بلامنازع بر جهان با تهدید نظامی و توسل به زور تشکیل می‌دهد. تحلیل دقیق و روشن اوضاع بین‌المللی موجود و موضع اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در ارتباط با سیاست جنگ افزوانه ایالات متحده امریکا و متحدین ناتوی آن در اعلامیه اخیر رفیق یوری ولادیمیرویچ اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست



اتحاد شوروی و صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و مخصوصاً در اعلامیه مؤرخ بیست و چهار نوامبر ۱۹۸۳ ایشان با صراحت بیان شده است. درین سند سیاسی اراده واحد حزب کمونیست اتحاد شوروی و تمام مردم شوروی و تصمیم انحراف ناپذیر آنان برای پاسخ گفتن به سیاست خارجی ماجراجویانه اداره ایالات متحده امریکا و بلاک ناتو تجلی و تمرکز یافته است.

درین رابطه چنانکه یوری ولادیمیریچ اندروپوف اعلام داشت باید خاطر نشان کرد که اتحاد شوروی مانند گذشته اکنون نیز برای کسب برتری نظامی تلاش نمی ورزد و تدابیر متقابل لازم را بر اساس ملاحظات تأمین امنیت خود و متحدین خود اتخاذ می‌کند. این تدابیر جداً در آن حدودی عملی خواهد شد که ناشی از اعمال تجاوز کارانه و وحشیانه میلیتاریستی ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای عضو ناتو باشد.

اعمال و حرکات ایالات متحده امریکا در شرق میانه، شرق نزدیک و امریکای مرکزی تنفر و انزجار همه خلق‌های صلح‌دوست جهان را برانگیخته است. در مدیترانه شرقی بحریه بزرگی متشکل از کشتی‌های طیاره بردار و دگر کشتی‌های جنگی متمرکز شده است. در لبنان هزاران نفر عسکر امریکایی خون خلق لبنان را بنابر مداخله مسلحانه ایالات متحده امریکا می‌ریزند. تهدید از جانب ایالات متحده امریکا و اسرائیل نسبت به سوریه افزایش می‌یابد. درین اواخر ایالات متحده امریکا هرچه بیشتر به نیروهای مسلح به منظور دستیابی به اهداف هژمونیستی و مغرضانه خود متوسل می‌گردد. شاهد این امر اشغال وحشیانه گرینادا، تهدید نظامی نیکاراگوا، کیوبای قهرمان و سایر کشورهای حوزه کارابین است.

اوضاع در قاره آسیا نیز هرچه بیشتر متشنج می‌گردد و همه این اعمال امپریالیستی اوضاع جهان را به عدم استقرار مواجه نموده بر تشنجات شدید می‌افزاید. همچنین نظام فاشیستی افریقای جنوبی دست به تجاوزات خابنانه علیه انگولا زده است. بنابر سیاست ماجراجویانه ایالات متحده امریکا این خطر افزایش می‌یابد که تصادمات منطقه‌یی کنونی به جنگ وسیعتر مبدل گردد و در نتیجه آتش جنگی شعله‌ور گردد که برای همه خلق‌های جهان عواقب بسیار مهلك و سنگین را در برداشته باشد.

موقف جمهوری دموکراتیک افغانستان در رابطه با این مسایل در اعلامیه‌های اخیر حکومت و وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان با صراحت بیان شده است.

رفقا!

با خاطر نشان ساختن پیچیده‌گی عمومی اوضاع بین‌المللی ما باید از وضع وخیمی که در منطقه به وجود آمده است و نقشی که جمهوری دموکراتیک افغانستان و نیروهای مسلح آن در عرصه بین‌المللی ایفا می‌کنند و باید بکنند، به طور انتقادی و اصولی ارزیابی به عمل آوریم. جنگ اعلان نشده علیه افغانستان انقلابی که از جانب ارتجاعی ترین نیروها به سردمداری ایالات متحده امریکا به پیش برده می‌شود در واقعیت امر کشور ما را در شرایط مقابله با امپریالیزم امریکا قرار داده است. توجه به این امر که اکنون افغانستان انقلابی با امپریالیزم امریکا مواجه می‌باشد باید در عقول، روح و وجدان فرد فرد اعضای حزب و مردم افغانستان نفوذ کند و موجب آماده‌گی عظیم و بزرگ ملی گردد. باید تذکر داد که رهبران ایالات متحده امریکا از ابراز ابن مطلب شرم ندارند که خائنین ضدانقلاب را که به اعمال ضد وطن دست می‌زنند با صرف صدها میلیون دالر امریکایی نگهداری، تربیه و مسلح می‌کنند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه بیانگر واقعی منافع همه مردم افغانستان، آغاز مرحله نوین را در حیات سراسر جامعه ما اعلام داشت، یعنی مرحله تکامل مستقلانه دموکراسی و ترقی اجتماعی. این مطلب موجب خشم و غضب مرتجعین رنگارنگ گردید. حوادث اخیر نشان داد که جنگ اعلان نشده علیه کشور ما بخشی از تعرض عمومی امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا علیه نیروهای صلح و ترقی در سرتاسر جهان است. باید توجه جدی مبذول داشت که در زنجیر سیاه سیاست تعرضی امریکا، افغانستان موقعیت بس مهمی را دارا می‌باشد. ما باید نیت شوم ارتجاع و امپریالیزم امریکا و هژمونیزم چین را که در تبنانی با امپریالیزم جهانی است دقیق، درست و همه جانبه درک کنیم و خود را برای هرگونه قربانی

و فداکاری در راه پاسداری از وطن و دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور، در يك صف وسیع جهانی در سنگر دفاع از صلح، ترقی و آزادی قرار دهیم و چون صخره، استوار و چون کوه، ثابت قدم باشیم.

رفقا!

افغانستان در طول تاریخ و بخصوص بعد از انقلاب ثور کشوری صلح‌دوست بوده است. مردم افغانستان صلح می‌خواهند، نه جنگی. به همین مناسبت نیز حکومت افغانستان دائماً از حل و فصل صلح آمیز اوضاع ایجاد شده در منطقه طرفداری می‌کند. اما متأسفانه رهبران و محافل ارتجاعی و دست راستی و نظامیگر بعضی از کشورهای همسایه به این امر تن در نداده و به زور سلاح و کمک‌های امریکا افغانستان پرغرور و انقلابی را تهدید می‌کنند. در چنین شرایطی ما باید با قاطعیت و جدیت تمام بگوئیم که مبارزه به خاطر صلح و رشد مستقل افغانستان بخش مهم مبارزهٔ عمومی نیروهای صلح‌دوست علیه نیروهای ارتجاع و جنگ طلب بوده و تحکیم و پر قدرت ساختن قوای مسلح ما به یقین ضامن پیروزی است. ما باید به خوبی درک کنیم که مشی عمومی ماجراجویانه ایالات متحده امریکا و متحدین آن تهدید واقعی را متوجه همه خلق‌ها ساخته است. بنابراین تحکیم قدرت دفاعی جمهوری دموکراتیک افغانستان و ارتقای بازهم بیشتر قابلیت جنگی و رزمندگی نیروهای مسلح آن در عین زمان که وظیفهٔ وطنپرستانه ماست، وظیفه انترناسیونالیستی ما نیز می‌باشد.

برای تحکیم قابلیت رزمندگی و جنگی ما لازمست بیداری سیاسی، روح رزمندگی و جنگی، دانش و فن جنگی را ارتقا دهیم. مهارت استفاده از سلاح و تخنیک محاربه‌ی مدرن را وسیعاً فرا گیریم و طرق پیشبرد عملیات نظامی را در شرایط دشوار جنگی بهبود و تکامل بخشیم. این بدان معناست که باید هر فرد نظامی، هر فرد و هر يك از منسوبین قوای مسلح آزادی‌بخش افغانستان خصوصیات و کرکتر عالی اخلاقی و رزمی، مردانه‌گی، شجاعت و دلیری و ایمان خلل ناپذیر به امر حزب و همه خلق افغانستان را در روح، وجدان و شرف خود با تمام آماده‌گی برای قربانی، قویاً پرورش دهد.

رفقا!

کمیته مرکزی حزب ما تصمیم گرفت جلسه وسیع مشورتی کادر رهبری اردو، خاندنوی و نیروهای امنیتی، قوماندانان نظامی و کارکنان سیاسی را در زیر سقف این تالار در مرکز وزارت دفاع افغانستان دعوت کند تا در باره آن که چه باید کرد تا نیروهای مسلح ما مطالبات امروزی وطن ما، منطقه ما، آسیا و سیاره ما یعنی وطن عظیم و بزرگ جهانی ما را برآورده سازند و وظایف انقلاب ثور را جداً اجرا نمایند، تبادل نظر صورت گیرد.

رفقا!

طی چندین جلسه در بیروی سیاسی و دارالانشاء کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و چه در جلسه بزرگ رهبران حزبی و دولتی در مقر شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان همچنین در جلسه منشی‌های سازمان‌های اولیه حزبی و کارکنان سیاسی اردو صحبت مفصلی نموده ام، علی‌الوصف تکرار ها که به غرض تأکید خواهد بود سعی می‌کنیم از جهات مختلف به صورت فورمولبندی شده، به شکل تزاها در این جلسه بازهم وظایف خود را مشخص تر سازیم.

بعد از انقلاب ثور، بعد از قیام مسلحانه و قهرمانانه قوای مسلح ما که به اراده مردم ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان صورت گرفت، تا کنون و بخصوص بعد از مرحله نوین انقلاب ثور (که زنجیر همبسته انقلاب ثور است) کارهای با اهمیت و بزرگی در کشور ما صورت گرفته است، ولی در برابر ما کارهای بزرگ و بزرگتری باقی مانده است که آنها را باید اجرا کرد. کارهای مثبتی را که باید رشد و تکامل بخشید می‌توان به صورت موجز قرار ذیل برشمرد:

بزرگترین و عظیمترین امری که تحت رهبری حزب پرافتخار ما انجام شد عبارت بود از سرنگونی تمام اقشار و طبقات ارتجاعی جبار، ستمگر و استثمارگر از لحاظ سیاسی، از بین بردن قدرت ملاکین، فیودالان، اعیان و اشراف و تمام مرتجعین به شمول بیروکرات‌های فاسد مرتجع نظامی و ملکی که بر اساس رهنمودهای نخستین برنامه پرافتخار ما در جریده خلق عملی گردید. قدرت اقشار و طبقات منسوخ از لحاظ سیاسی و تا حدودی اقتصادی، اجتماعی و کلتوری محو و نابود گردید و

حاکمیت خلق و زحمتکشان در افغانستان مستقر گشت. این کاری بس عظیم و بزرگست که صورت گرفت. می‌توان انقلاب کرد، لیکن باید از انقلاب دفاع کرد. این پیوسته شعار ما بوده است. می‌توان انقلاب کرد، لیکن باید وظایف انقلابی را ایفا کرد و تا به آخر آنرا بی وقفه و به صورت پیگیر ادامه داد.

در افغانستان اصلاحات ارضی که مهمترین وظیفه یا مرکز ثقل انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی و ضد امپریالیستی است تا حدودی تحقق یافت و برای رشد و تکامل بیشتر آن بعضی تعدیلات به وجود آمد. به سر رسانیدن اصلاحات ارضی و آب امروز وظیفه مبرم همه ماست. از لحاظ برخورد به مسایل مهم حزبی در مدت کوتاه ما کارهای با اهمیتی را انجام داده ایم. حزب ما، دولت ما، حکومت ما، قوای مسلح ما، سازمان‌های اجتماعی ما، جبهه ملی پدروطن ما، داخل يك سیستم

طراز نوین گردیده اند. این کار بسیار با اهمیت است. حزب از لحاظ کمیت و کیفیت رشد قابل توجه خود را ادامه می‌دهد. پروسه رشد حزب برای ما امیدوار کننده و اطمینان بخش است. ما سازمان‌های اجتماعی و ایجادگر وسیعی را تأسیس کردیم که شما از آن آگاهی دارید. برای نخستین بار حزب ما در افغانستان جبهه ملی پدروطن را ایجاد کرد، که مبارزه در راه ایجاد آن یکی از اصول مرامی ما منتشره در جریده خلق بود. شما به خوبی می‌دانید که حزب ما همیشه شعار تشکیل آنرا می‌داد. در کمتر کشور جهان چنین واقع شده است که بعد از اینکه زحمتکشان قدرت حاکمه سیاسی را به دست می‌گیرند و حزب پیشاهنگ از کوره راه‌ها و مد و جزرهای پر از خطر گذشته و قدرت سیاسی را احراز نموده باشد بعد سازمان‌های اجتماعی را ایجاد کند و راه اتحاد و وحدت تمام اقشار و طبقات خلق را در يك سازمان وسیع نظیر جبهه ملی پدروطن باهم پیوند دهد. این امر در عدّه‌یی از کشورها رخ داده، لیکن بسیار نادر است. این یکی از افتخارات بزرگی حزب ماست. دیروز حزب ما از لحاظ کمیت ضعیف و توأم با پراکنده گی بود. حزب ما ترکیبی از محافل بود و ایجاد يك حزب واحد سازمان داده شده، دستاورد با اهمیت عهد ماست. خاطرات عبرت آمیزی نزد همه شما که با وجدان هستید وجود دارد که بر حزب ما بنابر عوامل مختلف (که خود يك فهرست طولانی است و تحلیل عمیق طبقاتی، اجتماعی و ملی کشور را ایجاب می‌کند) چگونه و چندین بار انشعابات تحمیل شد، و لیکن سرانجام بعد از مرحله نوین انقلاب ثور این فریاد

وجدان فرد فرد اعضای صدیق حزب دموکراتیک خلق افغانستان است که می‌گویند باید يك حزب مرکب از محافل و فرکسیون‌ها در يك زمان معین و کوتاه به يك حزب واحد و یکپارچه دموکراتیک خلق افغانستان مبدل گردد و این مرزها از بین برود. گفته می‌توانیم محافل کوچک حزبی مرزهایی را ایجاد کرده بودند و به گفته مردم ما، استخوان شکنی‌ها وجود داشت. این صحنه‌های تراژیک در حیات حزب ما باید درس عبرتی برای هر عضو حزب باشد. حزب ما توانست بعد از مرحله نوین انقلاب ثور از این دشواری‌های وحشتناک سربلند و پیروز بدر آید. اکنون من به شما از طرف بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و از طرف خود می‌گویم که وحدت ارگانیک حزب ما پروسه خود را گام به گام در کادر اصول تعقیب می‌کند و باید تعقیب کند.

رفقا! می‌خواهم یادآوری کنم که ایجاد سازمان‌های اجتماعی در يك کشور و جامعه عقب‌مانده که در تار و پود، گوشت و استخوان آن تمام خصوصیات قبیله‌وی و فیودالی هنوز زنده است و انساج آنرا تخریب می‌کند، پیروزی بزرگی است. ما توانستیم در وجود سازمان‌های اجتماعی خود اقشار و طبقات مختلف خلق خود را اعم از جوانان، کارگران، دهقانان، زنان، روشنفکران، قبایل، روحانیون، بورژوازی متوسط به شمول به اصطلاح بورژوازی ملی که این اصطلاح هم قابل بحث است و دیگر اقشار و طبقات ملی و دموکراتیک جامعه که به نحوی از انحا تحت درفش سازمان‌های اجتماعی گردهم جمع شده‌اند، متحد سازیم. همه اینها به پیشاهنگی و رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جبهه ملی پدروطن گرد آمده‌اند که نه تنها حزب ما و سازمان‌های اجتماعی عضو آنست، بلکه فرد فرد اتباع افغانستان که بیش از شانزده سال عمر داشته‌باشند حق اشتراک در آنها دارند. خلاصه اینکه حزب ما داخل يك سیستم یا در جهت و تکامل يك سیستم طراز لنینی به پیش می‌رود. همچنین شورای انقلابی ما و حکومت یا شورای وزیران ما، داخل يك چارچوب و سیستم در وجود اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار گرفته‌اند. مردم ما بنابر وجود پاره‌یی از اشتباهات که تا حدودی ناشی از پروسه طبیعی رشد و تکامل حزب ما بود و بیشتر تحت تأثیر فعالیت‌های خرابکارانه و تبلیغی ارتجاع منطقه، امپریالیزم و هژمونیزم در برابر انقلاب قرار گرفتند و این را باید همه ما، فرد فرد ما درک کنیم که این يك حقیقت تلخ بود و باید به آن اعتراف کرد. حزب و دولت از مردم از توده‌های عظیم مردم جدا شده‌بود، مردم به کوه‌ها،

دشت ها و دره‌ها فرار کرده و به خارج کشور مهاجرت کرده بودند. بعد از مرحله نوین شالوده یا شیرازه احیای اعتماد مردم ما پیرامون حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و انقلاب کشور ایجاد شد. این کار آسان نبود، نباید این را سهل گرفت. این کار، رفقا از جمله کارهای بزرگی شماس است که علی‌الرغم تمام دشواری‌ها گام به گام از چندین سال به اینطرف مردم، توده‌ها و قبایل در نتیجه خط مشی درست شما، گروه گروه به دور حزب و دولت جمع شدند و راه‌های مفاهمه باز گردید و ده‌ها هزار نفر از اعضای باندها و سران باندها به دولت و حکومت تسلیم شدند سلاح بر زمین گذاشتند و به حکومت و حزب وفاداری نشان دادند. این هم در نحو خود در انقلاب‌های جهان یکی از نمونه‌های بی‌نظیر است. نباید به فعالیت درین زمینه کم بها داده شود. همچنان علی‌الرغم دشواری‌ها و مشکلاتی که دامنگیر کشور ما، انقلاب ما و جامعه ما بود، از استقرار نسبی در برخوردار بوده ایم و پیشرفت‌هایی در عرصه اقتصادی به دست آورده ایم، چه در ساحه زراعت، صنعت ترانسپورت، انرژی و چه در ساحه تجارت داخلی و خارجی و غیره و غیره. همچنان ما توانستیم تا حدود معینی ارگان‌های محلی حاکمیت دولتی را ایجاد کنیم. ما می‌توانیم با اتخاذ سیاست خارجی معقول و اصولی، پرستیژ انقلاب افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را ارتقا دهیم. ما امروز صدها میلیون انسان کره زمین را در پشتیبانی از انقلاب خود داریم. تمام نیروهای صلح‌دوست و مترقی جهان و بخصوص کشورهای سوسیالیستی و در رأس اتحاد شوروی بزرگی با ماست.

خوب رفقا!

اصلاً در صحبت من با شما تعریف و توصیف کارهای مثبت مطرح نیست. ما و شما امروز به زبان دیگری صحبت خواهیم کرد. باید همه رفقا حتی دماغ‌ها و عقول شان آماده‌گی نوینی داشته باشند. طوری که در تربیون با عظمت کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی به نمایندگی از شما رفقای حزبی و کمیته مرکزی گفته ام، باز هم به این مفهوم اعلام می‌دارم که هرگاه کمک‌های بی شایبه، برادرانه و بیغرضانه و صاف و پاک اتحاد شوروی نمی‌بود، امروز به صورت قطع انقلاب ما مواجه با شکستی فجیع میگشت و افغانستان چندین صد سال به عقب بر میگشت و ارتجاع سیاه وحشتناک وابسته به امپریالیزم در افغانستان مستقر می‌گشت. ازین جهت همه با فریاد باید بگوییم: سپاس از اتحاد شوروی! (سپاس!)

رفقا!

بعض مستقیم و بعض غیرمستقیم اطلاع خواهند داشت که بنابر فیصله بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طرح ها و تزه های اینجانب مورد قبول قرار گرفته و به من وظیفه داده شده است تا این طرح ها و تزه را به پیشگاه حزب خود ارائه نمایم. ما يك اصطلاح را از گنجینه ترمولوژی ایدیولوژی طبقه کارگر انتخاب کردیم و آن کلمه فاز است که ما در ارتباط فعالیت های کنونی خود تحت نام فاز جدید آنرا به کار می بریم. من شنیده ام که بعض این فاز را صحیح درك نکرده اند. می گویند خوب آغاز انقلاب ثور، مرحله نوین انقلاب، پس فاز نوین چه هست؟ درین قسمت توضیحاتی به رفقا با استفاده از گنجینه کار بزرگی، خلاق و داهیانہ ولادیمیر ایلیچ لنین داده می شود.

لنین از لحاظ میتود انتخاب ترم ها کلمه « مرحله را در جهات تاریخی استعمال کرده است. مثلاً شما حتماً رساله «چه باید کرد؟» را مطالعه کرده اید. در اخیر آن لنین به این مفهوم می گوید اکنون از مرحله خرده گیری، خرده کاری و محفل بازی باید گذشت و آنرا ترک داد. اکنون گلوها زیر و بم شده است، رشد جوانی داریم و باید وارد مرحله جدیدی گردیم.

رفقا! درین نوزده ساله گی حزب که به مرحله بلوغ رسیده ایم منافع حزب ما ایجاب می کند که کاملاً با برخورد جدید در برابر مسایل آماده باشیم.

از نظر لنین، در رشد جنبش انقلابی و در رشد و تکامل حزب طبقه کارگر به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگر مراحل مختلفی وجود دارد که هر مرحله را از لحاظ شرایط زمانی و مکانی، از لحاظ حکم و ضرورت جنبش انقلابی و انقلاب و وظایف حزبی، دولتی و حکومتی باید توضیح کرد و مشخص ساخت و گام به گام، مرحله به مرحله به پیش رفت.

رفقا!

کلمه فاز نباید با آن کلمه یی اشتباه شود که در شرایط سوسیالیزم به کار می رود. پس فاز جدید یعنی چه؟ فاز جدید یعنی بهبود کار که شامل يك سلسله پرنسیپ هاست که ما این پرنسیپ ها را به تناسب رشد حزب خود، رشد انقلاب و رشد دولت که خواست خلق، جامعه و مردم ما، خواست جنبش انقلابی جهان و جنبش صلح در



جهان است استخراج کردیم. به این مناسبت یکی از برخوردهای قاطع و حتمی ما اینست که بعد از این باید مقامات رهبری حزب از خود شروع کنند، از خود انتقاد نمایند، خود را اصلاح کنند تا تأثیرات عظیم آن در کادرها و صفوف حزب به وجود آید و جوهر فاز جدید که پرنسیپ های آن از لحاظ مقوله ها، از لحاظ ترمولوژی در پراتیک حزب، انقلاب و دولت بعداً توضیح داده خواهد شد اینست که بعد از این مقامات رهبری حزبی و دولتی از خود آغاز نموده در اعماق صفوف حزبی و مجموع کمپلکس قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در کادر اصول و پرنسیپ به شیوه لنین، بدون در نظر داشت ملحوظات خصوصی و شخصی به انتقادات جدی و صریح بپردازند.

لذا اکنون ما برخورد انتقادی خود را آغاز می‌کنیم تا دوباره به پرنسیپ های فاز جدید برگردیم.

رفقا!

طوری که در مقدمه دربارهٔ اوضاع سیاسی جهان و مسؤولیت و وظیفه افغانستان خاطر نشان گردید به خاطر داشته باشید که مرکز صحبت امروزی من قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد. اکنون اجازه بدهید، با صراحت لهجه باز هم فورمولبندی شده، با قوای مسلح خود برخورد انتقادی بنماییم. قوای مسلح یعنی اردو، خاندوی و خاد.

راجع به اینکه قوای مسلح ما بخصوص طی چهار سال اخیر چه نقش با اهمیتی را در سرنوشت دولت و جامعه ما ایفا کرده است، می‌توان زیاد حرف زد. لیکن یکی از میتوذهای فاز جدید اینست که ما شعار دادیم آنچه که مثبت است باید رشد و تکامل داده شود و بسیار در مورد آن حرف نمی‌زنیم. زیرا آن چیزی که دارای مثبت ماست نزد ما موجود است نمی‌توان از آن انکار کرد.

لیکن بیایید ببینیم بهبود کار در چیست؟ از جهات ضعف کار و از جهات منفی، مسایل قوای مسلح خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهیم. وقتی که این مطالب را مورد انتقاد قرار دادیم و از آن نتیجه گیری به عمل آوردیم، به وظایف مبرم و عملی روز تبدیل می‌شود. خوب رفقا!

يك مسأله دگر راهم بايد در ارتباط قواى مسلح خاطر نشان ساخت كه آيا واقعاً ما با جنگ مواجه هستيم يا نه؟ خوب جنگ ما چگونه جنگ است؟ جنگى عادلانه است، نه غير عادلانه، درين جنگ عادلانه نيروهاى با ايمان راسخ قبل از همه به اصطلاح وطنى ما، سر خود را به كف ميگذارند، يعنى آماده مى باشند براى آنكه در راه جنگ عادلانه با جنگ انقلابى عادلانه خود را قربان كنند والسلام.

دگر هيچ الترناتيف و واريانت وجود ندارد. اين حرف بزرگ لنين است كه در وقت انقلاب با قيام و انقلاب نبايد بازى كرد. وقتى كه انقلاب به عمل آمد بايد براى انقلاب تمام حزبى ها، تمام نيروهاى معتقد به انقلاب آماده باشند كه از جان خود بگذرند. درين صورت است كه مى توان فيوداليزم و بورژوازى را سرنگون ساخت و به سوسياليزم نايل آمد.

رفقا! حالا شما انقلاب كرديد. بياييد به پيشگاه بيروى سياسى كميته مركزى حزب دموكراتيك خلق افغانستان بگوييم (كسى كه معتقد نيست بايد در جاى خود بنشيند) آيا حاضر و آماده براى دادن قربانى در راه به پيروزى رساندن جنگ انقلابى عادلانه خلق افغانستان هستيد يا نه؟ همه به پا خاستند و گفتند: آماده هستيم

رفقا!

امروز، روز بزرگى است، روز تصميم است. قبلاً عرض كردم كه ما در حال انجام جنگ انقلابى و عادلانه خود هستيم. شما اصطلاحات نظامى را خوب مى دانيد. آيا لازم است كه در چنين شرايطى در موضع دفاعى قرار داشته باشيم؟ اکنون كه دشمنان در حالت تعرض اند و مى خواهند كه تمام دستاوردهاى انقلاب ما را محو و نابود سازند، ما بايد از حالت دفاعى به حالت تعرضى بگذريم، اين يك اصل مبرم است. اکنون اوضاع و احوال طورى است كه بايد سه ركن قواى مسلح ما، اردو، خاد و خاندوى، اين سياست پسييف را در اوضاع و احوال و شرايط انقلاب، بعد از امروز، براى ابد كنار بگذارند و به سياست نظامى تكتيكى اوپراتيفى تعرضى دست بزنند (كف زدن ها).

راجع به پاكستان رفا آگاهى دارند. اهداف ستراتيژيك استعمار كهنه انگليس و هم امپرياليزم انگليس و هم فرزند ناخلف آن رژيمهاى نظاميگر و مرتجع پاكستان در مورد سرزمين مقدس افغانستان بخصوص در شرايط افغانستان انقلابى به همه شما

معلوم و آشکار است. خلاصه اینکه بارها تأکید کرده ام و به این جهت تأکید می‌نمایم که رفقا خود با عقل، روح و وجدان و پوست و گوشت خود این حقایق تلخ را، این چشم‌های بی‌شرمانه، حریص، توسعه طلب و ردیابانه ارتجاع منطقه را که به کشور ما و انقلاب ما دوخته شده است، تشخیص بدهند. تا چنین درک و تشخیص وجود نداشته باشد و وظیفه احساس نشود، شاید بگویند که برای چه ما باید جان‌های خود را قربان کنیم؟ برای وطن‌تان، برای دفاع از سرزمین پدری و اجداد و نیاکان‌تان، خلاصه اینکه دعوی پاکستان این است که باید پشتون‌ها را در حیطه ظلم و ستم ملی پاکستان یعنی محافل حاکم مرتجع پنجابی، طبقات حاکم مرتجع فیودالی، بورژوازی و بیروکراتیک و جلادان پاکستان قرار دهند.

رفقا! ما باید متوجه باشیم که از حرف‌های من چنین توجیه صورت نگیرد و روح ناسیونالیستی و شوونیستی در ما تقویه نگردد. باز تکرار می‌کنم که تمام خلق‌های منطقه، خلق ایران، خلق پاکستان و همه خلق‌های جهان با هم برادر اند و برادر ما هستند. ما هیچگونه خصومت در برابر خلق‌ها نداریم، بلکه دوست و همسنگر خلق‌ها هستیم. لیکن ما دشمن آستی ناپذیر طبقات حاکم استعمارگر و ستمگر در هر نقطه جهان به مراسم و رسمی که باشد بودیم، هستیم و خواهیم بود. (کف زدن‌ها).

خوب چشم طبقات حاکم جبار پاکستانی به طرف هندو کش می‌باشد. راجع به هژمونیزم چین هم ما به خوبی آگاه هستیم که آنهم به طرف قطعات سرزمین ما چشم دوخته است. امپریالیزم امریکا می‌خواست و می‌خواهد که یک پایگاه نیرومند ضد جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و ضد انقلاب برای سرکوبی انقلاب افغانستان، ضد سوسیالیزم و ضد شوروی در افغانستان ایجاد کند. ببینید هم از لحاظ دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور، هم به مثابه یک وظیفه ملی و وطنپرستانه دفاع از سرزمین مقدس کشور ما، وطن ما و هم به خاطر ایفای وظایف انترناسیونالیستی، ما باید قوای مسلح نیرومندی داشته باشیم، تا بتوانیم ضربات تجاوزکارانه خارجی و ضد انقلاب داخلی را با مشت دندان شکن پاسخ دهیم. (کف زدن‌ها)

تقویه قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه مبرمترین، حیاتی‌ترین، جدی‌ترین وظیفه حزبی، دولتی و وطنی ماست. باید در قسمت جلب و احضار با تمام فداکاری، با تمام نیروی حزب و دولت از پایین تا به بالا، با تمام نیروی سازمان‌های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن و قوای مسلح، به مثابه شعار جهاد

بزرگ بسیج شویم و باید مسأله جلب و احضار را هرچه زودتر و هرچه سریعتر حل کنیم. هر کسی که درین قسمت کوچکترین سهل انگاری از خود نشان می‌دهد و هر کسی که بخواهد کسی را حمایت کند که از خدمت تحت بیرق فرار کند، آن شخص اگر حزبی است، در هر مقامی که باشد باید به دادگاه کشانیده شود، به شمول اخراج از حزب و جزای نظامی هنگام جنگ، و کسی که واجد شرایط است و در تحت بیرق خدمت مکلفیت نظامی نمی‌آید، باید جدی‌ترین تدابیر را در موردش اتخاذ کرد. از طرف دیگر تمام نیروهای حزب، دولت و قوای مسلح باید بسیج شوند تا تبلیغات بزرگ، همه جانبه و عظیم راجع به این مسأله که خدمت به وطن، خدمت در تحت بیرق قوای آزادی‌بخش افغانستان، دفاع از انقلاب و آماده‌گی در برابر هرگونه تجاوزات خارجی و وظیفه مقدس تمام فرزندان کشور است و باید با شور و شوق آماده کردند، به راه افتد. کوتاه و مؤجز با حرف نظامی باید مطالب را مطرح ساخت. اینرا باید در نظر گرفت من جداً از رفقای بیروی سیاسی و دارالانشاء کمیته مرکزی، از شورای وزیران، از هیأت رئیسه شورای انقلابی و از تمام رفقای قوای مسلح می‌طلبم، یعنی اینکه انقلاب می‌طلبد و خلق ما می‌طلبند، که همه نیروها را، با تمام نکاتی که باید در نظر گرفت، در قدم اول برای تقویه کمی قوای مسلح باید به کار برد.

رفقا!

اجازه دهید، اعلام بدارم که بنابر پیشنهاد مقام وزارت دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان، بنابر تصمیم بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و بنابر فیصله هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان دو رفیق برجسته ما در مقامات جدید وزارت دفاع تعیین گردیده اند. اکنون در مورد ضرورت اینکه با جرأت و شهامت کادرهای جدید را بیرون بکشیم و به آنها اعتماد کنیم و آنها را تحت آزمایش قرار بدهیم، صحبت می‌کنم. هرگاه در اجرای وظایف خود موفق باشند همیشه مورد اعتماد حزب و دولت خواهند بود. هر کسی که در يك پست و مقام با اهمیت قرار می‌گیرد، نمی‌توان تنها برایش تبریک گفت، بلکه باید برایش اعلام کرد که در قبول مسؤلیت جدید موفق و پیروز باشد.

مشی ما این است که جوانان را بیرون بکشیم و آنها را در آزمونگاه تجربه قرار بدهیم. رفیقی که در اجرای وظایف از بوته آزمایش موفق بیرون برآمده همیشه

مورد تقدیر و سپاس حزب و دولت و قوای مسلح ما خواهد بود. کسانی که از خود شایسته‌گی نشان ندهند، در برابر شان بر اساس پرنسیپ و اصول برخورد جدی صورت خواهد گرفت. (کف زدن ها)

رفقا، باز هم بالای وظایف میرم و سنگین خود صحبت می‌کنیم. ما راجع به اهمیت بزرگ جلب و احضار حرف زدیم. باید مقامات رهبری حزبی و دولتی، کمیسیون فوق‌العاده جلب و احضار و قوای مسلح هر چه زودتر راه‌های مؤثری را جستجو کنند تا بر اساس آن مدافعین انقلاب، قطعات نظامی قومی داوطلب، ملیشه‌های سرحدی و دیگر ارگان‌های مربوط به قوای مسلح به شمول سپاهیان انقلاب از لحاظ کمیت و کیفیت افزایش یابند. باید بتوانیم برای تحقق شعار « بسیج تمام قوت‌ها» از حرف وارد عمل زنده گردیم.

انقلاب خصوصیات کهنه را از بیخ و بن تغییر داده است. دشمن از خصوصیات دینی، مذهبی و عنعنه‌وی مردم سوء استفاده می‌کند. با وسایل ردیلا نه و وحشیانه، مردم را تهدید می‌نماید که برای خدمت نظامی حاضر نشوند و در سنگر دفاع از انقلاب و مردم قرار نگیرند. آیا با وجود همه اینها ما باید سکوت کنیم و در موضع خود آرام بمانیم؟ یا اینکه ما هم تبلیغ علیه تبلیغ دشمن را سخت نیرومند بسازیم. به طور عموم کار ما درین رشته ضعیف است. تبلیغ قوانین از لحاظ جلب و احضار و مکلفیت عمومی عسکری اصلاً کمتر به گوش و چشم می‌خورد. در مورد این مسایل بیندیشید. ما از تمام مقامات قدرت قضایی و عدلی خود جداً می‌خواهیم که باید سر از فردا به تبلیغ و ترویج قوانین کشور در مورد جلب و احضار به زبان مردم آغاز کنند. تا وقتی مردم کشور شعور و درک قانونی را حاصل نکنند هیچگاه موفق شده نمی‌توانند که وظایف سنگین خود را انجام دهند.

رفقا!

من جداً خواهش می‌کنم که باید برخورد تان و بخصوص برخورد اولی تان در برابر سربازان جدیدالورود فوق‌العاده دلسوزانه، برادرانه انسانی و بر اساس اخلاق پیشاهنگ طبقه کارگر و خدمتگزار مردم و خلق تنظیم شود. اولین انتباه شما به سرباز جدیدالورود باید درس وفاداری و فداکاری باشد و تبلیغ درست صورت گیرد. اگر برخورد و تبلیغ درست صورت گیرد، اگر سازماندهی درست سیاسی به عمل آید حتی اگر اجنت‌های باندها نیز داخل قوای مسلح گردند می‌توان

وجدان‌های آنان را تغییر داد و آنان را به حزب، انقلاب و وطن معتقد ساخت. نمونه این برخورد در تجربه بعد از انقلاب اکتوبر در تجربه مبارزه با ضد انقلاب، در جنگ داخلی حتی در جنگ کبیر میهنی مردم شوروی فراوان موجود است. لذا رفقا برخورد تان در برابر سربازان جدیدالورود باید درست باشد. باید مرکز تجمع ایجاد کرد. کمیسارها جداً مسؤولیت‌های شان را در نظر بگیرند. نماینده‌گان قوای مسلح، حزب و دولت باید یکجا باهم شرایط بهتر سازماندهی را برای سربازان جدیدالورود تهیه کنند. اگر هم انتقال شان از ولایات و محلات سریعتر صورت نمی‌گیرد، باید فوراً در همان محل در همان مناطق مراکز تعلیم و تربیه ایجاد شود. اگر شما موفق شوید که تنها و تنها جمع نظام را به آنها یاد بدهید، آنها خود به خود زیر اتموسفیر دسپلین نظامی قرار می‌گیرند و به قوای مسلح افغانستان صادق و وفادار می‌گردند و بخصوص اگر با این اقدامات تبلیغ و ترویج نیز توأم گردد. این عناصر می‌توانند سربازان جدیدالورود را به سپاهیان فدا کار و جنگنده در صفوف قوای مسلح مبدل سازند.

يك مسأله دگر رفقا! لنین می‌گوید که فرد بی‌سواد به درد سیاست نمی‌خورد. تعداد زیادی از قوای مسلح ما را اعضای حزب می‌سازد و همچنین غیرحزبی‌های وطنپرست هستند که آنها هم عناصر باسواد اند. اگر در هر بلوک و هر تولی به صورت کتله وی سوادآموزی تعقیب گردد و شعور سیاسی سربازان ارتقا یابد، زهی سعادت. لیکن روی وظیفه هرگاه اعضای حزب و روشنفکران وطنپرست نظامی غیرحزبی تا پنج نفر سرباز، یعنی فرزندان کارگران و زحمتکشان را سواد بیاموزانند، تعداد آنان مجموعاً به صدها هزار نفر می‌رسد. من از شما سوال می‌کنم که آیا این کار عملی است، یا مثلاً به شرایط ذهنی و عینی تعلق دارد؟ آیا می‌توان درین زمینه بهانه تراشی کرد؟ این کار فقط به اراده شما، به احساس شما، به احساس مسؤولیت و دلسوزی شما در قبال فرزندان وطن و کشور تان تعلق می‌گیرد. شما می‌توانید منحصراً نمونه، چنین مبارزه علیه بی‌سوادی را توأم با جنگ مسلحانه علیه باندیتیزم به حیث يك جبهه پهلویی و جنبی به پیش ببرید. هدف من از تمام قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان است. در آن صورت این خود موجب تقویه دسپلین، ارتقای شعور سیاسی و نظامی سربازان می‌شود. راجع به تقویه کار سیاسی، من بیش از سه و نیم ساعت در زیر سقف همین تالار با کارمندان سیاسی مفصلاً حرف زدم و ریاست امورسیاسی باید به تمام رفقا قوماندانان ما يك کاپی

آنها بسپارد. من راجع به امور سیاسی بسیار حرف نمی‌زنم چون قبلاً به تفصیل صحبت صورت گرفته است. لیکن آنچه را می‌خواهم تأکید بکنم اینست که برای ارتقای شعور سیاسی، طبقاتی و جنگی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان تنها و تنها کارکنان سیاسی مسئولیت ندارند، قوماندانانهای قطعات و جزواتام‌های متوسط، کوچک و بزرگ نیز مسئولیت را به دوش دارند. در حال حاضر قوماندانانها شانه خالی می‌کنند و می‌گویند خوب این وظیفه منشی‌ها است. نخیر رفقا! در پهلوی وظایف نظامی دوش به دوش با معاونان سیاسی و دیگر معاونان و همکاران و صفوف قوای مسلح وظیفه قوماندانانهاست که در راه ارتقای سطح شعور سیاسی، طبقاتی و نظامی قوای مسلح افغانستان سعی و مجاهدت نمایند. من می‌خواستم بر همین نکته تأکید بخصوص کنم.

خوب رفقا! جان مسأله در چیست؟ ما شعار دادیم و در فاز نو و در بهبود کار تثبیت کردیم که وحدت اصولی و ارگانیک حزب بدون استقرار دسپلین ناممکن است. یعنی دسپلین حزبی و دسپلین دولتی باید در قوای مسلح ما مستقر شود. وحدت و دسپلین از هم جدایی ناپذیر است، بدون این وحدت، هیچ يك از تزه‌های که در اینجا بیان کردم عملی نخواهد شد. این کلید همه قفل‌هاست. راجع به وحدت فراوان صحبت صورت گرفته است، لیکن اکنون هر حرف ما در زمینه اینست تا اصل وحدت به صورت یک نیروی مادی در عمل پیاده شود. درباره وحدت بر اساس تحلیل فاز جدید در جایش از لحاظ موضع حزب باز هم صحبت می‌کنیم. هدف من از وحدت، وحدت ارگانیک با دسپلین آهنین نظامی در قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، در قوای مسلحی که نیرومندترین ضامن پیروزی انقلاب ما و نیرومندترین ضامن دفاع از خاک مقدس ماست، از وطن ماست، از مردم ماست، از انقلاب ماست، می‌باشد. می‌خواهم بگویم که بعد از این وحدت شکن! به هر غاری که فرو روی، در زیر زمین یا در آسمان از سرو پایت گرفته خواهد شد. اگر در برابر وحدت قوای مسلح ما در زمانی که هزاران فرزند ما قربانی و شهید می‌شوند، قرار بگیری و فراموش کنی که مردم ما در چه آلام زنده‌گی می‌کند، کودکان ما، مادران ما، خواهران ما و پدران ما در چه حالی به سر می‌برند، نجات نخواهی یافت. باز هم چه می‌خواهی؟ دیگر چه می‌خواهی؟ با صراحت می‌گویم که دیگر هیچ قدرت شیطانی در کره زمین نیست که باز آن فاجعه تراژیک را بر حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحمیل کند. (کف زدن‌های ممتد با هوراها) چرا من با اطمینان و از

موضع چنین نیرومندی حرف میزنم؟ برای اینکه نخست کارهای اساسی در زمین وحدت صورت گرفته و ایدیولوژی ما دگر کاملاً مشخص است. سرنوشت خلق ما با سرنوشت خلق اتحاد شوروی به سختی فولاد آبدیده شده چنان باهم پیوند یافته است که هیچ قدرتی در جهان این دو برادر را از هم جدا کرده نمی‌تواند (کف زند ها). این است منبع نیروی ما، ازین روست که ما از موضع ایمان و اطمینان با غرش توفانی اعلام می‌داریم که دگر امکان ندارد و اجازه نمی‌دهیم که به این نام و آن نام منسوخ و زده شده تاریخ، وحدت فشرده حزب ما، وحدت پیشاهنگ خلق ما را برهم زنند (هوراها)

رفقا!!

ایدیولوژی ما یکی است، مشی سیاسی ما یکی است، برنامه عمل ما یکی، کنگره پرافتخار تاریخ ساز اول ما یکی است و سازمان ما یکی و رهبری ما متحد است. باید در مورد کسانی که در هر گوشه و کنار حزب چون خفاشان به تاریکی پناه می‌برند و در تاریکی حرف می‌زنند سؤالیه یی بزرگ قرار داد که آیا فرزندان این وطن اند یا دشمن این وطن؟ حتی نمی‌توان نام پرافتخار افغان را بالای چنین اشخاص گذاشت. بنابراین دگر نباید برای يك لمحہ مجال داد که در داخل قوای مسلح ما محفل بازی، فرکسیون بازی، گروپ بازی، این و آن بازی، سمتگیری و دگر امراض و انحرافات و جود داشته باشد. باید دسپلین آهنین نظامی اردوی ما، قوای مسلح ما، سنگر به سنگر به طرف پیروزی به پیش برود. اینست فیصله بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و اراده حزب ما. خوب، راجع به وحدت تذکراتی دادم. قوای مسلح حتی تا سال‌های قابل ملاحظه‌یی قدرت تعیین کننده سرنوشت انقلاب و مردم ما خواهد بود. راجع به اهمیت هیأت اداری و سیاسی قوای مسلح در اردو و خاندوی هم می‌توان زیاد گفت. لیکن باید هیأت رهبری وزارت دفاع و وزارت داخله ما توجه شب و روز خود را متوجه تعلیم و تربیت سربازان و کادرهای افسری در زمینه‌های جنگی، تخنیکی و تکنیکی بنمایند. تاکنون درین زمینه برخورد بسیار ضعیف صورت گرفته است.

در اینجا باید سربازان در چارچوب يك پروگرام خاص تحت تعلیم قرار بگیرند. ما در همان سیستم کهنه می‌دیدیم که یکنوع نظم در تعلیم و تربیه وجود داشت، علی‌الوصف اینکه ما مشاوران و استادان مجرب داریم، اما مثل اینکه تصمیم گرفته



ایم که تعلیم و تربیه را ارتقا بخشیم. در تعلیم و تربیه باید تمام اشکال و انواع وظایف تعلیمی و تربیتی در نظر گرفته شود. مسلط شدن بر سلاح امر درجه اول می‌باشد. یعنی باید بالای انواع سلاح‌های پیاده، توپچی و هوایی مسلط شد و یاد گرفت جنگی در کوه، دره، کوهستان و صحراها به چه صورت پیش برده می‌شود. پراتیک در اراضی می‌تواند ما را آموزش جدی نظامی بدهد، نه محوطه بسیار محدود داخل گارنیزون. البته تا جای ممکن باید مسایل امنیتی در نظر گرفته شود. ما باید تجاربی را که در پراتیک زنده‌گی و در خود جنگ‌ها به دست می‌آوریم، ارزیابی و مطالعه کنیم، به دگران انتقال دهیم، تجارب مجموع کسانی را که در جبهه جنگ شرکت می‌کنند. جمع‌بندی نماییم و تعلیم و تربیت خود را از پراتیک جنگی استخراج کنیم. چنانچه بیشتر اظهار کردم، مسأله جمع نظام، مسأله سوق و اداره صنوف مختلف و پیدا کردن تاکتیک‌های درست جنگی همه، هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ پراتیک، مسایل مربوط به تعلیم و تربیه است. باید درس‌های شبانه جدی تعقیب شود.

ولادیمیر ایلیچ لنین درین عرصه بر تشکیل نیرومند قوای منظم مسلح قشون سرخ تأکید می‌ورزید. بدون یک قشون منظم، دفاع از انقلاب، تمامیت ارضی و استقلال کشور در شرایط معاصر جهان که روحیه جنگ طلبی امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا به طور وحشتناک کسب شدت کرده است و پایگاه‌های ضد جنبش‌های انقلابی را در هر جا، به شمول جنوب آسیا ایجاد کرده است، ناممکن خواهد بود. ما باید دارای اردوی منظم بر اساس اصول اردوهای انقلابی جهان باشیم. لیکن ما هر روز مواجه با جنگ خاصی هستیم که به نام باندیتیزم یاد می‌شود. باید هرچه بیشتر شیوه جنگ‌های پارتیزانی، گوریلابی و کوماندویی را تعقیب کرد. البته نیروهای ارتجاعی که به چنین تاکتیک‌ها دست می‌زنند، عمل آنها به صورت باندیتیزم، کانگستریزم، یا به شکل باسماچی‌ها در آسیای میانه در زمان انقلاب اکتوبر، به صورتی وحشیانه تبارز می‌نماید. به این خاطر است که من از هیأت رهبری قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان تقاضا می‌نمایم که راجع به نوین جنگی در فاز جدید نه تنها بیندیشند، بلکه هرچه زودتر پلان آنرا بر اساس تجارب شش ساله تنظیم نمایند. ما در برابر جنگ باندیتیزم که به شکل قطاع‌الطریقی در افغانستان جریان دارد و به وسیله باندیت‌ها و مزدوران امریکایی که آدمکشان حرفه‌وی هستند، عملی می‌گردد، مواجه هستیم. آنها اشکال و انواع

مختلف سبوتاژ و انفجارات، تخریب ده‌ها، قریه‌ها و شهرها و شیوه‌های ترور و جنگ را در ده‌ها، کوهستان‌ها، در دره‌ها و صحراها می‌آموزند.

چند نکته مشخص در باره څارندوی: درین شك نیست که تا مرحله نوین انقلاب ثور وزارت داخله و څارندوی اصلاً به نام وجود داشت. امین نا امین آنرا واژگون کرده و مبدل به يك جلاد خانه ساخته بود. لیکن بعد از آن څارندوی ما از لحاظ کمیت و کیفیت رشد یافت. فهرست کارهای مثبت څارندوی نزد ما موجود است. ما آنرا قدر می‌کنیم و رشد و انکشاف می‌دهیم. ولی رفقا نقطه مرگ و زنده‌گی به طور عموم در قوای مسلح ما چیست؟ شعار ما اینست: حزب همه چیز است. هیچ واحدی از قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان نمی‌تواند، و ما هرگز اجازه نخواهیم داد که دور از حزب بیندیشد و یا خودسرانه عمل کند. بیروی سیاسی جداً این مسأله را تحت مطالعه خود قرار داده است و به آن عمل خواهد کرد که قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان مستقیم تحت رهبری حزب، کمیته مرکزی آن و در فاصله‌ها، بیروی سیاسی آن بیندیشید، عمل کند و اجرای وظیفه نماید. (کف زدن ها).

رفقا آن طوری که قانونمندی طبقات و مبارزات طبقاتی است و آن سان که کشف داهیان و خلاق بانیان ایدیولوژی طبقه کارگر که لنین آنرا رشد و تکامل داد و تجارب کشورها و تجربه کشور ما نشان می‌دهد، هرگاه قوای مسلح به دست ارتجاع و طبقات حاکم ستمگر و استعمارگر بیفتند، علیه خلق افغانستان استعمال می‌شود و اگر تحت اراده کیف‌مایشا و فعال‌مایشای افراد قرار بگیرد نیز ضد خلق، ضد حزب، ضد دولت، ضد انقلاب و حتی ضد وطن و استقلال کشور استعمال می‌شود. به کسانی که آگاهانه و ناآگاهانه، شعوری یا غیرشعوری نمی‌خواهند این مسأله را درک کنند اخطار می‌دهم که باید درک کنند. (کف زدن ها) هرگاه قوای مسلح که چون شمشیر برانی است علیه طبقات مرتجع و منسوخ تاریخی بخصوص در زمان انقلاب که جنگی طبقاتی کسب شدت می‌کند و حاد می‌شود، به دست حزب باشد، نمی‌تواند علیه انقلاب، علیه مردم و استقلال کشور و علیه وحدت و دسپلین حزبی و دولتی ما قدعلم کند.

رفقا!

بر ارتقای سطح مسؤولیت قرارگاه‌های زون‌ها، ولایات، ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها تأکید می‌نمایم. بیروی سیاسی کمیته مرکزی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان در زمینه بهبود فعالیت قرارگاه‌ها در رابطه با توسعه و تحکیم قدرت دولتی در محلات مساعی مشترکی را سازمان داده اند. این موضوع به صورت موجز نشان می‌دهد که بیروی سیاسی و شورای وزیران ما درین زمینه وظایف خود را درک کرده اند. اما هنوز پراکنده گی و ضعف در کار، عدم هماهنگی میان ارگان‌های حزبی و دولتی و جزوات‌های قوای مسلح، ضعف در پیشبرد کار سیاسی، تبلیغی و ترویجی میان اهالی، پایین بودن سطح دسپلین اجراییه‌وی و عدم بازپرسی جدی از کادرهای رهبری درین عرصه موجود است. آمرین زون‌ها، قرارگاه‌های ولایات، ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها تا هنوز قاطعانه علیه محل پرستی، گروه بندی، فراقسیون بازی مبارزه نکرده اند، بسیاری از تصامیم و فیصله‌های آنها تحقق نمی‌پذیرد و به اشخاص مسؤول جزا داده نمی‌شود، به منظور هماهنگی کار ارگان‌های حزبی و دولتی و جزوات‌های قوای مسلح و عادی ساختن وضع در کشور، بیروی سیاسی و شورای وزیران تصویب می‌نمایند که پیشنهادهای کمیسیون کمیته مرکزی حزب، در رأس رفیق کشتمند در مورد تشکیل قرارگاه‌های زون‌ها جهت توسعه و تحکیم قدرت دولتی در محلات تأیید است. نماینده با صلاحیت کمیته مرکزی و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، آمرین زون‌ها، به حیث رؤسای قرارگاه‌های زون‌ها تعیین می‌گردد، بیشتر هدف من این نکته است. همچنان در قرارگاه‌های ولایات، والی‌ها، در قرارگاه‌های ولسوالی‌ها ولسوال‌ها، در قرارگاه‌های علاقهداری‌ها، علاقه دار به حیث رؤسای قرارگاه‌های مربوط تعیین اند. مسؤولین وزارتخانه‌ها و ارگان‌های حزبی و دولتی در محلات مؤظف اند با قرارگاه‌ها کمک همه جانبه بنمایند، تصامیم قرارگاه‌ها برای همه اشخاص بدون در نظر داشت موقعیت و مقام شان، بدون چون و چرا قابل اجرا می‌باشد. این هنوز آغاز کار است. بارها در بیروی سیاسی و شورای دفاع در هیأت رئیسه و کمیته اجرائیه شورای وزیران مطرح شده که ما چگونه انضباط کار، انضباط حزبی و دولتی را در محلات تأمین کنیم و براساس اصل سنترالیزم دموکراتیک در اوضاع و احوال موجود انقلاب، قاطعیت و برش را در کار به وجود بیاوریم. بعد از سه سال بحث و مذاکره سرانجام به این فورمول موافقه شد. پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان درباره ارتقای سطح صلاحیت و مسؤولیت قرارگاه‌ها تأکید نموده تصریح کرد که ثقلت و

سنگینی مسؤولیت در محلات، در زون‌ها و ولایات در وجود قرارگاه‌هاست. ترکیب این قرارگاه‌ها منحیث مجموع شامل والی‌ها، منشی کمیته حزبی، نماینده اردو، نماینده څارندوی، خاد و ارگان‌های دگری که اوضاع آن منطقه حکم نماید، می‌باشد.

وظایف قرارگاه‌ها يك کامپلکس وسیع است. مجتمعی از امور است. این با يك و دو و سه شمرده نمی‌شود. وظایف قرارگاه‌ها حکم می‌کند که حزبی‌ها و تمام نماینده‌گان وزارتخانه‌ها از قرارگاه اطاعت کنند. باید توجه کرد که در عین تأمین سنتر الیزم، رهبری دسته جمعی و کلکتیف است که مظهر دموکراسی داخل حزبی به شمار می‌رود. به این ترتیب یکی از وظایف مبرم قرارگاه عبارت از این است که امنیت را در منطقه شامل صلاحیت و مسؤولیت خویش تأمین کند، اول امنیت مردم را.

رفقا!

امروز خواست سوزان مردم ما از انقلاب، از حزب و دولت کدام است؟ فقط بالفعل مردم يك شعار دارد: تأمین حق زنده‌گی، حق زنده‌گی برای خانواده و فامیل، حق حفظ شرف، ناموس، اولاد، زن و فرزند. هرگاه ما به این خواست اولی و طبیعی مردم خود پاس مثبت ندهیم پس چرا انقلاب کرده ایم؟

حق مردم ما اینست که ما به آنها نزدیک شویم، به ده‌ها و قریه‌ها برویم، به علاقهداری‌ها و ولسوالی‌ها برویم، از شهرها به ده‌ها، شعار ما باید این باشد:

از شهرها به طرف ده‌ها! (کف زدن‌ها) عکس شعار مائوئیست‌های مرتد که میگفتند «از ده‌ها به طرف شهرها!» در شهر است که مراکز کار گریست، مراکز صنایع، روشنفکری و تجارت است و تا حدودی هم مصونیت. به این ترتیب ده‌های ما حقی بالای ما دارد، از شهر به ده باید رفت. اینست شعار فاز جدید ما. حل مسایل اقتصاد ملی در سراسر کشور، در هر ولایت و زون‌های تحت مسؤولیت از جمله مسائل اساسی است. ما باید بر اساس فیصله پلینوم دوازدهم، اقتصاد ملی را در عرصه‌های صنعت، زراعت، تجارت و غیره احیا کنیم. در سال آینده ما باید سیاست تعرضی احیای اقتصادی را به سرانجام برسانیم. در عرصه اقتصاد ملی، ما بخصوص به عرصه زراعت تأکید می‌کنیم. شما رفقا مسؤولین زون‌ها، منشی‌های کمیته‌های حزبی، والی‌ها مسؤولیت درجه اول دارید تا به کمک قوای مسلح و سازمان‌های اجتماعی در يك فضای هماهنگی و کوردیناسیون به طرف اصلاحات

ارضی و آب مارش کنید. این شعار جدی دگر ماست که برنامه عمل ما، پلینوم‌های کمیته مرکزی و فیصله‌های حزب به ما دستور می‌دهد.

در کنار رشد صنایع، باید تعقیب پروسه سریع و بدون شتاب، بدون ماجراجویی چپ و راست، بدون اپورتونیزم چپ و راست، جبهه اصلاحات ارضی و آب را پیش ببریم و در پهلوی بسط و توسعه سازمان‌های اجتماعی که پایگاه اجتماعی دولت، حزب و انقلاب ما را در میان مردم تشکیل می‌دهد و جبهه ملی پدروطن را که از طریق آن اکثریت توده‌های مردم ما در اداره دولت آزادانه شرکت می‌کنند، تقویت نماییم. ما باید دموکراسی واقعی، نه دموکراسی بورژوایی، را تحقق بخشیم که هزاران بار دموکراتیک‌تر از دموکراسی‌های غربی است. در پهلوی این کارها نکته بی‌ی که باید به آن توجه کرد و به موازات دگر وظایف، مسأله‌هایی که هم از لحاظ پرنسیپ و هم از جهت اصول مرامی و ایدیولوژیک ما و هم از لحاظ سیاسی و آزادی خلق‌ها اهمیت بس مهمی دارد، حل مسأله ملی و فرهنگ‌های ملی کشور است. در افغانستان در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک هنوز طبقه کارگر و دهقان زحمتکش و روشنفکران از تشکل لازم طبقاتی برخوردار نیستند ما به مفهوم جبهه ملی پدروطن افشار و طبقات مختلف اجتماعی را بسیج کرده ایم. درین مرحله تاریخی انقلاب یعنی مرحله انقلاب دموکراتیک و ملی از کارگر تا روحانی و وطنپرست حتی سران با اعتبار قبایل که وطنپرست باشند و از انقلاب ما تأیید و پشتیبانی کنند و در برابر تجاوزات رژیم نظامیگر پاکستان و علیه ارتجاع ایران برزند، هم درین جبهه ما شامل اند. اما، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی هم شامل این جبهه اند و ما باید جبهه دوستان را وسیعتر سازیم، تا دشمن را کوچک و محدود بسازیم و آنرا تجرید کنیم. ازین جهت ما مشی موجود انقلاب ملی و دموکراتیک را تدوین کردیم، درین مرحله انقلاب، این ستراتیژی و تاکتیک ماست، یعنی علم و فن رهبری توده‌ها در تحت رهبری طبقه کارگر با پیشاهنگی حزب طبقه کارگر. اگر این اصل دیالکتیکی را در تمام امور جنگی، انقلابی، سیاسی و دگر عرصه‌ها و در برخورد با مردم به کار بندیم و هرگاه این مسأله را از لحاظ تیوری انقلابی عمیقاً درک کنیم، می‌تواند برای ما قطب‌نمایی برای تمام مسایل باشد. لذا نباید فراموش کرد که اندیشه و فکر ما باید از موضع پرولتاریا یعنی طبقه کارگر جوان افغانستان باشد، در غیر آن ما در طرح مسایل به طرف انحراف اپورتونیزم راست یا به طرف انحراف اپورتونیزم چپ و رویونیوزم راست و یا

چپ کشانیده خواهیم شد. یکی از انحرافات، ناسیونالیزم است که این انحراف بسیار وحشتناک می‌باشد. لنین می‌گوید که ما می‌توانیم در يك جامعه بدون طبقات زنده‌گی کنیم، لیکن هنوز هم بقایای عادات خرده بورژوازی، در وجود ناسیونالیزم و زبان خود را تبارز می‌دهد. به این جهت باید ازین مسأله درك درست مارکسیستی - لنینیستی داشت در غیر آن مرتکب اشتباهات می‌شویم، بعض خرده گیری‌هایی که در حزب وجود دارد، وحدت حزب را تضعیف می‌کند و یکی از عوامل عمده آن فقر تیوری است. عدم درك و قضاوت از موضع طبقاتی پرولتاریاست، بدینگونه است که یا به طرف نشنلیزم پشتون می‌لغزیم یا به نشنلیزم تاجک، محلی پرستی ازبیک، ترکمن، هزاره، بلوچ، نورستانی، پشه‌یی و غیره و غیره، برای اینکه شما اعضای حزب به چنین انحرافات مواجه نشوید، باید بر علایق پرولتاریزم یعنی ولایتی خواهی از قبیل به اصطلاح قندهار بزرگ، پکتیای بزرگ، شمال و شرق یعنی پارچه پارچه کردن افغانستان غلبه نماییم و اگر به حیث يك انقلابی و يك وطنپرست بیندیشیم این مسایل حل می‌شود. لذا در برابر این امراض در داخل حزب باید مبارزه نمود و عمدتاً کسانی که در اطراف و ولایات مؤظف می‌شوند بخصوص در قرارگاه‌ها باید از لحاظ درك تیوری، از لحاظ فهم دقیق وظایف مجهز شوند، آنان باید تمام این حقایق را بفهمند در غیر آن مرتکب اشتباهات سهمگین در سرنوشت حزب و انقلاب ما می‌گردند. بدترین بلاى دگر ما ناسیونالیزم قبیله‌یی، ناسیونالیزم فیودالی است. این هم ناشی از شرایط کشور ماست. لذا رفقای مسؤول سه رکن قوای مسلح توجه کنند که عدم توازن بر اساس مصالح ملی وحدت خلق‌های افغانستان و برخورد نادرست در قوای مسلح ما موجود است که وقتاً فوقتاً مظاهر آن آشکار می‌گردد. درین قسمت وظیفه کارکنان سیاسی سه رکن قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان است که باید از لحاظ تیوری و ایدیولوژی برای وحدت و همبستگی اردوی ما و قوای مسلح ما کار پیگیرانه انجام دهند، این وحدت و همبستگی و دسپلین نمی‌تواند ابستراکت و مجرد صورت گیرد و تأمین گردد. اینها پایه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایدیولوژیکی دارند. لذا در شرایط انقلاب ملی و دموکراتیک یکی از وظایف قرارگاه‌ها برخورد درست به مسأله ملی، فرهنگ‌های ملی و زبان‌های کشورست. البته رهبری آگاهی دارد که تناسب نفوس در کشور چگونه است. ما تمام مسایل و مطلب را در نظر خواهیم گرفت. به این نسبت در آن زون‌ها بیشتر موفق خواهیم بود که برخورد درست در قبال مسأله ملی و فرهنگ‌ها با در نظر داشت مذهب، عنعنات و رسوم مردم همان منطقه صورت

گیرد، در غیر آن ما توده‌ها را در اطراف حزب، دولت و انقلاب نمی‌توانیم متشکل سازیم و سازمان دهیم و علیه دشمن آنها را بسیج کنیم. عدم توجه به این مسایل حزب، دولت و انقلاب را از مردم تجرید می‌کند و در نتیجه آن فاجعه تراژیک دوباره رخ خواهد داد. سعی شود از لحاظ سیاسی، از لحاظ حزبی و دولتی، از لحاظ سازمانی و اداره تناسب ترکیب ملیت‌ها در همه امور حزبی و دولتی تا حدود ممکن که کار اجازه می‌دهد، در نظر گرفته شود. در این صورت مردم به شما اعتماد خواهد کرد.

در اجلاس شورای انقلابی که عنقریب دایر خواهد شد، قانون با اهمیتی به نام قانون ارگان‌های محلی قدرت دولتی و اداره یا بهتر بگوییم حاکمیت خلق تکمیل و تصویب خواهد شد و این می‌تواند که برای قرارگاه‌های ما بهترین رهنمای عمل باشد، از آن هم باید استفاده کرد. وقتی که از دموکراسی واقعی و حاکمیت خلق سخن می‌گوییم واقعاً باید دموکراسی برای مردم را مستقر سازیم، حکومت‌های محلی را بر اساس اراده خود مردم در سطح ده، علاقه‌داری، ولسوالی و ولایت ایجاد کنیم تا بتوانیم در پایان بنابر اوضاع و احوال و شرایط به کمک شما رفقا لویه جرگه افغانستان را تأسیس کنیم و به جهان عملاً نشان دهیم که در شرایط دموکراسی مردمی، زحمتکشان از منافع اساسی انقلاب در برابر ارتجاع، امپریالیسم و هژمونیزم قاطعانه دفاع می‌کنند.

رفقا!

درباره کار در میان افشار و طبقات خلق تذکراتی داده ام که خطوط کلی آن در برنامه عمل و اسناد حزبی و دولتی ما علماً تدوین شده است. باز تکرار می‌کنم که حل مسأله ملی و فرهنگ‌های ملی بر اساس حقوق متساوی و برادرانه صرفاً با انفاذ قانون نه، بلکه به صورت واقعی با رشد پروسه انقلاب ملی و دموکراتیک امکان پذیر است.

رفقا!

همه این مطالب و وظایف را کدام نیرو باید انجام دهد؟ تمام این وظایف را که نکات مهم آن خاطر نشان گردید، صرفاً باید حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحقق بخشد. لذا حزب باید نیرومند شود و قادر باشد به نماینده‌گی و پیشاهنگ طبقه کارگر، خلق

و انقلاب را رهبری کند. فقط چنین حزبی است که می‌تواند این آرمان‌ها را تحقق بخشد. کدام حزب از کدام طراز؟ حزبی از طراز بلشویک‌ها، حزب طراز نوین لنینی، حزبی که سرنوشت جهان را از بیخ و بن دگرگون ساخت و در وجود انقلاب اکتوبر به آسمان‌ها یورش برد. در شرایط کشور ما چنین حزبی باید رشد و تکامل کند. ما چنین حزبی می‌خواهیم.

خوب رفقا! کلمه فاز نو همان گونه که در جلسات حزبی در باره آن مفصلاً صحبت نمودیم نباید هیچ‌گونه سوء تفاهمی را ایجاد کند. وقتی ما مرحله نوین انقلاب ثور می‌گوییم منطق کاملاً جداگانه‌ی دارد. مرحله نوین و تکاملی انقلاب پروسه واحد تکامل انقلاب ثور است. اما نباید که به شکوه انقلاب ثور، انقلاب رهایی‌بخش خلق افغانستان کم بها داده شود. انقلاب ثور به بهای خون بهترین فرزندان کشور ما به پیروزی رسیده است. (کف زدن‌ها) ما کسانی را که رهبران صادق حزب ما بودند و خوشبختانه زنده استند و اینجا تشریف دارند و یا سابقه داران حزبی خود را که در کنگره اول حزب ما حضور داشتند، هرگز فراموش نمی‌کنیم.

فاز نوین يك چرخش عظیم و قاطع است. فاز نوین مرحله بهبود و اصلاح اسلوب کار انقلابی حزبی و دولتی است. روش نوین انقلابی حزب و دولت است. محتوای فاز نوین، اصلاح بنیادی و اساسی حزب از بالا تا به پایین، از پایین تا به بالا در طول، عرض، عمق، همه جانبه و به طور بلا استثناست. به عباره دگر فاز جدید، انقلابی است در حیات حزبی و دولتی ما به خاطر به سرانجام رسانیدن پروسه انقلاب ملی و دموکراتیک و تأمین صلح و امنیت در داخل کشور. محتوای فاز نوین، تحکیم تقویت و نیرومندی وحدت حزب و تأمین و تعمیم دسپلین و انضباط آهنین حزب به سبک لنین می‌باشد که با تأکید می‌گفت اگر حزب بلشویک‌ها يك حزب یکپارچه و واحد نمی‌بود، فکر، اراده و عمل شان متحد و واحد نمی‌بود و دسپلین سرسخت و آهنین در حزب بلشویک‌ها وجود نمی‌داشت ما نمی‌توانستیم جامعه روس را دگرگون سازیم یا چهره جهان را از لحاظ شکل و مضمون برای ابد تغییر دهیم. اینست مفهوم فاز نوین. لذا در طرح‌ها و ترزا محتوای فاز نوین که در بیروی سیاسی مطرح شده و در جلسات دگر پیرامون آن صحبت شده مسأله بهبود زنده‌گی مردم ما و انقلاب و مسأله وحدت حزب و اینکه وحدت حزب بدون دسپلین آگاهانه امکان پذیر نیست، تنظیم و تدوین شده است. اجرای وظایف انقلابی در جهت هدف ستراتیژیک و حل مسایل اقتصاد و فرهنگ ملی و مسایل دگر مستلزم دسپلین است.



هدف، دسپلین میکانیکی مصنوعی، ایجاد اتوریته مصنوعی رهبران نیست. هدف از دسپلین کیش "شخصیت" نیست. ما بر اساس رهبری دسته جمعی و نورم‌ها و موازین اساسنامه، برنامه عمل و بر اساس اصول و احکام مارکسیستی لنینیستی در شرایط افغانستان عمل می‌کنیم. لنین می‌گفت که اطاعت از مرکز يك اصل عمده دسپلین و وحدت است. هر کسی که از مرکز حزبی اطاعت نمی‌کند باید به صورت قطع از حزب اخراج شود. اینست راه ما.

وظیفه جدی بیروی سیاسی است که در مورد انتخاب و تعیین کادرها توجه جدی و با مسئولیت بنماید. ما این نقیصه را از لحاظ نومنکلاتور باید رفع کنیم. ما باید به تمام رفقای حزبی، به نسل جوان حزبی و به کادرهای جوان حزبی ملکی و نظامی که بیش از شصت فیصد قوای مسلح را تشکیل می‌دهند توجه کنیم. مسؤلین حزبی ما باید با جرأت، بدون اینکه از استعدادها بترسند که مبادا مقام آنها را بگیرند. کادرهای خود را چه در عرصه ملکی و چه نظامی بیرون بکشند و حتی‌الوسع کوشش کنند که منشاء طبقاتی آنها را جداً در نظر بگیرند. ما باید فرزندان زحمتکشان، کارگران و پرولترهای ده را هرچه بیشتر مجال و فرصت کار و تعلیم و تحصیل بدهیم تا تمام دستگاه‌های حزبی و دولتی ما در مرکز و ولایات واقعاً از بیخ و بن کارگری و پرولتریزه شود. اینرا نباید سطحی گرفت.

راجع به مسأله کوردیناسیون و هماهنگی بحث کردیم که در فاز جدید بهبود کار، باید همکاری را جداً در نظر گرفت. باید یکی ممد و مکمل دگر باشد، باید اعتماد کرد. روح اعتماد را باید در حزب تقویه کرد. بدون اعتماد کسی حاضر به قربانی و فداکاری نیست. دیروز ما درین عرصه نواقصی داشتیم. در زمینه اعتماد و بیرون کشیدن کادرها ملاک‌های انحرافی داشتیم. بعد ازین چنین نباید باشد باید عینی بر اساس لیاقت، شایسته‌گی، وفاداری، کرکتر و بر اساس قدرت کار، اشخاص را برجسته سازیم و بالا بکشیم و حتی غیرحزبی‌ها را جلب کنیم.

مسأله جدی دگر اینکه تا کنون احساس مسؤولیت در حزب ما ضعیف بوده است فاز جدید حکم می‌کند که ما باید احساس مسؤولیت را ارتقا بخشیم، نه تنها احساس مسؤولیت، بلکه حس وظیفه شناسی وطنپرستانه انقلابی را در حزبی‌ها، غیرحزبی‌ها و در مردم ایجاد کنیم. آنچه بسیار مهم و جدی است مسأله‌یی است که

لنین بر آن تأکید می‌کرد: مسأله پاك و منزه نگهداشتن حزب از هرگونه عناصر نامطلوب و منحرف.

رفقا! آنچه که ما در آینده قدم به قدم آنرا تحقق خواهیم بخشید اینست که حزب را از عناصر نامطلوب، منحرف، فراكسیون باز، مقام پرست، خود خواه، جاه طلب، محفل باز و مخرب تصفیه کنیم، پاك سازیم و منزه نگهداریم (کف زدن ها). ما باید بر اساس اصول و موازین فاز جدید، استعداد و ابتکار را در تمام اعضای حزبی رشد دهیم و مجال و فرصت را برای شان فراهم سازیم. باید اعضای حزب با قبول مسؤلیت و با شجاعت و دلاوری ابتکار را چه در جبهه جنگ گرم و چه در جبهه اقتصاد، چه در سایر مسایل کشور، در خود رشد دهند. انسان بدون ابتکار يك پرزه ماشین بیجان، بی روح و میکانیکی است. ما باید سازماندهی کار را بهبود بخشیم، میتودها و اشکال نوین کار را فرا گیریم و کنترل و نظارت بر کسانی را که مسؤول اند، ارتقا بخشیم. وقتی ما می‌توانیم وظایف خود را تعقیب کنیم که به وقت و زمان از فیصله‌های خود و تطبیق آن کنترل و نظارت همیشه‌گی و پیگیر داشته باشیم. من به شکل موجز و فورمولبندی شده خاطر نشان می‌سازم که ارتقای سطح مطالبات، تقاضاها و کنترل از آن اهمیت درجه يك دارد. اگر ضعف و نواقص در کار وجود داشت، اجرا کننده باید متوجه ساخته شود. یکبار اخطار و جزاهای دگری که در اساسنامه پیشبینی شده است به آنها داده شود. هرگاه با وجود آگاهی، اهمال چندین بار تکرار شود، شخص مورد نظر باید از حزب و دولت اخراج شود.

رفقا! تمام پندار، گفتار و کردار اشخاص حزبی در هر مقامی که هستند با تمام خصوصیات و کرکتر آنها نزد مقامات موجود است. ما دگر به تکرار تجربه گذشته در کشور اجازه نمی‌دهیم. درین مورد میتود ما انسانی است، اصل تجدید تربیت و کمک به افراد است که در لجنزار سقوط نکنند. ما دست خود را به سوی آنها دراز می‌کنیم، سعی می‌کنیم که آنها را از لجنزار نجات دهیم. لیکن هرگاه بفهمیم که ما را هم به لجن می‌کشانند، دست خود را قطع می‌کنیم. اینست میتود در روش نوین انقلابی و جوهر فاز نوین در تکامل حزب طراز نوین لنینی.

اینکه ما در شرایط و اوضاع انقلاب و جنگ کوشش می‌کنیم با همه نیروها در مفاهمه باشیم ناشی از ضعف ما نیست، ناشی از قدرت ماست. باید علیه توطئه‌ها، ماجراجویی‌ها و تبلیغات سوء در داخل و خارج حزب مبارزه جدی صورت گیرد.

ما باید به حیث مهمترین مسأله فرا گیریم که چگونه با مردم درآمیزیم و با آنها پیوند حاصل کنیم، این امری جدی است. شعار ما بسیج همه نیروها در پیوند با خلق است. در فاز جدید غلبه بر تمام دشواری‌ها شعار ماست. ما با جرأت، شهامت و دلیری علیه مشکلات می‌رزمیم، به پیشواز دشواری‌ها، پرابلم‌ها و مشکلات می‌شتابیم (کف زدن‌ها). ما علیه هرگونه بهانه تراشی، تعلل و ضعف می‌رزمیم و به صورت استوار، با ثبات، بدون وقفه و پیگیر در کادر اصول بدون ماجراجویی، بدون جهش از مراحل تکامل، قدم به قدم با سرعت و سلامت به پیش می‌رویم. (کف زدن‌ها)

تحت درفش وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان رفقا به پا خیزید! (کف زدن‌های ممتد با هورا‌ها، همه به پا می‌خیزند)

رفقا! بگذار یکبار دگر آن طوری که در کنگره مؤسس و اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان گفتم، امروز بنابر اهمیت قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در این جلسه به پیشگاه رنج‌های خلق خود، به پیشگاه درفش ملی خود، به پیشگاه حزب خود، به پیشگاه محراب وطن، به پیشگاه رنج‌های بیکران خلق‌های ستمدیده افغانستان که شعار اولی حزب ما بوده، به مثابه انترناسیونالیست‌های واقعی، وطنپرستان پرشور انقلابی با شرف و وجدان خود تجدید پیمان و تعهد نماییم آنچه را که امروز گفته شد در شرایطی که درست و اصولی باشد و حتماً هست و بخصوص به خاطر وحدت حزب ما، به خاطر خون پاک شهدای جوان ما که درین راه قربان شده اند دگر خود را، قلب خود را، مغز خود را پاک بسازیم و به درفش وحدت حزب خود و با دوستی فناپذیر با اتحاد شوروی، یک بار دگر قسم یاد کنیم و تعهد بسپاریم و بگوییم قسم می‌خوریم و تعهد می‌سپاریم! (قسم می‌خوریم و تعهد می‌سپاریم!). در اخیر با توصیه‌های لنین صحبت امروز خود را خاتمه می‌بخشیم که می‌آموخت:

«حزب تنها در شرایطی می‌تواند نقش پیشاهنگی را ایفا نماید که با وحدت اراده و عمل وجدی‌ترین و سخت‌ترین دسپلین حزبی جوش خورده باشد.»

رفقا!

حزب در پیوند با خلق، عقل، افتخار و شرف انقلابی ماست، رفقا باید سرمشق

کارهای ما در فاز جدید بدون کوچک ترین تردید، راه نجاتبخش و اصول والای  
لنینی باشد.

رفقا! در راه لنین، در راه میتود و اسلوب انقلابی لنینی در کشور انقلابی ما  
جمهوری دموکراتیک افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان،  
بی امان، بی ترس، و بی هراس به پیش ما باید تمام باندها را در کشور خود محو و  
نابود سازیم، شعار و فرمان انقلابی ما تعرض به پیش است! (کف زدن های پرشور  
با هوراها)

## دهقانان زحمتکش نیمه کار وطن، با عشق به افغانستان نوین و آباد کار و تلاش می کنند

هموطنان، برادران، دهقانان زحمتکش پخته کار وطن!

جای بس خرسندی است که برای نخستین بار در کشور بخصوص بعد از انقلاب ثور در مرحله نوین آن، جرگه با اهمیت دهقانان پخته کار وطن تشکیل گردیده است.

به این جهت به شما هموطنان زحمتکش به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و از طرف خود از صمیم قلب شاد باش می گویم. تشکیل جرگه ها که از زحمتکشان کشور نمایندگی می کند برای رشد و تکامل آینده کشور و انقلاب ما و ساختمان افغانستان نوین اهمیت به سزایی دارد. بیایید از مسایل متعدد، در موضوع عمده را مطرح بحث قرار دهیم یکی آن نان یا روزی است، دیگری لباس. شما دهقانان زحمتکش همیشه در سیر تاریخ جوامع بشری مردم را، از لحاظ نان و پوشاک و دگر احتیاجات تأمین کرده اید.

نقش دهقانان در تولید مواد غذایی موضوعی است که در جلسات دگر با نمایندگان دهقانان و مستقیماً با دهقانان زحمتکش کشور مطرح بحث قرار گرفته و قرار خواهد گرفت.

در مسیر تاریخ چندین هزار ساله کشور ما این دهقانان زحمتکش بوده اند که در کنار تولید مواد غذایی برای مردم پوشاک و لباس را نیز تأمین نموده اند.

یعنی با کشت و تولید پخته یا پنبه که آنرا طلای سفید می نامند دهقانان ما در طول صدها و هزاران سال زحمت کشیده اند و فنون مختلف پخته کاری را فرا گرفته اند. زمانی کشور ما یکی از مراکز پخته کاری در جهان بوده است. البته در سال‌های گذشته پخته با وسایل تولید بسیار ابتدایی با زحمت زیاد با مشکلات و دشواری‌های فراوانی به دست می آمد و همچنان محصول پخته خام که از آن تار می تنیدند به واسطه دستگاه‌های ابتدایی مبدل به پارچه برای لباس می‌شد. اقشار و طبقات اقلیت ستمگر، جبار، ظالم و استثمارگر سهم بزرگی محصول رنج دهقانان پخته کار ما را می‌چاپیدند. با پیروزی انقلاب ثور تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اراده شما مردم افغانستان و با نیروی اردوی آزادی‌بخش افغانستان، نظام منسوخ و جبار کهن از بیخ و بن برداشته شد و زندهگی نوین در افغانستان آغاز گردید. با آغاز مرحله نوین انقلاب ثور راه رشد و تکامل عمومی کشور هموار گردید. باید تذکر داد که بنابر ادامه جنگ اعلان ناشده و خرابکاری باندیت‌ها یعنی به زبان ما و شما جنگ قطاع‌الطریقی و کشت و کشتار از طرف مزدوران ارتجاع منطقه، امپریالیزم امریکا و هژمونیزم توسعه طلب چین، هنوز به تحقق آرمان‌های انقلاب ثور و پروگرام و مرامنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان نایل نیامده ایم و هنوز دشواری‌ها و مشکلات فراوان در برابر ما قرار دارد. ولی ایمان راسخ داریم که بر اساس اراده آهنین شما برادران و پدران و جوانان می توان بر تمام دشواری‌ها و مشکلات غلبه حاصل کرد. بیایید يك نگاه مختصر و کوتاه به گذشته مراحل کشت و تولید در کشور خود ببندازیم که چگونه پخته‌کاران زحمتکش ما در تحت ستم و استثمار متنفذین بزرگ، زمینداران بزرگ، تاجران بزرگ، مامورین عالی‌رتبه بزرگی و خاندان ملعون سلطنتی قرار داشتند. این مسأله دردناک را شما بهتر از من با پوست و گوشت خود، خانواده و فرزندان تان بیشتر و بهتر و عمیق تر درك و تشخیص کرده اید. قطعاً كوچك زمین پخته‌کاری که به دهقانان کم زمین تعلق داشت به هیچ وجه نمی‌توانست تأمین زندهگی شان را بنماید.

در پهلوی اینها میلیون‌ها دهقان بی زمین، مزدوران زراعتی و همچنان اقشار متوسط دهقانی وجود داشتند که همه تحت ستم و استثمار يك مشت اقلیت طبقات حاکم وقت قرار گرفته بودند و به اشکال مختلف استثمار می شدند. شما به خاطر خواهید داشت که ما در ولسی جرگه آنوقت به نمایندهگی از حزب دموکراتیک خلق

افغانستان فریاد خلق مظلوم افغانستان را منجمله در زمینه حل عادلانه مسأله دهقانی و ارضی بلند می‌ساختیم. هدف ما از حل مسأله دهقانی و ارضی چه بود؟ شعار اساسی ما این بود:

«زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند» این یکی از آرمان‌های بزرگ حزب ما یعنی حزب فرزندان شما، حزب خدمتگزار شما یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و آرمان حکومت و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، یعنی دولت شما می‌باشد، ما این تصمیم را بی هراس و با شجاعت علی‌الرغم تمام مقاومت جباران، ظالمان، ستمگران، مرتجعان، استثمارگران و امپریالیست‌ها تحقق می‌بخشیم.

خوب هموطنان!

باید مشخص ساخت که در اوضاع و احوال کنونی یا در مرحله کنونی هیچگاه حزب و دولت مخالف ملکیت بر زمین نبوده و نیست. باید در برابر تبلیغات دروغین دشمنان جدا مقاومت کرد و آنرا رد نمود. دهقانانی که تا سی جریب زمین درجه اول داشته باشند از حمایت حزب و دولت برخوردار اند. من در جرگه شخصیت‌های ملی و اجتماعی و سران اقوام، قبایل و ملیت‌ها که در کابل دایر شده بود و بعضی زمینداران بزرگ سابق نیز در آن شرکت داشتند این سؤال را مطرح کردم که آیا برای يك خانواده که دارای فرزندان زیادی باشد سی جریب زمین درجه اول می‌تواند زنده‌گی او را تأمین کند؟ همه هورا کشیدند و به اتفاق گفتند که بلی.

در کدام شریعت، در کدام قانون دینی و دنیوی آمده است که اقلیتی به قیمت رنج و زحمت مردم، در قصرها و کاخ‌های پرشکوه و باغ‌های بزرگی زنده‌گی کنند که آنرا از اثر سوءاستفاده خود یا پدران خود، یا با ظلم و ستم و یا غصب مال یا با رشوه و سودخوری به دست آورده اند؟ آنان این ملکیت را از کجا به دست آورده اند؟ آیا در پهلوی آنان میلیون‌ها هموطن ما بارتنج و شکنجه زنده‌گی نکرده اند؟ آیا این عدالت است؟ بر عکس آیا این عدالت نیست که همه مردم بتوانند از لحاظ نان، آزادی، زنده‌گی، خوراک، پوشاک، منزل، صحت، مکتب، سرک، برق و غیره و غیره تأمین باشند؟ این است عدالت در جامعه. پس ما در راه عدالت همراه با شما یک جا سنگر به سنگر علیه دشمنان عدالت برای تأمین عدالت در کشور می‌رزمیم. ما و شما امروز با صراحت لهجه و آشکار صحبت می‌کنیم. چرا ما با هم ساده

حرف نزنیم؟ ما همه حقایق را به پیشگاه شما می‌گذاریم. طبق گزارش‌ها که به من در این دو روز رسیده است شما تمام شکایات و مشکلات تان را مطرح ساختید و من هم در صف شما قرار دارم.

خوب هموطنان!

بر اساس تراکم صدها سال رنج و بدبختی مردم، انقلاب ثور به پیروزی رسید. اهداف انقلاب برای شما معلوم است اگر کسی به اهداف انقلاب ثور مخالف است می‌تواند با صراحت لهجه اینجا حرف بزند. من به شما اطمینان می‌دهم که حتی به يك مویس هم خیانت نخواهد شد. فقط يك مسأله را باید در نظر داشته باشیم که ما بین خود همه مسایل را مطرح ساخته می‌توانیم. لیکن با دشمنان افغانستان با دشمنان مردم افغانستان با دشمنان انقلاب افغانستان و نیروهای امپریالیستی، مرتجعان پاکستان و ایران نمی‌توان در چنین فضایی صحبت کرد. ما افغان‌ها همه مسایل خود را بین خود حل و فصل می‌کنیم. ما هرگز به هیچ نیرویی اجازه مداخله در امور داخلی کشور خود را نمی‌دهیم. ما و شما از دولت و حزب تقاضاهایی داریم. این تقاضاها را من یادداشت کرده‌ام باز تکراراً تقاضاهای شما را یعنی تقاضاهای ما و شما را مطرح می‌سازم. آیا تقاضایی که ما از دولت می‌کنیم باید مطابق به توانایی و امکانات دولت باشد یا نه؟

در اوضاع و احوال انقلابی زمانی که در افغانستان جنگ اعلان نشده ادامه دارد باندیت‌ها، زده‌ها، قطاع‌الطریق‌ها و آدمکشان در هرجا موانع ایجاد می‌کنند، تخریب و سبوتاژ می‌کنند. حکومت نظامیگر پاکستان، ارتجاع ایران، توسعه طلبان چین و امپریالیزم امریکا در امور کشور ما مداخله و تجاوز می‌کنند و به واسطه مزدوران خود مستقیم و غیرمستقیم در برابر انقلاب و پیشرفت مردم ما موانع ایجاد می‌کنند. ما مجبوریم با آن مقابله کنیم. در این صورت ما باید امکانات دولت را در نظر بگیریم. من در صف شماستم ما چقدر مالیه زمین را به دولت پرداخته ایم. حالا ما از دولت می‌خواهیم که به ما کمک کند. ما باید به دولت چیزی بدهیم که تا دولت به ما کمک کرده بتواند. باید به دولت کمک کرد تا دولت برق بیاورد، برای ما سرک بسازد. زمین‌های ما را تحت آبیاری در آورد، بندها و انهار اعمار کند و خدماتی نظیر آن. باید از اتحاد شوروی دوست و برادر خود سیاست‌گزار باشیم، که برای رفع این دشواری تا کنون معادل میلیاردها افغانی به ما کمک کرده است. ما



باید از کمک‌های اتحاد شوروی که بی‌غل و غش و بی‌شایبه است و هیچ غرضی در آن نهفته نیست استفاده درست و اعظمی‌کنیم. ما از دهقانان پخته کار سؤال می‌کنیم که از کمک‌های اتحاد شوروی تا چه اندازه استفاده کرده‌اند؟ معلوم می‌شود که همه ازین کمک‌ها مستفید گردیده‌اند ولی برادران، کمک‌های اتحاد شوروی حدی دارد. امروز اتحاد شوروی در برابر بزرگترین قدرت‌های جنگ طلب که می‌خواهند به واسطه بم‌های ذره‌وی جهان را زیر سلطه خود در آورند مجبور است که از صلح و سعادت و آرامش بشریت دفاع کند. در عین زمان اتحاد شوروی کشور‌های عقب‌مانده و کم‌رشد را نیز کمک می‌کند و از جمله به ما هم معادل میلیارد‌ها افغانی کمک کرده است. شما می‌دانید که دو روز قبل سی و مین سالگرد عقد نخستین موافقتنامه همکاری اقتصادی - تخیکی افغان شوروی تجلیل شد.

شما خبر دارید که در این روزها قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی تصویب می‌شود. به این ترتیب مردم سهم بیشتری در اداره دولت می‌گیرند. اکنون هم حکومت و دولت محصول اراده شماست و در راه سعادت شما می‌رزد. خدمتگار شماست و باید باشد. اما مهمترین کاری که در برابر همه ما قرار دارد اینست که صلح و امنیت را در کشور تأمین کنیم. به این جهت باید مردم نیروهای مدافعه خودی و دگر نیروهای مسلح را در ده‌های خود تشکیل بدهند. زمانی که در يك قریه اشرار می‌آیند باید علیه آنان مبارزه کرد و این مبارزه را با امکانات دست داشته باید به پیش برد و بر دشمن غلبه کرد. زیرا مردم همان طوری که زمین خود را خوب می‌شناسند، اشرار را در محل خود نیز خوب می‌شناسند. مردم می‌توانند گروهی را از بین خود به حیث مدافعین خودی تشکیل بدهند و از زمین، مزرعه، محصول، زنده‌گی، حیثیت و شرف خود دفاع کنند. این کمک هم به وطن، هم به انقلاب و هم به دولت است.

حال درباره اصلاحات ارضی و آب صحبت می‌کنیم، ببینیم که اصلاحات ارضی و آب چگونه باید تحقق پیدا کند. این امر باید به کمک خود شما، براساس اراده خود شما به اشتراك خود شما یعنی به اشتراك دهقانان به کمک دهقانان به اراده دهقانان شریف و زحمتکش افغانستان انجام پذیرد. شما باید در يك دست سلاح و در دست دگر بیل، اصلاحات ارضی را تطبیق و از آن دفاع نمایید. و اکثر کارها را مشترکاً حل کنید. اصلاحات دموکراتیک ارضی باید با در نظر داشت شرایط خاص هر محل

و رسوم و عنعنات کشور ما صورت گیرد و خود دهقانان از طریق شوراهای دهقانان قریه در اجرای آن سهیم گردند.

از جانب دگر من امیدوارم که مسؤولین حزبی و دولتی مطالباتی را که در این زمینه از دهقانان دارند تدوین و تصنیف کنند و آنرا به سمع مردم برسانند. کمک آنها را جلب نموده به اثبات برسانند که اصلاحات دموکراتیک ارضی به نفع خود دهقانان است. هموطنان ما که از بغلان، کندز و تخار درین جا تشریف دارند؛ مخصوصاً می‌دانند که قبلاً در کشور ما تقسیم کار بین صنایع و زراعت به شکل ابتدایی بود. دهقانان ما با تحمل زحمات فراوان با ریختن عرق و به قیمت آبله دست، حاصل ناچیزی به دست می‌آوردند و بر علاوه، مورد غارت بی‌رحمانه ملاکان بزرگ قرار می‌گرفتند، و به عقد قراردادهای جبری کشانیده می‌شدند. چپاول گران، فیودالی که با سرمایه داران بزرگ و انحصارات امپریالیستی شریک بودند، پخته خام را به قیمت بسیار نازل فی سیر سی الی چهل افغانی خریداری می‌کردند و آنرا به قیمت بلندتر در خارج کشور به فروش می‌رسانیدند. بعد فابریکه‌های جن و پرس و نساجی به وجود آمد و عصری شد که در نتیجه باعث رشد و انکشاف بیشتر پخته کاری در کشور گردید. با وصف اینکه تاکنون ساحه پخته‌کاری ما بسیار محدود است، یعنی در بهترین شرایط مقدار حاصلات بیش از «شصت هزار تن» نبوده است، لیکن من به شما یک مژده دگر می‌دهم که از لحاظ دورنما اگر شما درست کشت و کار کنید فرزندان تان ثمرات بیشتر درو خواهند کرد. دولت یک پروگرام دراز مدت و وسیع در عرصه پخته کاری رویدست دارد. طبق مطالعات بسیار ابتدایی امکانات کشت پخته در ساحه دو میلیون هکتار یعنی بیشتر از ده میلیون جریب زمین در کشور وجود دارد. به یقین در آینده کانال‌ها اعمار خواهد شد، سیستم آبیاری توسعه خواهد یافت و به این ترتیب ولایات شمالی، هرات، هلمند و نیمروز از طلای سفید پوشیده خواهد شد.

در ازبکستان شوروی از حدود «هشتصد و پنجاه میلیون جریب زمین سالانه شش میلیون تن پخته حاصل برداشته می‌شود.» با تأمین امکانات فنی و مادی ما می‌توانیم بهترین نوع پخته با الیف نازک و دراز را برای لباس‌های ظریف، برای تأمین ضروریات کشور خود و صادرات وسیع به خارج از کشور تولید کنیم و در عوض ماشین آلات زراعتی، فابریکه‌ها و صنایع را برای ساختمان جامعه نوین به دست آوریم.

هموطنان! دهقانان شرافتمند و زحمتکش پخته کار وطن، با عشق به افغانستان نوین و مرفه، افغانستان آباد، کار و تلاش می‌کنند. علی‌الرغم مداخلات، تجاوزات و خرابکاری دشمنان انقلاب همه دست به دست هم دوش به دوش هم در راه آبادانی کشور خود کار می‌کنیم. ما دگر اجازه نخواهیم داد که در بغلان، کندز و تخار غارتگرانی ظهور کنند که حاصل رنج دهقانان پخته کار و زحمتکش کشور ما را تاراج کنند و به خارج انتقال دهند و در عوض از خارج تار و منسوجات و تکه وارد کنند و ده‌ها بار گرانتز بالای ما به فروش برسانند و حاصل آنرا با انحصارات امپریالیستی، سوداگران و سرمایه داران امریکایی، جاپانی، انگلیسی و فرانسوی و غیره تقسیم نمایند. طوری که ثابت شده همه این اقشار و طبقات ظالم و خونخوار، امروز در پیشگاه ارتجاع و امپریالیزم بین‌المللی برای چند روز زنده‌گی ننگین و پست زانو زده اند. ما باید برای سعادت وطن و خوشبختی فرزندان خود تا حد امکان حتی بالاتر از آن کار کنیم. من از بیروی سیاسی حزب، هیأت رئیسه شورای انقلابی و شورای وزیران جداً می‌طلبم که تمام کمک‌های لازم و بموقع را که از عهده دولت برآورده شده می‌تواند در اختیار پخته کاران بگذارند. در غیر آن مسئولین امور مورد بازپرس جدی قرار خواهند گرفت.

مطالبات ما از مسئولین امور در این زمینه چیست؟

در ارتباط مؤسسات جن و پرس، آیا سورت پخته به طور عادلانه تعیین می‌گردد؟ باید گفت در این عرصه کمبودهای وجود دارد. موظفین تعیین سورت پخته اکثراً به خاطر منفعت مؤسسه مربوط و یا بنابر ملحوظات شخصی با سوء استفاده، پخته دهقانان را طور عادلانه تثبیت و سورت نمی‌کنند. تقلب و فریبکاری در وزن موجود است. این کار به خاطر جلوگیری از باقیدار شدن معتمدین و گدامداران و یا به قصد استفاده جویی‌های شخصی از جانب هیأت تسلیم‌گیری و ترازو داران به کثرت صورت می‌گیرد.

پول پخته بنابر انقطاع در موجودیت بانکوت در بانک‌های محلی و یا در نتیجه بیروکراسی‌ها اکثراً با تأخیرهای طولانی تأدیه می‌گردد. نمایندگی‌های خریداری پخته که در اکثر ولایات کشور بنابر دلایل امنیتی یا معاذیر و بهانه جویی غیرفعال گردیده بودند علی‌الرغم فیصله‌های بعدی تاکنون مجدداً فعال نگردیده اند. دشواری‌ها در زمینه تسلیم دهی پخته، دهقانانی را که در محلات دور دست قرار

دارند با اشکال زیاد مواجه ساخته موجب دلسردی آنان از بذر پخته می‌گردد. از جانب دگر در گذشته ساحه کشت شالی در هر محل و قریه معین بود. هر دهقان حق داشت فقط قسمت معین از زمین خود را شالی کشت نماید. اما در سال‌های اخیر زمینداران سرآب با اختصاص دادن ساحات بیشتر زمین‌های خویش به کشت شالی مقادیر بیشتر آب را به مصرف رسانیده موجب تحمیل کم آبی بر زمین‌های پایین آب می‌گردند؛ چنانچه در بغلان اعضای گروه‌هایی مدافعین انقلاب در زمین‌های خود به جای پخته شالی کشت نموده اند. مقررات موجود باید با جدیت در این زمینه رعایت گردد.

بر علاوه، در نتیجه عوامل معینی، کمبود نیروی بشری برای انجام فعالیت‌های زراعتی در اکثر محلات کشور محسوس می‌باشد. این امر باید از طریق استفاده از ماشین آلات برطرف گردد.

کمبود دیزل و پترول مخصوصاً در ولایت هلمند باعث راکد ماندن ماشین آلات زراعتی گردیده مشکلات بزرگی را برای کشت و جمع آوری حاصلات به وجود می‌آورد. این امر مخصوصاً در ارتباط با بذر پخته فعالیت بیشتری را به خاطر آماده ساختن زمین جهت کشت و برداشت محصول ایجاب می‌نماید. بر علاوه در شرایط کمبود مواد نفتی از به وجود آمدن بازار سیاه طور مؤثر جلوگیری نمی‌شود.

کمبود آب مشکل تمام مناطق تولید پخته می‌باشد. وقتی من شکایات شما را مطالعه کردم شما بیشتر از کمبود آب شکایت دارید. ما پروگرامی رویدست داریم که براساس آن مسأله کمبود آب را حتی‌الوسع رفع خواهیم کرد. زیرا نمایندگان مناطق مختلف همه شکایت نموده اند. آنها از عدم پاك كاری نهرها، خرابی سربندها و دروازه‌های آبیاری شدیداً ابراز ناراضایتی نمودند. در اینجا بعض نکات دگر نیز وجود دارد، مثلاً مجادله علیه ملخ به موقع آغاز نیافته است. اینرا یکی از برادران ما از علاقه‌داری علی آباد ولایت کندز اظهار داشته است. نماینده‌گی خریداری پخته از آنجا به مرکز ولایت باعث سرگردانی دهقانان می‌گردد. همچنان ایشان علاوه کرده اند که توزیع کنجاره، صابون، روغن و سایر محصولات فرعی پخته عادلانه نیست.

در این مورد باید مستقیماً با دولت تماس گرفته شده علیه جلاب‌ها مبارزه صورت گیرد.

در نکاتی که از طرف شعبه اصلاحات ارضی و کوپراتیف‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان جمع بندی شده از موضع شما دفاع گردیده است. همچنین در یادداشت‌های که رفیق کشتمند برای من سپرده است، خواست‌های دهقانان زحمتکش گنجانیده شده است.

بر اساس این یادداشت‌ها سهل انگاری‌های در زمینه صورت گرفته است. نکاتی را که شما خاطر نشان ساخته اید حکومت و حزب تان آگاهی دارند. بعد از این حزب، حکومت، دهقانان زحمتکش و شخص من، مشترکاً علیه تمام مشکلات مبارزه خواهیم کرد.

به مسئولین حزبی و دولتی اکیداً هدایت می‌دهم که به کمبودها نواقص و نارسایی‌ها بلا معطلی خاتمه داده شود. بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران در این زمینه از تمام مسئولین امور بدون در نظر داشت مقام حزبی و دولتی شان باز پرس جدی خواهند نمود.

هموطنان، برادران، دهقانان پخته کار زحمتکش کشور!

باید همه ما پلان کشت و تولید سال ۱۳۶۳ را بدون چون و چرا عملی کنیم و حتی اضافه از پلان کار کنیم.

دولت بعد از مرحله نوین انقلاب ثور دوبار در قیمت خریداری پخته افزایش به عمل آورده که در کمپاین امسال یک سیر پخته سورت اول به (دو صد و هشتاد و سه) افغانی خریداری می‌گردد. در حالی که یک سال قبل قیمت خرید آن (یکصد و بیست و نه افغانی) فی سیر بود.

این افزایش در قیمت خرید پخته در بهبود زنده‌گی پخته کاران زحمتکش تأثیر بزرگی دارد. من متیقن هستم که در سال ۱۳۶۳ با استفاده از قیمت‌های بلند و کمک‌های مادی و تخنیکی ممکن دولت که در این جرگه روی آن بحث شده در کشت و تولید پخته افزایش قابل ملاحظه‌یی به میان خواهد آمد.

دهقانان زحمتکش پخته کار کشور!

وقت کشت بهاری نزدیک می‌گردد، زمین‌های خویش را باید به وقت برای کشت آماده سازید و از کمک‌های دولت حداظمی استفاده را در زمینه کشت پخته به

عمل آورید. به این ترتیب به اقتصاد ملی کشور، به ثروت ملی و ثروت خانواده‌های خویش بیفزایید.

من به حکومت و حزب از طرف شما تعهد می‌سپارم که شما با تمام امکانات و زحمت خود زیادترین زمین‌ها را کشت و تولید مینمایید.

هموطنان زحمتکش! در مقابل دشمنان تان بی‌هراس و بی‌ترس چون پدران، اجداد و نیاکان تان مبارزه کنید. با تقویت قوای مسلح تان زمین‌ها را بدون ترس و بیم از اشراک دون صفت و آدمکش و ضد اسلام بموقع آن کشت و زرع نمایید. حاصلات فراوان را در سال ۱۳۶۳ برداشت نمایید. حزب و دولت پشتیبان و مددگار شماست. شما در پهلوی خود رزمندگان حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب قهرمانان و شهیدان، حزب فرزندان خود را دارید. قوای مسلح تان از انقلاب، وطن و مردم مطمئنانه حراست می‌نماید. ضربات کوبنده را بر باندهای اشراک، قطاع الطریق، آدمکش و دزد وارد نموده و می‌نمایند تا آخرین بقایای آنان از سرزمین مقدس افغانستان محو و نابود گردد. و مردم ما در صلح و امنیت، سعادت‌مند و خوشبخت زنده‌گی نمایند. با وجودی که امپریالیزم جهانی در رأس امپریالیزم امریکا و سردمدار آن، اداره ریگن رئیس جمهور امریکا، دیوانه وار و لجوجانه تلاش می‌ورزد تا جنگی تباه کننده نرہوی را به راه انداخته صلح و آرامش را در جهان به خطر مواجه سازند. منطقه ما را، کشور ما را به جنگ خونین بکشانند. پاکستان را تا دندان مسلح نمایند، ولی باز هم انقلاب ما به اراده شکست ناپذیر مردم دلیر و آزاده ما به پیش می‌رود. مردم ما از انقلاب آگاهانه دفاع می‌نمایند و آماده‌گی کامل را در دفع و طرد هر نوع مداخله در کشور دارند و همیشه خواهند داشت.

موفقیت شما را آرزو می‌نمایم.

بالتبع قانون ارکان های محلی قدرت و اداره دولتی، توده های وسیع مردم در امر اداره امور دولت سیم گردیده

فعالیت و آگاهی سیاسی آنها افزایش یافته و پیکاه اجتماعی حاکمیت انقلابی توسعه می یابد

اعضای محترم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان!

خلق قهرمان افغانستان، همراه با حزب پیشاهنگ آزموده خود، حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در پیکار دشوار سیاسی آبدیده شده است، به استقبال ششمین سالگرد انقلاب پرافتخار خویش می روند.

درین سال های پر عظمت مبارزه انقلابی، نه تنها مردم ما، بلکه تمام جهان یقین حاصل کرده اند که انقلاب ثور نقطه عطف در تاریخ وطن محبوب ما افغانستان است. این انقلاب به ستم قرون وسطایی، محرومیت و پامال شدن حقوق مردم که در طول قرن ها مسلط بود، پایان بخشید و در برابر کشور ما راه تکامل دموکراتیک و ترقی ایجادگرانه را گشود.

تحقق تحولات اجتماعی انقلابی در اوضاع و احوال دشوار و پیچیده رخ می دهد. امپریالیزم بین المللی به سردمداری ایالات متحده امریکا و ارتجاع منطقه، با استفاده از عناصر ضدانقلابی که در کشورهای همسایه آشیانه کرده اند، جنگی اعلان ناشده را علیه وطن ما به راه انداخته اند و تلاش می ورزند نظام ملی و دموکراتیک را سرنگون کنند و اعمار جامعه نوین، مترقی و عادلانه را مانع شوند.

مداخلات نظامی، اقتصادی و سیاسی امپریالیزم وار تجاع، در امور داخلی کشور آزاد و دارای حاکمیت ملی ما، آزمایش دشوار و سختی برای مردم و دولت انقلابی

ماست. در این زمان دشوار، شورای انقلابی به مثابه ارگان عالی حاکمیت دولتی توجه و مساعی عمده خود را به تفاهم و همبستگی نیروهای انقلابی، بسیج نیروها و منابع انسانی و مادی در مبارزه مسلحانه با مداخله گران، تجاوزگران خارجی و ضد انقلاب، تحکیم قانونیت انقلابی و استقرار و عادی شدن بیشتر اوضاع در کشور، حل پروبلم‌های مبرم اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ملی و کسب پشتیبانی توده‌های هرچه بیشتر معطوف ساخته است. حزب و قدرت حاکم انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان معتقدند که در اوضاع پیچیده و وخیم، مبارزه عادلانه نظام انقلابی علیه متجاوزین امپریالیستی و دشمنان استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی نیز ضرور است تا تحولات اجتماعی، اقتصادی، علمی و وظایف قابل تحقق مطرح گردد. صحت این نتیجه گیری را تجربه اتحاد شوروی، سایر کشورهای سوسیالیستی و همچنان تجربه و پراتیک روزمره کشورهای از بند رسته یی که در راه استقلال ملی، آزادی و دموکراسی و ترقی اجتماعی گام نهاده اند، به اثبات می‌رساند. پروبلم‌های دفاع از حاکمیت انقلابی مردم و اجرای تحولات انقلابی دنیا در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نه تنها در برابر یکدیگر قرار نداشته، بلکه برعکس با هم ارتباط متقابل و ارگانیک دارند.

مسئلاً خلق کشور ما به رهبری حزب انقلابی خویش حزب دموکراتیک خلق افغانستان با استواری و به طور بلاانحراف حیات نوین را اعمار می‌نمایند.

اصلاحات ارضی و آب با پیگیری اجرا می‌شود. در تحقق عملی آن دهقانان هم مستقیماً و هم از طریق نماینده‌گان خویش در کمیته‌های حل مسایل دهقانی و شوراهای دهقانان قراء فعالانه سهم می‌گیرند. سکتور دولتی، مخصوصاً در صنایع و ترانسپورت توسعه و تعمیق می‌یابد. در کشور یکصد و هفتاد و پنج مؤسسه اقتصادی به کمک اتحاد شوروی اعمار گردیده و مورد بهره برداری قرار گرفته است. تعداد زیادی از مؤسسات در حال ساختمان است. به منظور جلب کارگران در اداره تولید در مؤسسات دولتی و مختلط شوراهای مؤسسه ایجاد گردیده است که در ترکیب آن نماینده‌گان کارگران و سازمان‌های اجتماعی شامل می‌باشند. این شوراهای همه مسایل مهم فعالیت تولیدی و اقتصادی مؤسسات را بررسی و حل و فصل می‌نمایند. ایجاد اتحادیه‌های صنفی و عقد قراردادهای دسته جمعی با اداره مؤسسات به بهبودی شرایط کار و زنده‌گی کارگران مساعدت می‌کند.



کار بزرگی جهت امحای بی‌سوادى، رشد معارف، صحت عامه و فرهنگى جریان دارد. در حال حاضر یک میلیون نفر منجمله تعداد زیادى از زنان به فراگرفتن سواد مصروف اند و سه صدهزار نفر سند فراغت از كورس‌هاى مبارزه با بی‌سوادى را حاصل نموده اند.

ما با قاطعیت کامل می‌توانیم بگوئیم که علی‌الرغم دشوارى‌ها حصول بعض از اهداف انقلاب ملی و دموکراتیک ما، اکنون دگر واقعی است تردید ناپذیر. ما در جهت تحقق عام و تام اهداف خود در کادر اصول با گام‌های متین و استوار با سرعت لازم از يك قله پیروزی به قله دگر به پیش می‌رویم. ساختار اجتماعى و طبقاتى جامعه ما به طور قابل ملاحظه‌ی تغییر یافته است. ملاکین بزرگ و فیودال‌ها به حیث طبقه، دگر از میان رفته اند. تعداد دهقانان کم زمین و متوسط به طور قابل ملاحظه افزایش یافته است. آرایش و تناسب نیروهای طبقاتى عمیق تغییر یافته است. به جای نظام خانوادگی سلطنتى، تسلط فیودال‌ها، سودخوران، بیروکرات‌ها، اشراف فیودال، بورژوا و بورژوازی کمپرادور، حاکمیت زحمتکشان برقرار شده است.

سیستم سیاسى جدید که بیانگر ماهیت دموکراتیک انقلاب می‌باشد، ایجاد شده است. این سیستم علاوه بر ارگان‌های حاکمیت دولتی دربر گیرنده جبهه ملی پدروطن است که در صفوف خویش نماینده‌گان طبقات مختلف ملی و دموکراتیک، سازمان‌های صنفی، جوانان، زنان و سایر سازمان‌های اجتماعى توده‌ی را متحد می‌سازد. هسته سیستم سیاسى و اجتماعى ما حزب دموکراتیک خلق افغانستان است. حزب ما کارگران، دهقانان، روشنفکران، همه زحمتکشان و نیروهای ملی و دموکراتیک را متحد ساخته، بیانگر منافع و پیشاهنگ سیاسى آنان است.

وسيله عمده سیاسى انقلاب ثور حاکمیت انقلابى خلق است که نماینده‌گی از قدرت زحمتکشان و همه وطنپرستان می‌کند.

تحقق تحولات عمیق اجتماعى، اقتصادى، سیاسى و فرهنگى و جلب توده‌های وسیع مردم در روند اعمار جامعه نوین و عادلانه، نتیجه فعالیت هدفمند و پلان شده حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حاکمیت انقلابى خلق است. دستاوردهای انقلاب ما تاکنون باز هم بیشتر می‌بود، اگر مداخلات خارجى و جنگ اعلان نشده وجود نمی‌داشت. آنچه که تاکنون در عرصه‌های مختلف زنده‌گی سیاسى، اجتماعى،

اقتصادی، فرهنگی و ملی صورت گرفته است، مطابق به منافع اساسی و بنیادی اکثریت قاطع مردم می‌باشد.

مردم ما روز تاروز می‌بینند، احساس و درک می‌کنند که سیاست حزب و حاکمیت انقلابی واقعاً متوجه منافع آنان است. بنابراین داوطلبانه در سنگر دفاع از دستاوردهای انقلاب و نظام دموکراتیک قرار می‌گیرند. هزاران وطنپرست نه به امر و فرمان، بلکه بنابر اراده و حکم وجدان خویش و احساس مسئولیت و عشق نسبت به وطن و حاکمیت مردم در قرا، ولسوالی‌ها و شهرها به صفوف گروه‌هایی مدافعین انقلاب، قطعات قومی ملیشاه، داوطلب گروه‌هایی دفاع خودی و ملکی مؤسسات می‌پیوندند. آنان دوش به دوش با قوای مسلح پرافتخار ما مبارزه قهرمانانه آزادی‌بخش را علیه ضد انقلاب، باندیت‌ها، مزدوران و اجیران امپریالیزم و ارتجاع در جهت دفاع از ناموس و شرف وطن، آزادی خلق، کار صلح آمیز و قدرت انقلابی وطن محبوب ما، به پیش می‌برند. امروز در این لحظات دشوار و پراز مخاطره برای وطن ما، هنگامی که امپریالیزم و ارتجاع تجاوزات خود را شدت می‌بخشند و به مداخله آشکارا و بیشرمانه در امور داخلی ما ادامه می‌دهند و تلاش می‌ورزند تا از طریق توسل به ترور، اختناق، فشار، آدمکشی، خرابکاری، تفتین و رهنی مسلحانه، حاکمیت استثمارگران را اعاده و مردم ما را از حق داشتن زندهگی صلح آمیز و امنیت، از حق سعادت و ترقی محروم سازند. من به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به همه مردم دلیر و شریف ما به خاطر حمایت و پشتیبانی شان از سیاست حزب، به خاطر شرکت وسیع و توده‌یی شان در تحقق و تحکیم تحولات انقلابی، به خاطر مبارزه قهرمانانه شان علیه ضدانقلاب و اجیران امپریالیزم، به خاطر تصمیم خلل ناپذیر شان برای دفاع از وطن و انقلاب، برای اعمار افغانستان نوین، مترقی، آزاد و دموکراتیک، ابراز امتنان و سپاسگزاری عمیق می‌کنم.

رفقای محترم!

دستاورد عمده انقلاب ثور حاکمیت دولتی نوع جدید است. اساس آنرا اتحاد طبقه کارگر و دهقانان به پشتیبانی روشنفکران و سربازان و افسران نیروهای مسلح، کسبه کاران، تاجران و سرمایه داران ملی، شخصیت‌های وطنپرست روحانی و مذهبی ملیت‌ها، اقوام، قبایل و کوچیان افغانستان تشکیل می‌دهد. حاکمیت نوین

انقلابی مدافع و بیانگر منافع و آرمان‌های توده‌های عظیم مردم است. ارگان‌های حاکمیت انقلابی در مرکز، ولایات و در اکثریت ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها ایجاد شده فعالیت می‌کنند. این ارگان‌ها تحت رهبری حزب در تماس نزدیک با سازمان‌های حزبی، سازمان‌های اجتماعی، ارگان‌های حکومتی، شعبات محلی وزارت‌خانه‌ها و ادارات کار می‌نمایند.

ارگان‌های محلی حاکمیت دولتی در محلات و وظایف خود را با اتکا بر اقشار وسیع مردم انجام می‌دهند. این ارگان‌ها دهقانان را در امر اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب در ساحه خویش جلب می‌نمایند. کار ایجاد گروه‌هایی مدافعین انقلاب و گروه‌هایی دفاع خودی در محلات را سازمان می‌دهند. مردم را در مبارزه علیه ضد انقلاب و باندها و انجام کارهای اجتماعی عاجل بسیج می‌سازند و به ارگان‌های امنیتی در امر تأمین نظم و آرامش مساعدت می‌کنند.

رهبری عالی دولتی کشور ما، ستم‌دهی و هدایت فعالیت همه ارگان‌های دولتی به عهده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، به مثابه راس تمام سیستم ارگان‌های دولتی که در نخستین روزهای بعد از انقلاب ثور به وجود آمده می‌باشد.

مطابق به اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، شورای انقلابی و ارگان دایمی آن، هیأت رئیسه شورای انقلابی حل و فصل همه مسایل مهم سیاست داخلی و خارجی کشور، اصدار قوانین و فرمان‌ها، تصویب پلان‌های دولتی انکشاف اقتصادی و اجتماعی، تصویب بودجه دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان و گزارشهای مبنی بر اجراات آن، تصویب جهات اساسی سیاست داخلی و خارجی دولت، پذیرش پلان فعالیت حکومت، رهبری عمومی قوای مسلح، تأسیس و تشکیل ارگان‌های عالی و مرکزی اداره دولتی، ارگان‌های قضایی و خانونالی، منظوری، تعیین تبدیل و عزل اعضای حکومتی اجازه افتتاح نماینده‌گی‌های دیپلماتیک دول خارجی و حل مسایل مربوط به تابعیت را در حیطه صلاحیت خود دارد.

در سال‌های اخیر فهرست مسایلی که از طرف ارگان عالی حاکمیت دولتی مورد بررسی قرار می‌گیرد، به طور قابل ملاحظه‌یی وسیع شده است. می‌توان گفت که در واقعیت امر هیچ عرصه‌یی از زنده‌گی سیاسی و اجتماعی یا بخشی از اقتصاد و فرهنگ وجود ندارد که وضع آن مورد بررسی اجلاس‌های شورای انقلابی و یا جلسات هیأت رئیسه شورای انقلابی قرار نگرفته باشد.

هسته مرکزی همه فعالیت شورای انقلابی و هیأت رئیسه آنرا تحقق مشی حزب در عمل تشکیل می‌دهد. تصامیم و فیصله‌های کنفرانس سرتاسری حزب، احکام و موازین «برنامه عمل» مصوبات پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مبنای ایدئولوژیک - سیاسی قوانین و سایر اسناد قانونی را می‌سازد که از طرف شورای انقلابی و هیأت رئیسه آن به تصویب می‌رسد و اهداف و وظایف ارگان عالی قدرت دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان را معین می‌کند.

حاکمیت انقلابی مردم، وسیله عمده تکامل و تعمیق بیشتر انقلاب ثور و توسعه تحولات جاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نفع توده‌های وسیع مردم، سپر مطمئن دفاع از دستاوردهای انقلابی در برابر توطئه‌ها، دسایس و تجاوزات ارتجاع خارجی و داخلی است.

در رابطه با این امر در برنامه عمل آمده است که مهمترین و میرمترین وظیفه حزب و حاکمیت انقلابی عبارتست از به انجام رساندن امر سرکوبی ضد انقلاب مسلح، استقرار و تحکیم مطمئن حاکمیت مطمئن انقلابی در ساحاتی که هنوز علیه آن جنگ اعلان نشده نیروهای از تجاعی دوام دارد و تأمین صلح پایدار سراسری وطنی.

در حال حاضر، فعالیت کمیته‌های حزبی و تمام ارگان‌های قدرت دولتی باید تابع اجرای این وظیفه مبرم و عاجل باشد.

رفقای محترم!

تحقق اهداف و وظایف انقلاب، اجرای رهنمودهای حزب و فیصله‌های ارگان‌های دولتی در صورت کار منظم و موزون اپرات اداره دولتی ممکن است. این اپرات شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، وزارتخانه‌ها، ادارات، کمیته‌های دولتی، ارگان‌های محلی اداره دولتی، اداره مؤسسات و سازمان‌های دولتی را دربر می‌گیرد.

این ارگان‌ها وظیفه دارند رهبری مستقیم و روزمره امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤسسات و شعب تحت اثر را تحقق بخشند. پلان‌گذاری، سنجش، محاسبه، کنترل، توزیع و اعطای منابع مالی و بودجه و نیروی کار را سازمان دهند و عملاً اجرا نمایند. توانایی رهبری ماهرانه ارگانیزم پیچیده و دقیق اقتصاد ملی و

دگر جوانب زندهگی اجتماعی و از همه مهمتر امور دفاعی کشور امر بسیار پر مسؤولیت و دشوار است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی تدابیری را به منظور تکمیل و بهبود ساختار سازمانی اداره دولتی اتخاذ می‌نمایند. برای حل و فصل اپراتیفی مسایل رشد اقتصاد ملی، کمیته اجرایی شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان ایجاد شده و کار می‌نماید. وزارت آبیاری به حیث ارگان مستقل در آمده است. وزارت ترانسپورت از اجرای امور غیرترانسپورتی آزاد شده و ریاست گرخدوی از آن مجزا گردیده است و وزارت اطلاعات و کلتور قبلی به کمیته‌های دولتی تقسیم شده است. بعضی از بخش‌های جدید در ساختار حکومت اضافه گردیده است. نیروهای مسلح اعم از اردو، خدمات اطلاعات دولتی و ارگان‌های امور داخله بر مبنای نوین و دموکراتیک تجدید سازمان یافته است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان تدابیر و اقداماتی را برای تکمیل اصول دموکراتیک فعالیت ارگان‌های دولتی چون کار جمعی، انتقاد و انتقاد از خود، ابتکار، صراحت، قانونیت و عدالت و مسؤولیت فردی امران از وضع بخش سپرده شده کار اتخاذ نموده است. در وزارتخانه‌ها و ادارات ارگان‌های جدید جمعی و دموکراتیک یعنی بوردهای مشورتی ایجاد گردیده که تأثیر قابل ملاحظه را بالای وضع امور در ساحات زندهگی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی دارد. ارگان‌های جمعی دموکراتیک یعنی شورای مؤسسات تجارب معینی را در حل مهمترین مسایل تولیدی و اقتصادی اندوخته اند.

یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با بررسی مسأله تدابیر عاجل ارگان‌های حزبی و دولتی در عرصه اجرای وظایف میرم اقتصادی، ضرورت ارتقای سطح مسؤولیت وزارتخانه‌ها و ادارات را در قبال تکمیل رهنمودهای حزب و حکومت و پلان‌ها و وظایف دولتی برای مؤسسات و سازمان‌های مربوط، خاطر نشان ساخت. به وزارتخانه‌ها و ادارات هدایت داده شده است تا تدابیری را به منظور ارتقای مؤثریت کار، برخورد با صلاحیت و بموقع با مسایل، بهبودی شیوه، وسایل و اسلوب کار و ایجاد هماهنگی و عمل مشترک با ارگان‌های محلی حزبی و حاکمیت دولتی اتخاذ نمایند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با ارتقای سطح مطالبات نسبت به اپرات اداری دولت، توجه خود را به مسأله کادرها مخصوصاً کادرهای رهبری بیشتر نموده است. حزب معتقد است که کادر رهبری کنونی باید حزبیت را با ابراز شایسته‌گی و صلاحیت لازم و انضباط و دسپلین را با ابتکار و برخورد خلاق نسبت به امور در خود تلفیق دهد، دلسوز و مشفق نسبت به انسان بوده و در زندگی و کار نمونه باشد و قانونیت انقلابی را مراعات نماید. همه اپرات دولتی و هر کارمند باید با وفاداری و صداقت و صداقت به امر حزب، انقلاب، حاکمیت مردم، وطن و خلق خدمت کند.

در جلسه کارمندان رهبری حزبی و دولتی که چندی قبل در شورای وزیران تشکیل شد، نقایص و کمبودهای جدی که در کار ادارات دولتی موجود بود، برملا گردید. حزب و حکومت به وزارت‌خانه‌ها و ادارات وظیفه دادند تا کار دقیق سازمانی اپرات، مؤسسات و تصدی‌های تحت اثر خویش را تأمین نمایند. تدابیر مؤثر جهت تحکیم دسپلین دولتی و دسپلین کار، ارتقای سطح سازماندهی، کارایی، ابتکار، برخورد خلاق و با مسؤلیت نسبت به کار سپرده شده و اجرای وظایف مطروحه در برابر ارگان‌های دولتی اتخاذ نمایند. هدایت داده شده است تا تدابیر عاجل و عملی به منظور رعایت جدی قانونیت انقلابی، رفع و محو بی‌انضباطی و عدم رعایت دسپلین دولتی و دسپلین کار، آثار و مظاهر انارشسی، بی‌روکراتیزم، سوء استفاده از قدرت، متمول شدن به حساب دولت و مردم، رفتار و کردار ناشایسته و غیر اخلاقی اتخاذ گردد و عاملین این اعمال ضد حزبی به مسؤلیت شدید جزایی جلب گردند.

می‌خواهم یکبار دگر تأکید کنم که حزب در این مطالبات خود بلاانحراف و جدی است و با نیروی اتوریته و اعتبار خویش، با قدرت و توانمندی حاکمیت مردم، شدت و جدیت قوانین انقلابی و با اتکا به زحمتکشان، سازماندهی دقیق و درست کار، تقوای انقلابی، دسپلین آگاهانه و احساس عالی مسؤلیت در کار کادرها، نظم و تربیت جدی در اپرات دولتی در همه سطوح را تأمین خواهد کرد.

رفقای محترم!

تجربه نزدیک به شش سال بعد از انقلاب ثور به اثبات می‌رساند که رشد بعدی انقلاب، تحقق تحولات اجتماعی عمیق، دفاع مطمئن از نظام نوین دموکراتیک در

صورت توسعه پایه اجتماعی حاکمیت انقلابی و افزایش فعالیت سیاسی توده‌ها و جلب وسیع آنان در پروسه انقلابی و اداره امور دولت و جامعه ممکن است. در برنامه عمل گفته شده است که ارگان‌های حاکمیت انقلابی باید سازمان همه‌گانی و دربر گیرنده همه مردم و مظهر وحدت آنان باشند.

پرعه ترین بخش سیستم واحد ارگان‌های حاکمیت دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان را ارگان‌های محلی قدرت دولتی تشکیل می‌دهد که در واحدهای مربوط اداری و منطقه‌وی از ولایات و شهرها تا قرا فعالیت می‌کنند.

اما چنانکه در دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان گردید، در ساختمان دولتی ما عدم مطابقت معین بین وضع در مرکز و محلات به وجود آمده است.

حزب، برای ایجاد ارگان‌های عالی حاکمیت و اداره انقلابی، ارگان‌های مرکزی اداری دولت، بهبود ساختار سازمانی آنها، توسعه صلاحیت‌ها، بهبود شیوه‌ها و میتوده‌های کار آنها، اكمال آنها با کادرهای ماهر، باصلاحیت و وفادار به حزب و انقلاب کار عظیمی را انجام داده است. این کار حزب نتایج مثبت ببار آورده است. تأثیر این ارگان‌ها بر همه عرصه‌های زنده‌گی اجتماعی به طور قابل ملاحظه تقویت یافته است.

اما ساختمان و رشد ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی صریحاً از مطالبات زنده‌گی عقب مانده و با اوضاع موجود مطابقت ندارد. فعالیت ارگان‌های محلی مملو از محتوای نوین گردیده است. اما شکل ساختار درونی و طرز تشکیل این ارگان‌ها مانند سابق بوده و با اهداف و وظایف و صلاحیت‌های نوین آنها انطباق ندارد.

به منظور جلب توده‌های وسیع مردم در امر اداره دولت در مرحله کنونی تکامل انقلاب ضرورت عینی توسعه اساس‌های دموکراتیک ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی نضج یافته است تا طرز دموکراتیک انتخاب نماینده‌گان مردم در ارگان‌های محلی و سازماندهی، ساختار، صلاحیت، جایب و مسؤولیت‌های این ارگان‌های مهم حاکمیت مردم معین گردد.

مبنای حقوقی این قانون را اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌سازد که اساس‌های نظام اجتماعی و سیاسی دولت ما را تسجیل و تثبیت نموده و سیستم صلاحیت‌های اساسی و اصول فعالیت ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی را معین ساخته است. مطابق به اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید لوی ولسوالی‌ها، شهرها، ولسوالی‌ها، علاقه‌داری‌ها و قریه‌ها، جرگه‌های شوراهای متشکل از نماینده‌گان منتخب مردم، تشکیل گردد. کمیته‌های اجرایی‌وی مربوط باید به مثابه ارگان‌های اجرایی‌وی قدرت دولتی انتخاب گردند.

ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی صلاحیت خواهند داشت تمام مسایل دارای اهمیت محلی را حل و فصل کنند. آنها در فعالیت خویش باید از اصول سنترالیزم دموکراتیک، کار جمعی و وسیع مردم، قانونیت دموکراتیک و عدالت اجتماعی پیروی کنند. هم اکنون در افغانستان بیست و نه ولایت، هشتاد و هفت شهر و شهر دارای نواحی، دو لوی ولسوالی، یکصد و هشتاد و شش ولسوالی، نود و نه علاقه‌داری و بیش از ۲۰۰۰۰ قریه وجود دارد. ایجاد ارگان‌های جدید قدرت دولتی در همه ولایات، لوی ولسوالی‌ها، شهرهای ولسوالی‌ها، علاقه‌داری‌ها و قریه‌ها دستاورد بزرگی انقلاب ثور خواهد بود. ارگان‌های محلی حاکمیت انقلابی نیروی بزرگی را می‌سازند که تاکنون به طور کامل به نفع انقلاب مورد استفاده قرار نگرفته است. این ارگان‌های توده‌یی که به مردم بسیار نزدیک بوده و با هزاران رشته ارتباط دارد، تأثیر جدی را بالای زندگی اجتماعی و دولتی کشور ما، دموکراتیزه ساختن و نوسازی انقلابی جا معه وارد خواهند نمود.

منبع نیرو و مهمترین ضامن فعالیت مؤثر ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی رهبری حزبی بر آنها بوده است و خواهد بود. حزب به طور دایمی و بلاانحراف برای اجرای وظایف مطروحه در «برنامه عمل» جهت دموکراتیک ساختن قدرت دولتی و ارگان‌های آن، توسعه و تحکیم ارتباط آن با مردم، عیار ساختن فعالیت آن مطابق نیازمندی‌ها و خواست‌های زحمتکش‌ان، کار خواهد کرد.

اعضای محترم شورای انقلابی!

طرح قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی که جهت غور و بررسی به شما ارائه شده است، نتیجه کار و آماده‌گی طولانی و دقیقی می‌باشد که با شرکت کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و هیأت رئیسه آن،



شورای وزیران، وزارتخانه‌ها و ادارات ارگان‌های محلی و اداره دولتی، مؤسسات علمی صورت گرفته است.

مطابق به فرمان مؤرخ سی و یک سنبله ۱۳۶۰ شورای انقلابی طرح اولیه قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی معروض بحث و نظرخواهی عمومی مردم قرار گرفت. به این منظور طرح مذکور در روزنامه «هیواد» نشر و به وسیله سایر وسایل اطلاعات جمعی به آگاهی مردم رسانیده شد.

طرح قانون در کلکتیف‌های زحمتکشان در مؤسسات، در سازمان‌های اجتماعی و در جلسات مردم در محل زیست شان با علاقمندی فراوان و دلچسپی عمیق مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت. در نامه‌ها و پیشنهادهایی از طرف سازمان‌ها، کلکتیف‌ها و اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان به هیأت رئیسه شورای انقلابی موصلت نموده است، علاقمندی عمیق آنها نسبت به رشد، تکمیل و تحکیم حاکمیت انقلابی، انعکاس می‌یابد. تأسیس ارگان‌های محلی حاکمیت دولتی بر اساس دسته جمعی و متشکل از نماینده‌گانی که از طرف مردم انتخاب می‌گردد، در همه جا مورد پشتیبانی و تأیید کامل قرار گرفت. طرح قانون توسط کمیسیونی از نماینده‌گان شخصیت‌های اجتماعی ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور مورد بحث و ارزیابی دقیق و همه جانبه قرار گرفت. در قطعنامه کمیسیون که در انجام کار آن به تصویب رسیده است، از این سند مهم سیاسی و حقوقی تأیید کامل به عمل آمده و خاطر نشان گردیده است که در طرح قانون مذکور تضمین معتبر و محکم برای شرکت فعال همه ملیت‌ها، اقوام و قبایل ساکن کشور در اداره امور دولت، در زنده‌گی سیاسی و اجتماعی بر مبنای برادری و برابری وجود دارد.

طرح قانون در جلسه مشورتی کمیته مرکزی و در جلسات بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسات یک سلسله پیشنهادها و نظریات بسیار جدی مطرح شد و بر اساس آن تعدیلات لازم در طرح قانون صورت گرفت.

در طرح قانون تعدیلی بر اساس پیشنهادهای نماینده‌گان شخصیت‌های اجتماعی ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور و بعض سازمان‌های اجتماعی به عمل آمد که بنابران حق معرفی کاندید نماینده‌گان مردم در ارگان‌های محلی قدرت دولتی متعلق به جبهه

ملی پدروطن، در وجود سازمان‌های عضو آن یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، اتحادیه‌های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان، کوپراتیف‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی و کلکتیف‌های زحمتکشان، جلسات منسوبین قوای مسلح در قطعات نظر به محل سکونت شان، می‌باشد.

فکر می‌کنم که این تعدیل مفهوم عمیق دارد. جبهه ملی پدروطن بر مبنای طبقاتی، کارگران، دهقانان و همه نیروهای وطنپرست کشور را در خود متحد می‌سازد. معرفی کاندیدهای حزب، سازمان‌های اجتماعی، کلکتیف‌های زحمتکشان، قطعات قوای مسلح و اتباع برای نماینده‌گی در ارگان‌های محلی قدرت دولتی از طریق جبهه ملی پدروطن حاکی از اعتماد مردم نسبت به آن بوده و به تحکیم، حیثیت و اعتبار آن بیش از پیش مساعدت می‌کند.

پیشنهاد‌های مبنی بر توسعه‌صلاحیت‌های ارگان‌های محلی قدرت دولتی قابل قبول و مستدل می‌باشد. زیرا ارگان‌های موجود اداره دولتی در حال حاضر حلقه محدودی از مسایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را حل و فصل می‌کنند.

در طرح فعلی قانون عملاً حل همه مسایل دارای خصوصیت و اهمیت محلی اعم از رشد اقتصاد، امحای بی‌سوادی، رشد صحت عامه، بهبود شرایط زنده‌گی و کار همه گروه‌هایی زحمتکشان، تأمین برابری، تحکیم وحدت و دوستی برادرانه میان ملیت‌ها، اقوام و قبایل، تأمین قانونیت دموکراتیک، امنیت و آرامش در ساحة تحت اداره و غیره به ارگان‌های محلی قدرت دولتی محول می‌گردد.

یک‌عده زیاد پیشنهاد و نظر داشتند که وظایف و صلاحیت‌های ارگان‌های محلی قدرت دولتی در اجرای سیاست ارضی حزب، در حل مسائل اساسی تولید زراعتی به طور خاص و مشخص برجسته گردد.

اینهم درست است. ارگان‌های محلی قدرت دولتی باید در اجرای تحولات دموکراتیک در زراعت به نفع دهقانان زحمتکش و به اشتراک آنان سهم فعال بگیرند. بنابراین مطابق به طرح قانون، بذل مساعدت در اجرای اصلاحات ارضی و آب، تحقق کنترل بر استفاده از زمین‌های که در نتیجه اصلاحات ارضی توزیع می‌گردد و همچنان کنترل بر استفاده از چراگاه‌ها، منابع آب، جنگلات و سایر

منابع طبیعی، مساعدت به دهقانان در کار، دریافت ماشین آلات زراعتی، تخم‌های بذری اصلاح شده، کود کیمیایی و فروش محصولات زراعتی و مساعدت و تشویق کوپراتیف‌ها در زراعت شامل بخش صلاحیت‌ها و وظایف ارگان‌های محلی قدرت دولتی گردیده است.

البته کار اساسی در تحقق سیاست ارضی حزب را باید وزارت زراعت و اصلاحات ارضی، وزارت آبیاری، کوپراتیف‌های دهقانان و سایر ارگان‌های دولتی تحت رهبری حزب و با اتکا بر ارگان‌های محلی حاکمیت دولتی و جلب وسیع دهقانان زحمتکش انجام دهند. وهم اردو و خاوندی باید برای تحقق موفقانه تدابیر ارضی در محلات امنیت لازم را تأمین کنند.

با در نظر داشت وضع موجود مداخله و تجاوز دوامدار امپریالیزم و ارتجاع علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان، یک‌عده پیشنهاد نمودند که در قانون، صلاحیت‌ها و وجایب ارگان‌های محلی قدرت دولتی در ساحه کار تقویت نیروی دفاعی کشور به طور مشخص تر انعکاس یابد.

با مد نظر گرفتن این پیشنهاد اکنون در طرح قانون تذکر رفته است که ارگان‌های محلی قدرت دولتی در تطبیق قانون مکلفیت عمومی عسکری و جلب و احضار به خدمت عسکری مساعدت می‌کنند، در ساحه خود تشکیلات دفاع ملکی را تشکیل می‌دهند، در تشکیل گروه‌هایی مدافعین انقلاب، قطعات داوطلب قومی، ملیش، گروه‌هایی دفاع خودی در محلات مسکونی و مؤسسات و سایر قطعات داوطلب دفاع از وطن و انقلاب مساعدت می‌نمایند و به خانواده‌های منسوبین عسکری و اشخاصی که در راه دفاع از انقلاب ثور شهید و یا معلول شده اند کمک می‌کنند.

پیشنهادها درباره توسعه ترکیب و نمایندگی در کمیته‌های اجراییه‌ی جرگه (شوراها) نیز معقول و مستدل شمرده شد. در ماده قانون که در باره انتخاب اعضای کمیته اجراییه‌ی از جمله نماینده‌گان مردم که به جرگه شورای مذکور انتخاب گردیده اند و همچنان اشخاصی که عضو جرگه مذکور نیستند تذکر رفته است. همچنان اضافه گردید که در ترکیب کمیته‌های اجراییه‌ی نماینده‌گان روحانیون که عضو جرگه (شورا) نیستند، به اساس توصیه ریاست عمومی شوون اسلامی شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان و نماینده‌گان اقوام و قبایل که

عضو جرگه (شورا) نیستند به اساس توصیه وزارت اقوام و قبایل جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز انتخاب شده می‌توانند.

پیش‌بینی می‌گردد که این تکمیل طرح نقش مثبت خواهد داشت، زیرا موجب توسعه نمایندگی گروپ‌های اجتماعی، ملیت‌ها، اقوام، قبایل و روحانیون در ارگان‌های اجراییه‌وی قدرت محلی دولتی می‌گردد و این ارگان‌ها را هرچه بیشتر دموکراتیک و صاحب اعتبار در میان مردم می‌سازد.

با در نظر داشت پیشنهادها و نظریات اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان در طرح قانون، حقوق و وجایب نماینده مردم در جرگه‌ها (شوراها) بیشتر مشخص گردید. در قانون نه تنها حق نماینده مردم برای اشتراك فعال در بررسی و حل و فصل همه مسایلی که در جرگه (شورا) بررسی می‌گردد تثبیت و تسجیل گردیده، بلکه وی حق دارد که خودش نیز برای بررسی در آجندای جرگه (شورا) مسایل را پیشنهاد کند و مسایلی را که هنگام فعالیت وی به مثابه نماینده مردم بروز می‌کند جهت بررسی به جرگه (شورا) و کمیته اجرائیه آن ارائه نماید. نماینده مردم مکلف است در امور جرگه (شورا) فعالانه سهم گیرد. دستورهای جرگه (شورا) را صادقانه انجام دهد در تطبیق فیصله‌های جرگه (شورا) مساعدت کند. منظم با اهالی ملاقات نماید و آنان را از فیصله‌ها و تصامیم جرگه (شورا) و کمیته اجرائیه آن مطلع سازد و کار توضیحی را در میان آنان پیش ببرد. به ارگان‌های با صلاحیت در حل و فصل شکایات و عرایض اتباع مساعدت کند و در رفتار و کردار خود و در امر رعایت قوانین و انجام کار مفید اجتماعی نمونه و مثال برای سایر اتباع باشد.

هنگام تکمیل طرح قانون یک تعداد پیشنهادها، نظریات، ملاحظات و تعدیلات لفظی دگر نیز مدنظر گرفته شده است. در عین زمان يك سلسله پیشنهادها، نظریات و ملاحظات قابل مناقشه و غیر مستدل نیز مواصلت نموده بود که نمی‌توان با آن موافقت کرد.

یکی از این پیشنهادها را که به نظر ما عمده است نام می‌برم. در جریان نظر خواهی عمومی و مباحثه روی طرح قانون این مسأله که اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان با تکمیل کدام سن حق انتخاب شدن به حیث نماینده مردم را دارند، مورد دلچسپی زیاد قرار گرفت.

آن ماده طرح قانون که مطابق به آن اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان با تکمیل سن هجده ساله گی حق دارند به حیث نمایندگان مردم انتخاب شوند، مورد پشتیبانی وسیع قرار گرفت اما پیشنهادهایی نیز وجود داشت که می‌خواستند این سن بیست و حتی بالاتر از آن تعیین گردد.

هیأت رئیسه شورای انقلابی و کمیسیون آن این مسأله را مورد غور و ارزیابی دقیق و همه جانبه قرار داده به این نتیجه رسیدند که سن انتخاب شدن به حیث نمایندگان مردم در ارگان‌های محلی قدرت دولتی، همان طوری که در طرح قانون پیشینی گردیده است هجده ساله گی باقی ماند.

رفقا!

این تصمیم معقول و دموکراتیک است. بنابر قوانین نافذ کشور اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان با تکمیل سن هجده ساله گی بالغ و واجد اهلیت کامل حقوقی و قانونی و در حالت صحت عقل شمرده می‌شوند. اکثریت جوانان در این سنین با صداقت، جدیت و زحمتکشی در مؤسسات، ادارات و مزارع کار می‌کنند و با موفقیت تحصیل می‌نمایند. اعضای سازمان جوانان در زندگی اجتماعی فعالانه سهم می‌گیرند و بسیاری از آنان داوطلبانه به صفوف خاندوی و گروه‌هایی مدافعین انقلاب می‌پیوندند و سلاح در دست فداکارانه و قهرمانانه از وطن و انقلاب دفاع می‌کنند. کلکتیف‌های زحمتکشان و سازمان‌های اجتماعی حین معرفی کاندیدهای نمایندگان مردم به افرادی که دارای اتوریته و اعتبار زیاد، محترم، از لحاظ سیاسی آگاه، با تجربه زیاد زندهگی و وفادار به انقلاب و وطن اند اعتماد خواهند کرد و در این میان نمایندگان جوانان پیشرو ما هم خواهند بود. برای حزب این موضوع زیاد اهمیت دارد که نمایندگان جوانان پیشرو و انقلابی ما در ارگان‌های محلی حاکمیت، مدرسه اداره امور دولت را سپری نمایند. همچنان یک تعداد ملاحظات، نظریات و اصلاحات کوچک دگر پیشنهاد گردیده بود که نمی‌توان آنها را پذیرفت. البته بنابر نداشتن اهمیت لازم از یادآوری آنها در اجلاس شورای انقلابی صرف نظر می‌کنیم.

اعضای محترم شورای انقلابی!

با اطمینان می‌توان گفت که کار طولانی و دقیق برای تدوین قانون ارگان‌های محلی

قدرت و اداره دولتی با موفقیت به انجام خود رسیده است.

شما همه قبلاً با طرح قانون آشنا شده اید. بنابراین ضرورت آن نمی‌رود که درباره محتوای آن مفصلاً صحبت شود. من فقط می‌خواهم یکبار دگر توجه شما را به بعض نکات و احکام مهم قانون و اهمیت آن جلب نمایم.

درباره سیستم ارگان‌های محلی حاکمیت مختصراً می‌توان گفت که سیستم ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی بر اساس تقسیمات سیاسی اداری ساحه کشور ایجاد می‌گردد. در اوضاع و احوال کنونی واحدهای اداری منطقه‌ی کشور ما عبارتند از ولایات، شهرها، لوی ولسوالی‌های ولسوالی‌ها، علاقه‌داری‌ها و قریه‌ها. این تقسیمات شرایط جغرافیایی و اقتصادی، عوامل دموگرافیک و فرهنگی و همچنان محلات سکونت و شهرهایی که مراکز واحدهای منطقه‌ی است و خطوط مواصلات را مد نظر می‌گیرد و به ایجاد مناسبات متقابل اقتصادی مفید، تحقق پلان‌گذاری، اجرای سیاست متوازن رشد منطقه‌ی کشور با استفاده اعظمی از منابع طبیعی و انسانی مساعدت می‌کند. تبعیت واحدهای اداری از پایین به بالا به ترتیب قریه، علاقه‌داری، ولسوالی، لوی ولسوالی و ولایت است اما استثنائاتی از این قاعده عمومی نیز وجود دارد؛ ما ولسوالی‌هایی داریم که هیچ علاقه‌داری در ترکیب خود ندارد و علاقه‌داری‌هایی وجود دارد که راساً به ولایت مربوط می‌شود، این خصوصیات در طرح قانون مد نظر گرفته شده است.

مطابق به ماده (۵۱) اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان در همه ولایات، لوی ولسوالی‌ها شهرها، ولسوالی‌ها، علاقه‌داری‌ها و قریه‌ها، جرگه‌های شوراهای محلی مربوط به وجود می‌آید. یک تعداد مراکز ولایات و اکثریت مطلق مراکز ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها در شهرها و محلات مسکونی قرار دارند که دارای عین نام ولایت، ولسوالی و علاقه‌داری می‌باشند. حدود ولایات، لوی ولسوالی‌ها، شهرها، ولسوالی‌ها، و علاقه‌داری‌ها توسط قانون معین می‌گردد و هرگونه تغییرات، ملحق ساختن تشکیل، تجدید، نام گذاری و تغییر حدود تنها به اجازه هیات رئیسه شورای انقلابی ممکن است.

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ما تسجیل و تثبیت طرز دموکراتیک تأسیس ارگان‌های محلی حاکمیت در این قانون می‌باشد.

ماهیت این طرز تأسیس چگونه است؟ قبل از همه باید گفت که ماهیت خصوصیات دموکراتیک آن در این امر انعکاس می‌یابد که ارگان‌های محلی حاکمیت به وسیله مردم انتخاب شده و از نماینده‌گان مردم به طریقی که ابراز آزادانه اراده آنان را تأمین می‌کند، تشکیل می‌گردد.

همه جرگه‌های شوراهای محلی از نماینده‌گان منتخب مردم تشکیل می‌یابد. قانون حق رای همه‌گانی را پیشبینی می‌کند. همه اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان اعم از مرد و زن که سن هجده ساله گی را تکمیل کرده باشند حق دارند نماینده‌گان مردم را در جرگه‌های (شوراهای) محلی انتخاب کنند یا خود به حیث نماینده مردم انتخاب شوند. البته به استثنای اشخاصی که به ترتیب تعیین شده در قانون ناقص‌العقل شناخته شده اند و اشخاصی که به اثر تحقیق قضایای جزایی تحت توقیف قرار دارند یا دوره مجازات حبس را سپری می‌نمایند.

قانون حکم می‌کند که هرگونه تحدید حقوق اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان در رابطه با شرکت شان در انتخابات به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از لحاظ تعلق نژادی، ملی، قومی، قبیله‌وی، دین و مذهب، نسب، دارایی و وضع اجتماعی، زبان، جنس، تحصیلات، مدت سکونت در محل مربوطه، نوع و خصلت شغل، ممنوع می‌باشد.

همچنان قانون برابری حق رای را تأمین می‌کند. یعنی هر انتخاب کننده حق یک رای را خواهد داشت. برای تأمین اصل تساوی حق رای، قانون پیشبینی می‌کند که تعداد نماینده‌گان مردم در هر جرگه (شورا) از طرف هیأت رئیسه شورای انقلابی در حدود معینه با در نظر داشت تعداد نفوس، مساحت و سایر شرایط محلی تعیین می‌شود. همچنان اتخاذ تدابیر دگری برای جلوگیری از رای دهی دوگانه مد نظر گرفته می‌شود.

در مرحله کنونی تکامل انقلاب، انتخابات مرحله بی ارگان‌های محلی قدرت دولتی ممکن و موجه است. در قانون پیشبینی می‌گردد که نماینده‌گان جرگه‌های شوراهای علاقهداری ها، ولسوالی‌ها، شهرهای دارای نواحی، لوی ولسوالی‌ها و ولایت‌ها، از طرف جرگه‌های (شوراهای) محلی پایینی انتخاب می‌گردند. اما جرگه‌های قریه‌ها، نواحی و شهرهایی که دارای نواحی نباشند به طور بلاواسطه از طرف اتباع با رای گیری مستقیم انتخاب می‌شوند.

در وضع کنونی انتخاب نمایندهگان مردم از طریق رای گیری علنی صورت می گیرد. این طرز انتخاب نمایندهگان دموکراتیک و آزاد، ساده و قابل فهم و دسترسی برای مردم ما بوده و مطابق به سنن و عنعنات وطنی مردم ماست. دموکراتیک بودن طرز تشکیل ارگان‌های محلی قدرت دولتی در ترتیب معرفی کاندیدان نمایندهگان مردم نیز انعکاس می‌یابد. چنانکه قبلاً گفته شد، قانون حق معرفی کاندیدان نمایندهگان مردم در ارگان‌های محلی قدرت دولتی را متعلق به جبهه ملی پدروطن در وجود سازمان‌های عضو آن، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، کوپراتیف‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی، کلکتیف‌های زحمتکشان، جلسات منسوبین قوای مسلح در قطعات و اتباع، نظر به محل سکونت شان می‌شمارد.

و بالاخره قانون شرایطی را معین می‌سازد که در آن صورت نمایندهگان مردم در جرگه‌ها (شوراها) انتخاب شده به حساب می‌روند. نمایندهگان مردم در جرگه‌های (شوراهای) قرا، نواحی و شهرهای که دارای نواحی نیستند در صورتی انتخاب شده به حساب می‌روند که اکثریت انتخاب کننده گانی که در رأی گیری اشتراک دارند، به آنان رأی بدهند و نمایندهگان مردم در جرگه‌های شوراهای علاقه‌داری ها، ولسوالی‌ها، لوی ولسوالی‌ها، ولایات و شهرهایی که دارای نواحی انتخابی می‌باشند در صورتی انتخاب شده محسوب می‌شوند که اکثریت نمایندهگان مردم جرگه‌های شوراهای پایینی به آنان رأی بدهند. قانون معین می‌سازد که جهت سازماندهی و تدویر انتخابات کمیسیون‌های انتخابات متشکل از نمایندهگان اقشار وسیع جامعه تأسیس می‌گردد. همه این احکام قانون شرایط لازم و ضمانت‌های محکم حقوقی و عملی را برای شرکت وسیع و فعالانه مردم در ایجاد ارگان‌های محلی قدرت دولتی متشکل از شایسته‌ترین نمایندهگان مردم که منافع، خواست‌ها و اراده آنان را منعکس سازد، به وجود می‌آورد.

رفقای محترم!

از آنجایی که جرگه‌های (شوراهای) محلی عالیترین ارگان دولتی در محلات خواهد بود، قانون به آنها صلاحیت‌های وسیع در تحقق وظایف دولتی در ساحه تحت اداره شان می‌دهد. این ارگان‌ها به صورت مستقیم و از طریق ارگان‌های دیگری که ایجاد می‌کنند همه امور دولتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در ساحه مربوط



رهبری خواهند کرد. سازماندهی اجرای پلان‌های دولتی، رشد اقتصادی و اجتماعی و تأمین اخذ مالیات در ساحهٔ مربوط به عهدهٔ آنها گذاشته شده است. آنها به رشد تجارت دولتی، کوپراتیوی و خصوصی، تأمین مواد غذایی و خدمات معیشتی برای مردم مساعدت می‌کنند. تحقق کنترل برای رعایت قیمت و قواعد تجارت نیز شامل وظایف آنها است.

ارگان‌های محلی حاکمیت به مثابه صاحبان واقعی امور در ساحهٔ مربوط به بررسی و تصویب ماستر پلان اعمار شهرها، توزیع و تثبیت قطعات زمین جهت اعمار منازل مسکونی، مساجد، تعمیرات اجتماعی، پروژه‌های تجارتي و خدمات معیشتی و اجازهٔ اعمار آنها، سازماندهی کار جهت آبادی مراکز مسکونی، حفظ و مراقبت خطوط مواصلاتی و سرک‌ها، رشد مخابرات و رفع حوادث و آفات طبیعی می‌پردازد.

رفقای محترم!

سازمان درونی و طرز فعالیت ارگان‌های محلی قدرت دولتی که در قانون پیشبینی گردیده است به تحقق موفقانهٔ وظایف و صلاحیت‌های آنها کمک می‌کند. جرگه‌های (شوراهای محلی) از نماینده‌گان مردم تشکیل شده است. ترکیب عددی جرگه‌ها (شوراها) چنانکه قبلاً گفته شد در حدود معین با در نظر داشت تعداد نفوس واحد اداری مربوط تعیین خواهد شد.

دربارهٔ حقوق و جایب نمایند مردم در جرگه (شورای محلی)، من قبلاً صحبت کردم اکنون فقط خاطر نشان می‌سازم که نماینده‌گان مردم در جرگه‌ها (شوراها) وظایف خود را به طور داوطلبانه و افتخاری بدون سبکدوش شدن از کار اساسی و بدون کدام منفعت و امتیاز شخصی و مادی اجرا خواهند کرد. در طرح قانون آمده است که نمایندگی از مردم در جرگه‌ها (شوراها) برای تبعه جمهوری دموکراتیک افغانستان افتخار عالی و مسؤولیت بزرگی محسوب می‌گردد. نمایندهٔ مردم باید به این اعتماد و نام پرافتخار ارج بگذارد. در هیچ صورت و حالت نباید به خود اجازه دهد تا از موقف اجتماعی به مقصد ظلم و ستم بالای اهالی، کسب امتیازات شخصی و منافع مادی یا سایر اهداف منفعت جویانه سوء استفاده کند. نمایندهٔ مردم باید وظایف و صلاحیت‌های خود را مطابق به منافع دولت و انتخاب کننده‌گان خود انجام دهد. همیشه در میان مردم باشد. خواست‌ها، نیازمندی‌ها و

توقعات مردم را درک کند و مد نظر داشته باشد. در کار اداره امور دولت فعالانه سهم گیرد. در تحکیم قانونیت انقلابی، تأمین امنیت، نظم اجتماعی و آرامش مساعدت کند و از منافع مردم زحمتکش دفاع نماید.

نمایندگان مردم در جرگه‌ها (شوراها) برای مدت چهارسال انتخاب می‌شوند. این مدت کافی است که نماینده مردم بتواند با صلاحیت‌ها و شیوه کار ارگان خود آشنا شود، حقوق خود را درک کند و وجایب خویش را اجرا نماید. ارتباط محکم را با مردم و انتخاب‌کننده‌گان خود برقرار سازد و از آنان با آگاهی کامل در ارگان حاکمیت نمایندگی کند. این مسأله نیز مهم است که انتخاب نمایندگان مردم برای مدت معین امکان می‌دهد تا در هر دوره انتخابات ترکیب ارگان‌ها تجدید گردد و برای تعداد هرچه بیشتر اتباع امکانات فراهم گردد تا در کار اداره امور دولت مستقیماً شرکت کنند.

فعالیت جرگه‌های شوراهاى محلی بر اساس بررسی و حل و فصل دسته جمعی، آزاد و مؤثر مسایل شامل صلاحیت آنها، علنیت و جلب وسیع اتباع برای اشتراک در کار آنها، سازمان خواهد یافت.

جرگه‌ها (شوراها) در مسایل مورد بررسی فیصله‌هایی خواهند نمود که در آن دانایی و حکمت مردم و تجربه جمعی انعکاس یافته و امکانات واقعی تحقق آن در نظر گرفته خواهد شد.

ارگان‌های محلی قدرت دولتی باید ارگان‌های پر کار و فعال باشند. آنها نه تنها در مورد مهمترین مسایل زنده‌گی اجتماعی تصامیمی اتخاذ خواهند نمود، بلکه اجرای این تصامیم و کنترل بر تحقق آن را در عمل نیز تأمین خواهند کرد. از آنجایی که جرگه‌های شوراهاى محلی ارگان عالی قدرت دولتی در محلات مربوط خواهند بود، تعمیل فیصله‌های آن از طرف تمام مؤسسات، ادارات، سازمان‌ها و مسؤولین امور و اتباع در ساحه مربوط جرگه حتمی است. از جانب دیگر این فیصله‌ها باید مطابق قانون اتخاذ گردد. در غیر آن از طرف کمیته اجراییه‌ی فوقانی معوق قرار داده می‌شود یا از طرف جرگه (شورای) فوقانی لغو می‌گردد.

در طرح قانون حکم بسیار مهمی مدنظر گرفته شده است که بر اساس آن در صورت نقض احکام اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، سایر قوانین و

فرمان‌های شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و هیأت رئیسه آن و فیصله‌های حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان توسط جرگه (شورا) که موجب خساره بر منافع عمومی اجتماعی و دولتی گردیده باشد، هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌تواند جرگه (شورا) را منحل و انتخابات جدید را تعیین کند.

جرگه (شورای محلی) کمیته اجرائیه‌وی خود را انتخاب می‌کند که هم در برابر جرگه (شورای) خود و هم در برابر کمیته اجرائیه‌وی مافوق گزارش دهنده می‌باشد. کمیته اجرائیه‌وی عملاً می‌تواند کلیه مسایلی را که در حدود صلاحیت‌های جرگه (شورای) آن است حل و فصل نماید و مؤظف است حداقل يك مرتبه در سال در برابر جرگه (شورای). خود گزارش دهد.

ریاست‌ها و مدیریت‌های کمیته‌های اجرائیه‌وی جرگه‌های شوراهای محلی کار وسیعی را در امر رهبری بخش‌های مربوط امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام خواهند داد.

رفقای محترم!

کار تأسیس و تحکیم ارگان‌های قدرت دولتی در محلات، چنانکه دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان ساخت، باید با در نظر داشت خصوصیات و سنن محلی صورت گیرد. جرگه‌های شوراهای محلی و کمیته‌های اجرائیه‌وی آنها بسیاری از مسایل محلی را با اتکا بر توده‌های وسیع مردم و با استفاده از اشکال سنتی مانند جلسات عمومی‌باشنده گان قرا، ده‌ها و سایر محلات مسکونی، جرگه‌ها و مرکه‌های ریش سفیدان و اشخاص با اعتباری حل و فصل خواهند نمود. باید دایماً با مردم مشوره کرد. نظر عمومی را معلوم و مشخص کرد و مردم را از تصامیم حزب و حکومت و همچنان فیصله‌های ارگان‌های محلی قدرت دولتی مطلع ساخت و توده‌ها را برای تحقق سیاست حزب در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی بسیج نمود.

در مناطق سکونت قبایل چون دگر مناطق کشور، عنعنات، شعایر مذهبی و جرگه‌های قومی مورد احترام قرار می‌گیرد. درین باره در ماده یی از طرح قانون صریحاً گفته شده است:

نماینده‌گان قبایل در جرگه‌های (شوراها) محلی و کمیته‌های اجرائیه‌وی آنها انتخاب خواهند شد. ارگان‌های محلی قدرت دولتی، مطابق به اصول اساسی ج.د.ا از فعالیت و وطنپرستانه تمام اعضای قبایل و ریش سفیدان با اعتبار آنان در امر تأمین صلح، برادری، آرامش، امنیت در مناطق سکونت‌شان، حفظ و دفاع سرحدات ج.د.ا حمایت و پشتیبانی می‌کنند و از بهبودی سطح زنده‌گی مادی و فرهنگی قبایل و شرایط معیشت آنان مواظبت می‌نماید. ارگان‌های محلی حاکمیت در کار خویش در مناطق قبایل بر همکاری، حمایت و پشتیبانی صادقانه همه اعضای قبایل و ریش سفیدان با اعتبار آنان و ارگان‌های عنعنوی قبایلی اتکا خواهند داشت. زیرا منافع حاکمیت انقلابی و منافع قبایل یکی است. تحکیم حاکمیت انقلابی مردم، دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور، دفاع از وطن، استقلال ملی آن، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی وظیفه مقدس همه وطنپرستان، همه ملیت‌ها، اقوام و قبایل و همه مردم مسلمان و زحمتکش افغانستان است.

اعضای محترم شورای انقلابی! من به طور مختصر احکام و نکات اساسی طرح قانون را مورد ارزیابی قرار دادم حتماً شما خودتان با مطالعه طرح قانون به اهمیت و ارزش آن پی برده اید. این قانون تمام جهات سازماندهی و فعالیت ارگان‌های قدرت و اداره دولتی از جمله سیستم ساختار درونی ارگان‌های محلی حاکمیت، طرز انتخاب، وظایف و صلاحیت‌ها، سازماندهی کار و موقف حقوقی نماینده‌گان مردم را دربر می‌گیرد.

فکر می‌کنم قانون قابل تأیید و تصویب شورای انقلابی است. برای نخستین بار در تاریخ افغانستان، در نتیجه انقلاب ثور چنین قانون مورد تصویب قرار می‌گیرد که مبنای محکم را برای ایجاد و فعالیت موفقانه ارگان‌های محلی نوین و دموکراتیک و واقعاً مردمی قدرت دولتی در کشور ما را می‌سازد. توده‌های وسیع مردم و همه وطنپرستان در امر اداره امور دولت جلب می‌گردند. فعالیت و آگاهی سیاسی آنان به حد قابل ملاحظه افزایش می‌یابد و پایگاه اجتماعی حاکمیت انقلابی توسعه حاصل می‌کند و این هم یکی از ضمانت‌های مهم تکامل و تعمیق انقلاب ما، تأمین ارتباط گسست‌ناپذیر حزب با مردم، تحقق تحولات بنیادی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نفع توده‌های وسیع مردم و مقدم بر همه زحمتکشان و دفاع مطمئن از دستاوردهای انقلابی در برابر توطئه‌های ارتجاع خارجی و داخلی می‌باشد.

اعضای محترم شورای انقلابی!

اجازه دهید، ابراز اطمینان نمایم که شورای انقلابی با بررسی و غور طرح قانون آنرا به تصویب می‌رساند. و با تصویب و انفاذ این قانون توجه ارگان‌های حزبی و دولتی به پیاده ساختن آن در عمل معطوف می‌گردد.

برای این منظور پیشبینی می‌گردد که جلسه هیأت رئیسه شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان دایر گردد تا اسناد و مدارک لازم قانونی را بر اساس روحیه قانون جدید و همچنان به منظور تکمیل و مشخص ساختن احکام این قانون طرح و تدوین نمایند.

بر علاوه لازم می‌افتد تا حکومت یک سلسله مصوبات، طرز العمل و دستور العمل‌ها را نیز طرح و تصویب نماید. ضرورت یک سلسله تعدیلات و تکمیلات در قوانین جاری نیز به میان می‌آید.

و بالاخره مهمترین وظیفه تأمین تحقق عملی قانون است. در برابر ما کار عظیم سازمانی قبل از همه برای توضیح و تفهیم قانون به مردم، مطالعه و آموزش آن، تشریح احکام اساسی و اهمیت آن به اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان و بعد برای تدارک مقدمات و تدویر انتخابات ارگان‌های محلی قدرت دولتی و تنظیم کار ارگان‌های حاکمیت مردم که برای نخستین بار ایجاد می‌گردد، قرار دارد.

تنها کادرهای باصلاحیت، از لحاظ سیاسی آگاه، از لحاظ ایدیولوژیک معتقد، با ابتکار، شجاع، دلیر، دارای قابلیت سازماندهی، صاحب اعتبار و احترام در میان مردم، وفادار به امر حزب و انقلاب و خدمتگار صدیق مردم و وطن واحد مان افغانستان انقلابی قادر اند تأمین بلانحراف همه احکام قانون در مورد سطح عالی کار عملی ارگان‌های محلی حاکمیت را تأمین نمایند. از همین اکنون، باید برای تربیت چنین کادرها در چارچوب انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تدابیر جدی را اتخاذ نمایم.

رفقا، اعضای شورای انقلابی!

اجازه دهید، در اخیر اظهار اطمینان نمایم که تصویب و پیاده کردن این قانون در عمل سهم بزرگی در تحقق مشی سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جهت

تحکیم هرچه بیشتر حاکمیت انقلابی مردم، تکامل و تعمیق دموکراسی واقعی، بسیج همه نیروهای مردم ما در دفاع از دستاوردهای انقلابی و اعمار موفقانه جامعه نوین، دموکراتیک، مترقی و عادلانه خواهد بود.

بیانیه در سیمینار تطبیق اصلاحات ارضی و آب در جمهوری دموکراتیک  
افغانستان

۸ حوت ۱۳۶۲

## باید استوار، پیکر و کام به کام در راه حل مسأله ارضی و دهقانی به پیش رویم

رفقا!

مسرت داریم که از طرف حزب و دولت به شما به مناسبت تدویر جلسات درباره اصلاحات ارضی و آب شادباش می‌گوییم. طوری که از موضوعات مورد بحث جلسات سیمینار معلوم است راجع به مسایل مربوط به تخنیک کار، فرمان شماره هشت و قوانین و تعدیلات لازم در زمینه و دگر مسایل و وظایف، از طرف رفقا گزارش‌های مفصلی ارائه شده و ارائه خواهد شد.

من سعی می‌کنم در مورد موضوعات با اهمیت عمومی و سیاسی مسأله اصلاحات ارضی و آب تا حدود ممکن به صورت مؤجز روشنی بیندازم. معلوم و آشکار است که حل مسأله ارضی و دهقانی از طریق اصلاحات دموکراتیک ارضی همیشه در سرلوحه اصول مرامی حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی نزدیک به بیست سال عمر آن قرار داشته است. در جلسات متعدد حزبی ما قبل از انقلاب ثور و هم از طرف فرکسیون پارلمانی ما از تریبیون ولسی جرگه وقت، در ارگان‌های مرکزی حزب ما، در جراید خلق و پرچم، در جلسه‌های دهقانی و در اغلب میتنگ‌های شهری راجع به حل مسأله ارضی و اصلاحات ارضی به حیث وظیفه اساسی انقلاب ملی و دموکراتیک توجه جدی مبذول شده است.

همچنان بعد از انقلاب ثور گام بزرگی در عرصه اصلاحات ارضی با صدور فرمان شماره هشتم برداشته شد. بیجا نخواهد بود که یکبار دگر به مسأله تطبیق اصلاحات ارضی بعد از انقلاب ثور و بررسی جهات مثبت و منفی آن به صورت

فورمولبندی شده تماس بگیریم تا جهات مثبت آنرا رشد و تکامل دهیم و از جهات منفی آن درس عبرت بگیریم.

به جرات می‌توان گفت که صدور فرمان شماره هشت و تطبیق آن بدون در نظر داشت نکات مهم و عمده، بدون اینکه تمام جهات آن در اطراف و اکناف کشور سنجیده شود و بدون آنکه خصوصیات تاریخی و ملی وضع دهقانان در کشور و چگونه گی مسأله زمین مطالعه گردد و یا در زمینه اطلاعات لازم جمع آوری شده باشد صورت گرفت.

به صورت شتابزده به يك کار بزرگ تاریخی دست زده شد و بخصوص میتود و شیوه بی که در زمینه اتخاذ گردید به ویژه در زمانی که حاکمیت زحمتکشان مستقر می‌گردید، صریحاً مخالف اصول اصلاحات ارضی بود. این شیوه و میتود، میتود اعمال قهر و جبر در تحقق اصلاحات ارضی بود. در حالی که تجارب کشورهای که در آنها انقلاب‌های دموکراتیک و ملی و انقلاب‌های پرولتری صورت گرفته است نشان می‌دهد که برخورد با دهقانان توجه بسیار جدی، خاص و خطیر را ایجاب می‌کند. البته نباید فراموش کرد که بعد از انقلاب ثور نظام فیودالی از هم پاشید. این جهت مثبت تحقق اصلاحات دموکراتیک ارضی بود که به جای خودکار بزرگی صورت گرفت. اکنون ما می‌توانیم بگوییم که کمر ملاکین بزرگ فیودال در افغانستان شکسته شده است.

هرگاه ملاکین فیودال دست به اعمال قهر نمی‌زدند طبعاً دولت انقلابی و مردمی ما هم ناگزیر نمی‌شد که در برابر فیودالان از سلاح قهر استفاده کند. فیودالانی که منحصراً خصوصیت و طبیعت خود با ارتجاع منطقه و امپریالیزم، ملاکان بزرگ، افسار اریستوکرات و اشراف سلطنتی و بورژوازی بزرگ و دلال گذشته پیوند گسست‌ناپذیر داشتند وقتی که آنان سلاح قهر را علیه انقلاب ما به کار گرفتند، حق طبیعی حزب و دولت انقلابی ما بود که باید جواب سلاح را با سلاح می‌داد. بر این اصل تأکید می‌کنیم که هرگاه ما بعد از انقلاب ثور تجاربی می‌داشتیم و یا از تجارب دیگر انقلاب‌ها استفاده درست به عمل می‌آمد و هرگاه جامعه دهقانی خود را درست تشخیص می‌دادیم به موفقیت‌های بزرگتر نایل می‌آمدیم. امکانات ارتجاع منطقه و امپریالیزم محدود می‌گردید و نمی‌توانستند چنین وحشیانه عمل کنند و ما می‌توانستیم مؤثرتر و بیشتر از این نقشه‌های تجاوز کارانه ارتجاع منطقه، جهان و امپریالیزم



را در داخل کشور از جمله با برخورد درست در زمینه اصلاحات ارضی فلج، خنثی و نقش بر آب سازیم.

مسئله این نیست که چرا علیه ملاکین بزرگ فیودال ما به تشدد انقلابی دست زده ایم بلکه نقطه ضعیف، کمبودی و اشتباه ما درین بود که منحیث مجموع برخورد درست با توده‌های عظیم دهقانی خود نکردیم. اقتشار و طبقات مختلف دهاقین را درست تشخیص نکردیم و برخورد متحدالشکل و متحدالمال را در برابر گروه عظیم دهقانان اختیار نمودیم. ما آداب و رسوم دهاقین خود را درست درک نکردیم و به این جهت ملاکین فیودال و ارتجاع موفق شدند علی‌الرغم اینکه ما به دهقانان زمین می‌دادیم، عده قابل ملاحظه دهقانان را علیه انقلاب برانگیزند و آنها را در ضدیت با انقلاب قرار دهند. نباید از این حقیقت چشم پوشید که متأسفانه حتی تاکنون هم عده‌ایی از افرادی که مسلحانه علیه ما می‌جنگند متعلق به اقتشار و طبقات مختلف دهقانان اند که بنابر تبلیغات دروغین ارتجاع داخلی و خارجی و بنابر عدم آگاهی و ضعف شعور طبقاتی و سیاسی و عدم کار مؤثر سیاسی و تبلیغاتی از طرف حزب و دولت که تا کنون نتوانسته است حقایق را به توده‌های مردم تفهیم کند، درین مواضع قرار دارند. البته این گرایش صریحاً در حال تغییر است و روز تا روز ده‌ها و صدها هزار نفر از توده‌های دهقانی ما به حقیقت انقلاب پی می‌برند و به دور حزب، دولت و جبهه ملی پدروطن گرد می‌آیند.

اصولاً از لحاظ تاکتیک و ستراتیژی انقلابی چه در هنگامی که حزب انقلابی در حالت اپوزیسیون علیه استبداد و استثمار طبقات حاکمه ستمگر و استثمارگر قرار دارد و چه در زمانی که جنبش انقلابی به پیروزی می‌رسد باید بر اساس اصول جهان بینی پیشرو عصر ما در برابر دهقانان برخورد صورت بگیرد. در کشور ما کارگران زراعتی یا مزدوران زراعتی، دهقانان بی زمین، کم زمین، مالکان متوسط و زمینداران بزرگ ملاک وجود داشتند. ما حتی در مورد دهقانان متوسط، زمینداران بزرگ و ملاکین تشخیص درست نداشتیم. مهم‌ترین، بغرنج‌ترین و پیچیده ترین مسأله انقلاب را ساده انگاشتیم و با آن ساده برخورد کردیم و حتی به چنان شیوه‌های اعمال قهر آمیز دست زدیم که بعضاً حوادث تراژیدی و غم انگیز ببار آورد. به هر اندازه‌یی که ما در مورد اصلاحات ارضی که صورت گرفته دقیق و عمیق شویم به همان پیمانانه از آن درس‌های عملی و بزرگ خواهیم آموخت. اکنون اجازه دهید، که جهات مثبت آن را در چند سال اخیر ذکر کنیم ما می‌توانیم و باید

بتوانیم که اصلاحات ارضی و آب را درست و صحیح، قدم به قدم و مرحله به مرحله تحقق بخشیم. درین زمینه امکانات و امتیازاتی داریم. حاکمیت زحمتکشان در کشور مستقر گردیده است. این عامل عمده و تعیین کننده در تمام شوون زندهگی ما اعم از اقتصادی صنعتی، زراعتی، اجتماعی، سیاسی و غیره می باشد. اکنون دولت به دست زحمتکشان است. این را نباید فراموش کرد که عامل بسیار بزرگی دگر کمک بزرگ اتحاد شوروی به کشور ماست. این دو عامل، عوامل اساسی است که با وجود این دو عامل هرگاه بعد از این نیز ما مرتکب اشتباهات شویم و کار پیگیر انقلاب را تعقیب نکنیم دگر هیچکس قابل عفو شمرده شده نمی تواند.

ما اصلاحات ارضی را بعد از انقلاب ثور آغاز کردیم. ما در پروسه انجام اصلاحات ارضی علی الرغم جهات منفی مسأله، تجارب گران بهایی نیز اندوخته ایم. این تجارب برای انقلاب، حزب و مردم ما به قیمت بسیار بزرگ و عظیم به دست آمده است. لذا باید با دقت از این تجربه بزرگ تا حد نهایی استفاده کرد و از آن آموخت.

ما در برابر جنگ غیر عادلانه که از جانب ارتجاع و امپریالیزم بر وطن، انقلاب و مردم ما تحمیل شده است قرار داریم. جنگی عادلانه مادر برابر جنگی اعلان نشده غیر عادلانه امپریالیستی، شعور و آگاهی خلق ما را نیز تکان داده است. ما می توانیم با برخورد درست از این تغییر و دگرگونی عظیم در شعور توده های مردم در راه به پیروزی رسانیدن نهایی انقلاب حداظم استفاده را به عمل آوریم.

دهقان امروز ما یعنی دهقان بعد از انقلاب ثور دگر دهقان قبل از انقلاب ثور بوده نمی تواند. خصوصیات و شعور دهقانان ما چون دگر افشار و طبقات دموکراتیک کشور ما تغییر کرده و در پروسه تغییرات عمیق و بنیادی است. اگر ما باز هم نتوانیم با در نظر داشت این عوامل و ده ها عامل دگر در مسأله اساسی و مهم اصلاحات ارضی و آب برخورد درست کنیم و تا جایی که امکانات اجازه می دهد بدون چپ روی و راست روی اصلاحات ارضی و آب را تحقق بخشیم حق نداریم که افتخار عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را داشته باشیم. اکنون ما باید میتود و شیوه درست را در عرصه تحقق اصلاحات ارضی و آب دریافت کنیم و در مورد آن درست برخورد نماییم. هرگاه امروز وظیفه درجه اول ما محو و نابود ساختن ضدانقلاب، ارتجاع و امپریالیزم در کشور نمی بود من اعلام می داشتم که

وظیفه درجه اول و مهم ما حل بنیادی مسأله اصلاحات ارضی و آب در کشور انقلابی ماست. می‌توان گفت که تحقق اصلاحات ارضی، برخورد درست نسبت به دهقانان، جلب دهقانان و اعتماد به دهقانان میلیونی کشور یکی از عوامل تعیین کننده در سرکوب ضد انقلاب است.

قبلاً هم یادآوری کردم که دگر نباید در برابر اقشار و طبقات دهقانی کشور از وسایل قهر استفاده کرد. این را باید به حیث يك اصل اساسی و عمده در نظر داشت. هر کسی که از این اصل عدول کند و بخواهد با تشدد، با زور، اجبار و قهر در برابر دهقانان عمل نماید ما می‌توانیم بگوییم که این شخص نماینده ضدانقلاب است که در داخل حزب ما نفوذ کرده است. این مسأله را باید جدی در نظر داشت و از گذشته باید درس عبرت گرفت. رهبر زحمتکشان جهان تأکید کرده است که چگونه باید در برابر دهقانان که متحدین طبیعی طبقه کارگر اند، برخورد صورت گیرد. او می‌آموخت که از راه کمک به آنها، جلب آنها و اعتماد کردن به دهقانان می‌توان آنان را به پروسه انقلابی کشانید.

در مسأله اصلاحات ارضی و آب در جریان انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی و ضدامپریالیستی در افغانستان ما به کدام جهت روان هستیم. آیا فقط با به پیروزی رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک وظایف انقلابی ما ختم می‌شود و دگر توقف می‌کنیم؟

نه، ما باید از هم اکنون در هر مسأله‌یی و عمدتاً در مسأله اصلاحات ارضی و آب یعنی حل بنیادی مسأله ارضی دهقانی، هدف غایی را فراموش نکنیم. از هم اکنون باید ما تمام شرایط مادی، اساس‌های مادی، فنی، معنوی و فرهنگی ساختمان جامعه نوین عدالت اجتماعی را تدارک ببینیم. ما می‌گوییم، که بدون حل مسأله دهقانی و ارضی در پیوند با پرولتاریای شهری، در پیوند با اتحادیه‌های کارگری، به رهبری طبقه کارگر و به پیشاهنگی حزب طبقه کارگر ناممکن است جامعه فاقد استثمار انسان از انسان را بسازیم و یا انقلاب ملی و دموکراتیک را به پیروزی نهایی برسانیم. این تجربه تمام انقلاب‌ها، تجربه کشورهای سوسیالیستی و کشورهای است که سمتگیری سوسیالیستی دارند. در طرح هدف غایی بعد از تحکیم حاکمیت زحمتکشان و محور طبقات بزرگی استثمارگر و ملاکین بزرگ استثمارگر و بورژوازی بزرگ دلال و ایجاد يك ماشین اداره دولتی نیرومند در خدمت خلق

زحمتکش مسأله‌یی که نباید آنرا فراموش کرد مسأله اصلاحات ارضی و آب است و می‌توان گفت که حل مسأله ارضی کلید حل تمام پروبلم‌های دگر زندهگی ماست.

می‌گویند زندهگی خود بهترین معلم است. برای حل و ارضی نیز ما حزبی‌ها باید شاگرد باشیم نه معلم اول؛ باید به مثابه شاگرد بیاموزیم. دهقانان ما استادان ما هستند. ما می‌توانیم از دهقانان خود بیاموزیم. البته نباید فراموش کرد که دهقانان ما دارای دو روان اند، از يك سو وابسته به زمین اند، مثلاً اکثریت آنان به نحوی از انحا ملکیتی دارند، پارچه زمینی دارند و از طرف دگر، آنان با انقلاب اند، متحدین صدیق طبقه کارگر اند و پایه‌های اساسی انقلاب را در سراسر کشور مستحکم می‌سازند. اگر بنا بر مزاج دوگانه شان با آنان برخورد درست صورت نگیرد اپورتونیزم قد علم می‌کند که خصوصیات و عناصر خود را در داخل حزب و دولت هم نفوذ می‌دهد، در آن وقت دهقان به سوی بورژوازی تمایل پیدا می‌کند، برای اینکه عادات کهن دهقان به سوی آن متمایل است.

بعد از انقلاب‌های قرن‌های هجده و نوزده و در کشورهایی که حزب طبقه کارگر پیشاهنگی جنبش‌های آزادی‌بخش ملی را نداشته، دیده می‌شود که دهقانان تحت رهبری بورژوازی قرار گرفته اند. لذا اگر در يك کشور، کشوری مثل افغانستان که هشتاد و پنج نود فیصد نفوس آن خصوصیات دهقانی دارند هرگاه حزب و دولت در مورد اصلاحات ارضی و آب با دهقانان برخورد درست نکند دهقانان با ما نخواهند بود و پایه‌های انقلاب ما ضعیف خواهد شد. این اشتباه در روند انقلاب ما گذشته است. اکنون باید تمام نیروها و قدرت پیرامون این مسأله متمرکز شود که ما چطور بتوانیم پایه‌های اساسی انقلاب را در ده‌ها مستحکم سازیم. حزب و دولت ابتکار و اقدام بزرگی را در پیش روی خود قرار داده و با انجام پاره‌یی تعدیلات در فرمان شماره هشت، ایجاد شوراهای دهقانی و کمیته‌های دهقانی را در ده‌ها و قرای کشور آغاز کرده است. تشکیل شوراهای دهقانی و کمیته‌های دهقانی فقط يك حرف روی صفحه کاغذ و يك شعار نیست. اگر چنین درکی درین مورد در شما موجود باشد و یا کسی بگوید که این همه فرمان‌ها و قوانین و تشکیلات، مسایل تبلیغاتی اند، اشتباه بزرگی خواهد بود. هر فرمان و قانون و ایجاد هر سازمان سیاسی و اجتماعی نقش بزرگی در ارتقای شعور، آگاهی، بیداری و تشکل توده‌های میلیونی کشور ایفا می‌کند.

فاز جدید بهبود کار به ما حکم می‌کند که هر حرف ما باید گویا و حرف عمل باشد. لذا تمام کادرهای رهبری مرکز، ولایات، لوی ولسوالی‌ها، ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها باید سعی کنند تا اجرای تمام فیصله‌ها و فرمان‌های شامل برنامه عمل، فیصله‌های پلینوم‌های حزب، فرمان‌های هیات رئیسه شورای انقلابی و فیصله‌های شورای وزیران به مثابه شرف هر کادر رهبری حزبی باشد و مورد دقت، توجه و عمل قرار گیرد. ما با ایجاد شوراهای دهقانی و کمیته‌های دهقانی کارهای بزرگی را در پیش روی خود قرار داده ایم. بخصوص که حالا قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی نیز تصویب گردیده است. شرایط کنونی می‌طلبد که ما سعی کنیم تا شوراها و کمیته‌های دهقانی ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی هرچه زودتر ایجاد شود و از این طریق یعنی از پایین نه از بالا و نه به وسیله فرمان دادن و قوماندان دادن، بتوانیم دهقانان را متشکل سازیم. وظیفه عمده ما درین زمینه باز هم عبارت از این است که تمام سعی و تلاش خود را در امر تشکل دهقانان و ارتقای شعور طبقاتی و سیاسی آنان به کار بندیم و نحوه برخورد درست با هر قشر از اقشار دهقانان را تشخیص دهیم. دهاقین متوسط را به جای دهاقین کم زمین، دهقانان کم زمین را به جای دهقانان متوسط و دهاقین کم زمین را به جای دهقانان مزدور و کارگر و به همین گونه یکی را به جای دیگری قرار ندهیم. باید تصنیف بندی اقشار مختلف دهقانان برای ما روشن باشد.

من قبلاً گفتم که در مسأله زمین و تشکل دهقانان باید از خود دهقانان و توده‌های مردم آموخت، طوری که رهبر زحمتکشان جهان میگفت: توده‌های مردم خود می‌توانند خود را متشکل سازند، آنها خوبتر می‌دانند که چگونه يك فرمان را مطابق شرایط و خصوصیات محل خود تطبیق کنند. شما صرف کمک‌کننده‌گان هستید شما به حیث مبلغین و کمک‌کننده‌گان متواضع و فروتن باید دریابید که چگونه به دهقانان کمک برسانید، ما تاکنون نتوانسته ایم کمک‌های لازم را به دهقانان برسانیم. باوجود اینکه در گزارش‌ها خوانده ام که دولت کود، تخم بذری، ماشین آلات زراعتی و وسایل دگر در اختیار دارد، ولی تا حال قادر به سازماندهی توزیع آن نیستیم و نتوانسته ایم آنرا به دهاقین برسانیم. ما از امکانات مادی و مالی دست داشته خود به صورت صحیح و درست استفاده نکرده ایم لذا وقتی این سازمان‌ها در ده‌ها به وجود آید و ما به دهاقین کمک کنیم می‌توانیم به نتایج قابل توجهی برسیم. وقتی با بعضی از آمرین زون‌ها، والی‌ها، منشی‌های کمیته‌های حزبی و ولایتی و یا بعضی از

کارکنان وزارتخانه‌ها و پروبلم‌های کشور مطرح می‌شود و راجع به وظایف مشخص شان صحبت صورت می‌گیرد، فقط يك بهانه را به پیش می‌کشند که امنیت نیست. من می‌پرسم در آنجاهایی که امنیت وجود دارد ما به چه پیمان‌ها و وظایف خود را ایفا کرده ایم؟ من از مسؤولین سوال می‌کنم، بازخواست می‌کنم و می‌طلبم که ما جواب بدهند. من از مسؤولین زون‌ها، از منشی‌های کمیته‌های حزبی ولایتی که رهبران ولایات استند و از والی‌ها سوال می‌کنم که در عرصه اصلاحات ارضی، ایجاد شوراهای دهقانی، کمیته‌های دهقانی و پایگاه‌های حکومت‌های محلی، در پیوند با توده‌های مردم در زمینه حل مسایل آب و مسایل دهقانی چه کرده اید؟ ما در فاز جدید بهبود کار آنچه را می‌گوییم، تطبیق آنرا می‌طلبیم.

هستند عده‌ایی از رفقا که با بهانه تراشی و سهل انگاری وظایف خود را صحیح و درست اجرا نمی‌کنند. ما دگر نمی‌توانیم با این وضع آشتی کنیم. ما تا کنون با این رفقا باصبر، حوصله و شکیبایی و با استفاده از شیوه اقناع برخورد کرده ایم، لیکن صبر، حوصله و تحمل نیز حدودی دارد. به این جهت امروز ما در يك جلسه بسیار با اهمیت برای اجرای درست وظایف بی‌نهایت بزرگ و عظیم انقلابی گردهم آمده ایم. من امیدوارم که بعد از ختم کار سیمینار در پهلوی دگر فیصله‌ها، رهنمودهای قاطع، روشن و عملی به همه داده شود و از آنها گراف کارشان مطالبه گردد.

قبلاً تذکر دادم که در پروسه اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب باید نسبت به اقتدار دهقانان بر خورد درست صورت گیرد. دهقانان در مجموع در اتحاد با کارگران ستون فقرات انقلاب را تشکیل می‌دهند. بعد از انقلاب ثور و بعد از اصلاحات ارضی تغییراتی در آرایش طبقاتی دهقانان به وجود آمده است از جمله به تعداد دهقانان کم زمین و متوسط افزوده شده و این تعداد رو به افزایش است. زمین‌های فراوانی وجود دارد که تا هنوز توزیع نشده است. در اینجا من می‌خواهم به برخورد بسیار جدی و دقیق در مورد دهقانان متوسط تکیه کنم. من می‌شنوم که بعضی‌ها، بعضی جوانان ما انقلابی‌گری می‌کنند. غالباً رفقای تازه وارد به حزب فکر کرده اند که حزب حاکم امتیازاتی دارد و رفقای سابقه دار حزبی که هنوز هم تحت تأثیر شعارهای قبل از انقلابی یعنی شعارهای اپوزیسیونی قرار دارند، هنوز هم شور و هیجان انقلابی‌گری و چپروی در آنان نفوذ دارد. به مجردی که دهقانی را ببینند که پنج، ده، بیست یا سی جریب زمین دارد، می‌گویند فیودال است، خان است و او را تحقیر و توهین می‌کنند. این مسأله در نظر شما شاید يك مسأله ساده به نظر آید در

حالی که مسأله‌ی بسیار جدی در چهارچوب اصلاحات ارضی و آب است. ما باید برخورد خود را در برابر دهقانان متوسط که از ده تاسی جریب زمین درجه اول و یا معادل آن دارند دقیق بسازیم، و گرنه با برخورد غلط خود آنان را از خود خواهیم راند.

اشتباهات در برخورد با اقشار مختلف دهقانی قابل بخشش نیست. من از مقامات رهبری حزبی و دولتی جداً تقاضا می‌کنم اطلاعاتی را که برای شان در مورد برخورد نادرست در برابر اقشار پایینی و متوسط دهقانان می‌رسد باید جداً طرف بازخواست قرار دهند. گفتم که از لحاظ تاکتیک و ستراتیژی من حیث مجموع دهقانان در اتحاد با طبقه کارگر قرار دارند و البته دهقانان در تجربه خود و زنده‌گی خود روز به روز در اثر برخورد، پالیسی خط مشی و میتود درست حزب به این عقیده میرسند که با کارگران بیشتر متحد شوند و رهبری طبقه کارگر را بپذیرند. بدون قبول رهبری طبقه کارگر نمی توان دهقانان را نجات داد، البته آرایش طبقاتی دهقانان و برخورد طبقاتی در برابر آنان در مراحل مختلف انقلاب و رشد انقلاب تغییر می‌کند.

لیکن این تغییرات در اقشار مختلف دهقانی سریع نیست. حل مسایل ده، زمین و دهقانان زمان طولانی را دربر می‌گیرد. البته این نباید بهانه‌ی برای شانه خالی کردن از اجرای دقیق، درست و سریع وظایف ما در این عرصه قرار گیرد و به این معنی نیست که چون حل این مسایل زمان طولانی را دربر می‌گیرد ما در يك نقطه متوقف شویم. ما باید استوار، پیگیر و دوامدار، گام به گام در راه حل مسأله ارضی و دهقانی به پیش برویم، نباید توقف و عقبگرد کرد.

برخورد درست نسبت به دهقانان متوسط مسأله‌ی بود که چه قبل، و چه بعد از انقلاب اکتوبر حتی اختلافاتی را در داخل حزب بلشویک به وجود آورد. قبل از انقلاب اکتوبر بیشتر بر دهقانان نادار مزدور و کارگران زراعتی در اتحاد با طبقه کارگر تأکید می‌شد. البته در مورد دهقانان متوسط گفته می‌شد که باید سعی شود آنان به انقلاب جلب شوند. بعد از انقلاب جلب شوند. بعد از انقلاب اکتوبر یعنی دوسال بعد از طرح تیزس های لنین، مسأله اتحاد و نزدیکی با طبقه کارگر بیشتر تحکیم یافت. در شرایط انقلاب ملی و دموکراتیک در افغانستان که یک کشور زراعتی و دهقانی است و هشتاد و هشتاد و پنج درصد مردم در ده زنده‌گی می‌کنند؛

مسأله مبرم ترو مغلق تر است. در اینجا باید به دهقانان متوسط یعنی زمینداران متوسط که روز به روز تعدادشان زیاد شده می‌رود نیز اتکا کرد. اگرچه این مسایل واضح و روشن است، ولی باید در بین مورد تحقیق و مطالعه بیشتر صورت بگیرد. باز هم تأکید می‌کنم که مسأله برخورد در برابر دهقانان از اهم موضوعات اصلاحات ارضی و آب در کشور است. همین اکنون این امر فکر مرا به خود مشغول داشته که مبدا برخورد خشونت آمیز، نادرست و شتابزده در حل مسأله دهقانی و ارضی صورت گیرد. ما باید در مسأله دهقانی این شعار را که یکی از دوستان ما گفتند در نظر داشته باشیم: (آهسته شتاب کن) یا به عبارۀ دگر آهسته وظایفی را که در پیشروی ما، در دستور روز کار و پیکار ما قرار دارد باید با قاطعیت، جدیت و پیگیری تا سرحد نهایی انجام دهیم. باید سعی شود در برخورد به مسأله ده، مسأله دهقانی، مسأله ارضی و اصلاحات ارضی و آب تدابیر علمی وسیع، دقیق و عملی اتخاذ گردد. توضیحات، تشریحات و تعریفات تدوین و به دسترس تمام رفقا گذاشته شود.

سرنوشت پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی و ضد امپریالیستی در جهت هدف غایی به حل مسأله ارضی یعنی تحقق اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب در کشور بسته گی دارد. مسأله دگری که می‌خواهم آنرا خاطر نشان ساخته بر آن تأکید کنم مسأله تعاون و کوپراتیف‌ها در کشور است. برخورد در قبال مسأله تعاون و کوپراتیف‌ها در کشورهای که در مرحله تحول سوسیالیستی قرار دارند به موازات و توأم با اصلاحات ارضی و در کشورهای که در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک هستند به دنبال اصلاحات ارضی و آب با در نظر داشت شرایط اوضاع و احوال و امکانات مادی و معنوی دولت‌ها، یکی از مسایل جدی و حیاتی دگر می‌باشد که به کار بردن شیوه‌های احساساتی، شتابزده و هوسناک در مورد آن فاجعه بار می‌آورد.

به این جهت مسأله کوپراتیف‌ها یکی از موضوعات جدی دگری است که باید تحت مطالعه دقیق و جدی قرار گیرد. من صرف از لحاظ تیوریک نکات عمومی سیاسی آنرا مطرح بحث قرار می‌دهم.

البته در مورد مؤسسات تعاونی و کوپراتیف‌های موجود در کشور نیز باید تماس گرفت. باید در نظر داشت که تعاونی ساختن و کوپراتیفی ساختن زراعت در کشور



با سبک، روش و میتود مترقی يك امر سهل و ساده نیست. ما در مسأله کوپراتیفی ساختن حیات زراعتی کشور هنوز در مرحله مقدماتی قرار داریم و فعالیت ما درین عرصه بسیار محدود است. این امر ناشی از شرایط، بطالت و کندی مسؤولین امور می‌باشد. تأمین خواربار و محصولات زراعتی، ثابت نگهداشتن قیم مواد غذایی، تهیه موادخام برای صنایع مخصوصاً پنبه و لبلبو یعنی نباتات صنعتی و صادراتی، تغذی مردم، بلند بردن حاصلدهی فی واحد زمین و غیره، مسایلی است که ما آنرا با گوشت و پوست خود احساس می‌کنیم و با این پرابلم مواجه هستیم. تجربه نشان داده که حتی در تحت نظام های فیودالی و یا در کشورهای سرمایه داری پیشرفته هرگاه فارم‌های بزرگی ایجاد گردیده اند، تولیدات نیز ازدیاد یافته است. این یک اصل تجربه شده و مشهود است، لیکن بعد از اصلاحات ارضی چون زمین‌ها پارچه پارچه می‌شود این امر خواه ناخواه بر تولیدات زراعتی و حاصلات زراعت تأثیر وارد می‌نماید، یعنی میزان حاصلدهی زمین پایین می‌آید. به این مناسبت است که این مسأله مطرح بحث قرار می‌گیرد که با زمین باید پارچه پارچه به شکل اقتصاد کوچک دهقانی و روستایی باقی بماند یا به شکل اقتصاد بزرگ در آید. در اقتصاد بزرگ نیز کدام شکل اقتصاد بزرگ؟ آیا راه اقتصاد بزرگ بورژوازی تعقیب شود یا شکل اقتصاد دموکراتیک و سوسیالیستی؟ اینها سؤال‌های جدی است که مطرح بحث قرار می‌گیرد. ما بالفعل در اصلاحات ارضی باید پیشبین باشیم که به این سؤالات مواجه می‌شویم. در عین زمان يك اصل دگر هم یعنی مسأله تعاون و کوپراتیف‌ها جداً مطرح نظر ما باید قرار گیرد. در زمان حیات لنین این سؤال مطرح بود که آیا کشورهای عقب مانده که در شرایط ماقبل سرمایه داری یعنی در شرایط نیمه فیودالی قرار دارند ناگزیر استند که راه رشد سرمایه داری را طی کنند تا به سوسیالیزم برسند؟ لنین به این سؤال پاسخ داد که هرگاه پرولتاریا و حزب پرولتاریا میان مردم تبلیغات خود را نیرومند بسازند و پرولتاریای جهانی و اتحاد شوروی به آنها کمک برساند، آنها ناگزیر نیستند که راه رشد سرمایه داری را طی کنند. آنها می‌توانند از راه رشد غیر سرمایه داری به سوسیالیزم برسند که عالیترین نمونه آن جمهوری‌های آسیای میانه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی یعنی جمهوری‌های تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرغزستان شوروی است. ما این مسأله را قبلاً، پیش از انقلاب ثور در مرامنامه خود تصریح کردیم که راه ما راه رشد غیر سرمایه داری است. اکنون در مسأله اصلاحات ارضی و آب، ما می‌توانیم این اصل مردمی خود را تحقق بخشیم. اگر ما مسأله دهقانی و ارضی را

درست و صحیح حل کردیم بدون گذار از سرمایه داری راه ما در جهت محور استثمار فرد از فرد بسیار هموار خواهد بود. باید تلاش‌ها را درین جهت متمرکز ساخت که چگونه باید مسأله اصلاحات ارضی و آب را هرچه زودتر و بدون شتابزدگی و چپروی حل کرد. ولی قبل از آن سؤال دیگری طرح می‌گردد که چگونه باید به مسایل اقتصاد کوچک زراعتی و تبدیل آن به اقتصاد بزرگ زراعتی برخورد نمود؟ من امیدوارم کمیته مرکزی حزب و شورای وزیران این موضوع را با استفاده از تجربه مشاورین و تجارب دیگر کشورها و شناخت دقیق کشور، آرایش طبقاتی جدید جامعه افغانستان و شعور طبقاتی دهقانان مطالعه کرده و به صورت یک تز علمی به مقامات رهبری حزبی و دولتی تقدیم نمایند که ما آنرا به صورت درست در ساحه تطبیق بگماریم در مسأله تعاونی‌ها و کوپراتیف‌ها مشکلاتی نیز وجود دارد که عمده‌ترین آن روحیات و خصوصیات عقب‌مانده دهقانی در کشور می‌باشد.

برای کوپراتیفی کردن زراعت کشور لازم است کار وسیع سیاسی تبلیغاتی در میان توده‌های دهقانان کشور صورت گیرد. همچنان حکومت و دولت آن قدرت و استطاعت لازم را داشته باشد که از لحاظ مادی و مالی وقتی کوپراتیف‌ها ایجاد می‌گردد در عمل به آنها کمک برساند. این مسأله جدی است، البته ما از اتحاد شوروی سپاسگزار هستیم که درین عرصه نیز با ما کمک‌های فراوان می‌نماید. ما باید همچنین از لحاظ منابع داخلی راهی را جستجو کنیم، منابعی را بیابیم که سرمایه قابل ملاحظه مادی به وجود بیاید و ما از آن مدرک به تعاونی ساختن حیات زراعتی کشور به تناسب و عده‌یی که با توده‌های مردم داده ایم، به آنان کمک مادی، معنوی و فرهنگی کرده بتوانیم.

در اخیر ما می‌توانیم اعلام کنیم تا جایی که به درک مسأله دهقانی و ارضی و ضرورت جدی و حیاتی اصلاحات ارضی و آب و همچنین مسأله کوپراتیفی ساختن حیات زراعتی کشور تعلق دارد ما به طور عموم هم تجارب بزرگ جهان مترقی و تجربه گران‌بهای کشور خود را در دست داریم و هم قدرت بزرگ اتحاد شوروی در کنار ما قرار دارد و به ما کمک می‌رساند. درین صورت همه به بانگ رسا اعلام می‌داریم که ما مصمم هستیم و تصمیم گرفته ایم که اصلاحات ارضی و آب را تحقق بخشیم. ما متیقن هستیم که انقلاب ما پیروز است و ما به مرحله متکامل جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد نایل می‌آییم.

دربارهٔ تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب و تحکیم هرچه بیشتر حاکمیت دولتی  
۱۱ حوت ۱۳۶۲

## گزارش به پلینوم سیزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

رفقا!

دو موضوع برای بررسی به پلینوم کمیتهٔ مرکزی پیش می‌گردد. این دو موضوع عبارت‌اند از تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب و تحکیم هرچه بیشتر حاکمیت دولتی که در شرایط کنونی عمیقاً باهم پیوند دارند و در ماهیت امر مسألهٔ واحدی را تشکیل می‌دهند؛ زیرا هنوز ضد انقلاب کاملاً سرکوب نشده است. به حکم قانونمندی انقلاب این وضع را دگر نمی‌توان تحمل کرد. پلینوم ما باید تصمیم لازم، قاطع و مشخص را اتخاذ نماید و ارگان‌های حزبی، دولتی و سازمان‌های اجتماعی را از جا تکان دهد تا به فعالیت جدی انقلابی بپردازند و حرف آتشین انقلابی و تمام تصمیم حزبی و دولتی را در عمل زنده انقلابی پیاده کنند.

این فرمان انقلاب، خلق و وطن است و تمام شرایط لازم برای اجرای این وظیفه وجود دارد. اکنون تجربهٔ لازم در امور حزبی، دولتی و نظامی موجود است و باید موجود باشد. من فکر می‌کنم که از لحاظ روانی نیز ما اکنون بهتر و کاملتر از گذشته درک و تشخیص می‌نماییم که حزب حاکم بودن، حزب طبقهٔ کارگر و تمام زحمتکشان بودن یعنی چه و چه مسؤولیت‌های عظیمی را در قبال دارد. همهٔ اینها از ما جداً می‌طلبد که کار انقلابی خود را به سطح نوین ارتقا بخشیم و در پلان جامعتر، وسیعتر و عامتر، فزونین را به منظور تسریع پروسهٔ تحولات ملی و دموکراتیک در افغانستان آغاز نماییم و انقلاب را به شیوهٔ تعرضی طوری که رهبر پرولتاریای جهان گفته است به پیش سوق و اداره نماییم.

رفقا!

مفهوم «فاز نوین» تصادفی به وجود نیامده است. ما در این جا با ماهیت هر انقلاب واقعی بر می خوریم که حتماً باید رشد و تکامل یابد و محتوای اجتماعی، اقتصادی، ایدئولوژیک و سیاسی خود را غنا و تعمیق بخشد. این رشد و تکامل به طور متداوم و پی در پی، از يك مرحله به مرحله دگر و در چارچوبه هر مرحله، از فاز یا دوره اولیه به یا دوره های بعدی آن رخ می دهد.

و ای. لنین بارها، منجمله در آثاری چون «چه باید کرد؟»، «بیماری کودکانه» و «چپروی» در کمونیزم، در این باره زیاد صحبت کرده است. او خاطر نشان می کرد که هر فاز در تکامل روند انقلابی، از فاز قبلی بیش از همه و به طور عمده نظر به درجه پخته گی حزب حاکمیت دولتی، سازمان های اجتماعی و همه ارگانیزم سیاسی و اقتصادی و ارتقای شعور خلق تفاوت دارد.

ناگفته پیداست که نیل به یک هدف بزرگ تاریخی گذار از دوره ها، مراحل، فازها، منازل، صورت ها و اشکال مختلف را ایجاب می کند. بزرگترین گناه و چپروی درین است که هر مرحله در اجزای خود به صورت دقیق درک و تشخیص نشود و از يك مرحله یا دوره یا يك شکل، به مرحله، دوره یا شکل بعدی جهشی صورت گیرد. این یکی از شیوه های خصلت نمای مائوویست ها بوده است.

تشخیص و درک این مطلب، از اهم مباحث تیوریک و پراتیک حزب ما می باشد و امیدوارم که ارگان مرکزی حزب ما «حقیقت انقلاب ثور» و سایر نشرات، تغییراتی را که در جامعه رخ می دهد و مراحل مختلف رشد و تکامل انقلاب را از طریق تحقیقات دقیق علمی توضیح نمایند.

اگر درباره مرحله جاری انقلاب صحبت کنیم، با اطمینان می توانیم بگویم که همه ما، در مقایسه با زمان آغاز آن کاملاً تغییر و فرق کرده ایم و باید تغییر کرده باشیم و انقلابی فرق کرده باشیم. با صراحت اظهار می دارم که باید متناسب با مرحله، دوره یا فازهای مختلف انقلاب، تمام انقلابیون، در شخصیت، خصایل و سجایای خود تغییر وارد کنند. تاریخ جنبش های انقلابی بین المللی نشان می دهد که آنهایی که توأم با پروسه رشد انقلاب تغییر نکرده اند و در شخصیت دیروز خود باقی مانده اند یا مرتکب اشتباهات جبران ناپذیر می شوند یا حتی مرتکب خیانت می گردند و

از صحنه مبارزه و سیاست محو و نابود می‌شوند.

فیصله‌های کنفرانس سرتاسری حزب، کار در جهت تحقق آنها و تجربه جدیدی که در نتیجه حاصل شده است بنیاد واقعی و اصولی را برای بهبود همه فعالیت‌های ما ایجاد کرده است. با تکیه بر همین بنیاد هم ما قادر هستیم که به صورت قاطع و با بانگ رسا ضرورت تحکیم حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به مثابه حزب طرازنویین وفادار به انترناسیونالیزم پرولتری، در رأس اتحاد شوروی، حزب با دسپلین و وحدت آهنین و همچنین ضرورت تحکیم دسپلین دولتی، کار و فعالیت پیگیر انقلابی، ارتقای سطح مسؤولیت و مطالبات، صلاحیت و رشد ابتکار را اعلام بداریم. در گذشته نیز ما این امر را می‌خواستیم. اما اکنون این شعارها و خواست‌ها باید واقعاً قابل تحقق باشند و به طور پیگیر در عمل زنده پیاده گردند. حزب برای این کار پخته شده است و رهبری حزب تصمیم قطعی دارد تا بهبود اسلوب و شیوه کار را تأمین کند. همین امر فزونین است و ما در بیروی سیاسی آنرا این طور درک می‌کنیم.

من فکر می‌کنم که از نظر ساختمان حزبی و تکامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه پیشاهنگی سیاسی جامعه و دولت، مشخصه فزونین قبل از همه باید این باشد که برخورد اعضای حزب نسبت به آنچه که در حزب و پیرامون آن می‌گذرد در جهت تکاملی تغییر یابد. مسأله برسر ضرورت اجرای کامل و بلاقید و شرط وظیفه حزبی و همه وجایب ناشی از برنامه عمل، اساسنامه حزب و فیصله‌های پلینوم‌های کمیته مرکزی است. مسأله بر سر مهمترین امر برای حزب یعنی تأمین وحدت ارگانیک آن، محو مظاهر عدم شور و شوق و عدم علاقه برای همکاری، امحای نفع طلبی محفلی و گروهی، امحای شیوه‌های کار شکنی، عدم همکاری، جاه طلبی، خودخواهی و لجاجت کورکورانه که متأسفانه هنوز به نظر می‌خورد، است. صریح و به تأکید خاطر نشان می‌سازیم: تا کنون درباره مبارزه با این مظاهر بیشتر حرف زده می‌شد تا عمل. فزونین همین معنی گذار از حرف به عمل، به کار عملی مشترک در جهت اجرای فیصله‌های حزب را دارد. و آن کسی که یکدل و یکجا با تمام نیرو در این کار اشتراک نمی‌کند، تحت هر ماسکی که خود را بپوشاند به حیث انشعابگر و فرکسیونباز در حزب ما شناخته خواهد شد. به این ترتیب او خود را افشا نموده حق باقی ماندن در حزب را از دست می‌دهد، از حزب اخراج می‌شود و از مقامات دولتی طرد می‌گردد.

تمام تجربه بین‌المللی نشان می‌دهد، که حزب انقلابی مخصوصاً حزب انقلابی حاکم باید نمونه سازمان‌پذیری و دسیپلین باشد، که بدون آنها نمی‌تواند وحدت واقعی به میان آید. طرح وحدت به صورت مجرد آن نمی‌تواند وحدت را تأمین کند. وحدت آهنگین فقط می‌تواند از طریق انضباط آهنگین تأمین گردد، طور دیگری نمی‌تواند باشد و حزب حاکم انقلابی به گونه دیگر نمی‌تواند پیروزی‌های خود را حفظ کند، از انقلاب دفاع نماید و قدرت حاکمه را در دست خود نگاه‌دارد و بخصوص نمی‌تواند به ساختمان جامعه نوین نایل آید. ببینید که کمیته مرکزی حزب لنین در دشوارترین و پرمخاطره‌ترین هنگام برای سرنوشت انقلاب، در سال ۱۹۱۸ به کمونیست‌های روسیه چه میگفت: «لازم است درک گردد که بدون حزبی محکم و بهم پیوسته که مانند شخص واحد عمل کند، ما نمی‌توانیم وظایفی را که در برابر ما قرار دارد، انجام دهیم. ما همه اعضای حزب را به دوستانه‌ترین و پر تحرک‌ترین کار در امر تحکیم سازمان حزبی، ارتقای دسیپلین و یکپارچه‌گی صفوف خود در سطح عالی لازم دعوت می‌کنیم.

همه اینها بموقع بودن، درستی و ضرورت این چنین طرح مسأله را به اثبات می‌رساند و ما را بیشتر به آن متیقن می‌سازد. در فاز کنونی انقلاب وقت آن رسیده است که بهتر و بیشتر کار صورت گیرد، آنچه که در وجود تصامیم درست و معقول ما انعکاس یافته است به مردم داده شود و اجرای پیگیر و کامل این تصامیم به وسیله کاری که مردم را در عمل و نه در حرف در حل مسائل موجود کمک کند، تأمین گردد.

باید خاطر نشان کرد که مطالبات فانونین تنها متوجه حزب نیست، بلکه اهمیت عام دارد. ما باید در عرصه اداره دولت، تحولات اجتماعی - اقتصادی، در اجرای اصلاحات ارضی و آب، در تأمین امنیت و بهبود شرایط زندگی مردم، در کار صنایع، زراعت، تجارت، تنزیل قیم، ترانسپورت و مخابرات در جهت ارتقای سطح زندگی زحمتکشان به صورتیکه در ظرف یکسال برای شان محسوس و قابل لمس باشد، نیز از حرف به عمل بگذریم. باید حتماً و حتماً در ظرف یکسال چیزی قابل لمس و احساس به مردم داد.

بالاخره فانونین باید چرخش قاطع را در عرصه مبارزه علیه ضد انقلاب مسلح و تسریع سرکوب آن نه تنها از طریق بهبود عملیات اردو، خارتدوی و خاد، بلکه از

طریق جلب هرچه وسیعتر توده‌های مردم در این امر ضروری نیز به عمل در آورد. اجازه دهید، اکنون به ارزیابی و تشخیص مفصلتر جهات اساسی کار ما در رابطه با پروبلم‌های مبرم حل‌ناشده و نزدیکترین و عاجل‌ترین دورنما و وظایف انقلاب شور بپردازم.

رفقا!

جهت اساسی و محتوای عمده کار حزب، حکومت، نیروهای مسلح، مؤسسات ملکی، سازمان‌های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن و همه وطنپرستان کشور عبارتست از تشدید مساعی مشترک در مبارزه علیه ضد انقلاب مسلح. این مسأله عمده و تعیین‌کننده زنده‌گی ماست و همه چیز مربوط به آن است.

بیروی سیاسی معتقد است، بین آنچه که ما توانایی آنرا داریم و آنچه که حاصل نموده ایم فاصله‌یی به میان آمده و هنوز رفع نگردیده است. در نتیجه تدابیری که حزب و حکومت اتخاذ کرده اند، نیروهای مسلح ما بدون تردید رشد نموده و تحکیم پذیرفته است. آنها با همه انواع ضروری تخنیک محاربه‌ی و تجهیزات مطمئن مجهز گردیده اند. حزب بهترین نماینده‌گان خود را به نیروهای مسلح می‌فرستد اکنون بیش از شصت فیصد اعضای حزب در اردوی خاندوی و خاد خدمت می‌کنند. برعلاوه تعداد زیاد اعضای حزب و سازمان دموکراتیک جوانان هسته گروه‌هایی مدافعین انقلاب، دفاع خودی، و سپاهیان انقلاب را تشکیل می‌دهند. ما با سرفرازی و افتخار می‌گوییم که حزب ما از لحاظ ترکیب خود، حزب واقعاً جنگنده و رزمنده است و در راس مبارزه به خاطر دفاع از آزادی، استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی وطن قرار دارد. اما باید در نظر داشت که پیروزی در این مبارزه نه فقط با نیروی حزب و قوای مسلح، بلکه بیش از همه و به طور عمده در نتیجه پشتیبانی توده‌های مسلح و سازمان یافته مردم حاصل می‌شود.

این امر را رهبر پرولتاریای جهان دوازده سال قبل از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر پیشبینی نمود. او نوشت که بعد از حصول پیروزی تراکم عظیم انرژی انقلابی همه طبقات پیشرو لازم است، تا از این دستاورد دفاع گردد. او در زمان بعد از انقلاب، این اندیشه را رشد داده خاطر نشان می‌کرد که در تحلیل نهایی بلشویک‌ها به این سبب پیروز شدند که اعتماد و پشتیبانی توده‌های عظیم مردم را حاصل کردند،

توده‌ها را از چنگ ضد انقلاب رهایی بخشیدند، ضد انقلاب را از اتکای اجتماعی آن محروم ساخته و در جامعه تجرید کردند.

چنانکه در نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان گردید تقویت کار حزب در میان توده‌ها، جذب آنان به طرف ما، جلب آنان در تکامل انقلاب و دفاع از آن، عمده‌ترین وظیفه حزب و حاکمیت انقلابی است.

امروز ما می‌توانیم خاطر نشان سازیم که گرچه در این مهمترین امر تنها گام‌های نخستین را برداشته ایم، باز هم تغییرات معین رخ داده و رخ می‌دهد. هزاران نفر به طور داوطلبانه شامل گروه‌هایی دفاع خودی، مدافعین انقلاب و قطعات محلی و قومی گردیده اند. آنها با این کار خود به طور آگاهانه به استقبال خطرات می‌روند و زنده‌گی خود را در معرض آن قرار می‌دهند. اما سیل داوطلبان کاهش نیافته بلکه افزایش حاصل می‌کند. بر علاوه، تعداد زیادی از باندها، از اعمال خویش نادم و پشیمان گردیده اکنون با ارگان‌های حاکمیت دولتی همکاری می‌کنند و در مبارزه علیه دشمنان انقلاب اشترک می‌نمایند. به این ترتیب، روند پیوستن بخش‌های هرچه بیشتر مردم به انقلاب جریان دارد. هنوز وقت است بگوییم که این روند خود به خود امحا و اضمحلال ضد انقلاب را تعیین می‌کند، اما مردم بهتر می‌بینند و درک می‌کنند که در عمل چه کسی دوست شان و چه کسی دشمن شان است. باید به این نکته توجه کرد که امروز زنان افغان نیز در مبارزه علیه ضد انقلاب مسلح چون شیر مردان می‌رزمند، خواهران و مادران ما در دفاع از سرزمین مقدس خود، در جنگ علیه باندیت‌ها و تجاوزات اجنت‌های ارتجاع منطقه و امپریالیزم امریکا حماسه‌های جاویدان می‌آفرینند. خاطره حماسه‌یی که زنان دلیر جاجی میدان آفریدند، در تاریخ پرافتخار حزب ما جاویدان خواهد بود. از همه اینها چه نتیجه گیری می‌توان کرد؟

نتیجه گیری یکی می‌تواند باشد و آن اینکه: ما نیرومندتر از دشمنان خود هستیم. ما بهتر و خوبتر مجهز و مسلح هستیم. ما از آنچه که دشمنان تنها در حرف وعده دروغین می‌دهند، در عمل بیشتر برای مردم فراهم آورده و مهیا می‌سازیم. هم مبارزه انقلابی ما عادلانه است، هم حق و هم نیرو به طرف ماست. اما دشمنان ما به چه اتکا می‌کنند؟

بیاوید در مورد این مسأله کمی مفصل تر صحبت کنیم. ما می‌بینیم که سازمان‌های



ضد انقلابی به چه اعمالی دست می زنند. فقط بعض مثال‌ها و حقایق را بیان می‌دارم. به همه‌گان معلوم است که یکتعداد قابل ملاحظه‌ی ملاها و روحانیون وطنپرست کشور، معلمان و دکتوران قربانی خونریزی وحشیانه و ددمنشانه آنان شده‌اند. آنان ده‌ها مسجد، یکصد و سی شفاخانه و مرکز صحتی و یکهزار و هشتصد و چهارده مکتب یعنی تقریباً نصف همه مکاتب کشور را تخریب کرده و یا سوختانده‌اند. کی می‌تواند ضرری را که به دهقانان در نتیجه از بین رفتن سرپناه، حاصلات زراعتی و مواشی و غیره که از طرف ضد انقلاب به غارت برده شده و یا تخریب گردیده است، محاسبه کند؟

ضد انقلاب، ترقی اقتصادی وطن را مانع می‌شود و تلاش می‌ورزد تا کشور ما فقیر و عقب مانده باقی ماند و نظام قرون وسطایی احیا گردد. برای اینکار همه اعمال شوم ممکن را انجام می‌دهد. و همین ضد انقلاب است که به افغانستان معادل سی و پنج میلیارد افغانی خساره وارد نموده است. این رقم براساس يك تخمین ارتجالی نصف همه سرمایه‌گذاری در رشد اقتصاد کشور را در ظرف بیست سال اخیر می‌سازد.

لذا ضد انقلاب نیروی شر و تخریب است. این چیزی است که مشخصه آنرا می‌سازد. سرکرده‌گان ضد انقلاب به خاطر منافع شخصی خود مبارزه می‌کنند. زیرا آنچه که آنها انجام می‌دهند، نمی‌تواند با منافع مردم، با منافع انسان‌های شرافتمند و ساده کشور، مطابقت داشته باشد. بنابر این سرکرده‌گان ضد انقلاب نه تنها با مردم بلکه با یکدیگر خود نیز نمی‌توانند زبان مشترک داشته باشند. آنها هیچگاه موفق نمی‌گردند جبهه واحد نامقدس را علیه افغانستان انقلابی بسازند. اگر به ریشه و ماهیت اشیا و پدیده‌ها نگرسته شود، معلوم می‌گردد که وحدت آنها نه تنها به خاطر تمایلات حریصانه، خودخواهی‌های وحشیانه و خود پرستی‌هایشان که مشخصه درجه يك آنها را می‌سازد ممکن نیست، بلکه قبل از همه وحدت شان به خاطر آن میسر و امکان پذیر نمی‌گردد که آنها چیزی به مردم پیشنهاد کرده نمی‌توانند، به خواست مردم پاسخ مثبت داده نمی‌توانند و نمی‌خواهند و قادر نیستند به مردم آنچه را که نیازمند است، بدهند. خونریزی، فریب، ترور، اختناق و ظلم قرون وسطایی هیچگاه آنها را به پیروزی نمی‌رساند. جریان تکامل تاریخ به نفع ماست و ما به طور بلاقطع علیه آنها مبارزه می‌کنیم.

اما این مسأله نیز روشن است که پیروزی خود به خود حاصل نمی‌شود. ارزیابی عینی اوضاع و استراتژی و تاکتیک درست و پیگیر لازم است. در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که تعداد ضد انقلابیون «آرمانی» که دارای به اصطلاح مواضع ایدیولوژیک اند، آنقدر زیاد نیست. عمده چیز دگریست. عده زیادی از مردم هنوز به امر دفاع از انقلاب جلب نشده اند. این واقعیت تلخی است که رفع آن ایجاب درک و عمل را می‌کند. این وضع تا حد زیادی ناشی از اشتباهات، عدم توانایی و بعضاً هم عدم آرزومندی برای کار همیشه‌گی و پر حوصله با توده‌های مردم و ناشی از عدم اجرای کامل تحولاتی که اعلام شده و خواست مردم است، می‌باشد. اما این هم واضح است که این عده که در کنار ما نیستند، با ضد انقلاب نیز نمی‌باشند و به دنبال آن نه رفته اند. تحلیل ترکیب اعضای سابق باندها که به ما پیوسته اند یا تسلیم شده اند، چه چیزی را روشن می‌سازد؟ اینرا که بخش قاطع آنان در نتیجه فریب و یا ارباب ضد انقلاب به باندیت‌ها پیوسته بودند. در این جا همه چیز واضح می‌گردد. باز هم دروغ و خونریزی جباران ضدانقلاب، دروغ پراگنی رذیلانه ارتجاع و امپریالیزم، تعدادی از افراد ساده وطن را موقتاً به اردوگاه ضد انقلاب پیوند داده است. چه نتیجه گیری باید کرد؟

قبل از همه باید به پخش حقایق در باره انقلاب ثور، سیاست حزب و حاکمیت انقلابی، افشای جعلیات، دروغ ها و اتهامات دشمنان توجه بزرگی صورت گیرد و اینکار بهتر از امروز عملی گردد. باید ضدانقلاب را از لحاظ اندیشه زهر آگین و عمل وحشیانه آن افشا و سرکوب نمود، تعرض وسیع، منسجم و هماهنگ ایدیولوژیک راهم در چارچوب پلان‌های کمپلکس که متوجه آزادی و پاکسازی این یا آن منطقه است و هم در مقیاس همه کشور، گسترش داد. این امر ضامن سرکوبی نظامی آن نیز است.

در اسناد پلینوم نهم و پلینوم‌های بعدی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور وسیع و کامل وظایف ارگان‌های تبلیغ و ترویج حزبی، وسایل اطلاعات جمعی، ارگان‌های فرهنگی، مؤسسات نشراتی، اتحادیه‌های روشنفکران ایجادگر و غیره و همچنان وظایف تمام اعضای حزب، سازمان‌های اجتماعی، ارگان‌های دولتی و نظامی و جبهه ملی پدروطن طرح و تشریح گردیده است، اما تصامیم اتخاذ شده در عمده‌ترین بخش اجرا نگردیده است، یعنی هنوز به پیمانانه ضروری کار صورت نگرفته و هماهنگی لازم، سیستماتیک، پیگیر و ضرور در

فعالیت عرصه ایدیولوژیک وجود ندارد. حقیقت انقلاب ما هنوز به اکثریت قاطع ده‌ها و مراکز زیست نرسیده است و در نتیجه جمعیت زیاد مردم از آن بی‌خبر اند. وقت آن رسیده است که درک گردد که هر عضو حزب از پایین تا بالا، هر عضو سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، هر کارمند ارگان‌های حاکمیت دولتی، هر افسر و بخصوص هر کارمند سیاسی و هر سرباز، هر کارمند خاندنوی و خاد باید حامل و پخش کننده این حقیقت و مبارز راه آن باشد. همه تدابیر حزب و دولت در جهت استحکام حاکمیت دولتی در محلات باید از لحاظ ایدیولوژیک نیز تأمین گردد. اگر به طور خلص گفته شود، باید هم افراد و هم وسایل تخنیک‌ی لازم کاملاً آماده باشند تا فوراً در جریان عملیات به مردم از طریق میتنگ‌های وسیع، پخش اوراق، به وسیله بلندگوها و حرف‌های ساده، مفهوم انقلاب، سیاست حزب و حکومت، وظایف خود مردم در ساحه دفاع خودی و در عرصه حل پروبلم‌های مبرم محلی، توضیح و تشریح گردد. رهبران حزبی و دولتی، افسران نظامی، شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ریاست‌های سیاسی قوای مسلح، وزارتخانه‌ها و ادارات مربوط و کمیته‌های حزبی مؤظفند به این امر توجه کنند. این کار توضیحی را باید در جهت جلب مردم برای شرکت در روند انقلاب و دفاع از آن سمت داد.

رفقا!

حزب ما و حاکمیت انقلابی به ساختمان نیروهای مسلح و وضع آن به مثابه هسته‌ی اساسی و قلعه استوار و پیشتاز مبارزه علیه ضد انقلاب توجه زیاد دارد. چنانکه شما می‌دانید این پروبلم‌ها بارها در پلینوم‌ها و جلسات بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب بررسی و ارزیابی گردیده و در مورد تصامیمی اتخاذ شده است و همچنان یک تعداد جلسات مشورتی کارمندان حزبی، ارگان‌های دولتی، قوماندانان و کارمندان سیاسی قوای مسلح وقف این موضوع گردیده است. اما اوضاع حکم می‌کند که بار دگر به این مسأله بپردازیم. ما اردو، خاندنوی و خاد را تحکیم بخشیده و تحکیم می‌بخشیم، این کار فقط برای سرکوب کامل و قطعی ضدانقلاب، دفاع از آزادی، استقلال، حاکمیت ملی و دفاع از انقلاب ضرور است. ما هدف دگری نداریم. من به نمایندگی از حزب و مردم یک بار دگر اعلام می‌دارم: که جمهوری دموکراتیک افغانستان هیچگاه منبع تهدید به کشورهای همسایه با سایر کشورها نخواهد بود. اما دشمنان انقلاب ما هنوز سلاح به زمین نگذاشته اند. این

وضع ما را مجبور می‌سازد تا به طور پیگیر و با اصرار به کار دفاعی بپردازیم. ما تجدید لازم ساختمان مؤسسات نظامی سابق را تحقق بخشیده اردو، خاندنوی و خدمات امنیتی نوین را ایجاد کردیم. کمیت آنها افزایش می‌یابد، تأمین مادی و تخنیکی و قابلیت و آماده‌گی رزمی آنها بهبود حاصل می‌کند. در سال جاری عملیات‌های موفقانه نظامی بسیار صورت گرفته است که ضربات قابل ملاحظه‌یی را بر ضد انقلاب وارد کرده و پلان‌های آنان را در جهت وخامت اوضاع در کشور خنثی نموده است. نیروهای خاندنوی بارها حمله اشرا را بر قسمت زیادی از مناطق زیست و مؤسسات اقتصادی و اداری دفع نموده اند. خاد سهم قابل ملاحظه و افزایش یابنده را در مبارزه علیه ضد انقلاب می‌گیرد. امروز ما با اطمینان و افتخار می‌توانیم بگوییم که انقلاب ما در برابر هرگونه سوء قصد دشمنان از خود دفاع می‌کند. بگذار هیچ يك از آنان امیدوار به عدم مجازات نباشند، اما هر کسی که بیهوده‌گی مبارزه علیه انقلاب، خلق و وطن را درک کند، می‌تواند امیدوار ترحم و عدالت باشد. شمشیر بران انقلاب فقط آنانی را محو و نابود خواهد کرد که به نفع دشمنان وطن انقلابی ما آگاهانه علیه خلق و وطن عمل می‌کنند.

رفقا!

سیاست ما صلحجویانه است؛ ما از تمام پیشنهادها و پروگرام‌های صلح اتحاد شوروی که از طرف مقامات رهبری حزبی و دولتی شوروی صورت گرفته و در اسناد کنگره ها و پلینوم‌ها بسط و توسعه یافته است پشتیبانی می‌کنیم.

سیاست صلحجویانه به این معنی نیست که ما در دفاع از کشور و وطن خود سیاست پاسیف داشته باشیم. ما سیاست فعال، پرتحرک و زنده سیاسی صلحجویانه را تعقیب می‌نماییم. کشور ما، کشوری کوچک نیست. کشور ما در يك نقطه تاریک و دور افتاده جهان قرار ندارد. کشور ما بزرگ و کبیر است. بعد از انقلاب ثور نقش و تأثیر کشور و مردم ما بر پروسه های جهانی قابل ملاحظه گردیده است.

ما افتخار داریم که انقلاب ما، انقلاب ثور خصومت تمام دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان و دشمنان پرولتاریا و جهان سوسیالیستی را جلب نموده است. این خود نمایانگر آنست که راه ما راه درست، راه حق و شرافت است.

باید توجه داشت که جهان در حال حاضر برسر دوراهی خطیر جنگ و صلح قرار

دارد. امروز راه سومی وجود ندارد، یا دفاع از صلح یا افتادن در دامن فاجعه جنگ. این جنگ در تفاوت با تمام جنگ‌های گذشته به شمول جنگی متجاوزانه اشغالگران فاشیزم هتلری جنگی بس وحشتناک خواهد بود که موجودیت و هستی تمدن بشری را جداً تهدید می‌کند. بنابراین حزب ما به مثابه پیشتاز صلح و رهبر انقلاب، مردم، جامعه و دولت باید افق دید خود را فوق‌العاده وسیع سازد.

سیاست فعال ما، هم به مثابه وظیفه ملی و وطنپرستانه، هم به مثابه وظیفه انترناسیونالیستی، بازو به بازوی اتحاد شوروی و جهان صلح و سوسیالیزم قرار دارد.

در حال حاضر نه تنها وظایف انقلابی ما و ایجابات ساختمان جامعه نوین حکم می‌کند که ما توده‌های عظیم مردم خود را به طرف انقلاب جلب کنیم و یک قوای مسلح طراز نوین، جنگنده، مبارز و مدافع وطن و مردم داشته باشیم، بلکه به مثابه وظیفه انترناسیونالیستی خود نیز به نام بشریت، به نام حفظ تمدن بشری باید یک نیروی مسلح قوی و نیرومند یکجا با مردم تحت رهبری حزب ایجاد کنیم که در صورت مواجه شدن با جنگ مستقیم در برابر حملات نخستین به سرزمین مقدس ما با مشت‌های آهنین پاسخ داده بتواند. البته ما تنها نیستیم، هم اکنون قطعات محدود قهرمان قوای مسلح اتحاد شوروی در کنار و دوش به دوش ما برای حفظ آزادی و استقلال می‌رزمند. ما باید به پای خود ایستاده شویم و با داشتن قوای مسلح منظم و سازمان یافته، در برابر دشمنان تجاوز کار، بی‌امان و بی‌ترس، قهرمانانه و شجاعانه برزیم. اینجاست که اهمیت عظیم تقویت قوای مسلح و جلب توده‌های مسلح مردم در امر دفاع از انقلاب، آزادی و استقلال کشور به مثابه یک وظیفه جدی و اساسی با برانزدهگی خاص تبارز می‌کند.

اکنون درباره بعضی مسایل مشخص ساختمان نظامی خود صحبت می‌کنیم. قبل از همه برای ما لازم است تا مساعی خود را متوجه بهبود کار در ساحه اکمال نیروهای مسلح ساخته، نه تنها کمیت پرسونل، بلکه کیفیت، آماده‌گی جنگی و روحیه عالی و پرشور وطنپرستانه را تأمین کنیم. باید تمام کار مربوط به اعمال نیروهای مسلح و اجرای کامل و بموقع پلان‌های جلب و احضار بهتر سازمان داده شود.

البته به خاطر عدم اجرای فیصله‌های پلینوم و پلان‌های جلب و احضار قبل از همه مسئولین مربوط ادارات نظامی و شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق

رفقا باید جدی‌ترین نتیجه‌گیری‌ها را برای ارگان‌های مربوط و هم برای شخص خود نمایند. اما باید صریحاً گفت که بعضی افراد مقامات مسؤول حزبی و دولتی طوری که لازم است به مسأله جلب و احضار توجه نمی‌کنند. کمیساری‌های نظامی در این جهت کار درست نمی‌کنند و ارگان‌های عدلی از کار در ساحه جلب و احضار کاملاً بر کنار مانده‌اند. تصویر بسیار نامطلوب و نادرستی به میان می‌آید. اردو که باید روزتاروز ضربات خود را بر اشرار تقویت بخشد، مجبور است بخشی قابل ملاحظه نیرو و وسایل را جهت سازماندهی و تأمین جلب و احضار مصروف سازد. چنین استفاده غیرمعقول از نیروهای نظامی منظم درست نیست. من درین باره که این کار به پرورش حس احترام و دوستی نسبت به اردو و خدمت عسکری در میان مردم و مخصوصاً جوانان مساعدت ننموده، بلکه به آن لطمه وارد می‌کند، هنوز صحبت نمی‌کنم.

عملی ساختن جلب و احضار و اكمال نیروهای مسلح را از لحاظ افراد باید قبل از همه ارگان‌های حاکمیت دولتی، کمیساری‌های نظامی با اشتراك مستقیم و فعال سازمان دموکراتیک جوانان، سایر سازمان‌های اجتماعی تحت رهبری و کنترل سازمان‌های حزبی و همچنان مسؤولان زون‌ها و کمیسیون فوق‌العاده جلب و احضار و مسؤولان آن در زون‌ها به عهده داشته باشند. در آنجایی که این کار به طور واقعی صورت می‌گیرد موفقیت نیز حاصل می‌گردد. در عین زمان باید به صورت فعالتر ساحه جلب و احضار را توسعه داد و با جرأت بیشتر به قریه‌ها، علاقهداری‌ها و ولسوالی‌ها رفت و در آنجا ارگان‌های حاکمیت انقلابی، سازمان‌های حزب و جوانان را ایجاد کرد و تحکیم بخشید و مردم را در امر دفاع از وطن جلب کرد. نباید در زمینه جلب و احضار کار خود را به چند شهر محدود ساخت. این امر تمام نظم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ما را برهم می‌زند. از شهرها باید جداً به طرف ده‌ها رفت. باز هم خاطرنشان می‌سازم که نیروهای مسلح انقلابی باید بموقع و مطابق به پلان جلب و احضار اكمال گردد. کمیساری‌های نظامی در برابر این مهمترین امر پاسخگوی می‌باشند. باید بهترین و وطنپرست‌ترین اشخاص به حیث کمیسارهای نظامی در ولایات تعیین شوند. وظیفه و وجیبه ارگان‌های حزبی و دولتی است تا همه شرایط لازم را برای کمیساری‌های نظامی جهت اجرای وظایف شان تأمین نمایند.

درینجا من باید روی مفهوم «کمیساری نظامی» صحبت کنم که ماهیت دموکراتیک انقلاب ما و حاکمیت انقلابی را نشان می‌دهد. اصطلاح «کمیساری» تقریباً دو صد سال قبل در فرانسه در جریان انقلابی که فیودالیزم و نظام شاهی را برانداخت به وجود آمد. این کلمه مفهوم کاملاً نوینی را داشت یعنی تنظیم و اکمال اردوی انقلابی و تحقق حاکمیت در محلات نه به مامور بیروکرات، بلکه به فرد انقلابی دارای صلاحیت‌های خاص سپرده می‌شد. در شرایط ما، کمیساری نظامی ارگانی مهم و باصلاحیت است، که مسؤول ثبت و محاسبه همه افراد تحت جلب عسکری و احضار بموقع شان برای خدمت و انجام وظیفه مقدس و وطنپرستانه در نیروهای مسلح و دفاع از انقلاب و وطن می‌باشد. جای هر قهرمان شهید را باید با صد نفر پر کرد، هر فردی که ترخیص می‌شود باید به هنگام به محل بودباش خود انتقال داده شود و بجایش فرد دیگری در خدمت نظامی قرار گیرد و بموقع به محل وظیفه نظامی انتقال داده شود. وزارت دفاع باید کمیساری‌های نظامی را با بهترین کارمندانی که قادر به سازماندهی کار اکمال نیروهای مسلح در محلات باشند، اکمال کند.

باید در کوتاه‌ترین مدت مراکز جلب و احضار و تجمع اعمار و مجهز شود و برای سربازان آینده شرایط لازم زنده‌گی مادی و معنوی و معیشت آماده گردد. چنانکه شما می‌دانید، چندی قبل پیروی سیاسی درباره مسایل جلب و احضار مصوبه خاصی را به تصویب رسانید. ارگان‌های حزبی و دولتی هم در مرکز و هم در محلات باید همه تدابیر را جهت حل و فصل این مهمترین مسأله برای انقلاب اتخاذ نمایند.

رفقا!

قابلیت رزمی نیروهای مسلح با سطح و مؤثریت کار حزبی سیاسی در قطعات و جزوات‌ها ارتباط مستقیم دارد. نیروی اردوی انقلابی در آگاهی و اعتقاد سربازان آنست. رهبر پرولتاریای جهان می‌آموخت: «... در جایی که کار سیاسی در میان عساکر با بیشترین توجه پیش برده می‌شود عدم انضباط در اردو نیست، نظم و روحیه بهتر است، پیروزی بیشتر است.» این حقیقت از بوته آزمون زمان پیروزمند بیرون آمده است و در صحت آن همه اردوهای انقلابی جهان یقین کامل یافته اند.

این حقیقت به حال ما نیز صدق می‌کند. در حال حاضر کدام وظایف در ساحه کار حزبی سیاسی در میان قوای مسلح عمده شمرده می‌شود؟

نخست اینکه: منسوبین نظامی بدانند که به خاطر چه می‌رزمنند. حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حاکمیت انقلابی برای چه مبارزه می‌کنند و سعی دارند چه چیزی را به مردم بدهند. حقیقت درباره سرشت، اهداف و وظایف انقلاب ثور و حاکمیت انقلابی مولود آن باید به گوش هر سرباز اردو، خاندوی و خاد و به گوش هر فرد از منسوبین قوای مسلح برسد. این وظیفه درجه یک کارمندان سیاسی ما و تمام اپرات سیاسی قوای مسلح است اما در کار تربیت سیاسی و آموزش پرسونل باید همه اعضای حزب در ترکیب قوای مسلح، همه افسران و خردضابطان مجدانه شرکت نمایند. البته کار سیاسی در میان منسوبین قوای مسلح، تنها وظیفه کارمندان سیاسی نیست، باید فرد فرد اعضای قوای مسلح کشورما، تمام قوماندانان از کوچکترین تا بزرگترین واحد نظامی درین کار سهیم گردند.

دوم اینکه: کار سیاسی در قطعات نظامی، مؤسسات و ادارات نظامی باید به طور مشخص پیش برده شود. سربازان و منسوبین قوای مسلح را باید با مثال‌ها و نمونه‌های مشخص قهرمانی و شجاعت، با اتکا بر بهترین سنن مبارزه آزادی‌بخش خلق ما، تربیت کرد. ما هیچگاه از لحاظ موجودیت قهرمانان که حاضر به فدا کردن زندهگی خود به خاطر شرف و آزادی وطن محبوب ما اند کمبودی نداشته ایم، اما هنوز درباره قهرمانی‌ها و فداکاری‌های آنان کمتر و با محجوبیت بی مورد حرف می‌زنیم. مردم اکثر نام‌های قهرمانانی را که در دفاع از خود مردم، در دفاع از انقلاب و وطن شهید شده اند، به خوبی نمی‌دانند. ما در امر تبلیغ و ترویج خود هنوز نیاموخته ایم که چگونه قهرمانی و شهادت قهرمانان را به مدرسه تربیت دلیری و قهرمانی برای توده‌های وسیع مبدل سازیم. جوانان را باید با این مثال‌ها و نمونه‌ها تربیت کرد.

سوم اینکه: کار حزبی - سیاسی در نیروهای مسلح باید در خدمت وظیفه عمده یعنی ارتقای قابلیت رزمی قطعات، تحکیم دسپلین، ارتقای مهارت و توانایی رزمی هر فرد از منسوبین نیروهای مسلح و فراگرفتن بهتر استفاده از سلاح و تاکتیک جنگی معاصر باشد. ثمر دهی کار سیاسی باید در امور مشخص انعکاس و تبارز یابد. در جایی که این کار به خوبی پیش می‌رود، قطعه نظامی خوب جنگی می‌کند. در



آنجایی که سر و وضع و سیمای سربازان درست و منظم است و سلاح شان پاک است و سلاح خود را چون ناموس خود حفظ می‌کنند، دسپلین عالی و سازمان‌پذیری عالی وجود دارد و امر قوماندانی به شکل نمونه اجرا می‌شود.

چهارم اینکه: در کار حزبی سیاسی عمده است که کارمندان سیاسی، سربازان را بشناسند، بتوانند به هر کدام برسند و همیشه در میان توده سربازان باشند. باید سربازان را شناخت، وضع روانی و حالت آنانرا درک کرد و بموقع و درست بر آنان اثر گذاشت. باید از سربازان مواظبت کرد، شرایط مناسب معیشتی را برایشان مهیا ساخت، در آموختن سواد و فراگرفتن حرفه و مسلک مفید به آنان کمک کرد. من درین باره دگر صحبت نمی‌کنم که در اردوی نوین انقلابی به خودخواهی و بلند پروازی و از همه بدتر به برخورد توهین آمیز و تحقیر آمیز نسبت به سربازان، لت و کوب و غیره نباید اجازه داده شود. متأسفانه این چنین حوادث شرم آور بعضاً هنوز به مشاهده می‌رسد.

به این ترتیب، هنگامی که ما کار حزبی سیاسی را در سطح لازم برسانیم تمام اردو، همه خاندوی و خاد عوض خواهند شد و بهتر از امروز وظایف خود را انجام خواهند داد. ماهیت مسأله در این امر نهفته است که کار حزبی سیاسی به سطح مطالبات کنونی حزب ارتقا یابد. نیروهای مسلح را به دور حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تحت رهبری آن باید متحد و یکپارچه ساخت و منسوبین نیروهای مسلح را با روحیه دوستی خلل ناپذیر و برادرانه افغان شوروی، همبسته‌گی رزمجویانه انترناسیونالیستی با منسوبین اردوی قهرمان شوروی و نفرت نسبت به دشمنان انقلاب، تربیت نمود.

برای اردو، برای نیروهای مسلح به طور عموم، افزایش بیشتر فعالیت و رزمندگی ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی اهمیت خاص دارد. مسأله برسر آنست که کارمندان سیاسی در اعماق همه جهات زنده‌گی و فعالیت جنگی منسوبین قوای مسلح وارد شده نسبت به کمبودها و نقایص آشتی ناپذیر باشند. در انتخاب و جابجا ساختن کادرهای نظامی تأثیر فعالتر داشته و در همه حلقه‌های ارگانیزم نظامی اسلوب و شیوه حزبی کار را با پیگیری پیاده کنند. بدون این امر ممکن نیست که خوب، درست، ثمربخش و سازنده کار کرد. در عین زمان باید خاطر نشان کرد که همین مسأله نیز یکی از نقاط ضعف فعالیت بعضی از ارگان‌های سیاسی و

سازمان‌های حزبی و قوماندانی نیروهای مسلح را تشکیل می‌دهد.

همه این مسایل در نخستین جلسه مشورتی سرتاسری منشیان سازمان‌های اولیه اردو که نظر به فیصله بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در ماه عقرب سال جاری دایر گردید، مورد بحث و ارزیابی همه جانبه قرار گرفت. اکنون بسیار اهمیت دارد که اجرای بلا انحراف دستورالعمل‌های که در اسناد جلسه مشورتی انعکاس یافته است، تحقق یابد. این اسناد برنامه کوتاه مدت و درازمدت سازمان‌های حزبی اردو را در جهت بهبود همه جانبه کار حزبی در میان منسوبین عسکری می‌سازد.

یکی دیگر از مسایل مربوط به بهبود و تکمیل کار حزبی سیاسی در میان منسوبین نیروهای مسلح مبارزه به خاطر تحکیم وحدت صفوف حزبی و ارتقای سطح دسپلین آهنین حزبی و نظامی است.

بعد از دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سازمان‌های حزبی منجمله در نیروهای مسلح روند رشد یا بنده یکپارچه‌گی نیرومند صفوف حزبی و تحکیم دسپلین حزبی جریان دارد. این روند را باید هرچه بیشتر رشد داد و تحکیم بخشید. عمده اینست که بین قوماندانان و کارمندان سیاسی، قرارگاه‌ها و سازمان‌های حزبی، کار دوستانه، رفیقانه و وطنپرستانه و بر اساس توافق، هماهنگی و همکاری و در مناسبات بین اعضای حزب حسن نیت، احساس اعتماد، اطمینان و اصولیت تأمین گردد. در عین زمان باید علیه کسانی که به عوامفریبی، تهمت زنی، افتراء، عصبانیت‌ها و هیجانات بی‌مورد و راپوردهی بدون حقایق، اعمال و گفتار تحریک آمیز و خلاف اصول رفاقت می‌پردازند و فعالیت شان به تحکیم وحدت صفوف حزبی، ایجاد فضای سالم در بین کلکتیف حزبی لطمه وارد می‌کند، بی‌امان و قاطعانه مبارزه کرد. وقت آن رسیده است که همه کس بدانند که حزب ما، حزب حاکم است و اکنون وحدت با دسپلین، با توسعه و تحکیم حاکمیت خلق، با ارتقای قدرت جنگی نیروهای مسلح و با پیروزی قطعی انقلاب ثور ارتباط مستقیم و بلاواسطه دارد. کسی که به وحدت حزب بخصوص در قوای مسلح مساعدت نمی‌کند در واقعیت امر آگاهانه یا ناآگاهانه آب به آسیاب ضد انقلاب می‌ریزد و در خدمت دشمنان اندیشه ما قرار دارد. حزب را باید هرچه با جرأت تر از این عناصر پاك ساخت. چنین است مطالبه دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی

حزب. حکم اصولی این پلینوم ما یعنی سیزدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز باید چنین باشد و چنین است.

با اینها، یکی از مسایل مهم دگر کسب پیروزی بر ضد انقلاب مسلح نیز ارتباط دارد. مسأله بر سر ضرورت انکار ناپذیر تکمیل، بهبود و فعال ساختن تاکتیک ماست. درینجا باید با صراحت گفت که علی‌الرغم همه اهمیت و جدیت آن، ما هنوز به این مسأله توجه لازم را مبذول نداشته ایم. مانند گذشته، حالت انفعالی و پاسیف رفع نشده و طرق مؤثرتر و جدید مبارزه کشف و عملی نگردیده است. هنوز قاطعیت و برش در اداره و ابتکار جنگی ناکافی است.

مبارزه علیه باندهای ضد انقلاب به داشتن قدرت عالی تحرك و مانور، پخته‌گی نظامی و فعالیت دایمی تعرضی ضرورت دارد. متأسفانه قوماندانان، کارمندان سیاسی و قرارگاه‌ها این خصوصیات را به حد کافی مدنظر نمی‌گیرند. يك عده از آنها تكتيك دفاعی را ترجیح داده در قلعه‌ها محصور میمانند. سعی نمی‌کنند از دشمن سبقت جویند، اراده خود را تحمیل کنند و آنها را محاصره کنند و حتماً سرکوب سازند. اگر از عملیات نتایج غیر قناعت‌بخش سیاسی و نظامی به دست آید این را نه باید معلول برتری تناسب نیروهای دشمن دانست، بلکه عامل آن، پاسیف بودن و عدم قاطعیت نیروهای مسلح، متحدالشکل بودن تاکتیک‌ها و عدم رعایت قواعد بسیط ستر و اخفا است. باید فن کمین گرفتن، دیسانت کردن و جنگ کوماندویی علیه باندیتیزم را ماهرانه و قهرمانانه آموخت و اجرا کرد. امر کشف و تأمین اطلاعات از دشمن امر جدی و حیاتی است که باید صحیح، تأمین گردد.

وظیفه آنست که باید عطالت و پاسیف بودن را رفع کرد و به نیروهای ضد انقلاب چنان تاکتیکی را تحمیل نمود که آنان را در موقعیت نامساعد قرار دهد و در جریان امسال و سال آینده چرخش بنیادی در تمام اوضاع نظامی - سیاسی کشور تأمین گردد. همین موضوع هم جان مطلب را می‌سازد، ضدانقلاب قوی‌تر نشده است، بلکه آخرین نفس‌ها را میکشد و عنقریب از پا می‌افتد. سرکرده‌گان شان قادر نیستند عملیات بزرگ نظامی را سازمان دهند. تاکتیک آنان حمله بر مواصلات، خرابکاری در مؤسسات و ارعاب و شانتاژ مردم است. ما همه امکانات را برای آن داریم که شکست قطعی را به نیروهای ضد انقلاب وارد کنیم و شرایط را برای توسعه حاکمیت دولتی در سرتاسر قلمرو کشور فراهم آوریم. سال ۱۳۶۳ باید سال

قاطع پیروزی ما علیه ضدانقلاب باشد.

واضح است که ما بدون قوای مسلح طراز نوین انقلابی، اردوی مردمی، خارندوی مردمی و خاد مردمی قوی و گروه‌هایی نیرومند دفاع از انقلاب نمی‌توانیم وظیفه دفاع از انقلاب در برابر تجاوز ارتجاع منطقه و امپریالیزم را انجام دهیم بنابراین مسأله تحکیم نیروهای مسلح و افزایش قابلیت رزمی آن امریست مربوط به همه سازمان‌های حزبی، دولتی و اجتماعی.

در اخیر این موضوع به آنانی که بدون وظایف محوله و مشخص با مداخله و تماس های بیجا و بی‌مورد که ساحه کار و فعالیت شان نیست، اخطار داده می‌شود که با این رفتار خود سبب دسپلین شکنی و بی انضباطی در قوای مسلح یعنی اردو، خارندوی و خاد نگردند. همچنان به هر سه بخش قوای مسلح ابلاغ می‌گردد که با هم اشتراك مساعی، همکاری و هماهنگی رفیقانه را تأمین نمایند.

رفقا!

اکنون دربارهٔ يك مسأله مهم دگر صحبت می‌کنیم که نه تنها برای حصول پیروزی برضد انقلاب مسلح، بلکه برای آنکه پیروزی به طور استوار و محکم حفظ گردد و ضد انقلاب مسلح دگر هیچ وقت نتواند در کشور ما سر بلند کند، اهمیت دارد و ضرور است حل گردد. فکر می‌کنم وقت آن رسیده است که به کار دفاع خودی واقعی در محلات آغاز کنیم. ما چیز مشخصی در نظر داریم؟ همه شما می‌دانید که اردو، خارندوی و خاد وظایف معین دارند که ناشی از خصوصیات آنها می‌باشد. البته ما باید سعی کنیم و دایماً سعی می‌کنیم که همه بخش‌های نیروهای مسلح و تمام مؤسسات نظامی به حیث اجزای متشکله میکانیزم واحد دفاعی کار کنند، یکدگر را تحکیم نمایند و تقویت بخشند و به صورت منظم، دقیق و مؤثر فعالیت نمایند. همه اینها موضوعات روشن است. اما رفقا، باید به خود مردم امکان داد تا مستقیماً از خود، از خانواده خود، از ده و قریه خود، از سرک، پل، مؤسسه و اداره در محل خود دفاع کنند. چنانکه در نهمین پلینوم کمیته مرکزی خاطر نشان شد، نباید انتظار داشت که هر رمه گوسفند و خرمن گندم را قطعات مخصوص اردو و خارندوی حفظ کنند، یا اینکه در عقب هر دهقان در مزرعه و هر چوپان در چراگاه یکنفر سرباز مسلح برای حفاظت گماشته شود.

لذا باید نیروهای مردم را در امر دفاع از خود بیرون کشید، از قید رها کرد، رشد و توسعه داد و تحکیم بخشید. اینکار نه تنها برای دفاع خودی مهم است، بلکه راه مهم جلب توده‌های وسیع در امر تکامل انقلاب و دفاع از آن می‌باشد. این امر مهم و ضرور برای توسعه پایه اجتماعی انقلاب ماست. این مسأله از درون زنده‌گی ما بیرون آمده و نضح یافته است. در حال حاضر ما چنان سیستم دفاع خودی نداریم که در همه جا در همه محلات و به مقیاس سراسر کشور فعالیت نماید. اما عناصر اساسی آن تشکیل یافته با موفقیت عمل می‌کنند و در پراتیک جنگ‌ها قابلیت رزمی خود را نشان داده اند. اکنون دارای گروه‌هایی نیرومند مدافعین انقلاب و دفاع خودی و سپاهیان انقلاب هستیم. این بخش مربوط به کمیته‌های حزبی ولایتی و لسوالی و علاقهداری، کمیته‌های حزبی ناحیه وی و شهری و کمیته‌های حزبی مؤسسات است. بریگادهای نظم اجتماعی مربوط به سازمان دموکراتیک جوانان، قطعات قومی و منطقه‌وی و گروه‌هایی ملیشا، عده قابل ملاحظه را می‌سازند. من قبلاً یادآور شدم که تعداد اعضای سابق باندها، اکنون با حاکمیت انقلابی همکاری می‌نمایند. این کار در جهت تجرید و روفت و روب ضد انقلاب که اهمیت خاصی را حایز است، ادامه دارد. اما در واقعیت امر هیچکس کار مشخص سازمانی و سیاسی را با باندهای سابق بعد از عقد پروتوکول پیش نمی‌برد. این یکی از پدیده‌های اساسی رشد جامعه و انقلاب است. درین کار باید نظم را به وجود آورد. فکر می‌کنم که بخش قابل ملاحظه آنها و همچنان قطعات قبایلی باید شامل قطعات منطقه‌وی گردند. مسؤولیت عمومی آن را می‌تواند وزارت دفاع به عهده گیرد.

بخش دگر باندهای سابق که به ما پیوسته اند قرار معلوم می‌توانند که با گروه‌هایی دفاع خودی یا گروه‌هایی مدافعین انقلاب یکجا شوند. تأمین و رهبری میتودیک آنها می‌تواند به عهده وزارت داخله باشد.

اما چنانکه می‌بینید، تا کنون وضع بسیار رنگارنگ و متضاد است. همه این قطعات به ترتیب مختلف و اشکال مختلف تأمین و تربیت می‌شوند. در عده از موارد نظم درست وجود ندارد. عمل متقابل مفید و مشترک نیز وجود ندارد. در مسایل تأمین مادی و تخنیکی، تربیت و جهت دهی سیاسی، مجازات و مکافات پرسونل و تأمین خانواده بی که نفقه کننده خود را از دست می‌دهد، برخورد واحد لازم وجود ندارد. دفاع خودی محلات باید متشکل از صدها هزار و حتی میلیون‌ها فرد باشد. اکنون به یقین کامل، اکثریت مردم می‌خواهند در اینکار سهیم گردند، اما هنوز نمی‌دانند

چگونه آن را انجام دهند. کار پیچیده بی نیست؛ گروه‌هایی دفاع خودی در همه جا نظر به محل زیست و محل کار تأسیس می‌گردد. هسته آنرا اعضای حزب، وطنپرستان واقعی، فعالین جبهه ملی پدروطن و سازمان‌های اجتماعی و توده‌یی عضو آن، می‌سازند. مسؤولیت تشکیل این گروه‌های و کنترل بالای آنها قبل از همه به عهده ارگان‌های محلی حاکمیت دولتی است. البته وزارت دفاع وزارت داخله و خاد مؤظفند در این کار سهم فعال بگیرند.

به این ترتیب خود سیستم ارگان‌های حاکمیت انقلابی در محلات نیز قوی‌تر، نیرومندتر، با ثبات‌تر و با اتکای بیشتر توده‌یی و در آخرین تحلیل دموکراتیک‌تر خواهند بود. لازم است که مقررات دفاع خودی در محلات طرح گردد و فرمان‌ها و مصوبات مربوط به تصویب برسد تا در آن همه کمپلکس و وظایف در جهت سازماندهی، رهبری و تأمین رشد، آماده ساختن و تجدید آمادگی کادرهای ضرور و غیره مد نظر گرفته شود و نباید اینکار را پیچیده ساخت و به تعویق انداخت. چنین سیستم‌ها مدت‌ها در سایر کشورهای انقلابی به وجود آمده و فعالیت می‌نمایند، درست بودن آنها به اثبات رسیده و وقت آن است که ما نیز چنین سیستمی داشته باشیم.

تشکیل این سیستم مخصوص حالا بیشتر از هر وقت به موقع است. زیرا در افغانستان باندهای بزرگی که پیشبرد عملیات منظم نظامی علیه شان لازم باشد، آنقدر زیاد نیست. باندیت‌ها به شکل گروه‌هایی کوچک و بعضاً به صورت انفرادی عمل می‌کنند برای کشف و خنثی ساختن آنها و جلوگیری از ایجاد باندهای جدید همیشه نیروهای مسلح هم لازم نیست. برای سازمان دادن کشف، افشاء تعقیب و امحای کامل آنها به طوری که زمین زیر پای باندیت‌ها آتش گیرد دفاع خودی در محلات لازم است. به همین خاطر هم این سیستم باید خصوصیت سرتاسری ملی داشته باشد. بخصوص این امر در پهلوی قوای مسلح منظم در شرایط جنگ‌های تجاوز کارانه وسیع ارتجاعی و امپریالیستی اهمیت عظیم در زمینه دفاع ملی کسب می‌نماید. لازم است که باز هم اهمیت این امر تأکید گردد که باید تمام کار ما در عرصه مبارزه علیه ضد انقلاب مسلح و توسعه و تحکیم حاکمیت در محلات بر مبنای پلان‌های کمپلکس مربوط استوار باشد. در سال گذشته برای مناطق مختلف از این پلان‌ها ترتیب داده بودند و امسال آنها خصوصیت سرتاسری کسب نمودند. چندی قبل بیروی سیاسی جریان اجرای این پلان‌ها را مورد تحلیل و ارزیابی قرار

داد. معلوم شد که به موازات بعض نکات مثبت و تجربه اندوخته شده، وظایف مطروحه به طور کامل تطبیق نخواهد شد و ما ناگزیریم در آنها تجدید نظر به عمل آوریم.

چرا این طور واقع شد؟

قبل از همه ما تجربه تدوین چنین پلان‌ها را نداشتیم و هنگام طرح آن در حد قابل ملاحظه و لانتاریزم رخداده بود. تعداد زیاد تدابیر پلان شده از لحاظ امکانات واقعی نظامی، شرایط مادی، امکانات مالی، کادرها و کار سازمانی، ایدیولوژیک و سیاسی عملی نشده بود. هنگام تهیه پلان سال ۱۳۶۳ باید همه جوانب سنجیده شود و مستدل و هماهنگی گردد. پلان‌ها باید تشدید، اما واقعی باشند. باز پرس از اجرای کامل و بلاقید آنها جدی، سخت و مشخص خواهد بود.

بر علاوه، ارگان‌های مرکزی حزبی و دولتی در زمینه اجرای پلان‌های کمپلکس سطح عالی رهبری را نشان داده نتوانستند. مبالغه نخواهد بود اگر گفته شود که رفقای مسؤول در این امر مطلب عمده را درک نکردند. برخورد کمپلکسی به این معنی است که وزارت‌ها و ادارات مرکزی باید به کار در محلات و تحکیم حاکمیت انقلابی توجه دایمی و همه روزه داشته باشند. اشخاص مسؤول ما درینجا، در کابل به درستی درک نمی‌کنند که اکنون مسائل اساسی انقلاب در محلات حل و فصل می‌شود.

در عین زمان کمیته‌های حزبی در ولایات، شهرهای ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها و ارگان‌های محلی قدرت حاکمه، پیگیری و ابتکار لازم را در استفاده از منابع و امکانات محلی نشان نمی‌دهند. در کار آنها کمبود حالت تعرضی و رزمندگی و ضعف روحیه عالی انقلابی احساس می‌گردد. همه اینها یکبار دگر ثابت می‌سازد که برای حزب و قدرت حاکمه واقعاً لازم است که به فانونین و عالی تر کار ارتقا نمایند. در همین مقیاس همه اعضای حزب، همه وطنپرستان نیز باید فعالیت روزانه خود را به سطح جدید ارتقا بخشند و به آن محتوای واقعی انقلابی بدهند.

اکنون درباره تقویت هماهنگی (کوردیناسیون) در فعالیت ارگان‌های حزبی، دولتی و نظامی صحبت می‌کنیم. در حال حاضر این مسأله یکی از میرمترین مسایل است، زیرا بدون هماهنگی، بدون توافق و عمل مشترک هیچ پلان کمپلکس و تحقق آن

ممکن نخواهد بود. باید خاطر نشان ساخت که در چارچوب میکانیزم دولتی ما، هر بخش آن باید خصوصیات مربوط به خود را حفظ کند، اما در عین زمان باز هم تأکید می‌کنیم که آنها موظف اند در توافق و هماهنگی رفیقانه عمل نمایند. باز هم تأکید می‌کنم آیا این وضع را می‌توان تحمل کرد که قطعات محارب اردو، خازندوی و خاد سیستم عمل مشترک و متقابل با یکدیگر را ندارند؟ نتیجه این می‌شود که ما دشمنان خود را نه با مشت محکم و گره شده، بلکه با انگشتان جدا از هم می‌کوبیم و جای تعجب نیست که باندها به ساده‌گی مانند ریگ یا آب از میان انگشتان پراکنده می‌گذرند. وقت آن رسیده است، که برای سال ۱۳۶۳ نظم و ترتیب جدی در فعالیت‌های هماهنگی و توافق شده قطعات و جزوات‌های بخش‌های مختلف قوای مسلح در امر پاک سازی مناطق از باندهای مسلح، توسعه و تحکیم قدرت حاکمه دولتی در محلات، دفاع مطمئن از دستاوردها و تأمین و تحکیم موفقیت‌ها از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، ایدئولوژیک و سیاسی برقرار گردد.

چنانکه می‌دانید، در دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به این مسایل توجه بزرگی صورت گرفت. مطابق به فیصله‌های آن پلینوم در زون‌ها، ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها قرارگاه‌های مربوط جهت هماهنگی امور به وجود آمده و به فعالیت آغاز نموده اند. مقررات این قرارگاه‌ها نیز به تصویب رسیده است. و همین قرارگاه‌ها باید بر اساس صلاحیتها و اختیاراتی که دارند عمل مشترک و هماهنگی ارگان‌ها و خدمات مختلف، استفاده و به کار انداختن کامل منابع و وسایل موجود را سازمان دهند و آمران ارگان‌ها و خدمات اعم از نظامی و ملکی باید بر اساس احکام، دستورها و رهنمودهای قرارگاه‌ها و به نفع اجرای پلان کمپلکسی توسعه و تحکیم قدرت حاکمه در محلات، نه بر اساس فقط منافع ارگان‌های خود، عمل کنند.

از آنجایی که بعضی رفقا مسأله را کاملاً درک ننموده اند، باید یکبار دگر تأکید کرد و خاطر نشان نمود که کار قرارگاه‌ها بر اساس رهنمودها و دستورالعمل‌های حزب و تحت رهبری دایمی آن صورت می‌گیرد. همه مسایل مهم و اصولی باید در کمیته‌های حزبی مربوط مورد غور و بررسی قرار گیرد. تأمین فعالیت و عمل مشترک و متقابل برای حل این مسایل و وظیفه عمده قرارگاه‌هاست.

اما باید گفت که همین اکنون زنده‌گی و پراتیک کار نشان می‌دهد که این مسأله به



صورت غیر اصولی حل ناشده باقی مانده است. زیرا قرارگاه‌های هماهنگی فقط در سطح زون، ولایت و سطوح پایین تر فعالیت می‌کنند. در مرکز هنوز ارگانی وجود ندارد که اداره دایمی و رهبری عاجل کار قرارگاه‌های پایینی را تحقق بخشید و مساعی وزارتخانه‌ها و ادارات را در حال پروبلم‌های محلات دایماً هماهنگی سازد. مراجعات آمران قرارگاه‌های زون‌ها و ولایات که به عکس‌العمل سریع ارگان‌های مرکزی نیاز دارند، معمولاً به طور بطی و غیرعاجل بررسی می‌گردد و اکثر مسایل مطروحه حل نمی‌شود.

کمیسیونی که به اساس فیصله بیروی سیاسی تحت ریاست رفیق کشتمند تشکیل شده است صلاحیت‌های بزرگی دارد و من متیقن هستم که مسایل اصولی هماهنگ ساختن فعالیت‌ها در امر تحکیم و توسعه قدرت حاکمه در محلات، تهیه پیشنهادها برای بررسی در بیروی سیاسی را حل نموده می‌تواند و باید هم بتواند در عین زمان واضح است که حل مسایل جاری که هر روز و هر ساعت بروز می‌کند، کنترل اوپراتیفی و عاجل از اجرای آن، ارتباط با محلات، تعمیم اطلاعات و غیره وظیفه این کمیسیون نه، بلکه وظیفه ارگان کار آن بوده می‌تواند. بنابراین مفید و معقول خواهد بود اگر مسأله ایجاد قرارگاه مرکزی هماهنگی به حیث ارگان مستقیم اجرایی و ایجاد اپرات آن حل و فصل گردد.

فکر می‌کنم، گروه کارمندان اوپراتیفی این قرارگاه باید بالنسبه کوچک اما برای انجام کمپلکس مسایل اوپراتیفی، فعالیت همه بخش‌های قوای مسلح، قرارگاه‌های زون‌ها و ولایات در ساحه مبارزه علیه ضد انقلاب و استقرار و تحکیم حاکمیت دولتی، کافی باشد. کارمندان قرارگاه مرکزی باید دارا صلاحیت‌های لازم برای اجرای دستورهای کمیسیون باشند. آنان تنها باید تابع کمیسیون و آمرین قرارگاه باشند، نه نماینده‌گان منافع ادارات جداگانه.

در اخیر این بخش می‌خواهم ابراز اطمینان کنم که همه ارگان‌های حزبی و دولتی هم در مرکز و هم در محلات، تمام اعضای حزب تشویش و نگرانی ما را از وضع موجود در کشور عمیقاً درک می‌کنند و هم تدابیر لازم را جهت بهبود آن به نفع مردم، به نام سعادت و رفاه مردم، به نام انسان افغان و برای شگوفانی وطن محبوب مان افغانستان اتخاذ می‌نمایند.

رفقا!

اجازه دهید، اکنون درباره بعض از مسایل اصولی تکامل و بهبود بیشتر نظام سیاسی انقلابی ما صحبت نماییم.

حزب ما همیشه معتقد بوده است که در این مرحله تاریخی به عوض رژیم سلطنتی محمد ظاهر و رژیم فیودالی اشرافی و بیروکراتیک داود تنها نظام ملی و دموکراتیک می‌تواند و باید استقرار یابد. ماهیت آن متکی بر اینست که ترقی ملی وطن تنها از طریق تحولات دموکراتیک تأمین می‌گردد. یعنی از طریق چنان تحولاتی که منافع اساسی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران، ملیت‌ها، اقوام و قباایل و همه زحمتکشان وطن واحد مان افغانستان را منعکس سازد. وسیله و ضامن عمده این تحولات حاکمیت دولتی ماست. در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان حاکمیت به حیث قدرتی که بیانگر اراده اتحاد وسیع نیروهای ملی و وطنپرست متکی بر توده‌های زحمتکش و قبل از همه متکی بر اتحاد کارگران و دهقانان به اشتراک همه وطنپرستان واقعی کشور می‌باشد، تعریف شده است.

استقرار، تحکیم و تکامل چنین حاکمیت انقلابی و سیستم عادلانه اجتماعی که بهترین سنن سیاسی، ملی و فرهنگی وطن ما، منجمله اعتقاد تاریخی اکثریت اهالی کشور به دین اسلام را در خود جمع نماید، کار بسیار پیچیده و طولانی است. بر علاوه ما اینکار را در اوضاع آرام نه، بلکه در شرایط تلاش‌های بلا انقطاع ضد انقلاب به غرض عدم استقرار وضع و جلوگیری از اعمار جامعه نوین و نظام اجتماعی نوین، عادلانه و مترقی انجام می‌دهیم.

علی‌الرغم همه اینها به طور پیگیر و استوار درین جهت پیش می‌رویم. بر علاوه لحظه آن فرا رسیده است که بتوانیم گام نوینی را که از مطالبات زنده‌گی و اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، منافع تحکیم حاکمیت انقلابی در محلات و دموکراتیزه ساختن بیشتر آن ناشی می‌گردد، برداریم و باید برداریم.

چنانکه شما می‌دانید، بر اساس احکام برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و فیصله‌های دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان چندی قبل شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در اجلاسیه فوق‌العاده

خود قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان را به تصویب رسانید. تصویب این قانون اهمیت عظیم سیاسی و عملی دارد و شالوده دموکراسی واقعی (نه دموکراسی فیودالی و بورژوازی) را شیرازه بندی می‌کند.

باید در نظر داشت که هنوز حاکمیت دولتی زحمتکشان در سراسر کشور استحکام نیافته است و یکی از علل عمده این امر تحریکات، تجاوزات و جنگ اعلان نشده ارتجاع و امپریالیزم و جنگ بانديتيزم است. علت تاریخی دگری هم موجود است و آن اینکه در تمام سیر تاریخ کشور تا آخرین دوره رژیم اختناق داود، هیچ وقت در سراسر کشور، در افغانستان، حکومت‌هایی به مفهوم نماینده مرکز وجود نداشته است. و در قسمت اعظم کشور قانون دولتی و کشوری هیچگاه تطبیق نگردیده است. در واقعیت امر اگر ما مرکز (کابل) را و چند شهری را که در این اواخر، بعد از استقلال افغانستان در آنها چیزی به نام حکومت محلی به وجود آمد استثنا قرار دهیم، باقی در تمام ولسوالی‌ها، در قریه‌ها، ده‌ها و علاقه‌داری‌ها، در دره‌ها و اطراف و اکناف کشور ارگان‌های قدرت محلی دولت به مفهوم واقعی آن وجود نداشته است. در واقعیت، حکومت‌های مرکزی برای بقای خود دو - سه نماینده خود را به محلات اعزام می‌داشت که در کنار طبقات و اقشار حاکم فیودالی، روحانیون مرتجع، صاحبان نفوذ مرتجع محل، دشمنان خلق و دشمنان زحمتکشان کمیته بی‌را تشکیل می‌دادند و مردم را می‌چاپیدند. در حقیقت این حکومت‌های نام نهاد محلی در کشور، نماینده و مدافع مستقیم طبقات حاکم ستمگرو استثمارگر محل بودند.

چنین عاداتی را از کشور محو ساختن، توده‌های مردم را به طرف حکومتی که خود را اداره کنند کشانیدن، کار سهل و ساده بی نیست. این کار بزرگ و سهمگینی است که در برابر حزب ما و دولت ما قرار دارد. ازینرو باید با تمام قدرت فوق العاده انقلابی، بالاتر از امکانات خود در راه ایجاد ارگان‌های محلی قدرت دولتی و اداره در محلات بپردازیم.

بدون تکرار آنچه که در اجلاسیه فوق العاده تذکر رفت می‌خواهم توجه شما را به نکات ذیل درین رابطه معطوف دارم.

۱- اکنون ما به کار ایجاد ارگان‌های جدید حاکمیت در محلات آغاز می‌کنیم. حزب، همه سازمان‌های اجتماعی عضو جبهه ملی پدر وطن، تمام وطنپرستان باید عمیقاً

بدانند که اصل موضوع بر سر تعویض نام این ارگان‌ها، مثلاً مبدل کردن والی به رئیس کمیته اجرایی‌های جرگه (شورا) نیست. نه تنها کلمات و مفاهیم، بلکه خصلت و ماهیت اداره نیز تغییر می‌یابد. قدرت اجرایی‌های در محلات قدرت جمعی خواهد بود که دانش و فهم افراد با اعتبار، محترم و آگاه محلی را با اصول تقنینی. جاری تلفیق خواهد داد و با در نظر داشت شرایط محلی و قوانین عمومی کشور فعالیت خواهد کرد.

این امر نیز از اهمیت اصولی برخوردار است که جرگه‌ها (شوراها) دارای صلاحیت‌های تقنینی در محل می‌باشند و اجرای فیصله‌های آن‌ها در صورت عدم تضاد با قوانین جمهوری دموکراتیک افغانستان برای همه مؤسسات و سازمان‌ها و همه افرادی که در ساحه مربوط جرگه (شورا) قرار دارند، حتمی است. همچنان مهم است که قدرت اجرایی، تقنینیه و اداره در محلات در دست نماینده‌گان منتخب مردم خواهد بود. جرگه‌ها (شوراها) تصمیم می‌گیرند، کمیته‌های اجرایی‌های و نماینده‌گان مردم در جرگه‌ها (شوراها) تعمیم این تصمیم را با جلب قشرهای وسیع زحمتکشان و همه مردم در اجرای وظایف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سازماندهی دفاع خودی و اعمار حیات نوین سازمان می‌دهند.

۲- برتری دگر ارگان‌های جدید حاکمیت عبارتست از تلفیق معقول سنترالیزم با دموکراسی. هیچ نظام استثماری سابق قادر نبود این مسأله را حل کند.

استثمار گران میکانیزم دولتی را علیه زحمتکشان، یعنی علی اکثریت قاطع اهالی کشور به کار می‌بردند. سنترالیزم آنان خصلت جابرانه ارتجاعی، استبدادی و خصمانه نسبت به مردم را داشت.

برخورد ما نسبت به این مسأله مستقیماً نقطه مقابل برخورد آنهاست. از لحاظ اصول، هدف ما اینست که توده‌های زحمتکش، خود امور دولتی و اجتماعی را اداره کنند و این چنین خواهد شد. اما اکنون در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک ما با مناسبات اجتماعی غیررشدیافته‌یی سروکار داریم. توده‌های زحمتکش که بهترین نماینده‌گان شان به طور آگاهانه و بدون تزلزل زنده‌گی خود را به خاطر انقلاب و وطن فدا می‌سازند، هنوز مهارت‌های اداره جامعه و دولت را فرا نگرفته اند و چنین سنتی در گذشته وجود نداشته است. اکنون ما هدف بالنسبه متواضعانه‌تر، ولی واقعی را در برابر خود قرار داده ایم، یعنی مانع مصنوعی را که استثمار گران

بین زحمتکشان و میکانیزم دولتی ایجاد کرده اند در هم می شکنیم، توده‌های زحمتکش را برای اشتراک در کار دولت جلب می‌کنیم به این ترتیب محتوای کار آنرا غنی و دموکراتیک می‌سازیم. گام به گام متناسب به سطح رشد و شعور و آگاهی سیاسی و اجتماعی خلق خود، ماشین کهنه و منسوخ دولتی را در کشور خود میشکنیم. هرگاه ما امروز با جنگ اعلان نشده مواجه نمی‌بودیم و خلق ما در شرایط صلح و امنیت زندگی می‌کرد، می‌توانستیم با سرعت بیشتر به این امر پردازیم ما این کار را به صورت آنی و عاجل اجرا نمی‌کنیم، بلکه همگام با پروسه رشد انقلاب سرانجام ماشین اداره دولت در هم می‌شکنند و باید در هم شکنند.

رهبر کبیر زحمتکشان جهان خاطر نشان می‌ساخت که اتباع باید در اداره کشور اشتراک نمایند و حاکمیت انقلابی را فقط به کمک اعتماد توده‌های بزرگ فقط به این وسیله که تمام توده‌ها به آزادترین، وسیعترین و نیرومند ترین شکل برای اشتراک در حاکمیت جلب کردند می‌توان حفظ کرد.

۳- لذا جلسات انتخاب کننده گان، انتخاب جرگه‌ها (شوراها و کمیته‌های اجراییه‌وی آنها نه تنها راهی برای ایجاد ارگان‌های دولتی در محلات و تأمین کار بهتر آنهاست، بلکه وسیله ایست برای جلب خود توده‌ها در حل پروبلم‌های محلی که مستقیماً در برابر شان قرار دارد. این راه توسعه و اشتراک آنان در امر انقلاب و راه تحکیم و توسعه پایه‌های اجتماعی انقلاب است. به این ترتیب ما می‌توانیم در امر ساختمان دولتی نیز به فاز جدید و عالیتر وارد شویم. تأکید می‌کنم که این به آن معنی نیست که ما در راه اداره غیرسازمان یافته و خود به خودی گام می‌گذاریم. به هیچ وجه چنین نیست. ارگان‌های نوین دولتی در محلات توسط رؤسای کمیته‌های اجراییه‌وی جرگه‌ها (شوراها) رهبری می‌شوند که دارای صلاحیت‌هایی اند و به خاطر کار درست، به خاطر رعایت بموقع و کامل قوانین دولتی و به خاطر آنکه منافع محلی و فردی و مانور های خودخواهانه مرتجعین جانشین منافع و اهداف حاکمیت انقلابی نگردد، مسؤولیت فردی دارند. همه این سیستم ارگان‌های محلی زیر کنترل و رهبری لازم از مرکز، از جانب هیأت رئیسه شورای انقلابی و کمیته اجراییه‌وی شورای وزیران خواهند بود.

در عین زمان باید مد نظر داشت که ارگان‌های تقنینی مرکزی و ارگان‌های اداره مرکزی همراه با ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی باید یک سیستم واحد به هم

مرتبط و منسجم را سازند. این سیستم واحد قدرت و اداره دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان است که بر اساس اصول سنترالیزم دموکراتیک با اشتراك وسیع توده‌های مردم تحقق اداره دولت را به طور علماً تنظیم شده و متمرکز امکان پذیر می‌سازد. در این رابطه، در شورای وزیران باید شعبات مربوط وجود داشته باشد تا کمیته‌های اجراییه‌ی جرگه‌ها (شوراها) را رهنمایی، کنترل و کمک کند و فعالیت اقتصادی و اداری آنها را تأمین نماید. همچنان در هیأت رئیس شورای انقلابی نیز باید شعبات متصدی امور جرگه‌ها (شوراها) به وجود آید تا به طور دائمی فعالیت آنها را به مثابه ارگان‌های تقنینی در محلات هدایت، رهنمایی و کنترل کند، به آنها کمک میتودیک نماید، کار در جهت فعال ساختن نماینده‌گان مردم را سازمان دهد و سازماندهی انتخاب و کنترل از رعایت اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و دستورهای شورای انقلابی و هیأت رئیس ه آن توسط جرگه‌ها (شوراها) را به عهده گیرد.

۴- کار سیستم نوین ارگان‌های محلی را نباید جدا از وظیفه عمده روز یعنی تقویت و تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب مدنظر گرفت. فکر می‌کنم اشتباه نیست اگر بگویم دشمنان ما هر روز بیشتر از روز پیش با این حقیقت سرسخت پی می‌برند که باندهای آنها ممکن نیست علی‌الرغم کمک‌های همه جانبه و ردیالانه امپریالیزم و ارتجاع بین‌المللی در رأس امپریالیزم امریکا بتواند قوای مسلح و انقلاب ما را با شکست مواجه سازد.

اینجا توطئه‌ی در میان است و گرنه اداره قصر سفید، اداره ریاست جمهوری ریگن و تمام محافل حاکم مرتجع جهان و باندها می‌دانند که محکوم به شکست اند اما آنها سعی می‌ورزند که پروسه پیروزی ما طولانی تر شود و افغانستان به حیث یک منطقه ستراتیژیک تبلیغاتی ضد جنبش‌های آزادیبخش، ضد صلح و سوسیالیزم و ضد اتحاد شوروی مورد استفاده قرار گیرد. اینجا مسأله برسر زمان است. ما باید هرچه زودتر در زمان کوتاهتر مسایل انقلاب خود را حل کنیم و انقلاب خود را به پیروزی برسانیم پیروزی ما در داخل کشور ضربه کوبنده و شکننده‌ی است بر پیکر ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم. دشمنان اکنون روی چیزهای دیگری حساب می‌کنند. آنها تلاش می‌ورزند در همه سلول‌های میکانیزم دولتی و اجتماعی ما، در همه منفذهای آن رخنه کنند، خود را به حیث عنصر دائمی در آن حفظ نمایند و تحکیم بخشند و به این وسیله ماهیت مثبت انقلاب ما را احاطه کنند و امکان

شگوفایی و تبارز نیروی کامل آنرا ندهند و بالاخره میکانیزم دولتی و اجتماعی ما را ضعیف، ناسالم، فاسد، بدون تحرك و غیره فعال بسازند.

در روشنی همه آنچه که گفته شد، ایجاد ارگان‌های نوین محلی و جلب توده‌های وسیع زحمتکشان در فعالیت روزانه آن امر ضروری است تا ضد انقلاب را که ماسک بر چهره کشیده است، افشا نماییم، از کنج و کناری که مخفی شده است بیرون بکشیم، تجرید کنیم و پلان‌های شوم و سیاه آنرا خنثی سازیم. و کسانی را که فریب خورده یا تحت تأثیر ترس و ارباب ضد انقلاب قرار گرفته اند باید در محل تجدید تربیت کرد، به کارهایی گماشت که مردم در آن ذینفع اند و به کار و زنده‌گی آبرومندانه شریفانه بازگردانید. به طور عموم بخش بزرگ کار با باندیت‌های سابق که با ارگان‌های دولتی پرتوکول عقد نموده و به حاکمیت انقلابی پیوسته اند، به عهده ارگان‌های محلی حاکمیت دولتی است. این ارگان‌ها باید تدابیری جهت جلب آنان به فعالیت شریفانه و آگاهانه، اشتراك در دفاع خودی محل و تحکیم حاکمیت انقلابی اتخاذ نمایند و به این امر مواظبت نشان دهند.

۵ - تحقق قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی در عمل از يك جهت دگر نیز مهم می‌باشد و آن عبارتست از پیگیری در کار ساختمان دولتی و از بین بردن عدم تناسبی که در این عرصه بین مرکز و محلات به وجود آمده است. شما می‌دانید که فوراً بعد از پیروزی انقلاب ثور و مخصوصاً مرحله نوین آن تا حدود ممکن ما سیستم ارگان‌های مرکزی حاکمیت را بر مبنای انقلابی تأسیس کردیم. اما ارگان‌های محلی از لحاظ ساختار خویش تغییر نیافتند و اشکال و میتودهای کار آنها در واقعیت امر مانند سابق باقی ماند. اکنون ما گام بسیار مهمی را برای به انجام رساندن تشکیل سیستم اداره از بالا تا پایین بر اساس اصول علمی بر می‌داریم. حالا مهم است که این سیستم به طور واقعاً انقلابی کار کند، مسایل را به نفع مردم به طور مطمئن و مؤثر و با اشتراك فعال و مستقیم خود مردم حل نماید.

۶- ارگان‌های محلی قدرت، تنها ارگان‌های حاکمیت نه، بلکه ارگان‌های اداره نیز می‌باشند. آنها وظیفه دارند اداره وضع محلات را به عهده گیرند و منجمله به خاطر تولید صنعتی و زراعتی، امور ساختمانی، کار ترانسپورت و مواصلات، مخابرات، تعلیم و تربیه، صحت عامه و غیره پاسخگوی باشند. آنها باید به همه مسایل اجتماعی و اقتصادی محلی بپردازند و تا حد ممکن با اتکا به خود تأمین

مواد مورد ضرورت و کمک به محل را سازمان دهند. همه این کارها باید در ارتباط و پیوند نزدیک با وزارتخانه‌ها و ادارات مرکزی صورت گیرد. اکنون وزارتخانه‌ها و ادارات مرکزی نیز به نوبه خود موظفند با اتکا بر ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی بیشتر و بهتر کار کنند و به ارگان‌های مذکور در حل همه مسایل کمک دایمی نمایند. وزرای ما موظفند بدانند که در شرایط جدید باید بین آنان و جرگه (شوراهای) محلی مناسبات نوین برقرار گردد.

اکنون وزارتخانه‌ها باید نه تنها بر ایرات خود در محلات، بلکه بر ارگان‌های جمعی نماینده‌گان مردم یعنی جرگه‌ها و کمیته‌های اجراییه‌وی آن که بیانگر نیازمندی‌ها، توقعات، خواست‌ها و بالاخره اراده مردم است نیز اتکا نمایند. حالا دگر رهبری تمام رشته‌ها و بخش‌های امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در محلات تحت کنترل، رهنمایی و هدایت مستقیم ارگان‌های محلی حاکمیت از طریق شعبات محلی وزارتخانه‌ها و ادارات در ساحه مربوطه صورت می‌گیرد. در عین زمان وزارتخانه‌ها و ادارات مرکزی در بخش کار مربوط مسؤلیت خود را نیز دارند، از اینرو آنها باید مناسبات درست، معقول، سازنده و ثمربخش را هم با ارگان‌های محلی حاکمیت و هم با شعبات محلی خود برقرار سازند. تنها به این طریق می‌توان از همه مزایای رهبری مرکزی استفاده کرد و منابع و امکانات محلی را برای رشد اقتصاد ملی در مجموع کاملاً جلب نمود. درینجا باید به اطلاع رفقاً رسانده شود که ما با تحقق برنامه اقتصادی مطروحه در یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی به موفقیت‌های معینی نایل آمده ایم. پلان تولید صنعتی ۹ ماه سال جاری به مقیاس تمام کشور به اندازه ۱۰۱ فیصد اجرا شده است. به مقایسه همین مدت سال گذشته حجم محصول ناخالص در سکتور دولتی و مختلط بیست و پنج فیصد یا معادل دو میلیارد افغانی افزایش یافته است. بنابر ارقام و معلومات مقدماتی، اگر همه بخش‌ها، وزارتخانه‌ها و ادارات وظایف سپرده شده را اجرا نمایند در اخیر سال جاری سطح سال ۱۳۵۷ در تولید، حاصل می‌گردد. البته باید در نظر داشت که بعد از سال ۱۳۵۷ است که در نتیجه اعمال ضد انقلاب سطح تولید به حد قابل ملاحظه کاهش یافت. در عین زمان بعض وزارتخانه‌ها و ادارات نتوانسته‌اند وظایف پلانی را اجرا نمایند. مانند سابق در تعداد زیاد مؤسسات، مخصوصاً مؤسسات نساجی از قدرت تولیدی موجود استفاده کامل صورت نمی‌گیرد و در همه جا اراده، پیگیری و ابتکار کافی در حل پروبلم‌های اقتصادی به طور یکسان وجود ندارد باید عمیقاً



درک کرد که هر گام در امر بازسازی و رشد اقتصاد ما ضربه بی است بر ضد انقلاب که قدرت آن کمتر از عملیات موفقانه نظامی نمی‌باشد. هر کدام از این گام‌ها به مردم کمک می‌نماید تا بهتر زنده‌گی کنند و کار بهتر و بیشتر را برای تکامل و دفاع انقلاب انجام دهند. ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی نیز موظفند این حکم را رهنمای عمل خویش قرار دهند.

۷- بالاخره درباره اهمیت بین‌المللی تدابیری که در ساحه دموکراتیزه ساختن حاکمیت ملی عملی می‌گردد. واضح است که در جریان رفع دشواری‌های مراحل اولیه انقلاب ملی و دموکراتیک، تحکیم ارگان‌های حاکمیت و اپرات اداره از طریق دموکراتیزه ساختن آنها نشانه نیرومندی انقلاب و نظام اجتماعی و دولتی نوین آن است. این پاسخ نیرومند و کوبنده به آنانی است که تلاش می‌ورزند این نظام را در هم کوبند و سهم کوچک ما در تحکیم دوستی و همکاری بین همه نیروهای پیشرو عصر ما که می‌خواهند مانند ما زنده‌گی خلق‌ها و کشورهای خود را بر مبنای انقلابی بهبود بخشند، نیز است.

رفقا! ما باید در این پلینوم یک سلسله مسایل سازمانی سیاسی مهم و اصولی را در رابطه با انتخابات آینده ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی حل و فصل نماییم.

قبل از همه تدویر چنین انتخابات باید درست سازمان یابد و از لحاظ سیاسی تأمین گردد. زیرا این اقدام در کشور ما برای نخستین بار عملی می‌گردد و نباید اجازه داد که شکل خود به خودی را بگیرد. همچنان نباید فراموش کرد که بنابر اوضاع موجود نظامی سیاسی و تفاوت شرایط در ولایات و ولسوالی‌های مختلف کشور ما امکان تدویر فوری، همه‌گانی و هم‌زمان انتخابات آزاد در همه جا هنوز وجود ندارد. در عین زمان ما نباید منتظر آن بمانیم که این شرایط یکسان و همگون شود و موانع در همه جا رفع گردد. قانون تصویب شده باید قبل از همه در جایی عملی گردد که حاکمیت انقلابی کاملاً وضع را تحت کنترل دارد. در آن ساحات و مناطقی که دشواری‌های وجود دارد نیز باید جرگه‌ها (شوراها) و کمیته‌های اجرایی‌های آنها انتخاب شوند، گرچه با ترکیب کامل و دربر گیرنده همه قریه‌ها و ده‌های سراسر کشور نباشند. درین حالات باید ترتیبی پیشینی گردد که کرسی‌های جرگه‌های شوراها مربوط به طور تدریجی پر شوند و برای این منظور یک تعداد کرسی‌های خالی و ریزرف باقی گذاشته شود. درینجا مهم است تا این مطلب درک

گردد که آغاز کار جرگه‌های ولسوالی‌ها، علاقه‌داری‌ها و قریه‌ها در حدود ساحه تحت تسلط و مساعدت واقعی آنها به مردم در حل پروبلم‌ها، خود به انگیزه نیرومند برای توسعه این جرگه‌ها، جلب مردم به رشد اداره اجتماعی از طرف خودشان، دفاع خودی و تکامل انقلاب در مجموع مبدل می‌گردد.

يك مطلب دگر: در قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان سیستم معرفی کاندیدان نماینده مردم در جرگه‌ها و اصول تدویر انتخابات معین گردیده است. کاملاً واضح است که حزب حاکم ما در انتخابات به مثابه نیروی واقعی رهبری کننده سیستم سیاسی کشور ما در بلاک واحد با همه نیروهای پیشرو و وطنپرست کشور که در جبهه ملی پروطن متحد شده اند، شرکت خواهد کرد. لذا شعارهایی لازم است که این وحدت را انعکاس دهد و کار زنده سیاسی و سازمانی لازم است تا این وحدت را تأمین کند.

در این امر وظیفه اساسی تمام حزب، همه سازمان‌ها و کمیته‌های آن و تمام اعضای حزب متمرکز است. همین کار حزب در میان توده‌هاست که به مردم کمک می‌کند تا انتخاب درست نمایند و افراد واقع شایسته و قابل اعتبار و آگاه را در جرگه‌ها برگزینند و از انتخاب دشمنان مردم که می‌خواهند در لباس دوستان آن نفوذ کنند جلوگیری کنند. ارگان‌های جدید و منتخب حاکمیت در عمل باید ارگان‌های اتحاد نیروهای ملی و وطنپرست باشند. در این ارگان‌ها باید نماینده‌گان کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، منسوبین قوای مسلح، ریش سفیدان معزز و اشخاص با اعتبار، روحانیون و علمای وطنپرست، نماینده‌گان ملیت‌ها، اقوام و قبایل، بهترین نماینده‌گان جوانان و سازمان‌های اجتماعی وجود داشته باشند.

درباره آماده‌گی و تدارک برای انتخابات باید به طور خاص صحبت شود. تصویب قانون هنوز به این معنی نیست که ما عملاً برای انتخابات آماده‌گی داریم. کار عظیمی لازم است تا اسناد تقنینی که طرز تدویر و سازماندهی انتخابات، اشکال و شیوه‌های کار جرگه‌ها، کمیته‌های اجرایی‌وی آنها و نماینده‌گان مردم را تنظیم می‌کند طرح و تدوین گردد و تحقق یابد. حل و فصل همه این مسایل، اکنون باید مقام عمده را در فعالیت هیأت رئیسه شورای انقلابی، شورای وزیران و همه ارگان‌ها و سازمان‌های ذیربط احراز کند. اکنون درباره کار ایدیولوژیک در رابطه با امری که در برابر ما قرار دارد، صحبت می‌کنیم.

نخست، باید محتوای قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان به همه‌گان روشن و تفهیم گردد. ثانیاً اینکه، تدارک و تدویر انتخابات باید از لحاظ ایدئولوژیک تأمین گردد. مردم باید بدانند که با اشتراک در انتخابات و پشتیبانی از بلاک (اتحاد) نیروهای ملی و وطنپرست به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان خودشان نیز جزء ارگانیک آن بوده و تنها از طریق پیروزی این اتحاد به آنچه که نیازمند می‌باشند و برای خود، خانواده و اولاد خود می‌خواهند، می‌توانند برسند. و برای اینکار ضرور است تا تبلیغ و ترویج، همه سیستم ارگان‌ها و وسایل اطلاعات جمعی و تمام مؤسسات ایدئولوژیک در سطح لازم باشند و بهتر، مشخصتر، پر بارتر و مؤثرتر از امروز فعالیت نمایند. کمیته‌های حزبی در همه سطوح باید این امر را سازمان دهند و تحت کنترل خود قرار دهند. با تمام جدیت، علاقه مندی، جوش و خروش، شور و شوق انقلابی و مردمی به این کار مشغول شوند تا واقعیت ما به عقول و قلوب همه هموطنان شرافتمند، زحمتکش و وطنپرست کشور برسد و نفوذ کند.

رفقا!

اگر آنچه را که گفتیم از لحاظ سیاسی ارزیابی کنیم و به همه مسایل امروز و فردا از موضع منافع انقلاب، خلق و وطن برخورد نماییم، نتیجه گیری می‌تواند فقط یکی باشد و آن اینکه ما واقعاً هم باید بیشتر و بهتر کار کنیم. ما باید به فانونین بهبود کار قویاً ارتقا نماییم و مسؤولیت، دسپلین و اجرای حتمی وظایف را تحکیم بخشیم. من باید با صراحت بگویم که بدون نظم نوین و انضباط حزبی و دولتی و ایفای وظایف اجتماعی خود، ما نقش خود را به حیث حزب حاکم انقلابی ایفا کرده نمی‌توانیم. از موضع طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور و برخورد طبقاتی، اصولی و خلاق انقلابی و فانونین کار در برابر تمام پدیده‌ها و مسایل، در فاش سرخ پیروزی را در وطن پرافتخار خود افغانستان دلیرانه و بی هراس در اهتزاز و سر بلند نگهداریم.

رفقا!

این پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظایف مشخص را در جهت تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب و تحکیم ارگان‌های حاکمیت دولتی در محلات مطرح و معین خواهد ساخت. باید همه اقدامات لازم را انجام داد تا این وظایف را

همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب عمیقاً و آگاهانه درک کنند و مردم ما آنها را بدانند. باید همه تدابیر ضروری را اتخاذ نمود تا کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و تمام حزب در مجموع به طور قاطع و پیگیر برای تحقق اهداف مطروحه مبارزه کنند.

در پلینوم ماه فیروزی ۱۹۸۴ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی رفیق کنستانتین اوستینوویچ چرنینکو که به اتفاق آرا به حیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شد، در بیانیه خود خاطر نشان ساخت.

«باید قادر بود که نه تنها اهداف درست را طرح کرد، بلکه با پیگیری و رفع هرگونه دشواری به آنها دست یافت. باید آنچه را که حاصل گردیده است با واقعینی و بدون کم بها دادن به آن، ارزیابی کرد. تنها چنین برخوردی ما را از اشتباه در سیاست و از وسوسه گرفتن آرزومندی به جای واقعیت محفوظ داشته و چنانکه لنین می‌گفت با وضاحت امکان آنرا فراهم می‌سازد تا دیده شود که ما چه را انجام داده ایم و چه را انجام نداده ایم.» وی همچنان علاوه کرد که تمام حزب باید چون تن واحد عمل کنند.

ما باید روحیه آشتی ناپذیری نسبت به کمبودها و نقایص، بازخواست و مطالبه جدی و ارتقای سطح مسؤولیت حزبی و دولتی را از حزب کبیر لنین بیاموزیم.

این همه را ما فرا می‌گیریم. با این ما به پیش می‌رویم و با اتکا بر آنچه که حاصل شده است آنرا غنا می‌بخشیم، اراده و انرژی حزب، زحمتکشان و تمام مردم را برای اجرای وظایف انجام نشده، حل پروبلم‌های کلیدی حال و آینده متمرکز و مترکم می‌سازیم. با این امر، ما به اهداف کبیر انقلاب ثور، شگوفانی و سعادت وطن محبوب خود می‌رسیم

رفقا!

ما وظایف ملی و دموکراتیک انقلاب را در کشور خود درک کرده ایم و آنها را مطرح نموده ایم و با اطمینان کامل و با عزم راسخ می‌گوییم که وظایف ملی و دموکراتیک انقلاب خود را به مثابه وظایف ایجاد شرایط اجتماعی-اقتصادی، مادی و فنی جامعه نوین درین مرحله تاریخی تا پیروزی نهایی ایفا می‌کنیم و سرانجام به مثابه هدف غایی، افغانستان نوین را ایجاد می‌نماییم.

بیانیه اختتامیه در جلسه نوبتی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان  
۳۰ حوت ۱۳۶۲

## بابه طور پیکیر می رشد و تحکیم اقتصاد ارتقای سطح اداره اقتصاد و بهبود و تکمیل شیوه‌های رهبری اقتصادی را ادامه می‌دیم

اعضای محترم شورای انقلابی!

ما در آخرین روز سالی که به آخر رسید بررسی نتایج و اجرای پلان و بودجه سال و همچنان پلان و بودجه سال ۱۳۶۳ را نیز به انجام می‌رسانیم. سال ۱۳۶۲، دستاوردهای معینی در عرصه اقتصاد به همراه داشت. در مقایسه با سال ۱۳۵۷ و سال ۱۳۶۱ آهنگ رشد اقتصادی سرعت یافت.

شاخص‌های اجرای پلان در صنایع و ترانسپورت تا حدودی بهبود حاصل نمود. تولید محصولات زراعتی افزایش یافت. گردش یا دوران کالای پرچون در تجارت دولتی، مختلط و کوپراتیوی رشد کرد.

این نتایج امیدوار کننده است. در عقب این نتایج کار با اهمیت سازمانی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، کمیته‌های حزبی ولایتی و شهری، سازمان‌های اولیه حزبی، سازمان‌های صنفی و سایر سازمان‌های اجتماعی در کلکتیف‌های زحمتکشان و عمده تر از همه، کار مشخص میلیون‌ها زحمتکش و قبل از همه کارگران و دهقانان نهفته است.

این نتایج حاکی از روند رشد نظام ملی و دموکراتیک ما و اشتراک فعال و زحمتکشی مردم ما در تحکیم این نظام، حاکی از سمت درست حزب، و تحقق واقعی اندیشه‌های

انقلاب ثور است.

من به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان به طبقه کارگر، دهقانان و تمام زحمتکشان کشور به خاطر کار پیگیر و صادقانه شان، به خاطر پشتیبانی شان از سیاست حزب، به خاطر تصمیم قاطع شان که می‌خواهند با کار و فعالیت مشخص، قدرت و توانایی وطن را تحکیم بخشند، افغانستان نوین، مترقی و دموکراتیک را اعمار نمایند، صمیمانه ابراز امتنان می‌کنم.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بر مبنای برنامه عمل حزب، تصمیم و فیصله‌های پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به طور پیگیر و استوارتر از گذشته، مشی رشد و تحکیم اقتصاد، ارتقای سطح اداره اقتصاد و بهبود و تکمیل میتودهای رهبری اقتصاد ملی را ادامه می‌دهد. همچنان تدابیر لازم را جهت تحکیم دسپلین دولتی و دسپلین کار، ارتقای سطح سازماندهی، کارایی و مسئولیت کادرها در برابر اجرای امر سپرده شده و به خاطر اجرای بلاقید و شرط وظایف و دستورهای حزب و دولت، پلان‌های دولتی، مصرف با احتیاط و دلسوزانه موادخام، منابع انرژی، مواد سوخت و وسایل دولتی از طرف همه مؤسسات و سازمان‌های دولتی، آمران و همه کارمندان، اتخاذ نموده و می‌نمایند.

همه این کار متوجه تحقق هدف عمده حزب و انقلاب ما یعنی بهبود زنده‌گی مردم ما و رسیدن به ترقی همه جانبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وطن محبوب ماست.

طرح پلان دولتی سال ۱۳۶۳ نیز متوجه همین هدف است. ترتیب پلان با دشواری‌ها و مشکلات معین همراه بود. پلان دولتی سال آینده به اندازه بیشتری نسبت به پلان‌های سال‌های قبل در سمت تحقق وظیفه مطروحه در یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی سبقت جستن اقتصاد از سطح سال ۱۳۵۷ است.

به این منظور پیشبینی می‌گردد تا آهنگی رشد اقتصادی سریعتر گردد. رشد درآمد ملی، تولید محصولات صناعتی و زراعتی و حجم تجارت افزایش یابد. علی‌الرغم آنکه امپریالیزم بین‌المللی ما را مجبور می‌سازد منابع و وسایل قابل ملاحظه را

صرف دفاع و امنیت کشور سازیم، باز هم در پلان سال ۱۳۶۳ رقم درشتی از منابع مالی و مادی برای نیازمندی‌های اجتماعی، تعلیم و تربیه، صحت عامه، اعمار منازل مسکونی و تأمینات اجتماعی در نظر گرفته شده است. این امر شاهد دگری است از توجه و مواظبت نسبت به بهبود وضع مادی، شرایط کار و معیشت مردم و مواظبت نسبت به رشد فرهنگی آنان. این مشی گذرا نبوده بلکه خواست دایمی حزب، حاکمیت انقلابی و انقلاب ماست.

از آنجایی که پلان دولتی رشد اقتصادی و اجتماعی و بودجه دولتی برای سال ۱۳۶۳ پس از تصویب ارگان عالی حاکمیت دولتی، شورای انقلابی، از همان لحظه تصویب حیثیت قانون را به خود گرفته و برای همه وزارتخانه‌ها، ادارات، مؤسسات و سازمان‌ها به طور بلاقید و شرط واجب‌الاجرا می‌باشد، آنها مؤظف اند تا دسپلین پلانی و مالی را اکیداً رعایت نمایند. دایم و به طور پیگیر ذخایر و منابع جدید را برای کار بلاوقفه و منظم هر مؤسسه و هر رشته اقتصاد جستجو کنند. شدیدترین صرفه جویی را در مورد منابع موادخام، مواد سوخت، انرژی و دگر منابع وسایل مالی دولت به کار ببندند. سطح تولید را ارتقا دهند و کیفیت کالاهای مورد مصرف مردم را بهبود بخشند. از امکانات و قدرت‌های تولیدی موجود استفاده مؤثر کنند، بهره دهی کار و سطح دسپلین و سازماندهی را ارتقا بخشند و از انگیزه‌های مادی و معنوی استفاده مؤثر و درست نمایند.

شورای وزیران باید تدابیر مزید و مؤثر را جهت رفع عقب‌ماندهگی مزم صنایع خفیفه و غذایی اتخاذ نماید. ما برای اینکار وزارتخانه جداگانه را به وجود آوریم. باید به این وزارتخانه کمک لازم سازمانی، مادی و تخنیکی صورت گیرد و همه کارهای ممکن انجام یابد تا رشته‌های عنعنه‌وی نه تنها عقب نمانند بلکه پیش بروند و به رشته‌های پیشرونده اقتصاد مبدل گردند. برای تأمین بلاوقفه صنایع خفیفه از لحاظ موادخام لازم است تا اقدامات سازمانی برای اجرای تدابیری که در جرگه پخته کاران طرح شده به عمل آید و تحت کنترل دایمی گرفته شود. البته مسأله رفع فوری عقب‌ماندهگی در اجرای پلان‌های استخراج زغال، نفت، بیرایت و تولید انرژی برق نیز در دستور روز حکومت و وزارتخانه‌های مربوط قرار دارد.

اعضای محترم شورای انقلابی!

در رابطه با بررسی پلان و بودجه سال ۱۳۶۳ که امروز صورت گرفت باید گفت

که به هیچ يك از شما پوشیده نیست که هنوز در اقتصاد ما نفایص، کمبودی‌ها و عدم تناسب معین وجود دارد. در امر مدیریت و اداره اقتصاد نیز کمبودی‌های قابل توجه داریم. حزب و حاکمیت انقلابی این کمبودها و ضعف‌ها را پنهان نمی‌کنند، بلکه برعکس تدابیر قاطع و جدی را برای رفع آنها اتخاذ می‌نمایند. تصامیم و فیصله‌های یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اهمیت بزرگی بسیج کننده را برای بهبود وضع اقتصاد کشور دارد.

اما ببینیم که آیا ما همه اقدامات لازم را برای اجرای فیصله‌های حزبی در مسایل اقتصادی انجام می‌دهیم یا نه؟ البته با تأسف که نه، تعداد زیاد پروبلم‌هایی که باید حل گردد تا کنون حل نشده است. باید متذکر شد که واقعاً هم پروبلم‌های جدی اقتصادی ناشی از علل عینی مانند عقب‌ماندگی که از رژیم‌های سابق استعمارگر به میراث مانده است، موجودیت طرزها و شیوه‌های مختلف و اشکال مختلف اقتصاد و تولید در اقتصاد، پیچیده‌گی اوضاع در بعض مناطق کشور در نتیجه جنگ اعلان نشده نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی علیه وطن ما، وجود دارد.

اما امروز در باره این پروبلم‌ها صحبت نمی‌کنیم. من می‌خواهم توجه شما را به آن پروبلم‌های اقتصادی کشور جلب کنم که نه تنها در نتیجه علل عینی که رفع آن زمان و شرایط می‌طلبد، بلکه عمدتاً بنابر عدم توجه و پرداخت به حل آن وجود دارد. برای اینکه این پروبلم‌ها درست درک گردد، در مورد مفهوم اقتصاد و نقش دولت در اداره آن صحبت می‌کنیم.

شما می‌دانید که استقلال کامل ملی یعنی استقلال سیاسی و اقتصادی و حاکمیت واقعی هر دولت در نتیجه موجودیت اقتصاد خوب رشد یافته که مستقیماً توسط دولت رهبری و اداره گردد ممکن است. اگر ما به واقعیت موجود کشور خود نظر اندازیم تصویر ذیل را مشاهده می‌کنیم. دولت تنها سکتور دولتی و مختلط یعنی آن بخش از اقتصاد را که متعلق به دولت است به طور مستقیم و بلاواسطه اداره می‌کند.

دولت به کمک اهرم‌های معقول مانند سیاست مالیاتی، کریدت بانکی، کنترل قیم بعض مواد مورد ضرورت اولیه، انحصار دولتی، قوانین تجارتی و سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی، امور سکتور خصوصی را می‌تواند تحت نظم و کنترل نسبی قرار بدهد.



برای اینکه رشد غیرمنظم و خود به خودی توده وسیعی از اشتراک کنندگان کوچک در فعالیت اقتصادی مانند دهقانان، خرده مالکین، پیشه وران، سایر خرده مالکین، مالکین و خرده تاجران حداقل خصوصیت سازمانی یابد ما باید ساده ترین اشکال کوپراسیون تعاون را معمول سازیم. شبکه خرید و فروش محصولات زراعتی و خرید و فروش متقابل کالاهای مورد ضرورت اولیه، شبکه خدمات تخنیکی به خرده مالکین و اعطای ماشین آلات زراعتی را بر اساس قرار داد ها سازمان دهیم.

با رشد و تحکیم سکتور دولتی اقتصاد، تمرکز وسایل اساسی تولید و مواضع حاکم در اقتصاد به دست دولت، شرایط و مقدمات لازم برای ایجاد سیستم واحد اقتصادی و کمپلکس واحد اقتصاد ملی فراهم خواهد شد.

تجارت در اقتصاد کشور برای تأمین نیازمندی‌ها و ضروریات مردم اهمیت به سزایی دارد. تولید و مصرف هم به وسیله تجارت باهم پیوند یافته و پروسه واحدی را در اقتصاد کشور تشکیل می‌دهد. ما باید در کوتاه‌ترین مدت ممکن به وضعی دست یابیم تا همه کالاهای مورد ضرورت اولیه، کالاهای که سکتور دولتی و مختلط تولید می‌کنند، کالاهای تحت انحصار و همچنان کالاهای که ما از اتحاد شوروی به شکل کمک بلاعوض و کشورهای دیگر بر اساس قراردادهای دوجانبه دولتی در یافت می‌داریم از طریق تجارت دولتی و کوپراتیف‌های مصرف، به فروش برسند. تنها به این ترتیب ما اطمینان حاصل خواهیم کرد که کالاهای ضروری برای رفع نیازمندی‌های زحمتکشان به قیمت عادلانه و به مقدار کافی به مردم و نه به محتکرین صاحب بازار سیاه و قاچاقبران به غرض صعود قیم و قاچاق، عرضه شده است. کار برای سازماندهی تجارت دولتی را باید وزارت تجارت و اتحادیه کوپراتیف‌های دهقانی به عهده بگیرند.

در شهرها تجارت دولتی باید توسط مؤسسات تجاری وزارت تجارت صورت گیرد و خدمات تجاری به دهقانان باید از طریق کوپراتیف‌های مصرف عرضه گردد. این ارگان‌ها باید تربیت کادر مربوط و پایه مادی و تخنیکی را مد نظر گیرند. باید از ساده ترین اقدام آغاز کرد و قبل از همه آنانی را که در مؤسسات، ادارات و سازمان‌های دولتی کار می‌کنند از لحاظ مواد مورد ضرورت اولیه تأمین کرد.

اداره و سازمان صنفی به خاطر منافع کارگران و کارمندان خود می‌توانند محل مناسب را برای مغازه در نظر گیرند، انتقال مواد را از طریق ترانسپورت خود

سازمان دهند و اشخاص صادق را به حیث فروشنده و تحویلدار مقرر کنند. ما جامعه عادلانه مترقی و دموکراتیک را اعمار می‌کنیم. حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه حزب طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان کشور و نیروی رهبری کننده و هدایت دهنده جامعه، دولت و حاکمیت انقلابی هدف عمده خود را بهبود شرایط زنده‌گی توده‌های عظیم مردم میداند. تولید نیز در کشور ما تابع این هدف است.

تولید باید رفاه و رشد آزاد و همه جانبه همه افراد جامعه را تأمین کند. در رابطه با این امر موقف و مقام طبقه کارگر ما نیز تغییر یافته است و تنها محدود به نقش مؤلّد مستقیم نعمات مادی نمی‌گردد. طبقه کارگر به شرکت کننده فعال در اداره امور دولت مبدل می‌گردد. این امر وظایف آنرا به طور بی‌سابقه توسعه داده و به فاصله میان فعالیت دولتی و کار تولیدی خاتمه می‌بخشد.

به این ترتیب زحمتکشان در جامعه دموکراتیک ما به مثابه نیروی عمده مؤلّد، کتگوری نوین اقتصادی را تشکیل می‌دهند که بیانگر مناسبات اجتماعی نوین و دموکراتیک است.

ما شکل گیری و تربیت انسان زحمتکش نوین دارای آگاهی انقلابی، با دسیلین و وفادار به انقلاب و وطن در شرایط مبارزه با روحیه کهنه و رابطه کهنه نسبت به کار از جانب آن کارگرانی که فقط شش سال قبل تحت ستم و استثمار قرار داشتند، فریب داده می‌شدند و بدون حقوق و بدون مدافع بودند، صورت می‌گیرد. محرومیت آنان از حقوق خودشان، وضع برده وار آنان در گذشته، روحیه مطابق به آنرا، یعنی عدم علاقه به کار، بی تفاوتی نسبت به نتایج کار و برخورد غیرمسئولانه نسبت به وسایل تولید نیز به وجود آورده است. در جامعه عادلانه ما، باید علیه همه مظاهر این روحیه مبارزه قاطع صورت گیرد.

کار پیگیر و پر تحمل تربیتی برای تحکیم دسیلین رفیقانه و آگاهانه برخورد خلاق نسبت به کار، ارتقای ابتکار و درک مسؤلیت و رشد فعالیت اجتماعی و سیاسی پیش برده شود.

همه این کارها فقط در صورت سازماندهی دقیق و ماهرانه کار، ارتقای سطح تعلیمات و سطح فرهنگی زحمتکشان و سازماندهی درست پرداخت دستمزد کارگران امکان پذیر می‌گردد.

سازماندهی کار در مؤسسات دولتی و مختلط بر مبنای اصول نوین و دموکراتیک، برقراری نورم‌های اجرای کار و معمول ساختن اصل توزیع نظر به کار یکی از پروبلم‌های مهم اقتصادی و اجتماعی دگریست که باید حل گردد.

در اکثر مؤسسات پرداخت گاه مزد وجود دارد. نورم‌های اجرای کار و معیار تولید محصول فی نفر تعیین نشده است. ارتقای درجه نه نظر به مهارت بلکه بنابر زمان کار صورت می‌گیرد، بنابراین انگیزه‌ی وجود ندارد تا کارگر سطح آموزش، فهم و مهارت خود را ارتقا بخشد و تلاش ورزد تا کار پر مهارت و تخصصی انجام دهد و سعی کند تا هر روز کدام نورم معین کار را اجرا کند.

همه شرایط لازم وجود دارد تا سیستم مترقی تر سازماندهی و پرداخت براساس کمیت کار (کارمزد) معمول گردد.

تکمیل و بهبود سازماندهی و پرداخت مزدکار در قانون تصدی های دولت که در ماه اسد ۱۳۵۹ به تصویب رسیده است نیز پیشبینی می‌گردد.

این امر خواست اکثریت قاطع کارگرانی است که با صداقت زحمت می‌کشند و به تقویت و تحکیم اقتصاد وطن توجه دارند.

کارگرانی که با دسپلین صادقانه کار می‌کنند و بیشتر از نورم تعیین شده تولید می‌نمایند به حساب فوند بخششی‌ها که هم اکنون در همه مؤسسات دولتی ایجاد می‌شود مورد تشویق قرار خواهند گرفت. موازی با این در هر مؤسسه باید آموزش حرفه‌وی و تخنیکی کارگران در کورس‌ها، کارگاه‌های آموزشی و نمونه مکاتب حرفه‌وی و تخنیکی سازمان داده شود تا کارگران حرفه‌های جدید را فراگیرند و سطح آمادگی و مهارت را در حرفه مربوطه خود ارتقا بخشند. برای اجرای این کار باید همه انجنیران، تخنیکران و سایر متخصصان دارای آمادگی لازم، جلب گردند.

سومین مسأله در رابطه به پرابلم‌های اقتصادی دولت عبارت است از مبدل ساختن همه مؤسسات تولیدی دولتی و مختلط به تصدی‌ها. از لحاظ شکلی و فورمالیته همه مؤسسات تولیدی به شکل تصدی فعالیت می‌کنند اما فقط بعض از آنها کارخانه

جنگلک، فابریکه خانه سازی، فابریکه کود کیمیایی واقعاً براساس اصول تصدی کار می‌کنند. قابل تعجب هم نیست که این مؤسسات پلان‌های دولتی را اجرا و مفاد معین را حاصل می‌کنند، تولید را توسعه می‌دهند و از اشکال مترقی تشویق و ایجاد علاقه مندی اقتصادی استفاده می‌نمایند.

به این ترتیب مؤسسات دولتی تمام رشته‌های اقتصادی در مقابل خود مثال‌ها و نمونه‌هایی دارند که از تجربه مفید آن استفاده کنند و خود را با آن مقایسه نمایند. یعنی راه‌های واقعی و آزموده شده در عمل وجود دارد تا در کوتاه‌ترین مدت تعداد مؤسسات غیرانتفاعی تقلیل یافته و سطح عمومی اقتصاد ارتقا حاصل کند.

پلان دولتی رشد اقتصادی و اجتماعی برای سال ۱۳۶۳ همه وزارتخانه‌ها و ادارات و همه کلکتیف‌های زحمتکشان را به این جهت سیر و سوق می‌دهد. در اخیر یکبار دگر می‌خواهم خواست‌های میرم و عاجل مردم را برجسته سازم، این خواست‌ها چیست؟

طوری که من در ملاقات با اعضای جرگه علما و روحانیون پرسیدم و نماینده‌گان روحانیون کشور با یک صدا گفتند: مردم جهاد عمومی و تشدید مبارزه علیه باندهای آدمکش و خرابکار داخلی و صادر شده از خارج را به خاطر پیروزی انقلاب می‌خواهند.

مردم حق زنده‌گی، مصونیت و امنیت فردی، خانواده گی و اجتماعی خود را می‌خواهند. مردم پایین آمدن و کنترل سطح قیمت‌های مواد اولیه و ضروری زنده‌گی روزمره را می‌خواهند.

مردم مبارزه علیه فساد، رشوه و سوء استفاده، احتکار، اصراف و زور گویی را می‌طلبند.

مردم ساده‌گی، درستی و فروتنی در برخورد را می‌طلبند و می‌گویند باید به عرایض و شکایات ما با دقت گوش داده شود و پاسخ عادلانه ارائه گردد.

مردم عمل می‌خواهد، نه حرف زیاد و عوام‌فریبانه. مردم جداً اتوریته و دسپلین حزبی، دولتی و کار را می‌طلبند و دشمن جاه طلبی، شهرت طلبی و خودخواهی استند.

رفقا! افکار عمومی مردم جمع‌بندی شده است. افکار عامه خواهان آنست تا دولت قوی، نیرومند، باصلاحیت و دشمن شکن بوده و قدرت حاکمه دولتی برای تحقق اهداف انقلاب توانمند باشد.

توده‌های مردم کار، زمین و آب و صلح سراسری کشور را می‌خواهند.

مردم می‌خواهند دولت در پیوند نزدیک با آنها باشد، لذا وظیفه حزب و دولت است که به این خواست‌های مردم هرچه زودتر پاسخ مثبت دهند. این مثنی جاری حزب است، شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان آنرا تایید می‌کند، قوه اجراییه، قضا، قوای مسلح و دستگاه اداره را مؤظف به اجرای آن می‌سازد.

انتشارات راه پرچم

<http://rahparcham1.org/>